اسناد
سیاسی

کتاب آبی

گزارشهای محرمانهٔ وزارت امورخارجهٔ انگلیس دربارهٔ انقلاب مشروطهٔ ایران

جلد پنجم

۳ ژانویه ۱۹۱۱ تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۱

بکوشش احمد بشیری

نشر نو

کتاب آبی

گزارشهای محرمانهٔ وزارت امورخارجهٔ انگلیس
دربارهٔ انقلاب مشروطهٔ ایران

به کوشش و ویراستاری
احمد بشیری

www.adabestanekave.com

جلد پنجم
از تاریخ ۳ژانویهٔ ۱۹۱۱ تا ۳۰سپتامبر ۱۹۱۱
(۱۲ دی ۱۲۸۹ تا ۷ مهر ۱۲۹۰ خورشیدی؛
اول محرم ۱۳۲۹ تـا ۶ شوال ۱۳۲۹ قمری)

نشر نو
تهران، ۱۳۶۳

چاپ اول: ۱۳۶۳
تعداد: ۵۰۰۰ نسخه
حق چاپ محفوظ است.

www.adabestanekave.com

لیتوگرافی: لیتوگرافی امیر
چاپ و صحافی: چاپخانهٔ کتیبه

www.adabestanekave.com

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوب‌ترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به‌دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر ازاین، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمك و یاری خوانندگان آگاه و بیداردل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشنگریها و توضیحات تازهٔ خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارك دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام‌خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارك خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیك یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشهٔ شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به‌همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۳۱۴ـ۱۱۳۶۵ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شمارهٔ ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به‌درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

www.adabestanekave.com

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همهٔ مردان و زنان آزاده و جانبازی‌که انقلاب مشروطهٔ ایران
را پدید آوردند
همهٔ روانهای پاکی‌که در راه بزرگداشت ایران‌کوشیدند وجان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند

نیاز می‌کنم .

احمد بشیری

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

دیباچه

چون تاریخ آئینهٔ سراپانمای حسن و قبح اعمال مردمان و بهترین سرمشق و عبرت از برای خوانندگان است و این اوقات تاریخ صحیحی که بدون طرفداری از شخصی یا حزبی و یا غرض‌رانی از نفسی یا گروهی در زبان فارسی که خوانندگان را به‌کار آید و باعث تذکر و تنبه گردد کمیاب و صعب‌الحصول است لهذا ارادهٔ معارف‌پرورانهٔ حضرت اشرف آقای سردار اسعد دام اقباله چنین تقاضا نمود که کتب آبی را که در حقیقت مفیدترین تاریخ ایران در مسئلهٔ مشروطه برای خوانندگان است بدست آورده ترجمه و طبع فرمایند. علیهذا ترجمهٔ این جلد سوم[1] را به این بنده تمدن‌الملك‌محول فرمودند این بنده هم با قلت وقت و عجله به ترجمهٔ آن پرداخت و حتی‌الامکان سعی نمود که به زبانی بسیار ساده ترجمه شود که خاص و عام را بالسویه بهره بخشد و امید است که خوانندگان محترم از مطالعهٔ این تاریخ که مأمورین کاردان دولت بهیهٔ انگلستان از روی کمال دقت برای آگاهی دولت و ملت خود از نقاط مختلفهٔ عالم به وزارت خارجهٔ دولت بهیه مخابره و مکاتبه نموده‌اند بهرهٔ وافی بردارند و از سهو و خطای در عبارات چشم‌پوشی فرمایند.

---

۱) چون جلدهای یکم و دویم کتاب آبی هرکدام یك جلد متمم دارد که در این چاپ متمم‌ها نیز بترتیب شماره‌گذاری شده‌اند لذا شمارهٔ این کتاب بجای جلد سوم جلد پنجم است. ــ م.

www.adabestanekave.com

بقیهٔ مکاتبات راجع به امور ایران

نمره ـ ۱

تلگرام سر جرج بارکلی[۱] به سر ادوارد گری[۲] (واصلهٔ سوم ژانویه)

از طهران مورخهٔ سوم ژانویهٔ ۱۹۱۱[۱۲ دی ۱۲۸۹؛ یکم محرم ۱۳۲۹]

لیوتنان کولونل «کوکس» راپرت می‌دهد که صولت‌الدوله با چهارصد نفر قشقائی و بعضی از خوانین دیگر با سوارهای شخصی خودشان که من‌حیث‌المجموع یك هزار نفر ایلاتی مسلح می‌شوند در بوشهر حاضرند. دولت ایران می‌گوید حضرات برای استقبال نظام‌السلطنه جمع شده‌اند ولی لیوتنان کولونل «کوکس» اندیشه دارد که اگر این جمعیت مدتی بدون خدمت بمانند خودسر خواهند شد علیهذا بر حسب تصویب جنرال قنسولگری بوشهر به دولت ایران تأکید کرده‌ام احکام لازمه به نظام‌السلطنه که بایستی فردا چهارم ژانویه وارد محمره شود بفرستد که هر قدر بتواند در ورود خود به بوشهر تعجیل نماید و نیز به دولت ایران اظهار کرده‌ام هرگاه بی‌نظمی در بوشهر بروز نماید برای حفظ و حمایت اروپاییان مقیم بوشهر از کشتیهای پادشاهی که فعلا مقیم بندر مزبور هستند پیاده کردن قوه به خشکی لازم خواهد شد و از طرف جنرال قنسول بوشهر به صولت‌الدوله و حکمران بوشهر نیز همینطور اخطار شده است.

---

۱) سر جرج بارکلی وزیرمختار انگلیس مقیم طهران.

۲) سر ادوارد گری وزیر امور خارجهٔ دولت بهیهٔ انگلیس.

نمره ـ ۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله چهارم ژانویه)
از طهران مورخهٔ چهارم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۱۳ دی ۱۲۸۹؛ ۲ محرم ۱۳۲۹]

دیروز وزیر امور خارجه در مجلس اظهار داشته که دولت ایـران مصمم است در فارس قوهٔ جاندارمری [= ژاندارمری] در تحت ریاست صاحبمنصبان خارجه تشکیل نماید و به وسیلهٔ وزیرمختار ایران در پاریس به دولت سوئد اظهار شده و شرایطی را که دولت مزبور پیشنهاد کرده در تحت دقت نظر است.

نمره ـ ۳

تلگرام سر اسپرینگ رایس[1] به سر ادوارد گری (واصله ششم ژانویه)
از استکهولم مورخهٔ ششم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۱۵ دی ۱۲۸۹؛ ۴ محرم ۱۳۲۹]

از قراری که در اینجا رسماً در جراید به طبع رسیده از طرف دولت ایران از دولت سوئد مقدمتاً استعلام‌شده که اگر دولت‌ایران برای‌تشکیل جاندارمری [= ژاندارمری] صاحبمنصب از دولت سوئد بخواهد دولت مشارالیها تقاضای دولت ایران را چگونه خواهد پذیرفت؟ لایحهٔ مزبور نیز می‌نویسد دولت سوئد جواب داده است مادامی‌که شرایط خدمت مفصلا معلوم نشود نمی‌تواند جواب قطعی بدهد.

نمره ـ ٤

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر اسپرینگ رایس
از وزارت خارجه مورخهٔ دهم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۱۹ دی ۱۲۸۹؛ ۸ محرم ۱۳۲۹]

آقا

امروز وزیرمختار سوئد از طرف دولت خود از سر نیکلسن سؤال نمود که هرگاه دولت سوئد تقاضای دولت ایران را در دادن صاحبمنصبان سوئـدی بجهت تشکیل جاندارمری [= ژاندارمری] ایران قبول نماید آیا موجب ملالت دولت پادشاهی خواهد شد؟ سر نیکلسن به کونت رانزل اظهار داشت که از نقطهٔ نظر پلتیکی دولت انگلستان مخالفتی با دادن صاحبمنصبان سوئدی ندارد و این مسئله بسته به میل دولت سوئد است. سر نیکلسن سؤال نمود که آیا به عقیدهٔ کونت رانزل میان صاحبمنصبان سوئدی کسانی یافت می‌شوند که به قدر لازمه زبان و عادات و رفتار اهالی مشرق را بدانند؟

کونت رانزل جواب داد که چند نفر از صاحبمنصبان سوئدی با نهایت موفقیت در دولت عثمانی مشغول خدمت بوده‌اند و نیز یقین دارد که دولت سوئد در انتخاب صاحبمنصبان دقت کامل به عمل خواهد آورد.

گری

---

۱) سر اسپرینگ رایس وزیرمختار انگلیس در سوئد.

نمره ـ ۵

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله یازدهم ژانویهٔ ۱۹۱۱)
از طهران مورخهٔ بیست و هفتم دسامبر ۱۹۱۰ ۱ [۵ دی ۱۲۸۹؛ ۲۴ذی‌حجهٔ۱۳۲۸]
آقا

افتخار دارم یادداشتی را که ماژور استوکس از مکاتیب و تلگرافات کفیل‌قنسولگری شیراز راجع به مذاکرات فیمابین دولت ایران و صولت‌الدوله در باب افتتاح شاهراه بین بوشهر و اصفهان در ظرف چند هفتهٔ گذشته استخراج و جمع نموده ارسال دارم.

از یادداشت مزبور معلوم می‌شود که هرچند صولت‌الدوله اظهار داشته که شاهراه بوشهر و شیراز باز است ولی اقدامات مشارالیه برای مصونیت راه مزبور و جلوگیری از سرقتها یا اطمینان دادن از پیدا کردن اموال مسروقه کافی نبوده و عده‌ای از تجار انگلیس در حمل مال‌التجارهٔ خود تردید کرده از من اطمینان می‌خواهند که دولت ایران مسئول سرقتهای واقعه شمرده شود و با وجود یادداشت‌رسمی بهارگذشته در افتتاح راه جره، نمی‌توانم چنین اطمینانی بدهم مگر اینکه بتوانم از دولت ایران اظهار رسمی در باز بودن راه تحصیل نمایم و تابحال نتوانسته‌ام چنین اظهاری را بدست بیاورم. معذالك این نکته نیز قابل توجه است که قوافل در این راه و راه شیراز و اصفهان عبور می‌نمایند و از پنجم دسامبر از هیچ‌نقطه‌ای خبر سرقتی نرسیده و بلاشك این پیشرفت از اثر سرمای هوا بوده نه به واسطهٔ اقداماتی که به‌جهت امنیت راه شده ـ و اما اگر دولت ایران در اقدامات خود استقامت بورزد و به واسطهٔ قبول استقراض از بانك شاهنشاهی قشون تدارك نموده به نظام‌السلطنه فرمانفرمای جدید فارس برساند البته مشارالیه تا آخر زمستان قوت و قدرتی خواهد داشت که بتواند با وضع حالیه بدون کمك صولت‌الدوله مقصود خود را از پیش ببرد. بهرحال اگر امنیتی‌که درعرض راه بوشهر و اصفهان در ظرف سه هفتهٔ گذشته حاصل شده امتداد یابد دیگر گمان نمی‌کنم چندان لازم بشود که مجدداً برای قبولاندن نقشهٔ خودمان به‌جهت امنیت راه اصرار نماییم.

بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۵

یادداشت ماژور استوکس

در اوایل نوامبر برحسب تقاضای وزیر داخله صولت‌الدوله وارد کازرون شده فوری مخابرات تلگرافی با مشارالیه به جهت افتتاح راه کازرون به عمل آمد. همان اوقاتی‌که مشغول مذاکره بودند در چهاردهم نوامبر سرقت عمده‌ای از طرف بویراحمدیها که مرکب از یکصد نفر پیاده و ده نفر سواره بوده‌اند در آق‌چشمه محل تلاقی راههای کازرون و فیروزآباد تقریباً دوازده‌میلی شیراز واقع و بیش از یکصد قاطر و یکصد بار برده شد که نصف اموال مسروقه مال تجار انگلیس بوده و این

۱) اصل: ۱۹۱۱ که ظاهراً اشتباه چاپی است.

سرقت وقتی اتفاق افتاد که مخل منافع شخصی صولت‌الدوله بود. مشارالیه در جواب تلگرافات کفیل قنسولگری انگلیس و تجار شیراز اظهار داشته که استعدادی برای استرداد اموال مسروقه فرستاده ولی تاکنون هیچیك از اموال مزبوره به دست نیامده و ضمناً مذاکرات افتتاح راه کازرون جاری بود.

صولت‌الدوله به ملاحظهٔ خسارات مالی که از انسداد راه جره متوجه شخص مشارالیه می‌شود و به واسطهٔ این‌که هرگاه راه کازرون باز شود حکومت مرکزی می‌تواند متدرجاً وسائل انتظام آنجا را فراهم نماید فوق‌العاده مخالف افتتاح راه مزبور بود زیرا اگر دولت به انتظام آن راه موفق شود نفوذ صولت‌الدوله در شاهراه تجارتی که وسیلهٔ عمدهٔ اقتدار او است از میان خواهد رفت ــ از طرف دیگر نمایندگان مشارالیه از طهران به او خاطرنشان کرده‌اند که دولت ایران نظر به یادداشت دولت انگلیس مورخهٔ چهاردهم اکتوبر باید راه کازرون را باز نماید و اگر او قبول افتتاح آن راه را ننماید دولت مجبور می‌شود که به‌قوهٔقهریه با او معامله‌نماید. صولت‌الدوله که از عدم ثبات و دوام خود در مقابل قوهٔ قهریه کاملا مطلع بود افتتاح راه را قبول نمود و دولت هم قبول کرد هرقدر مستحفظ که او برای افتتاح راه لازم بداند مواجب بدهد و از قراری‌که می‌گویند حکومت کمارج و ممسنی و بعلاوه همه قسم مساعدت را نیز به مشارالیه وعده داده‌اند علیهذا راه کازرون باز شد و از چهارصد نفر مستحفظی که قرار شده بود دولت مواجب بدهد دویست نفر بین شعبهٔ راه کازرون و شیراز برقرار گردید.

به اطمینان اعلان صولت‌الدوله در امنیت راه در هفتهٔ آخر ماه نوامبر کاروانی که متجاوز از سه هزار قاطر بود از شیراز برای بوشهر حرکت کرد. در بیست و هفتم ماه نوامبر جمعیت زیاد با استعدادی از سارقین که از قرار مذکور مرکب از بویراحمدی و قشقائی بوده‌اند در سر پل قره‌آقاج به کاروان مزبور برخورده یکصد و هشتاد و چهار بار و دویست و شصت رأس مال و دو نفر زن زواره را بردند. در این کاروانها مال‌التجارهٔ اتباع انگلیس هیچ نبوده. این سرقت غوغایی بین تجار شیراز برپا کرد و لطمهٔ بزرگی به اعتباری که مجدداً صولت‌الدوله تحصیل نموده بود وارد آورد.

در اواخر ماه نوامبر به واسطهٔ اقدامی که صولت‌الدوله در تنبیه طایفهٔ فارسی‌مدان که ظاهراً مسئول عمدهٔ خسارات واردهٔ به خطوط تلگراف در ماه اکتوبر گذشته بودند نموده بود در نزدیکی کازرون نزاعی بین قشقاییها واقع و تقریباً بیست نفر از طرفین کشته شدند.

سرقت سومی در پنجم دسامبر در چهل‌میلی شیراز واقع شد یعنی یك دسته از سارقین قشقایی و لر به کاروانی که مستحفظ همراه داشته حمله برده و از این سرقت خبر تفصیلی به‌دست نیامده، چیزی که واضح است این است که شیوع عدم رضایت طایفهٔ صولت‌الدوله از مشارالیه، مسئلهٔ امنیت راه کازرون را برای او بسیار دشوار نموده [چنانکه] تابه‌حال نه از عهدهٔ محافظت راه کازرون به‌خوبی برآمده و نه از استرداد اموال مسروقه. مع‌ذالك خیلی از قوافل شاهراه به سلامت به بوشهر رسیده و

می‌رسند و اکثر از تجار داخلی مال‌التجارهٔ خود را حمل می‌کنند. با وجود این بعضی از تجارتخانه‌های انگلیس تردید دارند و موکول بـه تحصیل اطمینانی از سفارت نموده‌اند که دولت ایران مسئول خسارات وارده بر آنها باشد. اولین نتیجهٔ یادداشت انگلیس مورخهٔ چهاردهم اکتوبر همین شده که صولت‌الدوله را فعلا مسلط و به افتتاح راه کازرون مجبور نموده. مدت سه ماه خیلی کم بود برای دولت ایـران که فرمانفرمای جدیدی به فارس بفرستد و خودش راه را دایر نمایـد. علیهذا دولت صولت‌الدوله را مخیر کرد که یا افتتاح راه را تعهد نماید یا این‌که یاغی دولت شناخته شود و او شق اولی را انتخاب نموده ـ فعلا در راه شیراز و اصفهان کاروان با امنیت عبور می‌نماید. این امنیت بیشتر به‌واسطهٔ نزدیك شدن زمستان است ـ و هرگاه حاکم مقتدری با قشون و استعداد حاضر نشود در بهار موقع حرکت ایلات قهراً دومرتبه زمان مخاطره خواهد بود.

نمره ـ ۶

مراسلهٔ سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ ژانویهٔ ۱۹۱۱)
از طهران مورخهٔ بیست و هفتم دسامبر ۱۹۱۰ [۵ دی ۱۲۸۹؛ ۲۴ذی‌حجهٔ ۱۳۲۸]
آقا

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع معمول ماهیانهٔ ایران را در مدت چهار هفتهٔ گذشته لفاً ارسال دارم.

امضاء بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۶
خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران لغایت ۲۷ دسامبر ۱۹۱۰

طهران

تمام خوانین بختیاری در اوایل دسامبر وارد طهران شده فوراً بعد از ورود خود از وزیرمختار دولت انگلیس دیدن کردند. همهٔ آنها بـه نظر دوست می‌آیند. میان خودشان این‌طور مقرر شده که سردار محتشم (ایل‌بیگی) و سردار بهادر پسر بزرگ سردار اسعد با اختیارات تامه از طرف سایر خوانین به بختیاری‌رفته که در آنجا بعضی مسائل مختلف‌فیه را اصلاح کنند و مصمم هستند که در دوم ژانویه از طهران حرکت نمایند. سردار اسعد هرچند فعلا از شغل خارج است ولی در طهران نفوذ و دخالت تام در امور سیاسی کماکان دارد. حسینقلی‌خان در ۲۷ شهر جاری از منصب وزارت خارجه استعفاء داده علیهذا تجدید تشکیل کابینه قریب‌الوقوع است.

در ششم شهر جاری [۱۴ آذر ۱۲۸۹؛ ۳ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۸] درخواست قرضه‌ای از بانك شاهنشاهی ایران از طرف صنیع‌الدوله وزیر مالیه به مجلس پیشنهاد شد. هرچند

لزوم استقراض از طرف اعضای مجلس انکار نشده اصرار کردند که پروگرام مخارج به استحضار آنها باشد و همچنین می‌خواهند اطمینان کامل از نظارت مخارج حاصل نمایند. این مسئله هنوز علناً مذاکره نشده است.

مشهد

وضع خراسان به‌همه‌جهت خوب نیست. روش پلیس محلی خیلی محتاج به اصلاح است. محمدعلی نیشابوری هنوز در گوناباد [= گناباد] مقیم است. در غیبت حاکم، ظهیرالسلطان دچار مشکلات زیاد است، نه پول دارد و نه قشون که حفظ اقتدار خود را نماید. معذلك کفایت و قدرت خوبی به خرج داده و در جلوگیری از بی‌نظمی خودداری نکرده است. همین‌که تلگرافات هیجان‌آمیز نجف به مشهد رسید که مؤکداً پروتست سخت برضد اعلان انگلیس مورخهٔ ۱۴ اکتوبر بود، ظهیرالسلطان جلوگیری کرده نگذاشت که تلگرافات مزبوره بدست مردم بیفتد و انجمن ایالتی را وادار نمود که به مخابرهٔ یك تلگرام پروتستی خطاب به نمایندگان خارجه در طهران اکتفاء کنند. راپرتهای تربت مشعر بر عدم امنیت آن نواحی و عموماً عدم انتظام راهها است.

ماژور سیکس (قنسول انگلیس در مشهد) در سیزدهم دسامبر تلگراف کرده که در مشهد احتمال اغتشاش می‌رود و نایب‌الحکومه از جان خود خائف است. در دره‌جز [= درگز] در اواسط نوامبر اغتشاش شروع شده حکومت و رئیس نظمیهٔ آنجا را از شهر خارج کردند. در بیست و پنجم حاکم جدیدی با قدری سواره از مشهد گسیل شد. در بیست و هشتم نوامبر [در] یك ازدحامی یك‌نفر از صاحبمنصب گمرك و هفت نفر سوار را کشته حاکم را زخمی کردند. در دویم دسامبر قسمتی از اهالی دره‌جز به باجگیران رفته گمرکخانه را که در تصرف صاحبمنصبان نظمیه بود توقیف و مسافرین را که بیشتر آنها از اتباع دولت روس بودند لخت کردند. همین‌قدر که عدهٔ آن جمعیت به سیصد نفر رسید در خیال حملهٔ به قوچان افتادند ولی یك اسکادران قزاق روسی که از قوچان مرخص شده به مشهد می‌رفتند دوباره به قوچان عودت‌داده شدند و به‌همین‌جهت شهر قوچان از حمله و غارت آنها خلاصی یافت. سپس قنسول جنرال روس پیشنهاد نمود پنجاه نفر قزاق در قوچان بگذارند و چهارصد نفر هم در غدان که سرحد است حاضر باشد که در موقع لزوم احضار شوند. ماژور سیکس با این پیشنهاد موافقت نمود ــ در سیزدهم دسامبر ماژور مشارالیه راپرت داد که حاکم جدید دره‌جز بمحض ورود آنجا محبوس و نوکرهای او کشته شدند و مظنون است که هنوز سیصد نفر از غارتگران مزبور در نزدیکی قوچان باشند.

مسیو پوکلوسکی[پاکلوسکی] (وزیرمختار روس درطهران) در پیشنهادهای مسیو گریگوریف (قنسول روس در مشهد) تغییرات داده پنجاه نفر قزاق برای قوچان و فقط یکصد نفر بجهت غدان تصویب کرده است.

بیرجند

در شب سوم نوامبر بین علی‌آباد و بندان ده نفر مسلح به کاروان مستر هوسن حمله برده خوشبختانه مستر هوسن و فامیلش قدری عقب‌تر از کاروان بوده‌اند به مجرد اینکه صدای شلیك بلند شد با چند نفر از سواره چقایی خود را رسانیده همین‌قدر که نزدیك شدند سارقین پانزده نفر از شترها را با بار پیش کرده فرار نمودند. مستر هوسن در سپیده‌دم آنها را تعاقب کرده دوازده شتر با بار را از آنها پس گرفت. اگرچه تا سی میل آنها را تعاقب نمود ولی دزدها سه نفر از شترها را پیش کرده بدر رفتند.

سیستان

از قراری‌که راپرت رسیده راههای سیستان ناامن است و چندین سرقت شتر از کاروانها اتفاق افتاده. برای قوافل حرکت بدون مستحفظ خالی از مخاطره نیست و تحصیل مستحفظ از سوارهای ایرانی خیلی مشکل است.

اصفهان

وضع شهر بحال سابق است. قیمت ارزاق بالا رفته. برف زیاد باریده. سرما و گرانی آذوقه از قرار مذکور فوق‌العاده موجب سختی و ناخوشی گردیده. بلدیه ترتیبی بجهت خریداری گندم از محتکرین عمده داده ولی تاکنون قیمت گندم تنزل نکرده است در ظرف این ماه عده‌ای از بختیاریها به انجمن ولایتی شکایت نموده‌اند که رؤسای آنها حقوق استخدامشان را در کاشان نپرداخته‌اند. انجمن هم سعی کرده این اختلاف را با رؤساء که فعلا در طهران هستند رفع نمایند. وضع ولایت اصفهان علی‌الظاهر خوب و روی هم رفته راهها امن است. پست شیراز تا آباده با کوله‌بار و از آنجا به اصفهان با اسب حمل می‌شود و از بیست و هشتم نوامبر خبر سرقتی در عرض راه شیراز نرسیده. در هیچیك از راهها در ظرف ماه دسامبر سرقتی اتفاق نیفتاده است.

یزد

غیر از راه نائین که در این اواخر بخوبی امن بوده تمام راهها خیلی مغشوش و خبر سرقتهای متعدد رسیده است. دسته‌های زیاد سارقین که قوافل را می‌زنند و دهات را می‌چاپند در اطراف هستند. مسیو پطروف در انار متوقف نمی‌تواند به یزد بیاید. سالار مؤید حکمران سابق در هفدهم نوامبر از یزد حرکت کرد. ضیغم‌الدولهٔ قشقایی بجای او حاکم شده ـ در ویس قنسولگری دولت انگلیس فعلا بستی نیست ولی در ظرف چند هفتهٔ گذشته چندین نفر پناهنده شده بودند. علتی که موجب پناهندگی آنها بوده خطر مستقیم و غیرمستقیمی که از حاکم سابق به آنها می‌رسیده بوده است.

کرمانشاهان

نظام‌السلطنه در بیست و هشتم نوامبر [۶ آذر ۱۲۸۹؛ ۲۵ ذی‌قعدهٔ ۱۳۲۸] از راه

پشت‌کوه به سمت شیراز حرکت کرده. تا ورود رکن‌الدوله حکمران جدید دو نفر نایب‌الحکومه برای اینجا معین شده. رؤسای دسته‌هایی‌که در کرمانشاه مخالف‌یکدیگرند مجتمع و هم‌قسم شده‌اند که در آتیه با موافقت یکدیگر کار بکنند. اطراف کرمانشاه تا یك‌درجه مغشوش بوده و به موجب راپرت واصله در راهها چندین سرقت اتفاق‌افتاده است. راه بین قصرشیرین و سرپل بواسطهٔ بودن سارقین در آنجا که از قرار مذکور کلهر هستند ناامن است. بین تیره‌های مختلفهٔ ایل کلیایی نزاع واقع شده نایب‌الحکومه مأموری برای اصلاح بین آنها فرستاده است.

همدان

به‌موجب راپرتهای واصله سرقت قوافل دو دفعه در نزدیکی همدان واقع شده. در هر یك از دو دفعه چهار نفر به دست سارقین کشته شده‌اند. در بیستم نوامبر پست را با امانات و مسافرین را زده‌اند و یك‌نفر از مستخدمین قنسولگری کرمانشاه بین منهوبین بوده است. در آخر ماه نوامبر حکمران آنجا استعفاء داده امور حکومتی را به رؤسای ادارات سپرده و حرکت کرد.

کرمان

وضع شهر به حالت سابق باقی است ولی قنسول پادشاهی انگلیس اوضاع ایالت را در ماه نوامبر خیلی رقت‌آمیز [رقت‌انگیز] شرح می‌دهد. راه یزد هنوز بواسطهٔ راهزنان مسدود است. از قرار راپرت واصلهٔ بیست و چهارم دسامبر چهارصد نفر آنها در تحت ریاست صمصام‌نظام در چهارمیلی راه کمال‌آباد بوده‌اند. هرچند از حرکت بلوچها [بلوچها] خبرها شهرت می‌دهند ولی خبری از حرکت واقعی آنها نرسیده است.

بندرعباس

در بیست و یکم نوامبر در عرض راه کرمان یك قافله را زده‌اند و معادل یکصد لیره مال‌التجارهٔ اتباع انگلیس جزء اموال غارتی رفته است.

نمره ـ ۷

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ ژانویهٔ ۱۹۱۱)

از طهران مورخهٔ بیست و یکم دسامبر ۱۹۱۰ [۲۹ آذر ۱۲۸۹؛ ۱۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۸]

آقا

افتخار دارم ترجمهٔ یادداشت دولت ایران در جواب یادداشت من مورخهٔ هفدهم ماه

گذشته (رجوع به کتاب آبی راجع به ایران نمرهٔ یك سال ۱۹۱۱ نمرهٔ ۲۰۶ بشود)۱ در خصوص عدم امنیت راههای جنوب را لفاً تقدیم نمایم.

امضاء بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۷

از طرف وزیرزاده به سر جرج بارکلی

جناب جلالتمآبا در جواب مراسلهٔ جوابیهٔ مورخهٔ چهاردهم ذیقعدهٔ آن جناب جلالتمآب با کمال احترام زحمت‌افزاست. اینکه اثرات توقف قشون خارجه را در خاك ایران خارج از موضوع تصور نموده‌اند بطوری‌که خاطر مهام‌شناس آن جناب مستحضر است جای شبهه نیست که وجود عساکر اجنبی در داخلهٔ مملکت طبعاً خاطر اولیای امور را مشغول و سکته به حیثیت دولت وارد آورده و بدین‌جهت از مقاصد حسنهٔ دولت در تنظیمات کامله بطور مطلوب نتیجه حاصل نمی‌شود و چون در مراسلهٔ هفتم شوال نمرهٔ ۵۵۸۱ دوستدار شرح داده شده دیگر تکرار آن‌را در این مورد لازم نمی‌داند. در باب مراودات بین بوشهر و شیراز که اشاره فرموده بودند بر آن جناب جلالتمآب مستور نیست که اولیای دولت علیه که همواره استقرار مراودات تجارتی را در نظر داشتند مخصوصاً صولت‌الدوله را برای انتظام راه بوشهر و شیراز مأمور نموده‌اند و بعلاوه به جهت تکمیل انتظامات اولیای دولت علیه مقدمتاً اقداماتی نموده که در این موقع اجمالا به اطلاع آن جناب می‌رساند. اولا فرمانفرمای کافی با تعلیمات لازمه به فارس مأمور و روانه شده و عماقریب به محل مأموریت وارد خواهد شد و بعد از ورود اقدامات اساسی برای تکمیل انتظام کلیهٔ آن صفحات خواهد نمود. ثانیاً مسئولیت حفظ امنیت راه کازرون به صولت‌الدوله واگذار شده فعلا مشارالیه در آن راه سیصد و هشتاد نفر پیاده و سوار مستحفظ گذاشته و مراقبت کامل به عمل می‌آورد. موافق اخبار موثقه راه کازرون هم در نهایت امنیت است. ثالثاً اردویی مرکب از سواره و پیادهٔ توپخانه اعزام شده هفتصد نفر آنها با سه عراده توپ که از طهران حرکت کرده‌اند از قم گذشته‌اند و دو فوج همدان و جلالی در اصفهان به اردو ملحق می‌شوند. این اردو علاوه بر ساخلوی است که در فارس موجود است. رابعاً یك مبلغ معتد به از وجه استقراضی که در شرف انجام است برای تکمیل امنیت منظور خواهد شد و دولت مشغول ترتیب وسایلی است که بواسطهٔ آن مخارجی که برای این مقصود لازم است بطور صحیح داده شده و تفتیش آن بوجه اکمل به عمل آید. خامساً علاوه بر اینکه یکی از صاحبمنصبان نظامی اروپایی که در خدمت دولت ایران است عاجلا برای انتظام ژاندارمری به فارس مأمور شده و عماً قریب چند نفر مستخدم که از خارج خواسته‌شده وارد خواهند شد یقین کامل حاصل است که به‌این‌ترتیبات منظورات اولیای این دولت علیه برای تکمیل موجبات انتظام کاملا به عمل آمده و نگرانی که آن جناب تصور فرموده‌اند مرتفع خواهد گردید. اما اینکه اظهار فرموده‌اند که ازدیاد گمرکات

۱) نشانی داده شده با مطالب کتاب منطبق نیست. ـ م.

تخاقوی‌ئیل[1] ۱۰ـ۱۹۰۹ راجع است به شمال و نه به جنوب لازم است خاطر محترم را به این نکته متوجه نماید که جهت ازدیاد عواید گمرکی شمال بر جنوب فقط وارد شدن مقدار مهمی نقره است و ربطی به مسئلهٔ تجارت عمومی مملکت ندارد و اینکه آن جناب جلالتمآب در ضمن مراسلهٔ محترمه مرقوم داشته‌اند عایدات بوشهر در سنهٔ گذشته خیلی کمتر از سنهٔ پیچی ئیل ۹ـ۱۹۰۸ بوده و همچنین عایدات مزبوره در سنهٔ پیچی‌ئیل ۹ـ۱۹۰۸ خیلی کمتر از سال قبل آن بوده است محترماً خاطر آن جناب را مطلع می‌دارد که اگرچه عایدات گمرکی بوشهر در سنهٔ پیچی‌ئیل کمتر بوده لکن در عوض بر عایدات گمرکی و سایر بنادر جنوب مضاعفاً اضافه شده است. در این صورت به خوبی واضح است که حتی در موقع مراجعه به عواید گمرکی سه سال اخیر میزان عایدات پنج‌ماهه که در مراسلهٔ دوستدار ذکر شده ترقی محسوس را داراست. اما در باب ازدیاد پنج‌ماههٔ اول هذه‌السنه که مرقوم فرموده‌اند حاصل امساله استثنائاً خیلی زیاد بوده است احتراماً زحمت می‌دهد که زیادی محصولات تجارتی فقط در عایدات راجعه به صادرات می‌تواند اثر داشته باشد نه واردات. در خصوص اینکه اظهار فرموده‌اند عایدات گمرک بوشهر صدی دوازده افزوده شده است زاید نمی‌داند که به خاطر آن جناب متذکر شود با اینکه ازدیاد صدی دوازده هم اضافه‌ای معتنابه و قابل دقت‌است و در اسطاتسطیك[2] تجارتی سایر دول هم همین مقدار اضافه دلیل بر رونق تجارتست مع‌هذا ازدیاد عایدات گمرک بوشهر خیلی بیش از صدی دوازده است چنانچه ۲۰۹۴۲ تومان اضافه ایت‌ئیل و تخاقوی‌ئیل است که تفاوت آن صدی بیست می‌شود و اگر فقط حقوق گمرکی واردات را منظور داریم زیادی ایت‌ئیل بر تخاقوی‌ئیل ۲۵۴۱۲ تومان است که صدی بیست و پنج تفاوت پیدا می‌نماید. دوستدار یقین دارم که با این تفصیل خاطر اصول شناس آن جناب تصدیق خواهد فرمود که به تجارت کلیه در سمت جنوب نکثی وارد نشده و بلکه در این سنوات اخیره در فزایش و ترقی بوده است. در خصوص اضافهٔ صدی ده بر حقوق گمرکات جنوب اولیای دولت علیه از حسن مساعدتی که دولت فخیمهٔ انگلیس نموده‌اند امتنان حاصل نموده با اهمیت فوق‌العاده که به تکمیل نظم و استحکام روابط تجارتی داده می‌شود ترتیبی اتخاذ خواهد شد که وجوه حاصله از این راه مؤثراً به مصرف منظور برسد در این صورت دوستدار یقین دارد ترتیبی که دولت علیه برای مصرف وجوه مزبوره بطور مؤثر در نظر دارند برای ابقای این شرط کافی خواهد بود.

اما در جواب جملهٔ اخیرهٔ مراسلهٔ آن جناب خاطر محترم را به مندرجات مراسلهٔ خود مورخهٔ هفدهم شوال معطوف نموده احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

امضاء وزیرزاده

---

۱) پیش از سال ۱۳۰٤ خورشیدی که تقویم ایران با ماههای ایرانی (شیوهٔ کنونی) مرسوم شد سال‌شماری در ایران یا با تقویم هجری قمری بود و یا با سال‌شماری ترکی که هر سال با نام یك جانور شمرده می‌شد (مانند تخاقوی‌ئیل = سال مرغ). ـ م.

۲) استاتسطیك = استاتیستیك = آمار. ـ م.

نمره ـ ۸

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله یازدهم ژانویه)
طهران مورخهٔ یازدهم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۲۰ دی ۱۲۸۹؛ ۹ محرم ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخهٔ سوم ژانویه بفرمایید. فرمانفرمای فارس دیروز وارد بوشهر شد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۹

مراسلهٔ سر برتی به سر ادوارد گری (واصله چهاردهم ژانویه)
پاریس مورخهٔ چهاردهم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۲۳ دی ۱۲۸۹؛ ۱۲ محرم ۱۳۲۹]
آقا

وزیرمختار ایران امروز به من اطلاع داد که شاه مخلوع که در نیس با ظل‌السلطان مشغول مشاوره بود در سی و یکم دسامبر وارد پاریس شده و در دوم شهر جاری به خیال مراجعت به طهران حرکت کرده است و قبل از مراجعت به طهران به بروکسل و برلن و وینه خواهد رفت. وزیرمختار ایران ادلهٔ مثبته دارد که اعلیحضرت مزبور با بعضی از طرفداران خود در ایران مکاتبه داشته و آنها او را تشویق می‌کرده‌اند همین‌قدر که به ایران وارد شود خیلی هواخواه خواهد داشت و ابداً مایهٔ تعجب نخواهد بود که با این حال اعلیحضرت اقدام به معاودت به مملکت خود نماید. عقیدهٔ شخصی وزیرمختار ایران بر این است که معاودت شاه مخلوع به ایران مقرون به موفقیت نخواهد بود ولی مایهٔ بدبختی ایران خواهد شد.

امضاء فرانسیس برتی

نمره ـ ۱۰

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر جرج بکانن [بیوکانان] (وزیرمختار انگلیس در سن پطرزبورغ)
از وزارت خارجه مورخهٔ بیست و سوم ژانویهٔ ۱۹۱۱
آقا

سواد مراسلهٔ سفیر دولت انگلیس را در پاریس لفاً برای جنابعالی فرستادم. از مراسلهٔ مزبوره چنین مستفاد می‌شود که اقدام شاه مخلوع ایران در مراجعت به مملکت خود خالی از واقعیت نیست.

جنابعالی باید اطلاعات مسطورهٔ مراسلهٔ مزبوره را محرمانه به وزیر امور خارجهٔ دولت روسیه ابلاغ کنید که در صورتی‌که مقتضی‌بدانند به‌مقامات لازمه اخطار نمایند که‌بعداز مراجعت محمدعلی به‌روسیه بیش‌از سابق هشیار و مراقب حرکات او باشند.

امضاء ادوارد گری

نمره ـ ۱۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و پنجم ژانویهٔ ۱۹۱۱)
از طهران مورخهٔ بیست و پنجم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۵ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخهٔ چهارم ژانویه بفرمائید ـ وزیر خارجه به من اطلاع داده که دولت ایران می‌خواهد بواسطهٔ صاحبمنصبان سوئدی تشکیل یك قوهٔ جاندارمری [= ژاندارمری] ملی بنماید و اینکه در ضمن اظهاری که در مجلس نموده فقط از فارس اسم برده برای این بوده که مذاکرات آن روز مجلس فقط راجع به ایالت فارس بوده است.

نمره ـ ۱۲

تلگرام مستر برایس (وزیرمختار انگلیس در واشنگتن) به سر ادوارد گری (واصله بیست و ششم ژانویه)
واشنگتن مورخهٔ بیست و ششم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۶ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۹]
از قراری‌که اطلاع حاصل کرده‌ام شارژ دافر ایران بر حسب‌دستورالعمل دولت خود از وزیر خارجه تقاضا کرده است که در استخدام پنج نفر مستشارهای مالیه برای دولت ایران با مشارالیه موافقت نمایند. از قراری‌که در روزنامه‌ها می‌نویسند این تقاضا از طرف مستر ناکس اجابت خواهد شد.

نمره ـ ۱۳

تلگرام مستر برایس به سر ادوارد گری (واصله بیست و هشتم ژانویه)
واشنگتن مورخهٔ بیست و هفتم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام بیست و ششم ژانویهٔ من بفرمایید ـ از قراری که اطلاع حاصل کرده‌ام دولت ممالك متحده برای دولت ایران صورتی از متخصصین مالیه که بیشتر آنها تجربیات خارجی داشته باشند معین نموده مناسب می‌دانند دو نفر از آنها را انتخاب کرده و تعیین معاونین را به عهدهٔ خود آنها واگذار نمایند.

نمره ـ ۱۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دوم فوریه)
از طهران مورخهٔ اول فوریهٔ ۱۹۱۱ [۱۲ بهمن ۱۲۸۹؛ یکم صفر ۱۳۲۹]
یکی از اتباع روس که اخیراً داخل خدمت دولت ایران و رئیس نظمیهٔ اصفهان بود امروز صبح به سمت حکمران آنجا تیر انداخته و او را سخت مجروح نموده است. مقصر در جنرال قنسولگری دولت روسیه پناهنده شده است.

نمره ـ ۱۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دوم فوریه)
طهران مورخهٔ سوم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۱۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۳ صفر ۱۳۲۹]
دیروز مجلس تصویب نمود دولت کنترات مستشارهای مالیهٔ امریکایی را بسته و مبلغ پنجهزار و ششصد لیره مواجب آنها را تصویب کرد و با شعف فوق‌العاده به تحسین و اظهار تشکر از وزیرمختار آمریك رأی داده شد.

نمره ـ ۱۶

مراسلهٔ سر ادوارد گری به سر اسپرینگ[1] رایس
وزارت خارجه سوم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۱۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۳ صفر ۱۳۲۹]
آقا

وزیرمختار سوئد در سی‌ام ماه گذشته در باب صدی ده اضافهٔ گمرك بنادر فارس که در یادداشت آخری که از طرف سر جرج بارکلی به دولت ایران داده شده توضیحات خواسته مطلب را سر نیکلسن واضحاً بمشارالیه حالی نموده بعد از آن کنت رانتزل اظهار داشت که تا به‌حال دولت مشارالیه در باب مأمورین سوئدی به‌جهت تشکیل ژاندارمری ایران اقدامی نکرده در جواب سر نیکلسن به مشارالیه گفت تا بجایی‌که مربوط به دولت انگلیس بود مانعی برای اقدام نداشته‌اند. مذاکره‌ای که در این خصوص بین کنت رانتزل و خود او شده این مسئله مبرهن گشته که استخدام این صاحبمنصبان برای تمام ایران بوده نه فقط برای فارس چنانچه سابقاً فهمیده شده است.

کنت رانتزل گفت بخاطر دارد که در دفعهٔ اخیری که این مسئله بین او و سر نیکلسن مذاکره شد سر نیکلسن گفته که صاحبمنصبان برای خدمت سمت جنوب لازم بوده‌اند سر نیکلسن اظهار نمود که راجع به شمال به دولت روسیه بیشتر مربوط است تا به دولت انگلیس و شاید از طرف دولت سوئد یا دولت مزبور در سن‌پطرزبورغ مذاکره شده باشد.

امضاء گری

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله چهارم فوریه)
طهران مورخهٔ چهارم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۱۵ بهمن ۱۲۸۹؛ ۴ صفر ۱۳۲۹]
از طرف دو نفر قفقازی که ظاهراً تبعهٔ روس هستند بطرف صنیع‌الدوله وزیر

---

۱) اصل: اسپرنیگ

مالیه شلیك شد و مشارالیه سخت مجروح گشته و مقصرین گرفتار شده‌اند. چهار نفر پلیس در موقع دستگیری مقصرین مجروح گردیده‌اند.

نمره ـ ۱۸

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پنجم فوریه)

طهران مورخهٔ پنجم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۱۶ بهمن ۱۲۸۹؛ ۵ صفر ۱۳۲۹]

متمم تلگرام من مورخهٔ چهارم فوریه ـ صنیع‌الدوله بین شب چهارم و پنجم فوریه وفات کرد. مسیو پوکلوسکی [پاکلوسکی] درصدد خواستن قاتلین است که پس از اینکه در اینجا تحقیقات موافقتی (از طرف دولت ایران و روس) به عمل آمد، موافق ترتیبات معموله برای محاکمه به روسیه فرستاده شوند.

نمره ـ ۱۹

مراسلهٔ سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم فوریه)

طهران مورخهٔ بیست و یکم ژانویه ۱۹۱۱ [یکم بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۹ محرم ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم که سواد یادداشتی را که بموجب دستورالعمل جنابعالی در جواب یادداشت دولت ایران مورخهٔ بیست و هشتم دسامبر گذشته در خصوص برقراری نظم در راه بوشهر و اصفهان امروز نوشته‌ام لفاً ارسال می‌دارم.

امضاء جرج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۹

مکتوب سر جرج بارکلی به محتشم‌السلطنه

آقای وزیر

در ابلاغ یادداشت وزیرزاده مورخهٔ بیست و هشتم دسامبر به دولت خودم قصور ننموده‌ام و مأمورم که جنابعالی را اطلاع بدهم که دولت انگلیس با کمال رضایت‌مطلع و ملتفت شده که دولت ایران در اعادهٔ انتظام راههای جنوب اقدامات مخصوصی به‌عمل آورده ـ راپرتهای صاحبمنصبهای قنسولگری نشان می‌دهد که قلت سرقت در بین شاهراه بوشهر و شیراز در ظرف چند هفتهٔ گذشته چندان بواسطهٔ تدارکات صولت‌الدوله در امنیت راهها نبوده بلکه بیشتر از اثر سختی فوق‌العادهٔ هوا بوده است ـ مادامی‌که اجرای اقداماتی‌که دولت ایران بر آن مصمم شده ظاهر نشود دولت انگلیس نمی‌تواند بسنجد که آیا ممکن است آن اقدامات بجای نقشهٔ مقرره در اعلان من مورخهٔ چهاردهم اکتوبر قبول بشود یا نه و نیز دولت انگلیس در قصد دولت ایران اعتراف دارد که این اقدامات ثابت می‌دارد که دولت مشارالیها مصمم شده که حتی‌القوه

در اعادهٔ انتظام راههای تجارتی جنوب بکوشد. علیهذا دولت انگلیس مایل است که در تأکید به قبولاندن نقشهٔ خودش را به دولت ایران، دست نگاه دارد و موکول به بروز نتایج آتیهٔ اقدامات مزبوره نماید. به هر حال عرض می‌کنم که باید توضیحاً دانست همین‌که در راه بوشهر و اصفهان اغتشاش بروز نماید دولت انگلیس این حالت تأمل را تغییر خواهد داد و در هر لحظه‌ای که ببیند اقدامات دولت ایران در برقراری امنیت لازم فوری کافی نیست در تأکید بکارداشتن صاحبمنصبهای هندی محق خواهد بود ـ در خصوص پیشنهاد اضافه‌حقوق گمرکی مأمورم که به جنابعالی بنمایم که در حقیقت این اضافه یك خراجی است بر تجارت انگلیس و دولت انگلیس تحمل این سربار را مثل یك بهانه و وسیلهٔ موقتی در صورتی تحمل‌پذیر می‌داند که صاحبمنصبهای انگلیس در تشکیل استعداد در کار و مسئول دولت ایران باشند و مخارج آنها از آن اضافه پرداخته شود والا دولت انگلیس نمی‌تواند آن اضافه را که فقط وسیله‌ای برای پیشرفت مقصد دولت ایران باشد که می‌خواهد یك اضافه حقوقی برقرار نماید که آن اضافه‌حقوق بایستی بر عایدی معمولی دولت مشارالیها برقرار شود، قبول نماید آنهم بدون این‌که مطمئن باشد که آن مقصد پیشرفت خواهد کرد یا نه.

نمره ـ ۲۰

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
وزارت خارجه ششم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۱۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۶ صفر ۱۳۲۹]
راجع به تلگرام جنابعالی مورخهٔ پنجم فوریه در خصوص قتل صنیع‌الدوله.
مراتب تسلیت دولت اعلیحضرت پادشاهی را به دولت ایران تقدیم نمایید.

نمره ـ ۲۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله نهم فوریه)
طهران مورخهٔ نهم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲۰ بهمن ۱۲۸۹؛ ۹ صفر ۱۳۲۹]
نایب‌السلطنه دیروز وارد شد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۲

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
وزارت خارجه نهم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲۰ بهمن ۱۲۸۹؛ ۹ صفر ۱۳۲۹]
در موقع مناسبی لازم است به نایب‌السلطنه اظهار نمایید که دولت انگلیس مراجعت ایشان را به طهران تبریك گفته و از خبر ورود و سلامتشان خوشوقت است. دولت انگلیس موفقیت ایشان را در انجام وظیفه‌شان آرزومند بوده مطمئن است که تمام

اقدامات ممکنه را در برقراری نظم و آسایش به عمل آورده خود را فدای پیشرفت سعادت مملکت خود نمایند.

نمره ـ ۲۳

تلگرام سر بکانن [= بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله یازدهم فوریه)
سن پطرزبورغ مورخهٔ یازدهم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲۲ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۱ صفر ۱۳۲۹]

به مسیو پوکلوسکی [پاکلوسکی]۱ دستورالعمل داده شده است که در اول ملاقات رسمی خود به نایب‌السلطنه اطلاع بدهد که اوامر لازمه برای برداشتن قشون روس از قزوین صادر شده و نیز اظهار نماید که دولت روسیه امیدوار است که دولت ایران این حرکت دوستانه را دلیل حسن‌نیت دولت روسیه دانسته در آتیه وضع و روش خود را نسبت به دولت روسیه مصلحانه نماید.

نمره ـ ۲۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دوازدهم فوریه)
طهران دوازدهم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲۳ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۲ صفر ۱۳۲۹]

بر طبق دستورالعمل تلگرافی جنابعالی مورخهٔ نهم فوریه ـ دیروز در یك مجلس غیررسمی پیغام جنابعالی را به ناصرالملك ابلاغ کردم ـ نایب‌السلطنه در جواب از من تقاضا نمود تشکرات او را در جواب پیغام مزبور و در مقابل احساسات صمیمانه که همه‌وقت از طرف دولت پادشاهی به مشارالیه اظهار شده به عرض برسانم. تا به حال ناصرالملك قسم نیابت سلطنت را یاد نکرده و به من می‌گفت مادامی‌که با وکلای مجلس که امروز به عمارت سلطنتی دعوت کرده موافقت صحیح در میان نیاید قسم یاد نخواهد کرد.

نمره ـ ۲۵

مراسلهٔ سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم فوریه)
طهران مورخهٔ بیست و سوم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۳ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۱ محرم ۱۳۲۹]

آقا

بواسطهٔ ملاطفت وزیرمختار روس توانسته‌ام سواد قراردادی که به‌تازگی بین بانك روس و دولت ایران در خصوص تثبیت قروض دولتی بسته شده لفاً ارسال دارم. اقسام مختلفهٔ قروض دولتی به بانك معادل شش میلیون و چهل و یکهزار و ششصد و

---

۱) پاکلوسکی کازیل ـ استانیسلاو آلفونسوویچ. ـ م.

شصت و دو تومـــان و بیست و هشت دینار می‌شد. از ایـــن مبلغ چهل و یکهزار و ششصد و شصت و دو تومان و بیست و هشت دینار فعلا باید اداء شود بقیه که معادل شش میلیون تومان است مثل قروض دولت ایران به بانك شاهنشاهی که در تابستان گذشته یك‌کاسه شد، دارای فرع صدی هفت خواهد بود که در ظرف مدت پانزده سال در هر سالی به دو قسط متساوی پرداخته شود و دولت ایران حق دارد که درصورتی‌که دو ماه قبل اطلاع بدهد در آخر هر سال کلیهٔ دین خود را اداء نماید.

در خصوص قسمت (ب) از مادهٔ سیم لازم است توضیح بدهم که این مخارج عبارت است از مستمری شاه مخلوع و بعضی از مخارج مسطورهٔ دیگر کـــه سابقاً بر حسب معمول از عایدات گمرك داده می‌شد و مهمترین آن مخارج بریگاد قزاق است که حال دولت ایران رسماً قبول کرده از گمرکات شمال داده شود ـ و این مخارج بعد از تأدیهٔ قروض ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ دولت روسیه باید بلافاصله پـــرداخته شود. ملاحظه خواهید فرمود در صورتی‌که عایدات گمرکات شمالی کفایت مصارفی را کـــه بدان اختصاص یافته ننماید عایدات ضرابخانه برای جبران کسر تسلیم بانك روس خواهد شد. این شرط به جای آن شرطی است که یك وقتی تهدید به قطع مذاکرات می‌کردـــ یعنی شرطی را که بجهت کنترل گمرکات در صورت عدم کفایت عایدات می‌خواستند قرار بدهند و پس از آنکه وزیرمختار روسیه ملتفت شد که این شرط مانع بزرگی برای اختتام قرارداد خواهـــد بود به دولت خـــود توصیه نمود کـــه اصراری در آن موضوع ننمایند.

امضاء بارکلی

ملفوف در نمرهٔ ۲۵

قرارداد فیمابین دولت شاهنشاهی ایران و بانك استقراضی از قرار ذیل‌است.

مادهٔ اول

کلیهٔ قروض دولت ایران به بانك استقراضی موافق صورت‌حسابهایی‌که بانك مزبور داده و دولت ایران هم قبول نموده است تثبیت و یك کاسه شده معادل شصت میلیون و چهارصد و شانزده هزار و ششصد و بیست و دو قـــران و هشتصد دینار است که در مدت پانزده سال از تاریخ اول ژوئیهٔ ۱۹۱۰ الی اول ژوئیهٔ ۱۹۲۵ [۱۰ تیر ۱۲۸۹ تا ۱۰ تیر ۱۳۰۴؛ ۲۳ ج ۲ـ۱۳۲۸ تا ۹ ذی‌حجهٔ ۱۳۴۳] پرداخته‌شود. فرع این مبلغ از قرار سالی صدی هفت است و برای اینکه این قرضه یك مبلغ بی کسری بشود مبلغ چهارصد و شانزده هزار و ششصد و بیست و دو قران و هشتصد دینار آن را به عنوان حصه‌ئی از قسط استهلاك قرض مزبور در تاریخ اول ژوئیهٔ ۱۹۱۰ از بقیهٔ عایدات گمرکات که در بانك استقراضی جمع می‌شود کسر می‌نمایند.

مادهٔ دویم

دولت ایران باید این قرض را که مبلغ شصت میلیون قران است به انضمام فرع آن در مدت پانزده سال از اول ژوئیهٔ ۱۹۱۰ در سالی به دو قسط مساوی که هـــر

قسطی سه میلیون و دویست و شصت و دو هزار و دویست و هفتاد و نه قران و نهصد دینار است که در سالی مبلغ شش میلیون و پانصد و بیست و چهار هزار و پانصد و پنجاه و نه قران و هشتصد دینار می‌شود بپردازد.

مادهٔ سوم

عایدات گمرکات ایران به استثناء گمرکات فارس و بنادر خلیج پس از تأدیهٔ مصارف ذیل وسیله و محل تأمین این قرض و تأدیهٔ اقساط مرتبهٔ آن است.

(ا) قسط سالیانهٔ دو قرضهٔ طلا ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ که من‌حیث‌المجموع یك میلیون و ششصد و هفتاد هزار و یکصد و نود و چهار منات و بیست کپك می‌شود.

(ب) پاره‌ای مصارف معین مجبوری دولت ایران که باید از محل گمرکات شمالی تأدیه شود که من‌حیث‌المجموع در سالی مبلغ پنج میلیون و یکصد و هفت هزار قران است. دولت ایران که بنا بر قراردادهای کنترات قروض سابق سنهٔ ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ متعهد شده است که تمام عایدات گمرکات مزبورهٔ فوق را بدون کسر به بانك استقراضی بپردازد حال آن قرارداد را برای تمام مدت این کنترات حالیه بجهت ادای تمام قرضهٔ خود به بانك استقراضی تجدید می‌نماید. علیهذا مراد از عایدات گمرکات عایدات تمام گمرکات موجودهٔ شمال و آنچه هم بعدها در آن نواحی دایر شود بعد از وضع مخارج اداری و مصارف جمع‌آوری که تقریباً در سالی سه میلیون و پانصد هزار قران می‌شود.

مادهٔ چهارم

در ظرف مدت هر نیمهٔ سال موافق شروط مادهٔ سوم فوق بانك استقراضی عایدات گمرکات را که به امانت نگهداشته است به ترتیب ذیل محسوب و رفتار خواهد کرد.

(ا)[۱] اولا بانك استقراضی باید معمولا قسط سالیانهٔ دو قرضهٔ سنهٔ ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ را بپردازد.

(ب) ثانیاً باید بردارد مبلغی را که کفایت نماید مخارج اجباری دولت ایران مذکورهٔ در مادهٔ سوم و حوالهٔ پرداخت آنها را هم وزیر مالیه دولت شاهنشاهی ایران به توسط ادارهٔ گمرك خواهد داد.

(سی) بقیهٔ عایدات را باید به مصرف تأدیهٔ قسط استهلاك این قرضهٔ یك‌کاسه شده و فرع آن به موجب این قرارداد حاضره برساند.

مادهٔ پنجم

در آخر هر نیمه سالی یعنی از اول ژوئیه و اول ژانویه بانك استقراضی باید اضافهٔ عایدات گمرکات را که به بانك مزبور به عنوان تأمین برای تأدیه‌جاتی که در مادهٔ چهارم قرارداد حالیه معین و تحویل شده به دولت ایران تسلیم نماید.

مادهٔ ششم

هرگاه عایدات گمرکات که برای تأمین به بانك تحویل می‌شود در ظرف مدت شش

---

۱) شماره‌گذاری با الفبای انگلیسی است. ــ م.

ماهة نیمهٔ سال کفایت تادیه‌جات معینهٔ در مادهٔ چهارم مذکورهٔ در فوق [را] ننماید دولت ایران متعهد و ناچار است که مبلغ کم‌بود را به‌انضمام فرع در سالی صدی‌هفت از محل دیگر در مدت شش ماه ثانی بپردازد و هرگاه کم‌بود مزبور پس از مدت مذکور پرداخته نشود بانك استقراضی حق دارد طلب نماید که تمام عایدات ضرابخانه را در عوض تسلیم نمایند تا کم‌بود مزبور با فرع از قرار سالی صدی هفت پرداخته شود. نتیجه آنکه دولت ایران از اول ژانویهٔ ۱۹۱۰ عایدات ضرابخانه را از هرگونه تصرفات معاف دارد.

مادهٔ هفتم

بانك استقراضی باید پس از انقضاء هر ماهی صورت آنچه تنخواه از ادارهٔ گمرکات به بانك مزبوره رسیده و نیز همینطور صورتی هم از حساب جاری که در مادهٔ نهم این قرارداد حاضره ذکر شده به دولت ایران بدهد.

مادهٔ هشتم

دولت ایران حق دارد که این قرض را قبل از انقضاء مدت مقرره در مادهٔ اول این قرارداد حالیه یك مرتبه بپردازد ولی پرداختن قرض مزبور بایستی پس از انقضاء مدت یك سال تمام باشد یعنی از اول ژوئیه و آنهم باید دو ماه قبل از وقت اخطار نماید.

مادهٔ نهم

عایدات گمرکات که به بانك استقراضی تحویل شد در بانك مزبور به امانت خواهد ماند تا مبلغی که بجهت قسط نیمهٔ سال در ردیف (ا) و (ب) که در مادهٔچهارم ذکر شده برسد و اضافهٔ آن را به عنوان طلب دولت ایران در حساب جاری کـه بجهت همین معامله معین شده به انضمام فرع از قرار سالی صدی هفت از تاریخی که تحویل بانك شده محسوب خواهد بود و در ختم ادای این قرضه مثبته حساب جاری مزبور موقوف خواهد شد.

مادهٔ دهم

هرگاه اختلافی راجع به ترجمه و تفهیم مواد این قراردادنامه پیدا شود فرانسهٔ آن معتبر و سند خواهد بود.

مادهٔ یازدهم

این قراردادنامهٔ حاضره دو نسخه نوشته شده و از هرگونه حقوق تمبر ایران و روس معاف است.

وزیر مالیه امضاء (صنیع‌الدوله)

رئیس بانك استقراضی (کورتین) امضاء

وزیر امور خارجهٔ ایران بجهت قانونی‌بودن و رسمیت داشتن این قرارداد حاضره امضاء

سفارت امپراطوری ـ وزیرمختار روس پاك‌لیوسکی کزیل [= پاکلوسکی کازیل]ـ طهران سی و یکم دسامبر ۱۹۱۰ [۹ دی ۱۲۸۹؛ ۲۸ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۸]

نمره ـ ۲۶

مراسلهٔ سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم فوریه)

طهران مورخهٔ بیست و سوم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۲ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۰ محرم ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم مواد مراسلهٔ قنسول دولت بهیه در کرمان راجع به وضع حاضرهٔ ایالت کرمان و بلوچستان [را] لفاً ارسال دارم.

سختی اوضاع آن نقاط محل انکار نیست و خیلی ممکن است ورود جلال‌الدوله فرمانفرمای جدید نتیجهٔ خوبی به‌بخشد و اطلاع اخیر من این است که وارد یزد شده است.

امضاء بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۲۶

از طرف هیك قنسول انگلیس به سر جرج بارکلی

کرمان مورخهٔ چهاردهم دسامبر ۱۹۱۱ [۲۲ آذر ۱۲۸۹؛ ۱۱ ذی‌حجهٔ ۱۳۲۸]

آقا

افتخار دارم وضع ایالات کرمان و بلوچستان را عرض کنم که در صورتی که مقتضی بدانید به اطلاع دولت ایران برسانید.

۲)۱ هرگاه گفته شود بلوچستان ایران از چندی قبل تاکنون آزاد و خودسر بوده و هست مبالغه نشده و هرگاه بلوچها در حد خوه متوقف و آرام بودند چندان اهمیتی نداشت مگر از برای دولت ایران ولی رعایت این مسئله را هم نکرده و مکرر حمله به ایالت کرمان برده نه تنها مسافرینی را که به اوضاع هرج و مرج این روزها معرض مخاطره هستند قتل و غارت می‌کنند بلکه به دهات بیچاره هم دست‌اندازی می‌نمایند هرگاه دولت ایران استقلال بلوچستان را هم تصدیق کند ـ که البته نخواهد کرد ـ باز مسئول دماء و اموال اتباع ایالت کرمان خودش می‌باشد.

۳) نسبت بخود کرمان بلوکات جیرفت و رودبار مثل این است‌که از همسایگان بلوچ خودشان سرمشق گرفته بیش از یك ماه قبل نایب‌الحکومهٔ جیرفت را علناً کشتند و مرتکبین هنوز دارای نفوذند. حاکم جیرفت و رودبار راپرت می‌دهد که مادامی‌که استعداد برای مشارالیه فرستاده نشود نمی‌تواند مالیات بگیرد.

وضع بقیهٔ ایالت کرمان خیلی بدتر و سخت‌تر از بلوچستان است زیرا که بلوچها می‌توانند خودشان را حفظ کنند ولی کرمانیها نه‌تنها عاجز از مدافعهٔ خویشند بلکه از طرف یك حکومت ضعیفی هم نمی‌توانند انتظار حمایت و اعانت داشته باشند. سمت شمال و شرق ایالت معرض چپاول بلوچها، طرف غرب عرصهٔ غارت و تاخت و تاز سارقین فارس واقع است و در مقابل هم هیچ قوه‌ای که قابل مقابله و مقاومت با این اشرار باشد وجود ندارد. شرح واقعات مختلفه را در ضمن اخبار هفتگی کرمان راپرت

---

۱) به همین گونه است در اصل و به بند ۱ نامه اشاره‌ای نشده است. ـ م.

دادن موجب کسالت و خستگی است ولی لزوماً عرض می‌شود که در ظرف یك ماه یا دو ماه گذشته بین بندرعباس و کرمان هندوها را غارت و معادل شانزده هزار تومان مال‌التجارهٔ آنها را برده‌اند.

بین کرمان و طهران پنج یا شش پست به سرقت رفته. از بیست و سوم نوامبر هیچ پستی از طهران برای من نرسیده و بیش از دو هفته است که راه بین کرمان‌و یزدکاملا برای عابرین مسدود است. منزل شمش که فقط دارای یك کاروانسرا و یك پستخانه است در دست یك عدهٔ زیادی از سارقین است که نه‌تنها مسافرین را لخت می‌کنند بلکه از یکطرف تا حدود شمال غربی کرمان و از طرف دیگر تا نزدیکی بهرام‌ـ آباد مشغول غارتگری و خرابی می‌باشند. مسیو پطروف کفیل سابق قنسولگری‌روسیه در کرمان متجاوز از یك ماه قبل از شهر کرمان حرکت نموده سه منزل طی کرده دچار سارقین گردیده و هنوز نتوانسته از انار که شش منزلی کرمان است تجاوز نماید ودر ظرف چند روز گذشته بواسطهٔ اینکه سارقین متوقف [در] شمش بسمت انار حرکت کرده‌اند مجبور شده به بیاض مراجعت کند. بلوچها یا سیستانیها باز بین بم و کشیت مشغول هستند و در این اواخر راپرت سرقت و قتلی کـه نموده‌اند به من رسیده ـ سردار نصرت کفیل امور ایالتی کاملا متوجه مسئولیت خویش است ولـی بهیچوجه نمی‌تواند با اوضاع حاضره مقاومت نماید. اخیراً در دو موقع کـه غرامت اموال اتباع دولت انگلیس را که در راه خط شمش سرقت شده از او مطالبه کرده‌ام در جواب اظهار داشته است که چون سارقینی که فعلا در شمش هستند ازاهل فارس می‌باشند ایالت محلی فارس مسئول ادای غرامت مزبوره است و این اعترافات صادقانه عدم توانائی مشارالیه را در حفظ انتظام بخوبی ثابت می‌نماید.

۴) هر چند برقراری حکومت مقتدری در این ایالات از اهم مطالب و الزم لوازم است هنوز خبر حرکت جلال‌الدوله فرمانفرمای جدید کرمان و بلوچستان را از طهران نشنیده‌ام و حتی نمی‌دانم که مشارالیه این خدمت را قبول کرده است یا خیر.

امضاء ت. و. هیگ لیوتننت کالنل [= کلنل]

نمره ـ ۲۷

مراسلهٔ سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری واصله ۱۳ فوریهٔ ۱۹۱۱

از طهران مورخهٔ بیست چهارم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۴ بهمن۱۲۸۹؛ ۲۲ محرم۱۳۲۹]

آقا

بعد از مراسلهٔ مورخهٔ ۲۷ دسامبر گذشته راپورت دو سه فقره سرقتهای جـزئی در عرض راه بوشهر به اصفهان رسیده که آنها را قابل مذاکره تلگرافی ندانسته‌ام. بطور یقین تخفیفی در اغتشاش راه حاصل شده کاروان عبور و مرور می‌نماید و بموجب تلگرافی که امروز صبح از طرف کفیل قنسولگری شیراز رسیده راهها را کاملا برف گرفته و سرقت ممتنع‌الوقوع است. مستر اسمارت نیز می‌گوید کاروانها دسته دسته جمع شده و با مستحفظین مخصوص حرکت می‌کنند. پست هر دو هفته

سه هفته یك مرتبه وارد می‌شود. چندان پیشرفتی در اقداماتی که دولت ایران در یادداشت ۲۸ دسامبر در خصوص برقراری امنیت راه اظهار نموده حاصل نشده که قابل راپورت باشد. از قرار معلوم صولت‌الدوله اقتدار کافی بر قبیلهٔ خود ندارد که اسباب امیدواری باشد که بتواند در بهار آینده جلوگیری از عدم امنیت و بی‌نظمی بنماید. نظام‌السلطنه هنوز از بوشهر به سمت محل مأموریت خود تجاوز ننموده‌قشونی هم از اصفهان برای شیراز حرکت نکرده است. از قرار مسموع هفتصد نفر و سه عراده توپ که از طهران فرستاده شده به اصفهان رسیده و هشتصد نفر هم در آنجا بر آن ضمیمه و مأمور شیراز شده‌اند. مسئلهٔ استقراض بانك شاهنشاهی [که] بیشتر پیشرفت دولت ایران در فراهم آوردن وسایل انتظام راه بسته به‌آنست مثل تمام‌امورات دولتی در طهران موکول به ورود ناصرالملك نایب‌السلطنه است که در هفدهم شهر جاری از وینه حرکت کرده و فعلا به بادکوبه رسیده است. اگرچه به اعضاء کمیسیونی که مأمور رسیدگی به تقسیم وجه استقراض بین وزارتخانه‌های مختلفه و کنترل آن شده بودند دستورالعمل داده شده مع‌هذا پیشرفتی حاصل نکرده‌اند. «جنرال مالتا» صاحبمنصب خارجه که در یادداشت بیست و هشتم دسامبر دولت ایران ذکر شده بود که مأمور به فارس شده و عزیمت نموده هنوز از طهران حرکت نکرده است. بنا بود دیروز حرکت کند ولی هنوز معطل دستورالعملهای کتبی است ــ در نوزدهم شهر جاری برای خداحافظی نزد من آمد. قبل از اینکه به ملاقات من بیاید وزیر امور خارجه را دیده اهمیت تسهیل امور «جنرال مالتا» را از هر جهت به مشارالیه خاطر نشان‌کرده بودم معظم‌له بمن اظهار داشت که مبلغ هشتاد هزار تومان به شعبهٔ بانك شاهنشاهی‌در شیراز برای‌مخارج قوهٔ منظوره داده شده و بمن اطمینان داد که دیناری از این مبلغ بدون تصویب جنرال مالتا خرج نخواهد شد ــ این اطمینانها را به جنرال مالتا ابلاغ و از او خواهش نمودم هرگاه از طرف مأمورین محلی تولید اشکالی بشود یا مانعی در اجرای وظایف او پیش آید فوری به قنسولگری دولت فخیمه در شیراز اطلاع بدهد و به او وعده دادم که هر شکایتی که در این خصوص داشته باشد جلب توجه عاجل مرا خواهد کرد.

لزوماً عرض می‌کنم که اثرات و بروزات خوش از جنرال مالتا مشاهده کردم و او را بر حقیقت نکات و اهمیت موقع مأموریت خود واقف و مطلع یافتم.

امضاء بارکلی

مجدداً مورخهٔ ۲۷ ژانویه ــ در ضمن مکاتبهٔ فوق خبر رسید که دو هزار قشون با سه عراده توپ از اصفهان برای شیراز حرکت کرده و نظام‌السلطنه هم از بوشهر عازم مقصد شده است و نیز می‌شنوم که جنرال مالتا هم دستورالعملهای خود را کاملا گرفته و فردا از طهران حرکت خواهد کرد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۸

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ سیزدهم فوریه)
از طهران مورخهٔ ۲۴ ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۴ بهمن ۱۸۲۹؛ ۲۲ محرم ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که دیروز ناصرالملك وارد انزلی شد. همین قدر که بطور قطع معلوم شد که بالاخره ناصرالملك مصمم به مراجعت ایران شده مستوفی‌الممالك رئیس‌الوزراء اظهار نمود که کابینهٔ او مصمم است بمحض اینکه ناصرالملك مقام نیابت سلطنت را اشغال نماید استعفاء بدهد. از آنوقت تا بحال سردار اسعد از مشارالیه جلوگیری کرده نگذاشته که کابینه را برهم بزند و نیز حتی قبل از استعفای حسینقلی‌خان آثار اصلاحی در مناسبات وزارت خارجه با وزیر مختار روس پدیدار بود و این آثار در زمان تعیین محتشم‌السلطنه ترقی نمود و از وقتی که محتشم‌السلطنه روی کار آمده نه‌تنها قرارداد تثبیت قروض دولتی با بانك روس به اتمام رسیده لیکن پاره‌ای دعاوی روس نیز که‌عمدهٔ آنها مربوط به‌حملهٔ به‌مسیو پاسك بوده قطع‌شده‌است.

نمره ـ ۲۹

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ سیزدهم فوریه)
از طهران مورخهٔ ۲۴ ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۲ محرم ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم که خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ اخیر را بطور معمول لفاً ایفاد دارم.

ملفوف نمرهٔ ۲۹

خلاصهٔ وقایع ایران در ظرف مدت چهار هفته لغایت بیست و چهارم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۲ محرم ۱۳۲۹]

طهران

در سوم ژانویه محتشم‌السلطنه به وزارت خارجه تعیین گردید. عین‌الدوله وزیر داخله در ۲۲ ژانویه استعفاء کرد. رئیس‌الوزراء اظهار داشته است همین قدر که نایب‌السلطنه به طهران وارد شود استعفای خود و کابینهٔ خود را تقدیم خواهد کرد.

مجلس

در جلسهٔ سوم ژانویه رئیس‌الوزراء محتشم‌السلطنه را بسمت وزارت‌خارجه معرفی نمود. در جواب استیضاح وزیر تازهٔ امور خارجه اظهار داشت که دولت درصدد است در فارس در تحت فرمان صاحبمنصبان خارجه تشکیل قوهٔ ژاندارمری نماید.

برای انجام این مقصود به دولت ایطالیا اظهار شده ولی دولت مزبور وجهی

برای اجابت تقاضای دولت ایران نداشته است. پس‌از آن به دولت سوئد رجوع گردیده تلگرافی از وزیر مختار ایران در پاریس مشتمل بر شرایطی که دولت سوئد با آن شرایط صاحبمنصبان مزبور را می‌دهد رسیده و مطلب به کمیسیون خارجهٔ‌مجلس‌رجوع شده. در خاتمه اظهار داشت دولت جداً مصمم است در فارس اعادهٔ نظم نماید.

در جلسهٔ پنجم ژانویه اقدامی شده بود رأی گرفته شود که کابینه را مورد مواخذه قرار دهند ولی مذاکرهٔ در قصور دولت و اظهار عدم اعتماد مجلس به اکثریت رد شد. معذلك وزراء که در اطاق مجاور بودند صنیع‌الدوله را به مجلس فرستادند که نظر به مذاکراتی که واقع شده از مجلس تقاضا نماید که از موافقت یا مخالفتدر بقای کابینه مستوفی‌الممالك رأی قطعی بدهند. صنیع‌الدوله اظهار داشت هرگاه کابینه منحل بشود می‌توان از نایب‌السلطنه تلگرافاً [= تلگرافی] تقاضا نمود رئیس‌الوزرای جدیدی معین نماید. نطقهایی که رد و بدل شد خیلی از اغراض و ضدیت فرق و شخصی را ظاهر و هویدا ساخت و ضمناً اشاره شد که بعضی از مأمورین عمده در اسباب‌چینیهای شاه مخلوع همدست بوده‌اند. بالاخره بدون اینکه نتیجه گرفته شود صنیع‌الدوله از مجلس خارج شد. در ۲۱ ژانویه یکی از پنج نفر علمایی که بر طبق مادهٔ دوم ازقانون اساسی ۱۹۰۷ برای رد لوایح مخالف قوانین مقدس اسلام انتخاب شده جداً بـر ضد لایحه‌ای که در خصوص برقراری مالیات جدیدی بر تریاك پیشنهاد شده بود پروتست نمود. در جلسهٔ ۲۴ ژانویه وزیر جنگ لایحهٔ در خصوص گـرفتن سوار از ایلات تقدیم کرده اظهار داشت که به واسطهٔ گرفتن یکنفر از هر سی خانوار می‌توان اقلا ده هزار مرد جنگی فراهم نمود. لایحهٔ مزبور رجوع به یك کمیته گردید.

تبریز

آسایش برقرار است. اقـدامی بر ضد فرمانفرما شروع شده بود چون از طهران همراهی به اقدام مزبور نشد رفع گردید.

مشهد

صاحب‌اختیار فرمانفرمای جـدید در ۲۱ دسامبر وارد شد. اوضاع کلیهٔ ایالت کماکان باقی و به موجب راپرت واصله شاهراه طهران خوب امن است. اغتشاش دره‌جز به واسطهٔ تعیین شدن مسعود خان به حکومت مرتفع شده. ایـن شخص اولین وسیلهٔ اغتشاشات بود. اشرار تقاضا کردند که خود او حاکم بشود.

محمد علی نیشابوری در قلعهٔ نزدیکی طبس محصور شد با اینکه مجروح گـردید فرار نمود. احتمال دارد به نایب‌حسین کاشی کـه از طرف یزد بسمت طبس حرکت کرده ملحق شود.

اصفهان

در شهر و ولایت آسایش برقرار و از قراری که راپرت رسیده راهها روی هم رفته امن است ولی از قرار مذکور اوضاع مـادی راههای یزد و اهواز خیلـی بد است.

اخیراً سه فقره سرقت واقع شده دو فقرهٔ آنها در راه اهواز و یك فقره در راه طهران. در دو فقره پست و در فقرهٔ سوم‌کاروانی که متعلق به کمپانی لینج بود زده‌اند. مظنون است که بختیاریهای شاکی این سرقتها را نموده‌اند. در اوایل ژانویه عده‌ای از این بختیاریها در دهکو جمع شده به خیال حملهٔ به اصفهان بودند ولی در هشتم ژانویه متفرق شدند.

سردار محتشم و سردار بهادر بختیاری در ۱۹ ژانویه وارد اصفهان شده در ۲۲ به سمت بختیاری حرکت کردند. از اول ژانویه قشون مأمور فارس از طهران و همدان وارد اصفهان شده و فوج جلالی که در اصفهان ساخلو بود نیز مأمور فارس گردیده.

یزد

در اوایل دسامبر ضیغم‌الدولهٔ قشقائی حکمران جدید وارد شده مستحفظی راهها را تعهد کرده از قراری که می‌گویند منتظر ورود دویست نفر سواری است که از قوامیها خواهش نموده که از فارس برای او بفرستند. در ماه دسامبر راه کرمان تقریباً بالتمام مسدود بوده یکدستهٔ چهارصد نفری از سارقین فارس در شمش عمارتی را تصرف نموده و آنجا را مرکز خود قرار داده و بلوکات را غارت کردند. مسیو پطروف قنسول سابق روسیه در کرمان که مدت مدیدی در انار معطل بود با جمعیت زیادی از مستحفظین راه حرکت کرده در ۳۱ دسامبر به یزد رسیده است.

کرمان

جلال‌الدوله فرمانفرمای جدید از طهران در ۲۱ ژانویه وارد شد. راههای ایالت کرمان در مدت ماه دسامبر ناامن بوده است.

شیراز

در ماه دسامبر توجه بطرف اوضاع راه کازرون و بوشهر معطوف بود. در پنجم دسامبر در سینه سفید پنجاه نفر سارقین ممسنی و قشقایی به کاروانی زده سیزده قاطر و چهار الاغ و ده بار را برده‌اند. مستحفظینی که همراه کاروان مزبور که سی نفر توپچی با یك عرادهٔ توپ صحرائی و سی و شش نفر سواره بودند به شلیك اول فرار کردند. یك قاطرچی سخت مجروح شد بلافاصله سیصد نفر سوار با یك عراده توپ مأمور استرداد اموال مسروقه شدند ـ راههای سارقین مسدود به واسطهٔ برف شدیدی که کمتر نظیر آن دیده شده زودتر از موقع آمده قوافل از راه معمولی ایاب و ذهاب می‌نمایند. از قرار معلوم دیگر صولت‌الدوله نفوذ و قدرتی در ایل خود ندارد در صدد برنیامده که راهها را به توسط کسان خودش منظم نماید، تفنگچیهای محلی‌گرفته است از قرار مذکور محمدعلی‌خان کشکولی که مظنون به طمع ریاست ایل است ضمناً محرك سرقتهای در عرض راه است. صولت‌الدوله مشغول فراهم کردن وسایل آشتی با برادرش صولت‌السلطنه و محمدعلی خان کشکولی است. محمدعلی خان نفوذ زیادی در بین الوار صفحات غربی فارس دارد ـ به تازگی دو نفر از رؤسای فارسی مدان را

که صولت‌الدوله در ماه اکتوبر گذشته به واسطهٔ خسارتی که قشقاییها به خطوط سیم تلگراف وارد آورده حبس کرده بود محمدعلی‌خان جبراً آنها را مستخلص نموده ــ راه اصفهان به واسطهٔ دسته‌های کوچک‌سارقین مغشوش بوده. در هشتم دسامبر یك قافلهٔ کوچکی را که برای تلگرافخانهٔ کمپانی انگلیس آذوقه به ده‌بید می‌برده در نزدیکی آنجا لخت کرده‌اند در سیزدهم دسامبر در نزدیکی سیوند کرشوئیها پست را زده‌اند و تقریباً همان اوقات کاروانی معادل یکصد و پنجاه الاغ داشته و محصول مرودشت را به شیراز حمل می‌کرده در دوازده میلی شمال شیراز به سرقت رفته است بعد از آن دو پست دیگر را در نزدیکی خانهٔ گرگان و سیوند زده‌اند.

راپرتهای اخیره مشعر بر این است که برف صحرا را گرفته و سرقتها را غیرممکن نموده راه کازرون از قرار مذکور مثل سابق است و راه اصفهان تقریباً بالمره مسدود.

بنادر فارس

بوشهر

در ۲۹ دسامبر ۱۹۱۰ صولت‌الدوله با چهار صد نفر قشقایی وارد بوشهر شدند. خوانین دالکی و برازجان نیز با یکصد و هفتاد و پنج نفر آمده‌اند.

دریابکی [= بیگی] نیز سیصد نفر ایلات تنگستانی و الکانی [= انگالی؟]۱ آورده اغتشاشی در بوشهر واقع نشده است.

نمره ــ ۳۰

مراسلهٔ سر جرج بکانن [بیوکانان] به سر ادوارد گری

سن پطرزبورغ مورخهٔ ششم فوریه ۱۹۱۱ [۱۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۶ صفر ۱۳۲۹]

آقا

راجع به‌مراسلهٔ جنابعالی مورخهٔ۲۳ ماه‌گذشته افتخاراً راپرت‌می‌دهم اطلاعاتی‌را که از طرف سفیر دولت اعلیحضرتی مقیم پاریس به شاه مخلوع به ایران یافته بودید امروز بعد از ظهر به وزیر امور خارجه ابلاغ کردم. مسیو سازانوف اظهار داشت از طرف نمایندگان دولت روسیه در هر جا مکرر به اعلیحضرت اخطار شده است که هرگاه به قصد مراجعت به ایران مشغول اسباب‌چینی و آنتریك [= انتریگ] باشد حقوقی که فعلا دربارهٔ وی مقرر است مقطوع خواهد شد. معظم الیه [= معظم‌له] نیز اظهار داشت که همانطوری که جناب‌عالی پیشنهاد کرده‌اید اقدام نموده به مقامات لازمه اخطار خواهد کرد که پس از مراجعت مشارالیه به روسیه بیش از سابق مراقب اعمال و رفتار اعلیحضرت بشوند.

سر جرج بکانن وزیر مختار انگلیس مقیم سن پطرزبورغ

اعلیحضرت مقصود محمدعلی میرزا است

امضا جرج بکانان [= بیوکانان]

---

۱) در میان عشایر بوشهر تیره‌ئی بنام انگالی هست ولی از واژهٔ الکانی چیزی دریافته‌نشد. ــ م.

نمره ـ ۳۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ سیزدهم فوریه)
از طهران مورخهٔ ۱۳ فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۹]

وزیر مختار روسیه به من اطلاع می‌دهد که در راه اردبیل طایفهٔ گالش که در نزدیکی آستارا هستند حمله به قزاقهای روسی برده یك نفر را کشته و دو یا سه نفر را مجروح کرده‌اند. قسمت کمی از قشون روس از اردبیل برای جلوگیری اعزام خواهد شد. وزیر خارجهٔ روس گمان می‌کند شاید تهیه استعدادی در آستارای روس لازم بشود.

نمره ـ ۳۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ ۱۳ فوریه)
از طهران مورخهٔ ۱۳ فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۹]

نایب‌السلطنه دیروز بعد از ظهر تمام نمایندگان مجلس را به عمارت سلطنتی دعوت کرده در ضمن یك نطقی که دو ساعت طول کشید افکار خود را به آنان اظهار کرد. والاحضرت به اعضاء مجلس اظهار داشت که پیشرفت حکومت مشروطه با اوضاع حاضرهٔ مجلس که به اختلافات شخصی دسته‌های کوچك تشکیل داده غیرممکن خواهدبود. یك اکثریت ثابتی که در تحت اصول معین متحد و متفق باشد برای نگهداری هیئت وزراء لازم حتمی است و بطور وضوح بیان نمود که مادامی که همچو اکثریتی تشکیل نشود مقام خود را اشغال نخواهد کرد.

از قرار معلوم در ظرف یکی دو روزه ملاقات دیگری خواهند کرد و اعضاء مجلس به اظهارات والاحضرت جواب خواهند داد.

نسبت به مناسبات خارجه والاحضرت اظهار کرده که نمایندگان خارجه را بطور غیررسمی پذیرفته و از مراتب دوستی تمام دول کاملا راضی است و بر اظهارات خیرخواهانهٔ دولتین انگلیس و روس اهمیت مخصوصی داده و گفته بنا بر این مجلس نباید از سمت خارجه‌ها اندیشه داشته باشد.

نمره ـ ۳۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه مورخهٔ شانزدهم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲۷ بهمن۱۲۸۹؛ ۱۶ صفر۱۳۲۹]

آقا

وزیر مختار ایران امروز به وزارت خارجه آمده اظهار داشت از طرف دولت خود مأمور است که دولت اعلیحضرتی را برای اشاره‌ای که در نطق پادشاهی راجع به‌ایران شده که مایهٔ بسی امیدواریها است تشکر نماید.

امضاء گری

نمره ـ ۳٤

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ بیست و یکم فوریه)
از طهران مورخهٔ بیست و یکم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۱ صفر ۱۳۲۹]

رئیس بانك شاهنشاهی در طهران به من اطلاع داده که دولت ایران از مشارالیه یکصد و بیست هزار تومان بطور مساعده خواسته قسمتی از این مبلغ برای قشون که به شیراز فرستاده شده فوراً لازم است زیرا اگر حقوق آنها نرسد موجب خطر و عدم امنیت شهر می‌شوند.

امیدوارم ادارهٔ مرکزی مخالفتی در قبول تقاضای دولت ایران ننماید تا کابینهٔ جدید تشکیل نشود مسئله استقراض پیشرفتی نخواهد داشت.

نمره ـ ۳۵

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه بیست و دویم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۳ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۲ صفر ۱۳۲۹]

ما مخالفتی در خصوص مساعده‌ای که دولت ایران از بانك شاهی خواسته نداریم. (رجوع به تلگرام خودتان مورخهٔ بیست و یکم فوریه بنمائید).

نمره ـ ۳٦

مکتوب مستر برایس به سر ادوارد گری
از واشنگتن مورخهٔ چهاردهم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲۵ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۴ صفر ۱۳۲۹]

آقا

راجع بـه تلگرام من مورخهٔ بیست و هفتم ماه گذشته افتخار دارم راپورت بدهم که در مطبوعات اعلان شده است که مسیو مورگان شوستر مقیم واشنگتن بسمت خزانه‌داری مملکت ایران تعیین شده است. علاوه بر مشارالیه از قرار مذکور یك نفر مفتش امریکایی و یك نفر محاسب مخصص [= متخصص] و یك نفر مدیر مالیات با یك معاون همراه خزانه‌دار خواهند بود. این مأمورین در تحت امر وزیر مالیه ایران و کنترات آنها اقلا برای مدت سه سال خواهد بود. امید است عنقریب اسامی این مأموران نیز اعلان شود. مسیو شوستر در گمرکات ممالك متحده در کوبا و فیلپین [فیلیپین] مأمور تشکیلات گمرکات فیلپین بوده است در سنهٔ ۱۹۰۶ وزیر علوم جزایر فیلپین و یکی از اعضاء کمیسیون جزایر مزبور گردیده‌است. بعلاوه یکی از اعضاء ادارهٔ وکالت محکمهٔ عالی ممالك متحده و محکمهٔ متفقهٔ استیناف گمرکات می‌باشد.

امضاء جیمز برایس

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و سوم فوریه)
از طهران مورخهٔ بیست‌وسوم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۴ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام مورخهٔ سیزدهم فوریه در خصوص حملهٔ طایفه‌گالش به قزاقان روسی بفرمائید. قشونی که از اردبیل فرستاده شد دهی را که مسئول حملهٔ مزبوره محسوب می‌شده به توپ بسته قسمتی از آن را خراب کرده‌اند. از قرار خبری که راپرتاً [= راپرت آن]۱ رسیده چند نفر زن و بچه در موقع بمباردمان تلف شده‌اند. وزیر مختار روسیه به من می‌گوید به مأمورین نظامی اوامر خیلی مؤکد داده شده بودبه اهالی ساکت صلح‌جو ابداً صدمه وارد نیاورند. مع‌هذا این اتلاف زن و بچه بایستی تصادفاً واقع شده باشد. برحسب تقاضای قنسول روس در اردبیل و دستورالعمل‌ایالت قفقاز یك باتالیون از سرحد ایران عبور کرده است. وزیر مختار روس به من اطلاع می‌دهد باتالیون مزبور در نزدیکی آستارای ایران متوقف خواهد بود.

نمره ـ ۳۸

تلگرام سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و سوم فوریه)
از طهران مورخهٔ ۲۳ فوریهٔ ۱۹۱۱ [۴ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۹]

دیروز وزیرمختار روسیه بازخواستن قشون روس را از قزوین به وزیر امور خارجه اطلاع داد. وزیر مختار روسیه بمن اظهار می‌دارد که پنجاه یا یکصد نفر بعنوان گارد قنسولگری در قزوین خواهد ماند.

نمره ـ ۳۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و چهارم فوریه)
از طهران مورخهٔ ۲۴ فوریهٔ ۱۹۱۱ [۵ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۹]

افتخار دارم راپرت بدهم که مجلس به اکثریت آراء سپهدار را برئیس‌الوزرائی قبول نموده طرفداران مشارالیه چهل و هشت نفر هستند.

نمره ـ ۴۰

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و چهارم فوریه)
از طهران مورخهٔ ۲۴ فوریهٔ ۱۹۱۱ [۵ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۹]

دیشب قتل دیگری در طهران اتفاق افتاده. مقتول یکی از منسوبان دستهٔ فدائیانی است که مظنون است نقشهٔ قتل صنیع‌الدوله را ریخته‌اند. قاتلین قفقازی هستند دو نفر از آنها توقیف شده‌اند.

---

۱) واژهٔ راپرتاً غلط است زیرا که تنوین ویژهٔ کلمات عربی است. ـ م.

نمره ـ ٤١

مکتوب سر ادوارد گری به سر جرج بکانان [بیوکانان]
از وزارت خارجه مورخهٔ ۲۴ فوریهٔ ۱۹۱۱ [۵ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۹]
آقا

از جنابعالی تمنی [تمنا] می‌کنم مدلول تلگرام سر جرج بارکلی مورخهٔ ۲۱ شهر جاری را در خصوص تقاضای دولت ایران از بانك شاهنشاهی ایران بجهت‌گرفتن یکصد و بیست هزار تومان مساعده به وزیر امور خارجهٔ روسیه ابلاغ نمائید و بعلاوه به مشارالیه بگویید‌که من به‌وزیر مختار دولت‌انگلیس در طهران تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع داده‌ام که در قرارداد مزبور مخالفتی ندارم.

امضاء گری

نمره ـ ٤٢

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و ششم فوریه)
از طهران مورخهٔ ۲۶ فوریهٔ ۱۹۱۱ [۷ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۶ صفر ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخهٔ ۱۳ فوریه بفرمایید.

دیروز در مجلس وزیر امور خارجه نطق خیلی مصالحت‌جویانهٔ خوبی در تأیید اظهارات نایب‌السلطنه نسبت به مناسبات‌خارجه نمود. اظهار داشت از روابط دوستانهٔ تمام دول بخصوص سه دولت همسایه کاملا اطمینان دارد.

نسبت به دولت روس از احتراماتی که در ضمن مسافرت روسیه نسبت به نایب‌السلطنه شده و برداشتن قشون روس از قزوین از توقیف و تسلیم دو نفر از سارقین که‌بروسیه‌فرارکرده‌بودند شاهد آورده و از موافقتی‌که‌مأمورین‌روسیه در ایران‌نسبت به دولت نموده‌اند صحبت کرده تشکرات فوق‌العاده را نسبت به آنها اظهار داشت. مجلس و جراید را متذکر نمود که در تشیید و استحکام این مناسبات حسنه بخصوص‌نسبت به دول همسایه کمك و معاونت نمایند.

نمره ـ ٤٣

مکتوب مستر برایس به سر ادوارد گری (واصله بیست و ششم فوریه)
از واشنگتن مورخهٔ ۱۶ فوریهٔ ۱۹۱۱ [۲۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۶ صفر ۱۳۲۹]
آقا

راجع به مراسلهٔ ۱۴ شهر جاری من در خصوص مأمورین مالیهٔ امریکایی برای دولت ایران افتخار دارم راپرت بدهم که در روزنامجات امروز صبح علاوه‌بر مأموریت مسیو شوستر به عنوان خزانه‌داری کل ایران تعیین مأمورین ذیل اعلان شده است:

فرانك کرنز مدیر مالیات ـ مستر کرنز فعلا در بندر ئیلوآلو که از جزایر فیلپین [فیلیپین] است مدیر گمرکات است.

کالنل [کلنل] ماك‌کاسکی که فعلا کفیل نایب مهندس و ممیز نیومـارك است
مفتش مالیات ولایات
(ار دبلیوهیلز) که فعلا در نیویورك وکیل و محاسب است. مفتش محاسبات و محاسب.۱

امضاء جیمز برایس

نمره ـ ٤٤

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و هشتم فوریه)
از طهران مورخهٔ ۲۸ فوریهٔ ۱۹۱۱ [۹ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۸ صفر ۱۳۲۹]
راجع براهمهای جنوب

تنخواه مسروقه که در سرقت ۲۲ فوریه راپورت داده‌ام مسترد شده ولی در همان تاریخ در شمال شیراز دو سرقت دیگر واقع شده و راپرتهای قنسول دولت فخیمه در شیراز اطمینان‌بخش نیست. به دولت ایران تأکید کرده‌ام که برای تنبیه سارقین و استرداد اموال مسروقه در فرستادن استعداد از شیراز که حال باید بیش از پنج هزار قشون در آنجا موجود باشد عجله نمایند. و نیز تأکید در تسریع ورود فرمانفرما به شیراز کرده‌ام.

نمره ـ ٤٥

یادداشت سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان
از وزرات خارجه ۲ مارس ۱۹۱۱ [۱۱ اسفند ۱۲۸۹؛ ۳۰ صفر ۱۳۲۹]

وزیر امور خارجهٔ دولت پادشاهی بـه وزیرمختار ایـران سلام رسانیـده و در خصوص مذاکرات ایشان در ۲۷ ماه گذشته با مستر ملت که ضمناً اظهار کرده‌اند که فعلا در راههای جنوبی ایران امنیت کامل حاصل است افتخار دارد به‌مشارالیه اطلاع بدهد که به موجب تلگرام مورخهٔ بیست و هفتم فوریه وزیر مختار دولت اعلیحضرتی در طهران، در بیست و دوم فوریه دو فقره سرقت دیگر در شمال شیراز واقع شده و راپرتهایی که از طرف قنسول دولت اعلیحضرتی‌از شیراز رسیده اطمینان‌بخش‌نیست.

www.adabestanekave.com

---

۱) در کتاب اختناق ایران تألیف مورگان شوستر و به ترجمهٔ ابوالحسن موسوی شوشتری اسامی همراهان شوستر با معرفی خود او چنین آمده است: ۱ـ مسترشارل مك‌کاسکی ۲ـ مستر رالف هیلز ۳ـ مستر بروس دیکی ٤ـ مستر کرنز. ـ م.

نمره ـ ٤٦

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پنجم مارس)
از طهران مورخهٔ پنجم مارس ۱۹۱۱ [۱۴ اسفند ۱۲۸۹؛ ۳ ع۱ـ ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخهٔ بیست و چهارم فوریه بفرمایید.
دیروز نایب‌السلطنه به مجلس رفته قسم یاد نمود.
قبل از اینکه قسم یاد کند باز شرحی از وظایف مجلس بـرای نمایندگـان نطق کرده اظهار داشت اهالی طهران و ولایات انتظار دارند که همهٔ کارها را او اصلاح نماید و این‌مسئله‌می‌نمایدکه‌دروظیفهٔاو اشتباه‌نموده‌اند زیرابه‌موجب‌قانون‌اساسی‌کابینه مسئول مجلس است و بایستی اقدام باصلاح امورات نماید و حق هم همین است و بیش از این هم تقاضای اقتدار و اختیاری ندارند و تکلیف او تعیین یك نفر رئیس‌ـ الوزرائی است که مقبول اکثریت مجلس باشد و اگر بایستی به کسی قدرت و اختیار زیاد داده شود به رئیس‌الوزراء و کابینه است.
چون بیش از این مایل نبوده‌اند که اوضاع متزلزل حالیه مداومت نماید لهذا به مجلس آمده قسم یاد نمایند و باید عموم طبقات مردم او را از صمیم قلب همراهی نمایند ـ اغراض شخصی باید از میان برود. هرگاه امور با این ترتیب اصلاح نشود نمی‌توانند دائماً به نمایند [= بمانند؟] و ناظر بوضعی که مایهٔ خرابی و خطرمملکت است باشند. بعد از یاد نمودن قسم نایب‌السلطنه اظهار داشت برحسب میل اکثریت مجلس تشکیل کابینه را به سپهدار واگذار نمود که عنقریب پروگرام خود را به‌مجلس اظهار خواهد داشت.

نمره ـ ٤٧

تلگرام از طرف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم مارس)
از طهران مورخهٔ ششم مارس ۱۹۱۱ [۱۵ اسفند ۱۲۸۹؛ ۴ع۱ـ۱۳۲۹]
رجـوع بـه تلگرام من مورخـهٔ بیست و سوم فوریـه بفرمایید مسیو پوکلوسکی [= پاکلوسکی] بمن اظهار داشت که اقدامات مجدد برای تنبیه ایل گالش بواسطهٔ تجاوزی که اخیراً نسبت به قشون روس نموده‌اند به عمل خواهد آمد.
از قرار مذکـور دو نفر قزاقی که در حادثهٔ سابقی ناپدید بودند قدری بعد جسد آنها بدست آمده. طایفهٔ مزبور آنها را به قتل رسانیده‌اند.

نمره ـ ٤٨

یادداشت میرزا مهدی خان به سر ادوارد گری (واصله دهم مارس)
وزیرمختار ایران به وزیر امور خارجه سلام‌رسانده و افتخار دارد وصول مراسلهٔ مورخهٔ دوم شهر جاری معظم‌له را که مدلول آن مشعر بر وقوع دو فقره سرقت در شمال شیراز است اشعار دارد. میرزا مهدی‌خان درین خصوص تحقیقات کرده و تلگرام

دولت متبوعهٔ مشارالیه مشعر بر این است که به محض وقوع این سرقتها استعدادی‌که مرکب از پیاده و سواره با توپ بوده است از قشون متحرك فارس مأمور تنبیه مرتکبین و استرداد اموال مسروقه شده است.

تلگرام مزبور نیز مشعر بر این است که مبلغی پول که متعلق به بانك شاهنشاهی ایران بوده و در حوالی اصفهان سرقت شده در ظرف یکروز پیدا شده و همچنین یکصد و دو صندوق تریاك از کمپانی زیگلر که در حدود ایالت فارس سرقت شده بود گرفته به صاحبان آنها مسترد داشته‌اند. از تلگرام دیگری که میرزا مهدی خان از طرف‌دولت خود داشته است بطور اختصار از اقدامات مختلفه که نظام‌السلطنه فرمانفرمای فارس از زمان ورود خود به آنجا کرده است شرح داده شده یاغیان تنگستانی کاملا مغلوب و قلاع آنها گرفته شده است. بندر دیر که در تصرف آنها بود تسخیر و امن گردیده استعداد زیادی برای تنبیه بویر احمدی وبهبهانی گسیل شده و همچنین اقدامات جدی دیگر شده است ـ به این ترتیب سر ادوارد گری ملاحظه خواهند فرمود که هر بی‌نظمی که اتفاق افتاده بسرعت و قدرت جلوگیری شده است و این بخودی خود دلیلی است وافی بر کفایت اقداماتی که از طرف دولت ایران شده و نیز معظم الیه [= معظم‌له] ملاحظه خواهند فرمود که این اقدامات و اینکه فرمانفرمای فارس اغلب نقاط مغشوش غیر منظم را که در سر راه شیراز واقع است بشخصه رفته سرکشی می‌نمایند برای حفظ انتظام و امنیت جنوب موجب بسی امیدواری است.

بالاخره وزیر مختار ایران خاطر وزیر امور خارجه را مطمئن می‌دارد که حفظ انتظامات و امنیت راههای تجارتی سمت جنوب و فی‌الحقیقه تمام صفحات جنوب از مسائل مهمه است که خاطر اولیای دولت خود را فوق‌العاده متوجه و مشغول داشته و چنانکه سر ادوارد گری بخوبی مستحضرند در این مقصد از زحمت زیاد و خرج بسیار فروگذار نشده است.

از سفارت ایران مورخهٔ هشتم مارس ۱۹۱۱ [۱۷ اسفند ۱۲۸۹؛ ۶ ع۱ـ۱۳۲۹]

نمره ـ ۴۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم مارس)

از طهران مورخهٔ دهم مارس ۱۹۱۱ [۱۹ اسفند ۱۲۸۹؛ ۸ ع۱ـ۱۳۲۹]

راجع به بانك شاهنشاهی و دولت ایران رجوع به تلگرام خودتان مورخهٔ بیست و دوم فوریه بفرمایید.

دولت ایران تقاضای جدیدی برای مبلغ یکصد و بیست هزار تومان به عنوان مساعده از رئیس بانك مزبور نموده است.

از قراری که اطلاع حاصل کرده‌ام پروگرام سپهدار مشتمل انجام مسئلهٔ استقراض است. علی‌هذا گمان می‌کنم می‌توان از انجام مسئله استقراض مطمئن شد.

در این صورت امیدوارم ادارهٔ مرکزی موافقت در دادن پول بنماید. هرگاه هیئت

مدیره بتوانند بدهند شرطی نمایند که این پول برای پرداخت حقوق قشون شیراز به مصرف برسد به عقیدهٔ من به مقتضای پولتیك خواهد بود.

نمره ـ ۵۰

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
وزارت خارجه دهم مارس ۱۹۱۱ [۱۹ اسفند ۱۲۸۹؛ ۸ع۱ـ ۱۳۲۹]

راجع به مساعدهٔ دولت ایران رجوع به تلگرام دهم مارس نمایید شما می‌توانید امیدواری خودتان را به نایب‌السلطنه اظهار نمایید که قدری از پولی که بانك بعنوان مساعده خواهد داد به مصرف حقوق قشونی برسد ولی آنها نمی‌توانند شرطی را که شما پیشنهاد کرده‌اید بنمایند.

نمره ـ ۵۱

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم مارس)
از طهران مورخهٔ بیستم فوریهٔ ۱۹۱۱ [یکم اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۰ صفر ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپرت بدهم که ناصرالملك هم خود را بر این مصروف می‌دارد که احساساتی که در مملکت بر ضد روسها تولید شده برطرف نماید و در اقدامات معزی‌الیه محتشم‌السلطنه وزیر امور خارجه کاملا موافق و شریك است چنانکه در جلسهٔ مورخهٔ چهاردهم فوریهٔ مجلس در جواب سؤالاتی که در خصوص اقدام به قتل حکمران اصفهان و قتل صنیع‌الدوله از طرف اتباع روس شده محتشم‌السلطنه شرحی از موافقت صمیمی سفارت با مأمورین دولتی و معاملهٔ آنها با مرتکبین سخن رانده نیز اظهار داشت که مسئولیت این قبیل اعمال شنیعه حقیقتاً متوجه اشخاصی است که فراریان روسیه را مستخدم می‌نمایند و جداً درخواست نمود که در آتیه برخلاف سابق به خدمت دولت قبول نشوند.

محتشم‌السلطنه وزیر امور خارجه اظهار داشت وزیرمختار روسیه شخصاً تنفر خود را از اعمال بعضی از اتباع روس اشعار داشته و حضار را مطمئن نموده که پس از آنکه بموجب عهدنامه به روسیه اعزام شدند در آنجا مجازات کافی خواهند دید. نطق وزیر خارجه به حسن‌قبول تلقی شده و اثرات خوب بخشید.

امضاء بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۲

مکتوب سر جرج پارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم مارس)
طهران بیست و دوم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۳ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۲ صفر ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم راپرت بدهم که در جلسهٔ دوم فوریهٔ مجلس باتفاق آراء حقوق مخصصین [= متخصصین] مالیهٔ امریکایی را بموجب صورت علیحده رأی داد.

امضاء پارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۵۲

صورت حقوق مخصصین [= متخصصین] مالیهٔ امریکایی

خزانه‌دار کل (شخصی که رئیس جمهوری ممالك متحده توصیه کرده است) سالی دو هزار لیره به انضمام مخارج مسافرت برای خود و فامیلش.
مفتش سالی یکهزار لیره (پنج هزار دالار)
محاسب سالی هشتصد لیره (چهار هزار دالار)
مدیر مالیات مستقیم سالی یك هزار و دویست لیره (شش‌هزار دالار)
یك مفتش که بعلاوه معاون مدیر مزبور باشد سالی هزار لیره (پنج‌هزار دالار)
کنتراتشان برای مدت سه سال خواهد بود.

نمره ـ ۵۳

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم مارس)
از طهران مورخهٔ بیست و دوم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۳اسفند ۱۲۸۹:۲۲ صفر ۱۳۲۹]
آقا

پس از مراسلهٔ من مورخهٔ بیست و سوم ماه گذشته فقط دو سرقت در راه بوشهر و اصفهان یکی از آنها نزدیکی قمشه در سیزدهم ماه جاری و دیگری در هیجدهم ماه جاری در هشت میلی جنوبی شیراز واقع شده. در سرقت اولی به اندازه‌ای که اطلاع یافته‌ام مال‌التجارهٔ اتباع انگلیس نبوده و اموال مسروقه فوری مسترد شده است. در سرقت دومی از کمپانی زیگلر معادل یك هزار تومان مال‌التجاره رفته و از قرار راپرتی که رسیده نایب‌الحکومهٔ شیراز جدیت به خرج داده و در پیدا کردن اموال مسروقه مطمئن و امیدوار است.

تاکنون بالنسبه امنیت راه برقرار بوده ولی باید دید قشونی که به شیراز فرستاده شده پس از آنکه هوا گرمتر و وسائل ناامنی و سرقت زیادتر و آسان‌تر شد چگونه با آن اوضاع مقابلی می‌نمایند. علاوه بر قشونی که در ضمن مراسلهٔ بیست و سوم ماه گذشته به عرض رسانده‌ام هفتصد نفر با سی صندوق فشنگ در بیست و پنجم

---

۱) اصل: ۵۳ که ظاهراً اشتباه چاپی است. ـ م.

ژانویه از اصفهان برای شیراز حرکت کرده ولی قشونی که فعلا در شیراز موجود و عدهٔ آنها تقریباً دو هزار و پانصد نفر است به واسطهٔ اینکه ترتیبی در ایصال حقوق آنها داده نشده اسباب زحمت شده‌اند. مقداری پول برای شعبهٔ بانك شاهنشاهی در اصفهان در شیراز به واسطهٔ نرسیدن مواجب قشون که مأمورین محلی نتوانسته‌اند مستحفظ تدارك و همراه پول مزبور نمایند معطل مانده. من به دولت ایران تأکید می‌کنم پول بشیراز بفرستد ولی پول ندارند و استقراض بانك شاهنشاهی که موکول به تشکیل کابینهٔ جدید با تعیین وزیر مالیه بجای صنیع‌الدوله است.

بموجب راپرتی که رسیده جنرال مالتا در کاشان معطل مانده جرأت رفتن ندارد زیرا اخیراً راه بین کاشان و اصفهان معرض چندین خطر سرقت بوده است و یك نفر از اعضای بانك شاهنشاهی و یك نفر تاجر روس را نیز لخت کرده‌اند.

امروز بعد از ظهر از وزیر خارجه سؤال کردم که در خصوص استخدام صاحب‌منصب سوئدی بجهت تشکیل یك قوهٔ ژاندارمری ملی چه‌اقدام شده معظم‌له به من اظهار داشت فی‌الجمله تأخیری پیش آمده زیرا صمدخان وزیر مختار ایران در پاریس که واسطهٔ مذاکرهٔ این مطلب با دولت سوئد است اظهار می‌دارد که نظر به سختی خدمتی که صاحبمنصب فرمانده در پیش دارد بهتر این است صاحبمنصب فرمانده جوانی باشد سابقاً این‌طور خیال شده بود که یك نفر از درجهٔ کلنل خواسته شود ولی فعلا دولت توصیهٔ صمدخان را طرف توجه قرار داده و نیز وزیر خارجه به من اظهار داشت که خود او و سایر اعضاء کابینه در این رأی موافق هستند. این است که در خواستن صاحبمنصبان مزبور قدری تأخیر شده.

امضاء بارکلی

نمره ـ ٥٤

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم مارس)
از طهران مورخهٔ بیست‌وسوم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۴ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم راپرت خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ ایران را بطور معمول لفاً ارسال دارم:

ملفوف نمرهٔ ۵۴

خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ ایران از بیست و چهارم ژانویه تا بیست و سوم فوریهٔ ۱۹۱۱ [۴ بهمن تا ۱۴ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۲ محرم تا ۲۳ صفر ۱۳۲۹]

طهران

والاحضرت ناصرالملك در نهم شهر جاری وارد طهران شده نمایندگان خارجه را در یازدهم پذیرفت. روز بعد از آن اعضای مجلس را پذیرفته نظریات خود را به آنان اظهار داشت سپس هیئتی از طبقات مختلفه را پذیرفت ـ تا بحال قسمی را که در

قانون اساسی درج شده یاد نکرده علی‌هذا قانوناً هنوز به نیابت سلطنت شناخته نشده. صنیع‌الدوله وزیر مالیه در چهارم شهر جاری از رئیس بانك شاهنشاهی دیدن و آخرین شرایط استقراض دولتی را مذاکره کرده درحالتی‌که در کالسکه به‌خانه‌مراجعت‌می‌کرد یکی از تبعهٔ روس به سمت مشارالیه شلیك کرده سه تیر کارگر شده هرچند دکتر اسکات فوری حاضر شده معالجه ممتنع سه یا چهار ساعت بعد وفات کرد. قاتل و همدستان مشارالیه در موقع فرار چند پلیس را مجروح ساخته و بعضی از آنها تابحال مرده‌اند.

قاتل و یك‌نفر از همدستانش بالاخره دستگیر و پس از تحقیقات مقدماتی که معلوم شد تبعهٔ روس هستند هر دو تسلیم سفارت روس شدند.

مجلس

در جلسهٔ بیست و ششم ژانویه ذکاءالملك رئیس مجلس به واسطهٔ آنکه وکلاء نسبت غرض و طرفداری به مشارالیه داده بودند از ریاست استعفاء داده در سی ویکم ژانویه ممتازالدوله به اکثریت چهل و پنج رأی از هفتاد و شش رأی به ریاست انتخاب شد. مرتضی‌قلی‌خان که سابقاً منشی شخصی ظل‌السلطان بوده به نیابت ریاست انتخاب گردید. رئیس تازه برادر کوچك وزیر مختار حالیهٔ ایران در پاریس در فرانسه تحصیل کرده و در موقع بمباردمان مجلس در ماه ژوئن ۱۹۰۸ نیز رئیس مجلس بوده آن وقت به سفارت فرانسه متحصن‌شد. از زمان‌ورود ناصرالملك که نهم شهر جاری‌است چندین جلسه سری برای مذاکره در اظهارات نایب‌السلطنه در خصوص تأسیس یك اکثریت مرتب ثابتی که مقدمهٔ تشکیل یك‌کابینهٔ جدیداست منعقد شده. مستوفی‌الممالك‌رئیس‌ـ الوزراء استعفای خود و سه نفر از همکاران باقی‌ماندهٔ‌خود را بعداز ورود نایب‌السلطنه بلافاصله تقدیم داشته. پارتیهای مختلف در مجلس بالاخره اعلان نمودند که به دو دستهٔ عمده هریك با پروگرام معین منقسم شده‌اند. اقلیت یا دموکراتها در هیجدهم‌شهر حال اظهار داشته که معادل بیست و یکنفربوده و پروگرام خودرا ارائه دادند. دربیست و دوم شهر جاری اکثریت یا اعتدالیون اظهار داشتند که چهل و نه نفر از اعضا که اکثریت را تشکیل داده بر یك پروگرام موافقت کرده‌اند ـ اسامی اعضای اکثریت به توسط مرتضی قلی‌خان قرائت شد. این مسئله مبرهن است که سپهدار را به ریاست انتخاب خواهند کرد و انتخابات آنها با نظریات نایب‌السلطنه خواهد بود.

تبریز

اقداماتی که بر ضد فرمانفرمای آذربایجان شده بود به توقیف مؤسسین من‌جمله امیر حشمت و سیدالمحققین از اعضای سابق انجمن ایالتی بوده اختتام یافت. علی‌ـ الظاهر روی‌هم‌رفته این اقدام فرمانفرما طرف قبول عامه شده و هیجانی در شهر بروز نکرده در ظرف ماه ژانویه انتظام صحیحی در کلیهٔ ایالت برقرار بود و هیچ سرقتی‌از کاروانها به قنسولگری دولت انگلیس راپرت داده نشد. در بیست و سوم ژانویه رحیم خان بایکعده مستحفظ‌که ازطرف فرمانفرمای‌آذربایجان معین‌شده‌بود سالماً واردگردید.

رشت

از راپرتهایی که اخیراً رسیده این‌طور معلوم می‌شود که از ماه نوامبر گذشته مازندران به انصاف رحیم‌خان و اسمعیل خان امیر تومان سوادکوهی و امیر مکرم لاریجانی و رشیدالسلطان واگذار بوده که با یکهزار سوار و پیاده بارفروش را مرکز خود قرار داده‌اند. در ظرف ماه نوامبر ظهیرالدوله حکمران مازندران به قوهٔ مذاکرات اقدام به تفرقهٔ یاغیان کرده ولی موفق نشد زیرا یکی از شرایطی‌را که تقاضامی‌نمودند عفو عمومی دربارهٔ اهالی مازندران بود که سفارتین انگلیس و روس ضمانت نمایند. اشرار مالیات را گرفته به مصرف نگاهداری قوای خودشان می‌رسانند. مکرر به ظهیر- الدوله امر کردند که از مازندران برود ولی او اعتناء نکرد. اشرار با ترکمنها در مقام مذاکره برآمده ترکمنها به واسطه سختی هوا از فرستادن استعداد اعتذار جسته ولی وکیلی را به بارفروش فرستادند که قرار بدهند همین که هوا ملایم شود به استراباد حمله ببرند. علماء و اعیان مازندران چندین دفعه از ویس قنسول انگلیس تقاضا نموده‌اند که در تحت حمایت دولت انگلیس بیایند مشارالیه جواب داده که نمی‌تواند در امورات داخلی ایران مداخله نماید. در اوایل ژانویه در مشهدسر، یکی از اتباع روس از طرف برادرزن امیر مکرم و یوزباشی قربان در حالتی که در منزل مشارالیه مهمان بوده کشته شده. قاتلین را به بارفروش بردند ولی برحسب خواهش قنسول روس در استراباد مجدداً آنهارا مراجعت دادند. امیر مکرم در تحریك این قتل مظنون است.

مشهد

اوضاع کلیهٔ ایالت آرام است و سرقتی واقع نشده ولی این مسئله به واسطهٔ سختی هواست.

مسعودخان که به حکومت دره‌جز [= درگز] منصوب شده بود تا قوچان رفته و چندی است همانجا متوقف است و علی‌الظاهر می‌ترسد جلوتر برود. در اوایل فوریه استعدادی که مرکب از یکصد نفر سوار و دو عراده توپ بوده به مشارالیه رسیده و به این واسطه به دره‌جز رفته در آنجا از قرار راپرت ظاهراً حزم و کفایتی در اداره کردن آن ایالت بخرج داده.

اصفهان

در شهر و اطراف آسایش‌برقرار شده تقریباً تمام‌بختیاریها از اصفهان رفته‌اند. در اواخر ماه ژانویه سرما تخفیف یافته پس از آن آذوقه به‌آزادی به‌شهر وارد می‌شود. عموماً راهها مصون از سرقت بوده ولی در نهم ماه فوریه در مادرشاه که سر راه طهران است مستر دالتون یکی از اعضای بانك شاهنشاهی و سایر مسافرین را نه نفر سوار لخت کرده هرچه داشته‌اند برده‌اند. در راه شیراز در دوازده‌میلی شمال شرقی قمشه یك کاروانی را به‌سرقت برده ولی اموال مسروقه مسترد و سه نفر از سارقین دستگیر شده‌اند. در صبح روز اول فوریه میرزا عباس‌خان رئیس سابق نظمیهٔ اصفهان

به طرف حکمران و برادرزاده‌اش میرزا عبدالرحیم‌خان تیر انداخته میرزا عبدالرحیم خان سخت مجروح شده ضارب با سه نفر از همدستانش در جنرال قنسولگری روسیه متحصن و مدعی به تبعیت روس هستند. معتمد خاقان فوق‌العاده جانی به سلامت برده زیرا یك گلوله داخل ریهٔ چپ شده از نزدیکی قلب عبور کرده و ریهٔ راست را سوراخ کرده و حالش رو به بهبودی است.

یـزد

حکمران یزد علی‌الظاهر خیلی مایل به حفظ انتظام راههای قلمرو خودش است ولی بواسطهٔ نداشتن پول دستهایش بسته و نمی‌تواند از قبیلهٔ خـود یا غیر آنها اشخاصی اجیر نماید که قابل مقابلهٔ با سارقین باشند. از قرار راپرتی‌که رسیده در ظرف ماه ژانویه دویست نفر سارقین بهارلو ده ده را غارت و با اهالی آنجاها خیلی بدرفتاری کرده‌اند و پنجاه هزار حیوان برده‌اند. از قرار مذکور در راه بین نائین و یزد سارقین در کمین بوده‌اند و چون احتیاط لازم به عمل آمده سرقتی واقع نشده است. چون راه جنوب کلیتاً مسدود بوده تجارت روسیه ترقی نموده است.

دامغان

از قرار راپرتی که رسیده در هیجدهم فوریه نایب‌حسین با سیصد نفر سوار دهات نزدیکی گوشه را که در بیست و چهار میلی غربی دامغان واقع است غارت کرده. در گوشه سه نفر را کشته و اسبهای چاپارخانه را برده‌است. محض‌رعایت‌احتیاط اسبهای منازل همجوار را برداشته‌اند. علی‌هذا حرکت پست مابین مشهد و طهران تعطیل شده است. در هیجدهم فوریه سیصد نفر سوار برای تعقیب نایب‌حسین از طهران حرکت کرده‌اند.

کرمانشاهان

در شانزدهم ژانویه رکن‌الدوله حکمران جدید بـا چهل و پنج نفر مستحفظ از قزاقهای ایرانی وارد شده آسایش برقرار گردیده و تشکیل قوهٔ صحیحی از پلیس در شهر داده شده. داودخان از آمـدن شهر و ملاقـات حکمران امتناع جسته علی‌هذا حکمران هم از قبول خدمت دویست نفر سوارهٔ کلهر که داودخان خواسته و جمع‌آوری نموده است امتناع ورزیده. وزیر داخله به حکمران دستورالعمل داده است صمصام‌ـ الممالك سنجابی را به حکومت قصرشیرین بفرستد ولی این مسئله با وجود ضدیت داودخان امکان نداشته است.

کرمان

فرمانفرمای کرمان بلافاصله بعد از ورود خود شروع به تهیهٔ فرستادن اردو به بلوچستان نمود. خیال کرده است بدواً خودش تا بم رفته پس از ورود به بم معلوم

خواهد کرد که لازم است خودش هم با اردو برود یا خیر ـ از قرار راپورتی که رسیده بهرام خان رئیس بلوچهای یاغی مشغول تهیه و جمع‌آوری استعداد است که با هر قوه که بجهت انتظام بلوچستان فرستاده می‌شود بجنگد.

راپرت‌هایی که از سرقتهای ماه ژانویه رسیده بقرار ذیل است:

۱) دو فقره بین مرغاب و جیرفت که یکی از آنها کاروان هندو بوده

۲) بین کرمان و بم نزدیکی تهرود.

۳) نزدیکی مسکون بین بندرعباس و بم. در کل‌انجیره بین بندرعباس و کرمان پست را هم زده‌اند.

شیراز

در ظرف ماه ژانویه سرمای سختی شده. قوافل برحسب معمول در راه کازرون عبور میکرده راه اصفهان نیم‌متروك مانده. در هیجدهم فوریه سی بار مال‌التجاره که معادل دویست لیره تریاك کمپانی زیگلر در جزو آن بوده در هشت‌میلی شمال شیراز به‌سرقت رفته. وضع پست به اصفهان به اندازه‌ای مغشوش است که کاغذهای شمال را از راه بوشهر می‌فرستند. فرمانفرمای فارس هنوز در برازجان با بعضی از رؤسای معلی که مالیات سنوات گذشته را نپرداخته‌اند در زد و خورد است. صولت‌الدوله همراه او است و شهرت دارد که صولت‌السلطنه و محمدعلی‌خان کشکولی با مشارالیه موافقت کرده‌اند. قشون متحرك فارس که تقریباً دو هزار و پانصد نفر است در شانزدهم فوریه از اصفهان وارد شیراز شده‌اند. نزاعی بین بعضی از این قشون و بعضی از اهالی شهر واقع و یکنفر از اهالی شهر کشته شده است.

نمره ـ ۵۵

مکتوب سر جرج باکانین [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم مارس)
از پطرزبورغ هفتم مارس ۱۹۱۱ [۱۶ اسفند ۱۲۸۹؛ ۵ ع ۱ـ۱۳۲۹]

آقا

بر طبق دستورالعملی که در ضمن مراسلهٔ مورخهٔ بیست و چهارم ماه گذشته به بنده داده بودید دیروز به وزیر امور خارجه اطلاع دادم که انجام قرارداد استقراض بانك شاهنشاهی با دولت ایران فعلا موکول به تشکیل کابینهٔ جدید ایران است ولی دولت ایران از رئیس بانك مزبور تقاضای یکصد و بیست هزار تومان به عنوان مساعده نموده است و نیز اظهار داشتم که جنابعالی تلگرافاً [= تلگرافی] به سر جرج بارکلی اطلاع داده‌اید که در دادن مساعده مخالفتی نداشته‌اید.

مسیو سازانوف تشکرات خود ر از این ابلاغ اظهار داشت. اینك که نقشهٔ معاهدهٔ با روسیه منظور و به محل اجراء گذاشته شده ابداً مخالفتی در اینکه بانك شاهنشاهی مساعدهٔ مزبور را بپردازد ندارد. معظم‌الیه [= معظم‌له] در ضمن مذاکرات اشاره‌کرد

که موقع آن نزدیك شده که لزومیت ترتیب استقراض عمده‌ای برای ایران در حمایت دو دولت بر خود حتم کنیم زیرا دولت ایران برای ادارات داخلی و حفظ انتظامات فوق‌العاده احتیاج به پول دارد.

امضا باکانن [بیوکانان]

نمره ـ ۵۶

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پانزدهم مارس)

از طهران مورخهٔ پانزدهم مارس ۱۹۱۱ [۲۴ ۱۲۸۹؛ ۱۳ ع ۱ـ۱۳۲۹]

قسمت آخر قشون روس امروز صبح از قزوین حرکت کرده هشتاد نفر به عنوان گارد قنسولگری باقی گذاشته‌اند.

نمره ـ ۵۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هیجدهم مارس)

از طهران مورخهٔ هیجدهم مارس ۱۹۱۱ [۱۷ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۶ ع ۱ـ۱۳۲۹]

راجع به راههای جنوب

عبور و مرور قوافل در بین راه بوشهر و برازجان بواسطهٔ خصومت و نزاع دو نفر از رؤسای آن محل که بر ضد یکدیگرند مقطوع است و من به دولت ایران تاکید در اقدامات می‌کنم.

نمره ـ ۵۸

مکتوب سر ادوارد گری به سر جرج باکانن [بیوکانان]

از وزارت خارجه هیجدهم مارس ۱۹۱۱ [۲۷ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۶ ع ۱ـ۱۳۲۹]

آقا

مراسلهٔ جنابعالی مورخهٔ هفتم شهر جاری محتوی راپرت مذاکرهٔ خودتان با وزیر امور خارجهٔ دولت روسیه در خصوص یکصد و بیست هزار تومان مساعده که دولت ایران از بانك شاهنشاهی ایران تقاضا کرده بود واصل گردید.

سواد مخابرات تلگرافی (مخابرهٔ نمرهٔ ۴۹ و ۵۰) با وزیرمختار دولت فخیمه در طهران راجع به تقاضای دیگری که به توسط بانك رسیده لفاً برای جنابعالی فرستاده خواهشمندم موقعی بدست آورده مراتب را به اطلاع دولت روسیه برسانید.

امضاء گری

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۵۹

یادداشت سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان

وزیر امور خارجهٔ انگلستان به وزیرمختار دولت ایران سلام رسانده مفتخر است که تشکرات فایقه وصول مراسلهٔ مورخهٔ هشتم شهر جاری را راجع به اقداماتی که دولت ایران نسبت به اعادهٔ نظم راههای جنوب ایران و استرداد اموال مسروقه بـه صاحبان آنها و تنبیه مرتکبین نموده اظهار می‌دارد.

وزارت خارجه بیستم مارس ۱۹۱۱ [۲۹ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۸ ع ۱ـ۱۳۲۹]

نمره ـ ۶۰

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

از وزارت خارجه مورخهٔ ۲۲ مارس ۱۹۱۱ [۱ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۰ ع ۱ـ۱۳۲۹]

راجع به سرقتهای راههای ایران

رجوع به تلگرام خودتان مورخهٔ ۲۸ فوریه نمایید.

دارالتجاره‌های منچستر اظهار می‌دارند دو فقره از چهار فقره سرقتی که سه فقرهٔ آنها در ۲۲ فوریه واقع شده یکی در دوازده‌میلی شیراز بین ده‌بید و مرغاب و دیگری بین مرغاب و شیراز وقوع یافته و یکی دیگر در هیجدهم فوریه در هشت‌میلی شیراز واقع گردیده. دو فقرهٔ آنها با حضور قشون دولتی (که سرقت هیجدهم فوریه جزو آن است) بوده و قشون دولتی نیز شرکت در سرقت کرده‌اند. آیا راجع به این مسئله اطلاعی دارید؟

نمره ـ ۶۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و چهارم مارس)

از طهران مورخهٔ بیست‌وچهارم‌مارس۱۹۱۱ [۳فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۲ ع ۱ـ۱۳۲۹]

در جواب تلگرام جنابعالی مورخهٔ بیست و دوم مارس افتخار دارم راپرت بدهم که فقط راپرت دو سرقت در بیست و دوم فوریه به من رسیده. کفیل قنسولگری شیراز در جواب سؤال بنده تلگراف ذیل را نموده. علی‌الظاهر یقین است که در هیجدهم‌فوریه دویست یا سیصد نفر از قشون دولتی که تازه وارد شده نزدیك کاروان بوده‌اند و بمجردیکه بقدر سی‌نفر از سارقین پیدا شده‌اند شروع بفرار کرده‌اند و سرقت در حضور چند نفر از صاحب‌منصبان یا فرماندهٔ کل آنها واقع شده و هیچ اقدامی در ممانعت ننموده‌اند. از قرار مذکور در مقابل اصرار ناظرین واقعه فرمانده اینطور جواب داده که دستورالعملی برای جلوگیری سارقین بـه مشارالیه داده نشده است بهرحال موافقت و مشارکت سربازها با سارقین در سرقت بی‌اصل است.

نمره ـ ۶۲

تلگرام سر ادوارد گری به جرج بارکلی

وزارت خارجه مورخهٔ بیست و هفتم مارس ۱۹۱۱ [۶ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۵ ع ۱ـ ۱۳۲۹]

راجع به سرقتهای راههای ایران رجوع به تلگرام خودتان مورخهٔ بیست و چهارم مارس نمایید.

هرگاه اعتراضی نسبت به رفتار قشون دولتی تابحال به دولت ایران نکرده‌اید تذکر و تنبه داده خاطرنشان نمایید که تکرار این‌قبیل واقعات برای ما مشکل خواهد شد که در اصرار اعمال نقشه‌ای که در یادداشت چهاردهم اکتوبر ذکر شده دست نگاه داریم از قصور دستورالعملی که به فرماندهٔ قشون نسبت داده می‌شود باید تذکر مخصوص داده شود.

نمره ـ ۶۳

مکتوب مستر برایس به سر ادوارد گری (واصله بیست و نهم مارس)

از واشنگتن بیست و یکم مارس ۱۹۱۱ [۳۰ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۹ ع ۱ـ۱۳۲۹]

آقا

نسبت به مراسلهٔ سابقه راجع به مأموریت مسیو شوستر بسمت مستشار مالیهٔ دولت ایران افتخار دارم به جنابعالی اطلاع‌بدهم که مشارالیه با سه نفر از معاونین خود در بیست و نهم شهر جاری از نیویورك به سمت ایران عازم خواهند شد و شخص چهارمی مستر کرنز که تاکنون در ایلوالو مستخدم دولت آمریك است از قرار معلوم از فیلی‌پین به سمت آمریك حرکت کرده و از آن طرف بزودی عازم ایران خواهد شد.

امضاء جیمس برایس

نمره ـ ۶۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و نهم مارس)

از طهران بیست و نهم مارس ۱۹۱۱ [۸ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۷ ع ۱ـ۱۳۲۹]

بموجب راپرتی که از قنسول کرمانشاهان رسیده در بیست و پنجم و بیست و ششم مارس دو دفعه جهد کرده‌اند که به قنسولخانهٔ دولت اعلیحضرتی بریزند.

در بیست و پنجم مارس دو نفر توقیف شدند. در بیست و ششم مارس اشرار داخل منزل سوارها شده و دو دست لباس با اشیاء دیگر را برده‌اند. در بیست و ششم مارس تیر و تفنگ فیمابین قنسولگری و سی نفری که به گمان قنسول برای قصاص دو نفر از رفقایشان که در بیست و پنجم مارس توقیف شده به حوالی قنسولخانه آمده بودند

رد و بدل شده.

مستر مکدوال برای مدافعه اقدامات کرده و حکومت را از واقعه مستحضر ساخته است. مستر مکدوال نیز راپرت می‌دهد که به مشارالیه راپرت رسیده که سوارهای هندی را تهدید به قتل نموده‌اند.

در بیست و هفتم مارس اشرار بسمت قنسولگری سنگ انداختند ولی همینقدر دیدند قنسولگری بخوبی محافظه شده است دست‌برداشته بسمت شهر رفته در آنجا خانهٔ یکی از اعیان را غارت کرده‌اند.

ضمناً دولت ایران رامسئول امنیت قنسولگری و اتباع دولت انگلیس در کرمانشاه قرار داده تاکید کرده‌ام که مرتکبین را تنبیه نمایند.

نمره ـ ٦٥

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سی و یکم مارس)

از طهران مورخهٔ سی و یکم مارس ۱۹۱۱ [۱۰ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۹ ع ۱ـ۱۳۲۹]

برطبق عادت جاریه که هرگاه مقصرین تبعهٔ روس باشند استنطاق قتل صنیع‌الدوله در محاکمات وزارت خارجهٔ طهران و استنطاق مرتکبین به حمله به معتمدخاقان و قتل برادرزاده‌اش در محکمهٔ کارکذاری [= کارگزاری] اصفهان در کار است و یکنفر از مأمورین روسیه در هر دو قضیه حضور دارد. آثار عدم توافقی از طرف سفارت روسیه در طهران یا جنرال قنسولگری روسیه در اصفهان ظاهر نگردیده. پس‌ازآنکه تحقیقات مقدماتی به اختتام رسید مقصرین برای محاکمه به روسیه فرستاده خواهند شد.

در سال گذشته دو قتل دیگری که مرتکبین آنها از اتباع دولت روس بودند واقع شد. در یکی از آنها از تحقیقات متفقه‌ای که در طهران بعمل آمد چیزی ثابت نگردید فقط برحسب‌تقاضای دولت‌ایران مقصرازطرف وزیرمختارروس به‌روسیه فرستاده‌شد.

در قضیهٔ دیگر تقصیر مقصر در طهران ثابت گردید و از قرار معلوم در روسیه در تحت محاکمه است.

نمره ـ ٦٦

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سی و یکم مارس)

از طهران سی و یکم مارس ۱۹۱۱ [۱۰ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۹ ع۱ ـ ۱۳۲۹]

راجع به تلگرام من مورخهٔ بیست و نهم شهر جاری است.

در خصوص حمله به قنسولگری کرمانشاه

قنسول دولت اعلیحضرتی راپرت می‌دهد در شب بیست و هشتم مارچ [= مارس] اشرار بسمت قنسولگری تیر انداخته ولی چون جواب آنها داده شد فرار کردند.

مأمورین محلی ظاهراً برای حفظ قنسولگریها سرباز به آنجاها گذاشته‌اند.

نمره ـ ۶۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سوم آوریل)

از طهران مورخهٔ سیزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۳ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۳ ع۲ ـ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام مورخهٔ بیست و هفتم مارس راجع به راههای جنوب بفرمایید.

خصومتهای مذکوره در آن تلگرام برای فرمانفرمای فارس نتیجهٔ خوب‌تر بخشیده و حکمران بنادر احضار شده. فرمانفرمای فارس قشونی بر ضد کمارج که نزدیك کازرون است فرستاده احتمال دارد مقاومت آنها هم طول بکشد و قنسول دولت اعلیحضرتی در شیراز راپورت می‌دهد که راه بوشهر و شیراز مدت مدیدی مسدود خواهد بود.

راپرتی رسیده است که در اول آوریل سرقتی در نزدیکی سیوند در شمال شیراز واقع شده که گمان می‌رود در آن سرقت شش بار متعلق به دارالتجارهٔ ویکسن‌بسرقت رفته باشد. عبور و مرور قوافل بین شیراز و اصفهان کلیتاً متروك شده است.

بالاخره نظام‌السلطنه از کازرون بسمت شیراز حرکت کرده و جنرال مالتا هم نیز وارد آنجا شده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۶۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ آوریل)

از طهران مورخهٔ پنجم آوریل ۱۹۱۱ [۱۵ فروردین ۱۲۹۰؛ ۵ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

قنسول‌جنرال‌دولت‌اعلیحضرتی از بوشهر راپورت می‌دهد که بعضی‌بی‌نظمیها در سوم آوریل در موضوع جمع‌آوری مالیاتهای جدید واقع شده.

معاون رئیس نظمیه یکنفر توپچی را گلوله زده کشته و توپچیهای همدستهٔ مقتول قاتل را تعاقب می‌کنند فرار کرده به قنسولگری عثمانی می‌رود. مهاجمین داخل قنسولگری شده معاون نظمیه و یك جاندارم [= ژاندارم] ایرانی را که ظاهراً مستحفظ قنسولگری بوده به قتل می‌رسانند. برحسب خواهش سفیر عثمانی شرح واقعه را بموجب راپورت جنرال قنسولگری دولت اعلیحضرتی به معظم‌له داده‌ام.

نمره ـ ۶۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم آوریل)

از طهران مورخهٔ ششم آوریل ۱۹۱۱ [۱۶ فروردین ۱۲۹۰؛ ۶ ع۲ ـ ۱۳۲۹]

راجع به تلگرام شما مورخهٔ بیست و هفتم مارس در خصوص سرقتهای راه جنوب ایران:

وزیر امور خارجه بمن اطلاع می‌دهد که بعلت واقعهٔ مذکوره صاحب‌منصب فرمانده احضار شده است.

نمره ـ ۷۰

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)
از طهران مورخهٔ هفتم مارس ۱۹۱۱ [۱۷ فروردین ۱۲۹۰؛ ۷ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

آقا

هرچند در ضمن تلگرام مورخهٔ پنجم شهر جاری نکات خطابه‌ای که ناصرالملك در روز گذشته قبل از اتیان قسم در مجلس اظهار نمود بعرض جنابعالی رسانیده‌ام اینك لازم دانستم که مفصل آن اجمال را که مسیو چرچیل یادداشت کرده لفاً ارسال دارم رفتن نایب‌السلطنه به مجلس تشریفات مخصوص نداشت ولی از طرف تمام حضار که داخل آنها بعضی اعضاء کور دیپلماتیك من‌جمله سفیر عثمانی و وزیرمختار آمریك و چندین نفر از اجزاء من بودند با احترامات مخصوص پـذیـرفته شد ـ حین ورود نایب‌السلطنه به مجلس و همین‌که برخواست [برخاست] که قسم یاد نماید تمام حضار برخواسته [برخاسته] سرپا ایستادند.

با سکوت تمام به خطابه گوش داده میشد و از هیچ راهی علامت و آثاری از حضار آشکار نبود که بگفتار نایب‌السلطنه قدر ندهند و مغتنم‌نشمرند. درباریان ایران عادت نکرده‌اند بسادگی که نایب‌السلطنه در این موقع صحبت کرد صحبت نمایند و استقامت بیانات مشارالیه حسن‌اثر خوبی بخشید.

امضاء بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۷۰

نطق نایب‌السلطنه در چهارم مارس ۱۹۱۱ [۱۳ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲ ع ۱ـ۱۳۲۹
در موقع یاد کردن سوگند در مجلس شورای ملی

مخصوصاً درخواست کرده‌ام که تشریفاتی در این موقع نباشد برای اینکه بتوانم بعضی مطالب را که لازم می‌دانم در اینجا بیان کنم. حالا در مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان محترم خطاب خود را در حقیقت به تمام هموطنان خود میکنم:

اولا از حسن ظن و اعتماد و محبت خالصانه‌ای که از نمایندگان ملت و تمام طبقات دارالخلافه و ولایات به‌وسایل‌مختلفه به من اظهار شده از صمیم‌قلب تشکر کرده سعادت و شوکت ملت را از خداوند خواسته و برای خود در هر حال توفیق خدمت مسئلت می‌نمایم.

ثانیاً چون امروز مملکت ما در تحت حکومت مشروطه یعنی حکومت ملی است لازم است که تمام ملت از مهمات امور مطلع باشند. می‌خواهم مسائل راجعه به نیابت سلطنت را توضیح کنم و برای آنکه سابقهٔ بدی در مملکت باقی نماند لازم می‌دانم آنچه را در کیفیت انتخاب اینجانب مخالف اصول عادات معمولهٔ ممالك مشروطه جاری شده باطلاع عموم برسانم:

اولا بدیهی است که در این امر نظر به مقتضیات حال و صلاح مملکت قبل از وقت مذاکراتی لازم بوده و از قرار معلوم این مذاکرات بعمل نیامده و عجله شده است.

ثانیاً از آن شخص که برای این مقام در نظر گرفته می‌شود باید قبل از انتخاب استعلام شود که آیا می‌تواند تقبل نماید و در چه صورتی برای او تقبل این وظیفه امکان‌پذیر است چنانکه بر همهٔ نمایندگان محترم معلوم است در افتتاح مجلس ثانی تمام نمایندگان بالاتفاق نیابت سلطنت را به من تکلیف کردند و من با دلایل قویه امتناع نمودم چون دلائل موجه بود متقاعد شدند این دفعه با اینکه مسبوق به این سابقه بودند باز بدون استعلام مرا بدین مقام انتخاب کردند.

ثالثاً معلوم است که نیابت سلطنت نباید مسئلهٔ متنازع‌فیه مابین پارتیهای سیاسی واقع شود زیرا که این مقام، مقام‌بیطرفی‌است و باید همهٔ احزاب بیطرفی او را محترم بشمارند بعبارت اخری انتخاب نیابت سلطنت از نقطهٔ نظر پارتی نباید باشد و حال آنکه برخلاف این قاعده رفتار شده پارتیها بر ضد یکدیگر ایستاده و رأی داده‌اند.

رابعاً یکی از حیثیات نیابت سلطنت ریاست قوهٔ اجرائیه است و در انتخاب او اگر قوهٔ مجریه یا مجلس شورای ملی مشارکت نمی‌کند لااقل مخالفت نیز نباید بکند این نکته هم مثل سایر نکات تماماً بر خلاف واقع شده.

یك نکتهٔ معنوی هم در اینجا هست: و باید ملتفت بود که نیابت سلطنت وقتی‌که به اکثریت قلیلی انتخاب شود در انظار اهمیت این مقام را کم می‌کند و در اینجا به واسطهٔ اینکه قانون مخصوصی در انتخاب نیابت سلطنت وضع نشده فقط به قانون معمول عمل شده ولی باید دانست که در این مسئلهٔ مهمه اکتفاء بصورت ظاهر در آتیه ابداً کافی و صلاح نخواهد بودو باید قانونی برای استحکام نظایر این موقع در آتیه وضع شود.

بعد از آن تلگراف اعلام این انتخاب در خارجه بمن رسید و از کیفیت آن مطلع شدم چنانکه طبیعی است حیرت بزرگی بمن دست داد زیرا که از آنجا دعوت مجلس شورای ملی و دعوت ملت را بدون توضیحات رد کردن البته جایز نبود ناگزیر برای توضیح این مطالب تلگراف‌های مشروحهٔ عدیده نموده خواهش کردم که مجمعی از رؤساء احزاب چه از داخل و چه از خارج مجلس منعقد کرده در این نکات مهمه با ملاحظهٔ صلاح مملکت و صلاحیت سابقه‌ای که در این موقع گذاشته میشود تجدید نظر نمایند به این تلگرافها هم ابداً جواب کافی نرسید. عجب اینکه در مجمعی که تمام نمایندگان محترم حضور داشتند این مطالب را بیان کردم اغلب اظهار بی‌اطلاعی از وصول این تلگرافات میکردند بالاخره مجبور شده تلگراف کردم که چون توضیح این مطالب بوسیلهٔ تلگراف ممکن نمی‌شود جواب کافی هم به تلگرافات من نمی‌رسید برای اینکه نسبت قصور بمن داده نشود مصمم به آمدن شده و مذاکرهٔ این مطالب را حضوراً خواهم کرد مشروط بر این که بعد از مذاکرات و ملاحظات مصالح مملکت در رد و قبول این مقام مختار و آزاد باشم. به این تلگراف هم جواب کافی نرسید لهذا با حیرت تمام عازم شدم و در این بین چه در ایران و چه در روزنامجات خارجه نسبت ترس و تردید بمن داده تعبیرات مختلف هم کردند مراسلات تهدیدآمیز هم بطوری‌که همه می‌دانید در فرنگ به من می‌رسید ولی علت تأخیر در آمدن من نه تردید بود و نه ترس

بلکه امتداد این مذاکرات و حیرت نرسیدن جواب کافی اسباب تأخیر حرکت مرا فراهم می‌داشت و با وجود اینکه اسم من باین مقام نامزد شده بود از هیئت وزراء یك جواب صریح به سؤالات تلگرافی من داده نمی‌شد.

هرچند اظهار مساعدت و محبت تمام وزراء و نمایندگان گرام [=گرامی] و تلگرافی که به امضاء تمام نمایندگان در آنجا به من رسید و دوستی ثابتی که همه‌وقت حاصل بوده جبران این قصور را کاملا نسبت بشخص من نمود ولی نسبت به مصالح مملکت شك نیست که این‌طور سابقهٔ مضره باید از دفتر مشروطیت محو شود.

بعد از ورود به اینجا هم با وجود اینکه در مجمعی که تمام نمایندگان محترم شرف حضور داشتند این بیانات را نموده‌ام بدبختانه در تدقیق نکات مذکوره مجال اقدام نشده بعلاوه با اینکه استعفای وزراء سابق را قبول نکرده بودم از کار کناره نموده مرا از روز ورود دچار اشکال بزرگ بحران کابینهٔ وزراء کردند و برای همین‌که این مذاکرات اسباب طول بحران و اختلال امور مملکت نشود لابد بدون انتظار مذاکرات، امروز در اینجا برای اداء مراسم قانونی حاضر شده‌ام.

مسئلهٔ مهم دیگر که باید بیان کنم این است چون می‌بینم اهالی چه در طهران و چه در ولایات انتظام‌تمام‌امور مملکت‌را از شخص‌من انتظار و توقع‌دارند علاوه‌براینکه این انتظارات هیچ دلیل و موقعی ندارد مخالف با قانون اساسی هم هست که اختیاری به سلطنت نداده است. لازم می‌دانم این اشتباه را رفع نمایم و البته اگر سکوت کنم نسبت اغفال به من داده خواهد شد و بعد اگر خدای نکرده انتظارات آنها حاصل نشود تصور خواهند کرد که در مصالح مملکت از طرف من غفلت شده و حال آنکه آن مصالح را قانون به من نسپرده حالا که برای اجرای مراسم قانونی حاضر شده‌ام لازم است اولا بدانم که چه انتظار از من هست ثانیاً عرض کنم که من چه انتظاری از شما دارم تا شبهه برای احدی باقی نماند.

اما انتظاری که از من هست گویا مدلول قانون اساسی برای این مسئله کافی باشد. نمایندگان محترم بهتر از من می‌دانند و این توضیح فقط برای اطلاع عموم ملت است به‌موجب اصل (۱۶) وضع قوانین مملکتی حق مجلس شورای ملی یا مجلسین است و معلوم است قوانین تقریباً یعنی قواعدی که روابط افراد ملت را با یك‌دیگر و مناسبات آنها را با هیئت دولت مقرر می‌دارد. موافق اصل (۴۹) قوانینی که از مجلس گذشت باید به امضای سلطنت و به اجراء برسد یعنی به سلطنت حق توقیف یا رد آنها داده نشده است. مطابق اصل (۴۴) وزراء مسئول مجلس هستند. برحسب اصل (۶۷) وزراء با اظهار عدم اعتماد مجلس حتماً معزول می‌شوند.

این اصول را که در نظر بگیریم خواهیم دید که هرچند برحسب ظاهر قانون تعیین رئیس‌الوزراء از حقوق سلطنت است ولی نظر به اینکه مسئولیت وزراء به مجلس است و با عدم اعتماد اکثریت معزول می‌شوند برای احتراز از عدم اعتماد مجلس و احتراز از ظهور بحرانهای متواتر که اسباب اختلال امور مملکت می‌شود در تمام ممالك مشروطه از رسومات و عادات جاریه است که سلطنت مشروطه قبلا نظر اکثریت مجلس

رادر اعتماد به رئیس‌الوزراء به توسط رئیس مجلس استنباط نموده بعد از تحصیل اطمینان رسماً او را معین و معرفی می‌نمایند. اختیار انتخاب وزراء دیگر نیز به مسئولیت خاص رئیس‌الوزراء است که هرکس را با خود موافق و متحدالمسلك بداند معرفی نماید.

پس از این استدلالات قانون اساسی بخوبی واضح می‌شود که قوهٔ مقننه و قوهٔ مجریه که با هم قدرت مملکت را تشکیل‌می‌دهند هر دو از اختیار سلطنت خارجند. قوهٔ قضائیه هم که بطریق اولی مربوط به سلطنت نیست. بنابراین تمام اختیار و مسئولیت امور مملکتی معناً و صورتاً با مجلس شورای ملی یا مجلسین و هیئت‌وزراء است فقط آنچه برای سلطنت باقی می‌ماند اظهار رأی در کلیات مصالح مملکت آن‌هم نه بطور حکم بلکه بطور صلاح‌اندیشی و هیئت وزراء برحسب مسئولیتی که به مجلس دارند در رد و قبول آن مختارند.

از طرف دیگر چون سلطنت نسبت به احزاب سیاسی باید بکلی بیطرف باشد این قاعده مسلم است که اظهار رأی نیز وقتی برای سلطنت میسر است که ضدیت و نقاضتی مابین احزاب موجود نباشد و الا از ادای این وظیفه نیز بازخواهند ماند که مبادا در عقیدهٔ خود با احدی‌الحزبین طرفیت نماید بنابراین این حاجت اثبات نیست که همانطور که مسئولیتی برای سلطنت نیست ابداً اختیاری هم قانون اساسی به او نداده من هم که قوانین اساسی را فوق‌العاده محترم می‌شمارم مقصودم از این بیانات اعتراض و تحصیل مزید اختیار نیست فرضاً اگر مجلس شورای ملی در موقعی مزید اختیار دولت را لازم بداند و البته این‌قبیل مواقع در پیش هست باید آن اختیار را به هیئت وزراء بدهد که مسئول مجلس هستند.

بعد از این مقدمات پوشیده نخواهد ماند عبارات قسم‌نامه که در قانون اساسی مندرج است با عدم اختیاری که برای سلطنت ثابت شد موافقت نمی‌کند. کسی [که] ملتفت این نکات باشد البته عبارات قسم را به این نیت به زبان جاری می‌نماید که شخصاً بطوری که بر تمام افراد ملت فرض است بقدر وسع و طاقت خود در مدلول آن جد و جهد نماید و با همین نیت است که این قسم را به زبان جاری خواهم نمود و در هر حال با تمام قوای خود در راه خدمت به وطن و دولت و ملت و تقویت اساس مشروطیت کوشش خواهم داشت و اینکه بعضی عبارات قسم‌نامه با عدم اختیار سلطنت متناسب نیست محل اعتراض نخواهد بود زیرا که هیچ‌قانونی را جز قوانین آسمانی ولو لازم‌الاطاعه هم باشد بی‌نقص نمی‌توان تصور نمود و دلیل آن همان وجود مجلس شورای ملی است که وظیفهٔ آن نه‌تنها وضع قوانین جدید بلکه تکمیل قوانین هم هست.

اما انتظارات من از این قرار است در صورتی که معلوم است تمام اختیار و مسئولیت امور مملکت معناً و صورتاً با مجلس وزراء است در حال حالیهٔ مملکت که بر همه‌کس معلوم است و حاجت به اظهار نیست. متوقعم مجلس شورای ملی و هیئت وزراء فقط نظر خود را به مصالح حالیهٔ مملکت دوخته با جد و جهد فوق‌العاده و همتی

بلند با موافقت و معاضدت خالصانهٔ حقیقی با یکدیگر در اصلاح امور بکوشند و لازم نیست این فقره را خاطرنشان کنم که اگر پس از استقرار مشروطهٔ ثانی با نداشتن مانع تاکنون به قدر انتظار و آرزوی ملت در آسایش و شادمانی قلوب نتیجهٔ شایانی از زحمات همگی حاصل نشده به واسطهٔ اختلافات و نقاضتهای بین‌الاحزاب والاشخاص بوده که آنهم بر احدی پوشیده نیست. امیدوارم چنان که خوشبختانه علامات آن روز بروز واضح و آشکار می‌شود از این به‌بعد برخلاف ماسبق این اختلافات مبدل به وفاق و معاضدت برادرانه شود و امور صورت اصلاح پذیرفته و در حصول مقاصد ملت عایقی باقی نماند و افراد ملت از نعمت آسایش و سعادت و ترقیاتی که برای ملل متمدنه در تحت حکومت مشروطه و یمن آزادی حقیقی حاصل است بهره‌مند شوند.

اما انتظار من از سایر طبقات اول از اشخاصی است که می‌توانند مصدر خدمات دولتی شوند و متأسفانه از کار کناره‌جویی می‌کنند، چنان که بر همه‌کس معلوم است قبل از زمان مشروطیت اشخاصی باشوق و ولع برای تحصیل مشاغل دولتی و امتیازات و اعتبارات صوری ساعی بودند و حالا از قبول خدمت احتراز می‌جویند و حال آن که امروز مملکت بیشتر به خدمت ابناء خود محتاج‌است و واقعاً خدمت‌امروز در عالم انسانیت افتخار حقیقی دارد.

اما انتظار از افراد ملت این است که باید بدانند مجلس مرکب از وکلایی است که خودشان انتخاب کرده‌اند و مجلس باید آینهٔ افکار و مظهر احتیاجات آنها باشد و هیئت دولت نیز از روی قوانینی که وضع می‌شود در تحت نظارت خود مجلس متصدی امور می‌گردد بنا بر این اطاعت احکام دولت را باید با یك شعف و انقیاد قلبی بر خود فرض بدانند و قولا و عملا هرکس به قدر قوهٔ خود مقوی اجرای اوامر دولت‌باشد و درست ملتفت شوند که در سابق ملت اسیر حکومت بوده و احکام جبراً بر آنها جاری می‌شد و در مشروطه حکومت منصوب به خود ملت است و باید بطیب خاطر موافق قانون مطیع احکام حکومت خود باشد و مخصوصاً کسانی را که قولا یا عملا مانع‌اجرای اوامر دولت می‌شوند دشمن ملت بشمارند. اگر هم عاصی در مملکت پیدا شود باید بداند که امروز قوت دولت قوت تمام ملت است و در مقابل آن مقاومت نمی‌توان‌کرد.

در آخر کلام خود اظهار می‌دارم که تمام امیدواری و قوت روحانی من به همراهی و معاضدت همهٔ شما در اصلاح امور مملکت است و به این امید خود را دلخوش می‌دارم. خلاف آن را فرض نمی‌کنم ولی برای این که حرفی گفته‌نشده نماند مجبورم که این نکته را هم بیان کنم: چنان که در یادداشت خود راجع به معنی احزاب سیاسی بیان کرده‌ام و در مجلس قرائت شده اگر خدای نکرده از اختلافاتی که تاکنون صورت نقاضت و دشمنی پیدا کرده بود مجدداً علامتی ظاهر شود و ببینم‌امور پیشرفت نمی‌کند یا خدا نکرده بر اختلال امور می‌افزاید به‌موجب همین قسم که یاد خواهم کرد ضمیر من بلکه ضمیر هر صاحب‌وجدانی حکم و تصدیق خواهد نمود که نباید در این مقام نشسته شاهد همچه حال ناگواری باشم یقین است افراد ملت که صاحبان وجدان پاك

هستند این مطلب را قلباً تصدیق کرده در چنان موقعی که امیدوارم پیش نیاید[1] با من همراه و هم‌عقیده بوده بر کناره‌جوئی من خورده [= خرده] نخواهند گرفت زیرا که به تکلیف شرعی و عقلی خود و صلاح مملکت عمل کرده‌ام. و امیدوارم این جلب نظر به معایب امور مورد اعتراض احدی نشود زیرا که اطلاع بر نکات مهمهٔ مملکتی در داخله لازم و اسباب خوشوقتی است که از افراد پرده‌پوشی نشده در خارجه هم که عقلاء هستند هرقدر ببینند به معایب امور ملتفت هستیم بیشتر امیدوار خواهند بود که در صدد اصلاحات خواهیم برآمد و بالعکس اگر پرده‌پوشی کنیم تعجب خواهند داشت که چگونه با قبول حکومت ملی امور را از ملت مکتوم می‌داریم.

این موقع را مغتنم شمرده نکتهٔ مهمی را که مستلزم صلاح عموم و وسیلهٔ حصول تمام آمال ملت است مرکوز اذهان و قلوب می‌دارم. در مملکت مشروطه سعادت ملت بدست خودش است و کلید این سعادت حق انتخاب وکیل است که با شرایط قانونی به ملت داده شده باید همهٔ افراد ملت بدانند وضع قوانینی که اسباب آسایش و نظم و معاش و سعادتست و نیز نظارت اجرای آن قوانین بدست همان‌وکلایی‌است که‌باید خود ملت در موقع انتخاب تعیین کنند. پس اگر فرضاً امری برخلاف آرزوی ملت جاری شود تقصیر و ملامت آن بر افراد ملت واقع خواهد شد که چرا در موقع انتخاب حاضر نشده یا در انتخاب وکیل دقت نکرده‌اند و علاج بالانحصار این‌است که دارندگان حق‌انتخاب[2] بی‌مسامحه و بالاتفاق در موقع تعیین وکلاء حاضر شده اشخاصی را که قبل از وقت بعد از مراقبت و دقت تمام موافق میل و مذاق خود در نظر گرفته و مطمئن هستند که آن اشخاص صفت دانش و امانت دارند و می‌توانند نمایندهٔ افکار و احتیاجات و مصالح ملت واقع شوند برای وکالت خود انتخاب نمایند. در این صورت قطع حاصل است که مجلس شورای ملی آینه و مظهر حقیقی افکار و احتیاجات و مصالح‌ملت واقع‌شده امری بر خلاف آرزوی ملت جاری نخواهد شد و من در خاتمه این نصایح خیرخواهانهٔ خود هموطنان را از حالا که قریب شش‌ماه به موقع انتخاب جدیده مانده به این نکته دعوت می‌نمایم که تا موقع انتخاب از حالا مهیای حسن انتخاب بوده و بلاشبهه بدانند که از دارندگان شرایط انتخاب هرکس در دادن رأی و ادای وظیفهٔ خود و دقت در صلاحیت اشخاص غفلت نماید نه تنها حق و سعادت خود را ابطال کرده بلکه به مصالح عموم و حقیقتاً به سعادت افراد دیگر که هموطنان او هستند صدمه و خلل وارد آورده است.

ابوالقاسم

بعد از این بیاناتی که لازم بود به اطلاع ملت برسانم به همین عقاید و شرایط و نیات قلبی که توضیح شد اقدام به اجرای مراسم قانون کرده و از خداوند توفیق می‌خواهم و هم از تأییدات غیبی برای سعادت و ترقی این ملت استمداد می‌جویم:

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام‌الله مجید و به آنچه نزد خدا محترم

---

۱) اصل: بیش نیاید. ـ م.

۲) اصل: انتخاب حق انتخاب. ـ م.

است قسم یاد می‌کنم تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرره سلطنت نمایم. و در ترویج مذهب جعفری اثنی‌عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام افعال و اعمال خداوند عز شأنه[1] را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و ازخداوند متعال در خدمت به ترقی ایران توفیق می‌طلبم و از ارواح طیبهٔ اولیای اسلام استمداد می‌کنم.

ملفوف نمرهٔ ۷۰

نطق نایب‌السلطنه در مجلس در چهارم مارس ۱۹۱۱ [۱۳ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲ ع ۱ـ ۱۳۲۹]

پس از بیان اینکه مخصوصاً تقاضا نموده که آمدنش به مجلس بدون تشریفات باشد نایب‌السلطنه مفصلا علت تأخیر آمدن خود را به ایران شرح داده اظهار داشت که انتخاب او بطور صحت بعمل نیامده و در این کار عجله شده است. و اگرچه در موقع افتتاح مجلس حالیه نیابت سلطنت به او تکلیف شده و او رد نموده بود در این موقع بهیچوجه از مشارالیه استعلام نشده که آیا قبول این خدمت را می‌کند و یا شرایطی دارد یا نه تلگرافاتش در این خصوص مجهول و تحقیقات وی در اینکه انتخاب او چگونه به‌عمل آمده بلاجواب مانده و نیز اظهار داشت که انتخاب نایب‌السلطنه نباید متنازع‌فیه مابین پارتیهای سیاسی واقع شود زیرا این مقام مقام بی‌طرفی است و باید همه احزاب بی‌طرفی او را محترم بشمارند معهذا انتخاب او از راه پارتی‌گری بعمل آمده.

پس از آنکه نایب‌السلطنه در این مبحث بحث زیاد کرد عقیدهٔ خود را اظهار داشت که طریق انتخاب او نباید سرمشق قرار داده شود و در آتیه باید برای ترتیب انتخاب نایب‌السلطنه قوانینی وضع شود. بالاخره بیان نمود که چون تلگرافاتش بلاجواب مانده بود با وجود عدم میل مصمم شد که به ایران آمده در این خصوص شخصاً با اشخاصی که مرجعیت دارند مذاکره نماید و ضمناً در ایران و در مطبوعات اروپ تأخیر مسافرت مشارالیه را بر ترس و بیم حمل نمودند و بعلاوه وقتی که در اروپ بود مکاتبات تهدیدآمیز به‌مشارالیه می‌رسیده و اینك مایل است اظهار نماید نه بیم و نه تردید هیچیك سبب تأخیر مسافرت مشارالیه نبوده علت چنانکه قبلا اظهار داشته‌اند این بوده که هرچند بسمت نیابت سلطنت انتخاب شده بودند کابینه به هیچیك از سؤالات او جواب نداده.

با وجود اینها لازم می‌داند اظهار نماید تلگرافات شخصی دوستان او در کابینه یا از نمایندگان و تلگرافی که تمام نمایندگان امضاء کرده‌اند از طرف دیگر جبران این

---

۱) اصل: عز و شأنه . ـ م.

۲) از آخر مطلب جملهٔ «چهارم مارس ۱۹۱۱» حذف شد. ـ م.

قصور نسبت به شخص او نموده است.

به محض ورود طهران رئیس‌الوزراء استعفاء داده و مشارالیه را دچار بحران کابینه نموده است.

برای اینکه جلوگیری از بی‌ترتیبی اوضاع و اختلال امور شده باشد به مجلس آمده قسم یاد نماید. قبلا لازم می‌شمارد ذکری از عقاید عامه که در طهران و ولایات ظاهر شده بنماید و آن این که انتظار دارند او بشخصه همه کارها را اصلاح کند و این عقیده بکلی بر خطا و برخلاف قانون اساسی است که به سلطنت هیچ اقتداری نداده است.

او میل دارد این اشتباه را در اذهان رفع نماید زیرا ابداً نمی‌خواهد در صورتی‌که انتظارات اهالی انجام نشود مورد ملامت واقع گردد.

پس از آن نایب‌السلطنه در آنچه تصور می‌نمود که از او باید منتظر باشند بحث کرده و گفت از آنچه که از مجلس و اهالی انتظار دارد بیان می‌نماید و چنین اظهار داشت در خصوص انتظارات شما از من گمان می‌کنم مدلول قوانین اساسی برای این مسئله کافی باشد. آقایان نمایندگان این مسئله را بهتر از من می‌دانند و توضیحات من برای اطلاع عموم ملت است.

موافق مادهٔ دوازدهم وضع قوانین از وظایف مجلس یا مجلسین است. سلطنت باید آن قوانین را امضاء نماید و سلطنت قدرت اصلاح یا رد آنها را ندارد. موافق مادهٔ چهل و چهارم وزراء در مقابل مجلس مسئولند و مدلول مادهٔ شصت و هفتم امر می‌کند که هرگاه مجلس عدم اعتماد خود را نسبت به وزراء اظهار کرد باید استعفاء بدهند. هرگاه این قوانین را بدقت ملاحظه نماییم خواهیم دید که هرچند صورتاً انتخاب رئیس‌الوزراء با سلطنت است معهذا به ملاحظهٔ اینکه وزراء مسئول مجلس هستند و در صورت عدم اعتماد اکثریت معزول و منفصل می‌شوند در تمام ممالك مشروطه قاعده این است که برای جلوگیری از تزلزل یا بحران دائمی کابینه بدواً سلطنت به توسط رئیس مجلس نمایندگان نظریات اکثریت را استنباط کرده بعد رئیس‌الوزراء را تعیین می‌نمایند ـ او هم در انتخاب اعضای کابینهٔ خود آزاد و مختار است و طبعاً اعضاء کابینه باید اشخاصی باشند که هم‌مسلك و هم‌عقیدهٔ پلتیکی خود رئیس‌الوزراء باشند. علی‌هذا بخوبی واضح است که قوای مجریه و مقننه هر دو مستقل و از اختیار و میل سلطنت خارج هستند. در این صورت مسلم است که تمام قدرت و مسئولیت از پیشرفت امور دولت با مجلس یا مجلسین و هیئت وزراء است.

چیزی که برای سلطنت باقی می‌ماند اظهار عقیده در کلیات مصالح مملکت آن هم فقط به طریق غیررسمی و صلاح‌اندیشی و نظر به مسئولیتی که هیئت وزراء در مجلس دارند در قبول یا رد اظهاراتی که از طرف سلطنت می‌شود آزاد هستند.

اشعار این ملاحظات ازطرف من نباید حمل بر اعتراض یا تقاضای اختیار فوق‌العاده بشود.

هرگاه در بعضی مواقع مجلس دادن اختیارات فوق‌العاده را به دولت لازم بداند

چنانکه وقوع این‌قبیل مواقع محسوس است، باید آن اختیارات فوق‌العاده را به هیئت وزراء که مسئول این مجلس هستند بدهد.

بعد از این شرحی که داده شد بر همه واضح خواهد بود که قسمی که در قانون اساسی ذکر شده با اختیارات محدودهٔ سلطنت موافق نیست و یقین است هر کس از این مسائل مستحضر است باید به این نیت قسم یاد نماید و من هم به همین نیت قسم یاد می‌نمایم که با تمام قوا به مملکت و دولت و ملت خود خدمت نموده در تقویت‌اساس مشروطیت بکوشم.

پس از آن نایب‌السلطنه جداً مجلس و کابینه را دعوت نمود که عطف توجه بسوی امور جاریه نموده و صمیمانه همت به پیشرفت امور مهمه گماشته و با موافقت تامه با یکدیگر به اصلاحات فوق‌العاده که طرف حاجت است بکوشند و شاید زائد است اظهار نماید که در صورتی‌که موانع عمده از بین برداشته شده و شکل حکومت‌پارلمانی موافق معمول و انتظار موفقیت حاصل نکرده این عدم موفقیت بواسطهٔ نزاعها و زد و خوردهای مشئوم پارتیها و اشخاصی بوده است که زائد از حد موجب ملالت و تأسف مشارالیه است. جداً اظهار امیدواری می‌نمود در آتیه این نزاعها خاتمه پذیرفته برطرف شود و سازش تام و موافقت برادرانه قایم‌مقام آن خواهد بود فقط به این وسائل است که بتوان مثل سایر ممالك پارلمانی که بفوائد آزادی و ترقی نائل‌اند به مقصود رسید.

نایب‌السلطنه که در خاتمه با حدت و جدیت فوق‌العاده صحبت می‌کرد مطالب را مفصلا اخطار نموده هرگاه آثار اغراض سابقه بروز نماید و چنانچه ببینم امور پیشرفت ننماید و برخلاف بر اشکالات امور بیفزاید به همین قسمی که حالا یاد می‌نمایم که وجدان من بمن حکم خواهد نمود و ضمیر هر صاف‌وجدانی با من همراه خواهد بود که باید مقام نیابت سلطنت را ترك‌نموده ناظر به وضع امور ناگوار نباشم و یقین دارم هر یك از افراد ملت این مطلب را قلباً تصدیق کرده در چنان موقعی که امیدارم پیش نیاید بر کناره‌جوئی من حیرت نکنند و خورده [= خرده] نگیرند زیرا هم به ملاحظهٔ تکلیف و وظیفهٔ شرعی و عقلی خود و هم بـه صلاحیت مملکت عمل کرده‌ام و امیدوارم باین‌طریق که توجه شما را به معایب امور جلب نموده‌ام مورد اعتراض احدی نشود زیرا که بر عموم اهالی اطلاع بر نکات مهمه داخله لازم و هیچ چیز نباید بر آنها پوشیده باشد و در خارج هم که ببینند ماها بر قصور خودمان آگاه و در صدد اصلاح آن هستیم مایهٔ امیدواری آنها خواهد شد.

پس از آن نایب‌السلطنه قسمی را که در قانون اساسی درج شده یاد نموده قرآن را بوسید.

بعد از آن به مجلس اطلاع داد که برحسب میل اکثریت وکلاء سپهدار اعظم را به مقام ریاست وزراء منصوب نموده و مشارالیه مشغول تشکیل کابینه است و در همین دو سه روز پروگرام کابینهٔ خود را به مجلس پیشنهاد خواهد نمود و به انجام امور مملکت خواهد پرداخت.

نمره ـ ۷۱

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ آوریل)
از طهران مورخهٔ ۹ مارس ۱۹۱۱ [۱۸ اسفند ۱۲۸۹؛ ۷ ع ۱ـ۱۳۲۹]

راجع به مراسلهٔ بیست و چهارم فوریهٔ من در خصوص پیشرفت اقداماتی که بجهت اعادهٔ نظم راههای جنوبی شده افتخار دارم سواد مراسلهٔ کفیل قنسولگری شیراز را که اطلاعات شاملهٔ آن چندان اطمینان‌بخش نیست لفاً ارسال دارم.

این مراسله مشعر بر فلاکت حال سربازان ساخلوی شیراز بواسطهٔ نرسیدن‌حقوقشان است.

مستر اسمارت از ورود اضافه قشونی که مطابق پروگرام دولت ایران به شیراز اعزام شده‌اند نگران است و مخاطراتی را که ممکن است یك ممچو جمعیتی از الواط در صورتی که ترتیب صحیحی در ایصال حقوقشان اعم از اینکه کم یا زیاد باشد داده نشود تولید کند خاطرنشان می‌نماید.

فوری مدلول مراسلهٔ مزبوره را خاطرنشان وزیر امور خارجه کردم که دولت ایران از مسامحه در ادای این وظیفهٔ اساسی خود البته دچار مخاطرات و اشکالات زیاد خواهد شد.

محتشم‌السلطنه اظهار داشت که سربازان رفورم حقوق خودشان را پیشکی تا آخر ماه فوریه دریافت داشته‌اند معهذا وعده داده در این باب با وزیر جنگ صحبت نماید

مستر اسمارت از وضع ناگوار عدم امنیت راه شیراز و اصفهان شرحی راپورت داده اظهار میدارد که نمی‌تواند جداً بگوید که دولت ایران تا اوایل ماه فوریه اقدامات مخصوصی که متضمن دوام امنیت راه تجارتی جنوب باشد نکرده و این اظهارات مشارالیه را تلگرافات اخیره مستر ناکس که بجای مستر اسمارت قنسول شیراز شده تأیید می‌نماید.

از زمان سرقتهایی که راپورت آنها در ضمن مراسلات بیست و دوم فوریه به عرض رسیده در همان تاریخ دو فقره سرقت مهم دیگر (که راپورت آنها در ضمن تلگراف مورخهٔ ۲۸ فوریه عرض شد) در شمال شیراز واقع گردید. در یکی از آن سرقتها که در دوازده میلی شهر شیراز دست داده دویست نفر شتر را برده‌اند و در ضمن اموال مسروقه ده عدل مال‌التجاره متعلق به کمپانی زیگلر بوده است. مستر ناکس کفیل قنسولگری اندیشه دارد که در این سرقت سایر دارالتجاره‌های انگلیس نیز خیلی متضرر شده‌اند.

یکی از غلامهای‌تلگرافخانه [که] ملزومات تلگرافخانه را حمل می‌کرده هرچه داشته برده‌اند. عدهٔ سارقین قریب به چهارصد نفر تخمین شده و کاروان مزبور یکصد و پنجاه تفنگچی همراه داشته.

دو سرقت دیگر که در شمال اقصی واقع شده چهار بار را برده‌اند که یکی از آنها متعلق به مفتش تلگرافخانهٔ ده‌بید و سه بار دیگر مال کمپانی زیگلر است.

تلگرافات اخیر شیراز نیز مشعر بر سرقتهای جزئی و عدم جرأت قوافل از تجاوز

حدود شهر است.

قنسول جنرال دولت اعلیحضرتی در اصفهان نیز راپرت می‌دهد که نظر باین دزدیها که واقع شده راه بین شیراز و اصفهان هم ابداً قابل استفاده تجارتی نیست.

از قرار معلوم قوام‌الملك نایب‌الحکومهٔ شیراز به نظام‌السلطنه تلگراف کرده که خیال داشته است برای دستگیری سارقین قوهٔ منظمی بفرستد ولی مأمورین مالیه از دادن مخارج لازمه جهت حرکت اردو امتناع جسته‌اند و نظام‌السلطنه پنج شش روز جواب را به تأخیر انداخته و بالاخره به خواستن صورت تخمین مخارج اکتفاء کرده است.

از قرار معلوم نظام‌السلطنه در اول مارس وارد کازرون شده و خیال داشته که‌هشت الی ده‌روز در آنجا توقف‌نماید و به‌این‌ترتیب تاقبل‌از اواسط‌ماه واردشیرازنخواهدشد.

از زمانی که این راپورتهای تلگرافی رسیده لحظه‌ای خودداری نکرده هم به وزیر امور خارجه و هم به سپهدار رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ لزوم فوق‌العادهٔ فراهم‌آوردن وسائل ممکنهٔ تسهیل اعزام اردوئی به جهت تنبیه سارقین و استرداد اموال مسروقه و فرستادن پول حقوق قشون و رساندن ذخیره تأکید کرده و گفته‌ام لازم است به نظام‌السلطنه دستورالعمل بدهند که در ورود خود به شیراز هر قدر ممکن است تعجیل نماید و نیز خاطرنشان کرده‌ام که نظام‌السلطنه باید بداند که هر روزی که من‌غیر لزوم تأخیر نماید از فرصتی که شاید تا یك درجه در برقراری نظم و در موقع برای جلوگیری بی‌نظمی مترصده در بهار در هنگام حرکت ایلات دارد بکاهد.

دولت ایران مرا مطمئن کرده است که موافق همین مضمون تعلیمات تلگرافی به فرمانفرمای جدید فارس داده شده و در خصوص پول مبلغ سی هزار تومان به شیراز ارسال گردیده. این مبلغ نسبت به یکصد و بیست هزار تومانی که بانك شاهنشاهی اخیراً به عنوان مساعده داده خیلی کم است و رئیس بانك نمی‌تواند تحقیقاً ارسال تنخواهی را به شیراز تصدیق نماید.

در خصوص شعبه‌های دیگر شاهراه جنوبی کلنل کوکس [کاکس] در ششم شهر جاری راپرت داده که راه بین بوشهر و شیراز قابل عبور و مرور بوده ولی امنیت از سرقتها را بایستی از زیادتی برف که هنوز راهها را گرفته و توقف فرمانفرمای جدید فارس در بین راه دانست.

شعبهٔ بین اصفهان و طهران علی‌الظاهر بدون مستحفظ و در حال اغتشاش و مخاطره است. دو نفر انگلیسی «مستر کی» وکیل سابق تجارتخانهٔ ویکسن و «مسیو اسیکك» که به سمت طهران مسافرت می‌کردند در هفتهٔ گذشته در بیست و چهار میلی شمال اصفهان نزدیك موقعی که چند هفته قبل برای مسیو دالتون یکی از اعضاء بانك شاهنشاهی همین‌طور اتفاق افتاده توقیف و بیشتر آنچه داشته‌اند برده‌اند. ممکن است بعلاوه اظهار شود که جنرال مالتا به اصفهان وارد شده و باز در آنجا بواسطهٔ نبودن مستحفظ کافی که مشارالیه را بشیراز برساند معطل است.

امضاء بارکلی

نمرهٔ ۷۱ ۱

مکتوب مستر اسمارت کفیل قنسولگری به سر جرج بارکلی از شیراز مورخهٔ بیست‌و هفتم ژانویهٔ ۱۹۱۱ [۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۹]

آقا

لزوماً وضع سربازهای ساخلویی شیراز و خطراتی‌که محتوی زیاد شدن عدهٔ آنهاست به اطلاع شما می‌رسانم.

فعلا در شیراز تقریباً دو هزار و سیصد نفر پیاده‌نظام موجود و به واسطهٔ نرسیدن حقوقشان در یك حالت رقت‌آمیزی هستند و برای آنکه از گرسنگی نمیرند به‌گدایی و دزدی و قطع اشجار اطراف شهر بجهت هیزم مجبورند چنانچه وقتی یك محلهٔ شهر را تماماً چاپیدند.

عمل قطع‌کردن اشجار مایهٔ هیجان اهالی شده و بنظر یأس به ترقی آتیهٔ طراوت و نزهت این ایالت که باعتقاد خودشان یکی از قطعات باصفا و نزهت ایران است در صورتی‌که اشجار اطراف آن که مایهٔ قشنگی آن است قطع شود می‌نگرند و بعلاوه اشجار را برای سر سایه و حفظ از آفتاب سوزندهٔ تابستان شیراز لازم می‌دانند.

مأمورین محلیه در جلوگیری سربازها اقدام غیرقابلی نموده و البته بدیهی است با یکصد نفر قزاق و چند نفر سوار شهری جلوگیری و حکمرانی بر دو هزار و سیصد نفر سرباز گرسنه غیرممکن است.

تفصیل فوق شرح بی‌اغراقی است از وضع و نتیجهٔ وجود سربازهای ساخلویی در شیراز و بعلاوه این مطلب را هم باید در نظر داشت که قلت خسارت‌شان تا یك‌درجه‌ای بواسطهٔ ریاست نصرالدوله بر آنها است زیرا حتی اعداء عدو نمی‌توانسته آن جوان‌را به عدم سخاوت او متهم نمایند.

در اوایل ریاستش مبلغ بیست و پنج هزار تومان برای نگاهداری سربازهایی که به‌او سپرده شده بود از جیب خودش داد. احتمال نمی‌رود هیچ رئیس کلی چنین فداکاری بنماید.

کراراً اندیشهٔ خودم را در این خصوص به حکومت محلیه اظهار داشته پیشنهاد کرده‌ام که قسمتی از آن سربازهای بی‌فایدهٔ موذی را مرخص‌نمایند. در جواب‌می‌گویند دولت مرکزی قبول نمی‌کند.

از قراری‌که ملتفت شده‌ام دولت ایران درصدد است که عدهٔ زیادی قشون که اغلب آنها همان پیاده‌نظامهای عادی فوجها هستند به فارس بفرستند.

من بالتمامه با نظریات اشخاصی که می‌گویند سرباز بی‌فایدهٔ محض است همراه نیستم زیرا عدهٔ کمی از سرباز به عقیدهٔ من در قشونی که بیشتر آنها سواره باشند فقط جهت شالوده‌بندی اردوکشی مفید است. در بعضی اوقات وجود سرباز برای الزام مذبذبین بین ایلات سرکش و غیره فایده دارد که بدانند آن قشون از طرف

---

۱) شمارهٔ ۷۱ در متن تکرار شده. ـ م.

دولت است. لهذا بجهت جمع‌آوری قشون سرباز حکم گلوله برفی دارد. سرباز از برای آرام‌کردن اهالی ترسو که گاه‌گاهی اسباب زحمت می‌شوند مفید است. با وجود عدهٔ موجود سرباز ساخلوی در شیراز برای این‌گونه مقاصد زیاد است و از زیاد شدن عدهٔ آنها که در شیراز به چهار هزار نفر می‌رسد اندیشه دارم.

قوام‌الملك در جواب سؤال من می‌گوید گمان نمی‌کند دولت ایران چنین عدهٔ زیادی از قشون را بدون تهیه و ترتیب صحیحی از برای حقوقشان به فارس بفرستند. ای کاش می‌توانستم با این نیك‌بینی شرکت نمایم و شخصاً پیش‌بینی می‌کنم که تمام آن چهار هزار نفر از اینکه گاه‌گاهی جزئی از اقساط پس‌افتادهٔ حقوقشان برسد کمافی‌السابق دست به دهن‌ه‌گرسنه و گدا خواهند خواهند ماند.

می‌توان گفت سابقاً هم حقوق قشون به همین بدی می‌رسیده ولی این‌گونه اثرات و بروزات بد را نداشته.

حکومت محلیه بر این است که اصلاح تازهٔ نظامی در مادهٔ سرباز نتیجهٔ برعکس بخشیده بلکه مایهٔ خرابی تربیت آنها شده زیرا در سابق جیره‌شان را از حکومت مرتباً و خانواری‌شان را از دهاتشان می‌گرفتند و چند تومان مواجب سالیانهٔ غیرکافی که داشتند ندرتاً به آنها می‌رسید ولی حکومت حالیه جیره را قطع و خانواری را برای خودش ضبط کرده و در مقابل سربازی روزی یك هزار دینار معین نموده و اهالی دهات هم که فهمیدند خانواری مزبور به کسانشان که مستخدم نظامی هستند نمی‌رسد و حکومت هم نمی‌تواند آنرا برای خزانه وصول نماید از دادن خانه‌واری بکلی سر پیچیده‌اند. بالاخره نتیجه این شده که سرباز بیچاره جز نصفه‌ای و نیمه‌ای از اقساط پس‌افتادهٔ حقوقشان که گاه‌گاهی برسد دیگر چیزی که بر آن زندگی نمایند ندارند.

با تمام ایرانی‌هایی‌که در این خصوص صحبت کرده‌ام همگی بالاتفاق بر این هستند که از برای دولت ایران بهتر است که یك هزار قشون صحیح را مرتب کرده آذوقه و اسلحه و لباس و حقوق کافی منظم بدهد تا اینکه مبلغ گزافی خرج قشون زیاد بیفایده نماید.

شاید دولت ایران به مداومت اینگونه تدابیر در فرستادن این همه قشون بی‌فایدهٔ بدون حقوق به فارس جهت و ملاحظاتی داشته باشد. مقصود این است که اطلاعاً عرض می‌کنم که جمع‌آوری این جمعیت در شیراز بدون پرداختن حقوق مرتب به آنها احتمال خطر و زحمت دارد لهذا اگر مصلحت بدانید در طهران به اولیای امور که مسئول این‌گونه امور هستند از خطرات محتمله اخطار فرمایند که هرگاه در آتیه اتفاقی بیفتد نتوانند بگویند اطلاع نداشتیم.

امضاء اسمارت

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۷۲

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)
از طهران مورخهٔ ۲۰ مارس ۱۹۱۱ [۲۹ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۸ ع ۱ ـ ۱۳۲۹]

آقا

در یازدهم شهر جاری تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع دادم که سپهدار به تشکیل کابینهٔ جدیده موفق گردید. اشخاص و ترکیب کابینه و شغل وزراء را در ورقهٔ جداگانه راپرت داده‌ام.

سپهدار در یازدهم شهر جاری قبل از آنکه وزراء را به‌مجلس معرفی‌نماید خطابه‌ای راجع به اغتشاش و عدم انتظام امور در اوقات قبل از افتتاح مجلس قرائت نموده گفت مملکت به قدری مغشوش و پایتخت ناامن بود که روز روشن مردم را می‌کشتند. دوایر دولتی بکلی غیرمرتب و وزراء به ملاحظهٔ تعرضات روزنامجات که باعث هیجان خلق می‌شدند و حکومت هم قوهٔ جلوگیری نداشت نمی‌توانستند به قوهٔ عملیه رفتار نمایند و به انتظام ادارات و امور مملکت بپردازند. لهذا چیزی که فعلا لازم است دادن قوه و اختیارات کافیه به کابینه و عدم مداخلات مجلس در قوای مجریه [است.] ریاست را قبول کرده لیکن می‌خواهد بداند چه اقتداری به او داده می‌شود که با وضع مذکوره از عهدهٔ انجام امور محوله بر آید زیرا بدون داشتن اختیار و اقتدار لازمه نمی‌تواند در خدمت به مملکت خود اقدام نماید.

کابینه در پروگرامی که به مجلس پیشنهاد کرده اختیارت تامه مخصوصاً تقاضا نموده. خلاصهٔ پروگرام را که «مستر چرچیل» یادداشت کرده لفاً ارسال می‌دارد. پروگرام مزبور در شانزدهم شهر جاری در مجلس مطرح مذاکره و پس از مذاکرات بین‌الفرق بالاخره به اکثریت آراء تصویب شد. چهل و هفت نفر رأی دادند هفده نفر مخالفت و سی نفر موافقت کردند و نه نفر غایب بودند. این مسئله قابل دقت است ببینم کابینه در این اختیارات نامحدود که به آن داده شده چه استفاده خواهد کرد.

اظهارات و میل کابینه در دوام روابط دوستی با دول متحابه و امتداد قرضه با بانك شاهنشاهی رضایت‌بخش است. اکثر مواد این پروگرام سابقاً جزو پروگرام‌وزراء پیش‌نهاد شده بود ولی امید است کابینهٔ حالیه بهتر از کابینهٔ سابق به انجام و اصلاح امور منظوره موفق گردد زیرا این کابینه [با رأی] اکثریت‌تام تشکیل شده. لهذا بیش از کابینهٔ مستوفی‌الممالك که زیادی از بیست نفر حامی در مجلس نداشت طرف میل خواهد بود.

امضاء بارکلی

ملفوف در نمرهٔ ۷۲

پروگرام سپهدار روز یازدهم مارچ ۱۹۱۱ [۲۰ اسفند ۱۲۸۹؛ ۹ ع۱ ـ ۱۳۲۹] پیشنهاد مجلس شد.

مقدمهٔ پروگرام مزبور می‌گوید که حالت حالیهٔ امور محتاج به اصلاح کامل است و از برای انجام این مقصد لازم است که به اولیای امور اختیار و اقتدار بیشتر داده شود. پروگرام مزبور مطالب مفصله ذیل را متعرض و آنها را از جملهٔ مسائل مهمهٔ اساسیه که محتاج به توجه و دقت نظر فوری است می‌شمارد:

۱) برای رفع فتنه و ترور که برخلاف قانون مشروطیت و مانع از پیشرفت کار دولت و موجب خطر مملکت است اقتدار و اختیار تامه لازم.

۲) مجازات مقصرین پلتیکی و غیره واجب.

۳) ترقی دوایر دولتی و انتظام مستخدمین لشگری و کشوری لازم.

۴) اجراء قوانین مطبوعات لازم. در این خصوص هرگاه رجوع به مادهٔ قانون آزادی مطبوعات شود معلوم می‌گردد که صریحاً تأکید شده که تعرض و بدگویی را باید قانوناً متعرض شد. البته از برای اجراء آن اقتدار و اختیار تامه برای کابینه لازم.

از وکلاء سؤال می‌شود هرگاه این پروگرام را کابینه به آنها پیشنهاد کند مواد فوق را تصویب می‌نمایند یا خیر و همینکه خطری برای مملکت ملاحظه شود کابینه منتظر و متوقع مساعدت تامه از مجلس است و هرگاه مساعدت کابینه نبینند با کمال میل استعفاء خواهد داد.

مواد پروگرام

اول) ترقی و پیشرفت امنیت عمومی.

دویم) تشکیل قشون سیاره و ساخلوئی در نقاط معینه موافق یادداشت و بودجه‌ای که به مجلس پیشنهاد شده.

سوم) حفظ روابط دوستی با دول متحابه.

چهارم) امتداد مذاکرهٔ قرضه‌ای که کابینه قبول نموده و به مجلس پیشنهاد و کمیتهٔ مالیه هم آن را تصویب کرده.

پنجم) پیشنهاد یك بودجهٔ عمومی.

ششم) اصلاح مالیه به معاونت مستشارهای خارجه.

هفتم) مراجعه و تغییر مالیات نمك برای رفع اشکالاتی که از تعیین آن بجهت دولت و ملت روی داده.

هشتم) تشکیل یك کمیتهٔ مخصوص برای وضع‌کردن پاره‌ای قوانین موقتی برای اموری‌که تاکنون قانون آنها نوشته نشده و نمی‌شود صبر کرد از مجاری لازمه بعد قانون آن نوشته شود و این قوانین موقتی فقط محتاج به تصویب کمیتهٔ مجلس و اجازهٔ کابینه و امضاء نایب‌السلطنه است.

نهم) اصلاح ادارهٔ قضائیه.

دهم) اصلاح مدارس موجوده ابتدائیه و متوسط و تا یك درجه که ممکن شود اجراء یك پروگرام مرتب بجهت تمام مدارس و تأسیس یك مدرسهٔ عالی در طهران برای تعلیم معلمین مطابق پیشنهادی که عنقریب خواهد شد.

یازدهم) ترقی تجارت.
دوازدهم) ترقی قوانین بلدیه.

نمره ـ ۷۳

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)
از طهران مورخهٔ بیست و یکم مارچ ۱۹۱۱ [۳۰ اسفند۱۲۸۹؛ ۱۹ ع ۱ ـ ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم عرض کنم که کابینهٔ جدید که یازدهم شهر جاری معرفی شده از قرار ذیل است:

سپهدار اعظم	رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ
مستشارالدوله	وزیر داخله
مشیرالدوله	وزیر عدلیه
معاون‌الدوله	وزیر پست و تلگراف و تجارت
ممتازالدوله	وزیر مالیه
علاءالسلطنه	وزیر علوم
محتشم‌السلطنه	وزیر امور خارجه

وزیر داخله و وزیر عدلیه و وزیر مالیه هر سه جزء مجلس بودند که به وزارت انتخاب شدند. در مجلس در علم بحث خاصه مستشارالدوله و ممتازالدوله در علم نطق قدرتی بخرج دادند. هر سه نفر آنها دارای سبك و عقاید جدیده و از تعلیم‌یافتگان اروپ می‌باشند. فرانسه را حرف می‌زنند و می‌شود آنها را نمایندهٔ طبقهٔ ژون‌پرسان دانست. معهذا نخواستند خود را داخل پارتی حسینقلی‌خان که مشروطه‌خواه فوق‌العاده یا از قراری که بین مردم معروفند حزب دمکرات نمایند ولی معاون‌الدوله و علاءالسلطنه با حضرات مفصلهٔ فوق فرق دارند هر دو از طرف دولت‌ایران در اروپ نماینده بوده‌اند. علاءالسلطنه سالها در لندن و معاون‌الدوله چندی در بالکان بوده.
امضاء بارکلی

نمره ـ ۷۴

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)
از طهران مورخهٔ بیست و دوم ماه مارس ۱۹۱۱ [یکم فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۰ ع ۱ ـ ۱۳۲۹]
آقا

ناصرالملك به تشکیل حزب اکثریت در مجلس موفق گردید و این مسئله در تاریخ پارلمان ایران اولین دفعه است که دو حزب معین که هریك با خود متحدند وجود

پیدا کرده زیرا غیر از حزب کوچك دموکرات سایر احزاب که بودند سابق به اطراف اشخاص معروف مهم از قبیل سردار اسعد و سپهدار و عین‌الدوله و فرمانفرما جمع بودند لیکن حالا اقدامات نایب‌السلطنه تا یك درجه یك حزب عمده‌ای که طرفدار کابینهٔ حالیه‌اند تشکیل داده. البته خالی از تماشا نیست ببینم این اکثریت تا کی با هم اتفاق خواهند داشت.

باید گفت از قوهٔ حزب ضعیف دموکرات به واسطهٔ از میان رفتن جمعی از اشخاص مهم آنها از قبیل کشته‌شدن صنیع‌الدوله، اروپ‌رفتن تقی‌زاده، خارج‌شدن حسینقلی‌خان و اسدالله‌میرزا برای جزء شدن در کابینهٔ مستوفی‌الممالك در ماه ژوئیه که هنوز دوباره انتخاب نشده‌اند بسیار کاسته است.

بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۷۵

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)

از طهران مورخهٔ بیست و سوم مارس ۱۹۱۱ [۲ فروردین ۱۲۹۰: ۲۱ ع ۱ـ ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت وقایع چهار هفتهٔ اخیر ایران را بطور معمول ارسال دارم.

امضاء بارکلی

خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ ایران از بیست و دوم فوریه الی بیست و دوم مارس [۳ اسفند ۱۲۸۹ تا یکم فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۲ صفر تا ۳۰ ع ۱ ـ ۱۳۲۹]

مجلس

در جلسهٔ شانزدهم مجلس رأی داد که پروگرام رئیس‌الوزراء جدید مذاکره شود ظاهراً مهیج احساسات پارتیها بود می‌نمود ممتازالدوله رئیس جدید مجلس مکتوبی از طرف نایب‌السلطنه که لفاً یادداشتی راجع به اساس حکومت پارلمانی و در حقیقت مشتمل بر نطق بعد نایب‌السلطنه بود آورده قرائت شد. حضار اغلب تحسین گفتند.

وزیر امور خارجه در بیست و پنجم ماه فوریه نطقی کافی راجع به روابط دولت ایران با دول خارجه نمود. در چهارم مارس نایب‌السلطنه در آن مجلس قسم یاد نمود و نطقی کرد که خلاصهٔ آن در مکتوب سر جرج بارکلی مورخهٔ هفتم مارس فرستاده شد.

نایب‌السلطنه در آن مجلس قبول نمودن سپهدار مقام ریاست را رسمی نمود. در هفدهم شهر جاری استعفاء ممتازالدوله از ریاست مجلس قرائت شد. مرتضی‌قلی‌خان نایب بجای او نشست و در نهم شهر جاری مؤتمن‌الملك به اتفاق آراء به ریاست

مجلس معین شد و در روز یازدهم سپهدار کابینه را به مجلس معرفی کرد و ضمناً نطقی نموده پروگرام خود را به مجلس پیشنهاد کرد. ذکر نطق و پروگرام او هر دو در مراسلهٔ جداگانه شده.

در جلسهٔ شانزدهم مجلس رأی داد که پروگرام رئیس‌الوزراء جدید مذاکره شود لهذا فوراً مطرح مذاکره و به اکثریت آراء تصویب شد.

تبریز

فرمانفرمای آذربایجان اظهار داشته که در صدد هستند که یك قشون مرتب مسلح پنج‌هزارنفری که سه هزار و ششصدنفرآن پیاده‌نظام و یك‌هزارنفر سواره و چهارصد نفر توپچی باشند تشکیل بدهند. از قراری که راپرت رسیده راهها امن است لکن سختی هوا در اوایل ماه فوریه گاهی قطع مراوده کرده.

آستارا

راجع به تلگرام سر جرج بارکلی مورخهٔ ششم مارس ۱۹۱۱

ویس قنسول رشت راپرت می‌دهد که از قراری که از جای موثقی اطلاع یافته حسینقلی شاهسون به یکی از قراولهای روسی که در راه برای حفظ مال‌التجاره گذارده‌اند حمله برده دو نفر سرباز را کشته و یك نفر صاحب‌منصب را زخمدار کرده. بعلاوه دو نفر قزاقی که مفقود شده بودند جسد مجروح پاره‌کرده‌شان پیدا شده.

ششصد نفر قشون روس از خاك روسیه گذشته قسمتی از آنها در امتداد سرحد روسیه و اطراف آستارای ایران را گرفته که کسی به خاك روسیه وارد نشود و قسمت دیگر آنها اطراف تپه‌هایی که حسینقلی و همراهانش پناهنده شده‌اند محاصره و جنگ کرده‌اند. از قرار راپورت واصله یك نفر سرباز روسی زخمی و چند نفر از اشرار کشته و زخمی شده‌اند.

از قراری‌که قنسول جنرال روس مقیم تبریز خبر می‌دهد یك‌هزار و پانصد نفر قشون روس به سمت آستارای روس حرکت کرده.

رشت

معیرالممالك از حکومت گیلان استعفاء داده و سردار معتمد بجای او معین شده.

در اواخر فوریه از همدان و کاشان به تجار رشتی تلگرافات شده که شکر و قند روسی را حمل ننمایند. چند روز بعد کابینه عدم رضایت خود را از این کار که مغایر دوستی است تلگراف نمود.

مستحفظ راه که دو نفر تبعهٔ روسی او را با گلوله زده بودند در سوم ماه مارس فوت شده جنازه‌اش را بطرز نظامی برداشته دفن کردند.

از قراری که راپورت رسیده اهالی دهات رانکی به تحریك امیر اسعد پسر سپهدار

هرچه مأمورین مالیه وجه مالیات دولت جمع کرده همه را از آنها گرفته‌اند.

به موجب راپرتی که در هفدهم مارس رسیده قشون روس ساخلوئی در قزوین که به روسیه احضار شده از رشت حرکت کرده فقط هفتاد و هفت نفر قزاق روسی بجهت گارد قنسولخانه قزوین باقی گذارده‌اند.

مشهد

جوجو[1] نام سردستهٔ شورشیان دره‌گزی که با برادرش به خاك روسیه فرار کرده بودند روسها آنها را گرفته بنا هست به دولت ایران تسلیم نمایند.

قاتل شخص اسماعیلی در نیشابور در بین‌راه که او را به‌مشهد می‌آورده‌اندگریخته. ماژور سیکس را عقیده بر این است که حمایت و محافظت اسمعیلیها موافق وعده‌ای که دولت ایران داده که نیشابور را در تحت فرمانفرمایی خراسان قرار بدهد خیلی سهلتر خواهد بود. وزیر خارجهٔ ایران به وزیرمختار دولت اعلیحضرتی اجراء آن‌مطلب را نیز قول داده است.

از قراری که راپرت رسیده در اواخر ماه فوریه جمعی از دزدان فارس به جلگهٔ دهات اطراف طبس ریخته دزدیهای کوچك غیرقابل نموده‌اند.

راههای قائن از دسته‌کشیهای بلوچهای سیستانی بسیار ناامن است.

سیستان

اواسط ماه ژانویه و فوریه یك دستهٔ بلوچ سیستانی که از قرار مذکور سیصد و پنجاه نفر می‌باشند در قائنات و سیستان مشغول چپاول بوده‌اند. در خور چهل میلی مغرب بیرجند نایب‌الحکومه و سه نفر از آدمهای او را که برای مدافعه جلو اشرار رفته بودند کشته‌اند و عده‌ای شتر و گوسفند را برده و بعد بسمت شمال غربی رفته کاروانی را که از یزد یا کاشان به مشهد می‌رفته چاپیده‌اند و از قرار مذکور دوازده تا هیجده زن را که به اسیری برده‌اند همراه دارند و قریهٔ ده‌سلام را نیز تماماً چاپیده‌اند و خراب کرده‌اند در پنجاه میل سمت جنوب غربی «نه» صد شتر را برده و چند ساربان را هم کشته‌اند. بلاشك حشمت‌الملك نایب‌الحکومهٔ سیستان محرك آنها است و پنج یك تنخواه غارتی هم به مشارالیه می‌رسد و بدیهی است این کار را برای شکست شوکت‌الملك می‌کنند.

ماژور آکانر و همکار روسی او حشمت‌الملك را دعوت بـه ملاقات نمودند کـه نصیحتش نمایند مشارالیه دعوت را رد کرده لیکن بعد برحسب حکم طهران دو نفر قنسول را ملاقات نموده.

در اواسط ماه فوریه راه قدری بهتر بوده و به‌واسطهٔ اظهارات پی در پی ماژور آکانر و مسیو هموسن در شاهراه تجارتی که مال‌التجارهٔ تجار هندی از آنجا حمل و نقل

---

۱) این شخص در محل بنام ججو (همچون چپو) معروف است. ـ م.

می‌شود شوکت‌الملك و حشمت‌الملك مستحفظ گذاشته‌اند لیکن‌در خارج آن‌راه‌سرقتهای متعدد شده است.

اصفهان

شهر آرام و اطراف آن کمافی‌السابق است و از قرار راپورت واصله دزدها در اواخر ماه فوریه به قصبهٔ نطنز دست‌برد زده‌اند و به موجب راپورت واصله دزدیهای ذیل هم در راه واقع شده است:

در بیست و دوم ماه فوریه نزدیك حبیب‌آباد و سیزده‌میلی سمت غربی اصفهان بقدر چهار هزار لیره از نقره و طلا مال بانك شاهنشاه که به یزد فرستاده می‌شده به سرقت برده‌اند. اکثر آن بعد پیدا شده.

مستر کی و مستر هیکاك که از اصفهان در بیست و هشتم فوریه حرکت کرده‌اند در باقرآباد پنج نفر به آنها برخورده دارائی آنها را که بقدر یکصد و بیست لیره بوده برده‌اند. از قرار مذکور دزدها بختیاری بوده‌اند. و نیز در اول یا دویم ماه مارس در راه سلطان‌آباد نزدیکی قم دو قافله را زده‌اند و در شب بیست و ششم ماه فوریه در کولی‌کیش [= کولی‌کش] نزدیکی خون خوزه [= خان‌خورده ـ خان‌خوره] چهارده نفر ساربان و سیصد نفر شتر از بوران برف تلف و کسانی که جان بدر برده‌اند همه از برف و سرما کور و گنگ شده‌اند.

یزد

انجمن ایالتی به رسیدگی به مصارف پولی که برای مستحفظین راه به حکومت داده شده و در مسئلهٔ اجحاف مالیاتی که اهالی دهات متفرقه به مأمورین مالیه نسبت‌داده‌اند خوب پافشاری کرده است.

یك دو دستهٔ کوچك سارقین در اواسط فوریه در راه نائین و کرمان مکرراً دیده شده‌اند. در نائین و اردکان تعدی و اجحاف مأمورین مالیه برای مردم اسباب زحمت کلی شده.

کرمانشاه

حاجی رستم‌بیك سردستهٔ یکی از پارتیهای شهری که مدتی در تهران توقیف بود گریخته و خود را به کرمانشاه رسانیده و با معین‌الرعایا سردستهٔ پارتی دیگر که با هم ضد بودند ظاهراً ساخته.

رئیس تازهٔ نظمیه بر قوهٔ پلیس افزوده معذلك خورده‌دزدیهای متعدد شده است.

کرمان

سردار نصرت با یکهزار و پانصد نفر روز هیجدهم فوریه از کرمان برای بم حرکت کرده که به اردویی که برای اعادهٔ انتظام امور بلوچستان بنا است در بم تشکیل شود

که آنهم یکهزار و پانصد نفر دیگر می‌شود ملحق شود. در بم تدارکات لازمهٔ اردو دیده خواهد شد.

شیراز

وضع راهها در ورقهٔ جداگانه راپورت شد. لیوتننت لنگ صاحبمنصب کشتیهای همایونی و لیوتننت وارد صاحبمنصب قشون‌هندی که مرخص شده‌اند در بیست و ششم ماه فوریه بسمت بوشهر حرکت کرده‌اند.

نمره ـ ۷۶

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ دهم آوریل)

از طهران مورخهٔ بیست و سوم‌مارس ۱۹۱۱ [۲ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۱ ع ۱ـ۱۳۲۹]

آقا

راجع به مکتوب من مورخهٔ نهم مارس در خصوص پیشرفت اقدامات دولت ایران در انتظام راه جنوب افتخار دارم عرض نمایم که با وجود اظهارات اکیدهٔ من هنوز شنیده نشده که فرمانفرمای جدید فارس از کازرون رد شده باشد و توقف زیاد معظم‌له در آنجا بواسطهٔ نزاع که فیمابین دو نفر از رؤسای دو طایفه برای تصرف احمدی که منزلی است در شمال بوشهربوده ظاهراً خان انگالی محلی‌را فیمابین احمدی و کازرون گرفته راه عبور و مرور قوافل را مسدود ساخته و تصادفاً یکدسته عملجات ممیزین سیم تلگراف در سه معرکهٔ جنگ واقع ولی خوشبختانه آسیبی به آنها نرسیده و هنوز نشنیده‌ام که قوافل در آن قسمت راه عبور می‌نمایند یا خیر. راجع به راه فیمابین شیراز و اصفهان اگرچه غیر از آنچه در فوق در مکتوب خودم به آن اشاره شده دیگر راپورت سرقتی به من نرسیده با وجود این گمان نمی‌کنم که تجار باز اطمینان حاصل کرده باشند و البته حالا هم خیلی زود است که قبل از اینکه نظام‌السلطنه به شیراز برسد و مجال پیدا کند که راپورت بدهد به چه وسیله می‌تواند راههای جنوب را منظم نماید بفهمیم که دولت ایران چگونه شخصاً در انتظام راههای جنوب موفق خواهد شد.

این امور بسته به این است که چگونه نظام‌السلطنه ضدیت مابین قوام‌الملك و صولت‌الدوله را بتواند اصلاح نماید.

از قراری که شنیده شده نظام‌السلطنه ایل عرب را به قوام سپرده و می‌خواهد راه شیراز و بوشهر را به صولت‌الدوله و راه شیراز و اصفهان را به قوام‌الملك بسپارد.

بنظر می‌آید این ترتیب تدبیر خوبی است ضمناً وقت را از دست نداده به دولت ایران تأکید کرده‌ام که به نظام السلطنه حکم نماید که در ورود به شیرازش عجله نماید، و وجوه لازمه را برای بکاربردن استعدادی که مخصوصاً به او سپرده شده‌است به او برسانند.

جنرال‌مالتا که در اصفهان به واسطهٔ نبودن سوار که همراهش باشند معطل شده بود روز یازدهم شهر جاری به عزم جنوب حرکت‌کرد.

بارکلی

نمره ـ ۷۷

مکتوب سر جرج بکانن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در دهم آوریل)

از سنت‌پطرزبورغ مورخهٔ بیست و ششم مارس ۱۹۱۱ [۵ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۴ ع۱ ـ ۱۳۲۹]

آقا

پس از وصول مراسلهٔ جنابعالی مورخهٔ هیجدهم مارس، بطور یادداشت به وزارتخارجه اطلاع دادم که دولت ایران مبلغ یکصدو بیست هزار تومان بعنوان پیش‌قسط ثانوی از بانك شاهنشاهی تقاضا نموده از این مطلب چنین معلوم می‌شود که در ضمن پروگرام سپهدار ذکر ترتیب قرض بعدی بوده و بانك شاهنشاهی هم برای دادن مبلغ یکصد و بیست هزار تومان مزبور حاضر است و به سر جرج بارکلی دستورالعمل رسیده که به دولت ایران اظهار نماید مبلغی از آن پول را به مصرف حقوق قشون ساخلوئی شیراز برسانند و اینك افتخار دارم که راپورتا۱ عرض نمایم که جواب یادداشت من از وزارت خارجهٔ روس یادداشتی رسیده که دولت روس مطالب یادداشت مرا با تشکرات فایقه ضبط نموده.

امضاء بکانن [بیوکانان]

نمره ـ ۷۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله یازدهم آوریل)

از طهران مورخهٔ یازدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۱ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۱ ع۲ ـ ۱۳۲۹]

امروز بمن خبر رسیده که فرمانفرمای فارس روز ششم آوریل به شیراز وارد شده.

نمره ـ ۷۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله چهاردهم آوریل)

از طهران مورخهٔ چهاردهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۴ فروردین۱۲۹۰؛ ۱۴ ع۲ ـ ۱۳۲۹]

راجع به وضع جنوب

افتخار دارم که در تعقیب تلگراف خودم مورخهٔ سوم آوریل راپورت بدهم که ظاهراً

۱) بهمین‌گونه است در اصل که البته درست نیست. ـ م.

فرمانفرمای فارس در شیراز کفایتی بخرج داده و گفته است اگر دولت با او درست همراهی نماید یقین دارد که بزودی امور را منظم نماید و نیز به مستر ناکس اطمینان داده که بزودی اقدامات لازمه در تنبیه اشرار جزو خواهد نمود و بعلاوه در نظر دارد که همین‌که اطراف شیراز خوب منظم شود اردویی به سرکردگی خودش برای سرکوبی طایفهٔ بویراحمدی تشکیل و گسیل نماید.

مع‌هذا جنرال مالتا از اینکه در حین ورودش پول و قشون و اسلحه در شیراز حاضر نبوده بسیار مأیوس شده و آتیه را بد می‌بیند و به کفیل قنسولگری گفته که اقدام به تشکیل ژاندارمری بدون اینکه پول مخارج یکساله آن تماماً به شیراز فرستاده شود از بی‌مصرف هم بی‌مصرف‌تر است. لهذا در این باب به وزیر امور خارجه راجع باین مسئله خاطرنشان و او را متنبه و ملامت کردم که چرا من و دولت مرا فهمانیده [= گول زده‌است] است که تاکنون مبلغ هشتاد هزار تومان بجهت مخارج ژاندارمری به شیراز فرستاده شده در حالتی‌که ثابت شد که این مسئله بی اصل و بی‌مأخذ بوده معظم‌له در جواب گفت در این مسئله سوءاستفهامی واقع شده و مرا اطمینان داد که بدون تأخیر وجه لازمه به شیراز فرستاده خواهد شد.

مستر ناکس راپورت می‌دهد عملیاتی که بنا بود بر ضد کمارج به عمل آید موقوف و متروك شده به تازگی در دو سمت شیراز دو سه قافلهٔ شهری را زده‌اند و از قراری که راپورت رسیده چهارصد نفر بویراحمدی حاضر و مهیا بوده و مصمم فرودآمدن به راه بوشهر و شیراز برای غارت قوافل هستند.

نمره ـ ۸۰

تلگراف سر ادوارد گری به لارد کیلمارناك

از وزارت خارجه مورخهٔ پانزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۵ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۵ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

به دولت سوئد ابلاغ نمایید که نظر به این مسئله که هیچ علامت تخفیفی در بی‌نظمی راههای جنوب ایران مشهود نیست امیدواریم مسئلهٔ استخدام صاحبمنصبان سوئدی را زودتر فیصل نمایید. ضمناً از دولت معظم‌له سؤال نمایند که کار استخدام به کجا انجامیده و خوب تشریح نمایید که ما ابداً مخالفت و مغایرتی به استخدام صاحبمنصبان سوئدی برای اعادهٔ نظم نقاط مغشوش شده نداریم.

نمره ـ ۸۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله شانزدهم آوریل)

از طهران مورخهٔ شانزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۶ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۶ ع۲ ـ ۱۳۲۹]

مستر ناکس تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع می‌دهد که نظام‌السلطنه دیروز عصر

پسرهای قوام را توقیف نمود و این عمل در شیرازیها حالت و اثر ترکیدن بمب را پیدا کرده ابداً از آنها حرکتی نشده و گمان اینکه اغتشاشی در شهر پیدا شود نمی‌رود.

پسر قوام‌الملك تمنای تحصن در قنسولخانهٔ دولت فخیمه نموده چون احتمال خطری دربارهٔ او نمی‌رفته مستر ناکس خواهش او را نپذیرفته. مستر ناکس گمانش این‌است که سایر منصوبین قوام هم تقاضای همین مطلب را خواهند نمود. به مستر ناکس اطلاع دادم که آنچه در این باب کرده صحیح بوده، و دلیل ظاهری توقیف نصرالدوله این بوده که مشارالیه از گرفتن بعضی اشرار مضایقه نموده.

نمره ـ ۸۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هفدهم آوریل)

از طهران مورخهٔ هفدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۷ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۷ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

کفیل قنسولگری شیراز به من اطلاع داده که گرفتاری پسرهای قوام (که مفتخراً دیروز تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت‌دادم) تأثیرخوشی‌نموده. سردار اسعد فرمانفرمای فارس ابداً راضی نیست و مسافرت فوری خود را به اروپ که بزودی بایستی صورت بگیرد به تأخیر انداخته و به دولت ایران اظهارات سخت به تقویت پسرهای قوام مینمایند. من به ایشان تأکید نموده‌ام که اقدامی که باعث سستی کار و سلب اقتدار نظام‌السلطنه بشود نکنند و نیز خاطرنشان کرده‌ام که نظام‌السلطنه یحتمل استعفاء خواهد کرد اگر دولت با او همراهی ننماید و این کار موجب اغتشاش امور فارس می‌شود.

نمره ـ ۸۳

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هیجدهم آوریل)

از طهران مورخهٔ هیجدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۸ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۸ ع ۲ـ۱۳۲۹]

در تعقیب تلگرام دیروز من آنچه فهمیده می‌شود دولت ایران مصمم است که به نظام‌السلطنه حکم رهائی پسرهای قوام را بدهد مشروط بر اینکه از فارس بروند. سردار اسعد به این ترتیب راضی شده.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۸۴

تلگرام لارد کیلمارناك به سر ادوارد گری (واصله هیجدهم آوریل)
از استاکهولم مورخهٔ هیجدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۸فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۸ ع۲ـ۱۳۲۹]
راجع به صاحبمنصبان سوئدی برای ژاندارمری ایران.

راجع به تلگرام جنابعالی مورخهٔ پانزدهم آوریل از قراری‌که از وزارت خارجه خبر رسیده قرارداد صاحبمنصبان سوئدی تمام شده منتظرند امروز در پاریس صورت قرارداد نامهٔ مزبور به وزیر مختار سوئد برسد. هرگاه وزیرمختار ایران مقیم‌پاریس که اختیارات تامه دارد این مطلب را قبول نماید صاحبمنصبان سوئدی بدون تأمل انتخاب می‌شوند و برای امضاء نمودن کنتراتشان به پاریس می‌روند و بعد چند هفته تدارك لازمهٔ خود را می‌بینند. من در تأکید به دولت سوئد برای عجله در این کار کوتاهی ننموده‌ام و در این خصوص به وزیر مختارشان در پاریس تعلیمات تلگرافی خواهند فرستاد.

نمره ـ ۸۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیستم آوریل)
از طهران مورخهٔ بیستم آوریل ۱۹۱۱ [۳۰ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۰ ع۲ـ۱۳۲۹]
مستر ناکس از قرار ذیل تلگراف می‌کند:

«ازدحام زیادی من‌جمله پسرهای ملاهایی که پس از قتل قوام بدست قوامیها کشته شده‌اند دیروز بعد از ظهر جمع شده و قتل فوری آن دو برادر را از فرمانفرمای فارس خواستند. معظم‌له در جواب به آنها گفته که استنطاق آنها در روز بیستم آوریل خواهد بود و موافق قانون به سزای عملشان کشته خواهند شد. ازدحام مردم صمیمانه فرمانفرمای فارس را تحسین و تشکر گفتند.»

نمره ـ ۸۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و دوم آوریل)
از طهران مورخهٔ بیست و دوم آوریل ۱۹۱۱ [۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۲ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

در تعقیب تلگرام من مورخهٔ بیستم آوریل، مستر ناکس تأخیر افتادن استنطاق پسران قوام را راپورت می‌دهد.

وزیر امور خارجه بمن اطلاع داده که به نظام‌السلطنه حکم شده که پسرهای قوام را به پایتخت بفرستند که دعاوی بر آنها در طهران رسیدگی و محاکمه شود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۸۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و پنجم آوریل)

از طهران مورخهٔ بیست و پنجم آوریل ۱۹۱۱ [۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۵ ع ۲ـ ۱۳۲۹]

راجع به شیراز

رجوع به تلگرام من مورخهٔ بیست و دوم آوریل بفرمایید:

نظام‌السلطنه به مستر ناکس اطلاع داده که اگر دولت ایران او را به رها کردن و یا به طهران فرستادن قوام الملك و نصرالدوله مجبور نماید بدون هیچ‌گونه سؤال و جواب از شیراز حرکت خواهد کرد و معظم‌الیه [= معظم‌له] شرط می‌کند که قوامیها در شیراز رسماً استنطاق شوند و چنین می‌نماید که مصمم است که هرگاه در این مسئله یا او موافقت نشود استعفاء بدهد و من این مطلب را محرمانه به وزیر امور خارجه اطلاع داده‌ام.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۸۸

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و ششم آوریل)

از طهران مورخهٔ بیست و ششم آوریل ۱۹۱۱ [۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۶ ع ۲ـ ۱۳۲۹]

راجع[1] به راههای جنوب

رجوع به تلگرام من مورخهٔ چهاردهم آوریل بفرمایید:

تلگرام ذیل از مستر ناکس از شیراز رسیده است:

از قرار معلوم فرمانفرمای فارس تأخیر تشکیل ژاندارمری را عجالتاً مناسب می‌داند و در صدد است که از برای تنبیه ایلات متفرقه از قشون دولتی و قشقایی و همراهان خودش در این تابستان اردوها تشکیل بدهد و عقیده‌اش این است که به هر زودی که ژاندارمری تشکیل شود تا آن وقت حاضر در همراهی با این اردو نخواهد شد.

جنرال مالتا بعلاوه به معظم‌الیه [= معظم‌له] اظهار نموده که اردوی ششصد نفری که هشتاد هزار تومان خرج بردارد بکلی بی‌فایده است و به عقیدهٔ او چهار هزار نفر لازم است. اگرچه فرمانفرمای فارس تخمین جنرال مالتا را اساساً در صورتی که مقصود تشکیل یك قشون کافی دائمی باشد بخوبی تصدیق دارد ولی عقیده ندارد که دولت ایران تحمل چنین مخارج گزاف را بنماید. بعلاوه احتیاج به تدارك یك اردوئی بجهت تنبیه اشرار را بزودی لازم می‌داند.

---

۱) اصل: رجوع.

گمانم این است که تصور و استدلالات نظام‌السلطنه قابل خیلی تحسین است و با وجود لزوم تشکیل یك قوهٔ کافی برای انتظام راهها، عقیدهٔ من این است که هرگاه تشکیل ژاندارمری و اردویی بجهت تنبیه اشرار با هم ممکن نباشد اقدام فوری در تنبیه اشرار باید تقدم داشته باشد و از قراری که نظام‌السلطنه بمن حالی نموده ممکن است مستحفظین موجودهٔ راه را با این مبلغ هشتاد هزار تومان مساعدت و نگهداری نمود.

اگرچه مایلم که حتی‌الامکان از مداخلهٔ در امور نظام‌السلطنه احتراز نمایم معهذا عرض می‌کنم که اگر مستر ناکس با تأخیر تشکیل جاندارمری‌که نظام‌السلطنه پیشنهاد نموده بدون اعتراض موافقت نماید شاید نظام‌السلطنه چنین استنباط کند که ما این تأخیر را تصویب کرده‌ایم لهذا عرض می‌کنم اگر مصلحت بدانید به مستر ناکس دستورالعمل بدهم که هرگاه احتمال می‌رود که به رفتار ما این‌طور مجمل بپندند؛[1] **به نظام‌السلطنه بگوییم که خود او این مسئله را با دولت ایران که اعادهٔ انتظامات** تامهٔ راههای جنوب را به دولت انگلیس متعهد است، مذاکره و مرتب نماید.

نمره ـ ۸۹

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

از وزارت خارجه مورخهٔ بیست و هفتم آوریل ۱۹۱۱ [۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۷ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

وضع راههای جنوب

رجوع به تلگرام خودتان مورخهٔ بیست و ششم آوریل ۱۹۱۱:

دستورالعمل به قنسول را تصویب می‌نمایم. هرگاه دولت ایران موافق صواب دید **تا[2] نظام‌السلطنه تشکیل ژاندارمری را به عهدهٔ تعویق بیندازد بنظر شما ما باید چه** رویه و اقدام را اختیار نماییم؟

نمره ـ ۹۰

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و هفتم آوریل)

از طهران مورخهٔ بیست و هفتم آوریل ۱۹۱۱ [۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۷ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

سردار اسعد به من و مدیر ادارهٔ لنج در طهران اطلاع داده که به واسطهٔ وضع کوهگیلوئیها [= کهگیلویه‌ئی‌ها] دیگر خوانین بختیاری مسئولیت امنیت راه اصفهان

---

۱) لفظ «که» از عبارت برداشته شد. ـ م. ۲) اصل: تازه ـ م.

و اهواز را به عهده نخواهند گرفت مگر در مورد سرقتی که بختیاریها مرتکب شده باشند. سردار اسعد اظهار داشته که این اقدام به واسطهٔ مسلك ضد بختیاری که ایالت فارس کلیتاً اتخاذکرده ضرورت‌پیداکرده‌است. چنانچه‌نظام‌السلطنه‌یکنفراز کسان صولت‌الدوله را حاکم بهبهان[1] مرکز طایفهٔ کوهگیلویه نموده و آن شخص برای اینکه اسباب زحمت بختیاریها را فراهم آرد کوهگیلوییها را به زدن قوافل عرض این راه تحریص و ترغیب می‌نماید و دست‌اندازی به این راه هم برای کوهگیلوییها بسیار آسان است زیرا تا مسافت بعیدی وصل به شمال بهبهان است. و نیز از قراری که سردار اسعد گفته‌اند بکار بردن یك استعداد فوق‌العاده‌ای بجهت حفظ امنیت این راه لازم است. اگر چنانچه تا بحال معمول بوده حکومت بهبهان با بختیاری بود یا اقلا در تحت اقتدار دشمن نبود بختیاریها اضطراب و اعتنائی نداشتند.

مستر ویلسن به‌واسطهٔ این‌گونه اظهارات سردار اسعد به مدیر ادارهٔ لنج در اهواز تلگراف کرده مال‌التجاره حمل ننمایند تا دستورالعمل از رؤسای اداره به او برسد و ضمناً به ادارهٔ مرکزی لنج خبر داده و این رد مسئولیت از طرف خوانین بختیاری که اسباب مسدود کردن یکی دیگر از شاهراههای عمدهٔ تجارت انگلیس است خیلی جالب اهمیت می‌باشد. مادامی که نتایج تحقیقات‌لازمه ظاهر نشود رأی به‌اقدامی نمی‌دهم.

نمره ـ ۹۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و هشتم آوریل)

از طهران مورخهٔ بیست و هشتم آوریل ۱۹۱۱ [۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۸ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

اوقات سه جلسهٔ اخیر مجلس تماماً صرف مذاکرات پروگرام کابینه راجع به مصارف قرضهٔ از بانك شاهنشاهی و کنترات آن استقراض شده پروگرام مزبور معرض سخت تنقیدات فرقهٔ مخالف شده و در جلسهٔ دوم چنین قرار شد که موکول به مداقهٔ آتیه باشد و کنترات قرضهٔ مزبور دیروز اولین دفعه بود که قرائت شد. مواد و شرایط آن نیز مورد حملات شدید حزب مخالف گردید.

وزیر مالیه پیشنهاد کرد که قرائت ثانی در همان جلسه بشود پیشنهاد ایشان پذیرفته نشد و جمعی از نمایندگان که خود را هواخواه وزراء می‌خوانند با مخالفین هم‌رأی شدند.

---

۱) لفظ که از عبارت برداشته شد ـ م.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۹۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و نهم آوریل)
از طهران مورخهٔ بیست و نهم آوریل ۱۹۱۱[۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۹ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

راههای جنوب

در جواب تلگرام جنابعالی مورخهٔ بیست و هفتم آوریل:

با کمال افتخار عرض می‌کنم که با رأی مستر ناکس که می‌گوید هرگاه تشکیل ژاندارمری و اقدامات تنبیهیه‌ای که نظام‌السلطنه در نظر گرفته است توأماً ممکن نیست عملیات سرکوبی را مقدم بدارند همراهم و اما این جهت را نمی‌دانم چرا تدارك اردوی سرکوبی با شروع به تشکیل ژاندارمری مختصری باید منافات داشته باشد و چنین ارائهٔ طریق که لااقل دولت ایران را ملزم به این مسئله نمود بلاشك فعلا اردوی ششصد نفری بی‌فایده است ولی شالوده‌بندی معتبری خواهد بود که از آن به‌تدریج قوای کافی برای حفظ و حراست راه بنا خواهد شد به شرط اینکه در اردوهای سرکوبی نتایج مادی حاصل شود.

مستر ناکس بمن اطلاع داده که در ضمن صحبت به نظام‌السلطنه فهمانده که انتظام راه با اردوی مرتبی مسئله‌ای است که دولت انگلیس آن را اهم مسائل می‌داند.

عقیدهٔ مستر ناکس بر این است که تا مسئلهٔ قوامیها به یك جائی منتهی نشود دیگر در این خصوص مذاکره نشود من هم در این رأی با او همراهم و به‌او دستورالعمل دادم که تا وقت را مقتضی نبیند دیگر اظهاری ننماید.

نمره ـ ۹۳

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و نهم آوریل)
از طهران مورخهٔ بیست و نهم آوریل ۱۹۱۱ [۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۹ ع ۲ـ۱۳۲۹]

راجع به شیراز

راجع به تلگرام من مورخهٔ بیست و پنجم آوریل:

افتخار دارم راپورت بدهم که سردار اسعد بمن اطلاع داده‌که به فرستادن قوام‌الملك و نصرالدوله به اروپا راضی‌اند و برحسب خواهش وزیر امور خارجه به مستر ناکس دستورالعمل داده‌ام‌که هرطور است نظام‌السلطنه را هم وادارد که به‌این‌قرارداد موافقت نماید. مستر ناکس در جواب تلگرافات ذیل را می‌نماید که نظام‌السلطنه امروز صبح در جواب صلاح‌اندیشی من اطلاع داده که بخوبی ملتفت است که تأخیر در تسویهٔ این کار مضر مقام‌اوست و وضعیت او را در شیراز لطمه‌می‌رساند. معظم‌الیه [= معظم‌له] جداً مصمم است که تسلیم نشود و همین که بداند نفوذ و اقتدارش در زوال است استعفای دائمی از شغلش بدهد و می‌گوید تجربیات سابقه‌اش به او یاد می‌دهد که

هرگاه قوامیها به اروپ تبعید شوند هیچ وسیلهٔ اطمینانی که دوباره از راه شمال به ایران مراجعت ننمایند موجود نیست. نظام‌السلطنه اظهار داشته علاوه بر ملاحظهٔ فوق اگر در مقابل اظهارات حکومت مرکزی در این موضوع تسلیم شود این مسئله در نظر اهالی فارس تعبیر به ظفریت هواخواهان قوامیها در پای‌تخت شده و امید کامیابی و پیشرفت حکومت او را بکلی مرتفع خواهد کرد. معظم‌الیه [= معظم‌له] دولت انگلیس را به شهادت می‌طلبد که در اقدام و اجراء تدابیر صحیحه‌ای که در فارس لازم بوده حتی‌القوه فروگذار نکرده هرگاه پیشرفت ننماید دولت انگلیس او را مورد ملامت قرار ندهد.

صولت‌الدوله نهایت جهد و کوشش را نموده که فردا بازارها را برای پروتست بر ضد تأخیر در کشتن قوام‌الملك و نصرالدوله ببندند و دیروز هم از طرف نمایندگان اعیان و تجار به نظام‌السلطنه همین قسم پروتست شده.

نمره ـ ۹۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و نهم آوریل ۱۹۱۱)

از طهران مورخهٔ بیست و نهم آوریل ۱۹۱۱ [۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۹ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

راجع به راه بختیاری و لنج

در تعقیب تلگرام من مورخهٔ بیست و هفتم آوریل ۱۹۱۱:

افتخار دارم راپرت بدهم که سردار اسعد به مستر ویلسن مدیر ادارهٔ لنج در طهران اطلاع داده که تا آخر ماه مه احتمال نمی‌رود که طایفهٔ کوهگیلویه بتواندانتظام را مختل نماید.

نظر به آن اظهارات سردار اسعد، مستر ویلسن قرار داده که عجالتاً بطور موقتی قوافل عبور نمایند. امیدوارم که دولت ایران ترتیبی که موجب رضایت سردار اسعد باشد و ضمناً هم اقتدار فرمانفرمای فارس را تضعیف ننماید فراهم آرد.

نمره ـ ۹۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله اول ماه مه)

از طهران مورخهٔ اول ماه مه ۱۹۱۱ [۱۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

راجع به شیراز

مسئلهٔ قوامیها بنظر نمی‌آید که نزدیك به اصلاح باشد. از یك‌طرف پافشاری سردار اسعد و از طرف دیگر به واسطهٔ مقاومت و ضدیت نظام‌السلطنه دولت ایران حیران و سرگردان است.

نمره ـ ۹۶

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی (واصله دوم ماه مه)

از وزارت خارجه مورخهٔ دوم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۳ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

راجع به راههای جنوب

رجوع به تلگرام خودتان مورخهٔ بیست و نهم آوریل نمایید:

در صورتی که با این نظر موافقم که عجالتاً مذاکرات موقوف باشد، به عقیدهٔ من هرگاه آثار و علائمی از دولت ایران ظاهر شود که بخواهد تشکیل ژاندارمری را موقوف نماید باید او را به ایفای تعهدات راجع به این مسئله واداشت.

نمره ـ ۹۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سوم ماه مه)

از طهران مورخهٔ سوم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۳ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۴ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام من مورخهٔ بیست و هشتم آوریل بفرمائید:

دیروز مجلس استقراض بانك شاهنشاهی را با وجود مخالفت سخت شصت و پنج نفر دمکرات تصویب نمود که تنخواه مزبور در بانك بماند تا اینکه مجلس پروگرام کابینه را دربارهٔ کنترل و محل مصارف تنخواه تصویب و امضاء نماید.

نمره ـ ۹۸

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

از وزارت خارجه چهارم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۴ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۵ ج ۱ـ ۱۳۲۹]

راجع به تلگرام شما مورخهٔ سوم ماه مه:

در خصوص استقراض دولت ایران از بانك شاهنشاهی به شما دستورالعمل می‌دهم مگر اینکه مانع سختی مشاهده نمایی و الا به دولت ایران تأکید و سخت‌گیری نمائید که از این وجه استقراضی مخارج ژاندارمری منظوره را مقدم بدارد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۹۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پنجم ماه مه)
از طهران مورخهٔ پنجم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۶ ج ۱ـ۱۳۲۹]
راجع به تلگرام من مورخهٔ اول ماه مه:

افتخار دارم راپورتا۱ عرض نمایم که وزیر امور خارجه امروز صبح یك نفر از اجزاء مرا احضار کرده که بمن تأکید نماید که به مستر ناکس دستورالعمل بدهم که در خصوص امر قوامیها نفوذ خود را به نظام‌السلطنه بکار برد و نیز وزیر امور خارجه اظهار نموده که بخوبی ملتفت است که من اقدام در این کار را میل ندارم لکن چون مطلب خیلی مهم است امیدوار است که تغییر رأی داده به مستر ناکس دستورالعمل بدهم که به نظام‌السلطنه فشار بیاورد که موافق حکم طهران عمل نماید.

اگرچه دولت قبول کرده که قوام‌الملك و نصرالدوله را که تبعید می‌نماید تا نظام‌السلطنه در فارس حاکم است آنها را به مراجعت ایران اجازت ندهد، معهذا نظام‌السلطنه از این دستورالعمل که به او داده شده تجاهل می‌کند.

وزیر امور خارجه اندیشه دارد که راپرتی که به طهران رسیده که جان قوام‌الملك و نصرالدوله در خطر است مقرون به صحت است و می‌گوید معین است که چنین واقعه‌ای بختیاری را مجبور به تلافی و کشیدن انتقام خواهد کرد و نتیجه‌اش استعفای رئیس‌الوزراء خواهد بود. نیز از قراری که وزیر امور خارجه بمن اطلاع داده به نظام‌السلطنه اعلان داده شده که دولت می‌خواسته همه قسم از او تقویت کند ولی اگر اوامر دولت را اطاعت ننماید آن مسلك تغییر خواهد کرد. عزل نظام‌السلطنه که در اینجا اشاره شده نتیجهٔ وخیمی خواهد داشت.

بهرحال دستورالعمل به مستر ناکس را مقرون به صواب دانستم که به نظام‌السلطنه فشار بیاورد که وضع سلوك او دولت را دچار اشکالات سخت نموده. اگر دولت حاضر است تا بدرجه‌ای که بتواند با او همراهی نماید لیکن بواسطهٔ خوف ز انتقام‌کشی بختیاری نمی‌تواند کشتن قوام‌الملك و نصرالدوله را تصویب نماید لهذا امید است که راه صواب را پیش گرفته اوامر طهران را اطاعت کند.

نمره ـ ۱۰۰

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم ماه مه)
از طهران مورخهٔ ششم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۷ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

قنسول جنرال اعلیحضرتی از اصفهان راپرت می‌دهد که در آنجا بلوای سختی شده و من دولت ایران را مسئول و ضامن مال و جان تبعهٔ انگلیس قرار داده‌ام.

---

۱) بنهمین گونه است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۱۰۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هفتم ماه مه)
از طهران مورخهٔ‌هفتم‌ماه مه ۱۹۱۱ [۱۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۸ ج ۱ـ۱۳۲۹]
راجع به شیراز

در تعقیب تلگرام من مورخهٔ پنجم ماه مه

افتخار دارم راپرتا[1] عرض نمایم که چون مستر ناکس اطلاع یافته که نظام‌السلطنه حاضر شده قوام‌الملك و نصرالدوله را به‌اروپ بفرستد دوباره مذاکرهٔ با نظام‌السلطنه را در این خصوص به تصویب من موقوف داشته.

تلگرافات کفیل قنسولگری از قرار زیر است:

نظام‌السلطنه بمن اطلاع داده که می‌خواسته قوام‌الملك و نصرالدوله را دیشب به بوشهر روانه نماید لکن چون آنها نمی‌توانسته‌اند کاملا محرمانه حرکت نمایند مجبور شده که انجام مقصود خود را در فرستادن آنها به‌تعویق بیندازد. معظم‌الیه [= معظم‌له] مرا مطمئن نموده که امشب یا فردا قوام‌الملك و نصرالدوله حتماً از شیراز حرکت خواهند کرد.

اگرچه فرمانفرمای فارس مسئولیت سلامت محبوسین را رد نموده ولیکن ترتیب و وضع مسافرت آنها به نظر اطمینان‌بخش می‌آید.

نظام‌السلطنه ترتیب مسافرت آنها را مفصلا بمن حالی نموده. از او پرسیدم آیا هیچ تأمینی دارد که صولت‌الدوله که حالا در راه اردو زده است محبوسین را احترام خواهد نمود یا نه جواب نفی داده ولی گفت گمان ندارد صولت‌الدوله جرأت نماید بآنها اذیتی وارد آورد. فرمانفرمای فارس از من خواهش نمود که از جنابعالی استدعا نمایم که چند روزی قصد او را مخفی بدارید.

نمره ـ ۱۰۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هفتم ماه مه)
از طهران مورخهٔ هفتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۸ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]
راجع به وضع شیراز

در تعقیب تلگرام من مورخهٔ امروز مستر ناکس تلگراف می‌کند که قوام‌الملك و نصرالدوله شب ششم ماه مه از شیراز حرکت کردند و پس از طی مسافت سی میلی آنها را کمین کرده نصرالدوله و ناظرش را کشته‌اند. تفصیل و چگونگی هنوز نرسیده.

www.adabestanekave.com

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۱۰۳

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هشتم ماه مه)

از طهران مورخهٔ شانزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۶ فروردین ۱۲۹۰: ۱۶ ع۲ ـ ۱۳۲۹]

آقا

مفتخراً در طی تلگرافات متفرقه نکات مهمه و پیشرفت اقدام دولت ایران را در اعادهٔ انتظام راه جنوب از تاریخ مکتوب خودم مورخهٔ بیست و سوم مارس که حاوی ورود جنرال مالتا و نظام‌السلطنه فرمانفرمای جدید فارس بود راپورت دادم.

در خصوص جنرال مالتا از شنیدن اینکه از موفق نشدن به تشکیل ژاندارمری که مأموریت اوست بی‌نهایت مأیوس و دلتنگ شده و یأس خود را به کفیل قنسولگری اظهار داشته ملول شدم. چنین می‌نماید که با وجود اطمینانی که از طرف وزیر امور خارجه بمن داده شده بود که در مراسلهٔ مورخهٔ بیست و سوم ژانویه راپرت دادم که مبلغ هشتاد هزار تومان بجهت مصارف ژاندارمری به شیراز فرستاده شده جنرال مالتا دریافته است که پول هم برای او تهیه نشده و به وزیر داخله تلگراف نموده که تشکیل ژاندارمری تا وجه مصارف لازمه نرسد غیرممکن است. جوابی به مشارالیه رسیده که همین که با نظام‌السلطنه یک‌رأی بشوند که چه لازم است احکام فوری صادر خواهد شد.

جنرال مالتا دو مرتبه پی در پی حاکم را ملاقات نموده و معظم‌الیه [= معظم‌له] گفته تمام مطالب موکول باین است که آیا پول تحصیل می‌شود یا نه و از جنرال مالتا خواسته که پروگرامی بدهد که پس از جرح و تعدیل لازمه به طهران فرستاده شود. جنرال مالتا نقشه‌ای مطابق آن نقشه‌ای که در صورتی‌که مسئلهٔ نبودن آدم و اسلحه را کنار بگذاریم قبل از حرکتش در طهران داده بود داده و مشارالیه بر این است که شروع به تشکیل ژاندارمری قبل از آنکه مطمئن به وصول وجه مخارج یک‌ساله بشود از بی‌مصرف بی‌مصرف‌تر است.

به وصول این خبر وزیر امور خارجه را برای اینکه من و بـه تـوسط من دولت پادشاهی را به اشتباه انداخته بود که وجه به شیراز فرستاده شده ملامت کرده سخت اظهار کردم که تهیهٔ وجه مخارج فوراً لازم است فقط چیزی که معظم‌الیه [= معظم‌له] توانست بگوید این بود که در این مسئله سوءتفاهم واقع شده و بمن اطمینان داد که به هر زودی که ممکن شود وجه به شیراز فرستاده خواهد شد.

راجع بفرمانفرمای جدید فارس کفیل قنسولگری شیراز در تلگراف مورخهٔ دهم آوریل راپرت می‌دهد که نظام‌السلطنه با کمال امیدواری اظهار داشته که بزودی این ایالت را منظم خواهد نمود و نیز معظم‌الیه [= معظم‌له] نهایت عزم و استعداد را در نظم شهر بخرج داده و به مجرد اینکه راپرت سرقت قافلهٔ شهری در چند میلی‌شیراز به معظم‌الیه [= معظم‌له] رسید فوراً نصرالدوله را با سیصد نفر بتعاقب سارقین فرستاده خیلی از اموال مسروقه را گرفته لکن سارقین فرار کردند. از آن تاریخ فقط دو قافلهٔ شهری را در حوالی شیراز زده‌اند و تا به درجه‌ای که اطلاع دارم اموال تبعهٔ

انگلیس با آن قوافل نبوده.
قنسول جنرال دولت فخیمه از اصفهان در اول ماه آوریل راپرت می‌دهد که عبور و مرور بین راه شیراز و اصفهان بکلی مسدود است.
مقصود نظام‌السلطنه این است که اقدام فوری در اضمحلال و انهدام دسته‌های سارقین جزء نموده و به مجرد اینکه نظم و امنیت در حوالی شیراز برقرار شود اردوی قابلی بسرکردگی خودش برای مقابلی طایفهٔ قطاع‌الطریق بویراحمدی در ییلاق‌شان تشکیل و حرکت دهد.
از قراری که راپرت رسیده چهارصد نفر از این غارتگران در حالت جنگجویی و مصمم فرود آمدن در راه بوشهر و شیراز هستند.
خان کمارج به رؤسای محل خودش حکم داده که در کوه و دره‌ها قراولی کرده قوافل را در دشت ارژن توقیف نمایند تا اینکه از آنجا بتوانند به سلامت و امنیت حرکت نمایند. جنگ و خصومتهایی را که نظام‌السلطنه بر ضد خان مشارله [مشارالیه] باعث شده بود به واسطهٔ مقاومت‌سخت رشیدانهٔ او موقوف‌شد. روی‌مسئله رضایت‌بخش است زیرا موافق راپرت قنسول دولت فخیمه مشارالیه همیشه در کمال اطاعت و انقیاد جهد و کوشش داشته که شعبهٔ راه خویش را منظم نماید. مع‌هذا مداخله‌ای در همراهی او ننمودم زیرا که به نظرم بهترین پولتیك است که نظام‌السلطنه را در انجام مأموریت خویش باختیار خود واگذاریم و موقعی بدست او ندهیم که اگر از عهده برنیاید و یا اینکه برای گریز از مسئولیت استعفاء بدهد، هیچ‌یك از آنها را نسبت به مداخلهٔ دولت مرکزی نتیجه از اثر فشارات اکیدهٔ سفارت اعلیحضرتی انگلستان ندهد.

نمره ـ ۱۰٤

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هشتم ماه مه)
از طهران مورخهٔ نوزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۹ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۹ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]
آقا
افتخار دارم خلاصهٔ وقایع معمولی ماهیانهٔ ایران را در مدت چهار هفتهٔ گذشته لفاً ارسال دارم.

ملفوف نمرهٔ ۱۰۴

خلاصهٔ وقایع ایران از بیست و دویم ماه مارس الی نوزدهم ماه آوریل ۱۹۱۱
[۱ تا ۲۹ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۰ ع ۱ تا ۱۹ ع ۲ ـ ۱۳۲۹]

مجلس

در جلسهٔ بیست و هشتم ماه مارس یادداشت دیگری از طرف نایب‌السلطنه که مخصوصاً راجع به عدم تشکیل و انتظام ادارات دولتی و مراتب بیهودگی کشمکش پارتیها بود قرائت گردید. یادداشت مزبور تاکید می‌نمود که باید در اصلاح ادارات با

اولیاء امور تقویت تامه به عمل آید.

در جلسهٔ سی‌ام ماه مارس لایحهٔ قانونی راجع به قوانین تعلیمات ابتدائی قرائت و مطرح مذاکره شد. یکی از نمایندگان علماء نجف بنا بر بعضی دلایل مذهبی با آن لایحه مخالفت نمود ولی ثبات و استقامت رئیس جدید مجلس آن لایحه را از اینکه مطرود شود نجات داد.

در اول ماه آوریل بر حسب خواهش نایب‌السلطنه تلگرافی که از طرف علماء نجف به والاحضرت شده بود در مجلس قرائت شد.

پس از ادای تبریك ورود والاحضرت بدارالخلافه و جلوس به مقام نیابت سلطنت علماء رجوع به اختلاف پلتیکی موجودهٔ در طهران نموده و امیدواری کلی خودشان را از اینکه نایب‌السلطنه به فراهم نمودن وسائل اتحاد که موجب بقاء مملکت است اظهار داشته بودند. در همان جلسه کاغذی از سردار اسعد که از مجلس درخواست مرخصی سه‌ماهه برای رفتن به اروپ جهت معالجهٔ چشم نموده بود قرائت گردید رأی گرفته و مرخصی داده شد. رئیس‌الوزراء در آن جلسه حاضر بود ولی در مذاکرات مداخله ننمود.

هیئت رئیسه که می‌بایستی موافق قانون مقرره از نو انتخاب شوند در چهارم‌آوریل قانوناً رأی گرفته شد نتیجهٔ ذیل حاصل گردید:

مؤتمن‌الملك باتفاق‌آراء مجدداً به‌ریاست انتخاب‌گردید. مرتضی‌قلی‌خان ـ نایب‌رئیس اول. متین‌السلطنه ـ نایب‌رئیس دوم. میرزا ابراهیم‌خان ـ حاجی میرزا رضاخان ـ فهیم‌الملك ـ و معاضدالملك ـ مجدداً به منشی‌گری منتخب شدند.

به‌استثناء رئیس که بی‌طرف است نایب‌رئیسها و منشیها همه از حزب اکثریت انتخاب شده‌اند.

در مجلسی که مرکب از هفتاد نفر وکیل است آنها هر یك تقریباً چهل رأی داشتند. در صورتی که نامزدشدگان حزب اقلیت هریك بین بیست الی سی رأی داشتند.

در جلسهٔ ششم ماه آوریل رئیس مجلس در موقع جلوس به صندلی ریاست وکلاء را از حسن اعتمادشان نسبت به مشارالیه تشکرکرده اظهار داشت که مایل بوده مجدداً قبول ریاست را نماید زیرا یقین داشته که مجلس مصمم است بقیهٔ پیشنهادها را قبل از انقضاء زمان مجلس که هنوز شش ماه دیگر باقی است تصویب نماید.

لایحه در خصوص تدارك گندم بجهت طهران مطرح گردید مقصود از این لایحه جلوگیری از احتکار ملاکین عمده است.

سپس از وزیر داخله در خصوص تبعید یك نفر فدائی معروف‌مسمی‌به یارمحمدخان همدستی[1] حزب اقلیت دمکرات استیضاح نمودند. این قضیه محتمل بود تولید مشاجره و مجادلهٔ پرحرارتی در میان پارتیها نماید لیکن رئیس مجلس دنبالهٔ مذاکره و مجادله را قطع نمود.

---

۱) بهمین‌گونه است در اصل. ـ م.

در یازدهم آوریل شاهزاده امیراعظم پسر امیر خان سردار که آن مرحوم دارای نشان جی سی ئم جی (جی سی ئم جی درجهٔ مایقی۱ است که دولت انگلستان می‌دهد) [بود] بسمت معاونت وزارت جنگ معرفی و از ایشان در خصوص اسلحه و قورخانه که می‌گویند دولت خریده استیضاح مشارالیه اظهار داشت که دولت هفت‌هزار قبضه تفنگ روسی از قرار قبضه‌ای چهارده تومان و فشنگ را از قرار دانه‌ای دویست دینار خریده ولیکن عدد فشنگ را معین نکرد.

وزیر مالیه در پانزدهم شهر جاری از مجلس درخواست‌کرد که مسئلهٔ قرضهٔ از بانك شاهنشاهی را که کابینهٔ قبل پیشنهاد به مجلس کرده بود در فهرست مطالب بنویسند که در هیجدهم آوریل مذاکره شود.

درخواست وزیر مالیه پذیرفته شد لیکن باز در جلسهٔ هیجدهم به‌روز بیستم به‌تعویق افتاد.

ایالات و ولایات

مازندران

شاهزاده ظفرالسلطنه بجای ظهیرالدوله حاکم شده و نسبتاً انتظامی موجود است.

گیلان

این ولایت تا یك درجه بنظر منظم می‌آید.

مشهد

قنسول جنرال دولت بهیهٔ انگلیس راپرت می‌دهد که سرقتهای متعدد در همهٔ اطراف واقع شده از همه طرف دزدهای ترتبی۲ را اشغال نموده‌اند حتی اینکه اهالی دهات هم متدرجاً همدست و ملحق به سارقین شده‌اند.

نایب‌حسین یاغی معروف با سیصد نفر سوار طبس را تصرف کرده.

اصفهان

چند نفر بختیاری پست طهران را که در چهاردهم شهر جاری وارد اصفهان شد در کاشان زده تمام بسته‌های امانت بانضمام دارایی مسافرین را برده‌اند.

عبور و مرور در راه اصفهان و شیراز به واسطهٔ سارقین بکلی مسدود ولی شهر اصفهان مثل سابق آرام است.

حکمران اصفهان که از عباس‌آقا نام تبعهٔ روس که هنوز در تحت استنطاق است تیر خورده بود بهبودی حاصل کرده.

---

۱ و ۲) بهمین‌گونه است در اصل. ــ م.

یـزد

به‌موجب راپرت واصله در ماه مارس بر ضد پارسیان تحریك و هیجانی شده بیست و چهار نفر از آنها فرار کرده در ویس قنسولگری پناهنده شده[اند].

در آخر ماه مارس زمانی که نایب‌حسین طبس را گرفته راه بین یزد و مشهد بکلی مسدود شده.

ضیغم‌الدولهٔ قشقائی به حکومت خود برقرار شده.

شیراز

در ششم آوریل نظام‌السلطنه بـه محل حکومت وارد و در پانزدهم قـوام‌الملك و برادرش نصرالدوله را حبس کرده. وضع ناگوار راهها در ورقهٔ جداگانه عرض شده.

کرمان

از قرار خبری که در دوازدهم شهر جاری رسیده اردویی که به بلوچستان فرستاده شده بود قلعهٔ بامپور [بمپور] را تصرف کرده و مصمم است که به سرکوبی فهرج برود.

چنین می‌نماید که شاهزاده جلال‌الدوله فرمانفرمای کرمان آن ایالت را منظم نموده.

کرمانشاه

از قراری که راپرت رسیده وضع شهر و قصبات خیلی بد است و اتصالا دزدی واقع می‌شود. در شب بیست و چهارم مارس چند نفر دزد به قنسولخانهٔ شاهنشاهی ریخته و پاره‌ای اسباب را برده و شب بعد کوشیده‌اند که تفنگهای مستحفظین قنسولخانه را ببرند. تیر و تفنگ فیمابین دزدان و سوارهای هندی رد و بدل شده. دزدها موفق گردیده داخل یك قسمت عمارت شده پاره‌ای لباس و پول مال سوارها را برده‌اند. اظهارات لازمه به حکومت مرکزی فرستاده شده بعضی‌ها را توقیف کرده‌اند.

لرستان

لطفعلی‌خان امیر مفخم بختیاری حاکم لرستان شده در راه و عازم به محل حکومت است.

نمره ـ ۱۰۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری

از طهران مورخهٔ هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام من مورخهٔ ششم مه بفرمایید.

قنسول جنرال دولت فخیمه از اصفهان راپرت می‌دهد که شهر آرام‌تر ولی دکاکین

هنوز بسته است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۰۶

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخهٔ هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱ـ۱۳۲۹]
راجع به شیراز در تعقیب تلگرام من مورخهٔ هفتم ماه مه.
دولت ایران می‌خواهد سردار اسعد را در این کابینه وزیر داخله نماید.

نمره ـ ۱۰۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخهٔ هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱ـ۱۳۲۹]
راجع به شیراز

رجوع به تلگرام قبل امروز من بفرمایید.
مستر ناکس تلگراف کرده که قوام‌الملك صحیحاً به شیراز وارد و اینك در قنسولخانه متحصن است.
امروز صبح به کفیل قنسولگری حکم دادم هرگاه قوام‌الملك در معرض خطر است و حفظ جان خود را از قنسولخانه درخواست دارد او را[1] پناه بدهد.

نمره ـ ۱۰۸

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخهٔ نهم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۰ ج ۱ـ۱۳۲۹]
راجع به شیراز

در تعقیب تلگراف من مورخهٔ هشتم مه تفصیل ذیل راجع به حملهٔ به قوام‌الملك و نصرالدوله از کفیل قنسولگری دولت فخیمه از شیراز رسیده. تفصیل‌کشتن نصرالدوله که از مجاری متعدده صحت آن تصدیق شده از قرار ذیل است:
معادل یك صد و پنجاه نفر سوار و غیره بانضمام شش نفر قشقایی تا هشت میلی قوام‌الملك و نصرالدوله را همراهی نموده و از آن نقطه پنجاه نفر مستحفظ با آنها رفته پس از آنکه سی میل مسافت پیمودند آن شش نفر قشقایی از آنها جدا شده و بیك دسته‌ای از قشقائی که در عرض راه در کمین بودند ملحق شدند. این اشخاص از طایفهٔ حاجی‌محمدکریم‌خان نمایندهٔ قشقایی در مجلس‌بوده‌اند و پسر مشارالیه شاهد

---

۱) اصل: درخواست او را دارد.

واقعه بوده است. قشقاییها به فاصلهٔ چند ذرعی نصرالدوله را تیر زده و یك نفر از همراهان او را زخم زده و آنچه اثالیه [= اثاث] همراه داشته به غارت بردند. به مجرد شنیدن این غوغا مستحفظین بدون آنکه تیری خالی نمایند فرار کردند. در آن اثناء قوام‌الملك که نصف میل جلو بود ملتفت شد که راه عقب مسدود است فرار کرده پس از طی مسافتی از بیراهه خود را به شیراز رسانید و همین‌که به خانه‌اش که جنب دروازه واقع است وارد شد به نظام‌السلطنه اطلاع داد که عازم رفتن به قنسولخانه است و هرگاه از او ممانعت و جلوگیری شود او و کسانش تا دم آخر دفاع خواهند کرد و پس از چند دقیقه با لباس مبدل رفته و به سلامت وارد قنسولخانه گردید و من به نظام‌السلطنه رسماً اطلاع دادم و اظهار داشتم که قوام‌الملك از قنسولخانه خارج نخواهد شد تا زمانی‌که تأمین جانی مشارالیه را که موجب رضایت دولت اعلیحضرتی انگلیس باشد تحصیل نمایم. نظام‌السلطنه جواب داد که دویست نفر مسلح خانهٔ قوامیها را سنگر کرده و ممکن‌است که‌موجب اغتشاش‌بشوند. به‌معظم‌الیه [= معظم‌له] اطلاع دادم که همین‌که تأمین کتبی بجهت مال و خانه و فامیل قوام‌الملك بدست آوردم مشارالیه به عیالش دستورالعمل خواهد فرستاد که آن اشخاص را که به موجب اطلاع من سی نفری هستند متفرق نماید.

امروز بعد ازظهر بازارها را بستند و محتمل است که صولت یـا نظام‌السلطنه بکوشند که اسباب انقلاب شهر را فراهم نمایند و ضمناً هم رسماً به نظام‌السلطنه‌اظهار کردم که در صورتیکه به اروپائیان خسارت و اذیتی وارد آید او مسئول خواهد بود. فردا صبح هم اخطار سخت لفظی به مشارالیه خواهم فرستاد.

نمره ـ ۱۰۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله نهم ماه مه)

از طهران مورخهٔ نهم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۰ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

قنسول دولت فخیمه وضع کرمانشاه را اضطراب‌آمیز راپورت داده بعلاوه می‌گوید که خیلی از اعیان از ترس اغتشاش محتمله از شهر خارج شده‌اند. حکومت مرکزی بتازگی حاکم بیکاره را احضار نموده است. استعفاء نایب‌الحکومه هم اعلام شده.

به‌ملاحظهٔ اوضاعی که مستر «مکدوال» راپرت داده به دولت ایران تأکید کردم که حاکم مقتدری به کرمانشاه بفرستد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۱۰

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم ماه مه)
از طهران مورخهٔ دهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۱ـ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخهٔ سی و یکم ماه مارس بفرمایید.
وزیرمختار روس بمن اطلاع داده تحقیقات توأمی (از طرف نمایندگان ایران و روس) راجع به قتل وزیر مالیهٔ سابق در هفتهٔ قبل به اختتام رسیده و تقصیر معلوم گردیده که قتل عمدی بوده دو نفر قاتل را برای محاکمه به روسیه فرستاده‌اند. یك نفر از آنها همین که از بحر خضر [= خزر] می‌گذشته‌اند خود را تلف کرده.

نمره ـ ۱۱۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم ماه مه)
از طهران مورخهٔ دهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]
راجع به شیراز
مرحمت فرموده رجوع به تلگرام من مورخهٔ هشتم ماه مه بفرمایید.
تلگرام ذیل از مستر ناکس رسیده:
افتخار دارم راپورتا[1] عرض کنم که جلسات انجمن منعقد شده که برضد اینکه در قنسولخانه به قوام‌الملك پناه داده شده پروتست نمایند.
فرمانفرمای فارس برخی از مقاصد مخالفانهٔ انجمن را محرمانه به ما اطلاع داده است و نیز فهمانیده که شاید بزودی مداخلهٔ فعلی لازم گردد. ولی به هر درجه‌ای که معظم‌الیه [= معظم‌له] باین اقدام که فقط وسیلهٔ حفاظت شخصی وی است مایل‌باشد باور نمی‌کنم چنین اقداماتی که باعث مداخله شود بنماید. چنانچه مصلحت بدانید به معظم‌الیه [= معظم‌له] اخطار نمایم که هرگاه اغتشاشاتی واقع شود که برای حفظ جان و مال اتباع خارجه مستلزم مداخله شود دولت فخیمه او را شخصاً و مستقیماً مسئول خواهد شمرد. در جواب به مستر ناکس اخطار به نظام‌السلطنه را تصویب کرده و ضمناً به دولت ایران اظهار کردم که هرگاه در شیراز به قنسولخانهٔ دولت فخیمه خساراتی وارد آید دولت مشارالیها مسئول خواهد بود.

www.adabestanekave.com

---

۱) چنین است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۱۱۲

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

از وزارت خارجه مورخهٔ دهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام خودتان مورخهٔ دهم ماه مه راجع به شیراز بفرمایید.

دولت ایران و فرمانفرمای فارس هر دو را باید اخطار نمود که هرگاه اقدام بی‌رویه و هتکی بر ضد قنسولخانهٔ دولت فخیمه بشود نتایج وخیمه خواهد داشت.

ما نمی‌توانیم برخلاف عادت مقررهٔ درایران بست موقتی را به قوام‌الملك که تقریباً از کشته‌شدن جان بدر برده مضایقه و از طرف دیگر هم آرزوی آن را نداریم که او را از مجازات عادلانهٔ هر خیانت و تقصیری که او مرتکب آن باشد او را پناه دهیم و اما در صورتی می‌توانیم مشارالیه را تسلیم نماییم که تأمین کامل حاصل کنیم که عادلانه و بی‌غرضانه استنطاق و یا از مملکت اخراج شود و آن هم موکول [است] بر اینکه در آن ضمن جانش محفوظ باشد.

نمره ـ ۱۱۳

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

از وزارت خارجه مورخهٔ دهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

آیا در شیراز استعداد کافی است که اروپائیان را در موقع مخاطره محافظت نمایند؟

این قسم که کفیل قنسولگری اوضاع را شرح داده محتمل است لازم شود که اقدامات مخصوص برای این مقصود بنمائیم رأی شما چیست؟

نمره ـ ۱۱٤

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دوازدهم ماه‌مه)

از طهران مورخهٔ دوازدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۳ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

راجع به شیراز در جواب تلگرام جنابعالی مورخهٔ دهم ماه مه:

افتخار دارم عرض کنم که مستر ناکس عجالتاً زیاد کردن گارد قنسولخانه‌را تصویب نمی‌کند و من هم در این خصوص با او همراهم. مشارالیه تصریح می‌دهد که هرگاه امری اتفاق بیفتد قبل از این خواهد بود که استعداد نتواند به شیراز برسد و یقین دارم که مستر ناکس هر یك از اروپائیان [را] که در مخاطره باشند در قنسولخانه پناه خواهد داد.

نمره ـ ۱۱۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم ماه مه)
از طهران مورخهٔ دوازدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۳ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

راجع به وضع شیراز ـ راجع به تلگرام من مورخهٔ هشتم ماه مه سردار اسعد بمن اطلاع داده که در این کابینه وزیر داخله نخواهد شد.

نمره ـ ۱۱۶

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پانزدهم ماه مه)
از طهران مورخهٔ پانزدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۶ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

کینگ استون وکیل کمپانی باروغ‌وول‌کم که از طهران به اصفهان می‌رفته دیروز در خفر حوالی اصفهان هرچه داشته برده و کتکش هم زده‌اند. کیفیت را در مراسله‌ای به دولت ایران اطلاع دادم.

نمره ـ ۱۱۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هفدهم ماه مه)
از طهران مورخهٔ هفدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۸ ج ۱ـ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام من مورخهٔ دهم ماه مه بفرمایید. هیجان برضد قنسولخانه که ظاهراً قدری آرام گرفته بود امروز جان تازه گرفته اخبار ذیل از کفیل قنسولگری رسیده:

بازارها و ادارات عمومی را امروز صبح بسته و عدهٔ زیادی از اهالی در تلگرافخانهٔ ایرانی چادر زده اقامت نموده‌اند. مقصود عمده از این اقدامات و نمایشها این است که برضد حکم طهران که به احضار چهار نفر کسان نظام‌السلطنه و صولت‌الدوله به مرکز صادر شده پروتست نموده و بخواهند که قوام‌الملك را تسلیم نمایند.

اگرچه بعضی از اعضاء محترم‌تر انجمن استعفاء داده با وجود این نمایش مزبور رو بازدیاد است. رجالهٔ شهر را اجرت و خوراك کافی می‌دهند و نسبت بمن اطالهٔ‌لسان و فحاشی زیاد می‌کنند و همچنین تهدیدات سخت می‌نمایند و پس از افتضاح‌کاریهای نمایش گذشته[1] پیش‌بینی اغتشاش سختی نمی‌کنم.

کارکن‌های صولت‌الدوله بیشتر از پیش در کارند.

www.adabestanekave.com

---

۱) حرف «و» از جمله حذف شد.

نمره ـ ۱۱۸

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیستم ماه مه)

از طهران مورخهٔ بیستم ماه مه ۱۹۱۱ [۳۰ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۱ ج ۱ـ۱۳۲۹]

افتخار دارم راپورت بدهم که مواجب سه نفر صاحبمنصبهای سوئدی بجهت جاندارمری و دو نفر فرانسوی برای استخدام در وزارت داخله و مالیه در هیجدهم ماه مه در مجلس تصویب شد. دولت فرانسه بی پرده به دولت ایران گفته که دو نفر فرانسوی که استخدام آنها را تصویب کرده‌اند نباید به هیچ وزارتخانه‌ای اتصال داشته‌باشند فقط به شغل معلمی مشغول باشند.

نمره ـ ۱۱۹

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و دوم ماه مه)

از طهران مورخهٔ هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱ـ۱۳۲۹]

راجع به تلگرام دیروز من:

دیشب به توسط تلگرام فوری کفیل قنسولگری شیراز اطلاع یافته‌ام که ناظر نصرالدوله تیر نخورده فرار کرده و در خانهٔ باغبان‌باشی نصرالدوله که یك نفر بلجیکی است و من او را برحسب خواهش وزیرمختار دولت بلجیك در موقع گرفتاری قوامیها در تحت حمایت دولت انگلیس گرفته‌ام پناهنده شده. مستر ناکس می‌گوید که ناظر مزبور در مخاطره بوده و شاید آن مخاطره به آن بلجیکی راجع گردد و سئوال می‌کند که آیا سوارهای قنسولخانه را بفرستد که ناظر را به قنسولخانه بیاورند؟

تصویب مخاطرهٔ مجادله فیمابین سوارهای قنسولخانه و اهالی شهر را برای خاطر یك نفر آدمی که در تحت حمایت دولت انگلیس نیست بنظرم صحیح نیامد لهذا به مستر ناکس جواب دادم نمی‌توانم ارائهٔ طریق او را تصویب نموده حکم بدهم لیکن اگر آن باغبان بلجیکی حمایت و حفاظت بخواهد اجازه دارد سوارهای قنسولگری را بفرستد که او را به قنسولخانه ببرند و نیز به مستر ناکس دستورالعمل دادم که فرمانفرمای فارس را مسئول امنیت آن بلجیکی قرار بدهد.

در جواب سؤال دیگر مستر ناکس مبنی بر اینکه به ناظر نصرالدوله و یا اهالی فامیل قوامی هرگاه در معرض مخاطرهٔ آجل باشند و پناه بخواهند در قنسولخانه پناه بدهد یا نه؟ تلگرام کردم که هر ایرانی را که مشارالیه بداند در معرض مخاطرهٔ آجل است و به قنسولخانه وارد شود و تحصن بخواهد پناه بدهد ولیکن نباید در هیچ قضیه‌ای سوارهای قنسولخانه را بکار ببرد که اشخاصی که در تحت حمایت دولت انگلیس نیستند به قنسولخانه جلب کنند.

مطالب فوق را مبادرت کرده اطلاع دادم که در آتیه بدانم که طریق و قاعده‌ای که اظهار کرده‌ام که برطبق آن مستحفظین قنسولگری را می‌توان در چنین موارد بکار برد تصویب می‌نمایید یا خیر؟ امضاء بارکلی

نمره ـ ۱۲۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه مورخهٔ بیست و چهارم ماه مه ۱۹۱۱ [۳ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۵ ج۱ـ ۱۳۲۹]

شکایت دیگر از دارالتجاره‌های منچستر راجع بر عدم امنیت راههای جنوب ایران رسیده حاکی است که وضع راهها در عوض اینکه رو به‌امنیت و بهبودی برود به درجه‌ای تنزل کرده و خراب شده که تاکنون این‌طور نبوده هرگاه این اظهارات حقیقت دارد راپرت بدهید که آیا به عقیدهٔ شما ما می‌توانیم الحال اقداماتی را که دولت ایران کرده بخوبی متفقانه به معرض امتحان گذارده شده و بطور قطعی آن را بی‌نتیجه و بی‌حاصل بدانیم؟ آیا ما نمی‌توانیم حال در این مسئله اصرار نماییم که نقشهٔ ما تنها وسیلهٔ نجات تجارت انگلیس و اعادهٔ انتظام است؟

نمره ـ ۱۲۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخهٔ بیست و ششم ماه مه ۱۹۱۱ [۵ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ ج ۱ـ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام من مورخهٔ پانزدهم ماه مه بفرمایید.

راپرت لخت کردن کینگستن حالا بمن رسید. بستهٔ مال سفارت را که به اصفهان می‌برده باز و غارت کرده‌اند و به خود کینگستن هم نهایت بدرفتاری و بی‌احترامی را نموده‌اند.

در صورتی که دولت از عهدهٔ تنبیه اشرار و استرداد اشیاء مسروقه برنیاید عرض می‌کنم چنانچه مصلحت بدانید باضافهٔ قیمت اشیاء مسروقه مبلغ یکصد لیره بعنوان غرامت و مجازات شکستن مهر سفارت و بی‌احترامی به تبعهٔ انگلیس طلب‌نمایم.

نمره ـ ۱۲۲

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه مورخهٔ بیست و هفتم ماه مه ۱۹۱۱ [۶ خرداد ۱۲۹۰، ۲۸ ج۱ـ ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام خودتان مورخهٔ بیست و ششم ماه مه بکنید.

راجع به اشیائی که از کینگستن برده‌اند پیشنهاد شما را تصویب می‌کنم لابد صد لیره به مستر کینگستن داده خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۲۳

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخهٔ بیست و هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۷ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۹ ج ۱ـ۱۳۲۹]
راجع به راههای جنوب ـ در جواب تلگراف جناب‌عالی مورخهٔ بیست‌وچهارم ماه‌مه:
افتخار دارم که از وضع راههای جنوب راپرت بدهم:
۱) امنیت راه کرمان و بندرعباس مشکوک است لیکن قوافل عبور می‌نمایند.
۲) در راه کرمان و یزد امنیت موجود است و قوافل عبور می‌نمایند.
۳) بختیاریها پیش‌بینی می‌کنند که کوهگیلوییها [= کهگیلویه‌ایها] در راه اهواز و اصفهان تاخت و تازی بکنند ولی آن راه فعلا امن است و دیگر بختیاریها بر کوهگیلوییها اختیاری ندارند و یحتمل بی‌نظمی و اغتشاش در این راه حادث‌شود زیرا که با وجود اظهارات و تأکیدات حکومت مرکزی نظام‌السلطنه از تعیین یکی از دوستان بختیاری به حکومت بهبهان که حکومت و جلوگیری کوهگیلویی جزو و توأم با آن است امتناع می‌نماید.
۴) راه قم و اصفهان در جنوب کاشان نهایت ناامنی را دارد. از ماه فوریهٔ گذشته چهار نفر از تبعهٔ دولت بهیهٔ انگلیس را غارت کرده‌اند.
۵) راجع به راه بوشهر و اصفهان (که گمان می‌کنم شکایات دارالتجارهٔ منچستر مخصوصاً راجع به آن راه است)
مأمورین قنسولخانه‌های بوشهر و شیراز راپرت می‌دهند نسبت به سال گذشته امنیت نهایت بهتر است لهذا می‌توانم عرض کنم که دارالتجاره‌های مزبور در اشتباه هستند. مدتی است که راپرت هیچ‌گونه سرقتی در راه شیراز و بوشهر نرسیده و از ماه دسامبر گذشته تاکنون سرقتی که مایهٔ تلف مال‌التجارهٔ انگلیس باشد واقع نشده.
خسارتی که همیشه به سیم تلگراف در موقع عبور و مرور ایلات وارد می‌آمد امسال وارد نیامده.
بهرحال چنین می‌فهمم که قلت حمل و نقل مال‌التجاره سبب شکایت تجار گردیده و از همین جهت است که عبور قوافل کمتر شده.
کوهگیلوییها غارتهای زیاد در شعبهٔ راه شیراز و اصفهان در نزدیکی قمشه‌نموده‌اند لیکن از اول ماه آوریل تابحال سرقتی از اموال انگلیس واقع نشده و فعلا مال‌التجاره بخوبی و آزادی در آن راه عبور می‌نمایند.
نظر به این مسئله که این بهبودی بهیچوجه از زیادی تسلط دولت مرکزی نبوده و بیشتر منوط به حسن‌نیت صولت‌الدوله بوده ما باز همچو گمان می‌کنیم که امید و احتمال دوام آن را خیلی ضعیف بدانیم. به‌هرحال موقع اصرار در قبولاندن نقشهٔ خودمان محققاً نرسیده من بایستی به منتها اکراه داشته باشم که اگر برفرض امور به‌نهایت بدتر از حالا باشد توصیه نمایم که برای قبولاندن نقشهٔ خودمان اصرار نماییم.

وضع دولت ایران فعلا بسیار متزلزل است و به‌نهایت مغشوش و پریشان‌تر خواهد شد اگر ما او را دچار این تکلیف نماییم.

جسارتاً عرض می‌کنم که در آخرین استاتستیك گمرك که به طبع رسید آنهایی‌که برای ده ماه گذشته تا بیست و یکم ماه ژانویه بوده از قرار صدی دوازده بر عایدات جنوب نسبت به سال گذشته افزوده شده. کسر بوشهر از اضافهٔ عایدات بندرعباس و محمره بیش از[1] جبران می‌شود. عایدات بندر محمره شامل واردات کمپانی نفت‌ایران و انگلیس که از تأدیهٔ حقوق گمرکی معاف است نمی‌باشد.

نمره ـ ۱۲٤

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری

از طهران مورخهٔ دوم ماه ژوئن ۱۹۱۱ [۱۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۴ ج ۲ـ۱۳۲۹]

وزیرمختار روس می‌گوید که شاهسونها مجدداً در شورش هستند. به تازگی حاکم اردبیل استعدادی فراهم کرد که آنها را خلع اسلحه نماید [ولی] شکست خورده و به اهر فرار کرده و از قرار مذکور شاهسونها رو بطرف آن شهر می‌روند.

نمره ـ ۱۲۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری

از طهران مورخهٔ پنجم ماه ژوئن ۱۹۱۱ [۱۵ خرداد ۱۲۹۰؛ ۷ ج ۲ـ ۱۳۲۹]

مرحمت فرموده رجوع به تلگرام من مورخهٔ دویم ماه ژوئن بفرمایید.

از قراری که قنسول دولت فخیمهٔ انگلیس راپرت می‌دهد وضع آذربایجان اضطراب‌انگیز است. بعلاوهٔ شکست‌خوردن حاکم اردبیل، [از] یك تیرهٔ قراداغی قشونی هم که حاکم اهر برای تنبیه آنها فرستاده بود جلوگیری سخت نموده‌اند. از قرار معلوم مخبرالسلطنه هم قادر به فرستادن امداد برای مقابلی آن ایلات نیست.

مطالب ذیل جمله متمم تلگراف قنسول پادشاهی است:

نظر به اضطرابی که به علت اوضاع اردبیل فعلا در تبریز غلبه دارد حضور قشون روس را من و دیگران خوشبختانه می‌دانیم.

www.adabestanekave.com

---

۱) بهمین گونه است در اصل. ـ م.

نمره ـ ۱۲۶

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری

از طهران مورخهٔ شانزدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۶ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۷ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

آقا

راجع به تلگراف من مورخهٔ بیست و هشتم ماه مه و سوم ماه آوریل راجع به مذاکرات مجلس در خصوص قرضهٔ پیشنهادی مبلغ یك میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره‌ای را که دولت ایران توسط بانك شاهنشاهی در بازار لندن می‌خواهد تحصیل نماید افتخار دارم (ملفوف نمرهٔ یك) سواد آن کنترات را که وزیر مالیه و رئیس بانك در هشتم شهر جاری امضاء کرده‌اند لفاً ارسال‌دارم.

آن نقشه‌ای که در آخر سال گذشته به توسط کابینهٔ مستوفی‌الممالك به مجلس پیشنهاد شده بود به کمیسیون مالیهٔ مجلس راجع شد و از آنجا بیرون آمد که در جلسهٔ بیست و دوم ماه آوریل در مجلس علنی مطرح مذاکره شود.

ممتازالدوله وزیر مالیهٔ کابینهٔ سپهدار آن لایحه را به عهده داشت. صنیع‌الدولهٔ مرحوم که در کابینهٔ سابق وزیر مالیه بود صورت مخارج و نقشهٔ کنترل آن وجه را که درست به مصرف برسد ترتیب داده ترجمهٔ آن طرح را (در ملفوف نمرهٔ دو) ارسال می‌دارم قابل ملاحظه است. با اینکه کمیسیون مالیهٔ مجلس مختصر تغییر در آن داده این طرح می‌نماید که لزوم کنترل را توسط مأمورین اروپایی کاملا درك کرده‌اند و در آن دقت و اهتمام کامل ترتیب داده شده که راه دزدی و اتلاف مسدود گردد.

در جلسهٔ بیست و دویم ماه آوریل اولا نقشهٔ کنترل و مصرف آن قرضه مطرح مذاکره شد. کابینهٔ حالیه صورت آن مخارج را بر طبق مقتضیاتی که بعد از تهیهٔ آن توسط مرحوم صنیع‌الدوله حادث شده تغییر داده به (ملفوف نمرهٔ سه) رجوع بفرمایید. مذاکرهٔ در این خصوص در بیست و پنجم ماه آوریل مجدداً تجدید و تصویب شد در بیست و پنجم آوریل تجدید مذاکرات شده و تصویب گردید عوض آنکه در پیشنهاد مصارف و کنترل مذاکرات شود در اصل خود لایحهٔ استقراض مذاکره شده به آن ماده اضافه گردد که در صورت تصویب مسئلهٔ قرضه وجه آن‌در بانك شاهنشاهی سپرده شود تا آنکه نقشهٔ مصرف و کنترل از مجلس بگذرد.

بنا بر این لایحهٔ استقراض در بیست و هفتم آوریل دفعهٔ اول و در دویم مه دفعهٔ ثانی قرائت گردید و از طرف حزب دموکرات که ناطق عمدهٔ آنها وحیدالملك بود با شدت تمام با آن مخالفت شد. وکیل مزبور در کنه و بنه این مسئله بحث نموده تنقید کامل نمود ولی فصاحت کلام و مداومت او در مخالفت در مقابل طرفداران متحدهٔ دولت که به مجرد درخواست رأی از طرف رئیس مجلس خود را ظاهر نمودند نتیجه نبخشید. بالاخره لایحهٔ مذکور در دویم مه باکثریت آراء تصویب گردیده کنترات آن شش روز بعد به امضاء رسید.

بنا بر این موقع امور فعلا به قرار ذیل است:

آنچه را به دولت ایران مربوط است وجه استقراض مذکور تا زمانی که مجلس پیشنهادات دولت را راجع به مصارف و کنترل آن تصویب ننموده بدست دولت نخواهد آمد.

قراردادی که فیمابین بانك و دولت ایران در بیست و ششم مه به عمل آمده و به موجب آن قروض که دولت به بانك مدیون است تثبیت شده و فرع از قرار صدی هفت بر مبلغ ۳۲،۳۷۴،۲۱۶،۰۸۰ قران (یا ۶۱۰،۸۰۰ لیرا از قرار هر لیره‌ای ۵۳ قران) که مجموع قروض است که دولت تا بیستم ماه مه ۱۹۱۱ مدیون بوده به صدی پنج تخفیف داده می‌شود.

این را متذکر شد که برحسب خواهش فوری دولت ایران بانك شاهنشاهی در عرض چند ماه آخری از بابت قرضهٔ لیرای انگلیس به دولت ایران مساعده داد. مبلغ آن به اضافهٔ فرع لغایت بیستم مه به ۳،۴۳۹،۶۶۶،۰۶۵ قران (یا از قرار هر لیرا ۵۳ تران ۶۴،۹۰۰ لیرای انگلیس) می‌شود بدون رجوع به مجلس پرداخته خواهد شد. خالص وجه قرضه ۱،۰۹۳،۷۰۰ [لیر]۱ می‌باشد و بانك مبلغ ۶۷۵،۷۰۰ لیرا از آن کسر نموده بقیهٔ آن که به دولت ایران خواهد رسید ۴۱۸،۰۰۰ لیرا خواهدبود.

این را هم ممکن است علاوه نمایم که یك فقره بدهی دولت ایران در لندن که مدتی از موعد پرداخت آن گذشته از بابت امتیاز لاتار که ناصرالدین‌شاه مرحوم در سال ۱۸۸۹ داده است بانك بعهدهٔ خود گرفته و چون قرضهٔ مذکور از قرار صدی ۸۷ یك دویم محسوب می‌شود برای پرداخت آن هم محلی باقی گذارده شده.

امضاء بارکلی

ملفوف یك نمرهٔ ۱۲۶

کنترات قرضه‌ای که فیمابین دولت ایران و بانك شاهنشاهی ایران بسته شده این کنترات در تاریخ یوم هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱ ـ ۱۳۲۹] مابین دولت علیهٔ ایران از یك طرف و بانك شاهنشاهی ایران (که از این به بعد به‌اسم بانك خطاب می‌شود) از طرف دیگر بسته شده.

از آنجائی که دولت علیهٔ ایران مایل استقراض مبلغ ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرای انگلیسی بوده و بانك قبول نموده که قرضهٔ مذکور را از قرار هر یکصد لیرا هشتاد و هفت لیرا و ده شیلینگ بدهد، اکنون حاضرین شاهد و اظهار می‌نمایند که مواد ذیل مابین دولت علیهٔ ایران و بانك مقرر شده:

۱) بانك قرضهٔ مذکور را ازهر یکصد لیرای انگلیسی هشتاد و هفت لیرا و ده‌شیلینگ بلا کم و کسر خواهد پرداخت.

۲) دولت علیهٔ ایران در لندن ۱۲۵۰۰ اسهام که هر یك به مبلغ یکصد لیرا باشد صادر خواهد نمود و فرع سالیانهٔ صدی پنج بر آن تعیین خواهد گردید و به شکل

---

۱) اصل: ۱۰۹۳۷۵۰ لیرا که درست نیست.

اسهام معمولی دولتی خواهد بود.

قرضهٔ مذکور بوسیلهٔ وجه استهلاکی سالیانه صدی نیم که از سال ۱۹۱۶ شروع شده و تا مدتی‌که بالغ بر پنجاه سال نباشد امتداد خواهد داشت بدون کم و کسر پرداخته خواهد شد.

هر سال در ماه آوریل حواله داده می‌شود و در ۱۵ ماه مه متعاقب آن وجه آن بدون کم و کسر پرداخته خواهد شد و پس از آن تاریخ فرع بر آن اسهام تعلق نخواهد گرفت.

۳) دولت علیه کلیهٔ شرایط مندرجهٔ اسهام مذکوره را در خصوص تأدیهٔ وجه قرضه و فرع آن و غیره ملحوظ و معمول خواهد داشت.

۴) دولت ایران محق خواهد بود که قرضهٔ مذکور را در هر موقع پس از سال ۱۹۱۶ شش ماه قبل اطلاع داده و آن را بپردازد.

۵) دولت علیهٔ ایران برای پرداخت این قرضه و بطور اولین تحمیل که پس از تحمیلات سابقه که یك فقره ۱۵۷۴۱ لیرا و یك شیلینگ و ده بینس [= پنس] سالیانه لغایت سه سال و دیگری مبلغ ۳۰۲۷۸ لیرا و ۱۲ شیلینگ و ۷ پنس سالیانه از سال ۱۹۱۳ الی سال ۱۹۲۸ باشد مخصوصاً تمام عایدات خالص گمرکی را از هر قبیل که دولت حالیه یا در هر موقعی فیمابعد می‌تواند در تمام بنادر یا جاهای دیگر خلیج فارس که شامل بوشهر و بندرعباس و لنگه و محمره و اهواز باشد وصول نماید، برای محل پرداخت قرضه تعیین می‌نماید و به موجب این قرارداد این وجوهاتی که وصول شود بایستی به بانك پرداخته شده و دولت علیهٔ ایران به موجب این نوشته متعهد است که پس از وصول تمام این وجوهات گمرکی فوق‌الذکر را بدون کسر مگر آنچه برای مصارف حقیقی اداره نمودن گمرکات بنادر مذکوره که قبل از تاریخ تأدیهٔ آنها به مصرف رسیده باشد به بانك بپردازد.

۱) دولت علیهٔ ایران تعهد می‌نماید که تا مدتی که این قرضه دوام دارد کلیهٔ وجوهاتی را که ادارهٔ گمرك وصول می‌نماید در همان بنادری که وصول می‌شود هفته به هفته به بانك یا به شعبهٔ نزدیك‌ترین آن برای پرداخت وجوهات مذکوره که سابقاً تحمیل شده و پرداخت قرضه رسانیده بانك در انتهاء هر ماه صورت‌حساب آنچه وصول نموده به دولت ایران خواهد داد.

۲) از این پولهایی که بانك وصول می‌کند وجه تحمیلات فوق‌الذکر و فرع و استهلاك قرضه را تأدیه نموده آنچه اضافه بماند جزو طلب دولت ایران محسوب خواهد داشت.

۳) از این وجوهاتی که بانك باین‌طریق وصول می‌کند بانك تعهد می‌نماید که از جانب دولت علیهٔ ایران فرع نیمه ساله را در لندن پرداخته به امورات راجع به استهلاك و وسایل پرداخت قرضه بدون آنکه مخارجی بر آن محسوب دارد رسیدگی و سرپرستی نماید.

۴) در صورتی‌که عایدات سه‌ماههٔ گمرکی بنادر فوق‌الذکر از مبلغی که برای

تحمیلات سابقه و پرداخت قرضه یا برای فرع یا استهلاك آن کمتر باشد دولت علیهٔ ایران می‌تواند که از منابع دیگر عایدات دولت جای این کم‌بود را پر نماید و بعلاوه هرگاه عایداتی که از این منابع بدست می‌آید از مبلغی‌که در فوق مذکور شد کمتر باشد دولت ایران برحسب این ورقه برای این مقصود عایداتی که از بابت تلگراف وصول می‌شود برای آن تعیین می‌نماید و این فقرهٔ دویم تحمیلات بر عایدات تلگرافی لغایت سال ۱۹۲۸ خواهد بود و پس از این موعد عایدات از تلگراف بحال خود آزاد خواهد بود.

۶)۱ از وجوهات قرضهٔ بانك از طرف دولت علیهٔایران مجاز خواهدبود که‌بدهیهای موجودهٔ دولت علیه را به بانك پرداخته و بقیه را در ظرف سه مـاه بعد از امضای کنترات به اختیار دولت واگذارد.

۷) تا زمانی که قرضه دوام دارد یا تاَ مدت کمتری که بانك بخواهد بانك وکیل مطلق دولت ایران در انگلستان خواهد بود برای امورات راجع به قرضه و کلیهٔ امور راجع به آن ولی بهیچوجه سمت ضمانت نقدی نسبت به صاحبان اسهام نخواهد داشت.

۸) اسهام قرضهٔ حالیه برای همیشه از تمام مالیاتهای ایران با کسر بود معاف می‌باشد. فرع و اصل بنابراین بهیچوجه در هیچ موقع یا در تحت هیچ اوضاع از طرف دولت ایران مورد کسر شدن واقع نخواهد گردید. (نسختین نوشته شد).

در جنرال قنسولگری اعلیحضرتی می‌باشد

طهران ۸ مه ۱۹۱۱ ان پاتریك کوان (کفیل ویس قنسولگری)

طهران ۱۵ مه ۱۹۱۱ اسمعیل ممتازالدوله (وزیر مالیه) (مهر)

برای بانك شاهنشاهی (مهر بخط ایرانی)

ا. او. وود رئیس کل (تمبر)

ملفوف دو مکتوب نمرهٔ ۱۲۶

خلاصهٔ نقشهٔ صنیع‌الدوله از برای کنترل مصارف و قرضهٔ پیشنهادی یك میلیون و دویست و پنجاه هزار لیرای انگلیسی توسط بانك شاهنشاهی ایران در لندن:

مادهٔ اول ــ قرضهٔ یك میلیون و دویست و پنجاه هزار لیرای فوق در تحت نظارت کمیتهٔ کنترل که ذیلا مذکور گردیده به مصارف ذیل خواهد رسید:

مادهٔ دو:

۱) ۳،۳۹۶،۶۹۷ تومان از بابت پرداخت طلب بانك شاهنشاهی ایران

۲) ۱،۵۶۲،۸۰۰ تومان اعتبار برای مصارف ۱۵،۶۲۸ نفر استعداد مسلح (موجب نقشهٔ علیحده) برای ساخلو بودن در مراکز ذیل: فارسستان و بنادر خلیج فارس، اردبیل، قراجداغ، استراباد، شاهرود، بروجرد و لرستان و عربستان.

۳) ۳۰۰،۰۰۰ تومان اعتبار برای پرداخت قسط اول اسلحه‌ای که به موجب مادهٔ

---

۱) بهمین‌گونه است در اصل و شماره‌بندی‌ها کنگ است. ــ م.

چهارم ذیل خریده شود.

۴) تتمه برای مصرف تشکیل ژاندارمری توسط صاحبمنصبان اروپایی که بموجب مادهٔ پنجم ذیل استخدام شوند.

مادهٔ دویم ـ برای کنترل صرافی خرید نقره و خرید اسلحه و تأدیهٔ اقساط آن و کنترل و نظارت مصارفی که در مادهٔ اول مذکور است یك کمیتهٔ مختلطه کنترل که شعب مختلفهٔ ادارات دولتی در آن نمایندگی داشته باشند مرکب از هفت نفر اروپایی که در استخدام دولت ایران هستند و هفت نفر مأمورین ایرانی در تحت ریاست وزیر مالیه و نیابت ریاست مدیر گمرکات تشکیل خواهد شد.

مادهٔ سوم ـ کمیتهٔ کنترل چنانچه در مادهٔ دویم مقرر شده نقشهٔ مفصل مصارف قشونی و خرید اسلحه (موجب مادهٔ اول ۲ و ۳) را تهیه نموده و وزیر مالیه آنرا برای تصویب به مجلس پیشنهاد خواهد نمود.

مادهٔ چهارم ـ برای انتخاب اسلحه و تعیین مبلغ قیمت و مصارف آن و ترتیبات جزئی و کلی پرداخت آن یك کمیته مرکب از سه نفر صاحبمنصبان اروپایی و سه نفر صاحبمنصبان ایرانی در وزارت جنگ منعقد گردیده و نقشهٔ آن را آماده نموده به کمیتهٔ کنترل عرضه خواهند داشت که آخر الامر به مجلس پیشنهاد شود ـ ۳۰۰،۰۰۰ تومان از بابت قسط اول این خرید پرداخته شده اقساط دیگر از قرار سالیانه تعیین خواهد گردید.

مادهٔ پنجم ـ پس از ورود صاحبمنصبان ژاندارمری یك کمیته در تحت نظارت وزارت داخله در آنجا منعقد گردیده نقشه‌ای برای رفورم ژاندارمری طرح نموده توسط کمیته کنترل برای تصویب مجلس عرضه خواهد گردید و وجهی که در مادهٔ اول (چهارم) قید شده به مصرف فوری این نقشه خواهد رسید.

ملفوف سه مکتوب نمرهٔ ۱۲۶

تغییراتی که از طرف کابینهٔ حاضره پیشنهاد شده

مادهٔ اول:

۱) ۳،۳۹۶،۶۹۷ تومان در مقابل وجوهاتی که بانك شاهنشاهی ایران طلبکار است پرداخته گردد.

۲) ۳۴۱،۵۱۰ از بابت مساعده‌ای که از بابت قرضه اخذ شده پرداخته شود.

مادهٔ دویم: ۵۰۰،۰۰۰ تومان برای حقوق عقب‌افتادهٔ قشون و ژاندارم و پلیس.

مادهٔ سوم: ۱۰۰،۰۰۰ تومان برای حقوق عقب‌افتادهٔ نمایندگان ایران مقیم‌خارجه

مادهٔ چهارم: ۲۲۰،۰۰۰ تومان برای خرید اسلحه که قسمتی از آن فعلا از مراکز عالیهٔ قشونی قفقاز خریداری شده.

مادهٔ پنجم: ۲۰۰،۰۰۰ تومان برای ژاندارمری.

مادهٔ ششم: ۱،۲۴۳،۰۰۰ تومان برای حقوق امسالهٔ قشون.

نمره ـ ۱۲۷

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژوئن)
طهران ۱۸ مه ۱۹۱۱ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۹ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]
آقا

رجوع به مراسلهٔ ۱۶ ماه گذشته من در باب اقداماتی که دولت‌ایران برای اعادهٔ نظم طرق جنوبی نموده افتخاراً راپرت می‌دهم که اقدام نظام‌السلطنه در مورد قوامیها که مظنون به تحریك به سرقتهای اخیر در حوالی شیراز بودند منتج به تمایل در اعادهٔ اطمینان اهالی و تجدید و استقرار تجارت آن نقطه گردیده.

مستر ناکس کفیل قنسولگری در تاریخ سیزدهم مه راپرت می‌دهد که[۱] راه بوشهر الی شیراز فعلا دارای کمال امنیت است و قوافل مثل موقع علفچرانی بطور آزادی در ایاب و ذهاب می‌باشند. یك سرقت جزئی در کمارج و دیگری در نزدیکی دشت ارژن بوقوع رسیده. از قرار معلوم نظام‌السلطنه دست خان کمارج‌را که‌در مکتوب فوق‌الذکر خود از او اشاره نمودم آخرالامر از کار کوتاه کرد و او تهدید به سرقت نموده‌است اگرچه تاکنون سرقتی از او بظهور نرسیده.

کلنل کاکس نیز در باب همان راه راپرت می‌دهد که قوافل متعاقب هم به بوشهر ورود نموده ولی حیوان بار کمیاب و میزان کرایه گران است و از مردم حق راهداری گرفته می‌شود و لکن مأمورین محلی کوشش دارند که این باج را یا مرفوع داشته یا تخفیفی در آن بدهند.

اما از بابت راه شیراز الی اصفهان تازگی اخبار سرقتی نرسیده ولی ایاب و ذهاب قوافل موقوف گردیده. میزان کرایه خیلی گران است.

از قراری که فهمیده‌ام یکی یا دو قافله تازگی بطرف شمال حرکت نموده‌اند. قبایل کهکلوئی [= کهگیلویه‌ای] نزدیك قمشه مقداری گله و رمه را زده و طوایف بویراحمدی‌ها در حوالی یزد خاست همینطور غارتها را معمول داشته‌اند.

راه مابین طهران و اصفهان ناامن است و با حمله[۲] به مستر کینگستن که از طرف کمپانی بوروز ولکم دوافروش مسافرت می‌نمود و در تلگراف‌پانزدهم‌شهرجاری‌من‌از آن اشاره شده [نامبرده] چهارم شخصی است که بواسطهٔ غفلت‌کاری مذموم مأمورین محلی در برقراری مستحفظین در منازل اولیه از اصفهان به این طرف، به این عقوبت گرفتار گردیده.

امضاء جرج بارکلی

www.adabestanekave.com

---

۱) کلمهٔ «در» از این جمله حذف شد. ـ م.
۲) اصل: حمله را که بر... ـ م.

نمره ـ ۱۲۸

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژوئن)
طهران ۱۸ مه ۱۹۱۱ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۹ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]
آقا

افتخاراً راپرت خلاصهٔ وقایع چهار هفتهٔ اخیر ایران را لفاً انفاد می‌دارم.

امضاء جرج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۲۸

خلاصهٔ وقایع چهارهفتهٔ اخیر لغایت ۱۸ مه ۱۹۱۱

مأمورین مالیهٔ امریکایی

طهران مستر دبلیو مرگان شوستر خزانه‌دار کل، مستر چارلز ای مکاسکی [= مك کاسکی] مفتش مالیات ایالات و مستر پروس جی دیکی[1] مفتش کل مالیات در دوازدهم مه از امریکا به طهران ورود نمودند و مستر اف سی کرنز[2] و مستر ار دبلیو هلز [= هیلز] هنوز در راه هستند.

کابینهٔ وزراء

مستشارالدوله وزیر داخله در اوایل مه از شغل خود استعفاء کرده و سمت مزبور به سردار اسعد اعطاء شده لکن از قبول آن امتناع ورزید. از آن وقت تاکنون مستشارالدوله دومرتبه شغل خود را باز گرفته است. سپهدار بعلت‌اشکالات‌امور فارس و دلایل دیگر تهدید به استعفای از صدارت نمود ولی او را وادار به حفظ مقام خود نمودند.

قرضه از بانك شاهنشاهی

نقشهٔ قرضه در بیست و دویم آوریل به مجلس عرضه گردیده دستهٔ مخالف بحث شدیدی در آن نمودند و لایحهٔ قرضه از طرف اکثریت طرفداران کابینه در تاریخ دویم مه تصویب گردیده و کنترات آن در ششم مه به امضاء رسید شرح آن به موجب مکتوب علیحده است.

انتخابات

به موجب قانون اساسی ایران در عوض وکلایی که جایشان به یك علتی خالی باشد وکلاء جدید به اکثریت آراء نمایندگان مجلس انتخاب خواهند شد. سردستهٔ حزب‌مخالف اظهار داشت که این طریقه مناسب نخواهد بود چرا که در هر موقعی که مجلس برای جای خالی اعضاء انتخابات به‌عمل آورد حزبی که در مجلس اکثریت با آنها است آن اکثریت را تزیید خواهند نمود.

در هفتم ماه مه هفت وکیل از طرف مجلس انتخاب گردیده.

---

۱) اصل: ویکی.
۲) اصل: کنز.

ولیعهد

در ۱۸ مه سفیر اعلیحضرتی به حضور شاه و نایب‌السلطنه مشرف گردیده مراسلهٔ اعلیحضرت پادشاهی را در خصوص شناختن محمدحسن‌میرزا برادر کوچك شاه را به ولیعهدی تقدیم‌نمود.

مجلس

در چندین جلسه نقشهٔ قرضه و طرح مصارف و نظارت دولت مطرح مذاکره گردید. اکثر وزرای کابینه در موقع مذاکرهٔ این مسئله حضور داشتند. مخالفت حزب دموکرات بی‌اندازه اسباب تشویش آنها گردید. اکثریت نمایندگان مجلس از کابینه حمایت نمودند. در جلسهٔ بیست و هفتم آوریل وزیر مالیه پیشنهاد کرد که چون مسئلهٔ قرضه نهایت اهمیت و لزوم را دارد باید در همان روز دفعهٔ اول و دویم قرائت گردد. در این مسئله قدری اشکال در میان بود وقتی که رئیس اخذرأی می‌نمود معلوم گردید که پیشنهاد مذکور رد شد و چون این مسئله چندان قابل‌اهمیت نبود اعتنائی به آن نشده قرائت دفعهٔ ثانی آن به تعویق انداخته شد.

تبریز

قنسول اعلیحضرتی در تاریخ دهم مه تلگرافاً [= تلگرافی] راپرت می‌دهد که سالارالدوله برادر شاه مخلوع از سرحد عبور نموده به عنوان اینکه عثمانیان وعدهٔ همراهی به او داده‌اند مشغول به هیجان آوردن اکراد می‌باشد ولی تاکنون تلاش او چندان موفقیت حاصل ننموده فرمانفرمای آنجا مکتوب دوستانه‌ای به او نوشته و او را به آمدن تبریز دعوت و به او خاطرنشان نموده که در هرگونه دعاوی که از دولت ایران داشته باشد با او همراهی داشته و از خطراتی که حرکات و اعمال حالیهٔ او برایش دارد او را متنبه نموده است.

رشت

ظفرالسلطنه حاکم استراباد در اواسط مارس با سیصد نفر پیاده‌نظام و دو عراده توپ به رؤسای نارنج‌باغ که طرفدار دولت می‌باشند ملحق گردیده.

جنگ غیرمنظمی بوقوع رسید. در این اثناء نایب‌السلطنه تلگرافاً [= تلگرافی] به ظفرالسلطنه دستورالعمل داد که چون یاغیان مصمم تسلیم شده‌اند قشون خود را مسترد دارد.

در ۲۶ مارس امیر مکرم و اسمعیل‌خان در ساری به ظفرالسلطنه تسلیم گردیده متعهد پرداخت مالیات عقب‌افتاده شدند پس از آن ایالت مازندران به آنها سپرده شد. از آن وقت تاکنون ظفرالسلطنه به حکومت آنجا مقرر است.

علاءالملك به حکومت گیلان انتخاب گردیده تقریباً با دویست سوار در اواسط ماه آوریل از طهران وارد و به طرف طالش برای وصول مالیات سنوات گذشته حرکت نمود. این اقدام باعث اغتشاش شده و در آن اغتشاش هفت سرباز و هفت دهقان از

قرار راپورت واصله مقتول گردیده.

مشهد

در ۱۹ آوریل به‌واسطهٔ مالیات نواقل قدری اغتشاش به ظهور رسیده سه نفر که یك نفر هم پلیس جزو آنها بوده مقتول گردیده ولی درثانی اعادهٔ نظم‌شده مالیات مذکور اخذ شد. از قرار مذکور فرمانفرمای آن ایالت شخصی بی‌عرضه بوده و احساسات عامه برضد او در تزاید است. نایب‌حسین در اواخر ماه آوریل در حلوان شمال‌غربی‌طبس‌بوده برعلیه[= علیه].و اقدامی‌نشده محمدعلی نایب‌او امیران‌را که‌در شمال طبس است قبضه نموده در آنجا مشغول جمع‌آوری آذوقه است. از قرار راپورت واصله دو یا سه‌دسته سارقین در بلوك تربت بوده‌اند.

سیستان

سیلابهای ابتدایی سیستان در اواخر مارس اسباب اضطراب خیال عموم گردیده رودخانهٔ اهلموند[1] از یك ماه به این طرف سیلابی شده و خوف از آن می‌رفت که در صورتیکه سیلاب معمولی بهار به این حملهٔ موجودهٔ آب اضافه گردد خسارت زیاد به محصول و ابنیه وارد خواهد آمد.

اوضاع سیستان و قائن در ماه آوریل بطور دلخواه نبود. به‌واسطهٔ نقار خانوادگی فیمابین شوکت‌الملك و حشمت‌الملك حدود جنوبی و غربی قائنات بسیار مغشوش بوده و با وجود آنکه ترتیب صلح بطور موقت داده شده غارتگران چون از عدم مجازات و تنبیه مطمئن بودند جسور گردیده شرارت خود را بعمل آوردند.

در شمال و مشرق قائنات نیز سرقتهای بزرگ در شاه‌جاده‌ها به وقوع رسیده. تقریباً تمام خطوط شاید به استثنای راه کوه ملك سیاه سیستان به‌بیرجند ناامن بوده.

بیرجند

در ۱۶ آوریل یك دسته خسفیها در غیاب موقتی مستر هوسن در ویس قنسولگری اعلیحضرت پناهنده شده مستر هوسن در مراجعت آنها را وادار به تفرقه نمود. مقصود ایشان آن بود که از ضعف شوکت‌الملك در سرکوبی غارتچیان بلوچ پروتست نموده و هرگاه مستر هوسن به موقع نرسیده بود به واسطهٔ آنکه پلیس بر خسفیها شلیك نموده بود یقیناً اغتشاش سختی بوقوع می‌رسید.

اصفهان

در ۶ مه اغتشاش سختی ظاهراً به‌واسطهٔ گرانی قیمت نان بوقوع رسید. دسته‌ای از نسوان به ادارات بلدیه ریخته رئیس بلدیه به آنها فحاشی نموده و ازدحام او را

---

۱) چنین است در اصل [هلمند ـ هیرمند؟]

تعاقب و مقتولش نموده جسد او را در میدان شاه آویزان نمودند سپس چندین ادارات حکومتی را غارت نموده عده‌ای محبوسین را مستخلص نموده همین‌که ازدحام به‌نزدیکی ادارهٔ عدلیه رسیدند حکمران فرمان شلیك داده جمعیت موقتاً عقب نشستند. در تمام شب صدای شلیك بلند بود در روز هفتم بازارها بسته شده ولی نان فراوان بود. مردم خواستند ادارهٔ تلفون را که تازه تأسیس شده خراب نمایند ولی از آنها جلوگیری شده دسته‌های کوچك پلیس و سرباز در کوچه‌ها گردش می‌نمودند.

در جلفا هم بعضی از گبرها که باحتکار غله متهم بودند در محلهٔ یهودیها پناه برده به این‌واسطه خوف عموم را گرفته بود.

بازارها تا دهم مسدود بود ولی از آن وقت تاکنون خبری نیست.

از قرار معلوم این هیجان در واقع توسط علمای مستبد طرح‌ریزی شده بود.

در چهاردهم مه سردار اشجع بختیاری به حکومت تعیین گردید.

اوضاع طرق عموماً در نصفهٔ اواخر آوریل خوب بود. پست شیراز می‌رسید ولی قوافل ایاب و ذهاب نمی‌کردند. میزان کرایهٔ قاطر خیلی گران بود.

در چهاردهم سارقین به مستر کینگستن وابسته به کمپانی بوروزولکم در خفر که در پنجاه میلی جنوب‌شرقی کاشان‌است درحالی‌که به طرف اصفهان می‌آمده زده آنچه همراه داشته برده و خودش را هم کتك زده‌اند.

یزد

میانهٔ حاکم با انجمن محلی خوب نیست و علی‌هذا از انجمن کاری از پیش نمی‌رود.

اجحافات نایب‌الحکومه تولید احساسات عموم را بر ضد او نموده.

طرق تماماً برای عبور و مرور امن بوده و فقط سرقتی که راپرت داده‌شد در یازدهم آوریل در راه کرمان نزدیك شمش به وقوع رسیده سارقین توتاکی و چهارراهی بیست و پنج نفر شتر و بیست و چهار بار را بسرقت برده‌اند. عده‌ای از مستحفظین راه بتعاقب دزدان رفته و بیست و سه نفر شتر و سیزده بار را مسترد نمودند.

کرمان

قشونی که درتحت امر سردار نصرت برای سرکوبی اشرار اعزام گردیده بود در اوایل آوریل قلعهٔ بمپور را به تصرف آورده قبل‌از آنکه بطرف قلعهٔ فهراج [= فهرج] که در تصرف برادر بهرام‌خان بود حرکت کند منتظر ورود قشون امدادی بود.

حکومت رئیس نظمیه را به واسطهٔ آنکه شخصی از ادارهٔ وزیر عدلیه فرار کرده و در طویلهٔ او پناهنده شده بود جبراً خارج نموده معزول کرد.

کرمانشاه

دولت مرکزی شخصی یار محمد نام را که یکی از مشروطیین عمده است در ماه آوریل تحت‌الحفظ به کرمانشاه فرستاد و در دیزآباد خود را مستخلص و فراراً در

یازدهم ماه به کرمانشاه وارد شده روز بعد به انجمن محلی آمده اظهار میل به اطاعت آن هیئت یا مجلس ملی نموده اظهار داشت که به خواهش شخص نایب‌السلطنه از طهران حرکت نموده ولی چون او را تحت‌الحفظ فرستاده‌اند از دست مستحفظین فرار نموده. سرکردهٔ قزاق تلگرافی از سپهدار که حکم نموده بود یارمحمد را دستگیر نمایند آورده به رئیس مجلس ارائه نمود رئیس مجلس چون دستگیری او را باعث اغتشاش می‌دانست این کار را صلاح ندانست. سپس یکی از همراهان یارمحمد به انجمن آمده خبر داد که جماعتی از سربازان دور انجمن را محاصره نموده ولی یارمحمد با رولور به آنها شلیك نموده از هم متفرق شدند و خود یارمحمد با عده‌ای که با او همراهی و همدردی داشتند به خانهٔ خود رفت.

از قرار اظهار مستر مکدول عامهٔ مردم هوادار یارمحمد می‌باشند و کسی که با او دشمن است معین‌الرعایا یا سرکردهٔ یکدستهٔ مخالف یاغی است که یك دستهٔ صدنفری مستحفظ مسلح برای خود دارد.

معین‌الرعایا در غرهٔ مه هنگامی که معین‌الرعایا از بازار می‌آمد به ضرب گلوله مقتول کرده مشغول ترتیب تلگرافی بوده که به طهران فرستاده اخراج یارمحمد را از کرمانشاه درخواست نماید بازارها بسته بود با آنکه یارمحمدخان با استعدادی آمده سعی نموده مردم را مطمئن سازد موفق نگردید قاتل حقیقی او معلوم نیست کی بوده[1]. از آن وقت تاکنون آرامی برقرار است دو نفر از محرکین عمدهٔ اغتشاشات کلبی و عسگر سلیم که نظام‌السلطنه به طهران فرستاده بود مستخلص گردیده در حال مراجعت به کرمانشاه می‌باشند. یحتمل ورود آنها باعث اغتشاش گردد.

صمصام‌السلطنه بختیاری بعوض رکن‌الدوله به حکومت تعیین گردیده است.

همدان

اوضاع امور در ماه آوریل بر وفق دلخواه نبود. عباس‌خان‌چناری با خوانین‌شهرابی نزاع کرده علی‌هذا ناحیهٔ اسدآباد مغشوش بود.

شیراز

نظام‌السلطنه بمجرد ورود به شیراز در ششم آوریل برای خلع اسلحه از عموم اهالی شیراز احکام صادر نموده و غدغن کرد هیچکس پس از ساعت ۹ بعد از ظهر در کوچها [= کوچه‌ها] دیده نشود. همراهان فرمانفرما که از اکراد و الوار کرمانشاه بودند این احکام را بطور سخت اجراء داشتند.

در پانزدهم آوریل فرمانفرما قوام‌الملك و برادرش نصرالدوله را ظاهراً به علت آنکه نصرالدوله در موقعی که به سرکردگی استعدادی که از شیراز برای دستگیری بعضی راهزنان فرستاده شده بود کوتاهی نموده دستگیر نمود. پسر کوچك قوام‌الملك

---

۱) بهمین گونه است در اصل. عبارت آشفته و نارسا است. ـ م.

از قنسولگری اعلیحضرتی استدعای تحصن نمود ولی چون خطری برای او ظاهراً متصور نمی‌شد استدعای او قبول نشد.

در هجدهم آوریل دسته‌ای اجتماع نموده از حکومت درخواست نمودند که دو نفر حبسی مذکور را بطور اختصار و بدون محاکمه به قتل رسانند. نظام‌السلطنه وعده داد که آنها را پس از یك یا دو روز محاکمه نماید و اظهار داشت که محکوم به قتل خواهند گردید. بنابر اصرار سردار اسعد محاکمهٔ اینها بعمل نیامد و دولت از قبول آن امتناع ورزیده و به نظام السلطنه امر نمود که آنها را تبعید نماید.

در ابتداء مقصود دولت این بود که آنها را به طهران یا یکی از ایالات دوردست ایران بفرستد ولی چون نظام‌السلطنه جداً با این طریق مخالف بود دولت ایران برای او احکام فرستاد که آنها را به اروپا حرکت بدهد. کفیل قنسولگری برحسب اوامر سفارت اعلیحضرتی نظام‌السلطنه را وادار به موافقت با این ترتیبات نمود. در ابتداء نظام‌السلطنه جداً امتناع ورزیده اصرار داشت بر اینکه قوامیان پس از اندك‌مدتی به ایران مراجعت خواهند نمود ولی آخرالامر به قبول آن تن در داده قوامیان به‌اتفاق صد و پنجاه نفر که نظام‌السلطنه معین نموده بود تحت‌الحفظ از شیراز بطرف بوشهر حرکت نمودند. همین‌که به مسافت سی میل از شیراز دور شدند به یك محلی که صولت‌الدوله با استعداد زیادی چادر زده و خود را پنهان نموده بودند برخورده نصرالدوله به ضرب گلوله مقتول گردید. قوام‌الملك فرار نموده تا سی و شش ساعت از او خبری نشد تا آنکه از قنسولگری اعلیحضرتی درخواست اجازهٔ تحصن نموده چون برای او خطر متصور بود استدعای او قبول گردید. فعلا در قنسولگری است و خوف آن است که در حرکت دادن او از شیراز بطور سالم قدری امکان [خطر؟] داشته باشد.

نظام‌السلطنه در اظهارات مردم بر علیه [= علیه] پناه‌دادن قوام الملك همراهی داشته اصرار دارد بر اینکه او را بایستی بلاتأخیر از شیراز خارج نمایند. کفیل قنسولگری انگلیس در جواب او گفته است که تا وقتی که نظام‌السلطنه نتواند از هیجان برضد قنسولگری خاتمه دهد بطور واضح غیرممکن خواهد بود هرگونه وثیقه که از طرف او در راه تأمین خروج قوام‌الملك داده شود مکفی تصور شود. کفیل قنسولگری بنا به خواهش صولت‌الدوله در سیزدهم مه از او ملاقاتی‌نموده پس‌از قدری صحبت در باب قضیهٔ اخیره صولت‌الدوله شرحی در باب دوستی کامل خود با دولت اعلیحضرتی و خدمات بی‌طرفانه‌اش در برقراری نظم و امنیت راه بوشهر بیان نمود. مستر ناکس در جواب گفت که دولت اعلیحضرتی مساعی او را در برقراری نظم طرق جنوب و تأمین امنیت خط تلگراف در موقع مهاجرت عشایر قدر دانسته و اظهار امید نمود که او در این کار مداومت خواهد نمود. صولت‌الدوله اظهار داشت من برای برقراری نظم فارس حاضرم و قدرت آن را دارم حتی تمام نقاط جنوبی ایران را می‌توانم منظم کنم ولی در تحت امر سردار اسعد حاضر به خدمت نیستم.

خلیج فارس

بوشهر

در سوم آوریل در بوشهر قدری بهم‌خوردگی به ظهور رسیده چهار نفر مقتول و یکنفر مجروح گردید. نایب‌الحکومه همین‌که شنید تفنگچیان که بسیاری از آنها از کسبهٔ جزو بودند درصدد بودند که اهالی شهر را ترغیب به بستن دکاکین نموده بر ضد مالیاتهای تازه پروتست نمایند به اتفاق نایب‌رئیس نظمیه به بازار آمده و با شاکیان بنای داد و فریاد و محاجه را گذارد. در بین گفتگوی سخت یکی از تفنگچیان به نایب‌رئیس نظمیه بی‌احترامی کرده و او هم رولور خود را بیرون آورده در همان‌جا تفنگچی مزبور را مقتول نمود یکی را هم مجروح گردانیده بطرف خانهٔ خود فرار کرد. همین‌که او را تعاقب نمودند بطرف محل قنسولگری به قصد تحصن دوید چون درب آنجا را مسدود یافت بطرف قنسولخانهٔ عثمانی دویده در آنجا پناهنده گردید. در آنوقت فقط یك ژاندارم ایرانی آنجا بود و همین‌که تفنگچیان محلی که خود را در آنجا پنهان کرده بودند دریافتند قهراً داخل شده او را به ضرب گلوله مقتول داشتند و ژاندارم را هم بطور مهلك‌زخمی نموده و جسد نایب‌رئیس نظمیه را از قنسولخانه بدرآورده در شهر به این‌طرف و آن‌طرف می‌کشیدند.

بندرعباس

در اوایل آوریل راپرت داده شد که مقداری از مال‌التجارهٔ متعلق به تبعهٔ هندی انگلیس معادل پنجاه لیرای انگلیس را در گدار سرخ در جزو قلمرو حکومت فارس به سرقت برده‌اند. راه کرمان بخوبی امن بود غیر از گدار سرخ که قوافل را متوالیاً غارت می‌نمودند.

اهواز

در راه لنج مجدداً قوافل در حرکت هستند. یك قافله مرکب از هزار و دویست حیوان که تاکنون بآن‌اندازه حرکت نکرده بودند در چهارم آوریل از اهواز حرکت داده شد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۲۹

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژون)

طهران ۱۹ مه ۱۹۱۱ [۲۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۰ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

آقا

در تعقیب مراسلهٔ ۱۶ شهر جاری خود افتخاراً عرض می‌کنم که در جلسات شانزدهم و هیجدهم مجلس مسئلهٔ نقشهٔ مصرف وجه استقراضی که قرار است توسط بانك شاهنشاهی در لندن به‌عمل آید مطرح مذاکره گردید و در جلسهٔ دیروز پروگرام دولت

با وجود مخالفتهای مکررهٔ حزب دموکرات به اکثریت آراء تصویب گردید.
صورت ذیل ملخص فقرات مخارجی است که مجلس تصویب نموده:

	تومان	لیرای انگلیسی
۱ـ قشون سیار (۱۷۵۰۰)	۱،۳۷۵،۰۰۰	(۲۷۵،۰۰۰)
۲ـ حقوق عقب‌افتادهٔ قشونی	۱۵۰،۰۰۰	(۳۰،۰۰۰)
۳ـ خرید اسلحه	۲۲۰،۰۰۰	(۴۴،۰۰۰)
۴ـ حقوق عقب‌افتادهٔ نمایندگان ایران مقیم خارجه	۱۰۰،۰۰۰	(۲۰،۰۰۰)
۵ـ ژاندارمری	۲۰۰،۰۰۰	(۴۰،۰۰۰)
۶ـ حقوق عقب‌افتادهٔ قراسوران	۱۲۵،۰۰۰	(۲۵،۰۰۰)

چنانچه ملاحظه فرمایید به استثنای بیست هزار لیرا برای پرداخت حقوق نمایندگان ایران مقیم خارجه تمام این وجه برای مصرف قشونی تعیین گردیده و کلیهٔ وجهی که از قرضه بدست می‌آید ـ که چهارصد هزار لیرا باشد ـ یك مرتبه محل خرجش تعیین شده است اما در باب فقرهٔ چهارم مصارف برحسب مواد پروگرام از دویست هزار لیرا هشتاد هزار آن برای ژاندارمری جنوب خواهد بود و بقیه را نگاه خواهند داشت تا ورود صاحبمنصبان سوئدی و آن‌وقت بنا بر صلاح‌بینی آنها به مصرف خواهد رسید.
امضاء جرج بارکلی

نمره ـ ۱۳۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوراد گری (واصله ۶ ژون)
طهران ۶ ژون ۱۹۱۱ [۱۶ خرداد ۱۲۹۰؛ ۸ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
از زمان مخابرهٔ تلگراف ۲۸ مه من خان معزول کمارج که در مراسلهٔ هجدهم خود از او اشاره نموده‌ام از قرار معلوم راه شمال بوشهر را تهدید نموده و یك قافله را زده یازده لنگه قالی را بسرقت برده است. این مسئله را خاطرنشان دولت ایران می‌نمایم.

نمره ـ ۱۳۱

مکتوب سر ادوارد گری به سر جی بیوکانان
وزارت خارجه ۷ ژون ۱۹۱۱ [۱۷ خرداد ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
آقا
در باب مکاتباتی که سابقاً در مسئلهٔ قرضهٔ بانك شاهنشاهی ایران با دولت ایران رد و بدل شده از جنابعالی خواهش می‌کنم به دولت روس اطلاع دهید که کنترات قرضه در هشتم ماه گذشته در طهران به امضاء رسید.

در طی این اعلام جنابعالی باید علاوه نمائید که برای جلوگیری از بهم‌خوردگی برای نان که طهران را تهدید می‌نمود بانك در بیست و نهم ماه گذشته از بابت قرضهٔ مذکوره مبلغ شصت هزار تومان بدولت ایران مساعده داده.

امضاء ای گری

نمره ـ ۱۳۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

وزارت خارجه ۹ ژون ۱۹۱۱ [۱۹ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

حملهٔ بر مستر کینگستن

کمپانی بوروز ولکم اظهار می‌دارد که کینگستن تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع می‌دهد که امنیت مکفی موجود نیست که او را به حرکت از اصفهان اجازه دهد. از هر طریقی او حرکت کند برای کمپانی مذکور تفاوتی ندارد و به او دستورالعمل خواهند داد که به موجب دستورالعمل شما رفتار نماید. بنابراین آیا شما می‌توانید از هر راهی که امن‌تر می‌دانید ترتیب حرکت او را بدهید که یا به طهران مراجعت نماید یا آنکه به اهواز یا بوشهر برود در راه بطور کفایت از او مواظبت شود.

نمره ـ ۱۳۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ ۱۰ ژون)

طهران ۱۰ ژون ۱۹۱۱ [۲۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

تلگراف ذیل از شیراز رسیده است:

قسمتی از فوج سربازان ایرانی با اسلحهٔ کامل به دخول در قنسولخانه موفق‌گردیده با مستحفظین قنسولخانه تبادل گلوله‌اندازی نموده مستحفظین آنها را بیرون کرده دو نفر را مقتول و یك نفر را مجروح نمودند. دو نفر دیگر یا بیشتر بیرون مجروح گردیدند. از سواران قنسولخانه یکی دستش مجروح گردید.

مقصود سربازان این بود که بعلت عدم پرداخت حقوقشان بست اختیار کنند.

نمره ـ ۱۳٤

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژون)

طهران ۱۰ ژون ۱۹۱۱ [۲۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

تلگراف ذیل امروز از شیراز رسیده:

رژیمان ایرانی مشغول مشق بود و حقوق عقب‌افتادهٔ خود را مطالبه نمودند و حرفشان مسموع نگردید. پس از آن چهارصد الی پانصد نفر آنها تحت‌السلاح به

قنسولخانه آمده بعنوان آنکه آنجا بست بنشینند. در آنوقت من به تلگرافخانه رفته‌بودم ولی منشی قنسولگری به درب قنسولخانه آمده اطلاع داد اجازهٔ دخول به آنها داده نخواهد شد. سپس خواستند به‌زور داخل شوند منشی مذکور فریاد برآورد هرگاه دست از این کار نکشند بر آنها شلیك خواهد شد. در جواب گفتند ما هم شلیك می‌کنیم و تفنگهای خود را پر کرده یکی از آنها منشی را تهدید نمود و او هم لولهٔ تفنگش را محکم گرفت. سپس آنها زور آورده یك تفنگ خالی شد و سپاهیان هم بر آنهایی که از درب ورود نموده شلیك کردند. آنها هم با رفقایشان که در بیرون ایستاده بودند جواب شلیك را دادند پس از یك دقیقه تیراندازی از طرفین سپاهیان سربازان ایرانی را از آنجا بیرون کردند و در را بستند. تیراندازی موقوف شد.

با آنکه این واقعه خیلی اسف‌انگیز است گمان می‌کنم ممکن‌نبود مستحفظین‌طریقه‌ای غیر از این اختیار نمایند و من بطور حتم می‌دانم که منشی جد و جهد وافی نمود که سربازان را بطور مسالمت به ترك آنجا وادار نماید.

سواری که مجروح گردیده گلوله انگشتش را خورد نموده یك نفر سرباز ایرانی مقتول و دو نفر درون قنسولخانه بطور مهلك مجروح و بعقیدهٔ من دو نفر دیگر در خارج مجروح گردیده‌اند.

حکومت نمایندهٔ قشون را فرستاده که از حدوث این واقعه اظهار تأسف نموده تحقیقات به عمل آرد. پنجاه سوار هم برای حفظ قنسولخانه فرستاده است.

نمره ـ ۱۳۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژون)

طهران ۱۰ ژون ۱۹۱۱ [۲۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

شیراز

در طی تلگراف امروز خود افتخاراً راپرت می‌دهم که دولت ایران را بطور اختصار از حقایق این واقعه مستحضر داشته و به آنها اصرار کردم که برای منع اغتشاشات دیگر اقدامات لازمه نموده و علاوه نمودم که به مجرد استحضار از جزئیات مسئله دومرتبه خاطر آن دولت را متذکر خواهم نمود.

تا زمانی‌که معلوم نشده که عساکر ایرانی غیر از بست‌نشستن در قنسولخانه قصد دیگری نداشته‌اند تصور می‌کنم همین‌قدر که وزیر امور خارجه کتباً اظهار تأسف خود را تقدیم نماید و همین‌که فرماندهٔ قشون از کفیل قنسولگری ملاقات نموده برای حادثهٔ مذکوره جبران کافی خواهد بود.

افتخاراً استدعای اخذ دستورالعمل در این باب می‌نمایم.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۳۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ ژون)
طهران ۱۱ ژون ۱۹۱۱ [۲۱ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۳ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
قنسول جنرال اعلیحضرتی مقیم اصفهان راپورت می‌دهد که در میان طوایف بختیاری نفاق بهم رسیده و قرب ده کرد جنگ سختی به‌وقوع رسیده است.

نمره ـ ۱۳۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژون)
طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۱ [۲۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف دهم ژون من تلگراف ذیل از شیراز رسیده.
«در ضمن حادثه‌ای که شرح آنرا در تلگراف دهم ژون خود تلگراف نمودم سپاهیان ستحفظ درب بزرگ روی‌هم‌رفته بیست گلوله خالی نمودند. دوازده گلوله به عقب خالی شد و شش فشنگ خالی در بالای دروازه پیدا شد. تخمیناً از خارج زیاده بر پنجاه تیر خالی شد.
انگشت دویم دست راست سواری که مجروح گردیده از ریشه قطع شده امید است آنطور ناقص نشده [باشد] که از خدمت معاف شود.
دو نفر از سربازان مجروح ایرانی از زخمهای خود تاکنون مرده‌اند و روی‌هم‌رفته مقتول آنها سه نفر است دو نفر دیگر که مجروح هستند خوب می‌شوند.»

نمره ـ ۱۳۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژون)
طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۱ [۲۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
شیراز
راجع به تلگراف دهم ژون من کفیل قنسول شیراز بطریق ذیل تلگراف می‌کند:
«سپاهیان و میرزا می‌گویند که بطور یقین سربازان ایرانی اول شلیک کردند».

نمره ـ ۱۳۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژون)
طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۱ [۲۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل از کفیل قنسول شیراز رسیده:
«از قرار راپرت واصله در نهم ژون چهار لنگه قماش و یك‌صندوق تریاك در بیست میلی شمال کازرون به سرقت رفته و راه اصفهان هم بواسطهٔ سارقین که در طرفین سیوند هستند مسدود گردیده (تقریباً پنجاه میل شمال شیراز)».

نمره ـ ۱٤۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژون)
طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۱ [۲۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
شیراز

در تعقیب تلگراف دوازدهم ژون خودم افتخاراً راپورت می‌دهم که از قرار اطلاعاتی که تاکنون برای من رسیده معلوم نمی‌شود که سربازان ایرانی در آمدن به قنسولخانه از جائی به آنها تحریك شده باشد که از روی یك قصد خصمانه این اقدام را بنمایند. از قرار معلوم وقوع این حادثه بعلت این بوده که سربازان اصلا می‌خواستند که به ذریعهٔ بست اختیار نمودن بر تظلمات خود جلب‌توجه نموده یا آنکه این اقدام از طرف اشخاص مربوط بکار که مایل تولید اغتشاش و فراهم نمودن اسباب زحمت برای فرمانفرما بوده‌اند بعمل آمده است. در هر صورت ظاهراً ثابت است که مأمورین محلی در ساکت‌نمودن سربازان کوشش نموده و حقوق عقب‌افتادهٔ آنها را پرداختند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱٤۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ ژون)
طهران ۱۳ ژون ۱۹۱۱ [۲۳ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

راجع به تلگرام دوازدهم ژون من در جواب پیشنهادی که کفیل قنسولگری نموده فرمانفرما بطور غیررسمی به او اطلاع داده که قصد دولت این است که از رژیمانی که به قنسولخانه حمله نموده خلع اسلحه نماید.

نمره ـ ۱٤۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۳ ژون ۱۹۱۱ [۲۳ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ ج۲ ـ ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف دهم ژون شما در باب حمله بر قنسولخانه من با عقاید شما که در قسمت آخری تلگراف مذکور نموده‌اید موافقت دارم.

نمره ـ ۱٤۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ ژون)
طهران ۱۶ ژون ۱۹۱۱ [۲۶ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

افتخاراً راپورت می‌دهم که سپهدار دیشب غفلتاً از پای‌تخت بطرف رشت حرکت نمود. شهرت دارد که می‌خواهد بسمت اروپا رهسپار گردد.

نمره ـ ۱٤٤

مکتوب قنسول جنرال اسمیت به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژون)
ادسا ۱۳ ژون ۱۹۱۱ [۲۳ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

آقا

افتخاراً راپرت می‌دهم که شاه مخلوع در تاریخ نهم شهر جاری باتفاق زنهای خود از ادسا حرکت‌نمود. عقیدهٔ‌من آن‌است‌که برای‌صحت‌مزاج خود به مارسن‌باد رفته‌است.

شاه مخلوع در ماه نوامبر گذشته از ادسا حرکت نموده و در زمستان اینجا نبود و در ماه آوریل مراجعت نمود. چنان مفهوم می‌شود که در نران باشد. راپرتی‌هم بدست است که شاه مذکور کوشش نموده بود که به لباس مبدل از سرحد گذشته به ایران ورود نماید.

امضاء سی اس اسمیت

نمره ـ ۱٤٥

مکتوب لرد کیلمرناك به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژون)
استکهلم ۱۶ ژون ۱۹۱۱ [۲۶ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

آقا

افتخاراً راپورت می‌دهم که سه نفر صاحبمنصبان سوئدی که برای تشکیل‌ژاندارمری ایران نامزد شده بودند دولت سوئد آنها را انتخاب نموده اسامی آنها یکی کاپیتان یالمارسن و یکی لفتنان جولد براند و دیگری لفتنان پیترسن می‌باشد. دو نفر اولی از اشخاص فارغ‌التحصیل کالج نظامی می‌باشند.

کاپیتان یالمارسن چهل و سه ساله است و در جزو هیئت عمومی نظامی در چندین کمیته‌ها خدمت نموده و چندین دفعه هم مستقلا به فرماندهی منصوب بوده.

از وزیر امور خارجه دریافتم که دولت ایران مایل می‌باشد که یك نفر صاحبمنصب سوئدی دیگر برای نظمیه استخدام نمایند و در این خصوص مشغول قرار و مدار می‌باشند اگرچه تاکنون چندان پیشرفتی در آن نشده.

امضاء کیلمارناك

نمره ـ ۱٤٦

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژون)
طهران ۱۹ ژون ۱۹۱۱ [۲۹ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۱ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۹ ژون شما. کینگستن بیست و یکم ژون از اصفهان از راه سلطان‌آباد و همدان بطرف طهران حرکت می‌کند راه تا اندازه‌ای امن است و وعدهٔ همراه نمودن مستحفظ هم داده شده است.

نمره ـ ۱۴۷

تلگرف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژون)
طهران ۲۰ ژون ۱۹۱۱ [۳۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۶ ژون من. از قرار مسموع صدراعظم در رشت است و انجمن محلی آنجا او را نگذارده‌اند پیشتر برود.

نمره ـ ۱۴۸

مکتوب سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه ۲۰ ژون ۱۹۱۱ [۳۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ ج ۲ـ۱۳۲۹]
راجع به مراسلهٔ هشتم ماه گذشتهٔ شما:
باید شما را مستحضر دارم که دستورالعملهایی را که به کفیل قنسولگری شیراز داده‌اید که به هریك از تبعهٔ ایران که خطر جانی برایش متصور و خود را به‌قنسولخانه رساند اجازهٔ بست بدهند لیکن مستحفظین بهیچوجه کسی را که در تحت حمایت قنسولگری نباشد نباید بطرف قنسولگری سوق دهند، تصویب می‌کنم.
امضاء ای. گری

نمره ـ ۱۴۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژون)
طهران ۲۱ ژون ۱۹۱۱ [۳۱ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
اغتشاش شیراز
راجع به تلگرافات دهم و دوازدهم ژون من:
دولت ایران جواباً اطمینان داده‌اند که سربازهایی‌که خواسته‌اند به قنسولخانه بریزند بهیچوجه از روی مقاصد شرارت‌کارانه این اقدام را ننموده‌اند و از اعمال سربازان مذکور اظهار تأسف می‌نمایند.

نمره ـ ۱۵۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله غرهٔ ژویه)
طهران غرهٔ ژویه ۱۹۱۱ [۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۴ رجب ۱۳۲۹]
راجع‌به تلگراف بیستم‌ژون من ـ صدراعظم هنوز در رشت‌است. مجلس‌روز بیست‌و پنجم ژون باو تلگراف کرده و از او خواهش نموده به طهران مراجعت نماید ولی به وصول جواب نایل نگردیده.
دیروز اکثریت مجلس از نایب‌السلطنه درخواست نمودند که اقتدارات دیکتاتوری

بر خود بگیرد. والاحضرت به این‌کار مایل نگردیده اظهار داشت نمی‌تواند از حدود قانون اساسی تجاوز نماید. سپس اکثریت از او درخواست نمودند که به صدراعظم تلگراف کرده اصرار به مراجعت او نماید و به والاحضرت اطمینان دادند که متفقاً با او همراهی نموده در انتخاب وزرائی که او انتخاب کند مداخله نخواهند نمود. والاحضرت هم به همین مضمون برای صدراعظم تلگراف کرده است.

الحال کابینه بدون صدراعظم مشغول کار است.

نمره ـ ۱۵۱

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژوییه)

طهران ۶ ژون ۱۹۱۱ [۱۶ خرداد ۱۲۹۰؛ ۸ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

آقا

اینکه معاونین مالیهٔ امریکایی که ورود آنها را در خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ آخری راپرت دادم بدون فوت وقت مشغول کار شده و مجلس هم قصد همراهی با آنها را دارد. از این معلوم می‌شود که مجلس در سیزدهم ماه گذشته باتفاق آراء لایحه‌ای را که سواد آن در جوف است و مستر مرگان شوستر خزانه‌دار کل برای نظارت مصرف وجوهات قرضهٔ بانك شاهنشاهی بموافقت با نقشهٔ مصارفی که مجلس اخیراً تصویب کرده طرح نموده تصویب نمودند.

چنانچه ملاحظه خواهید نمود قانون جدید کمیتهٔ نظارت را که در ابتداء به موجب قانون بیستم مه (رجوع به مراسلات ۱۶ و ۱۹ من کنید) مقرر گردیده متروك داشته‌اند و تا زمانی که تشکیلات وزارت مالیه که در مقدمهٔ آن قانون ترتیب تشکیل آن مذکور گردیده به عمل نیامده کنترل قرضه سپرده بیك شعبه از وزارت مالیه خواهد بود که در تحت نظارت خزانه‌دار کل تشکیل گردد.

امضاء جرج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۵۱

لایحهٔ مجلس ۳۰ مه ۱۹۱۱

کنترل وجه استقراضی

رئیس حالا که وزراء به مجلس آمده‌اند راپورت کمیتهٔ مالیه در خصوص لایحهٔ کنترل قرائت می‌شود. لایحه‌ای که دولت پیشنهاد کرده و مجلس آن را تصویب نموده بقرار ذیل است:

مقدمه

کنترل عمومی و مؤثر قرضهٔ جدید از بانك شاهنشاهی و مصارفی که در مقابل آن تعیین شده طبعاً از وظایف خاصهٔ وزارت مالیه خواهد بود.

یکی از نواقص عمدهٔ ادارهٔ مالیهٔ حاضرهٔ دولت ایران ادارات زیادی و شعب جزو آن

می‌باشد. آشکارترین نتیجهٔ این اوضاع اشکال‌تعیین‌وظایف هریك از ادارات و مسئولیت اعمال هر یك از آنها است. بنابراین واضح است که هرگاه بخواهیم سیستم جدیدی مجری داشته و مثل سیستم حالیه مسئولیت غیرمحدودی به آن بدهیم هرآینه باعث تزئید اغتشاش موجودهٔ ادارات خواهد گردید.

علی‌هذا چیزی که فعلا لازم است اینست‌که ما باید یك سیستم مختصرتری اختیار بنماییم که نتیجهٔ بهتری از آن بدست آورده و اطاق دیگری به اطاقهای اداره اضافه نگردد.

وجهی که از این قرضه عاید می‌شود بهیچوجه با وجوهاتی که از گمرکات و مالیاتهای مستقیم و واردات عمومی مملکت عاید می‌گردد فرقی ندارد. از طرف دیگر کنترل و نظارت مخصوصی بر وصول و مصرف یك مبلغ زیاد از وظایف یك اداره‌ای است که لزوما باید دارای سه کیفیات باشد: تدین و تجربه در امور مالیه و مسئولیت معین. لیکن آیا امکان دارد یك کمیتهٔ پانزده نفری بتوانند دو شرط آخرالذکر را به انجام برسانند؟

چند روز قبل کنترل مالیهٔ ایران به یك مستخدم خارجی که مقام خزانه‌داری کل را داراست و با معاونین خود برای رفورم ادارهٔ مالیه به ایران آمد سپرده شد. هرگاه بخواهیم او را مسئول حسن ادارهٔ امور مالیهٔ خود نماییم باید به او اقتدار لازم برای انجام این کار مشکل بدهیم.

خزانه‌دار کل یك طرح موقتی برای تشکیل وزارت مالیه بطور مؤثر ریخته و این طرح مشتمل بر تشکیل سه اداره به‌قرار ذیل است:

۱) برای وصول عایدات و مالیاتهای دولت از هر قبیل

۲) برای کنترل هر قبیل مصارف و محاسبهٔ آن

۳) برای امورات صرافی و ضرابخانه و مبادلهٔ وجوهات قرضه و تنزیل و استهلاك آن و غیره.

وظایفی که پیشنهاد شده بود برای کمیتهٔ مزبور تعیین گردد و نکتهٔ آخرالذکر را متضمن بود ولی چونکه ترتیبی که حالا پیشنهاد شده معمول نگردیده لازم است یك شعبهٔ موقتی تشکیل گردیده در عرض چند ماه بعد به اموراتی که مستقیماً راجع به قرض است بپردازد. این شعبه در تحت نظارت خزانه‌دار کل خواهد بود و به مجرد آنکه ترتیبات جدیدهٔ وزارت مالیه معمول شود محاسبات و نوشتجات و راپرتهای این شعبهٔ موقتی به ادارهٔ جدید وزارت مالیه که بهمان تعلق دارد داده و محول خواهد شد.

نظر به ملاحظات فوق لایحهٔ ذیل را به مجلس تقدیم داشته استدعا می‌شود که آن را بزودی تصویب نموده اهمیت و لزوم آن را در مد نظر آورند.

مادهٔ اول ــ کنترل عمومی و مؤثر امورات راجع به قرضهٔ ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا که بر حسب قانون پنجم آوریل از بانك شاهنشاهی ایران بعمل آمده و کنترل مصارف که بر طبق مواد یك الی پنج قانون بیستم مه ۱۹۱۱ باید بعمل آید، سپرده به وزارت مالیه در تحت نظارت خزانه‌داری کل خواهد بود.

مادهٔ دویم ـ تا زمانی که طریقهٔ جدید در وزارت مالیه معمول نگردیده کنترل قرضه و مصرف فوق‌الذکر موقتاً سپرده به یك شعبه‌ای خواهد بود که مخصوصاً در تحت نظارت خزانه‌دار کل تشکیل شود.

مادهٔ سوم ـ در انتهاء هر ماه وزارت مالیه در راپورت خود که به دولت عرضه می‌دارد صورت مالیه از بابت قرضه شامل خواهد بود.

مادهٔ چهارم ـ شعبه‌ای که در جزو مادهٔ دوم این لایحه مذکور گردیده بجای کمیته‌ای که در قانون ۲۰ مه ۱۹۱۱ رجوع بآن شده خواهد بود.

پس از کمی بحث لایحهٔ مذکور به اتفاق آراء تصویب گردید.

نمره ـ ۱۵۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ ژون)

طهران ۸ ژون ۱۹۱۱ [۱۸ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

آقا

رجوع به مراسلهٔ هیجدهم و تلگراف ۲۸ ماه گذشتهٔ من در خصوص اوضاع طرق جنوبی:

افتخار دارم راپورت دهم که در عرض سه هفتهٔ گذشته اوضاع امنیت عمومی نسبت به اغتشاش کلی سال گذشته اتصالا رو به بهبودی کامل است.

راست است که بواسطهٔ اثرات هرج و مرج اخیر حیوان باری کمیاب و میزان کرایه گران شده و از آن جهت قوافل کم ایاب و ذهاب می‌نمایند ولی خوشحالم می‌توانم راپورت دهم که آنهایی را که در کاغذ فوق‌الذکر خود اشاره نموده‌ام از شیراز به‌طرف شمال حرکت کرده‌اند بدون مزاحمت به اصفهان رسیده مقداری مال‌التجاره متعلق به کمپانی زیگلر را آنجا وارد نموده‌اند.

علاوه بر غارتهای کهکلوئیها [کهگیلویه‌ایها] در حوالی قمشه که به دهاتیها و زارعین محل ظاهرا خسارت وارد آورده‌اند فقط محلی در راه مابین بوشهر و اصفهان که فعلا از قرار راپورت واصله خطرناك است کمارج که بـه مسافت کمی در شمال بوشهر واقع است و در آنجا خان‌ملا خورشید که دستش از کار کوتاه شده و بواسطهٔ سوزانیدن محصولات انتقام می‌کشد و یك قافله را زده یازده لنگه قالی را که صاحبش هنوز معلوم نگردیده بسرقت برده است می‌باشد.

این لازم است مذکور گردد که مهاجرت بهار ایلات قشقایی که در سال گذشته باعث تخریب مقدار کثیری مصالح تلگرافی شدند امسال بواسطهٔ احکام مخصوص نافذ صولت‌الدوله بدون اینکه خسارتی وارد آورد گذشت.

بنابراین اگر ناامنی راه از طهران به اصفهان را که خارج از حد و اندازهٔ هرگونه علاجی است که ما نتوانیم بنماییم خارج از موضوع قرار دهیم گمان نمی‌کنم آثار و علائم عدم امنیت فعلی در طـرق جنوبی مکفی خواهد بود که تصور اینکه اقـدامات

مخصوصی را که دولت ایران نموده بی‌نتیجه و بی‌فایده دانستن آن را تصدیق نماید اگرچه از طرف دیگر باید اعتراف شود ترقی که ملاحظه می‌شود چون نمی‌توان آن را با اقداماتی که از برای یك نقشه رفورم کلی باید بشود حمل نمود غیرمعلوم است.

این مسئله را که آیا اثرات طریقه‌ای کـه نظام‌السلطنه فعلا در اتفاق عمل بـا صولت‌الدوله پیش گرفته بادوام خواهد بود یا نه هنگامی‌که صولت‌الدوله بطرف ییلاقات قشقائی در شمال حرکت نماید (این نقل‌مکان فعلا شروع شده) و وقتی‌که نتیجهٔ دلخواهی از حادثهٔ قوامیها نظام‌السلطنه را آزاد نماید که هر پلتیکی که او قصد تعقیب دارد معمول نماید به تجربه خواهد رسید.

اوضاعی که بواسطهٔ اقدام شدید جناب ایشان نسبت به قوامیها تولید شده درهم پیچیده است و منظرهٔ آن تیره و تاریك بنظر می‌آید.

ایل بختیاری از ضربتی که به دوستان و حمایت‌شدگان خود وارد آمـده اظهار رنجیدگی بی‌اندازه نموده و بدون آنکه راضی به صلح شوند کوشش خواهند نمود که نظام‌السلطنه را از کار خلع نمایند.

مظنون است که می‌خواهند ضیغم‌الدوله را که تازگی از حکومت یزد معزول شده و برادر و دشمن صولت‌الدوله است آلت تغییر حکومت صولت‌الدوله قرار دهند و ممکن است حضور ضیغم در اصفهان مربوط به این نقشه باشد که هنگامی‌که قشقاییها به ییلاق خود در حدود بختیاری برسند بر آنها حمله نمایند. چنین نقشه و تدبیری مظفریت حاصل نتواند کرد مگر آنکه موافق میل دولت مرکزی‌باشد ولی‌نفوذ بختیاریها در طهران ممکن است سپهدار را به تقویت آنها راهنمایی کند.

من غالباً وزارت امور خارجه را از خطرات تجدید اغتشاشات طرق جنوب که ممکن است از تغییر و تبدیل زمامداران حالیهٔ فارس به علت آنتریکهای ایلی بوقوع برسد متذکر نموده‌ام.

من تصور می‌کنم ما خود آمادهٔ اقدام نشویم تا آنکه بر ما محقق شود که اغتشاشات راه باعث امحاء تجارت ما با ایران می‌گردد.

از زمانی که نوبت چهاردهم اکتوبر را عرضه داشتم گذشته از بهبودی که در راه بوشهر ــ اصفهان حاصل گردیده صورت احصائیه گمرکات هم به طبع رسیده و از روی آن ممکن است بحث شود اوضاع تجارت انگلیس بطور عموم باایران یأس‌آور نمی‌باشد.

صورتهای احصائیه‌ای که به آن رجوع می‌نماییم صورت ده ماهه عایدات گمرکی بنادر مختلفهٔ جنوب لغایت ۲۱ ماه ژانویه گذشته می‌باشد. از روی این صورتها معلوم می‌شود که اگرچه در حقیقت عایدات بوشهر نسبت به همان مدت در سال گذشته تنزل نموده (۲۷۴،۰۰۰ تومان در مقابل ۳۳۵،۰۰۰ تومان) بر عایدات بندرعباس و محمره اضافـه شده (۱۶۱،۰۰۰ تـومـان و ۲۶۲،۰۰۰ تـومـان در مقابـل ۳۱۷،۰۰۰ و ۱۶۶،۰۰۰ تومان).

بلاشك متعاقب عزل نظام‌السلطنه اغتشاشات راه آخرالذکر مجدداً کسب شدت نموده ولی گمان می‌کنم قبل از آنکه طریقه‌ای که فعلا از روی صبر و شکیبائی اتخاذ نموده

و ملحوظ داشته‌ایم از دست بدهیم بایستی در هر صورت کیفیت اوضاع را از روی صورتهای احصائیه اخیرهٔ گمرکی بسنجیم.

امضاء بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۵۳

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژوئیت)

طهران ۱۳ ژون ۱۹۱۱ [۲۳ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]

آقا

راجع به مراسلهٔ ۱۶ ژون من‌افتخار دارم که جوفاً ترجمهٔ انگلیسی یك لایحهٔ‌دیگری را که در هشتم شهر جاری به مجلس عرضه گردیده و در جلسهٔ امروز بدون اصلاح باتفاق آراء تصویب کردند ایفاد دارم.

دوازده مواد مشتملهٔ این لایحه را اصلا «مستر مورگان شوستر» مسوده نموده و برای تقدیم به مجلس به فارسی ترجمه گردیده است. قسمت اول آن را که ترجمهٔ انگلیسی آن در جوف است وزیر مالیه که این لایحه را تقدیم نموده مسوده کرده است.

یك نظر مختصر به این قانون نشان می‌دهد که برحسب این قانون وظایف مستر شوستر معین گردیده و او را در امورات مالیه دارای اقتدارات وسیعه می‌نماید.

اول مسئله‌ای که از این لایحه فهمیده می‌شود اینست‌که مستر شوستر عنقریب تغییر وضع کلیهٔ وزارت مالیه را تعهد نموده و بواسطهٔ برهم‌زدن و محو نمودن ماشین‌کارخانهٔ حالیه شروع به عملیات خواهد نمود.

وزیر مالیه هنگامی که «مستر چرچیل» دیروز در این خصوص از او سؤالات نمود در جواب اظهار داشت که این نکته را در حقیقت کمیتهٔ مالیهٔ مجلس که آنوقت در لایحهٔ مزبور مداقه می‌نمود در تحت ملاحظه آورده و توانسته است آن را موضح این مسئله قرار دهد که مستر شوستر در هر صورت فعلا چنین قصدی نداشته او در صدد می‌باشد که اولا ادارهٔ خزانه را بر طبق طریقه‌ای که در لایحه پیشنهاد شده مرتب و منظم دارد ولی تا مدتی قادر نخواهد بود که اداراتی را که مشاغل درهم پیچیدهٔ وزارت مالیه را با ایالات و ولایات به عهده داشته‌اند مرتب نماید.

ظاهراً مستر شوستر در اذهان ایرانیان اثر فوق‌العاده باقی گذارده و اینکه تمام احزاب متفقاً اقتدارات کامله‌ای را که او درخواست می‌نمود به او داده‌اند ثابت می‌کند که اعتماد کامل بر او دارند.

از قراری‌که بر من مفهوم گردیده او نمی‌خواهد که از مداخلی که از خزانه برده می‌شود و از دزدیها یك‌دفعه جلوگیری نماید و هرگاه در ظرف شش ماه بعد یا یکساله بتواند از دزدیهای بزرگتر جلوگیری نموده و افراطی که از روی حماقت و تلف خرجی می‌شود تخفیف دهد خیلی خوشوقت خواهد گردید.

این را بر عموم معلوم نموده که اگر یك یا چند نفر در جلو او تولید مشکلات و

عوائق نمایند از آنها به مجلس شکایت برده هرگاه نتواند عوائق آنها را برطرف نماید به امریکا مراجعت‌خواهد نمود.

امضاء بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۵۳

لایحهٔ وزیر مالیه که در جلسهٔ ۸ ژون ۱۹۱۱ به مجلس عرضه گردیده و در سیزدهم ژون ۱۹۱۱ تصویب گردیده.

مقدمه

مقصود این لایحه آنقدر آشکار است که یك مداقهٔ سطحی در آن فوراً تمام مقاصد آن را آشکار می‌نماید. اوضاع مالی دولت فعلا حقیقتاً تأسف‌انگیز است و هرگاه بخواهیم خود را نجات دهیم اقداماتی که بعمل می‌آوریم باید مؤثر و از روی کمال جرأت باشد.

مجلس به موجب قانون دویم صفر ۱۳۲۹ (هجری) (۲ فوریه ۱۹۱۱) [۱۳ بهمن ۱۲۸۹] استخدام خزانه‌داری مملکت را تصویب نموده و دولت بر وفق این تصویب یك شخص امریکایی را استخدام نموده‌اند برای آنکه نظارت عمومی و جدی کنترل عایدات و مصارف مملکت را در عهده گیرد.

واضح است هر زمانی که یك شغلی را به دست شخصی می‌سپاریم تا آنکه اقتدارات لازمه‌ای که برای آن مقصود لازم است به او داده نشود بانجام آن موفق نمی‌تواند شد.

در امورات دنیا خواه رسمی خواه شخصی قاعدتاً اگر کسی یك مسئولیت عمده را برعهده گیرد بدون آنکه قبلا وسایل لازمه را تحصیل کند یا احمق یا آدم متقلبی‌است.

تاکنون ترتیبات مالی و نقدی دولت ایران بدون سیستم و توسط مأمورین مختلفه اداره می‌شده و هر یك از این مأمورین در ظرف چند ماهی وظایف عمدهٔ خود را بعمل آورده و آن وظایف راجع است به اصول اصلیه‌ای که حالا آنها را وابسته و مربوط به اهالی ایران می‌دانند بدون آنکه در مشاغل و کارهای این مأمورین تنقیدی شود یا آنکه بر عقاید متضادهٔ راجع به آن مسئله اشاره رود. نتایج وخیمهٔ اختلاف عقاید را هم دولت و هم اهالی فهمیده و درك کرده‌اند.

اغتشاشات ادارات، عدم کنترل مؤثر در امورات مالیه و عدم امکان رفورم حقیقی و بالاخره غیرمعلومی اشخاصی که در واقع مسئول اعمال غیرقانونی بوده‌اند بلاشك مملکت را بیك حال خراب غیرقابل ترمیمی سوق خواهد داد. اگر بخواهیم خود را از این موقع خطرناك نجات دهیم بایستی اقدامات فوق‌العاده در راه رفورم این اوضاع بنماییم زیرا ممکن نیست درختان یك جنگلی را با یك چاقوی قلمتراش بیندازیم.

امورات مالیه مملکت دارای کیفیت و طبیعت مخصوصی می‌باشد که نمی‌تواند منافع شخصی یا پلتیکی یا اوضاع موقتی را مراعات نماید بنابراین برای آنکه رفورم جدید دائمی در امورات مالی و نقدی دولت ایران بعمل آید اقدامات ذیل که با یك نظر بسیار محتاط و دقیق در آن مداقه شده به مجلس تقدیم گشته عطف نظر اعضای آن به اهمیت

و لزوم آن جلب می‌شود.

مادهٔ اول ــ کنترل مستقیم مؤثر کلیهٔ معاملات مالی و نقدی دولت ایران بانضمام وصول تمام عایدات از هر قبیل و کنترل و محاسبهٔ تمام مصارف دولت به عهدهٔ خزانه‌داری کل سپرده می‌شود.

مادهٔ دویم ــ خزانه‌داری کل تشکیلات ذیل را در وزارت مالیه برقرار می‌دارد :

اول: ادارهٔ کل برای وصول مالیاتهای جزء و کل و هر قبیل عایدات دولتی چه مالیاتهای جزء و کل که فعلا اخذ می‌شود و چه مالیاتهایی‌که از این ببعد برقرار شود.

دویم: ادارهٔ کل که برای تفتیش و کنترل تمام‌وجوهاتی‌که به‌دولت‌می‌رسد و مصارفی که تصویب می‌گردد و محاسبه‌ای که به آن مربوط‌است.

سوم: ادارهٔ کل برای معاملات نقدی تمام معاملات دولت با بانك و معاملاتی‌که راجع به ضرابخانه و مبادلهٔ‌نقدی باخارجه و استقراضات و فرع و استهلاك و مبادلهٔ‌نوشتجات پولی و امتیازات و مقاولات مالیه خواه این مقاولات وسیلهٔ عایدی دولت باشد یا آنکه سند مالی از طرف دولت ایران باشد، برحسب شروط مواد قوانین ملحوظ توسط این اداره به‌عمل خواهد رسید.

مادهٔ سوم ــ در هر یك از اداراتی که در مادهٔ دویم اشاره به آن شده خزانه‌داری کل شعبه‌های کل و جزو را که‌لازم می‌داند برقرار خواهد نمود.

مادهٔ چهارم ــ هنگامی که ادارات مرکزی مرتب و منظم گردید خزانه‌داری کل هر زمان که مقتضی بداند ترتیبات لازمه برای تشکیل ادارات در هر یك از ولایات و ایالات مختلفه را خواهد داد.

مادهٔ پنجم ــ خزانهٔ مملکت به خزانه‌داری کل سپرده خواهد شد و به هیچیك از مصارف دولتی بدون امضای او در مورد پرداختهای نقدی یا بدون تصویب او در مورد پرداختهای نسیه بعمل نخواهد آمد.

مادهٔ ششم ــ خزانه‌داری کل قوانین و تنظیماتی را که برای اجـراء و انجام بطور صحیح ترقیاتی را که در مواد سابقه مذکور شده مناسب بداند آماده نموده و این قوانین پس از ارائه و طبع حکم قانون خواهد داشت.

مادهٔ هفتم ــ اعتبار بقدر شصت هزار تومان به خزانه‌داری کل داده خواهد شد.

برای برقرارداشتن هیئت مخصوصی برای تفتیش در صورتی‌که مستخدمین جدید در تحت کنترات برای تشکیل چنین هیئتها لازم باشد کنترات آنها برحسب معمول برای تصویب به پارلمان تقدیم خواهد شد.

مادهٔ هشتم ــ تهیهٔ بودجهٔ مملکت که باید از طرف دولت به پارلمان تقدیم شود یکی از وظایف خزانه‌داری کل خواهد بود و تمام وزراء و مستخدمین دولت مجبور خواهند بود که آنچه اطلاعات خزانه‌داری کل لازم داشته‌باشد بدون تأخیر به او بدهند.

مادهٔ نهم ــ خزانه‌داری کل آنچه صرفه‌جوئی که مناسب بداند در مصارف و معاملات دولت خواهد کرد. این یکی از وظایف معینهٔ او خواهد بود.

مادهٔ دهم ــ خزانه‌داری کل هر ربع سال یك مرتبه راپورت اوضاع مالیهٔ مملکت

را آماده و تقدیم دولت خواهد نمود.

مادهٔ یازدهم ــ خزانه‌داری کل تحقیقات لازمه برای اصلاح و ترقی قوانین موجودهٔ مالیه و تولید منابع جدیده عایدات که در آن‌واحد برای مملکت مناسب و ذی‌نفع و مطبوع باشد کرده توسط دولت آن را به پارلمان تقدیم خواهد نمود.

مادهٔ دوازدهم ــ خزانه‌داری کل بر پرسنل مشاغلی که بر حسب مواد فوق در تحت کنترل او برقرار خواهد شد آمر خواهد شد.

نمره ــ ۱۵٤

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژویت)

طهران ۱۴ ژویت ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخاراً خلاصهٔ وقایع چهارماههٔ گذشتهٔ ایران را لفاً ایفاد می‌دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۵۴

خلاصهٔ وقایع ایران برای مدت از هیجدهم مه لغایت ۱۴ ژون ۱۹۱۱

طهران

مأمورین مالیهٔ امریکایی ــ مستر آر دبلیو هیلز مدت کمی پس از مستر شوستر و سایرین به طهران ورود نمود ولی به واسطهٔ علت مزاج خانوادگی به امریکا مراجعت نمود. مستر کرنز هنوز وارد نشده. مستر شوستر مسودهٔ دو لایحه راجع به وظایف خود در مقام خزانه‌داری کل حاضر نموده است. مجلس به فوریت آنها را تصویب‌کرده و قانونیت پیدا کرده‌اند.

مجلس

در جلسهٔ ۱۸ مه دولت اجازه خواست که حقوق مستخدمین فرانسوی و سوئدی را که استخدام شده‌اند از روی میزان ذیل بپردازد:

صاحبمنصبان سوئدی برای ژاندارمری	فرانك سالیانه
یك کاپیتان	۲۰،۰۰۰
دو لفتنان	۲۴،۰۰۰

مأمورین فرانسوی	
یك نفر برای وزارت داخله	۳۰،۰۰۰
یك نفر برای وزارت عدلیه	۳۰،۰۰۰

و تصویب گردیده که اختیارات لازمه به آنها داده شود. پروگرام دولت از برای مصرف

وجه قرضه. لیرای انگلیسی (به مبلغ چهارصد هزار لیرا) در جلسات ۱۶ و ۱۸ مه مطرح مذاکره گردیده (رجوع به‌مراسلهٔ ۱۹ مه بفرمایید) و به اکثریت آراء تصویب شد.

در جلسهٔ ۲۰ مه یکی از اعضاء پیشنهاد نمود که یك ماده بر پروگرام مصارف علاوه شود به این مضمون که مبلغ یکصد هزارتومانی را که برای پرداخت حقوق عقب‌افتادهٔ نمایندگان ایران مقیم خارجه کنار گذارده شده بطور تناسب در میان آنها تقسیم‌شود چون‌که این وجه البته برای پرداخت کلیهٔ حقوق عقب‌افتاده مکفی نخواهد بود این مسئله تصویب گردید ولی اکثر آرائی که با این پیشنهاد موافقت داشت از طرف‌دستهٔ مخالف بود.

در ۲۳ مه بودجهٔ سالیانهٔ مجلس برای سال آتیه (از ماه مارس ۱۹۱۱ الی ماه مارس ۱۹۱۲) قرائت و به اکثریت آراء تصویب گردید. مصارف عمده که تصویب گردیده از قرار ذیل است:

حقوق وکلاء (هریك سالیانه ۲۴۰ لیرا)	۱۲۱،۰۰۰	تومان
حقوق اجزاء	۱۳،۲۵۴	تومان
مصارف متفرقه	۱۰،۶۷۴	تومان

در ۲۵ مه صدراعظم اعلام نمود که معاون‌الدوله و ممتازالدوله عهده‌های خود را به طریق ذیل معاوضه نموده‌اند:

معاون‌الدوله به مقام وزارت مالیه

ممتازالدوله به مقام وزارت تجارت و پست و تلگراف

صدراعظم این‌طور توضیح نمود که این معاوضه به واسطهٔ کثرت مشاغل وزارت مالیه و علت مزاج ممتازالدوله به عمل آمده.

در جلسهٔ ۲۷ مه مرتضی‌قلی‌خان سردستهٔ طرفداران وزراء نقشه‌ای در باب تجزیهٔ کرمان از بلوچستان قرائت نمود و پس از مختصر مذاکره مسئله مسکوت‌عنه ماند.

در ۳۰ مه لایحه‌ای در خصوص تعیین وظایف خزانه‌داری کل و کنترل او بر مصرف وجهی که از قرضه بدست می‌آید به مجلس عرضه گردید.

در ششم ژون بودجهٔ دربار قرائت و تصویب گردید. جمع وجوهاتی که برای این مقصود برای سال آتیه تعیین گردیده ۳۰۰،۰۰۰ تومان است و فقرات عمدهٔ آنها بقرار ذیل است:

برای صرف جیب شاه	۱۴،۵۰۰	تومان
مخارج ولیعهد	۱۸،۰۰۰	تومان
مخارج نایب‌السلطنه (بانضمام کابینهٔ او)	۶۰،۰۰۰	تومان
وزارت دربار	۲۰،۰۰۰	تومان
خانوادهٔ سلطنتی	۱۳۵،۰۰۰	تومان

در ۸ ژون لایحهٔ دیگر در خصوص جزئیات وظایف خزانه‌داری کل و اختیاراتی که در اداره‌نمودن مالیه بوی داده شود به مجلس عرضه گردید. لایحهٔ مزبور بـه کمیته

مرجوع شده و در جلسهٔ ۱۳ ژون به اکثریت آراء تصویب گردید.
سردار اسعد در سوم ژون به طرف اروپا رهسپار گردید.

تبریز

در اوایل ژون مخبرالسلطنه از ایالت استعفاء نمود. امان‌الله‌میرزا فرماندهٔ عساکر آذربایجان فعلا بجای او مشغول کار است.
حاکم اردبیل که برای سرکوبی شاهسونها عزیمت نموده بود قریب میسکین در اواخر مه شکست خورده و به اهر فرار نمود. از قرار مذکور کار بر حاکم اهر سخت شده چرا که قشونی‌که او برای سرکوبی قراداغیها فرستاده بود منهزم گردیده‌اند.
شجاع‌الدوله حاکم مراغه چندی قبل از استعفای مخبرالسلطنه خود را از تحت اختیار ایالت آذربایجان خارج نموده و از قرار راپورت واصله مشغول جمع‌آوری استعدادی بوده ولی آیا چه مقصودی از جمع‌آوری آن در نظر داشته آشکار نمی‌باشد. از قرار راپورتی که از ایرانیان واصل شده قصد وی از جمع‌آوری این استعداد مقابلهٔ با سالارالدوله‌است که‌با دویست یا سیصدنفر در هفتم ژون نزدیك میان‌دوآب‌بوده. مقصود سالارالدوله بنابر عقیدهٔ عموم این است کـه دولت را مجبور کند بـا او درخصوص املاك ضبط‌شدهٔ خود طوری اصلاح نماید.

رشت

یمین‌الممالك به حکومت گیلان تعیین شده و در ۲۶ مه به رشت وارد گردید.
یك‌نفر تاجر یونانی که از رشت به انزلی می‌آمده سه نفر ارمنی در راه خمام او را حمله نموده یکصد و پنجاه لیرا از او برده‌اند. کالسگه‌چی او موفق به‌فرار شد و خبر این مقدمه را به رشت رسانیده و از آنجا پلیس به آن نقطه فرستاده شده ارمنیها را دستگیر و یکی از آنها را شلاق زدند تا محلی که یکصد و پنجاه لیرا را پنهان نموده بود بروز داد.

سیستان

در اواخر آوریل سیلاب رودخانهٔ هامون برشلا غلبه نموده مقدار زیادی از اراضی میان‌کانجی [میان‌کنگی؟] را پوشانید و چندیـن قسمت از جـادهٔ سیستان الی کوه ملك‌سیاه را سیلاب گرفته قوافل مجبور بودند که مسافتهای زیاد از راههای بیراهه طی نمایند. رسانیدن آذوقه به دستهٔ رباط و حمل مال‌التجاره اشکال زیاد داشت و بیشتر آنها در کوه ملك‌سیاه معطل ماند. به اکثر دهات خسارت زیاد وارد آمده و در یکی از دهات میان‌کانجی از قرار مذکور چهل و شش نفر تلف شده‌اند.
اوضاع سیستان در ماه مه به طریق معمول ولی در قاین نارضایتی عامه برضد شوکت‌الملك حاکم آنجا در ازدیاد بود.
از قرار راپورت واصله بلوچها دفعهٔ دیگر در چاه داشتی به مسافت بیست میل

جنوب غربی هجوم آورده یکصد نفر آنها بطور مسلح به چادرهای ایلات طاهری هجوم آورده و سیصد و پنجاه نفر شتر و چندین هزار رأس گوسفند و کلیهٔ اشیایی‌که چادرنشینان مذکور داشته‌اند و قیمتی داشته به سرقت برده‌اند. بنابر عقیدهٔ عموم خود حشمت‌الملك این هجوم را تحریك نموده است.

محمدعلی نیشابوری عملا بر یك ناحیهٔ بزرگ نزدیك گون‌آباد [= گناباد] حکمفرمایی نموده.

علی‌هذا ایاب و ذهاب بستهٔ [= پستهٔ؟]مشهد خیلی بی‌نظم‌است. تازگی هیئتی از کلانتران سنی خانه وکالتاً مجر اکنور [میجر اوکانر؟] را در بیرجند ملاقات کرده استدعا نموده‌اند که سنی‌های آنجا را به تبعیت انگلیس درآورند و اظهار داشتند که مالیاتهای جدیدی که دولت از زمان مشروطیت برقرار داشته‌اند بر آنها تحمیل فوق‌العاده بوده و دیگر آنکه حاکم ظاهراً از عهدهٔ حفظ آن ایالت از دست سارقین نمی‌تواند برآید. به آنها اطلاع داده شد که استدعایشان را نمی‌توان قبول نمود.

یك‌دسته بربریها که به مشهد برای زیارت می‌رفته‌اند با بعضی از دهاتیان محمدآباد که در راه تربت واقع و چهل میل از بیرجند مسافت دارد نزاع نموده‌اند. دهاتیان به اتفاق بعضی از چادرنشینان کاروانسرایی را که بربریها در آن منزل کرده بودند محاصره نموده و قدری گلوله به آن انداخته‌اند و یك نفر از آنها را موسوم به یعقوب‌علی بربری که سابقاً جزو سپاهیان دستهٔ‌پیاده‌نظام صد و بیست و ششم‌بلوچستان بود بقتل رسانیدند.

بربریها به مجر اکنور در بیرجند رجوع نموده و او هم قرار داد که با حشمت‌الملك متفقاً در این باب تحقیقات نماید. نتیجه این شد که قتل مذکور ثابت گردید مجر اکنور برای خانوادهٔ شخص مقتول چهارصد لیرا مطالبه نموده ولی شوکت‌الملك با وجود آنکه خود این مسئله را تصدیق داشت از پرداخت وجه این جریمه امتناع ورزیده حاضر شده است که فقط چهل الی شصت لیرا بپردازد. سفیر اعلیحضرتی این جریمه را از دولت ایران مطالبه نموده است.

اصفهان

سردار اشجع بختیاری حاکم جدید در ۲۶ مه وارد گردید. اگرچه از قرار مذکور از تعیین حکومت بختیاری مردم باطناً رضایت ندارند ولی شهر آرام است. مسئلهٔ نان از شدت خود کاسته مقداری زیاد گندم و سایر ماکولات وارد شده است. ادارات محلی که بواسطهٔ اغتشاش ۶ مه از کار افتاده بودند مجدداً تدریجاً بکار خود مشغول‌گردیدند

شرح اوضاع راه شیراز را در مراسلهٔ علیحده نگاشته‌ام. تمام راههای دیگر باستثنای راه طهران ظاهراً امنیت داشته. چنانچه در خلاصهٔ وقایع آخری راپورت‌دادم دزدان به مستر کینگستن در ۱۴مه نزدیك خالدآباد زده و آنچه داشته برده‌اند. این سرقت در ساعت یازده بعد از ظهر به وقوع رسید. سارقین پس از گرفتن پولهای مستر کینگستن خود او را با نوکرهایش بر زمین انداخته کتهایشان را بستند و یکی از آنها

با ته تفنگ خود مکرراً او را زده و لگدکوب نمود. مستر کینگستن بـدون مستحفظ مسافرت می‌کرد حاکم کاشان وعدهٔ سوار به او داده بود ولی از فرستادن آنها قصور ورزید. چنان تصور می‌شود که این دزدی کار ایلات نبوده و منشأ آن خود دهاتیان بوده‌اند. سیر جنت پیطرز از اعضاء ادارهٔ تلگرافی هند و اروپا شش ساعت بعد از همان محل عبور نموده هیچ ایلیاتی در آنجا ندیده بود. از اواسط مه تاکنون راه بین خالدآباد و مادرشاه را دستجات کوچك سارقین اشغال نموده ولی فقط سرقتی که در حقیقت واقع و راپورت آن داده شده در مورد یکی از محترمین اصفهان در ۳۰مه نزدیك خفر به وقوع رسیده سارقین مزاحم پسته نشده‌اند.

در عرض ماه مه اخبار انتظار وقوع اغتشاش در خاك بختیاری شیوع داشت و از قرار راپورت واصله طرفین مشغول جمع‌آوری قشون بودند. موقع تا هشتم ژون به همین‌طور مبهم و غیرمعلوم باقی بود تا آنکه در پل زمان‌خان ده میلی شمال دهکرد مابین طایفهٔ چهارلنگ که با ضرغام‌السلطنه متحد شده بودند و طایفهٔ هفت‌لنگ جنگ شروع گردید. عدهٔ طایفهٔ چهار لنگ را بطور مختلف از هزار الی دو هزار و پانصد نفر تخمین می‌زنند. در دهم ژوئن راپورت داده شد که مجادله بر مظفریت طایفهٔ چهارلنگ که طایفهٔ خواجویی هم با آنها متحد شده بودند خاتمه پذیرفته. از قرار مذکور عدهٔ کثیری تلف شده‌اند. عده‌ای از زنان هفت‌لنگ که در جلو طایفهٔ چهارلنگ فرار نموده بودند در روز ۱۱ و ۱۲ به اصفهان وارد شدند. قشون امدادی که حاکم اصفهان می‌خواست به طرف طایفهٔ هفت‌لنگ بفرستد هنوز حرکت نکرده بودند. علت آن بنا بر عقیدهٔ عموم این بود که چهارلنگها راه را بر آنها مسدود نموده بودند.

سردار ظفر که منسوب به طایفهٔ هفت‌لنگ و فعلا در طهران است یقین دارد بر اینکه می‌توان طایفهٔ چهارلنگ را منکوب نمود. این جنگ به ایاب و ذهاب قوافل محمول مال‌التجاره در راه اهواز لطمه وارد نیاورده است.

یـزد

ضرغام‌الدولهٔ قشقایی در ماه مه از حکومت معزول و بجای او فخرالملك حاکم‌سابق هربستان منصوب گردیده است. قبل از عزل از مشیرالملك ضابط کل به تهدید چوب و فلکه معادل دو هزار لیرا گرفت از آنوقت تاکنون به اصفهان نرفته است.

راه باستثنای غارتهای همراهان ضیغم‌الدوله هنگامی‌که به‌طرف اصفهان می‌رفتند ظاهراً مأمون بوده.

در دوم ژون راپورت داده شد که یك هزار نفر از کهکلوئیها [کهگیلوئیه‌ایها] و بوئراحمدیها به طرف نوغومباز به قصد غارت در حرکت بوده‌اند.

کرمان

قشون در تحت سردار نصرت در محاصرهٔ همراهان بهرام‌خان که در قلعهٔ فهرج هستند مداومت دارند و گاه‌گاهی از محل خود هجوم آورده ولی چندان خسارتی وارد

نیاورده‌اند. عساکر از گرمای هـوای بلوچستان بسیار اذیت کشیده و محتمل است بدون اجازه محاصره فهرج را ترك نمایند. مراجعت آنها باعث اهمیت نام بهرام‌خان گردیده جزئی اقتداری‌که برای دولت ایران هنوز در آن نقاط بـاقی است از میان خواهد رفت.

در اواسط آوریل در دولت‌آباد که در راه کرمان الی بندرعباس واقع‌است معادل سه هزار لیرا مال‌التجاره متعلق به مسترز کاستلی و مستر استونز به سرقت رفت. باستثنای این سرقت‌راههای این ایالات و ولایات از قرار معلوم نسبتاً امن است. کلنل هیگ در ضمن مسافرتش دریافته بود کـه مرتکبین این سرقت وقتی کـه فهمیدند مال‌التجارهٔ مسروقه متعلق به کمپانی خارجه است از کردهٔ خود زیاده متأسف‌گردیده‌اند.

کرمانشاه

رکن‌الدوله از حکومت معزول و بجای او سردار معتضد تعیین گردیده است. تا زمان ورود او از طهران امور حکومتی به محتشم‌الدوله واگذار است و تاکنون به حفظ نظم موفق گردیده است. دیگر آنکه به یارمحمدخان اصرار نموده و او را راغب به ترك کرمانشاه نموده وگرنه یحتمل مابین او و همراهان اکبرخان برادر معین‌الرعایای مقتول جنگ واقع می‌گردید. قنسول اعلیحضرتی در دوازدهم ژون تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داد که اکبرخان به قصد حمله به ده رستم‌بیك حرکت نموده و دو دسته مخالف استحکامات کرمانشاه را متصرف گردیده شلیك تفنگ هم در بین به وقوع رسیده. بازارها بسته و عموم اهالی را ترس و بیم فرا گرفته است.

داودخان کلهر مشغول جمع‌آوری استعداد برای حمله به صمصام‌الممالك سنجابی می‌باشد ولی از قرار معلوم به وصول تلگراف از طهران که نظم شهر را به او واگذار کرده‌اند او از اجرای اقدام فوق‌الذکر استنکاف نموده است.

از قراری‌که راپورت رسیده والی پشتکوه با پسر خود امان‌الله خان که با او مقابله نموده بود صلح کرده و تقاضاهای او را قبول کرده است.

شیراز

هیجان عامه بر علیه پناه دادن قوام‌الملك در قنسولخانهٔ اعلیحضرتی تا مدتی در اینجا دوام داشت ولی اکنون برطرف گردیده.

در دهم ژون بدبختانه حادثه‌ای واقع گردیده پانصد نفر از سربازان کوشش نمودند که به قنسولخانهٔ اعلیحضرتی جبراً ریخته بعلت تعویق در پرداخت حقوق خود در آنجا بست اختیار نموده پروتست نمایند. شلیك واقع گردیده سه نفر از سربازان ایرانی مقتول و دو نفر مجروح گردیده یکی از سواران دستهٔ بیست و پنجم قشون سواره از مستحفظین قنسولخانهٔ اعلیحضرتی یکی از انگشتانش به ضرب گلوله از هم متلاشی شد.

حکومت قشون برای محافظت قنسولخانه تعیین‌نموده و سرکردهٔ قشون یکی از اجزاء

شخصی خود را برای اظهار تأسف از حادثه‌ای که شرح آن مفصلا در کاغذ علیحده نگاشته شده فرستاد.

خلیج فارس

بوشهر

به علت بروز مرض طاعون در بوشهر در ۲۳ آوریل رسماً اعلان شیوع آن مرض داده شد.

بندرعباس

در آخر آوریل از میناب خبر رسید که ضابط جیرفت برحسب امر حاکم کرمان ضرغام نظام و حناند خانرا پس از یك جنگی که در آن از هر طرفی پنج نفر مقتول گردیدند دستگیر نموده.

نمره ــ ۱۵۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژویت)

طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۱ [۲۸ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ ج ۲ ــ ۱۳۲۹]

آقا

راجع به تلگراف ۳۱ مارس گذشتهٔ من همکار روسی من اطلاع می‌دهد که پس از آنکه در باب اقدامی‌که برای قتل معتمدخاقان حاکم اصفهان به عمل آمده و برادرزادهٔ او بقتل رسید متحداً تحقیقات لازمه نموده و پس از اختتام تحقیقات میرزا عباس‌خان را برای محاکمه به روسیه فرستاده‌اند.

امضاء جارج بارکلی

نمره ــ ۱۵۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژویت)

طهران ۲۱ ژون ۱۹۱۱ [۳۱ خرداد ۱۲۹۰؛۲۳ ج ۲ ــ ۱۳۲۹]

آقا

راجع به مکتوب ۱۶ مه من در خصوص قرضهٔ ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا که دولت ایران توسط بانك شاهنشاهی ایران استقراض می‌نمایند افتخار دارم جوفاً ترجمهٔ قانون مجلس را که برای همان مقصود در دوم مه تصویب گردیده انفاد دارم.

ملفوف نمرهٔ ۱۵۶

قانون ذیل که به واسطهٔ آن دولت ایران مختار گردیده‌اند قرضهٔ ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا توسط بانك شاهنشاهی ایران بنمایند در پارلمان ایران در تاریخ دوم مه ۱۹۱۱

[۱۲ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۳ ج ۱ ـ ۱۳۲۹] تصویب گردیده و چهار مواد ذیل را که در قانون مزبور مندرج است از روزنامهٔ رسمی دولت ایران که در تحت نمرهٔ ۱۴ روز پنجشنبه ۱۸ مه منتشر گردید ترجمه شده است.

قانون مورخهٔ دوم مه ۱۹۱۱

مادهٔ اول ـ دولت ایران مختار است که توسط بانك شاهنشاهی ایران مبلغ ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا از قرار فرع صدی پنج با نزول صد دوازده و نیم استقراض نماید.

مادهٔ دوم ـ ترتیب استهلاك و وثیقهٔ این قرضه بطریق ذیل خواهد بود:

۱) استهلاك این قرضه از قرار صدی نیم پس از انقضاء پنج سال از تاریخ این قرضه پرداخته خواهد شد.

۲) وثیقهٔ این قرضه همان وثیقهٔ قرضهٔ سابق دولت ایران از بانك شاهنشاهی بر طبق شرایط قرارداد ۲۰ مارس ۱۹۱۰ خواهد بود یعنی اول وجوهاتی‌که از بابت عایدات گمرکات جنوبی پس از وضع مصارف وصول آن واصل می‌گردد.

۳) در صورتی‌که بانك شاهنشاهی ایران در باب عدم پرداخت اصل این قرضه پیشنهاداتی نماید که بعلت آن دولت ایران حقی نداشته باشند که تمام وجه قرضه را تا یك مدت معینی بپردازند دولت می‌تواند به این پیشنهاد رضا دهد به شرط آنکه مدت مذکور بالغ بر پنج‌سال از تاریخ امضای این قرضه نباشد.

مادهٔ سوم ـ اسهام این قرضه از هر گونه مالیات و عوارضی که ممکن است فیمابعد تعیین گردد معاف خواهد بود.

مادهٔ چهارم ـ پس از پرداخت ۳،۳۹۶،۶۹۷ تومان که فعلا بانك طلبکار است و ۳۴۰،۰۰۰ تومانی که از بابت قرضه بطور مساعده داده شده تتمهٔ قرضه تا زمانی که نقشهٔ مصارف و طرح کنترل در مجلس تصویب نگردیده در بانك سپرده خواهد بود.

نمره ـ ۱۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژوئیت)

طهران ۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۶ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع طهران

تاکنون کسی برای تعیین به مقام سپهدار پیدا نشده و مجلس به استثنای معدودی از اعضاء حالا درك می‌کنند که باید از ایشان طرفداری نمایند.

ناصرالملك دیروز وکلاء را احضار نموده و بطور سخت با آنها صحبت داشته آنها را از اهمیت امورات متنبه نموده است. والاحضرت از اکثریت آنها نوشته‌ای که به موجب آن همراهی با سپهدار را تعهد نموده بودند گرفته مضمون آن را برای سپهدار مخابره نمود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۴ ژویت)
طهران ۴ ژویت ۱۹۱۱ [۱۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۷ رجب ۱۳۲۹]
سپهدار دیروز از رشت بسمت طهران حرکت نمود.

نمره ـ ۱۵۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ ژویت)
طهران ۵ ژویت ۱۹۱۱ [۱۳ تیر ۱۲۹۰؛ ۸ رجب ۱۳۲۹]
متأسفانه راپورت می‌دهم که مناقشه‌ای مابین مسیو مرنارد و مستر شوستر بوقوع رسیده. خزانه‌داری کل اصرار دارد بر اینکه برحسب قانونی که در ۱۳ ژون از مجلس گذشته مدیر کل گمرکات باید در تحت امر او باشد و از مسیو مرنارد درخواست نموده است که کلیهٔ وجوهات گمرکی را در بانکهای انگلیسی و روسی به حساب او امانت بگذارد. تاکنون مدیر کل گمرکات به این‌ترتیب باطناً رضا نداده و بانك شاهنشاهی در تعقیب تعلیمات خزانه‌داری کل که باید فقط امضاء وی را بشناسد چکهایی‌که مدیرکل گمرکات از بابت محاسبات گمرك به حوالهٔ بانك صادر نموده بانك نکول کرده‌است.
دیشب کابینهٔ وزراء نتیجهٔ رأی خود را در باب تقویت با تقاضاهای مستر شوستر برای مسیو مرنارد فرستاده او را امر به اطاعت قانون جدید نمودند.
عقیدهٔ من این است که خوب است در این مجادله خود را دخیل ننمایم مگر آنکه برخلاف آن از طرف شما تعلیمات برای من برسد.

نمره ـ ۱۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژویت)
طهران ۶ ژویت ۱۹۱۱ [۱۴ تیر ۱۲۹۰؛ ۹ رجب ۱۳۲۹]
در تعقیب تلگراف دیروز خود افتخاراً راپرت می‌دهم که در ۴ ژویت بانك‌شاهنشاهی ایران از قبول چکی که مسیو مرنارد از بابت یك فقره از محاسبات گمرکی صادر نموده بود امتناع ورزیده چك مزبور را بعلت آنکه از طرف مستر شوستر امضاء نشده بود مرجوع داشت. مسیو پکلیوسکی [= پاکلوسکی] مرا اطلاع داده که چك مذکور برای انتقال بعضی از وجوهات گمرکات شمالی صادر گردیده که مدیرکل گمرکات برای تسهیل امور خود در بانك شاهنشاهی امانت گذارده بود که برای بانك استقراضی بفرستد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۶۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ ژوئیت)
طهران ۷ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۵ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۹]

افتخاراً راپرت می‌دهم که مجلس دیروز مستر مرگان شوستر را بـه اتفاق آراء مختار نمود که یك نفر معاون مالیه برای تشکیل ژاندارمری خزانه استخدام نماید. از قراری که فهمیده‌ام مستر شوستر زمانی که این پیشنهاد در تحت ملاحظه بود بطور محرمانه به مجلس اطلاع داده بود تصمیم نموده است که این شغل را به آتاشه میلیتر سفارت دولت اعلیحضرتی واگذار نماید. اکنون تصمیم خود را فعلیت داده در مکتوب خود به عنوان ماژر استوکس می‌نویسد که وجود او برای این عهده‌ای که پیشنهاد شده به ملاحظهٔ بصیرت کاملی که از مملکت و اوضاع عمومی آن دارد و تحصیلات نظامی و آشنایی با زبان مملکتی او برای دولت ایران فایدهٔ زیاد خواهد داشت.

وظایف ژاندارمری خزانه از قرار مشروح تقویت و کمك مأمورین مالیه مخصوصاً در ایالات و ولایات جنوبی در هر جا که لازم باشد در وصول مـالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم خواهدبود. تعیین او در تحت امر مستر شوستر خواهد بود. استدعا می‌کنم جواب را زودتر بفرستید برای آنکه در صورت قبول خزانه‌داری کل بتواند اقدامات فوری نموده در این باب با دولت اعلیحضرتی بطور رسمانه مذاکره بنماید.

می‌ترسم امکان نداشته باشد به دولت ایران بطور واضح اصرار نماییم که تعیین او را فقط به نقاط جنوبی محدود سازند چرا که چنین اقدامی از طرف ما در این موضوع مجلس را ملزم خواهد ساخت که ما در مسئلهٔ این تعیین قصد پلتیکی در مد نظر داشته‌ایم.

این را ممکن است علاوه نمایم که اول اطلاعی که در این باب بدست من آمد از مراسله‌ای [بود] که مستر شوستر به آتاشه میلیتر نگاشته است.

نمره ـ ۱۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ ژوئیت)
طهران ۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۲ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز دومرتبه اسباب اضطراب شده. قریب هشتاد نفر تفنگچی متعلق بیکی از دهات مجاور محلی را در شهر اشغال نموده از حکومت تقاضای تسلیم قاتل یکی از رفقای خود را می‌کنند. حاکم شدت اوضاع را به واسطهٔ آنتریکهای همراهان قوام می‌داند و دولت ایران از من درخواست نموده‌اند قوام را تهدید نمایم که هرگاه اوضاع اینطور دوام کند او را به حکومت تسلیم خواهم نمود. قنسول اعلیحضرتی این تهمت را انکار نموده می‌گوید دهاتیان متظلم با قوام ارتباطی ندارند. با وجود این قوام را بطور سخت متنبه نموده‌ام که همراهان خود را باید آرام نگاه دارد.

نمره ـ ۱٦۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ ژویت)
طهران ۹ ژویت ۱۹۱۱ [۱۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۲ رجب ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل به نمایندهٔ اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره شده است:
دولت ایران مرا اطمینان داده‌اند که آن دولت از وثیقه‌ای که نظام‌السلطنه برای تأمین جان قوام داده راضی بوده و از من خواهش نموده‌اند شما را دستورالعمل دهم که او را برحسب ترتیباتی که نظام‌السلطنه می‌دهد بسمت اروپا حرکت دهید.
شما باید قوام را از اطمینانات دولت ایران مستحضر داشته از او درخواست‌نمایید که برای حرکت خود به بوشهر با نظام‌السلطنه ترتیبات بدهد. گمان می‌کنم او به این کار مایل نباشد و شما هم نباید مصر به قبول او شوید ولی در این صورت خوب است او اظهار نماید چه قسم تأمینات دیگر لازم دارد.

نمره ـ ۱٦٤

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژویت)
طهران ۱۰ ژویت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]
در تعقیب تلگراف پنجم ژویت من افتخاراً راپورت می‌دهم که میانهٔ خزانه‌داری کل و مدیرکل گمرکات ظاهراً قراری داده شده چنانچه از جزئیات مسئله بخوبی واقف شوم بشما راپورت خواهم داد.

نمره ـ ۱٦۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم ژویت)
طهران ۱۰ ژویت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]
راجع به تلگرافات دوم و پنجم ژون من سفیر روس بمن اظهار داشته که ایلات شاهسون حتی تا مغرب تبریز را غارت نموده و راه از تبریز به اردبیل و راه طهران تا میانج ناامن است. مشابه همین راپورتها از قنسول انگلیس برای من رسیده است.

نمره ـ ۱٦٦

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژویت)
طهران ۱۰ ژویت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۹ ژویت من حاکم در ۸ ژویت اعلانی منتشر نمود که پس از بیست و چهار ساعت دیگر آن نقطهٔ شهر را که تفنگچیان متظلم تصرف نموده و خانهٔ قوام هم آنجا است بمباران خواهد نمود. در این اعلان اغتشاشات را حمل به تحریک

قوام نموده اگرچه مکرراً دولت ایران را اطمینان داده‌ام که قوام مجاز نیست با خارج رابطه داشته باشد و مذاکره‌ای نماید مگر توسط کفیل قنسولگری.

حکومت از آن وقت تا حال بیست و چهار ساعت مهلت داده است کفیل قنسولگری برحسب خواهش حکومت تبعهٔ انگلیس را دستورالعمل می‌دهد که از محلی که تهدید شده است خارج شوند.

من دولت ایران را برای هر نوع خسارتی که به تبعهٔ انگلیس وارد آید مسئول قرار داده‌ام و از اینکه حکومت اظهار داشته است قوام از قنسولخانه مشغول آنتریك است پروتست نموده‌ام.

نمره ـ ۱۶۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]

ژاندارمری خزانه

رجوع به تلگراف هفتم ژوئیت کنید.

شما باید نظریات دولت روس را بدست آورده شرح اوضاع را برای او توضیح نموده اظهار دارید که تاکنون دولت اعلیحضرتی از مسئلهٔ تعیین او چیزی نشنیده‌اند.

نمره ـ ۱۶۸

تلگراف سر خارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ ژوئیت)

سنت پطرزبورغ ۱۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۹]

برحسب دستورالعملی که در تلگراف دهم ژوئیت خود داده بودید امروز با کفیل وزیر امور خارجه در خصوص تشکیل ژاندارمری خزانه صحبت نمودم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] مذکور داشت که نظر به آنکه او با کلیهٔ اقداماتی که در راه اعادهٔ نظم در ایران شود موافقت دارد بر تشکیل این ژاندارمری اعتراض نخواهد داشت ولی بتصور او هرگاه مقتضیات این تشکیل جدید لازم می‌دارد که آن در تحت امر یك نفر صاحبمنصب باشد بهتر است که آن صاحبمنصب از یکی از دول صغار انتخاب‌گردد. از طرف دیگر هرگاه امکان داشته باشد که آن را در تحت امر متجاوز از یکنفر قرار داد گمان می‌کند تعیین یکنفر صاحبمنصب انگلیسی و یك نفر روسی عیبی نخواهد داشت.

من به جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اشعار داشتم تحصیل یك نفر آدم لایق کافی‌برای این عهده ممکن است اشکال‌زیاد داشته‌باشد و ظاهراً ماژور استوکس دارای‌خصوصیاتی است که او را کاملا برای فرماندهی این قوه مناسب می‌نماید.

سازانوف در جواب اظهار داشت که تحصیل یك نفر صاحبمنصب سوئدی اشکال نخواهد داشت.

نمره ـ ۱۶۹[1]

طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

شیراز

در تعقیب تلگراف ۱۰ ژوئیت خود بمباردمانی را که فرمانفرما به آن تهدید نموده به وقوع نپیوسته شهر نسبتاً آرام است.

نمره ـ ۱۷۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژوئیت)

طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

بر دولت ایران معلوم شده که مجلل‌السلطان یکی از محبوبان شاه مخلوع که با آن اعلیحضرت در سفارت روس بست اختیار نموده بود [و] با او از ایران حرکت کرد، از طرف آن اعلیحضرت ایلات شاهسون را ملاقات نموده و مکتوبات او را به رؤسای ایلات رسانیده است.

قنسول ایران مقیم بادکوبه راپورت می‌دهد که سردار ارشد یکی از رفقای امیر بهادر باتفاق دو نفر از همراهانش با اسلحه و مهمات جنگی به بادکوبه وارد شده و شهرت داده‌اند که شاه مخلوع تا دو هفتهٔ دیگر به ایران معاودت می‌نماید. چنانچه از سفیر روس بمن مفهوم گردیده مأمورین روس این اشخاص را دستگیر نموده‌اند.

خوب است شاه مخلوع که گمان می‌کنم حالا در وینه است متنبه شود که دست از آنتریك بردارد. هرگاه ثابت شود که در مدتی که خارج از روسیه است مرتکب آنتریکی شود حقوقی را که برایش تعیین شده از دست خواهد داد.

نمره ـ ۱۷۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ ژوئیت)

طهران ۱۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگرافات دهم و دوازدهم من کفیل قنسولگری تبریز راپورت می‌دهد که طوایف قراداغی و شاهسون کاملا بنای یاغی‌گری گذارده و در حوالی تبریز مشغول غارت و چپاول زیاد می‌باشند. اهالی تبریز و اطراف و دهات مجاور آن در شهر پناهنده می‌شوند.

کفیل قنسولگری اطلاع دولت ایران را در باب اینکه مجلل‌السلطان در میان طوایف شاهسون حضور دارد تصدیق می‌کند.

---

۱) چنین است در اصل ـ فرستنده و گیرنده روشن نیست ـ م.

نمره ـ ۱۷۲ [1]

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ ژویت)
طهران ۱۳ ژویت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]

در تعقیب تلگرافات ۲۷ آوریل و ۲۸ مه افتخار دارم راپورت دهم که حمل و نقل مال‌التجاره در راه بختیاری بعلت سرقت مقطوع گردیده است.

تاکنون برای بهبهان حاکم مناسبی تعیین نگردیده من در این موضوع به دولت ایران فشار می‌آورم.

نمره ـ ۱۷۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ ژویت)
طهران ۱۳ ژویت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]

قنسول کرمان هیجان بر ضد پارسیان را راپورت می‌دهد. یکصد نفر پارسیان که تجار معتبر هم جزو آنها هستند در قنسولخانه تحصن اختیار نموده‌اند.

نمره ـ ۱۷٤

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارتخانه ۱۲ ژویت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]
ژاندارمری خزانه

لطف نموده تلگراف سنت‌پطرزبورغ را که در یازدهم شهر جاری مخابره شده ملاحظه فرمایید و مرا از نظریات خود واقف سازید. آیا به عقیدهٔ شما یك نفر صاحبمنصب سوئدی یا یك نفر از اتباع یکی از دول صغار می‌تواند مشکل را حل نماید؟

نمره ـ ۱۷۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر بیوکانان
وزارت خارجه ۱۳ ژویت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف سر جارج بارکلی مورخه دوازدهم ژویت
آنتریگهای شاه مخلوع

تحقیق کنید که آیا از محلی این راپورتها برای دولت روس تصدیق شده؟ و هرگاه اینطور است اظهار دارید که‌ما مایلیم سفیرکبیر اعلیحضرتی مقیم وینه را دستورالعمل دهیم که با همکار روسی خود متحداً شاه مخلوع را از اعمالش متنبه سازد.

---

۱) اصل: ۱۸۲.

نمره ـ ۱۷۶

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]
آقا

ایلچی مخصوص و سفیر ایران امروز به ملاقات من آمده و از من سؤال نمودند که ایلچی مخصوص در مراجعت خود چه اطلاعات به ایران ببرد و چه اخباری راپورت دهد؟ و از بهبودی اوضاع طرق جنوبی شرحی مذکور داشتند.

من به ایشان اظهار داشتم از قرار مفهوم با وجود آنکه مال‌التجاره از این طریق حمل و نقل می‌شود ولی موقع بهیچوجه دارای امنیت نمی‌باشد و اینکه از روی میل با استخدام صاحبمنصبان سوئدی موافقت نموده‌ام خود واضح و آشکار نموده است که ما بجز منافع تجارتی انگلیس مقاصد پلتیکی دیگر در نظر نداشته‌ایم و چیزی که لازم‌است تشکیل قوه‌ایست که باعث استقرار امنیت گردد.

ایشان از وضع سلوك ما در مسئلهٔ صاحبمنصبان سوئـدی قلباً اظهار رضایت و قدردانی می‌نمودند.

نمره ـ ۱۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ ژوئیت)
طهران ۱۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]

صدراعظم روز یکشنبه به طهران مراجعت نمود. وزرای دیگر روز سه‌شنبه استعفاء نمودند.

تشکیل کابینهٔ جدید نظر به آنکه سپهدار مایل نیست مسئولیت انتخاب وزراء را بعهده گیرد اشکال دارد و اکثریت اعضای مجلس هم از بابت انتخاب نمی‌توانندموافقت نمایند.

نمره ـ ۱۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ ژوئیت)
طهران ۱۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]
حاوی مفاد مراسلهٔ ذیل مورخهٔ ۱۵ ژوئیت می‌باشد:
آقا

افتخاراً وصول تلگراف ۱۳ شهر جاری شما را اطلاع می‌دهم.

پیشنهاد دولت روس را مبنی بر اینکه فرماندهی ژاندارمری خزانه که خزانه‌دار کل می‌خواهد تشکیل دهد تقسیم شود به طوری‌که یك نفر صاحبمنصب انگلیسی و یك نفر صاحبمنصب روسی فرماندهی داشته باشند دولت ایران بطور حتم قبول نخواهند کرد

مگر آنکه مجبور به این امر گردند و هرگاه ما اصرار به آن نمائیم بلاشك می‌دانم که خزانه‌دار کل استعفاء خواهد نمود.

اما در باب پیشنهاد ثانی که فرماندهی ژاندارمری خزانه به عهدهٔ صاحبمنصب سوئدی یا یکی از اتباع یکی از دول صغار سپرده شود گمان می‌کنم خوب است در این باب با مستر شوستر مشورت کنم و اکنون افتخاراً سواد جواب او را انفاد می‌دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۷۸

مکتوب مستر شوستر به سر جارج بارکلی

طهران ۱۴ ژوییت ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]

جناب سر جارج بارکلی

مراسلهٔ امروز شما مبنی بر اینکه دولت شما ظاهراً خیال می‌کند که تعیین ماژور استوکس برای تشکیل ژاندارمری خزانه امکان دارد باعث رقابت بین‌المللی شود واصل گردید. ضمناً شما از من سؤال می‌نمایید که آیا تعیین یك نفر صاحبمنصب سوئدی یا یکی از اتباع دول صغار رفع اشکال را خواهد نمود؟ در جواب عرض می‌کنم که چون مجلس اخیراً مرا مجاز نمود که شخص مناسبی را در تحت نظارت و کنترل مستقیم خود برای تشکیل قوهٔ ژاندارمری خزانه تعیین نمایم من ماژور استوکس را برای این عهده انتخاب نمودم به همین یك جهت و سبب که من او را از هر شخص دیگر که بتوانم برای این کار پیدا کنم بهتر و مناسب‌تر می‌دانم من شخصاً از صفات مخصوص ماژور استوکس از قبیل تحصیلات نظامی و توقف چهارسالهٔ او در ایران و معرفتی که از حال و وضع مملکت دارد و دانستن زبان فارسی و فرانسه (که بسیاری از اهالی اینجا بآن زبان حرف می‌زنند) و بطور عموم از احتراماتی که در مقام یك نفر صاحبمنصب و یك آدم متمدن در حق او مرعی می‌دارند واقف هستم و بدون تردید شما را اطمینان می‌دهم که در تحصیل یك نفر معاون کافی مالیه که برای این شعبهٔ بخصوص کار خود می‌خواستم پیدا کنم مسئلهٔ ملیت بهیچوجه در عقیدهٔ من رسوخی نداشت. هرگاه چنین خیالی در مد نظر داشتم باید این‌طور تصور شود که چون فیصلهٔ این امر به اختیار من واگذار شده بود بایستی در صدد باشم که از مملکت خود یك نفر معاون جلب نمایم.

ممکن است در این موقع تکراراً عرض کنم که امور رفورم مالیه را که من در مقابل اشکالات بسیار مهم بعهده گرفته و به یك طریقی شهرت و اسم و رسم شغل خود را در مخاطره گذارده‌ام بهیچوجه من‌الوجوه صورت پلتیکی ندارد و هیچیك از اعمال خود را از روی ملاحظات پلتیکی داخلی یا خارجی انجام نداده و طبعاً احساس می‌کنم که بهیچ طریقی نمی‌توانستم ارائهٔ طریق تفویض این عهده را به ماژور استوکس که من کاملا از روی سادگی و بی‌طرفی انجام داده‌ام و حمل به تمایل پلتیکی شود قبول کنم.

با ملاحظهٔ احترامات لازمهٔ اتباع دول صغار و بدون عدم ملاحظهٔ احترامات و شئونات چند نفر از هموطنان خود که برای خدمت در ژاندارمری خزانه تعیین‌نموده‌ام،

عقیدهٔ من این است که ماژور استوکس لایق‌ترین شخصی است که بتواند در اموراتی که مربوط به وظایف مالیهٔ من باشد خدمت کافی به این مملکت بنماید و به‌هیچوجه من‌الوجوه مایل نیستم که دیگری را از اتباع دول دیگر برای این شعبه یا سایر شعبات کار خود تعیین نمایم مگر آنکه خود شخصاً از محسنات و صفات شخصی او آگاه و راضی باشم.

ما البته می‌دانیم که یکی از بزرگترین نواقص هر یك از اجانب که در اینجا برای او اسباب زحمت می‌شود (چنانچه در مورد شخص من شده) عدم معرفت به زبان و عادات و طریقهٔ افکار اهالی ایران است و این نقص در مورد شخصی کـه بایستی مستقیماً با عده‌ای از مردمی که استعداد مسلحی از ایشان باید تشکیل شود طرف گردد بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. یك نفر صاحبمنصب سوئدی هرقدر هم لایق و کارآمد باشد لازم است که اقلا یکسال یا بیشتر عمر خود را در اینجا بگذراند تا بتواند حتی‌الامکان در این شعبه امورات خدمت حقیقی بعمل آرد حال آنکه بی‌اندازه لازم و واجب است که استعداد ژاندارمری من بزودی تشکیل و مشغول کار شود.

در انتها اجازه بفرمایید این را عرض کنم که چون مسئلهٔ تفویض این عهده را از طرف من به ماژور استوکس عموم مردم اینجا می‌دانند هرگاه مخالف آن عمل نماییم حتماً این اقدام را تعبیر به ملاحظات پلتیکی‌صرف‌خواهندنمود و من بهیچوجه نمی‌توانم آنرا بر خود روا دارم.

امیدوار چنانم که اظهارات من شما را قادر تواند نمود که دولت خود را در این موضوع مجدداً اطمینان داده و دولت مشارالیها بزودی قبولی ماژور استوکس را در تحت ملاحظه آورده جواب مساعد خواهند داد.

امضاء مرگان شوستر

نمره ـ ۱۷۹

تلگراف سر بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ ژوئیت)

سنت پطرزبورغ ۱۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف سر جارج بارکلی مورخهٔ ۱۲ ژوئیت:

کفیل وزارت امور خارجه مرا اطلاع داده که از قرار مسموع اشخاصی که از آنها اسم برده شده در بادکوبه دستگیر شده‌اند. جناب معظم‌الیه [= معظم له] هنوز به کشف اینکه آیا آنها از طرف شاه مخلوع فرستاده شده‌اند یا نه موفق نگردیده. اظهار می‌دارد که از قرار معلوم طوایف شاهسون طرفدار محمدعلی بوده ولی از مسئلهٔ مجلل‌السلطان بکلی بی‌خبر است.

وزیرمختار وینه روس را دستورالعمل خواهد داد که شاه مخلوع را که فعلا به عقیدهٔ او در کارلس‌باد است متنبه سازد.

نمره ـ ۱۸۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ ژویت)
طهران ۱۵ ژویت ۱۹۱۱ [۲۳ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۹]

مدیرکل گمرکات و خزانه‌داری کل شارژ دفر بلجیك به من اظهار می‌دارد که به دولت ایران اشعار نموده است که دولت بلجیك راضی نخواهد شد مأمورین آن دولت در تحت امر اجانب قرار گیرند و برحسب اطمینانی که حاصل نموده بهیچوجه اینطور قرار نبوده است که مسیو مرنارد را در تحت اوامر خزانه‌داری کل قرار دهند.

خزانه‌داری کل [= خزانه‌دار کل] شخصی است که می‌خواهد هماره ازروی میل‌خود عمل نموده و در این مسئله بخصوص قانون ۱۳ ژون از او آشکاراً تقویت می‌نماید.

این را باید دید که تا چه اندازه مستر شوستر می‌تواند اعمال اقتدارات خود را با مقامی‌را که [با مقامی که؟] مأمورین بلجیکی برای خود ادعا می‌نمایند عملا وفق دهد ولی این بسته به طریقهٔ رفتار او است.

هیچ علائمی نیست که بنمایاند که شارژدفر بلجیك بلاسبب مایل باشد در مسئلهٔ مدیر گمرکات تضییقی بنماید و از قراری که به من مذکور داشت در تاریخ ۱۳ ژویت طرفین دفعهٔ ثانی با یکدیگر ملاقات طولانی نموده و نتیجهٔ ملاقات ایشان قطعاً اسباب امیدواری بوده است.

مدیر کل گمرکات اکنون قبول نموده که محاسبات گمرکی را که تاکنون به اسم خودش نگاه داشته شده به حساب مستر شوستر انتقال دهد.

من همکار روسی خود را اطلاع داده‌ام که برای اینکه کوشش نموده ذات‌البین را اصلاح نماییم حاضر همراهی هستم ولی نظر به تصمیم خزانه‌داری‌کل [= خزانه‌دار کل] که می‌خواهد از نفوذ خارجی مستغنی باشد مجبوریم که خیلی بطور احتیاط عمل کنیم.

مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] میل دارد که فعلا هر نوع اقدامی را به تأخیر انداخته ببیند امورات چه شکلی پیدا می‌کند.

تاکنون من در تحصیل مسودهٔ شرایط تعیین مأمورین بلجیکی موفق نشده‌ام ولی در قرارنامه از قرار تقریر شارژ دفر بلجیك بطور معین مذکور است که این مأمورین باید در تحت امر صدراعظم و وزیر مالیه باشند. این قرارداد را قانـون ۱۳ ژون منسوخ می‌نماید بنابراین معلوم می‌شود اصلح این بود که دولت ایران قبل از تصویب این قانون با این مأمورین و دولت بلجیك قراری داده باشد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۸۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر کارت‌رایت
وزارت خارجه ۱۵ ژویت ۱۹۱۱ [۲۳ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۹]
حرکات شاه مخلوع

تلگراف ۱۴ ژویت سنت‌پطرزبورغ را ملاحظه نمائید:

لطف نموده با همکار روسی خود متحد گردیده محمدعلی را متنبه سازید که با آنتریگهای طرفداران خود برضد حکومت حالیهٔ ایران تقویت یا تحریك ننموده و خود را هم در این آنتریگها شریك ننمایند.

نمره ـ ۱۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ ژویت)
طهران ۱۶ ژویت ۱۹۱۱[۲۴ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۹ رجب ۱۳۲۹]
ژاندارمری خزانه

از قرار تحقیقی که نموده‌ام خزانه‌داری کل قصد دارد سه نفر امریکایی را که در نظمیهٔ آنجا صاحب تجربه شده‌اند برای تشکیل این قوه تعیین نماید و در این باب به جنرال ادواردز که یکی از آنها است در واشنگتن رجوع نموده و شرایط خود را هم مستقیماً به دو نفر دیگر مخابره نموده است.

نمره ـ ۱۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ ژویت)
طهران ۱۶ ژویت ۱۹۱۱[۲۴ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۹ رجب ۱۳۲۹]
شیراز

از قرار معلوم هیجان بر ضد فرمانفرما رو به ازدیاد است.

از قراری که راپورت داده شده صولت‌الدوله بر حسب دعوت حاکم به طوایف خود امر داده است هرقدر بتوانند مردان جنگی به شیراز بفرستند.

نمره ـ ۱۸٤

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژویت)
طهران ۲۷ ژون ۱۹۱۱ [۵ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۹ ج ۲ ـ ۱۳۲۹]
آقا

افتخاراً سواد مراسله‌ای که از کفیل قنسولگری شیراز در باب اوضاع آنجا رسیده ایفاد می‌دارم:

در تمام حوادثی که شرح وقوع آن در این مراسله مرقوم است اقدامات مستر ناکس موافق میل و دلخواه بوده از قراری که تصور می‌کنم او با زرنگی و فطانت کامل عمل نموده است.

ملفوف نمرهٔ ۱۸۴

مکتوب ناکس کفیل قنسولگری به سر جارج بارکلی.

شیراز ۱۸ مه ۱۹۱۱ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۹ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم که شرح پیش‌آمدهای اخیره اوضاع فارس را راپورت دهم:

در اوایل مه اختلافات مابین حکومت مرکزی و نظام‌السلطنه کسب شدت نموده در ششم همین ماه من برحسب دستورالعمل تلگراف پنجم مه شما در ایـن خصوص بـا فرمانفرما مذاکره نمودم. نظام‌السلطنه همینکه مقصود ملاقات مرا دریافت اطلاع داد که راضی به قبول تعلیمات دولت ایران شده و تأخیری که در اجرای آنها نموده بعلت آن بوده است که در این دو سه روزهٔ گذشته مشغول تدبیر وسایلی بوده است کـه به‌واسطهٔ آن بتواند قوامیها را بدون آنکه جزئی خطری برایشان رخ دهد اخراج‌نماید. از قراری که می‌گفت در صدد بوده است که آنها را شب گذشته حرکت دهد ولی همین که فهمید خبر عزم و قصد او به خارج سرایت نموده و افشاء شده است از این کار استنکاف کرده و علاوه نمود که در ظرف همین دو روزه بلاشك موقعی بدست آورده اینکار را انجام خواهد داد. او برای من بطورتفصیل ترتیبات خودرا در اینکه محبوسین مزبور را چطور باید به همراهی یك دسته مستحفظ دولتی تا دشت ارجن برده و در آنجا اسبها و آدمهای تازه منتظر حرکت وی تا کازرون خواهند بود و اینکه حکم داده بود یك‌صد نفر در این نقطه حاضر باشند که به همراهی او تا تنگ ترکان که مدخل شمالی دشت کمارج است رفته از آنجا یکی از بستگان او موسوم به نورمحمدخان با یك‌صد و پنجاه نفر تفنگچی توقف داشت بیان کرد از آن نقطه ببعد هیچ احتمال خطری متصور نبود.

در جواب سؤال من که آیا وثیقه‌ای برای آنکه صولت‌الدوله با قوامیان از روی احترام رفتار می‌کند دارد یا خیر؟ او در جواب اظهار نمود که چنین وثیقه‌ای ندارد ولی او را عقیده بر این بود که طوایف قشقایی جرأت مزاحمت او را نخواهند داشت.

در ضمن این ملاقات نظام‌السلطنه دو مرتبه موقع را مغتنم شمرده در باب نفاق و ضعف بختیاریها و عدم عاقبت‌اندیشی کابینه که به این‌طریق دست او را از کار بسته‌اند شرح مطول مبسوطی بیان نمود.

تا بعدازظهر روز بعد دیگر اطلاعی از مسئلهٔ قوامیها برای من نرسید تاآنکه معلوم شد که نصرالدوله در بین راه مقتول گردید. کیفیت قتل او تا اندازه‌ای که بطور معین بتوان به صحت آن یقین نمود به قراری است که ذیلا مذکور می‌گردد:

قوام‌الملك و نصرالدوله روز ششم مه [۱۵ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۶ ج ۱ ـ ۱۳۲۹]

از عمارت دولتی قبل از نیمه‌شب در تحت حفاظت یك‌صد و پنجاه سوار که اکثر آنها از قزاقان و سوارهٔ منظم شاهسون بودند حرکت نمودند. شش نفر قشقایی هم که در موقع حبس مأمور حفظ آنها بودند همراهشان رفتند. قریب مسافت شش میل خارج از شیراز قسمت بزرگی از مستحفظین مراجعت نموده فقط قریب پنجاه نفر که شش نفرقشقایی هم جزو ایشان بودند به همراهی آنها رفتند. از این نقطه راه خیلی ناهموار و ناصاف است و قوام‌الملك که در این موقع کاملا سوءظن پیدا نموده بود قاطر سواری خود را با اسب خوبی که یکی از نوکرهایش سوار بود عوض کرده و از جاده خارج شده به اتفاق چهار نفر از همراهان خود وچهار قزاق دنبالهٔ رشته کوهها و تپه‌ها را گرفته رفت و در این قسمت راه در هر لحظه انتظار آن می‌رفت که دشمنان او در کمین او باشند. نصرالدوله که یا کمتر سوءظن داشت و یا بیشتر مطیع و منقاد بود سوار قاطر خود از راه معمولی می‌رفت. گاهگاه دسته‌های بزرگ قشقاییان دیده می‌شدند در همان خطی که اینها سیر می‌نمودند در حرکت بوده و همینکه به مسافت دو میل به خانه‌زینان [= خان زنیان] مانده از زمین رودخانه می‌گذشتند قوام‌الملك دید شش نفر قشقاییهایی که همراهشان آمده بودند نزدیك ساحل رودخانه به یك دسته از ایلات کشکولی متعلق به قبیلهٔ محمدکریم‌خان قشقایی وکیل مجلس که پسرش هم حضور داشت ملحق گردیدند. قوام که قریب نصف میل جلو برادرش رفته بود از یك رشته کوهی که در میان واقع بود می‌گذشت که صدای خالی شدن گلوله‌ای شنیده متعاقب آن فوراً دو سه نفردیگر شلیك‌کردند. او سواره به‌بالای آن‌رشته‌کوه‌آمده و چون‌نصرالدوله را مرده و راه مراجعت را مسدود یافت با هشت نفری که همراه خود داشت به طرف کاروانسرا تاخت نموده و اول قصدش این بود از خود در آنجا دفاع نماید. بالاخره چون راه چاره برای خود نیافت بطرف شمال منعطف گردیده به قصد آنکه خود را به یکی از دهاتش رسانیده از آنجا عدهٔ کافی برای حفظ خود همراه برداشته به قبایل عرب برسد ولی بزودی بر وی معلوم گردید که تمام راهها مسدود بود و لذا شب را درمیان بعضی از رعایا بسر برده روز بعد قریب هشتاد میل مسافت را طی نموده به اتفاق ده دوازده نفر سوار از دروازهٔ نزدیك خانهٔ خود به شیراز سالماً ورود نموده از آنجا پیغامی برای فرمانفرما فرستاد به این مضمون که هرگاه وسایل بست در قنسولگری اعلیحضرتی برای او فراهم نیاورد خود و همراهانش حاضر خواهند شد که به قوهٔ قهریه از خویش دفاع نمایند و خود او تبدیل لباس نموده نیم‌تنهٔ اروپایی در بر و کلاه فرنگی بسر سر گذارده باتفاق دکتر وولات در حین ورود او برای معالجهٔ دختر نصرالدوله رفته بود حرکت نموده و قبل از غروب به اینجا رسید.

این تفصیلی است که خود قوام‌الملك مذکور داشته و بطور عموم با تمام تفصیلات دیگری که توانسته‌ام بدست آورم مطابق می‌باشد.

من شخصاً متمایل به این عقیده می‌باشم که حمله‌ای که صورت وقوع پیدا نمود از محلی تحریك‌نشده و یك اقدام بدون مقدمه‌ای است که از طرف دسته‌ای‌از ایلات‌پرشور بوقوع رسیده.

در میان مردم اینطور صحبت است که استخلاص قوام به واسطهٔ نسبتی است که با صولت‌الدوله دارد ولی بنظر من هیچ احتمال نمی‌رود که چنین ملاحظه‌ای رئیس‌قشقایی را از خطرات حقیقی باقی گذاردن یکی از اخوان او[۱] اغفال نماید.

بعلاوه چند ساعت پس از قتل اخبار موثق از طرف دو غلام ادارهٔ تلگراف هند و انگلیس بمن تلفون شد به این مضمون که متجاوز از ششصد نفر از ایلات قشقایی طرفین جاده به مسافت چهار میلی خانه‌زنیان در همان نقطه که در سال ۱۹۰۹ بر جنرال قنسول روس حمله شد در کمین نشسته‌اند.

اول خبری‌که به شیراز رسید بعد از ظهر بود.

پس از آنکه توانستم به صحت این خبر پی برم از فرمانفرما ملاقات نمودم و قبل از ملاقات به رئیس ادارهٔ تلگراف سپردم که تلگرافات راجع به این قتل را راپورت ندهد تا آنکه من اظهارات فرمانفرما را خبر دهم.

از ملاقات من ثمری حاصل نشد. نظام‌السلطنه که خیلی مضطرب بود اول اظهار داشت که این حمله یحتمل کار عربها است که برای استخلاص قوامیها کرده‌اند. من در جواب اظهار داشتم که تصور حضور ایلات عرب در وسط دره که آنوقت از پانزده الی بیست هزار قشقایی آنجا را اشغال نموده بودند بکلی غیرممکن بنظر می‌آید و من نمی‌توانم حتی تصور مخابرهٔ چنین مطلبی را به شما بکنم.

سپس او مذکورداشت‌که‌شخصاً کمی شك دارد از اینکه صولت‌الدوله ترتیب این قتل را فراهم آورده است.

از زمانی‌که اول خبر مشعر بر اینکه تصور می‌شد قوام‌الملك مجروح شده باشد بمن رسید صاحبمنصب طبی را قرار دادم که برحسب امر نظام‌السلطنه که در آنوقت آنچه سوار می‌توانست جمع‌آوری کند به محل وقوع قتل بعنوان تحقیق و تفتیش می‌فرستاد رفته به معالجهٔ وی بپردازد. دکتر وولات به اتفاق دو سوار از مستحفظین قنسولخانه طرف عصر حرکت نمود. شب را به بعضی از اهل خانه نصرالدوله برخورد و در جزو آنها عطاءالسلطنه بود که بطور سخت مجروح گردیده و به شهر مراجعت می‌نمود. از قرار خبری که اینها دادند نصرالدوله مرده و کیفیت حال قوام‌الملك بکلی غیرمعلوم و طرق را ایلات پر کرده‌اند.

دکتر وولات همینکه دید در آن موقع کاری نبود انجام دهد از روی عقل عمل کرده به شیراز مراجعت نمود.

از قرار شرحی که این سه نفر که جان بدر برده‌اند اظهار می‌دارند ظاهر می‌گردد که دسته‌ای از کشکولیها که در تفصیلی که قوام‌الملك بیان نموده مذکور است در ساحل رودخانه توقف نمودند تا آنکه نصرالدوله به فاصلهٔ بیست زرع [= ذراع] از آنها دور بود آن وقت شروع به شلیك نمودند. دو گلوله بر سر او خورده یکی از بدنش عبور نموده فوراً جان‌سپرد.

---

۱) بهمین گونه است در اصل (اعداء؟) ـ م.

هیچیك از مستحفظین یك تیر هم خالی نکرده و کوشش ننمود که با دستهٔ کوچك حمله‌کنندگان طرف‌شود و آنها دونفر از نوکرهای نصرالدوله [را] که عطاءنظام و عطاءالسلطنه باشد بطور سخت مضروب نموده تمام اسباب آنها را غارت نمودند. عطاءنظام همین که حمله‌کنندگان از آن محل خارج شدند بطرف باغ نصرالدوله رفته و نزد باغبان بلژیکی پناهنده شد. شبانه به او اصرار شد از آنجا برود و نسبتاً سالماً به شیراز وارد شد.

روز بعد من از فرمانفرما ملاقاتی نموده و از بعد ازظهر روزگذشته او را مطمئن‌تر یافتم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] به من اظهار داشت که سردار اسعد ازروی حقانیت از این قتل اظهار خشم نموده آشکارا وقوع آن را بخود نظام‌السلطنه نسبت می‌دهد و یحتمل دولت ایران نظر به امنیت مملکت مقام وزارت داخله را به او تفویض خواهند نمود و بعلاوه اظهار داشت که در صورتی که وزارت داخله به سردار اسعد داده شود او فوراً استعفاء خواهد نمود و شکی ندارد کـه صولت‌الدوله قبایل فارس خـود را جمع‌آوری نموده و به اتفاق والی پشتکوه بسمت طهران حرکت خواهند نمود.

او با قدری اصرار بر من اینطور فهمانید که‌تعیین سرداراسعد باعث تولیداغتشاش فارس خواهد گردید که فقط مداخلهٔ خارجی قادر بر اطفاء نایرهٔ آن خواهد بود.

همان‌روز صبح نعش نصرالدوله را وارد نمودند. برخلاف انتظار عموم اعضای‌بدن او قطع نشده و حتی زنان دراشولی [دره‌شوری] از آن مواظبت نموده بودند. پس از آنکه دکتر وولات زخمهای او را معاینه نمود نعش او را پس از ختم مراسم در مقبرهٔ خانوادگی آنها دفن نمودند.

البته اروپاییانی که با نصرالدوله آشنایی داشتند از مرگ او متأسف خواهند بود. در تمام معاملاتش با این جماعت مشارالیه در مورد هر یك هماره ابراز جـرأت و سخاوت صادقانه می‌نمود، اگر چه هم‌شهریهای او ایـن صفات را حمل بـر حماقت می‌نمودند لیکن صفات مذکوره در وجود او یك نوع حس مغرب‌زمینی نشان می‌داد که مقتضیات حفظ شئونات خانوادگی خود را ملحوظ داشته نگذارد روی به انحطاط برود. مثلا هرگاه نسبت سرقتی به بستگان یا عشایری که در تحت امر او بودند داده می‌شد با وجود فقدان وسایل کافیه در پرداخت دعاوی آنها بهیچ‌وجه تردید یا حیله روا نمی‌داشت.

کمتر جای شك است که نظر به غارت و چپاول صولت‌الدوله که سال بسال در ازدیاد بود مشارالیه بزرگترین قوهٔ فعاله در احداث آنتریکهایی [= انتریگ‌هائی] که از مدتی به این طرف موجب هرج‌ومرج عمومی فارس شده، بوده است اما این مسئله در مورد ولی برخلاف حرص و طمع رقیب او از قرار معلوم جز از خشونت طبع و میل مفرط به استخلاص خود از قیودی که مانع از انجام مقاصد عالیه‌اش می‌گردید ناشی نبود۱ و اگرچه اولاد ذکوری از او باقی نمانده لیکن انتظار می‌رود که بزودی از

---

۱) بهمین‌گونه است در اصل ـ عبارت درهم و نارسا است. و اصلاح آن، از روی قرینه هم ممکن نشد. ـ م.

زوجه‌اش طفلی بوجود آید.

اما از بابت قوام‌الملك تاکنون بطور قطع معلوم نیست چه بر سر او آمده. کمی بعد از ظهر روز هفتم به عیال او نزد من آمده استفسار نمود در صورتی که نتوانسته‌باشد فرار نماید و به شیراز مراجعت کند آیا من او را در قنسولخانه پناه خواهم داد؟ من در جواب اظهار داشتم هرگاه ظاهر شود که جان او در مخاطرهٔ آجل باشد اجازهٔ دخول به او داده خواهد شد. چند ساعت بعد او وارد شیراز شده به قنسولخانه رسید و با وجود خستگی و اضطراب و تب شدید فوراً حاضر بود با فرمانفرما به ستیزه پردازد.

بمجرد ورود قوام‌الملك به قنسولخانهٔ اعلیحضرتی من فرمانفرما را از حضور او رسماً اطلاع دادم و مذکور داشتم پس از قتل نصرالدوله بر من چنین ظاهر گردید که جان قوام‌الملك در مخاطرهٔ آجل بود و علیهذا او را پناه دادم و تا زمانی که اطمینانات موافق دلخواه برای تأمین شخص او برسد در اینجا متوقف خواهد بود.

نظام‌السلطنه جواب داد که دویست نفر مسلح در خانهٔ قوام‌الملك می‌باشند و احتمال دارد در شهر تولید اغتشاش نمایند. من در جواب به فرمانفرما اطلاع دادم که قوام‌الملك عیال خود را دستورالعمل خواهد داد این دسته را که بنابر اطلاعاتی که من دارم سی نفر می‌باشند همین که اطمینانات کامل برای تأمین خانه و اهل خانهٔ او رسید از آنجا خارج خواهد نمود و به نظام‌السلطنه هم نصیحت دادم که در صورتی‌که خطری بر جان و مال اتباع انگلیس باشد خود او مسئول خواهد بود.

صبح روز بعد من از نظام‌السلطنه ملاقاتی نمودم. ایشان اصرار بر لزوم حرکت قوام‌الملك داشتند و از خطر توقف او زیادتر از این در اینجا در پرده تهدیدمی‌نمودند. در این موقع ایشان حتی از من درخواست نمودند که از یك درب پشت عمارت حکومتی نزدشان بروم و اطمیناناتی که برای تأمین قوام‌الملك پیشنهاد نموده بود بدهد برای من عنوان نموده و ارائهٔ طریق نمود که صولت‌الدوله را بایستی راغب نمود که برای آنکه به سلامت مسافرت کند ضمانت کتبی داده در صورت خلف آن مبلغ زیادی دادنی باشد و تا حدود خاك کمارج مسئولیت او را به عهده گیرد و از آن نقطه خود او وثیقه‌های لازمه الی بوشهر خواهد داد و بنظر او این‌طور می‌رسید که دو یا سه نفر از سواران قنسولخانه بایستی به همراهی قوام بروند و در این موقع او بعوض‌سواران دولتی چند نفر از اهل دهات خود همراه او خواهد فرستاد.

این پیشنهادات اگرچه قابل تمجید است ولی از قرار معلوم در حقیقت وثیقه‌ای که بتوان به آن اعتماد نمود نمی‌باشند.

من به نظام‌السلطنه اظهار داشتم که این پیشنهادات را فوراً برای شما مخابره خواهم نمود.

همین‌که ایشان مجدداً در باب وجوب حل فوری این مسئله نظر به اغتشاشات محتمله مذاکره نمودند من دوباره ایشان را بطور سخت متذکر نمودم که در صورت وقوع چنین حوادث خود ایشان مسئول خواهند بود.

همان روز بعدازظهر اول نمایش از جملهٔ چندین نمایشات در انجمن بوقوع‌پیوست

و محض آنکه به این هیجان حرارتی داده شود پنجهزار تومان وعده داده شد به اعضای انجمن داده شود و هریك از ملاها یا تجار که می‌توانستند ترغیب به آمدن آنجا نمایند بر حسب مقتضا یا تهدید می‌نمودند و یا آنکه رشوهٔ خوب میدادند. بعموم حاضرین روزی دو قرآن [دو قران؟] می‌دادند. در این اجلاس نطقهای شدیده ایراد شده از طرح‌ریزیها و مقاصد انگلیس در جنوب ایران که شهرت یافته بود مذمت نموده ازدهام [= ازدحام] را اصرار به حمله به قنسولخانه و قتل قوام‌الملك می‌نمودند.

پس از این نمایش نظام‌السلطنه مرا از اظهارات و رایی‌که این‌ازدهام [= ازدحام] داده از پناه دادن به قوام‌الملك مذمت نموده و آن را مداخلهٔ غیر حقه در امورات داخلی ایران می‌دانستند، مستحضر داشت. من مکتوب او را مرجوع نموده از او استدعا نمودم که اگر خواسته باشند این‌گونه مطالب را برای من بنویسند بایستی بطور رسمی باشد.

در این منوال مکتوبی سر باز توسط من بعنوان قوام‌الملك رسید مشعر بر اینکه رعایای او هنوز فرمان‌بردار و حاضرند برای او تحت اسلحه بروند و جنگ کنند. من قوام را از وصول این مکتوب مستحضر داشته و جداً او را متنبه نمودم که تا زمانی‌که در قنسولخانهٔ اعلیحضرتی توقف دارد باید از هرگونه آنتریك [= انتریگ] احتراز نماید و اظهار داشتم که فیمابعد بایستی کلیهٔ مراسلات و مکاتبات او توسط من باشد و به او اطلاع دادم به خویشان و رفقای خود پیغام فرستاده ایشان را از این امر مطلع سازد و محض آنکه بی‌جهت کدورتی حاصل نشود از او درخواست نمودم که تلگرافاتی‌که به نایب‌السلطنه و صدراعظم یا کابینهٔ وزراء مخابره مینماید توسط ادارهٔ تلگرافی انگلیس باشد».

در این وقت بر وفق تعلیماتی که از شما رسید من نظام‌السلطنه را مستحضرداشتم که در صورتی‌که اغتشاشاتی به وقوع رسیده و به ملاحظهٔ منافع جان و مال اتباع‌خارجه مداخله لازم گردد شخص او مستقیماً به دولت اعلیحضرتی مسئول خواهد بود.

متعاقب آن همینکه دریافتم که تفنگچیان علی‌اکبر ده بزرگی که دشمن جان قوامیها بود دور قنسولخانه قرار داده شده و چون قبل از آن از چندین منابع غیرمربوطه شنیده بودم که مغیث‌الدوله وعدهٔ دو هزار تومان داده است به کسی که وارد قنسولخانه شده و قوام‌الملك را مقتول نماید. من بطور خصوصی به فرمانفرما اطلاع دادم که چنین اخباری بمن رسیده و بطور رسمی ایشان را اطلاع دادم که من نمی‌توانم هیچ‌کس را بهیچوجه من‌الوجوه بگذارم بدون اجازهٔ مستقیم داخل اراضی قنسولخانه شود و هرگاه کسی از این تجاوز نماید من فرمانفرما را برای هر نوع حادثهٔ غیرمطلوبه که واقع شود مسئول خواهم دانست.

از آن وقت تاکنون نظام‌السلطنه عده‌ای از آدمهای شخصی خود را دور و حوالی آنجا قرار داده است. آدمهای علی‌اکبر هم هنوز آنجا توقف دارند. این است شرح اوضاع ناگوار حالیهٔ شیراز.

از زمان فرار قوام‌الملك فرمانفرما در چندین مواقع بمن فهمانیده است که اهالی شهر ممکن است با سهولت از تحت اختیار او خارج شوند و هرگاه اغتشاشاتی به وقوع

رسد طوری خواهد بود که دولت ایران هم بدون مساعدت از عهدهٔ رفع آن برنخواهد آمد و همین‌طور اشارات دیگر هم نموده است. بنظر من مسئلهٔ تهدید حمله به‌قنسولخانه را باید قابل اعتناء ندانست. با وجود آن می‌ترسم نتوان کاملا غیرممکن دانست که در محل دیگری حمله بر یك نفر اروپایی شود به خیال آنکه یکی از دو طرف بخواهند باعث مداخله گردند. در هر صورت ظاهر است که در این موقع تعیین سردار اسعد یا عزل صولت‌الدوله یا نظام‌السلطنه احتمال کامل می‌رود باعث سختی اوضاع فارس گردد.

هرگاه دولت مرکزی نظام‌السلطنه را عزل نماید او مجبور خواهد گردید فوراً تصور احتمال قتل خود را یا در شیراز یا در راه کـه اعدا عدو او در آنجا هستند بنماید.

بعلاوه هرگاه دولت ایران برای ابراز خشم خود هر یك از این سه شق را اختیار نماید صولت‌الدوله لااقل از حفظ طرق جنوبی دست برداشته و همراهان خود را مجاز به سرقت و غارت می‌نماید.

اگر صولت‌الدوله از دور و حوالی شیراز دور شود و با برادر فعال خود ضیغم‌الدوله که بلاشك از چنین موقعی استفاده خواهد نمود و توقف او البته در اینجا دائمی نخواهد بود از این جا برود البته امورات شکل بهتر و مطبوعتری خواهد گرفت.

اما از بابت حرکت قوام مشکل است که نتیجه‌ای معلوم گردد چون بنظر من غیرممکن است وثیقه‌ای از او تحصیل نمود بدون آنکه او تصور نماید که به واسطهٔ کثرت نفوذ او ما مجبور باخذ چنین وثیقه شده‌ایم.

هرگاه تا وقتی که صولت‌الدوله بطرف شمال حرکت کند امورات به همین نهج باشد گمان نمی‌کنم اشکال داشته باشد قوام را اینجا نگاهداریم تا آنکه اوضاع جنوب اصلاح شود چرا که به عقیدهٔ من پس از این انقلابی که بواسطهٔ قتل نصرالدوله بظهور رسید حتماً به همین زودی کارها سر و صورتی خواهد گرفت.

من تاکنون در باب افکار و وضع سلوك صولت‌الدوله اطلاع قطعی ندارم ولی گمان می‌کنم شکی نباشد که او هم در این آنتریك[= انتریگ]های حالیه شرکت زیادی داشته است اگرچه یحتمل آنتریگهای او مثل فرمانفرما بالاراده نبوده است.

امضاء ناکس

نمره ـ ۱۸۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژویت)

طهران غرهٔ ژویت ۱۹۱۱ [۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۴ رجب ۱۳۲۹]

آقا

چنانچه[1] انتظار می‌رفت اشکالات مـابین مستر مرگـان شوستر خزانـه‌داری کل

---

۱) کلمهٔ «شاید» از جمله برداشته شد. ـ م.

[خزانه‌دار کل] امریکائی و مسیو مرنارد مدیرکل گمرکات بلجیکی بوقوع رسیده است.

چنانچه در مکتوب ۱۳ ماه گذشتهٔ خود اطلاع دادم قانونی که بموجب آن اختیارات وسیعه به مستر شوستر داده شد مسوده گردید و مادهٔ پنجم آن این است که بدون امضاء یا تصویب خزانه‌داری کل دولت هیچ‌گونه مصارفی نباید بنماید. این قانون در ۱۳ شهر ماضی از مجلس گذشت و در ۱۶ ماه گذشته مستر شوستر بطریق ذیل برای بانك شاهنشاهی نوشت:

«خواهشمندم ملاحظه فرمایید که بر طبق مادهٔ پنجم قانونی که در ۱۳ ژون ۱۹۱۱ در مجلس تصویب شده دولت علیه هیچ نوع مصارفی را بدون امضاء یا تصویب خزانه‌داری کل نمی‌تواند بکند...»

در ۲۱ ماه گذشته دو چك به امضای مسیو مرنارد به حوالهٔ بانك از بابت حساب گمرك برای مصارفی که از قراری که فهمیده‌ام مسیو مرنارد معمولا از بابت عایدات گمرك دریافت می‌نموده به بانك ارائه شد که بپردازد ولی بانك برحسب دستورالعمل مستر شوستر که در فوق مذکور شد از پرداخت وجه آنها امتناع نموده آنها را رجوع به خزانه‌داری کل نمود و او شخصاً چکهای مزبوره را قبول و معادل آن به بانك حواله داد.

مسیو مرنارد به رئیس کل بانك شاهنشاهی مکتوبی نوشته با کمال تغیر این اقدام او را غیرقانونی دانسته و پروتست نمود و مستر وود هم در جواب او تعلیماتی را که از خزانه‌داری کل برای او رسیده بود نوشت.

روز ۲۱ ژون مستر شوستر برای مسیو مرنارد مراسله‌ای نوشته ــ همان روزی که چکهای مسیو مرنارد نکول شده بود ــ دقت او را به قانونی که اختیارات خزانه‌داری کل را مشخص نموده جلب نموده اظهار داشت که تمام وجوهاتی که از بابت عایدات‌گمرك وصول شده و کلیهٔ تتمه وجوهاتی که در بانك شاهنشاهی و بانك روس است باید به حساب او منتقل شود و بیان نمود حاضر است که مصارف ادارات گمرك را بپردازد در صورتیکه مسیو مرنارد در بعضی اوراق جزئیات مخارج را که لازم است نوشته نزد او بفرستد. مسیو مرنارد در یك مراسله فقط وصول مکتوب او را اطلاع داده و تاکنون بر وفق میل مستر شوستر عمل ننموده است.

درحالی‌که این را می‌نویسم مسئلهٔ اینکه آیا ادارهٔ گمرك بایستی در تحت خزانه‌داری کل باشد یا نباشد خیلی کسب اهمیت نموده. شارژدفر بلجیك می‌گوید که به موجب کنترات مدیر کل بلجیکی بطور وضوح مرقوم است که او در تحت امر صدراعظم و وزیر مالیه خواهد بود و در وقت تعیین مسیو بیزو سفارت بلجیك در مکتوب خود بعنوان دولت ایران این مسئله را تصدیق نموده است. از طرف دیگر هیچ احتمال نمی‌رود که مستر شوستر قبول خارج بودن ادارهٔ گمرك از تحت کنترل خود را بنماید. مستر شوستر و مسیو مرنارد تاکنون از یکدیگر ملاقات ننموده‌اند و هرکدام از آنها منتظر است دیگری اول دفعه به ملاقات او برود. از قراری که فهمیده‌ام نایب‌السلطنه

کوشش دارد ترتیب ملاقاتی مابین آنها بدهد و امیدواری می‌رود که آنوقت مابین آنها اصلاحی بدهد.

من خود را از این گفتگوها دور نگاه داشته‌ام و دخالت نمی‌کنم تا آنکه از طرف شما برخلاف آن تعلیمی برسد.

امضاء بارکلی

نمره ـ ۱۸۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژویت)

طهران ۱۷ ژویت ۱۹۱۱ [۲۵ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۰ رجب ۱۳۲۹]

حرکات سالارالدوله (رجوع بخلاصهٔ وقایع در تحت عنوان تبریز بنمایید) حالا خیلی اهمیت پیدا کرده. او سنه[1] و حوالی آنجا را اشغال نموده و چنانچه شنیده‌ام بیم آن می‌رود که اهالی کرمانشاه هم با وی ملحق شوند و او اعلان پادشاهی محمدعلی را داده و به مجلس تلگراف نموده به آنها دستورالعمل داده است که او را دعوت بمراجعت نمایند. بعلاوه بمن اطلاع رسیده که عمال شاه [را] که اخیراً در بادکوبه توقیف شده‌اند گذارده‌اند بسمت ایران حرکت نمایند.

نمره ـ ۱۸۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژویت)

طهران ۱۸ ژویت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

بمن اطلاع رسیده که خوانین بختیاری قبول نموده‌اند قشونی درمقابل سالارالدوله اعزام نمایند.

ناصرالملك سردار اسعد را دعوت به آمدن به ایران نموده است.

نمره ـ ۱۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژویت)

طهران ۱۸ ژویت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۴ شهر جاری من:

سپهدار راضی شده که کابینه را تشکیل نماید.

www.adabestanekave.com

---

۱) مقصود سنندج است که در گویش محلی به‌آن سنه گفته می‌شود.

نمره ـ ۱۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژوئیت)
طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

الان خبر رسید که شاه مخلوع با چند نفر از همراهان خود به کمش‌تپه که نزدیك استراباد واقع است ورود نموده.

نمره ـ ۱۹۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جی بیوکانان
طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]
خزانه‌داری کل

اطلاعی که در تلگراف ۱۵ شهر جاری از طهران مندرج بود بایستی به دولت روس مخابره شود. شما باید اظهار دارید که بنا بر عقیدهٔ دولت اعلیحضرتی بهترین راه حل اشکال برای خزانه‌داری کل و مدیرکل گمرکات این است که مسئله را مابین خود فیصله دهند و سفارتین دخالتی ننمایند. شما نیز باید اظهاردارید که‌دولت اعلیحضرتی با مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] موافقت دارند بر اینکه اقدام‌را به‌تعویق‌اندازند.

نمره ـ ۱۹۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جی بیوکانان
وزارت خارجه ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۷ ژوئیت سر جارج بارکلی:

شاه مخلوع تحت حفاظت روس و انگلیس از ایران خارج گردید و ما هر دو شاه جدید را شناختیم. نمی‌دانم ما با روس چطور می‌توانیم مراجعت شاه مخلوع را قبول نماییم. شما باید از دولت روس استفسار نمایید که آیا آن دولت به‌شاه مخلوع اطلاع خواهند داد که بهیچوجه من‌الوجوه او را اجازهٔ مراجعت نخواهند داد؟ ما با شعف همراه خواهیم بود که چنین اطلاعی به‌او داده شود.

نمره ـ ۱۹۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت)
طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]
مراجعت شاه مخلوع

در تعقیب تلگراف ۱۸ ژوئیت خود افتخار دارم راپورت دهم که صمصام‌السلطنه ایلخانی بختیاری برای وزارت جنگ نامزد شده است و در مجلسی که ناصرالملك

دیروز منعقد نمود قصد خود را اعلام نمود که می‌خواهد عدهٔ کثیری از قوای بختیاری را برای قلع و قمع محمدعلی‌میرزا تجهیز نماید. فعلا چنین قراردادشده که با محمدعلی میرزا مقاومتی نشود تا آنکه به ناحیهٔ خوار که در ۸۰ میلی طرف مشرق طهران واقع است برسد.

نمره ـ ۱۹۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژویت)
طهران ۱۹ ژویت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]
شیراز ـ در عرض چند روزهٔ اخیر مابین عساکر فرمانفرما و یاغیان شلیك رد و بدل شده تلفات چندی نبود و نتیجهٔ‌قطعی حاصل نگردید.

نمره ـ ۱۹٤

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژویت)
طهران ۱۹ ژویت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]
راه بختیاری ـ در تعقیب تلگراف سیزدهم ژویت خود ـ جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان‌یك فقره عمده سرقت در این راه را راپورت داده است.
ایاب و ذهاب قوافل در راه فعلا بکلی موقوف شده است.

نمره ـ ۱۹۵

تلگراف سر جی بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژویت)
سنت پطرزبورغ ۱۹ ژویت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]
مفاد تلگراف دیروز شما را به مسیو نراتف تبلیغ نمودم و او هم با این عقیده موافق است که در این موقع هرگونه اقدامی به تأخیر انداخته شود.
مشارالیه اظهار داشت که هر ترتیبی که خزانه‌داری کل و مدیر کل گمرکات مابین خود بدهند بایستی بریطانیای عظمی و روسیه را از آن مطلع نمود و به مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم داده است که مواظب پیش‌آمد کارها بوده به‌بیند کاری که از یك راهی مضر منافع روس باشد به انجام نرسد.
عقیدهٔ او این است که خوب است به مسیو پکلوسکی و سر جارج بارکلی تعلیمات داده شود که هرگاه موقع مناسبی برای مداخلهٔ دوستانهٔ دولتین بدست آید راپورت بدهد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۹۶

تلگراف سر جی بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت)
سنت‌پطرزبورغ ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]
حاوی مضمون ملخص مکتوب ۲۴ ژوئیت می‌باشد:

به وصول تلگراف ۱۸ شهر جاری شما من از کفیل وزارت امور خارجه ملاقات نموده و استفسار نمودم که آیا نظر به اهمیت روزافزون موقع ایران دولت امپراطوری با دولت اعلیحضرتی متفق خواهند شد که بشاه مخلوع اعلام نمایند که بهیچوجه‌من‌الوجوه مراجعت او را به‌ایران اجازه نخواهند داد؟

مسیو نراتوف صحبت مرا قطع نموده اظهار داشت که همان روز صبح تلگرافی از قنسول روس مقیم استراباد واصل گردیده مشعر بر اینکه چنانچه راپورت داده شده شاه مخلوع با قلیلی از همراهان خود به کمش‌تپه وارد شده و به سرکردگی قبایلی‌که به او ملحق گردیده‌اند تهیهٔ حرکت به استراباد را می‌بینند.

در جواب سؤالی که از او نمودم که آیا آن اعلیحضرت به‌چه تدبیر وارد کمش‌تپه شده و آیا به‌اتفاق اشخاصی که تصور می‌شد جاسوسان او باشند و مأمورین محلی روس آنها را موقتاً توقیف نموده بودند از بادکوبه عبور نموده بود؟ جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اظهار داشت که از این مسئله بکلی بی‌اطلاع است و در باب اشخاصی‌که من اشاره به آنها نمودم واداشته است تحقیقات بعمل آید ولی از قراری‌که به او اطلاع داده‌اند هیچیك از آنها به‌تازگی به بادکوبه وارد نشده‌اند که اسباب سوءظن مأمورین محلی گردد.

سپس من عنوان نمودم که چون شاه مخلوع در تحت حفاظت انگلیس و روس ازایران خارج شده و چون دولتین پسر او را به سلطنت شناخته‌اند چطور می‌توان قبول مراجعت او را نمود و بنابراین می‌خواهم بدانم که آیا آن جناب صلاح می‌دانند بهمان مضمونی که پیشنهاد نموده‌اند اخطاری به آن اعلیحضرت بکنیم یا آنکه راه دیگری بنظرشان می‌رسد؟ جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] جواب دادند که اگر شاه مخلوع هنوز در اروپا بود من با کمال میل حاضرم چنین انتباه‌نامه‌ای برای آن اعلیحضرت بفرستم ولی اکنون که وارد شده وضع بکلی تغییر کرده است. آن اعلیحضرت به ورود کمش‌تپه حمایت دولتین را از دست داده و البته باید تا آخرین دقیقه مقاصد مهم خود را تعقیب نماید. بنابراین فایده نداشت که ما عنوانی به او بنماییم چرا که یقیناً او به‌اظهارات ما اعتنائی نمی‌نمود.

این مسئله صحیح است که شاه حالیه را ما شناخته‌ایم ولی همانطوری که در شناختن شاه مخلوع صلاح ما نبود برای منع خلع وی مداخله نماییم شناختن شاه حالیه هم روا نمی‌دارد که در امورات داخلهٔ ایران مداخله نماییم.

امضاء جارج بیوکانان

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۹۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان
وزارت خارجه ۱۹ ژویت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۸ ژویت سر جارج بارکلی:
دولت روس را اطلاع دهید که‌نظر به مراجعت شاه مخلوع تصور می‌کنیم حقوق او بایستی مقطوع گردیده باو اخطار شود که دولتین بهیچوجه بازگشت وی را بتخت سلطنت نخواهند شناخت و نمی‌توانند بگذارند او دائماً در ایران باشد.
استفسار کنید که آیا دولت روس با این مسئله موافقت دارند؟ تصور می‌کنیم که شاه حالیه که دولتین شناخته‌اند باید بر سریر سلطنت جالس باشد.

نمره ـ ۱۹۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژویت)
طهران ۲۰ ژویت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]
راپورت دو فقره سرقت قوافل در ۱۷ و ۱۸ ژویت در راه شیراز الی اصفهان داده شده که در یکی از سرقتها هیجده لنگه قماش کمپانی ذیگلر بسرقت رفته است.

نمره ـ ۱۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژویت)
طهران ۲۰ ژویت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]
شیراز ـ کفیل قنسولگری راپورت جنگهای دیگر سخت در شب سه‌شنبه و حملهٔ بی‌نتیجه به خانهٔ قوام را میدهد. یاغیان از کفیل قنسولگری اجازهٔ تحصن‌اختیارنمودن خواسته‌اند و او هم بر حسب میل من، خواهش آنها را رد نموده است.
کفیل قنسولگری فرمانفرما را به اعتدال و میانه‌روی اصرار نموده و در جواب گفته است که هرگاه تمام آنها تفنگچیان خود را متفرق سازند حاضر است توسط قنسولخانه اطمینان کتبی به تمام یاغیانی که یك سمت شهر هستند برای اعطای عفو عمومی بدهد.
کفیل قنسولگری گمان می‌کند قنسولخانه را طرف مسئولیت قراردادن کار خطرناکی است و بنا بر تصویب من این ارائه طریق فرمانفرما را رد می‌کند.

نمره ـ ۲۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژویت)
طهران ۲۰ ژویت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]
کابینهٔ جدید سپهدار دیروز به مجلس معرفی شدند. وزیر امور خارجه تغییر

ننموده. در کابینه سه نفر وزیری که بداشتن عقاید ملییین مشهوراند موجود است.

نمره ـ ۲۰۱

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژویت)
سنت پطرزبورغ ۲۰ ژویت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]
حاوی مضمون ملخص مکتوب مورخهٔ ۲۴ ژویت می‌باشد:

روز ۲۰ ژویت ملاقات دیگری از مسیو نراتوف نموده و مطالبی را که به موجب تلگراف ۱۹ شهر جاری خود دستورالعمل داده بودید به ایشان ابلاغ نمودم و گفتم که نظریات شما در باب روشی که بایستی دولتین در بحران حالیه تعقیب نمایند با او مختلف است و خیال شما این است که نظر به مراجعت شاه مخلوع حقوق آن‌اعلیحضرت بایستی موقوف شود و به او اطلاع داده شود که دولتین بهیچوجه راضی به شناختن بازگشت او به تخت سلطنت نشده و نمی‌گذارند بطور دائم در ایران توقف نماید.

مسیو نراتف در جواب اظهار داشت که تلگرافی که از کنت بنکندرف واصل گردیده حاکی است بر اینکه ممکن است مابین دولتین در این باب اختلاف‌نظر باشد ولی با وجود آن او بایستی پای‌بند به اظهارات دیروز خود بمن باشد. الحال که شاه مخلوع در مقام مبارزت و جنگجویی برآمده برای او امکان ندارد تا مقاصد خود را انجام ندهد و مظفر نگردد و یا آنکه شکست سختی متحمل گردد دست بردارد. هرگاه مظفر گردد برای ما اشکال خواهد داشت که اگر بر تخت سلطنت جلوس نماید او را نشناسیم و برای ما هم فایده نخواهد داشت باو بگوییم ما تو را نمی‌گذاریم بطور دائم در ایران توقف نمایی مگر آنکه مهیا شویم که با اعمال، اقوال خود را تقویت نموده و عساکر به ایران سوق داده و عزم خود را بانجام رسانیم.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] پس از آن تکرار نموده اظهار داشت که به عقیدهٔ او بهتر است دولتین هیچ نوعی اقدامی ننموده و بگذارند آنچه شدنی است بشود. عقیدهٔ او بکلی مخالف مداخله بود چرا که هرگاه بخواهیم حالا مداخله نماییم یحتمل پس از قلیل‌مدتی مجبور خواهیم شد که مجدداً مداخله نماییم و بغیر از آنکه عساکر بفرستیم. ما در صورتی که شاه پیشرفتی بنماید از پیش‌آمدن او نمی‌توانیم جلوگیری بکنیم و نه می‌توانیم به حکومت حالیه تقویت مؤثری بنماییم.

من اظهار نمودم که چنانچه ملاحظه می‌نمایم روزنامهٔ نوورمیا در ضمن مقاله‌ای‌که همان‌روز صبح طبع نموده در صورتی‌که خطری برای جان اتباع روس بنظر برسد مداخله را تجویز می‌نماید و در ضمن شرح چند فقره حمله که اخیراً بر آنها شده می‌نگارد. مسیو نراتوف در جواب بیان نمود که یك نفر صاحبمنصب روسی هنگامی‌که از کمیسیون مختلطهٔ سرحدی سواره بطرف خانه مراجعت می‌نموده در نزدیکی اردبیل بقتل رسیده و نظر به عدم امنیت عمومی مسئلهٔ اعزام یکدسته قزاق برای حفظ قوافل در راه معمولی در تحت مداقه جدی است ولی فعلا از خیال این اقدام منصرف

شده‌اند چرا که از اعزام عساکر در اینموقع ممکن است تعبیر شود که دولت روس قصد دارد در این کشمکشی که مابین دولت حالیه و شاه مخلوع در میان است مداخله نماید. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] بعلاوه اظهار داشت که به قنسولات روس مقیم ایران تعلیم داده شده که آنطوری‌که طبیعتاً بایستی سلوك نمایند همانطور عمل نمایند و مراقبت تامه به منافع روس داشته مأمورین دولت فاخره را مسئول هر نوع خساراتی که به اشخاص یا اموال اتباع روس وارد می‌آید بدانند.

از زمینهٔ مطالب مطبوعات روس واضح می‌گردد که هرگونه مداخلهٔ مسلحی برای تقویت حکومت موجودهٔ ایران باعث کدورت اهالی این مملکت خواهد بود. مطبوعات لیبرال عموماً با هرگونه مداخله‌ای مخالف بوده و روزنامهٔ نوورمیا هم آنرا تجویز می‌کند در صورتی که جان اتباع روس در مخاطره باشد. از طرف دیگر روزنامهٔ ملی اسویت مراجعت محمدعلی را صمیمانه خوش‌آمد گفته و با کمال شدت با هرگونه مداخله که برضد او باشد مخالفت می‌ورزد و مطبوعات ارتجاع‌طلب‌هم تقریباً همینطور عقیده دارند.

گمان نمی‌کنم عموم اینطور احساس می‌کنند که چون دولت روس برای برقرار داشتن محمدعلی بر سریر سلطنت از هرگونه مداخله احتراز نمود از آن نمی‌توان حالا انتظار داشت که به تقویت دولتی که هرگز بطور مودت با آن سلوك ننموده و از استقرار نظم در مملکت عاجز بوده است مداخله نماید.

من می‌خواهم اینرا علاوه نمایم که سوءظنی که بعضی از مطبوعات انگلیس در حق روس دارند که آن دولت به مراجعت شاه مخلوع مربوط بوده در اینجا اثر بدی باقی گذارده و بعقیدهٔ من این شایعات بکلی بی‌اصل می‌باشند.

بی‌توجهی و غفلتی که مأمورین محلی بادکوبه در گذاردن محمدعلی که بدون مانع وارد شود بخرج داده‌اند هرچه باشد و عقاید عامه روسیان با هرگونه احساساتی برقراری او را بتخت سلطنت نظر نمایند اخبار پیاده شدن وی بخاك ایران بسیار اسباب حیرت دولت مرکزی شده است.

من یقین‌دارم که هرگاه این‌چابکی و زرنگی‌که محمدعلی به‌خرج‌داده و نقشه‌ریزیهای خود را نموده و مخفیانه به انجام رسانید دولت روس را در مقابل یك کار تمام شده و گذشته‌ای قرار نمی‌داد و مسیو نراتف با نهایت وفاداری با دولت اعلیحضرتی همراهی می‌نمود که بطوری که پیشنهاد شده بود آن اعلیحضرت را متنبه ساخته و بعلاوه اقدامات از روی احتیاط بعمل می‌آید که از عبور او از خاك روسیه جلوگیری شود.

امضاء جارج بیوکانان

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۰۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

شیراز

کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد که طوایف قشقایی دهات دور و حوالی را بنا بر تشویق فرمانفرما غارت می‌نمایند.

من کفیل قنسولگری را اجازه داده‌ام به فرمانفرما اطلاع دهد که هرگاه بواسطهٔ اغتشاشات مداخلهٔ دولت انگلیس لازم گردد شخص او مسئول خواهد بود.

نمره ـ ۲۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

راه بختیاری

در سرقتی که در تلگرام ۱۹ ژوئیت خود راپورت دادم از قراریکه شنیده‌ام بسیاری اجناس انگلیسی از میان رفته است.

من مکتوبی به دولت ایران نوشته اصرار به لزوم اعادهٔ نظم این جاده نموده‌ام مخصوصاً که حالا از قرار معلوم سرقتهای راه شیراز الی اصفهان شکل بسیار بدی پیدا کرده.

نمره ـ ۲۰۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

روز نوزدهم ژوئیت مجلس قانونی تصویب نموده دولت را مختار نمود که نظر به وجود عناصر آشوب‌طلب که برای جلوگیری آنها داشتن اختیارات فوق‌العاده لازم تصور می‌شود اعلان قانون نظامی در طهران بنماید.

نمره ـ ۲۰۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز

ظاهراً احتمال قوی می‌رود که دولت ایران مایل باشند نظام‌السلطنه را محض آنکه بختیاریها را در این موقع باریك بطرف خود جلب نمایند از فرمانفرمایی فارس معزول

نمایند.

هرگاه چنین اقدامی را در مد نظر دارند من پیشنهاد نمی‌کنم با آن مخالفت شود. مستر ناکس تصور نمی‌کند عزل نظام‌السلطنه باعث بدتر شدن اوضاع فارس شود بعلاوه ممکن است انتظار حصول امنیت در راه بختیاری هم داشته‌باشیم چرا که متعاقب عزل نظام‌السلطنه ممکن است حکومت بهبهان با بختیاریها شود و آنها می‌توانند از طوایف کوهکلوئیه [کهگیلویه] جلوگیری نمایند.

نمره ـ ۲۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژویت)

طهران ۲۱ ژویت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۴ ژویت:

ژاندارمری خزانه ـ مستر شوستر کاغذی بمن نوشته خواهش نموده است که جواب خود را در باب تعیین استوکس معجلا برای او بفرستم. شرح ذیل ملخص مکتوب او است:

کلیهٔ مسئلهٔ ژاندارمری خزانه لزوماً بعهدهٔ تعویق است تا آنکه ترتیب این کار داده شود و بلاتردید می‌گویم که تشکیل این قوه بسیار با اهمیت و ضرورت تام برای اصلاح مالیهٔ ایران دارد. بدون این ژاندارمری در حقیقت کاری از من پیشرفت نخواهد کرد و هرگاه استوکس با من نباشد نمی‌دانم شخصی که دارای خصوصیات او باشد از کجا پیدا کنم.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژویت)

طهران ۲۱ ژویت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع کرمانشاه

تلگراف ذیل از قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه واصل گردیده:

سالارالدوله به امیرالممالك تلگرافی مخابره نموده و حکومت کرمانشاه را به او واگذار کرده او را دستورالعمل داده است که‌اجانب و قنسولخانهای [قنسولخانه‌های] آنها را حفظ نموده انتظامات آنجا را برقرار داشته و مراقب باشد که مأمورین محلی محترماً به طهران حرکت داده شوند و آذوقه برای هفت هزار سوار و ده هزار پیاده که قسمتی از آنها روز ۱۹ ژویت و باقی روز بیستم با وی حرکت می‌کنند تهیه نماید. او هم برحسب این اوامر عمل می‌نماید.

بعضی از مأمورینی که مردم آنها را تهدید نموده بودند به قنسولخانه وارد شدند. امیرالممالك مشغول ترتیبات است که آنها را سالماً بطهران بفرستد. آیا وضع رفتار

من با سالارالدوله باید چه قسم باشد؟

من به مضمون ذیل باو جواب دادم:

تا وصول تعلیمات دیگر شما تا اندازه‌ای که برای حفظ جان و مال اتباع انگلیس مقیم کرمانشاه لازم باشد با سالارالدوله سئوال و جواب نمایید. هرگاه ببینید ناچار هستید با آن شاهزاده مراسلات رد و بدل کنید بایستی بطور وضوح باو بفهمانید که او را رسماً نمی‌شناسید.

نمره ـ ۲۰۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

فرمانده ژاندارمری ـ قبل از آنکه ماژور استوکس قبول فرماندهی کند بایستی از عهدهٔ خود قشون هندی استعفاء نماید ـ شما ممکن است این مسئله را به خزانه‌دار کل بگویید.

نمره ـ ۲۰۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ ژوئیت)

طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

مدیرکل گمرکات و خزانه‌داری کل ـ افتخاراً راپورت می‌دهم که شارژدفر بلجیك تعلیم یافته است که مکتوبی به دولت ایران نوشته و آن دولت را متذکر سازد که بر حسب شرایط استخدام مأمورین گمرك بلجیکی بایستی مستقیماً در تحت امر حکومت مرکزی باشند یعنی در تحت امر وزیر مالیه و رئیس‌الوزراء یا صدراعظم. هرگاه به این شرایط اعتنائی نشود دولت بلجیك مجبور خواهند گردید که در صدد بازخواست مأمورین بلجیکی از ایران برآیند.

نظر به بحران پلتیکی حالیه شارژدفر بلجیك ارسال این مکتوب را به تأخیر انداخته است و چونکه گفتگوی فیمابین مجدداً بجای سختی نرسیده سفیر روس و من موافقت نموده‌ایم که این اقدام به تعویق انداخته شود.

تعلیماتی که برای مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] رسیده مبنی است بر اینکه بایستی جداً سعی بحفظ و تقویت استاکو بنماید به این معنی که مدیرکل‌گمرکات باید از خزانه‌دار کل مستقل بوده مخارج ادارات گمرك و مصارف ثابته را خود او کمافی‌السابق بپردازد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ ژویت)

طهران ۲۲ ژویت ۱۹۱۱ (۳۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۹]

حاوی مضمون مراسلهٔ ذیل است که مورخهٔ ۲۷ ژویت می‌باشد:

آقا

افتخاراً سواد مکتوبی را که وزیر امور خارجه روز ۲۱ شهر جاری برای‌من فرستاده است ایفاد می‌دارم (ترجمهٔ آنهم در جوف است) بعلاوه سواد مکتوبی که روز ۲۴ شهر جاری به وزیر امور خارجه نوشته توجه او رابطرف نقض نشدن حقوقی که برحسب معاهدات از بابت محل سکونت مسلم شده جلب نموده و برای اتباع انگلیس که در اینجا سکونت دارند ایستادگی نمودم و عقیدهٔ من این است که سایر سفارتخانه‌ها هم در این باب همین رویه را اتخاذ نموده‌اند.

بواسطهٔ این اعلان قانون نظامی جمعیتی کثیر به زرگنده که چنانچه من در قلهك حق مخصوص دارم همکار روس من هم در آنجا حق مخصوص دارد پناهنده شدند و اگر چه اشخاصی که خود را در تحت حفاظت روس قرار داده‌اند در معنی بست اختیار ننموده‌اند، مأمورین ایرانی نمی‌توانند آنها را در آنجا دستگیر نمایند.

روز ۲۳ شهر جاری بمجرد آنکه قانون نظامی اعلان شد پلیسهای در تحت امر یفرم چند فقره دستگیریهای عمده نمودند از آن جمله مجدالدوله (که نشان ك. سی. ام. جی. انگلیس را داراست) و امین‌الدوله·در ضمن دستگیری مجدالدوله قدری خونریزی شد و صبح روز بعد قریب سی نفر زن و خواجه‌ها و غیره متعلق به خانهٔ مجدالدوله در سفارت روس آمده بست اختیار نمودند و نعش یك زن و مرد را که پلیسها در نزاع دیروز بقتل رسانیده با سه نفر مجروح به‌آنجا آوردند. سفیر روس از روی بی‌میلی آنها را اجازه داد نزدیك حدود سفارت بیایند. دو روز بعد از آن چند نفر از خویشان دیگر مجدالدوله با برادرش خود را به اراضی سفارت در قلهك رسانیدند و اظهار داشتند که می‌خواهند بست اختیار نمایند. به آنها اصرار شد که از آنجا خارج شوند و اوامر لازمه داده شده است که درهای سفارت را هم اینجا و هم در شهر ببندند و هیچ‌کس را مگر آنکه دیده شود در مخاطرهٔ آجل جانی است به آنجاها راه ندهند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف یك نمرهٔ ۲۱۰

مکتوب محتشم‌السلطنه به سر جارج بارکلی

طهران ۲۱ ژویت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

جنابا:

افتخار دارم جنابعالی را مستحضر دارم که از روز شنبهٔ ۲۲ ماه ژویت قانون نظامی

در طهران برقرار خواهد شد و اینک سواد مواد قانون مزبور را که به مناسبت قانون نظامی تصویب گردیده است لفاً ایفاد می‌دارم. امید است که جنابعالی به اتباع انگلیس تعلیم خواهند داد که از مخالفت با حکومت مشروطه احتراز نمایند. هرگاه درخانه‌های آنها اجلاساتی منعقد گردد دولت حق خواهد داشت که اشخاصی را که در این جلسات حضور بهم میرسانند توقیف نماید و در مورد صاحبان آن خانه‌ها هم بر وفق معاهدات و مرسومات اقدام خواهد شد.

امضاء محتشم‌السلطنه

ملفوف دو نمرهٔ ۲۱۰

ترجمهٔ لایحهٔ اعلان قانون نظامی که در جلسهٔ فوق‌العادهٔ مجلس روز چهارشنبهٔ ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ تصویب گردیده است.

از آنجایی‌که شورای وزراء نظر به مقتضیات وقت اعلان قانون نظامی را لازم می‌دانند مواد ذیل را به مجلس پیشنهاد نموده تصویب فوری آنرا درخواست می‌نمایند:

مادهٔ اول ــ از زمانی که قانون نظامی اعلان شود اموراتی که مربوط به امنیت و آسایش عامه باشد بنا بر تصویب شورای وزراء توسط وزارت جنگ به انجام خواهد رسید.

مادهٔ دویم ــ محاکم نظامی موقتی برقرار خواهد شد که با کمال فوریت و سختی در تقصیرات و اقداماتی که برخلاف امنیت و آسایش عمومی بعمل آید تحقیق و تفتیش نماید.

مادهٔ سوم ــ قضات محاکم نظامی تماماً از اهل نظام خواهند بود.

مادهٔ چهارم ــ اشخاصی که برعلیه دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی اقدامات فعاله می‌نمایند و تقصیرشان به ثبوت رسیده محکوم بقتل خواهند گردید.

مادهٔ پنجم ــ قوهٔ مجریه حق خواهد داشت که اشخاصی را که مظنون مخالفت با دولت مشروطه و امنیت و انتظامات عمومی می‌باشند دستگیر نماید و پس از دستگیری محاکمه خواهند شد. هرگاه پس از محاکمه بکلی از سوءظن بری نشوند اشخاص مذکور توقیف خواهند بود که پس از انقضای مدت جریان قانون نظامی به وزارت عدلیه تسلیم شوند.

مادهٔ ششم ــ در صورتی که اعضای محاکم نظامی بخواهند در مجازات مقصری تخفیف بدهند آنها حق خواهند داشت که توسط وزرای مسئول تخفیف مجازات او را از نایب‌السلطنه استدعا نمایند و به غیر از اعضای مذکوره کسی دیگر حق شفاعت نخواهد داشت.

مادهٔ هفتم ــ در صورت سوءظن، مأمورین دولت که استقرار نظم شهر بعهدهٔ آنها است حق دخول و تفتیش خانه‌ها را دارند و در صورتی‌که با آنها مخالفت و مقاومت شود می‌توانند قهراً در آنجاها وارد شده و اشخاصی را که اظهار مخالفت و مقاومت می‌نمایند دستگیر نموده برفق اوامر محکمهٔ نظامی بطور سخت آنها را مجازات دهند.

مادهٔ هشتم ـ هرگاه روزنامجات یا هرگونه مطبوعات دیگر مطالبی بر ضد اقدامات دولت طبع و نشر نمایند توقیف خواهند شد و ادارات آنها مسدود خواهد گردید و در صورتی‌که باعث تهییج برضد دولت شوند مدیران این‌گونه روزنامجات و مطبوعات با نویسندگان آنها بر وفق قانون محکمهٔ نظامی مجازات خواهند شد.

مادهٔ نهم ـ مجازات مستخدمین دولت و اشخاصی که این کارها را اداره می‌کنند تخفیف داده نخواهد شد.

مادهٔ دهم ـ تمام اجتماعات و انجمنها تا وقتی که قانون نظامی مجری است بایستی متروك باشند. هرگاه عده‌ای در محلی اجتماع نمایند باید همین‌که پلیس به آنها اخطار نماید فوراً از هم متفرق شوند و در صورت مخالفت و مقاومت اشخاصی که مقصر واقع شوند به محکمهٔ نظامی آورده شده و محکوم به‌مجازات خواهند گردید. اگر یك قسمت یا تمام آنهایی‌که اجتماع نموده‌اند مسلح باشند باید همان وقت دستگیر شده و بر طبق فتوای محکمهٔ نظامی مجازات شوند.

مادهٔ یازدهم ـ حمل هرگونه اسلحه جداً ممنوع است مگر در مورد مأمورین دولت که استقرار نظم و امنیت عامه بعهدهٔ آنها است. در صورتی که کسی غیر از مأمورین دولت دیده شود که حمل اسلحه نموده دولت اسلحهٔ او را ضبط خواهد نمود و حامل چنین اسلحه بر وفق امر محکمهٔ نظامی مجازات خواهد شد.

مادهٔ دوازدهم ـ مستخدمین دولت که مطالب تلگرافات و مراسلات دولتی را افشاء نمایند به محکمهٔ نظامی آورده شده و با سختی تمام تنبیه خواهند شد.

مادهٔ سیزدهم ـ در هر نقطه از مملکت که دولت لازم بدانند قانون نظامی اجراء خواهند نمود.

[ملفوف سه] نمرهٔ ۲۱۰

مکتوب سر جارج بارکلی به محتشم‌السلطنه

طهران ۲۴ ژوییت ۱۹۱۱ [۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

جنابا

در باب مراسلهٔ ۲۱ ژوییت جنابعالی افتخار دارم جنابعالی را مستحضر دارم که به اتباع انگلیسی دستورالعمل خواهم داد که از هرگونه اقدامی که باعث اختلال نظم و امنیت باشد احتراز نمایند و باید این مسئله را خاطرنشان جنابعالی نمایم که مادهٔ هفتم قانون نظامی مخالف حقوق معاهده‌ای است و باید از جنابعالی خواهش نمایم به مأمورین دستورالعمل بدهید که بدون رجوع به این سفارت داخل خانه‌های اتباع انگلیس نشوند.

امضاء جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان
وزارت خارجه ۲۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۹]

مراجعت محمدعلی به ایران ـ دولت روس تا اندازه‌ای خود را مسئول جلوگیری مزاحمت شاه مخلوع نمود و ما هم به واسطهٔ همراهی با آن دولت در این مسئولیت شریك هستیم من با این رأی موافقت دارم که اقدام مسلحی صلاح نیست و بایستی بطور واضح بشاه مخلوع فهمانیده شود که ما حرکات او را صحیح نمی‌دانیم.

نمره ـ ۲۱۲

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

سفیر ایران امروز صبح از من ملاقات نموده و مسودهٔ پروتستی را که او تعلیم داشت در باب مراجعت شاه مخلوع بنماید برای سر نیکلسن قرائت نمود.

سر نیکلسن به میرزا مهدی خان اظهار داشت که هرگاه لطف نموده پروتست مزبور را بفرستد به او جواب داده خواهد شد.

سفیر پس از آن سؤال نمود که آیا دولت اعلیحضرتی مایل خواهند بود که معناً مداخله نموده و به شاه مخلوع و سالارالدوله اعلام‌نمایند که در صورتی هم که موفق به مقاصد خود شوند آنها را نخواهند شناخت؟ عدم شناسایی آنها به این طور برای مأیوس کردن هر دو آنها که باعث اختلال‌نظم [= اخلال‌نظم] و امنیت شده‌اند خیلی مؤثر خواهد بود.

سر نیکلسن به میرزا مهدی‌خان اظهار داشت که او البته این مسئله را بـه من راپورت خواهد داد ولی شخصاً تصور می‌نماید که چنین اظهارات از طـرف دولت اعلیحضرتی اثر کمی خواهد داشت و بدون موافقت دولت روس نمی‌توانند چنین اظهاراتی بنمایند و هرگاه بکنند مثل آن است که مداخله نموده باشند و گفت لازم نیست به سفیر ایران اطمینان دهم که دولت اعلیحضرتی از احتمال تجدید جنگ داخلی در ایران بسیار اندوهگین می‌باشند و صمیمانه مایل بودند که نایب‌السلطنه توانسته باشد بدون مزاحمت و در کمال مسالمت در کاری که مشغول آن بود مداومت نماید. یا این بود که این هیجان که دولت اعلیحضرتی بآن مایل نیست به علت عدم حمایت ملی پیشرفتی حاصل نمی‌نمود و یا آنکه عموم آنرا تقویت نموده و پیشرفت می‌کرد.

بریطانیای عظمی در تمام رولوسیونها تا زمانی که جـان و منافع اتباع انگلیس در مخاطرهٔ آجل نبوده است از هرگونه مداخله احتراز داشته است و آن دولت همین‌کار را اخیراً در ایران کرده و سر نیکلسن تصور می‌کرد که دولت مشارالیها حالا هم

همینطور خواهد کرد.
این عقیدهٔ شخصی او بود و آنچه در اینباب گفته شده است او بمن راپورت خواهد داد.
امضاء گری

نمره ـ ۲۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ ژویت)
طهران ۲۳ ژویت ۱۹۱۱ [۳۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۹]

دولت ایران مراسلات متحدالمآل مبسوط در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران بعنوان سفارتین فرستاده است.

در این مراسله دولت ایران مرا از شکایاتی که درخصوص آنتریك [= انتریگ] های آن اعلیحضرت نموده بود متذکر ساخته گله می‌کند از اینکه من اقدامی ننمودم که با خواهش دولت ایران بر اینکه سردار ارشد از بادکوبه گذارده نشود به ایران ورود نماید موافقت نمایم و مراجعت شاه مخلوع را حمل به بی‌اعتنایی من در مورد اظهارات دولت ایران می‌نماید.

برحسب مادهٔ یازدهم پروتکل و مناسبات دوستانهٔ دولتین، دولت ایران [خود] را محق می‌بیند[1] که از دولت اعلیحضرتی انتظارداشته باشد اقدامات لازمه برای منع آن اعلیحضرت و عمال او از تحریك هیجان در مملکت و اعمال اخیر سالارالدوله و مجلل‌السلطان که منجر به مراجعت آن اعلیحضرت گردید بنمایند.

مراسلهٔ مذکور جلب توجه مخصوص به وعدهٔ صریح روس برحسب مادهٔ یازدهم پروتکل نموده و اخطار می‌کند که با بستی‌ها و حقوق آن اعلیحضرت برحسب آن ماده و مادهٔ دهم عمل خواهد شد، و سلب مسئولیت از برای خساراتی که بعلت مراجعت آن اعلیحضرت در جهاز روسی وارد آمده نموده اظهار می‌دارد که دولت ایران اقدامات بسیار مؤکده و مؤثره برای جلوگیری از اغتشاشاتی که در صورت مداخلهٔ سریعتری از طرف دولت اعلیحضرتی وقوع آنها امکان‌ناپذیر بود می‌نمایند و اطمینان به موفقیت خود دارند.

در انتهای مراسلهٔ مذکور دولت ایران اظهار اطمینان می‌کنند که با این اوضاع غیرمترقبه دولت اعلیحضرتی همراهی لازمه معنوی نموده از هرگونه اغتشاشی که بواسطهٔ شاه مخلوع آوانتوریر[2] و همراهان دسیسه‌کار وی بسه‌ظهور رسد جلوگیری نمایند.

قسمت عمدهٔ این مراسله مربوط به دولت روس است و وزیر امور خارجه بالاراده این مطلب را برای من اظهار نموده و بطور عذرخواهی مرقوم داشته است که چون منهم یکی از صاحبان امضای پروتکل بوده‌ام مجبور شده است آنرا برای من بفرستد.

---

۱) اصل: دولت ایران را محق می‌نماید ـ م.

۲) آوانتوریه(یر) = ماجراجو ـ حادثه‌آفرین ـ جنجال‌برانگیز. ـ م.

بنابراین من نمی‌خواهم جوابی برای او بفرستم.

نمره ـ ۲۱٤

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ ژویت)
طهران ۲۳ ژویت ۱۹۱۱ [۳۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۹]

ژاندارمری خزانه ـ مفاد تلگراف ۲۱ ژویت شما را به ماژور استوکس و مستر شوستر نوشته‌ام. ماژور استوکس کاملا تصمیم نموده است که از شغل خود در قشون هندی استعفاء نماید در صورتی که در خصوص حقوق تقاعدی که برحسب کنتراتی که مجلس تصویب نموده است تغییرات بر وفق دلخواه وی بعمل آید.

مقصود از این تغییری که در مد نظر است این است که حقوق تقاعدی برای ماژور استوکس مقرر شود که مساوی باشد با حقوقی که او در عرض دو سال در قشون هند دریافت می‌نماید. تصویب مجلس لازم است.

از قراری‌که دریافته‌ام کابینهٔ وزراء از ترس آنکه مبادا بواسطهٔ تعیین او دولت روس هم دعوی شبیه باین بنماید الحال در موافقت بـا تقاضای خزانه‌داری کـل و درخواست تصویب تغییر لازمه از مجلس تردید دارد.

نمره ـ ۲۱۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژویت)
طهران ۲۴ ژویت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع ـ از قرار راپورتهایی که از قنسولات اعلیحضرتـی رسیده مشهود می‌گردد که در عده‌ای از شهرهای معظم بطور حتم احساسات طرفدارمحمدعلی میرزا است. این احساس بیشتر بواسطهٔ این است که عموم از قصور دولت حاضره در استقرار و حفظ انتظامـات مملکت نـاامید شده‌اند و چندان بـواسطهٔ اعتماد بشاه نمی‌باشد.

هنوز تصور اینکه تا چه اندازه هیجان مشروطیت در طهران قوت دارد سخت‌است. چند نفر را دستگیر نموده‌اند.

نمره ـ ۲۱۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژویت)
طهران ۲۴ ژویت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

صدراعظم استعفاء نموده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۱۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژوئیت)

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

کفیل قنسولگری شیراز راپورت می‌دهد که جنگ غیرمنظمی دوام دارد. عدهٔ مقتولین از طرف فرمانفرما از قرار مذکور سی و شش نفر می‌باشد. قشقاییها اتصالا می‌آیند و دور حوالی اینجا خرابی می‌رسانند. از قرار معلوم دسترسی به آنها ممکن نیست. دیروز بعضی از آنها قهراً داخل باغ رئیس‌ادارهٔ ذیگلر شدند. کفیل‌قنسولگری برحسب امر من صولت‌الدوله را بطور سخت متنبه می‌نماید.

نمره ـ ۲۱۸

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ ژوئیت)

سنت پطرزبورغ ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

حاوی مضمون مراسلهٔ ذیل مورخهٔ ۲۷ ژوئیت می‌باشد:

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که به مجرد وصول تلگراف ۲۲ شهر جاری شما من از کفیل وزارت امور خارجه ملاقات نموده و به او اطلاع دادم که در حالی که با او موافقت دارید بر اینکه صلاح است از هرگونه مداخلهٔ مسلحی در ایران احتراز شود شما تصور می‌نمایید که دولتین روس و انگلیس تا یك اندازه نسبت به حکومت حاضره مسئولیتی بر خود گرفته‌اند. دولت روس مخصوصاً در تحت پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ تعهد نموده است که هرگونه اقدامات لازمه برای منع انتریگهای پلتیکی شاه را که بنا بود در خاك آن دولت سکونت اختیار نماید بعمل آورد و به عقیدهٔ شما بنابراین وظیفهٔ ما است که کاملا بوضوح برسانیم که از این اقدامی که برای تحصیل تاج و تخت سلطنت نموده بهیچوجه رضایت نداریم.

ما در واقع مرهون نایب‌السلطنه و دولت ایران هستیم که اینکار را بکنیم و من اظهار داشتم که خوب است ما این مقصود را انجام داده و آنها را از همدردی کامل و تقویت معنوی خود مطمئن سازیم.

مسیو نراتف در جواب اظهار داشت که چون دولت امپراطوری نمی‌توانند از رویهٔ حالیه که عدم مداخله در امورات داخلی ایران بطور جدی باشد مسلك دیگری اختیار نمایند. این اقدام با آنچه آن دولت حاضر انجام آن هستند منافات دارد. این رویه‌ای است که دولت مشارالیها در زمان خلع شاه مخلوع اتخاذ نموده‌اند و از آنجایی‌که مایل بوده‌اند با دولت اعلیحضرتی موافقت نموده و بالاتفاق عمل نموده باشند از بکار بردن نفوذ خود در برقراری محمدعلی به تخت سلطنت استنکاف نموده و تا اندازه‌ای طرفدار استقرار حکومت مشروطه بوده‌اند و به واسطهٔ این رویه مورد سرزنش و ملامت واقع گردیده‌اند که منافع انگلیس بر منافع روس تقدم و رجحان پیدا نموده است و هرگاه

حالا آشکارا حکومت موجوده را در این مجادله که انتظار آن می‌رود طرفداری نمایند برضد پلتیك. عدم مداخله سابق خود عمل نموده و عقاید عامه این مملکت بطور سخت با آن دولت طرف خواهد شد.

من اظهار داشتم که بنظر من هرگاه آن دولت به نایب‌السلطنه و دولت ایران تقویت معنوی بنماید فقط همان پلتیکی را تعقیب خواهید نمود که در وقتی که راضی به خلع محمدعلی گردیدند اتخاذ نموده بودند و یك حکومتی را که خود کمك به استقرار آن نموده‌اند تقویت خواهند نمود.

مسیو نراتف در جواب اظهار داشت که هر دو بالتساوی محمدعلی را تا زمانی که بر تخت سلطنت جالس بود به شاهی شناخته و تقویت نمودیم ولی هیچ‌نوع اقدامی در برقراری او به تخت سلطنت نشده است.

من سپس توجه آن جناب را به تلگرافات طهران که در روزنامهٔ تیمس و سایر مطبوعات انگلیس و ممالك خارجه اشاعت یافته جلب نموده اظهار داشتم که از قرار معلوم ایرانیان اینطور تصور می‌کنند که دولت امپراطوری نمی‌شود از مقاصد شاه مخلوع بی‌خبر بوده باشد و آن اعلیحضرت نمی‌توانسته است بدون اطلاع و رضایت باطنی دولت امپراطوری از خاك روس عبور نموده و با یك کشتی روس از بحر خزر بگذرد و گفتم که از قرار مذکور در مراکز روسیهای طهران از احتمال بازگشت شاه مخلوع آشکارا اظهار خوشوقتی و مسرت نموده‌اند. از آنجایی‌که می‌دانستم چطوردولت امپراطوری از مراجعت ناگهانی شاه مخلوع بی‌خبر بودند من از اینکه این اکاذیب در مطبوعات انگلیس اشاعت یافته بسیار متأسف گردیدم ولی گمان کردم بسیار اهمیت دارد که آن جناب کاری بکند که این تأثیرات کاذبه که نسبت به نظریات و رویهٔ دولت روس در اذهان اهالی طهران ظاهراً جایگیر شده برطرف نمایند و اظهار نمودم گمان من این است سهل خواهد بود به مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم داده شود که یك قسمی به دولت ایران اطمینان داده شود که از احساسات دولت امپراطوری نسبت به خود شکی نداشته باشند.

آن جناب اظهار داشت خیلی ممکن است که بعضی از روسیان مقیم طهران به این‌طوری‌که نسبت داده شده بعضی صحبتها نموده باشند ولی دولت ایران در کمال خوبی می‌دانند که دولت روس مکرراً محمدعلی را متنبه نموده‌اند که دست از هرگونه انتریگ بر علیه آنها بردارد و در خیال آن هستند که مجدداً به اتفاق دولت اعلیحضرتی در این موقعی که متوسل به این اقدام غیرمترقبه گردیده بطور سخت اورا متنبه نمایند.

مسئله اینکه محمدعلی چطور از تحت مراقبت و مواظبت مأمورین محلی روس خود را گذرانیده مثل معما بر او غیرمکشوف و لاینحل مانده چنانچه آنجناب اظهار داشت دولت روس به‌خوبی ثابت نموده‌اند که به هیچ‌وجه مربوط به مراجعت او نبوده‌اند و به موجب اعلانی که منتشر نموده‌اند بر همه کس واضح گردیده که این مسئله بدون اطلاع آن دولت بوقوع رسیده و به قنسولات خود مقیم ایران دستورالعمل داده‌اند که فیمابین طرفین متنازعین بی‌طرفی صرف اختیار نمایند و پلتیك عدم مداخله را تعقیب

می‌نمایند و آن دولت کار دیگری نمی‌توانند بکنند و آنجناب اظهار داشت می‌توانم شما را اطمینان دهم که بهیچوجه طرفدار شاه مخلوع نبوده و گمان می‌کنم رسیدن محمدعلی به طهران مشکوك باشد و هرگاه هم این کار را به انجام رساند یحتمل پس از مدت قلیلی مقتول خواهد گردید. من میل ندارم طرز حکومت حالیه به حکومت سابق مبدل شود و من برقراری حکومت حاضره را رجحان می‌دهم. اقدام یا اظهاری که با آن مساعدت داشته‌باشد مطلب دیگری است.

امضاء جارج بیوکانان

نمره ـ ۲۱۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ ژویت)

طهران ۲۵ ژویت ۱۹۱۱ [۲ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۸ رجب ۱۳۲۹]

بنا بر آنچه فهمیده‌ام عقیدهٔ من بر این است که احساسات اهالی طهران بطور سخت مخالف محمدعلی‌میرزا است.

می‌خواهم علت استعفای سپهدار را بیش از همه‌چیز توضیح دهم و آن این است که او می‌دانست بواسطهٔ آنکه عموم تصور می‌کردند درصدد تهیه و آماده شدن برای مقاومت با آن اعلیحضرت نمی‌باشد اهالی همه‌جا از او متغیر می‌باشند.

چند روز بود که مشارالیه در طهران نبود و در حدود سفارت روس در زرگنده سکونت اختیار نموده است.

نمره ـ ۲۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ ژویت)

طهران ۲۶ ژویت ۱۹۱۱ [۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۹ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع کرمانشاه ـ در تعقیب تلگراف ۲۱ ژویت خود ـ تلگراف ذیل مورخه ۲۴ ژویت از طرف قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه مخابره شده:

کفیل حکومت و نایب‌الحکومه از سالاالدوله بر ایشان اوامر تلگرافی رسیده که به مشاغل خود مشغول باشند و نظمیه شهر سپرده به امیرالممالك باشد.

دستجات مسلح از هر یك از عشایر برای همراهی با شاهزاده به داودخان ملحق می‌شوند.

رئیس ایل کلهر به مسافت یك میلی کرمانشاه اردو زده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۲۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ ژوئیت)

طهران ۲۶ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۹ رجب ۱۳۲۹]

صمصام‌السلطنه به مقام صدارت منصوب و کابینهٔ خود را امروز صبح به مجلس معرفی نمود. هیئت وزراء اکثر از حزب دموکرات می‌باشند. وثوق‌الدوله وزیر امور خارجه است.

نمره ـ ۲۲۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ ژوئیت)

طهران ۱۵ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۳ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که در جلسهٔ ۲۹ ژون مجلس راپورتهای کمیتهٔ مالیه و کمیتهٔ وزارت خارجه در باب پیشنهاد وزارت تجارت برای استخدام پنج نفر مأمورین خارجه برای وزارتخانه‌های پست و تلگراف قرائت شد؛ وزارت تجارت برای استخدام از بلجیك پیشنهاد نموده بود، وزارت خارجه استخدام از سویس را توصیه نمود. وظایف مأمورین مذکور به قرار ذیل خواهد بود:

مدیرکل تلگراف از قرار سالیانه	۱۴۰۰۰ فرانك
مفتش پست و تلگراف از قرار سالیانه	۹۰۰۰ فرانك
مهندس کل از قرار سالیانه	۹۰۰۰ فرانك
رئیس کل پست برای جنوب	۹۰۰۰ فرانك
رئیس کل پست برای آذربایجان	۹۰۰۰ فرانك

نظر به تصمیم کمیتهٔ وزارت خارجه که مأمورین بایستی از سویس در عوض بلجیك استخدام شوند وزارت تجارت نقشهٔ خود را باز گرفت که تجدیدنظری در آن بنماید.

نمره ـ ۲۲۳

مکتوب سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ ژوئیت)

سنت‌پطرزبورغ ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخاراً اظهار می‌دارم که روزنامهٔ نیم‌رسمی موسوم به روسیه در تاریخ ۲۲ شهر جاری مقاله‌ای اساسی در باب وقایع ایران طبع و نشر نمود. خلاصهٔ آن به‌قرار ذیل است:

در روزنامجات روسی و خارجه اخیراً مطالب بسیار در باب ورود ناگهانی شاه

مخلوع که از سال ۱۹۰۹ بر حسب تصویب دولت روس در ادسا سکونت اختیار نموده طبع و نشر گردیده است.

از قرار اطلاعات از منابع موثقه شاه مخلوع تا آخر ماه اکتوبر ۱۹۱۰ در ادسا اقامت داشت و آنوقت برای معالجه بجاهای دیگر رفت. در ششم (۱۹) آوریل سال جاری به ادسا مراجعت نمود و پس از قدری توقف در ۲۸ مه (۱۰ ژون) باتفاق زن و بچه‌ها و دو سه نفر از اجزاء خود به عزم کارلس‌باد حرکت نمود. دولت روس از حرکات وی پس از آن از هیچ منبعی اطلاعی نیافته و ظهور ناگهانی او در ایران کاملا اسباب حیرت دولت امپراطوری گردیده است.

ظاهر است که آن اعلیحضرت به لباس مبدل و با یك تذکرهٔ جعلی در خاك روسیه مسافرت نموده است. تا مادامی‌که [= مادامی‌که] در ادسا اقامت داشت و در جاهای دیگر مسافرت می‌نمود مکرراً شهرت داشت که مشغول انتریگ در ایران می‌باشد و دولت ایران وزارت امور خارجهٔ روس را از این مسئله مستحضر داشت بدون آنکه حقیقت این اشتهارات واقعاً مشهود گردد. با وجود این دولت روس مکرراً و بطور بسیار سخت جلب توجه محمدعلی را به لزوم احتراز از هرگونه تحریکی نمود و در همین تازگی نظر به اغتشاشاتی که در ایران رخ داده و کشف اینکه عده‌ای طرفدار شاه مخلوع می‌باشند آن دولت قصد نمودند که به اتفاق دولت انگلیس دفعهٔ دیگر آن اعلیحضرت را متنبه نمایند که در این کشمکش با دولت حاضره ایران خود را شریك نگرداند.

این اقدامی که در نظر داشتند بعلت حرکت غیرمترقبهٔ محمدعلی از وینه به انجام نرسید.

امضاء جارج بیوکانان

نمره ـ ۱۲۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ ژویت)

طهران ۲۷ ژویت ۱۹۱۱ [۴ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱ شعبان ۱۳۲۹]

به دولت ایران اخبار رسیده که‌دسته‌ای از ترکمنها از همراهان شاه مخلوع شاهرود را چپاول نموده‌اند.

آن اعلیحضرت در استراباد است و از قراری که همکار روسی من اظهار می‌دارد آن شهر به او تسلیم شده است.

www.adabestanekave.com

---

۱) اصل ۲۳۴. ـ م.

نمره ـ ۲۲۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژویت)
طهران ۲۸ ژویت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

هرگاه مجلس تعیین ماژور استوکس را تصویب می‌کند دولت ایران ممکن است به او امر دهند که به جنگ شاه مخلوع برود.

نمره ـ ۲۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژویت)
طهران ۲۸ ژویت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

تلگراف ذیل مورخهٔ ۲۶ ژویت از جنرال قنسولگری مشهد رسیده است:

در اینجا شورشی به وقوع رسیده ظاهراً این شورش بر ضد ادارات دولتی است ولی در معنی به تقویت محمدعلی‌میرزا است. اهالی شهر نسبت به شاه مخلوع احساسات همدردی دارند.

نمره ـ ۲۲۷

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژویت)
طهران ۲۸ ژویت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع به ایران

جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد در ۲۷ ژویت بقرار ذیل تلگراف کرده است:

از قرار اطلاعات واصله محمدعلی‌میرزا با چهارصد نفر از ترکمنها شاهرود را قبضه نموده است و از آنجا استعداد زیادی به طهران می‌فرستد و خودش در شرف حرکت به طرف مازندران می‌باشد.

برای رئیس تلگرافخانه و رئیس قشون و متولی‌باشی و ایالت و بزرگ بجنورد از محمدعلی تلگرافات رسیده خطاهای گذشتهٔ آنها را عفو نموده و آنها را تهدید کرده است که در آتیه هرگاه مخالفت نمایند مجازات سخت بآنها خواهد داد.

شاه مخلوع تعهد به برقراری مجلس و ایجاد مجلس اشراف می‌نماید.

برحسب امر وزیر تلگراف از افشای تلگرافات مذکوره جلوگیری شده است.

نمره ـ ۲۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژویت)
طهران ۲۸ ژویت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

دولت ایران مکتوباتی به سفارتین نوشته شکایت دارد از اینکه مأمورین محلی روس

از قبول و انجام درخواست کارگذار [= کارگزار] ایران مقیم عشق‌آباد برای توقیف دو نفر از جاسوسان شاه مخلوع که چنانچه در تلگرافات ۱۲ و ۱۷ ژویت راپورت دادم مأمورین محلی بادکوبه از آنها جلوگیری ننموده و از طرف عشق‌آباد می‌خواستند به ایران بروند امتناع ورزیده است.

نمره ـ ۲۲۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۸ ژویت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۸ ژویت شما ـ باید بطور واضح به ماژور استوکس فهمانید که قبل از آنکه داخل خدمت شود یا موظف به وظیفه‌ای از طرف دولت ایران شود باید از شغل خود در قشون هندی استعفاء نماید.

آیا با مشاغلی که او در تحت خزانه‌داری کل می‌خواهد بعهده گیرد چطور می‌تواند در نظام داخل شده و به جنگ برود؟

نمره ـ ۲۳۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۸ ژویت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع ـ مسودهٔ اظهارنامه‌ای را که می‌خواهیم برای دولت ایران بفرستیم من به کنت بنکندرف داده‌ام:

از آنجایی‌که شاه مخلوع برخلاف تعهداتی که بـه دولت ایـران نموده و مخالف نصایحی که دولتین انگلیس و روس مکرراً به او داده‌اند که از هرگونه انتریگ در ایران احتراز نماید عمل کرده است دولت انگلیس حق وی را به حقوقی که برحسب پروتکل برای او مقرر شده مسلوب می‌دانند. از طرف دیگر دولت انگلیس تصور می‌کنند که چون شاه مخلوع فعلا در خاك ایران است نمی‌توانند مداخله نمایند.

علیهذا دولت انگلیس اظهار می‌دارند که در این کشمکش که بدبختانه در ایران بوقوع رسیده هیچ‌نوع دخالتی نخواهند کرد.

هرگاه همکار روسی شما هم حاضر است که از طرف دولت روس این اظهار بشود شما هم از طرف دولت اعلیحضرتی در این کار اقدام نمایید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۳۱

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

کنت بنکندرف امروز بانهایت تشویق در باب احتمال شرکت ماژور استوکس در اعمال نظامی در ایران صحبت داشت. هرگاه این مسئله بعمل آمد صاحبمنصبان روس هم ممکن است داخل خدمت طرف مقابل شوند و نتیجهٔظهور نقض عهود بسیاربدبختانه مابین انگلستان و روسیه در مورد پولتیك آنها در ایران خواهد شد.

من او را از تلگرافی که می‌خواستم امروز برای سر جارج بارکلی بفرستم مستحضر داشتم. از قراری که فهمیدم هنوز برای ماژور استوکس مأموریتی تعیین نشده بود و موافقت داشتم با اینکه خوب نیست او در اعمال نظامی در ایران شرکت نماید یا آنکه هر اروپایی دیگری اینطور عمل نماید ولی صاحبمنصبان فرماندهٔ ژاندارمری ایران بلاشك در اعمال نظامی بر ضد سارقین راههای جنوب شرکت خواهند داشت و مشکل است حدی برای اینکار قرار داد. من فکر می‌کنم ببینم چه می‌توانم بکنم.

امضاء گری

نمره ـ ۲۳۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژوئیت)

طهران ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

کفیل قنسولگری شیراز راپورت می‌دهد که در ۲۷ ژوئیت یکی از سواران مستحفظ قنسولخانه هنگامی که با لباس رسمی از بانك مراجعت می‌نمود یك نفر از تفنگچیان قشقایی به فاصلهٔ صد زرع [= ذراع] عمداً به او شلیك نمود ولی گلوله از نزدیك او گذشت.

من مکتوبی به دولت ایران نوشته اصرار نمودم که جلوگیری از اجحافات ئیل [= ایل] قشقایی شود.

نمره ـ ۲۳۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژوئیت)

طهران ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع کرمانشاه

در تعقیب تلگراف ۲۱ شهر جاری خود افتخاراً راپورت می‌دهم که شاهزاده سالار ـ الدوله روز ۲۴ شهر از صحنه به طرف کرمانشاه حرکت نمود. قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه تلگراف می‌کند که داود خان رئیس ایل کلهر با شاهزاده همدست شده

است.

مأمورینی که در تلگراف فوق‌الذکر خود ذکر کردم هنوز در قنسولخانهٔ اعلیحضرتی می‌باشند. مأمورین دیگر از کرمانشاه خارج گردیده‌اند.

نمره ـ ۲۳۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژوئیت)

طهران ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

راجع بتلگراف ۲۸ ژوئیت من: تلگراف ذیل از جنرال قنسول خراسان واصل گردیده است.

شورش بسیار سخت ـ عدهٔ کثیری در مقامات متبرکه تقاضای بـرهم زدن کلیهٔ ادارات دولتی و رجعت به ترتیبات قدیم را می‌نمایند. تیراندازی هم گاهگاهی می‌شود. چند نفری مقتول و مجروح گردیده‌اند.

نمره ـ ۲۳۵

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

سفیرکبیر روس روز ۲۵ شهر جاری از سر آرتر نیکلسن استفسار نمود که آیا عمل تعیین ماژور استوکس بالاخره فیصله شده است؟

سر آرتر نیکلسن جوابداد که او نمی‌داند ولی دولت‌اعلیحضرتی به ماژور استوکس اعلام نموده که هرگاه این کار را قبول می‌کند بایستی از مأموریت خود در قشون هندی استعفاء نماید.

کنت بنکندرف گفت که مسیو نراتوف امیدوار است که دولت اعلیحضرتی بعلاوه به دولت ایران بگویند که با تعیین وی هیچ‌کار نخواهند داشت و هرگاه دولت روس در مقابل ماژور استوکس تقاضای تعیین کس دیگر را بکنند، آن دولت با تقاضای دولت روس همراهی خواهند نمود.

مسیو نراتوف گمان می‌کرد خوب است دو سه نفر معلمین نظامی روسی اگر لازم باشد در خدمت ماژوراستوکس قرار دهند.

کنت بنکندرف اظهار داشت روسها باید در مقابل تعیین یك نفر انگلیسی بریاست کل ژاندارمری تمام ایران که منطقهٔ نفوذ روس‌هم جزو آن‌باشد جبرانی‌تحصیل‌نمایند.

نمره ـ ۲۳۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ ژویت)
طهران ۳۰ ژویت ۱۹۱۱ [۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۴ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۲۸ ژویت شما:
ماژور استوکس تصمیم نموده است که از عهدهٔ خود در قشون هندی استعفاء نماید و امیدوار است که نظر به آنکه خزانه‌دار کل او را جداً لازم دارد شما کاری بکنید که آنهایی که مربوط به کار هستند از ترتیبات و مرسومات معموله صرف‌نظر نموده و تلگرافاً [= تلگرافی] وی را از قبول استعفایش اطلاع دهند.
او نیز درخواست می‌کند که نظر به خدمت شانزده‌سالهٔ او به اندازه‌ای که سزاوار است حقوق تقاعدی به او اعطاء گردد ولی هر طوری که در باب این مسئله تصمیم نمایند استدعا دارد که تأخیری در مخابرهٔ تلگراف قبولی استعفای او نشود.

نمره ـ ۲۳۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژویت)
طهران ۲۸ ژون ۱۹۱۱ [۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۱ رجب ۱۳۲۹]
آقا
افتخاراً راپورت می‌دهم که در جلسهٔ ۲۴ شهر جاری مجلس به وزیر مالیه پیشنهاد نمود که چهار نفر امریکایی دیگر استخدام شوند که در تحت مستر شوستر در ادارهٔ مالیه مشغول کار گردند و کنترات آنها مثل آنهایی‌که استخدام شده‌اند سه ساله باشد.
مجلس بدون مذاکره با این پیشنهاد موافقت نمود و در واقع بالاتفاق در این باب رأی داده شد. حقوق این چهار نفر به قرار ذیل خواهد بود:

یك نفر محاسب بجای مستر هیلز	۴۰۰۰ دولار
یك نفر معاون برای مستر شوستر	۳۵۰۰ دولار
یك نفر منشی‌برای مستر شوستر	۱۸۰۰ دولار
ایضاً یکنفر منشی برای مستر شوستر	۱۶۰۰ دولار

فعلا چهار نفر مخصصین مالیه بقرار ذیل در طهران هستند:

مستر مورگان شوستر خزانه‌دار کل از قرار سالیانه	۲۰۰۰ لیرا
مستر کنز [= کرنز] مدیر مالیات از قرار سالیانه	۱۲۰۰ لیرا
مستر مکاسکی [= مك‌کاسکی] مفتش عایدات ایالات و ولایات از قرار سالیانه	۱۰۰۰ لیرا
مستر دیکی مفتش مالیات از قرار سالیانه	۱۰۰۰ لیرا

مستر هیلز محاسب با اهل خانه خود وارد شد ولی به واسطهٔ علت مزاج یکی از بچه‌هایش عزم نمود که فوراً به امریکا مراجعت نماید و ظاهراً دیگر مراجعت نخواهد کرد. از چهار نفری که فعلا تصمیم شده است استخدام شوند یکی بجای وی خواهدبود.
امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۲۳۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژویت)
طهران ۱۰ ژویت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]

آقا

در مراسلهٔ غرهٔ شهر جاری خود در خصوص مناقشه مابین مستر شوستر خزانه‌دار کل امریکایی و مسیو مرنارد مدیر کل گمرکات بلجیکی راپورت دادم که مستر شوستر مکتوبی به مسیو مرنارد نوشته جلب توجه او را به قانونی که اختیارات خزانه‌داری کل را مشخص می‌نماید نموده و اظهار می‌دارد که تمام وجوهاتی که از گمرکات واصل می‌شود بدون وضع مصارف و تمام وجوهاتی که در بانك شاهنشاهی و بانك روس موجود است بایستی بحساب او (خزانه‌داری کل) منتقل گردد.

در ۳۰ شهر ماضی چون مسیو مرنارد به تعلیمات خزانه‌داری کل اعتنائی ننمود شورای وزراء کاغذی را که مستر شوستر به مسیو مرنارد نوشته بود تصویب نموده و تصمیم نمودند که وی را به اطاعت قانون مزبور دستورالعمل دهند. وزیر امور خارجه تعلیمات مذکوره را در ۵ شهر جاری برای مسیو مرنارد نوشت و مسیو مرنارد هم باز بحساب گمرکات چك بحواله بانك شاهنشاهی می‌داد.

از آن وقت تاکنون در امورات بهبودی حاصل شده است. در ۷ شهر جاری وزیر امور خارجه از مستر شوستر دعوت نمود که روز بعد در اجلاس کابینهٔ وزراء حاضر باشد ولی همین‌که شنید می‌خواهند او را با مسیو مرنارد روبرو نمایند. مستر شوستر به وزیر امور خارجه جواب داد که حاضر نخواهد شد بعلت آنکه نمی‌توانست در باب این مسئله با مستخدمی که آشکارا با قانون اخیر مخالفت نموده است مذاکره کند. وزیر امور خارجه مکرراً از او دعوت نموده و اظهار داشت که مسئلهٔ بی‌اطاعتی مسیو مرنارد به قانون در میان نیست و علتی ندارد که مذاکره و مباحثه بشود. مستر شوستر بنا بر این اطمینان در آن اجلاس حضور یافت و مسیو مرنارد هم حاضر بود. وزیر امور خارجه این دو نفر را بیکدیگر معرفی کرده و پس از قدری صحبت ظاهراً رفاقت کاملی مابین آنها پیدا شد و از یکدیگر جدا شدند و از آنوقت تاکنون هر دو از نتیجهٔ این ملاقات اظهار رضایت می‌کنند. بنابراین من اعتماد دارم که ممکن است تصور کنیم اینکار اصلاح شده است.

اینك سواد مراسلهٔ وزیر امور خارجه به مسیو مرنارد مورخهٔ ۵ ماه ژویت را که در فوق اشاره به آن شد لفاً ایفاد می‌دارم و نیز سواد اطمینان کتبی که مستر شوستر به بانك شاهنشاهی داده و در تلگراف ۵ ژویت خود مذکور داشتم ایفاد می‌شود اطمیناناتی که به بانك روس داده شده هم بهمین طریق است.

امضاء جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

ترجمهٔ ملفوف یك نمرهٔ ۲۳۸

مکتوب وزیر امور خارجهٔ ایران به مسیو مرنارد

۵ ژوییت ۱۹۱۱ [۱۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۸ رجب ۱۳۲۹]

آقای مدیر کل

افتخار دارم بنام دولت علیه مفاد قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ را که راجع به تشکیل خزانهٔ کل برای مملکت است لفاً ایفاد دارم. تا اندازه‌ای که بشما مربوط است روابطی که بایستی مابین ادارهٔ شما و ادارهٔ خزانه‌داری کل برقرار باشد به موجب این قانون معین می‌گردد.

الحال توجه شما را به مواد قانون مزبور در خصوص تعلیمات خزانه‌داری کل جلب می‌نمایم و از شما استدعا می‌کنم مقرر دارید برحسب قانون آنچه از بابت گمرکات وصول می‌شود در حساب خزانه‌داری کل پرداخته شود و او دستورالعمل دارد که مقدم از همه آنچه از بابت محاسبات خارجه باید پرداخته شود و پرداخت آن تاکنون از وظایف ادارهٔ شما بوده بدهد.

یقین دارم شما با تشکیل ادارهٔ مالیهٔ جدید دولت علیه که برحسب قانون تأسیس شده همراهی کامل خواهید داشت.

در این موقع بنام دولت علیه از خدمات عالیهٔ شما در اداره‌ای که به این خوبی اداره نموده‌اید اظهار رضایت تام می‌نمایم.

امضاء حسن

ملفوف دو نمرهٔ ۲۳۸

مکتوب مستر شوستر به بانك شاهنشاهی ایران

۴ ژوییت ۱۹۱۱ [۱۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۷ رجب ۱۳۲۹]

آقا

در باب مذاکره‌ای که سابقاً در خصوص طریقهٔ اداره‌کردن محاسبات صرافی دولت علیه در تحت قانون ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ مجلس با هم نمودیم افتخار دارم که اظهارات خود را بطریق ذیل تصدیق نمایم:

تمام وجوهاتی که از بنادر جنوب واصل می‌شود بدون وضع مصارف به حساب خزانه‌داری کل در بانك شاهنشاهی امانت گذارده خواهد شد و در دفاتر من بدون کم و کسر ثبت خواهد گردید تا آنکه تمام پولهایی که بر آن وجوهات تحمیل شده بالتمامه پرداخته شود و از بابت این عایدات حواله داده نخواهد شد مگر آنچه برای مصارف حقیقی لازمهٔ ادارات گمرك که بموجب کنترات اخیر قرضه تجویز شده لازم باشد. بهمین طریق تمام وجوهاتی که از شمال وصول می‌شود بدون وضع مصارف در بانك استقراضی به حساب من امانت گذارده خواهد شد و در دفاتر من بدون کم و کسر ثبت خواهد گردید تا آنکه تمام پولهایی که بر آن وجوهات تحمیل شده پرداخته‌گردد.

قصد من این نیست که به هیچ طریقی این عایدات مخصوصه را با وجوهات دیگر

علیه مخلوط سازم ولی برعکس قصد دارم که بطور دقت اینها را بطور رهن و رصد برای پرداخت وجه تحمیلاتی که بر آنها شده برقرار و محفوظ دارم.

من حاضر و مشتاق بوده و هستم که تمام آنهایی که مثل شما به این کار مربوط هستند از تمامیت و مصونیت وثیقه‌ها و ضماناتی که دولت علیه در مقابل محاسبات مختلفه داده‌اند مطمئن سازم و قصد من این است که نه فقط مواظب باشم که این ضمانات صحیحاً برقرار بوده و تمام وجوهات مدیونی سر وقت پرداخته‌شود بلکه‌بعلاوه مواظبت نمایم که کلیهٔ امورات مالیه دولت علیه طوری اداره شود که بر این وثیقه‌ها مع‌اعتبار عمومی مملکت افزوده شود.

خیلی خوشوقت خواهم بود که شما یا آنهایی که مثل شما مربوط به این کار هستند هر وقتی که می‌خواهند کسی را از طرف خود فرستاده دفاتر و طریقهٔ دفترداری مرا که بواسطهٔ آن امورات مالیهٔ دولت اداره می‌شود امتحان نمایند.

امضاء مرگان شوستر

نمره ـ ۲۳۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژویت)

طهران ۱۱ ژویت ۱۹۱۱ [۱۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۹]

مستر مرگان شوستر دو ماه بیش نیست که در طهران است و نفوذ او در اوضاع یکی از قوای عامله است. مجلس الحال بکلی فرمان‌بردار او است و پیشنهاداتی که از طرف او می‌شود در واقع باتفاق آراء تصویب می‌شود.

جرأت و جدیتی که یك دفعه بخرج داده و در صدد اصلاحات برآمده قابل تمجید است ولی نتایج پیشرفت بی‌باکانه‌ای که او می‌کند قابل تردید است.

در همان یك دفعه که از شوستر ملاقات نمودم او کار خود را بکلی مربوط به‌مالیه دانسته و در این باب بیشتر سخن‌رانده و اظهار می‌کرد من داخل در سیاسیات نیستم. اگر مقصود او از این الفاظ این است که در امورات پلتیکی مداخله نخواهد کرد بایستی مقاصد او را تحسین نمود ولی به این طریق ساده که با ادارهٔ کل گمرکات داخل کشمکش شده و متعاقب آن ماژور استوکس را برای ژاندارمری خزانه تعیین نموده و در هر دو این اقدامات خود را در معرض مخالفت روس قرار داد از ادعای وی بعدم ارتباط به مسائل پلتیکی یك معنی تهدیدآمیزی تعبیر می‌شود و نشان می‌دهد که مشارالیه بعضی جزئیات پلتیك را که بهتر است در تحت ملاحظه آورد مراعات نمی‌نماید.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۴۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژویت)
طهران ۱۱ ژویت ۱۹۱۱ [۱۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۹]
آقا

رجوع به مکتوب ۸ ماه گذشتهٔ من در باب وضع امنیت راههای جنوبی:

افتخار دارم راپورت دهم که کمارج را که در راپورت آخری خود شرحی از خطرناك بودن آن نوشتم چون ملاخورشیدخان سابق دوباره به مقام اولی خود در کمارج منصوب گردیده از نهم ژون به اینطرف دیگر خطرناك نیست و او از مقاصد غارتگری خود صرف‌نظر نموده و به بستگان خود اوامر مؤکده داده است که بهیچوجه به پسته یا قوافل دستبردی نزنند. فرمانفرما قصد دارد دوباره ملاخورشید را از کمارج خارج نماید ولی چون از ایل قشقایی کسی را ندارد که بتواند بر آن اعتماد نماید جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] گمان کرد شرط عقل آن است که ملاخورشید را به خانی آنجا بشناسد و ظاهراً کسی را که خود فرمانفرما نامزد نموده بود در ۷ ژون چهار لنگه قماش متعلق به ادارهٔ مستر زلیو نیکستن را سرقت نموده است و به این طریق ابقای ملاخورشید بالمضاعف اسباب رضایت است.

بنا بر راپورتهای هفتگی ۱۷ و ۲۴ ژون و غرهٔ ژویت که از جنرال‌قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان رسیده معلوم می‌گردد که ایاب و ذهاب قوافل مابین شیراز و اصفهان بتدریج رو به ازدیاد است. عموم دوباره اعتماد و اطمینان پیدا می‌کنند و بعلت تأخیر زیادی که در راه بختیاری واقع می‌شود تجار ترجیح می‌دهند که از راه‌جنوب مال‌التجارهٔ خود را حمل نمایند. علت این تأخیرات به واسطهٔ کمیابی حیوان باری است. اینجا در صدد هستند که از اهواز قریب شش‌هزار حیوان بدست بیاورند که برای حمل مال‌التجارهٔ زیادی که از این راه حمل می‌شود کافی باشد و مال‌التجاره‌ای که بعلت احتیاجات خود بختیاریها محض کشمکشهای خانه‌خراب‌کن آنها حمل آن از آن طرف امکان ندارد از این طرف حمل شود.

سرقتهای راه از بوشهر الی اصفهان که به وقوع پیوسته از قرار ذیل است:

در ۹ ژون چهار بار قماش و یك صندوق تریاك قریب ۲۰ میلی شمال کازرون هفت الاغ با بار محمول قند و غیره در ۱۴ ژون نزدیك پل سیوند به سرقت رفت و به یك قافلهٔ محلی در ۲۴ همان‌جا حمله شد. همانروز در ۸ میلی بیرون شیراز قافله سرقت شد. سوارهایی که فرمانفرما فرستاد با سارقین چند تیر رد و بدل نموده و قسمتی از اشیاء غارتی را مسترد داشتند.

بموجب تلگراف ۶ ژویت که از جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان رسیده معلوم می‌شود که کمپانی دیکسن راپورت داده‌اند که قافلهٔ محمول بارهای آنها درمحلی قریب ۳۰ میلی جنوب اصفهان بواسطهٔ حضور سارقین در راه توقیف شده‌است.

در ۵ و ۶ ژویت قوافل بزرگ محمول محصولات محلی در حدود نزدیك‌شیراز سرقت شده نظام‌السلطنه سوار به عقب آنها فرستاده سواران مذکور منهزم و فرماندهٔ آنها

بطور سخت مجروح و یکی دو نفر مجروح گردیدند. در ۶ ژویت چند نفر سوار در نزدیکی قمشه هفت قاطر و بارهای آنها را بردند.

من وزارت امور خارجه را از سرقتهای مهمه مستحضر داشته‌ام و به قرار معمول وعده می‌دهد که اقدامات لازمه خواهد شد. این‌مسئله ظاهر است‌که اقتدارنظام‌السلطنه هم در داخل و خارج شیراز رو به ضعف است.

راه مابین اصفهان و طهران در محلاتی که خارج از ایالت اصفهان است یعنی در جاهایی که نفوذ و حکمرانی حکومت اصفهان مشکوك است هنوز ناامن می‌باشد.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۲۴۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژویت)

طهران ۱۲ ژویت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم که خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ ایران را برای چهار هفتهٔ گذشته به طریق معمول لفاً ایفاد درام.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۲۴۱

خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ ایران از ۱۵ ژون الی ۱۲ ژویت ۱۹۱۱ [۲۵ خرداد تا ۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ ج ۲ تا ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

طهران

کابینهٔ وزراء ـ در ۱۵ ژون سپهدار صدراعظم بدون انتظار از طهران حرکت نمود و بطرف رشت رهسپار گردید. شرح مفارقت و مراجعت وی را به طهران در نهم شهر جاری علیحده راپورت داده‌ام.

در ۱۲ ژویت کابینهٔ سپهدار استعفاء نمودند.

مستخدمین امریکایی و غیره برای ادارهٔ مالیه

مجلس پیشنهادات مستر شوستر را برای استخدام مستخدمین ذیل تصویب نموده است:

معاون‌رئیس ادارهٔ عایدات از قرار سالیانه	۴۰۰۰ دولار
معاون رئیس ادارهٔ عایدات از قرار سالیانه	۴۰۰۰ دولار
معاون رئیس ادارهٔ عایدات	۱۸۰۰ دولار
معاون مفتش ادارهٔ عایدات	۱۶۰۰ دولار
مؤسس ژاندارمری برای ادارهٔ خزانه	۵۰۰۰ دولار

صاحب‌منصب عایدات ۳۰۰۰ دولار
حقوق اروپاییانی که حالا در طهران هستند ۱۵۰۰ دولار

تبریز

ویس قنسول اعلیحضرتی در ۶ ژویت تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت می‌دهد که طوایف شاهسون و قراداغی تا یك ماه مشغول چپاول دهات و غارت قوافل و در این چند روزهٔ اخیر راههای میانه و اردبیل مسدود و قوافل عبور و مرور می‌نمودند. مأمورین محلی بواسطهٔ عدم پول و جدیت و بالاتر از همه عدم تقویت معنوی دولت اقدامی نمی‌کردند. از منابع دیگر راپورت داده شده که مجلل‌السلطان یکی از اجزاء معتمد شاه مخلوع که با وی تبعید گردید الحال با شاهسونها است.

اکنون ۱۸۰۰ نفر عساکر روس در اردبیل هستند و قشونی که برای سرکوبی اشرار فرستاده شده بود در نزدیکی آستارا به عساکری که در اردبیل بودند ملحق گردیده‌اند. علاءالدوله که برای ایالت آذربایجان انتخاب شده هنوز در طهران است و ظاهراً از حرکت به سمت تبریز بی‌میل است.

رشت

طوایف شاهسون و اهالی طالش با یکدیگر متحد شده و حاکم طالش را بیرون کرده یکصد نفر از قشون او را خلع اسلحه نموده‌اند.

سردار افخم بجای ظفرالسلطنه به حکومت استراباد تعیین شده است.

طوایف ترکمن هنوز مشغول غارت و چپاول می‌باشند و از قرار معلوم مأمورین محلی و اولیاء امور در مرکز هیچ اقدامی نمی‌کنند.

ترکمنها اخیراً پست شاهرود را سرقت نمودند و معادل صد و چهل لیرا و پستچی را برده‌اند و چهار نفر از دهاتیان را مقتول و شش نفر را مجروح نموده‌اند. دهاتیان هم چهار نفر از ترکمنها را مقتول نموده‌اند.

سپهدار صدراعظم در اواسط ژون به رشت وارد شد و ستارخان و باقرخان به وی ملحق شدند. او در اوایل ژویت بطرف طهران مراجعت نمود.

مشهد

نیرالدوله به ایالت خراسان تعیین شده ولی هنوز در طهران است و ظاهراً میل ندارد مشاغل خود را به عهده گیرد.

اوضاع این ایالت که در تحت صاحب‌اختیار رو به بدی می‌رفت تا اندازه‌ای بهتر شده محمدعلی یاغی نیشابوری را قشونی که برای سرکوبی وی اعزام شده بود محاصره نموده و مقتول داشته‌اند. رشیدالسلطان که سیصد نفر دور خود جمع‌آوری نموده ادارهٔ تلگرافخانهٔ سبزوار را قبضه و دور و حوالی آنجا را غارت کرد. عساکر دولتی وی را مابین دامغان و شاهرود شکست داده و دوازده نفر از آنها تلف شد معتقدند که او

بطرف مازندران فرار کرده است.

سیستان

در اوضاع عمومی این ایالت تغییری حادث نشده راهها از قرار مذکور عموماً ناامن می‌باشند و مقدار زیادی مال‌التجاره در کوه ملك‌سیاه معطل شده و منتظر یك موقع امنی است که بطرف شمال حرکت داده شود. راپورت هجوم سخت بلوچها هم از قسمت جنوبی قائنات نزدیك نه در هفتم ژویت داده شد که همان روز مابین اجزاء حکومت و بعضی از اهالی دهات که از ترس بلوچها به شهر پناهنده شده بودند نزاعی واقع شد دو نفر مقتول و متجاوز از سی نفر مجروح گردیدند. طرفداران حشمت‌الملك محرك این شورش بودند.

اصفهان

اوضاع عمومی این ولایت بلاتغییر است. در خود اصفهان علماء هیجان مذهبی جدیدی در مردم انداخته‌اند و به یکی از مقامات متبرکه نسبت وقوع معجزه دادند مقصود آنها این است که نفوذی که بر مردم داشتند و از دست داده بودند دوباره بدست بیاورند و ظاهراً اقدامات آنها در مورد طبقات پست مردم پیشرفت زیادی نموده است. راههای یزد و سلطان‌آباد ظاهراً امن می‌باشند. دزدان هنوز راه طهران را از اصفهان به کاشان اشغال می‌نمایند. روز ۱۶ ژون پسته در نزدیکی خفر به سرقت رفت و ده قاطر با بار در ۴ ژویت مابین طرق و نطنز به سرقت برده شد و راپورت داده شد که بختیاریهای نطنز راه قافله‌رو از روی تنگهٔ قهرود را مسدود نموده یکی از مستحفظین راه را مقتول و دو نفر دیگر را مجروح گردانیدند. دویست رأس قاطر را هم در قهرود توقیف نمودند.

دیگر خبری از جنگ مابین بختیاریهای چهارلنگ و هفت لنگ بدست نیست و از اغتشاشات اخیره نتیجهٔ معلومی بروز نکرده است. طوایف هفت لنگ می‌گویند که چهارلنگها تسلیم شده‌اند.

قم

در ۵ ژویت قافله در راه سلطان‌آباد نزدیك قم سرقت شد. در راه مستحفظی نیست و حکومت نمی‌تواند از طهران وجه برای گرفتن مستحفظ تحصیل نماید. شش نفر سوار بختیاری پسته را در ۳۰ ژون در ده نار که در راه کاشان واقع است به سرقت بردند.

یزد

فخرالملك حاکم جدید در ۳۰ مه وارد شد. تاکنون چیزی که دلیل بر قابلیت او باشد از او مشهود نگردیده است. از قرار راپورت در اوایل ژون چند فقره سرقت

در راه نائین الی اردستان و یزد الی مشهد و یزد الی فارس بوقوع رسیده.
حکومت سعی دارد که اختیار مستحفظین راه را بدست خود گیرد ولی این را می‌توان حمل به میل او کرد که می‌خواهد پول زیادتری بوی رجوع شود.

لرستان

حاکم که چند صد نفر سوار بختیاری با خود دارد ظاهراً پس از قدری جنگ که برای استحکام اقتدار خود با الوار نمود بر آنها فایق آمده و قشون امدادی که خواسته بود امر داده است حرکت نکنند.

کرمان

قشونی‌که ایالت برای‌نظم‌بلوچستان‌فرستاده‌بود در دوازدهم‌ژون بدون‌آنکه بتوانند کاری ازپیش‌ببرند به‌کرمان‌مراجعت‌کردند. عساکر مزبور بهرام‌خان‌را تا مدتی درقلعهٔ فهرج محاصره نمودند ولی ورود سعیدخان و رؤسای مکران باتفاق یکهزار نفر باعث گردید که ترك محاصرهٔ او را نموده و به کرمان مراجعت نمایند به واسطهٔ عدم موفقیت این قشون به جزئی اهمیت و اقتداری هم که دولت ایران در بلوچستان داشت ضربت شدیدی وارد آمده است.
سردار محیی که سال گذشته دخیل به اغتشاشات طهران بود به ایالت کرمان تعیین شده است.

کرمانشاه

یکی از جاسوسان مرتجعین علی‌قلی نام تازگی در کرمانشاه دستگیر گردیده و به طهران فرستاده شده است.
داودخان کلهر صمصام‌الممالك سنجابی را حمله نمود ولی همراهان صمصام‌الممالك در دو قلعه از خود دفاع نموده و بر او فایق آمدند. از همراهان داودخان یکصد نفر تلف شده‌اند. پس از تخریب یك مقدار اراضی باندازهٔ پانزده میل مربع داودخان یکنفر را نزد سنجابیها فرستاده قرار صلح را داده و دو رئیس مذکور برای تصدیق امرصلح خود با یکدیگرملاقات نمودند. داودخان وعده داده است که حکومت قصرشیرین را بعد از این به صمصام‌الممالك بدهد.
در اوایل ژون اکبرخان برادر معین‌الرعایای مرحوم با همراهان خود عسکر سلیم یکی از سرکردگان حزب مخالف حکومت را به قتل رسانیدند. این مسئله باعث موقع سختی در کرمانشاه گردید و برای حمله به یکدیگر جمع می‌شدند. کفیل حکومت به استقرار انتظامات موفق گردید و بازارها پس از سه روز که مسدود بودند مجدداً مفتوح گردیدند. اوضاع به همین‌طور مغشوش بود و چند نفر به قتل رسیدند. در ۶ ژویت سوءقصدی نسبت به سید اکبرشاه که یکی از علماء است شد و چندین نفر مجروح گردیدند. در ۸ بازارها دوباره مسدود گردیدند.

جمعی ادارات پلیس و عدلیه و تحدید تریاك و تلفونخانه را غارت کردند. اهالی به طهران تلگراف کردند که‌هرگاه اقدامی از طرف دولت نشود قهراً داخل یکی از قنسولخانه‌ها خواهند شد که آنها مجبوراً مداخله نمایند. در این منوال الوار در حدود کرمانشاه هجوم آورده و راههای سلطان‌آباد و ماهی‌دشت ناامن بودند. از قراری که راپورت داده شد مستحفظین راه از تمام قوافل بناحق پولهای زیاد می‌گرفتند.

شیراز

واقعه‌ای که به واسطهٔ سربازهایی رخ داد که می‌خواستند در قنسولخانه اعلیحضرتی پناهنده شوند، به این منجر گردید که فرمانفرما از تمام آنها خلع اسلحه نموده و تمام افراد فوج را به اوطان خود معاودت داد.

خلیج فارس

بندر عباس

در اواخر مه راپورت داده شد که راه کرمان امن است ولی راه لار در نزدیکی لار ناامن است.

اهواز

قنسول اعلیحضرتی در ۲۸ ژون راپورت داد که از قرار خبر موثق او شنیده بود که پسر والی پشتکوه امان‌الله خان او را عزل و در ده بالا محبوس نموده‌است. پشتکوه آرام است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۴۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوراد گری (واصله ۳۱ ژویت)

طهران ۱۲ ژویت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

راجع به مکتوب ۲۸ ژون خود افتخار دارم راپورت دهم که در ششم شهر جاری مجلس به هیئت اتفاق پیشنهاد وزیر مالیه را برای استخدام سه نفر خارجی دیگر که در تحت خزانه‌داری کل امریکایی باشد تصویب نمود.

یکی از این سه نفر بایستی تشکیل قوه‌ای برای ژاندارمری خزانه بدهد و مواجب او برای این کار سالیانه پنجهزار دولار خواهد بود و چنانچه در تلگراف ۷ ژویت خود راپورت دادم مستر شوستر ماژور استوکس را برای این عهده انتخاب نموده است.

وظایف معینهٔ دو نفر دیگر مذکور نشده است. مواجب آنها یکی سه هزار و دیگری هزار و پانصد دولار می‌باشد.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۲۴۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوییت)
طهران ۱۲ ژوییت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

سپهدار روز یکشنبهٔ گذشته از رشت به طهران مراجعت نمود ولی بحرانی که به واسطهٔ حرکت ناگهانی وی در روز ۱۵ ماه گذشته به وقوع رسید هنوز تمام نشده است.

در دهم شهر جاری نایب‌السلطنه نمایندگان حزب اکثریت و مخالف را ملاقات نموده از آنها استدعا نمود اختلافات میان خود را رفع‌کنند. اکثریت اظهارداشتند می‌خواهند سپهدار صدراعظم باشد ـ والاحضرت از آنها درخواست نمود که خودشان کابینه را تشکیل بدهند ولی دید که اکثریت یکلی در انتخاب اعضای آن مخالفت‌آراء داشتند و بالاخره از والاحضرت خواهش نمودند که کابینه را برای آنها انتخاب کند ولی او از اینکار سر باز زد.

دیروز وزراء استعفای خود را عرضه داشتند.

حرکت سپهدار از رشت رفع تشویش خیال دوستداران حکومت حالیه را نمود چرا که اینطور احساس می‌شد که تا زمانی که او در رشت توقف دارد و املاك و اموال او باعث ازدیاد نفوذ وی در آنجا است ممکن است از خشم و تغیر بر ضد مجلس اقدامی نموده و به طرفداری و تقویت ارتجاع تحریك به اغتشاش نماید. بحران مطول کابینه و قصور حکومت در ابراز اقتدار در ایالات و ولایات اسباب تقویت هیجان ارتجاعی شده و در این تازگی صحبت و گفتگوی بکار بودن طرفداران محمدعلی در میان و حتی علامات آن هم مشهود گردیده است.

از قرار معلوم همین تازگی نظمیه یك انجمن ارتجاعی مخفی در طهران کشف نمود؛ اسم آن انجمن اتحاد اسلامی است. نظمیه در محلات آن داخل شده و ثبت اسامی دو هزار نفر را یافت و بسیاری از آنها از اشخاص معروف بودند.

مجلل‌السلطان محبوب بزرگ شاه مخلوع که با آن اعلیحضرت تبعید شد از قرار راپورتی که رسیده به ایران مراجعت نموده و حالا با طوایف یاغی شاهسون می‌باشد و مکتوباتی از طرف محمدعلی شاه به آنها تسلیم نموده است.

ممکن است که مأموریت مجلل‌السلطان مربوط به اقدامات ضالارالدوله برادر شاه مخلوع باشد که چنانچه از خلاصهٔ وقایع ماهیانه معلوم می‌شود در ضدد تحریك هیجان و انقلاب در کردستان بوده است.

در بین این اوضاع بطور قطع مراجعت سپهدار به طهران اسباب تسکین خاطر اعتدالیون و دموکراتها می‌باشد و اینجا بهتر می‌توانند از وی جلوگیری نمایند.

امضاء جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲٤٤

مکتوب میرزا مهدیخان به من ادوارد گری (واصله ۳۱ ژویت)
طهران ۲۴ ژویت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

آقا

دولت متبوعهٔ من مرا تعلیم داده است که جلب توجه دولت بریطانیای عظمی را به ورود محمدعلی‌میرزا شاه مخلوع ایران به کمش‌تپه در خاک ایران بنمایم و بایستی آنجناب را به وقایع تابستان سال ۱۹۰۹ که منجر به پناهنده شدن شاه مخلوع در سفارت روس و پروتکلی که سر جارج بارکلی و سفیر روس در ۲۵ ماه اوت همانسال (۱۹۰۹) امضاء نمودند متذکر سازم.

دولت متبوعه من لازم نمی‌دانند جنابعالی را از مواد مختلفهٔ این پروتکل متذکر سازند ولی می‌خواهند جلب توجه مخصوص شما را به مادهٔ ۱۱ بکنند که بواسطهٔ آن دولت بریطانیای عظمی و دولت روسیه تعهد نموده‌اند که اوامر مؤکده به شاه بدهند که برای همیشه از هرگونه تحریکات سیاسی بر ضد ایران احتراز نماید. دولت امپراطوری روسیه از طرف دیگر بموجب این پروتکل متعهدگردیدندکه اقدامات مؤثره نموده نگذارند شاه مخلوع چنین تحریکاتی بنماید.

من بایستی دولت بریطانیای عظمی را از اظهارات مکررهٔ سال گذشتهٔ دولت ایران به آندولت و دولت روسیه در باب حرکات شاه مخلوع و تحریکاتی که او بر ضد حکومت حالیه می‌نماید متذکر سازم. دولت متبوعهٔ من بی‌اندازه متأسف هستند که اظهارات آنها بطور بی‌اعتنایی پذیرفته شده و نه دولت بریطانیای عظمی و نه دولت روسیه اقدامی ننموده‌اند که از این تحریکات جلوگیری شود.

در عرض ماه گذشته توجه دولت متبوعهٔ جنابعالی و دولت امپراطوری روسیه به اقدامات روزافزون محمدعلی‌میرزا و ورود فرستادگان او از راه روسیه به ایران جلب گردید باز هم اقدامی بعمل نیامد. نتیجه این شد که محمدعلی میرزا خود در کشتی روسی روز ۱۹ شهر جاری به ایران وارد شد.

نظر به واقعات فوق‌الذکر دولت متبوعهٔ من مرا تعلیم داده‌اند که به‌دولت بریطانیای عظمی پروتست نموده اظهار بدارم که بر وفق پروتکل مذکور حقوق محمدعلی‌میرزا را از این تاریخ دیگر نخواهند داد و مسئولیت هرگونه خسارات یا صدماتی که به واسطهٔ این واقعات وارد آید باید با دولتین باشد. من بعلاوه برحسب تعلیمی که دارم عرض می‌کنم که نظر به آنچه بوقوع پیوسته مادهٔ دهم پروتکل (که راجع به مسئلهٔ بعضی پناهندگان است که در موقع تسطیر پروتکل در سفارت روس بودند برحسب مادهٔ نهم پروتکل) اجراء خواهد گردید.

امضاء مهدی

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۴۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژویت)
طهران ۳۱ ژویت ۱۹۱۱ [۸ امرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹]
اوضاع مشهد ـ در تعقیب تلگراف ۲۹ شهر جاری خود قنسول جنرال اعلیحضرتی مقیم مشهد در ۳۰ ژویت بقرار ذیل تلگراف می‌کنند:
شهر دوباره آرام است. قشون شاهرود که عدهٔ آنها به چهار صد نفر می‌رسد به محمدعلی‌میرزا ملحق شده‌اند.

نمره ـ ۲۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله غرهٔ اوت)
طهران غرهٔ اوت ۱۹۱۱ [۹ امرداد ۱۲۹۰، ۶ شعبان ۱۳۲۹]
حاوی مفاد مراسلهٔ ذیل مورخهٔ ۳ اوت می‌باشد:
آقا
افتخاراً سواد مراسله‌ای که در تاریخ سی و یکم ماه گذشته برحسب تعلیمات‌مندرجه در تلگراف ۲۸ ماه گذشتهٔ شما به دولت ایران نوشته‌ام لفاً ایفاد می‌دارم. همکار روسی من هم در همان روز مکتوبی بهمان مضمون پس از بعضی جرح و تعدیل برای آن دولت فرستاد.
چنانچه ملاحظه خواهید فرمود من در این مکتوب ذکری از تعهدات شاه مخلوع به دولت ایران ننمودم علت اینکه از ذکر این مسئله صرف‌نظر کردم این بود که در تعلیماتی که برای همکار روسی من رسیده بود ذکری از آن نرفته بود.

ملفوف نمرهٔ ۲۴۶

مکتوب سر جارج بارکلی به محتشم‌السلطنه
طهران ۳۱ ژویت ۱۹۱۱ [۸ امرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹]
برحسب تعلیماتی که از طرف دولت اعلیحضرتی برای من رسیده افتخار دارم مطلب ذیل را خدمت جنابعالی عرض کنم:
چون شاه برخلاف نصایح مکررهٔ دولتین انگلیس و روس که از هرگونه آنتریك [= انتریگ] در ایران احتراز نماید عمل کرده و به ایران مراجعت کرده است دولت انگلیس قبول دارند که شاه مخلوع حق خود را به حقوقی که برحسب پروتکل برای او تعیین شده از دست داده است. از طرف دیگر دولت انگلیس تصور می‌کنند که چون شاه مخلوع در خاك ایران است نمی‌توانند مداخله نمایند. علیهذا دولت انگلیس اظهار می‌دارند که در این کشمکشی که بدبختانه در ایران بوقوع رسیده بهیچوجه دخالت نخواهند کرد.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۲۴۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ غرهٔ اوت)
طهران غرهٔ اوت ۱۹۱۱ [۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع کرمانشاه

در تعقیب تلگراف ۲۹ ژویت خود قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه در ۳۱ ژویت بقرار ذیل تلگراف می‌کند.

افتخار دارم راپورت بدهم که سالارالدوله به اتفاق قریب دو هزار نفر که قریب چهار هزار نفر هم از اهل اینجا با آنها ملحق شده‌اند دیشب وارد کرمانشاه شد و امروز تمام طبقات مردم را پذیرایی می‌نماید.

نمره ـ ۲۴۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ غرهٔ اوت)
طهران غرهٔ اوت ۱۹۱۱ [۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز

از قرار اطلاعاتی که از شیراز رسیده معلوم می‌شود که جنگ غیرمنظم و غارت طوایف قشقایی در شهر و دور و حوالی دوام دارد.

تلگراف ذیل مورخهٔ ۳۱ ژویت امروز از قنسول اعلیحضرتی رسیده است:

دیروز کارگذار [= کارگزار] مرا اطلاع داد که نظام‌السلطنه را متنبه نموده‌است که هرگاه بخواهد آن قسمت شهر را که یاغی شده‌اند غارت نماید بهانه برای مداخلهٔ دولت اعلیحضرتی خواهد بود.

فرمانفرما در جواب گفته است که این مسئله مربوط به او نیست.

نمره ـ ۲۴۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه غرهٔ اوت ۱۹۱۱ [۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]

شما باید به دولت ایران اطلاع دهید که از ماژور استوکس درخواست شده است که قبل از آنکه مشاغل خود را در تحت خزانه‌داری کل بعهده گیرد باید از شغل خود استعفاء نماید. تعیین او بدون رجوع به دولت اعلیحضرتی بعمل آمده و لازم بود که ابتداء در این باب با آنها مشورت شود و باید به دولت ایران اشعار شود که استخدام ماژور استوکس در نظام در اقدامات نظامی عملی در شمال ایران ممکن است متضمن ملاحظات پلتیکی باشد و دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند اعتراضاتی را که بر آن‌می‌شود رفع نمایند.

نمره ـ ۲۵۰

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه غرهٔ اوت ۱۹۱۱ [۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

سفیر ایران مکتوبی به سر آرتر نیکلسن در روز ۲۵ ماه گذشته داد (سواد آن در جوف است) و مجدداً اصرار نمود که دولت اعلیحضرتی باید قبول نمایند که لااقل به مناسبت مراجعت شاه مخلوع تقویت معنوی به دولت ایران بنمایند.

به ایشان گفته شد که دولت اعلیحضرتی از تجدید جنگ داخلی ایران اندوهگین می‌باشند ولی سر آرتر نیکلسن نمی‌داند آن دولت چطور می‌توانند مداخلهٔ مؤثری بنمایند یا آنکه حق این کار را داشته باشند. سر آرتر نیکلسن بعلاوه اظهار داشت که دولت اعلیحضرتی در باب موقع با دولت روس در مذاکره می‌باشند.

مهدی‌خان اصرار داشت بر اینکه چون شاه مخلوع در خاك روس پناهنده شده و از آنجا فرار نموده بود و از آنجایی که بریطانیای عظمی و روس هر دو پروتکل ۱۹۰۹ را امضاء نموده‌اند هر دو معناً وظیفه‌شان این است که او را از تحریك به اغتشاش بازدارند.

دولتین به عقیدهٔ من وقتی که شاه مخلوع در خاك روسیه بود ممکن بود اینکار را کرده باشند ولی الحال که او در ایران است و به‌سرکردگی همراهـان خود مستقر می‌باشد بازداشتن او چندان فایده نخواهد داشت.

امضاء گری

نمره ـ ۲۵۱

مکتوب میرزا مهدیخان به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)

سفیر ایران سلام به وزیر امور خارجه رسانیده افتخار دارد که خاطر آن جناب را به اظهاراتی که اخیراً چه شفاهی و چه کتبی در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران به وزارت خارجه کرده است متذکر سازد.

سفیر ایران مجدداً از دولت متبوعهٔ خود تعلیم یافته است که به سر ادوارد گـری اظهار نماید که دولت مشارالیها کاملا به دولت بریطانیای عظمی اعتماد دارند کـه مراقب اجرای تمام شرایط مادهٔ ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ باشند و از جمله مسائل دیگر در آن پروتکل مذکور است که سفرای دولت بریطانیای عظمی و روسیه خود را مقید می‌دانند اوامر مؤکده به محمدعلی‌میرزا بدهند که برای همیشه از اعمال‌هرگونه تحریك بر ضد ایران احتراز نماید. دولت روس بطور وضوح وعده دادند که اقدامات لازمه نموده نگذارند محمدعلی‌میرزا متشبث به این‌گونه تحریکات سیاسی شود.

سفیر ایران در مراسلات سابقهٔ خود مفصلا در باب ماوقع و طریقهٔ سلوك دولت متبوعهٔ خود اشاره نموده است. سر ادوارد گری فهمیده‌است که شاه مخلوع از روسیه

عبور کرده و در یك کشتی روسی وارد ایران شده است.

با وجود آنکه دولت ایران مکرراً هم از بابت درکار بودن شاه مخلوع و ورود فرستادگان وی به خاك ایران به دولت امپراطوری‌روسیه اطلاع‌داده‌اند دولت‌بریطانیای عظمی هم توسط سر جارج بارکلی و سفیر ایران مقیم لندن از این مراتب مستحضر گردید دولت روس به عنوانات و اظهارات دولت ایران اعتنایی ننموده برخلاف آن اقدامات مأمورین محلی روس باعث تشویق حرکات شاه مخلوع شده‌است.

در عوض آنکه بنا بر استدعای دولت ایران طرفداران و فرستادگان شاه مخلوع را هنگامی که در خاك روسیه توقف داشت توقیف نمایند پس از ورود به ایران آنها را جبراً مستخلص می‌نمایند و مأمورین محلی ایرانی آنها را دستگیر می‌کنند. سفیر ایران ترجمهٔ تلگرافاتی که از دولت متبوعهٔ وی به او رسیده است برای سر ادوارد گری فرستاده است.

از تلگرافاتی که سفیر ایران اولا در مسئلهٔ رشیدالملك در تبریز و دومی وضع سلوك جنرال قنسول روس مقیم گیلان و سومی در خصوص رفتار عساکر روس در تبریز به آنها اشاره نموده اولی در باب رشیدالملك در تبریز و چهارمی در موضوع پیغامی که ویس قنسول روس مقیم اردبیل برای نایب‌الحکومه و رئیس نظمیهٔ آنجا فرستاده ثابت می‌شود که تا چه اندازه که اسباب تحیر است بر مداخلهٔ روس در ایران افزوده شده است. این مسئله لازم به مذاکره نیست که این اقدامات باعث تشویق یاغیان و تضعیف دولت ایران خواهد بود.

با اطلاع از همهٔ این ترتیبات آیا برای دولت ایران امکان دارد که اهالی را از این عقیده که انقلابات سیاسی که حالیه در ایران در کار است بدون همدردی دولت روسیه است بازداشت در صورتی‌که مأمورین محلی روس اینطور آشکارا چنین اعمال را تشویق می‌نمایند؟

دولت ایران صمیمانه از دولت بریطانیای عظمی استدعا می‌نمایند که اولا مراقب باشند مادهٔ ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ جزئاً و کلا اجراء شود ثانیاً آنکه به دولت روس اصرار شود که از مداخلات بسیار مهم مأمورین خود در ایران جلوگیری نمایند.

سفارت ایران لندن ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۸ امرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹]

ملفوف نمرهٔ ۲۵۱

ترجمهٔ تلگرافاتی که از وزیر امور خارجهٔ ایران رسیده است

(۱)

۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

ایالت آذربایجان رشیدالملك حاکم سابق اردبیل را که مقصر خیانت به دولت بود توقیف نموده است. سفیر روس شفاهاً اظهار داشت که چون رشیدالملك دارای نشان دولت روس است بایستی محترماً در حبس نگاهداشته شود و از وی تحقیق و تفتیشی نشود. ما جواب دادیم که رشیدالملك محترماً در حبس خواهد بود تا آنکه بطور دقت

از او محاکمه شود. این کار به انجام رسید ولی امروز تلگرافی از تبریز رسید مشعر بر اینکه جنرال قنسول روس مقیم آن شهر از نایب‌الایاله ملاقات کرده و ازاودرخواست استخلاص رشیدالملك را نموده است. نایب‌الایاله جواب داده است که چون رشیدالملك به حکم دولت توقیف شده او نمی‌تواند وی را بدون اجازهٔ دولت مشارالیها مستخلص نماید. جنرال قنسول از منزل نایب‌الایاله خارج شده و کمی بعد از آن قریب سیصد نفر سرباز و قزاق روس داخل عمارت ایالتی شده با تفنگهای خود نایب‌الایاله‌را تهدید کرده و رشیدالملك را بردند.

اسباب تعجب است که دولت روس در این موقع باریك مهم از یك طرف اظهار بیطرفی نموده و اظهار بی‌میلی به مداخله و تصرفات در داخلهٔ مملکت می‌نمایند از طرف دیگر بدون عنوانی بما به‌میل خود در ایران رفتار می‌نمایند و اقداماتی می‌کنند که مخالف استقلال ایران و قوانین بین‌المللی می‌باشند. لطف نموده دولت بریطانیای عظمی را از این مراتب مستحضر دارید.

(۲)

۲۹ ژویت ۱۹۱۱ [۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

از قرار راپورتهای تلگرافی که از تبریز رسیده سربازان و قزاقان روس مزاحم هابرین کوچه‌ها شده و ظاهراً قصدشان این است که با اهالی طرف نزاع و جدال شوند.

(۳)

۳۰ ژویت ۱۹۱۱ [۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۴ شعبان ۱۳۲۹]

از طرف کمیتهٔ ایالتی گیلان تلگراف مفصلی رسیده خلاصهٔ آن ذیلا مذکورمی‌گردد:

ایالت گیلان بکلی امن و آرام است. با وجود این قنسول روس اتصالا مداخله نموده و تولید فساد می‌نماید و به ایالت گیلان رسماً اطلاع داده است که هر شخصی را که تصور می‌کند تبعهٔ روس است در هر جا که باشد و با هر لباسی که باشد هرگاه نسبت به او سوءظن داشته باشد دستگیر و محبوس خواهد نمود.

قنسول دو مقصود دارد اول آنکه اتباع ایرانی را بدون آنکه دولت ایران مداخله نماید به بهانهٔ اینکه تبعهٔ روس می‌باشند دستگیر و محبوس نماید. ثانیاً آنکه این را وسیلهٔ دخول در خانه‌های مردم و تولید نارضایتی عامه و اغتشاش قرار دهد. او بعلاوه یکی یا دو نفر از طرفداران شاه مخلوع را (که تا مدتی در تحت حفاظت او بوده‌اند) تحریك نموده است که اسباب فساد فراهم آورند.

تمام اهالی گیلان نسبت به محمدعلی میرزا اظهار مخالفت می‌نمایند.

کمال غرابت را دارد که دولت روس در ظاهر به تمام دنیا و کلیهٔ پارلمانها اعلان می‌کند که پلتیك آن منبی بر مداخله و تصرفات در ایران نیست و از طرف دیگر با فعالیت تمام مداخله می‌کند و عمال دولت مشارالیها در تمام نقاط مملکت تولید فساد می‌نمایند.

(۴)

۳۱ ژوییه ۱۹۱۱ [۸ امرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹]

بر حسب راپورت تلگرافی که از اردبیل رسیده ویس قنسول روس مقیم آن شهر تاجرباشی روس را نزد نایب‌الحکومه و رئیس نظمیه فرستاده پیغام داده است که محمدعلی‌میرزا با قشونی مرکب از ۱۲۰۰۰ نفر به مسافت یک‌منزلی طهران رسیده است و قریب بیست میلیون پول نقد دارد و اعلان‌عفوعمومی‌نموده و استقرارانتظامات طهران را به سپهدار اعظم واگذار نموده و او هم قبول کرده است. این پیغام نیز مشعر است بر اینکه چون برای خود ویس قنسول تعلیمات رسیده که مواظب نظم شهر باشد او بنا بر این می‌خواهد به نایب‌الحکومه و رئیس نظمیه اصرار نماید که بعضی اقدامات ننمایند مبادا نتایج آن مضر به حال خود آنها باشد.

نظر به اظهار بی‌طرفی که دولت‌روس می‌نمایند هیچکس نمی‌داند این اقدامات را به چه بایستی تعبیر نمود. لطف نموده این مطالب را فوراً به استحضار سر ادوارد گری رسانیده و خواهش جدی نمایید که دولت بریطانیای عظمی به دولت روس اصرار نمایند که از عمال خود جلوگیری نمایند که به این طریق رفتار ننمایند.

نمره ـ ۲۵۲

ترجمهٔ مکتوب مسیو سر استوپولو ۳ اوت ۱۹۱۱ [۱۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۸ شعبان ۱۳۲۹]

اظهاراتی را که دولت ایران در موضوع آنتریکهایی که [انتریگ‌هایی‌که] به تقویت محمدعلی‌میرزا می‌شود نموده با دقت در تحت ملاحظه آورده‌ایم و شاه را باکمال سختی به لزوم احتراز از هرگونه اقدامی مخالف حکومت حالیهٔ ایران‌متنبه نموده‌ایم. این اظهارات را نه فقط در موقع توقف شاه در روسیه نموده‌ایم بلکه در وقتی که او خارج از روسیه بود، اگرچه بنا بر پروتکل ۱۹۰۹ دولت امپراطوری مجبور نبود که در صورتی که او از خاک روسیه خارج باشد اینطور اظهاری بوی بنماید.

دولت ایران تاکنون دلایلی برای اثبات مدعای خود ارائه ننموده و محمدعلی شاه همواره به عدم ارتباط خود با هرگونه تحریکی اصرار داشته است بنا بر این ظاهراً این مسئله معلوم بود که اشخاص دیگری که منافع او را در نظر داشتند بدون اطلاع وی این تحریکات را بعمل می‌آوردند.

در هر صورت لزوماً وظیفهٔ دولت ایران و نه دولت دیگری است که بر علیه [= علیه] هرگونه تحریکی مخالفت و مقاومت نماید. دولت ایران اقدامات خود را منحصر به شکایت بدولت امپراطوری نمودند بدون آنکه خود در حدود داخلهٔ مملکت اقدامی بنمایند.

این کار را لااقل در مورد تحریکات در میان طوایف ترکمن نمودند و هرگاه این تحریکات کار را بجایی رسانیده که قصد شاه مخلوع را به تصرف تاج و تخت

امکان‌پذیر نموده است تقصیر خود دولت ایران است.

دولت امپراطوری بنا بر اظهارات دولت ایران در باب حضور عمال محمدعلی‌میرزا در بادکوبه مخصوصاً اقدامات فوری نمودند. اظهارات دولت ایران در خصوص اینکه عمال مذکوره را مأمورین محلی دستگیر نموده‌اند از طرف مأمورین محلی تصدیق‌نشده و از تفتیشات نظمیه محرکین مزبوره کشف نگردیده‌اند.

اما از بابت مسافرت شاه از روسیه که در این اواخر مدتی زیاد در خارجه توقف داشت و دولت امپراطوری نمی‌توانست مراقب حرکات وی باشد، این مسئله مشهود است که از قوهٔ دولت امپراطوری خارج بود طوری مواظب او باشد که این مسافرت بدون مقدمه و با لباس مبدل را بنماید. به همین طور باید اظهار شود که دولت ایران هم اقدامی ننمودند که از ورود شاه‌به‌خاك ایران جلوگیری شود اگرچه در واقع ظهور وی در خاك ترکمنها ظاهراً اسباب بیم و وحشت بود.

دولت امپراطوری نمی‌توانند این مسئله را از مد نظر دور بدارند که در عرض دو سالی که از زمان حرکت محمد علی گذشته دولت ایران هیچ‌اقدامی برای استقرار نظم و امنیت مملکت ننموده‌اند. بحرانهای اتصالی کابینهٔ وزراء و کشمکش تأسف‌انگیز پارتیها و امورات و مشاغل بی‌نتیجهٔ مجلس که در عرض این دو ساله در کار بوده باعث تقویت و تهیه علل انتریگهای شاه مخلوع و مراجعت وی گردیده است.

با این اوضاع امکان ندارد دولت امپراطوری دولت ایران را از مسئولیت خساراتی که ممکن است به علت ظهور محمدعلی‌شاه به اتباع روس وارد آید معاف بدانند و آن دولت را همواره مسئول هرگونه خسارات که بواسطه اغتشاشات داخلی ایران به منافع عمومی یا خصوصی روس وارد آید مسئول خواهند دانست.

نمره ـ ۲۵۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۳ اوت)

حاوی مضمون مراسلهٔ ذیل است که مورخه سیم اوت می‌باشد:

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که روزنامهٔ **نوورمیا** امروز مقاله‌ای درباب ماژوراستوکس که پیشنهاد شده است برای فرماندهی ژاندارمری جدید خزانهٔ ایران انتخاب شود طبع و منتشر نموده است. عنوان این مقاله این است: «یك درهم پیچیدگی غیرمطلوب». در ابتدای این مقاله شرحی در باب پیشنهاد مستر شوستر مذکور گردیده و سپس موقع رئیس ژاندارمری را با موقع صاحبمنصبان روسی که در استخدام دولت ایران می‌باشند تطبیق نموده است. روزنامهٔ مذکور تصور می‌کند انتخاب ماژور استوکس برای سرکردگی قشونی که بایستی به جنگ شاه مخلوع اعزام شود برای ادامهٔ مناسبات حسنهٔ مابین انگلیس و روس بدون تطبیق خطرناك‌تر از شرکت صاحبمنصبان روسی در وقایع دو سال قبل طهران می‌باشد. در آن موقع کسی صاحبمنصبان روسی را

مخصوصاً دعوت ننموده بود که بر ضد مخالفین پلتیکی به جنگ بروند. همین که اغتشاش به وقوع رسید وظیفه‌شناسی و ملاحظهٔ شرف آنها را مجبور نمود کـه در مقامات خود جا گرفته و بدون ملاحظات پلتیك یکی از دو طرف متنازع از آنجاها خارج نشوند. ولی ماژور استوکس مخصوصاً استخدام می‌شود که به سرکردگی افواج یك فرقه بر ضد فرقهٔ دیگر قیام نماید.

این اقدامی که او می‌خواهد بکند کاری نیست که یکنفر صاحبمنصب انگلیسی بایستی بکند زیرا که او در این مورد بطور...[1]

بعلاوه صاحبمنصبان روسی فقط می‌توانستند در منطقه‌ای که برحسب معاهدهٔ روس و انگلیس در تحت نفوذ روس قرار داده شده اقدامات بنمایند و حال آنکه ماژور استوکس خارج از منطقه‌ای که برحسب معاهده در تحت نفوذ انگلیس قرارداده شده اقدامات می‌نماید.

تا مدتی‌که معاهدهٔ ۱۹۰۷ روس و انگلیس مجری می‌باشد دولت روس خود را مجاز نمی‌داند که در واقعاتی که در منطقهٔ انگلیس به وقوع می‌رسند خود را دخیل سازد. بهمین‌طور دخالت صاحبمنصبان انگلیسی در اقدامات نظامی در شمال ایران قانونی نبوده و تحمل‌کردنی نیست.

دولت روس نمی‌خواهد دولت ایران را از استخدام یکنفر آوانتورین مانع شود ولی به شرکت و دخیل بودن یك دولت دوستی در این تعیین اعتراض می‌نماید اگرچه این دخالت بطور غیرمستقیم باشد.

روزنامهٔ **نووَرمیا** باز می‌نویسد: ماژور استوکس آدم غیرمهمی نیست و آتاشه‌میلیتر انگلیس در طهران است و او نمی‌تواند بدون رضایت وزارت جنگ انگلیس از شغل خود استعفاء نماید. به این‌طریق دخول ماژور استوکس در استخدام دولت ایران بلاشك بکلی بسته به میل دولت انگلیس است. هرگاه دولت انگلیس تصویب نمی‌کند آتاشه میلیتری که در استخدام او است داخل یك کار مهمی شود که تهدیـد مظلم نمودن مناسبات حسنهٔ موجوده مابین انگلستان و روس نماید ماژور استوکس پس بایستی استعفای خود را مسترد دارد. هرگاه از طرف دیگر استعفای او قبول شده است دولت انگلیس بایستی نشان دهند که از قبول استعفای او تعهد آن دولت به عدم مداخلهٔ سیاسی در منطقهٔ نفوذ روس حسب‌الشرط تعبیر می‌گردد.

در این مقاله اشعار شده است که دولت روس فقط برضد مقام‌رسمی ماژوراستوکس و موافقت دولت انگلیس با تعیین جدید او اعتراض می‌کند وگرنه در مقام عدم‌رسمیت برای آن دولت ابداً فرق نمی‌کند که او باین عهده تعیین شود یا دیگری.

روزنامهٔ **نووَرمیا** در انتهای مقالهٔ خود اهمیت بسیار به اتحاد انگلیس و روس داده و اجرای شرایط آن را با احتیاط تمام لازم می‌داند. جملهٔ آخری این مقاله این است: «حادثهٔ ماژور استوکس تا آن‌اندازه که مربوط به معاهدهٔ ۱۹۰۷ می‌باشد ممکن است

---

۱) بهمین‌گونه است در اصل. ـ م.

باعث تحدید حدودی در مناسبات مابین انگلیس و روس گردد که بالتساوی مضر بحال طرفین باشد.»

امضاء جارج بیوکانان

نمره ـ ۲۵٤

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۳ اوت ۱۹۱۱ [۱۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۸ شعبان ۱۳۲۹]

ژاندارمری خزانه

لطف نموده رجوع به تلگراف ۳ اوت خودتان کنید.

هرگاه ماژور استوکس از شغل خود استعفاءکند برای ما مشکل بل غیرممکن است او را از استخدام در تحت دولت ایران مانع شویم ولی من موافقت دارم که دولت روس حق آنرا دارند که هرگاه او در منطقهٔ شمال ایران داخل کاری شود اعتراض نمایند. هرگاه دولت روس بخواهند در باب تعیین او به نقطه‌ای از شمال ایران به دولت ایران اعتراض نمایند به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران دستورالعمل داده خواهد شد که به دولت ایران اطلاع دهند که دولت انگلیس هم از آنجایی که این اعتراض مناسبی است و انتظار آن می‌رفت نمی‌توانند آنرا رد نمایند.

نمره ـ ۲۵۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۱۴ اوت ۱۹۱۱ [۱۲ امرداد ۱۲۹۰؛ ۹ شعبان ۱۳۲۹]

راجع بـه تلگراف ۲۰ ژوییه شما در بـاب سرقتهای راه شیراز الی اصفهان: من تصور می‌کنم شما دولت ایران را مسئول قرار داده‌اید.

نمره ـ ۲۵٦

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)

طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]

شیراز ـ فرمانفرما را از طهران خواسته‌اند و رئیس قشون شیراز به نیابت حکومت تعیین شده است.

کفیل قنسولگری شنیده است که فرمانفرما از قبول این اوامر سر باز زده است.

---

۱) در متن اصلی ۱٤ اوت که گویا اشتباه چاپی شده باشد. ـ م.

نمره ـ ۲۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)
طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]
از قراری که راپورت داده شده شاه مخلوع در اشرف که در راه ساری پـایتخت مازندران است می‌باشد. نمی‌دانم استعداد او چقدر است ولی از قراری که جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد شنیده است او عدهٔ کثیری از اراذل و اوباش را دور خود جمع نموده است.

نمره ـ ۲۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)
طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۴ اوت شما:
من فوراً به دولت ایران اطلاع داده استدعای فرستادن تعلیمات فوری برای استرداد اجناس کمپانی ذیگلر نمودم و شرط کردم که در صورتی که مسترد نشود وجه قیمت آنها را بدهند.

نمره ـ ۲۵۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)
طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۲۴ ژویت من:
شیراز ـ صولت‌الدوله اوامر مؤکده به ایل خود داده است که از غارت احتراز نمایند.

نمره ـ ۲۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ اوت)
طهران ۶ اوت ۱۹۱۱ [۱۴ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۵ اوت من: شاه مخلوع به ساری وارد شد.

نمره ـ ۲۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۶ اوت ۱۹۱۱ [۱۴ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۲۳ ژویت شما: من با اینکه جوابی برای نوت مذکور لازم نیست داده شود موافقت دارم.

نمره ـ ۲۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ اوت)

طهران ۷ اوت ۱۹۱۱ [۱۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۹]

افتخار دارم ملاحظات ذیل را در باب تعیین ماژور استوکس و احتمال مداخلهٔ روس در ایران بنمایم:

اگر محمدعلی‌میرزا به طهران بیاید یحتمل عده‌ای از ترکمنها یا سایر طوایف یاغی همراه او خواهند بود و خطر آنها بیشتر از خطر بختیاریها در موقع رولوسیون خواهد بود. هرگاه دولت روس در این اوضاع لزوم اعزام عساکر خود را به پایتخت اصرار نمایند من عرض می‌کنم که خواه ژاندارمری آنوقت وجود داشته یا نداشته باشد برای ما مشکل خواهد بود که مدلل داریم جان و مال اروپاییان بدون آنها مأمون خواهد بود.

نمره ـ ۲۶۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۱ [۱۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۹]

واضح است که هرگاه ماژور استوکس برای کنترل ژاندارمری شمال ایران تعیین شود مسئلهٔ مهم پلتیکی تولید خواهد شد. بایستی دولت ایران را متنبه نمود که باید مسئلهٔ تعیین وی را موقوف بدارند مگر آنکه قصد کنند او را در شمال ایران به کار وا ندارند و دولت اعلیحضرتی حق دولت روس را خواهند شناخت که منافع خویش را در شمال حفظ نماید در صورتی که دولت ایران با این شرایط در تعیین وی اصرار نمایند.

نمره ـ ۲۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۱ [۱۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس را اطلاع دهید از انتباهی که شما تعلیم دارید بموجب تلگراف امروز من به دولت ایران بدهید هرگاه دولت روس مداخله نماید دولت ایران بهیچوجه نمی‌توانند برای تعیین استوکس اصرار نمایند مگر آنکه تعیین وی برای نقاط شمالی محصور گردد.

ما نمی‌توانیم از مداخلهٔ آن دولت برای جلوگیری این کار ممانعت نماییم.

همان‌طوری‌که در صورتی که کنترل طرق جنوبی به روسها واگذار شود ما حق ایراد داریم اگر کنترل ژاندارمری شمال ایران به او واگذار شود آنها همان حق را خواهند داشت.

نمره ـ ۲۶۵

مکتوب سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت)

سنت پطرزبورغ ۴ اوت ۱۹۱۱ [۱۲ امرداد ۱۲۹۰؛ ۹ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

راجع به تلگراف دیروز من: افتخار دارم راپورت دهم که روزنامهٔ نوورمیا مقالهٔ دیگری در موضوع ماژور استوکس در روزنامهٔ امروز صبح خود بطبع رسانیده است. در ابتدای مقاله نویسنده خوانندگان را متذکر می‌گرداند که در ماه مه گذشته شاهزادهٔ ایرانی شاهرخ داراب‌میرزا که در استخدام دولت روس بود و فرماندهی یك ستنیه[1] در یکی از رژیمانهای قزاق را داشت تصمیم نمود که در امور پلتیکی ایران داخل گردد و اجازهٔ مرخصی گرفته ستنیهٔ خود را در قزوین‌گذارد استعفاءنامهٔ خود را فرستاد و علم طغیان بر ضد دولت مرکزی برافراشت ولی دولت روس بنا بر تعقیب پلتیك عدم مداخله در امور ایران از قبول استعفای او امتناع ورزیده و حتی قشون به عقب او فرستاد که وی را مجبور به مراجعت نمایند و استعفای او تا زمانی‌که به همراهی مستحفظین شخصی در خاك روسیه وارد شد (که حالا هم آنجا است) قبول نگردید. دولت روس به این طریق با شاهزادهٔ ایرانی که در استخدام وی بود و می‌خواست در امور پلتیکی ایران دخالت نماید رفتار نمود ولی ماژور استوکس آتاشه میلیتر سابق مقیم طهران یکنفر صاحبمنصب انگلیسی است و شاهزادهٔ ایرانی نیست و بنابراین عمل نمودن با او خیلی سهل‌تر و ساده‌تر است. اگر دولت انگلیس نصف آن قدری که دولت روس معاهده ۱۹۰۷ را مراعات می‌نماید به آن اهمیت بدهند آن وقت می‌توان انتهای بازیهای ماژور را بطور صحت پیش‌بینی نمود و او را نمی‌گذاردند از کار کناره‌گیرد و به او اطلاع می‌دادند که نباید در امری که مربوط به خود او نیست مداخله نماید. هرگاه با وجود این ترتیبات از کارکناره می‌گرفت قشون هندی که در سفارت انگلیس طهران می‌باشند بایستی همانطوری که قزاقان ایرانی با شاهزادهٔ مذکور عمل نمودند با او هم رفتار کنند و او را دستگیر نمایند ولی البته کار به اینجاها نمی‌کشید فقط یك کلمه از طرف سفیر انگلیس کافی بود که صاحبمنصب مذکور را از دخول در استخدام دولت ایران به مقامی که با روح و مفهوم معاهدهٔ انگلیس و روس مباینت دارد منع نماید.

روزنامهٔ نوورمیا اظهار امیدواری می‌نماید که دولت اعلیحضرتی هر قدر بتوانند از این اقدام جسورانهٔ مضحك جلوگیری نمایند.

در انتهای مقاله اینطور مرقوم است: هرگاه محمدعلی ماژور استوکس را دستگیر و شقه نماید دولت انگلیس چه خواهند کرد؟ یحتمل آن دولت آنوقت بیاد خواهند آورد که او یکی از اتباع دولت انگلیس است ولی آیا بهتر نیست که این مسئله را حالا بخاطر بیاورند؟

امضاء جارج بیوکانان

---

۱) معنی دقیق این واژه دریافته نشد ولی در زبان روسی واژه‌ئی همانند دارد که از آن معنی واحد یا ستون نظامی دریافته می‌شود. ـ م.

نمره ـ ۲۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت)

طهران ۸ اوت ۱۹۱۱ [۱۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۹]

از قراری که راپورت داده شده شاه مخلوع فعلا یك هزار نفر و سه عراده توپ در ساری همراه خود دارد قشون دیگری در تحت سردار ارشد از راه شاهرود بطرف طهران در حرکت است قنسول روس مقیم استراباد راپورت می‌دهد که دستهٔ قشون دوم پس از جنگ سختی با یك دسته از قشون دولتی وارد دامغان گردیده است.

نمره ـ ۲۶۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس ـ شما باید کفیل وزارت امور خارجه را از آنچه من دیروز در مجلس مبعوثان اظهار داشتم مستحضر دارید و علاوه نمایید که تا زمانی که جوابیهٔ دولت ایران نرسیده تعیین وی به عهدهٔ تعویق خواهد بود و یحتمل نظر به اظهارات آخری ما بکلی تعیین وی موقوف شود. شما ممکن است اظهار نمایید که اگر موقوف نشد ما در صورتی‌که دولت روس تقاضا نماید که ژاندارمری شمال ایران باید در تحت صاحبمنصب روسی یا تبعهٔ یکی از دول صغار که خود آن دولت معرفی نماید قرار داده شود با تقاضای آنها تقویت خواهیم نمود. اگرچه تعیین یك نفر صاحبمنصب که تبعهٔ یکی از دول صغار باشد برای فرماندهی تمام ژاندارمری به عقیدهٔ من بهترین راهی برای حل مسئله خواهد بود.

نمره ـ ۲۶۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف غرهٔ اوت شما ـ بنا بر تعلیمی‌که در دوم اوت داده بودید اظهارات لازمه را بطور یادداشت به وزیر امور خارجه نمودم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] وعدهٔ جواب کتبی داد و جوابیهٔ مزبور حالا به من رسیده است.

جوابیه مشعر است بر اینکه دولت ایران قصد ندارند ماژور استوکس‌را در اقدامات نظامی بکار وادارند.

اما در باب شمال ایران که من مذکور داشتم در جواب می‌گویند که وصول مالیات همان اندازه که در جنوب ایران لازم است در شمال هم لازم می‌باشد و در نظر دولت ایران مابین این دو قسمت مملکت فرقی نیست.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۶۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ اوت)
طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس و ژاندارمری خزانه ـ در جواب تلگراف ۷ اوت شما افتخار دارم راپورت دهم که بر طبق تعلیمات شما مطالب را بطور یادداشت به وزیر امور خارجه رسانیدم و وعدهٔ جواب کتبی دادند.

در ضمن صحبت من به وزیر امور خارجه ارائهٔ طریق نمودم که هرگاه خدمات ماژور استوکس محصور به جنوب ایران شود حل مشکل تواند شد. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] در جواب اظهار داشت که دولت ایران نمی‌توانند این ارائهٔ‌طریق را بپذیرند.

واضح است که دلیل مطالب ایشان این است که محصور نمودن مشاغل او مثل شناختن مناطق نفوذی است که در معاهدهٔ انگلیس و روس مذکور است.

نمره ـ ۲۷۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ اوت)
طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز ـ در تعقیب تلگراف ۵ اوت، من افتخار دارم راپورت دهم که دولت ایران حالا تصمیم نموده‌اند که نظام‌السلطنه را از شیراز باز نخواهند و بنابراین او به مقام فرمانفرمایی شیراز باقی خواهد بود.

نمره ـ ۲۷۱

مکتوب سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان

وزیر امور خارجهٔ دولت اعلیحضرتی به سفیر ایران سلام رسانیده و افتخار دارد وصول مکتوب ۳۱ ماه گذشتهٔ او را در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران اطلاع دهد.

در باب اشاره‌ای که در این مراسله به اجرای مادهٔ ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ شده است سر ادوارد گری افتخار دارد اشعار نماید که شرایط آن کاملا منظور گردیده تا آنقدری که مکرراً به محمدعلی‌میرزا امر داده شده است که از هرگونه آنتریك [= انتریگ] بر ضد دولت حالیه ایران احتراز نماید. الحال که شاه مخلوع در حقیقت وارد خاك ایران شده مسئلهٔ اعمال و اقدامات او جزو مسائل پلتیکی داخلی ایران شده که دولت اعلیحضرتی هیچ دلیلی برای مداخله در دست ندارند و حتی اگر ممکن بود که به واسطهٔ انتباه جدیدی او را از این کار بازدارند در محلی که الحال ورود نموده است این‌کار مثل مداخله در امور داخلی ایران است.

در باب اقداماتی که نسبت به مأمورین محلی روس داده شده است دولت اعلیحضرتی

تصور می‌نمایند که این مطالب خارج از وظایف آنها است و نمی‌توانند در آن باب اقداماتی بنمایند. دولت اعلیحضرتی را اطلاع داده‌اند که به وکلاء و عمال خود مقیم ایران دستورالعمل داده‌اند در این کشمکش مابین دو طرف متخاصم بیطرفی صرف اختیار نمایند.

وزارت خارجه ۱۰ اوت ۱۹۱۱ [۱۸ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ شعبان ۱۳۲۹]

نمره ـ ۲۷۲

مکتوب کمپانی لاید به وزارت خارجه (واصله ۱۱ اوت)

ادارهٔ صرافی دولتی ۱۰ اوت ۱۹۱۱ [۱۸ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

بنا بر تعلیمی که دارم استدعا می‌کنم که اظهارات ذیل کمیتهٔ لاید را در باب سرقتهای متوالی اجناس که در طرق جنوبی ایران به وقوع رسیده به عرض وزیر امور خارجه برسانید.

کمیتهٔ من دریافته‌اند که چندی قبل دولت انگلیس متعهد گردید که مستحفظین برای حفظ اجناس که در راههای مزبوره حمل می‌شود برقرار دارد و تجار منچستر قبول نمودند که مخارج این مستحفظین را به واسطهٔ تأدیه اضافه مالیات در بنادر خلیج‌فارس بپردازند. از قراری که حالا مذکور می‌گردد این قرارداد به انجام نرسیده و علیهذا غالباً سرقت اجناس به وقوع رسیده و تجار بنابراین شرط عقل ندانسته‌اند اجناس خود را بداخلهٔ مملکت حمل نمایند و نتیجه این شده است که مقداری زیاد مال‌التجارهٔ ورودی در بنادر مختلفهٔ خلیج فارس جمع شده است.

از قراری‌که کمیتهٔ من مطلع گردیده‌اند در اوایل هفتهٔ گذشته اخبار تلگرافی دیگر از بابت سرقتهای جدیده در طرق جنوبی واصل گردید و سارقین نود و نه لنگه اجناس تجارتی را به سرقت برده‌اند.

وقوع این سرقتها نه فقط تجارت انگلیس را فلج نموده بلکه متضمن‌خسارات‌عظیمه به تجار انگلیسی و کمپانی‌های بیمهٔ انگلیسی است و کمیتهٔ لاید از سر ادوارد گری استدعا می‌نمایند ملاحظه نمایند آیا وقت آن نرسیده که اقدامات دیگری در اینباب بشود؟

امضاء ادوارد پوتك

نمره ـ ۲۷۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ اوت)

سنت پطرزبورغ ۱۱ اوت ۱۹۱۱ [۱۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۶ شعبان ۱۳۲۹]

حاوی مضمون ملخص مکتوب ۲۲ اوت می‌باشد:

در باب تلگراف ۹ شهر جاری شما افتخار دارم راپورت دهم که در ضمن صحبتی که

روز دهم شهر جاری با کفیل وزارت امورخارجه داشتم من جناب‌معظم‌الیه [= معظم‌له] را از اظهاراتی که شما دو روز قبل از آن در مجلس مبعوثان نموده بودید مستحضر داشته توضیح نمودم که تا زمانی که جواب اظهارات سر جارج بارکلی به دولت‌ایران از طرف دولت مشارالیها نرسیده مسئلهٔ تعیین ماژور استوکس به عهدهٔ تعویق خواهد بود. من علاوه نمودم که هرگاه دولت ایران برخلاف انتظار شما تن در ندهند دولت اعلیحضرتی تقویت خواهند نمود دولت روس را اگر تقاضا نماید که ژاندارمری شمال ایران در تحت امر یکنفر صاحبمنصب روسی یا تبعهٔ یکی از دول صغار که دولت روس معرفی نماید قرار داده شود. چون‌مسیو نراتف اظهار داشت من‌نگفتم دولت‌اعلیحضرتی چه خواهند کرد هرگاه تعیین ماژور استوکس به جنوب ایران محصور نشود. من اشعار نمودم که اگر دولت روس کنترل ژاندارمری شمال ایران را برای خود تحصیل نمایند طبعاً از ماژور استوکس جلوگیری خواهد شد که در منطقهٔ روس تخطی ننماید.

امضاء جارج بیوکانان

نمره ـ ۲۷٤

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ اوت)

طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۱ [۲۰ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۷ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۸ شهر جاری من ـ اخبار ذیل به سفیر روس رسیده است:

سردار ارشد و رشیدالسلطان با هم متحد شده‌اند و سردار ارشد فعلا به سمنان که در صد و بیست میلی طرف مشرق طهران واقع است رسیده است.

یك دسته از عساکر دولتی قریب ۱۴۰۰ نفر که به طرف فیروزکوه در حرکت است احتمال دارد با قشون طرف مصادف شود.

محمدعلی به بارفروش رسیده است و قصد دارد که در ۱۲ اوت به طرف طهران حرکت نماید. او قشون زیادی با خود دارد و از قرار معلوم نقدینهٔ وافر هم همراه دارد.

سالارالدوله از کرمانشاه حرکت نموده است. پس از آنکه مبلغ زیادی جبراً از مردم گرفته با عدهٔ کثیر از همراهان خود به طرف کرمانشاه رهسپار گردیده است.

نمره ـ ۲۷۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ اوت)

طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۱ [۲۰ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۷ شعبان ۱۳۲۹]

مراتب ذیل مفاد جوابیهٔ دولت ایران به یادداشتی است که در تلگراف ۹ اوت خود ذکر نموده‌ام:

دولت ایران مقاصد و روش دولت اعلیحضرتی را راجع به تعیین ماژور استوکس

نمی‌توانند بفهمند.

حتی اگر فرض شود که دولت انگلیس بخواهند اساس اعتراضات خود را معاهدهٔ انگلیس و روس قرار دهند که دولت ایران در مراسلهٔ دوم نوامبر ۱۹۰۷ وضعیت خود را نسبت بآن تعیین نموده‌اند یك کلمه که اعتراضات آنها را تصدیق نماید در آن یافت نمی‌شود.

برخلاف شرایط مندرجه در مقدمهٔ آن معاهده که با عبارات صریحه استقلال و تمامیت ایران را مراعات نموده نقطهٔ نظر دولت ایران را تقویت می‌نماید.

در مقدمه بعلاوه اظهار شده است که دولتین خواهان نظم ایران هستند و میل دولت ایران این است که اقدامات لازمه برای وصول مالیات بنمایند که بدون آن استقرار نظم در هر مملکتی کمال اشکال را دارد.

دولت ایران اطمینان دارند که دولت اعلیحضرتی واسطه خواهند شد که این مسئله را با ملاحظهٔ شئونات و منافع حیاتیهٔ دولت ایران حل نمایند.

وزیر امور خارجه همین که این جوابیه را بمن داد ارائهٔ طریق نمود که برای حل مشکل تعیین ماژور استوکس ممکن است به سه سال محدود گردد و شرط شود که تعیین وی برای بعدها سابقه نخواهد شد. در انتهای این مدت ژاندارمری خزانه به ایرانیان یا اتباع یکی از دول صغار سپرده خواهد شد و اظهار داشت که هرگاه این شرایط موجب رضای دولت روس نمی‌باشد او تصور می‌کند که اگر دولت روس به اظهارات اخیرهٔ وی جواب مساعد بدهند ممکن است اظهار نماید که اگر تعیین استوکس بهانه و دست‌آویزی برای هرگونه تقاضا از طرف دولت روس نشود او را شخصاً برای اقدامات نظامی در شمال ایران نخواهند فرستاد که با مشاغل وی در طهران مباینت داشته باشد.

نمره ـ ۲۷۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ اوت)

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۹]

در موقع شام دیشب که مخصوصاً برای دعوت مستر شوستر ترتیب داده شده بود من و همکار روسی اول دفعه بود که با مستر شوستر مذاکرات شفاهی بطور آزاد نمودیم. سفیر امریکا هم حضور داشت.

همکار روسی و من لزوم عمل نمودن شوستر را بر وفق روح و مفهوم معاهدهٔ انگلیس و روس اصرار نمودیم و به او اطمینان دادیم که با این شرایط از او تقویت کامل خواهیم نمود و سعی نمودیم به او بفهمانیم که تعیین ماژور استوکس به فرماندهی ژاندارمری مالیهٔ ملی مخالف روح معاهده می‌باشد و او را متذکر ساختیم از انتباهاتی که در باب استخدام مستشار از اتباع دول معظمه به دولت ایران داده‌ایم.

شوستر ما را اطمینان داد که در تعیین استوکس به این مقام او بهیچوجه تصور

نمی‌کرد که این کار مورد قبول دولتین واقع نخواهد شد و اطمینانات کامل به ما داد که بر وفق معاهده عمل خواهد نمود و با نهایت اصرار برای تعیین استوکس استدعا نمود که مشاغل او به جنوب محصور نشود و اظهار داشت می‌تواند ما را اطمینان دهد که او را در اقدامات نظامی در شمال بکار وا نخواهد داشت و مشغول تشکیل ژاندارمری در طهران خواهد بود و اشعار داشت که مدد و همراهی استوکس در این کار تا مدتی برای او بسیار لازم می‌باشد و فعلا کسی دیگر پیدا نمی‌شود که از عهدهٔ انجام این کار بتواند برآید. بعلاوه اظهار داشت که هرگاه ما بخواهیم تقاضای وی را برای استخدام استوکس رد نماییم وضعیت او با مجلس که صریحاً بما اطلاع داد آنرا طوری بکار خواهد برد که مناسبات حسنه بر وفق معاهدهٔ فیمابین دولت ایران و دولتین منظور گردد با شدت تمام متزلزل خواهد گردید و وعده داد که تا مادامی که استوکس در تحت امن او باشد او از تمایلات ضدروسی خود کاملا جلوگیری خواهد نمود و مکرراً و از صمیم قلب به سفیر روس اصرار نمود که سعی نموده بر مخالفت دولت روس فایق آید.

سفیر روس بی‌فایده سعی نمود به شوستر بفهماند که چنین اقدامی نتیجه نخواهد داشت و با کمال ادب و استقامت امتناع نمود از اینکه به دولت متبوعهٔ خود نصیحت نماید وضع سلوك خود را تغییر دهند.

شوستر بر ما معلوم نمود که استخدام استوکس آنقدر برای او لزوم داشت که هرگونه تقاضایی را که دولت روس در عوض بنمایند تقویت خواهد نمود ولی سفیر روس اشعار داشت که کدورتی که از فشار دولت روس برای پیشرفت تقاضاهای خود حاصل خواهد شد اسباب پیشرفت کار محمدعلی خواهد گردید. بنابراین شرط عقل این است که از تعیین استوکس بکلی صرف‌نظر شود.

صحبت ما چون نتیجه‌ای از آن گرفته نشد و ما را هماره مشکوك داشت از اینکه آیا شوستر در باب تعیین استوکس چه رویه‌ای را اتخاذ خواهد نمود همینقدر اسباب این شد که مناسبات فیمابین ما و شوستر بیك اساس مطلوبی مستحکم گردید و تا اندازه‌ای رفع نگرانی ما را از اقدامات بی‌باکانهٔ او نمود.

نمره ـ ۲۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ اوت)

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۹]

دیروز مراسله‌ای از طرف نایب‌السلطنه در مجلس قرائت و به‌اتفاق آراء تصویب گردید.

نایب‌السلطنه در مراسلهٔ خود اشعار می‌دارد که تاکنون اختلاف آراء و آمال و آرزوهای موهومی و عدم حکمت عملی چرخ حکومت و ادارهٔ مملکت را از کار بازداشته به طوری‌که کابینهٔ وزراء اتصالا تغییر نموده و وزرای یك روزه نتوانسته‌اند برای

مملکت کاری بکنند و اوضاع حالیه نتیجهٔ این بی‌لیاقتی است. هرگاه تجربیات گذشته اسباب عبرت نشود در همین نزدیکی اسباب پشیمانی برای مملکت خواهد بود.

در باب مناسبات خارجی نایب‌السلطنه تأسف دارد از اینکه هیچ کاری برای بهبودی آن بعمل نیامده با وجودی که او مکرراً در این باب توصیه نموده است و اقدامی ننموده‌اند که از اظهارات دوستی نمایندگان خارجه که در موقع ورود او مشهود می‌داشتند استفاده شود.

والاحضرت اصرار دارد بر اینکه بایستی فوراً اقدامات مجدانه برای اصلاح این غفلت‌کاریها بشود و بعهدهٔ کابینه است که پروگرام مفصلی برای انجام این مقصود پیشنهاد نمایند.

نایب‌السلطنه در انتهاء مراسلهٔ خود آنها را متنبه می‌نماید که هرگاه موقع حالیه و اهمیت مطالب او را در تحت مداقهٔ جدی قرار ندهند از کار کناره خواهد گرفت و بهیچ‌وجه او نمی‌تواند ناظر این اوضاع حزن‌انگیز که مملکت به آن دوچار گردیده است باشد.

نمره ـ ۲۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ اوت)

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۹]

حرکات شاه مخلوع ـ لطف نموده به تلگراف ۱۲ اوت من رجوع فرمایید.

یك دسته از قشون محمدعلی‌میرزا چنانچه جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد راپورت می‌دهد از طرف قشون دولتی در فیروزکوه شکست خورده و شصت نفر از ایشان مقتول گردیدند و رشیدالسلطان سرکردهٔ آنها مجروح و دستگیر گردید.

نمره ـ ۲۷۹

مکتوت سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ اوت)

سنت پطرزبورغ ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

در مراسلات سابق افتخار داشته‌ام در خصوص مطالب مطبوعات روسی در موضوع تعیین ماژور استوکس برای فرماندهی ژاندارمری که دولت ایران خیال دارند برای مقاصد خزانه تشکیل دهند راپورت دهم. حتی روزنامهٔ نوورمیا دولت اعلیحضرتی را سخت تنقید می‌کند برای اینکه می‌گذارند کسی که آتاشه میلیتر بوده از شغل خود استعفاء نماید برای آنکه بفرماندهی قشونی منصوب گردد که اقدامات آن تا منطقهٔ نفوذ روس منبسط خواهد بود و یا آنکه در جنگ داخلی که خارج از منطقهٔ نفوذ انگلیس در کار است شرکت نماید. تعیین وی که ناقض معاهدهٔ مذکور است روزنامهٔ

نوورمیا می‌ترسد بطور سخت منافی با پیشرفت معاهدهٔ انگلیس و روس بطور توافق باشد.

سایر مطبوعات که نمایندهٔعقاید مراکز مستبده و ضدآلمان‌می‌باشند آشکارا اظهار داشته‌اند که الحال که دولت انگلستان ورقهای بازی خود را نشان داده است دولت روس بطور آزادی می‌تواند عمل نماید و مختار است که به قوهٔ قهریه بـرای حفظ منافع خود در شمال ایران مداخله نماید.

در مراکز رسمی هم به همین‌طور از این تعیین مذمت نموده‌اند اگرچه کاملا معلوم است که دولت اعلیحضرتی از اعمال این نقشه‌هائی که به دولت مشارالیها نسبت می‌دهند که می‌خواهند از دولت روس جلو افتاده و پایگاهی در منطقهٔ نفوذ روس در شمال ایران برای خود بدست آرند بری می‌باشند.

در وقتی که مستر شوستر در اوایل ماه ژویت تصمیم نمود تشکیل ژاندارمری‌خزانه را به عهدهٔ ماژور استوکس واگذار نماید که برای تمام ایران ژاندارمری تشکیل دهد من فواید عمده‌ای که محتمل است از ایجاد چنین قوه حاصل گردد برای مسیو نراتف توضیح نمودم و به همین‌طور صفات و خصوصیات ماژور استوکس را برای تشکیل و فرماندهی این قشون برای وی اظهار داشتم. مسیو نراتوف در جواب بـا عقیدهٔ تشکیل چنین ژاندارمری موافقت داشت ولی اعتراض داشت بر اینکه در تحت امر یك نفر صاحبمنصب انگلیسی قرار داده شود و ارائهٔ طریق نمود که فرماندهی آن بایستی یا تقسیم شود به این قسم که یك نفر صاحبمنصب انگلیسی و یك نفر روسی فرماندهی آنرا داشته باشند و یا آنکه به تبعهٔ یکی از دول صغار مثل سوئد واگذار شود و به علاوه از آنجایی‌که مستر شوستر می‌خواست ماژور استوکس را تعیین نماید و او به واسطهٔ بدرفتاری با مدیر کل گمرکات (بدون آنکه با دولت انگلیس یا روس مشورت نموده باشد) خود را مورد بی‌میلی او قرار داده بود جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] نمی‌توانست با مقاصد وی همراهی نماید.

شکل و وضع غیرمترقبه‌ای که امورات ایران بواسطهٔ مراجعت محمدعلی پیدا کرد تا مدتی توجه مسیو نـراتـوف را به‌مسائل دیگـر منعطف نمود و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] ابتدا اینطور فهمیده بود که بحران مهم داخلی که دولت ایران را دچار نموده بود باعث خواهد گردید که مسئلهٔ مناقشه مابین مرنارد و شوستر در باب اداره نمودن گمرکات و مسئلهٔ ژاندارمری خزانه بمعهدهٔ تعویق خواهد افتاد. وقتی که از تصمیم مجلس در باب حقوق ماژور استوکس معلوم گردید که دولت ایـران تصمیم نموده‌اند که بهر طریقی که باشد او را استخدام نمایند و یحتّمل او را در اقدامات نظامی که بنا بود بر ضد شاه مخلوع بشود در شمال ایران بکار وادارند جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] توسط سفیرکبیر روس مقیم لندن بدولت اعلیحضرتی در این‌باب مذاکره نمود.

در دوم همین ماه مسیو نراتوف مجدداً در ضمن صحبت با من در این بـاب اشاره کرده پس از آنکه استفسار نمود آیا من می‌توانم به ایشان بگویم که در آن مسئله تا

چه اندازه پیشرفت حاصل گردیده جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] به من اظهار داشت که سفیر روس مقیم طهران دولت ایران را اطلاع داده است که در صورتی که تشکیل ژاندارمری به ماژور استوکس واگذار گردد دولت روس هم تقاضایی شبیه به آن پیشنهاد خواهند نمود.

چون تلگراف غرهٔ[1] شما به سر جارج بارکلی همان روز برای من رسید من برای مسیو نراتوف توضیح نمودم که تعیین ماژور استوکس بدون مراجعت به دولت اعلیحضرتی بعمل آمده و دولت مشارالیها لازم می‌دانستند در این باب قبلا با آنها مشورت شده باشد و اظهار داشتم که به سر جارج بارکلی الحال تعلیم داده شده است به دولت ایران اطلاع دهد که از ماژور استوکس درخواست شده بود که قبل از قبول این کار از شغل سابق خود استعفاء نماید و به‌آنها اشعار نماید که از آنجایی‌که بکار بردن او در هرگونه اقدامات نظامی در شمال ایران ممکن است متضمن ملاحظات پلتیکی باشد دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند هرگونه اعتراضی که بر علیه آن بشود رد نمایند و بعلاوه مذکور داشتم که هر زمان که ماژور استوکس از شغل خود استعفاء نماید دولت اعلیحضرتی دیگر نمی‌توانند بکار او مداخله نمایند.

این توضیحات به‌هیچوجه مسیو نراتف را متقاعد ننمود و از وضع صحبت او معلوم بود که تعیین استوکس را او فعلا بی‌موقع می‌داند اما در باب اینکه صاحبمنصب مذکور برای اقدامات نظامی بر ضد شاه مخلوع بکار برده شود جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] توجه مرا به اقدامی‌که دولت روس سال گذشته در مورد شاهزاده داراب میرزا که آنوقت در قشون روس داخل و به فرماندهی یك ستنیه قزاق در قزوین منصوب بود جلب نمود و گفت که چون خواست از کار خود استعفاء نماید و سعی نمود که بر ضد دولت حاضره قیام کند دولت روس او را دستگیر و به روسیه فرستادند جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] می‌خواست ظاهراً به من بفهماند که بهترین طریقه‌ای که خوب است دولت اعلیحضرتی در مورد ماژور استوکس اتخاذ نماید این است که از قبول استعفای وی امتناع نموده و او را به انگلستان احضار نمایند.

پس از طبع مقالهٔ مزبور در روزنامهٔ نوورمیا که ترجمهٔ آن را در مراسلهٔ ۳ شهر جاری برای شما ارسال داشتم من مجدداً از مسیو نراتف ملاقات نموده و بر وفق تعلیمات تلگرافی ۳ شهر جاری شما توضیح نمودم که برای دولت اعلیحضرتی مشکل بل غیرممکن است اگر ماژور استوکس از کار خود استعفاء نماید او را از قبول استخدام در تحت دولت ایران منع نمایند و عقیدهٔ شما بر این است که دولت روس می‌توانند اعتراض بر علیه [= علیه] بکار بردن او در شمال ایران بنمایند و هرگاه آن دولت بخواهند شما این اعتراض را بنمایید شما به سر جارج بارکلی دستورالعمل خواهید داد به دولت ایران اطلاع دهد که دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند اعتراض دولت روس را رد نمایند و خوب است دولت ایران اعتراضاتشان را منظور دارند.

---

۱) چنین است در اصل. ــ م.

درحالی‌که برای اظهار مطالب شما اظهار تشکر می‌نمود مسیو نراتف اظهار داشت می‌ترسد هرگاه دولت روس چنین پروتستی بنماید دولت ایران جواب دهند که ابداً خود را مربوط به معاهدهٔ انگلیس و روس که به موجب آن ایران به مناطق نفوذ انگلیس و روس منقسم گشته ندانند و او در این باب فکر خواهد کرد ببیند ممکن است فورمولی برای حل مشکل پیدا کرد که دولت متبوعهٔ او آن را تقویت نماید؟

مسیو نراتف روز بعد مرا خواسته و دوباره در باب تشویش خیالی که از این مسئله برای او حادث شده بود مذاکره نموده تأسف داشت از این که تعیین استوکس با اصولی که دولتین تاکنون از روی آن عمل نموده‌اند مباینت دارد که نگذارند تبعهٔ یکی از دول معظمه مقام مهمی را در استخدام دولت ایران اشغال نماید و اشعار داشت به اینکه در موقعی که دولت مشغول کشمکش برای حیات خود می‌باشد آنها چندان در باب ژاندارمری که بایستی تشکیل شود تفکری ننموده و استوکس را با هر قدر استعدادی که بتواند تشکیل دهد برای جنگ با شاه مخلوع به شمال ایران خواهند فرستاد و عقیدهٔ او این بود که بایستی بهر قسمی که ممکن باشد از این کار ممانعت نمود و ارائهٔ طریقی را که روزقبل‌نموده بود تکرار کرد که بایستی دولت‌اعلیحضرتی ماژور استوکس را موقتاً به لندن احضار نمایند و بتصور او قبل از آنکه بتواند خود را از استخدام در قشون خارج نماید بایستی بعضی مراسم و ترتیبات را طی کند و همین مسئله بهانه و دست‌آویزی برای این اقدام خواهد بود.

هرگاه دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند بر وفق ارائه طریق عمل کنند مطلقاً لازم خواهد بود که دولتین یك اقدامی بکنند که هم اسباب رضایت عقاید عامهٔ این مملکت را فراهم آورده و هم باعث استحکام منافع آنها در ایران باشد.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] سپس مسودهٔ دو مراسله را که سواد آن در جوف‌است برای من قرائت نمود و ارائه طریق نمود که سفرای روس و انگلیس مقیم طهران علیحده برای دولت ایران بفرستند.

دولت روس در مراسله خود برضد تعیین ماژور استوکس پروتست خواهد نمود و اظهار خواهد داشت که دولت روس این اقدام را یك قسم رفتار مخالف دوستی دانسته و حق اعمال هرگونه اقدامی که برای حفظ منافع خود در ایران لازم بداند برای خویش محفوظ خواهد داشت.

دولت انگلیس در مراسلهٔ خود موافقت تامه با پیشنهادات مراسلهٔ روس اظهار کرده و حق روس را برای اعمال اقدامات لازمه در راه حفظ منافع آن دولت خواهد شناخت.

من اشعار نمودم ممکن است برای دولت اعلیحضرتی اشکال داشته باشد که با مکتوبی که در واقع تهدید به مداخلهٔ مسلح نماید موافقت کامل نمایند و پیشنهاد نمودم‌که دولت‌روس‌خوب‌است برعلیه [= علیه] استخدام‌ماژوراستوکس درشمال ایران پروتست نموده و به دولت ایران اظهار دارند که حاضرند یك نفر صاحبمنصب روسی را در استخدام دولت ایران داخل نمایند که برای حفظ انتظامات ایالات و ولایات شمالی ژاندارمری تشکیل دهد.

مسیو نراتف اصرار داشت بر اینکه مکتوب دولت روس به همان عبارتی باشد که نوشته شده است و اشاره نمود که هرگاه منافع روسها تهدید شود دولت امپراطوری مجبور به مداخله خواهند بود.

همین که تلگراف شما به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران که مورخهٔ ۷ اوت بود بمن رسید مسیو نراتوف را اطلاع دادم که به سر جارج بارکلی تعلیمات داده شده است که دولت ایران را متنبه نماید در استخدام ماژور استوکس نباید اصرار نمایند مگر به شرط آنکه او را در نقاط شمالی ایران بکار وا ندارند و هرگاه به این قسم اصرار و ابرام نمایند دولت اعلیحضرتی حق دولت روس را خواهند شناخت‌که هرگونه اقداماتی را که برای حفظ منافع خود لازم بدانند بعمل آرند و بعلاوه مذکور داشتم که نظر به فشاری که سال گذشته به دولت ایران وارد آوردیم که قوه‌ای در تحت صاحبمنصبان انگلیسی برای حفظ راههای تجارتی جنوب تشکیل دهند ما نمی‌توانیم ضد تعیین ماژور استوکس برای ایالات و ولایات مذکوره باشیم ولی هرگاه دولت اعلیحضرتی تعیین وی را برای شمال ایران تقویت نموده و یا آنکه بر ضد هرگونه ایرادات روس در این مورد اعتراض نماید شما آن را مخالف روح معاهدهٔ انگلیس و روس خواهید دانست.

در ضمن صحبتی که در میان آمد مسیو نراتوف اظهار داشت می‌ترسد دولت‌ایران به‌شرایط کنترات اولی که با ماژور استوکس نمودند متکی شوند.

چیزی که در این موقع بسیار مایل بود از دولت اعلیحضرتی بدست آرد یك قسم اظهار و عنوانی بود که معناً اسباب رضایت خاطر عقاید عامهٔ روس گردیده و تأثیر نامساعدی که این قضیه در اذهان آنها تولید نموده بود برطرف گرداند.

برفرض هم که دولت ایران قبول نمودند که خارج از نقاط جنوبی ماژور استوکس را بکار واندارند هیچ وثیقه بدست نیست که ژاندارمری که او بایستی در آن نقاط تشکیل نماید آخرالامر بطرف شمال اعزام نشوند و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] استفسار نمود که آیا دولت اعلیحضرتی چنین اظهاری خواهند کرد که از اینکار مانع شوند؟ من در جواب گفتم که دولت اعلیحضرتی یحتمل اطمینان بدهند که ماژور استوکس را در شمال ایران بکار وا نخواهند داشت ولی هیچ قسم تعهدی نمی‌توانند بکنند در باب ژاندارمری که او تشکیل خواهد داد.

مسیو نراتف اظهار داشت که این مسئله کافی نخواهد بود و چیزی که ایشان می‌خواهند این است که اطمینانی داده شود که ژاندارمری که یك قوهٔ ثابت محلی است نباید از جنوب بشمال حرکت داده شود.

من اشعار نمودم که برای شماامکان‌نخواهد داشت در پارلمان طرفدار دادن این اطمینان باشید که دولت ایران را نگذارند در صورتی که موقع اقتضاء نماید قشونی‌که در جنوب بکار وامی‌دارند بطرف شمال نفرستند [= بفرستند] جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اذعان داشت که اینکار البته مشکل خواهد بود و بعد ارائه طریق نمود که در صورتی که فرماندهی ژاندارمری جنوب به ماژور استوکس سپرده شود شما باید اظهار نمایید حاضر بودن خود را در اینکه تقویت نمایید دولت روس را اگر آن

دولت تقاضا نماید که تشکیل قوهٔ ژاندارمری در شمال ایران به یك نفر صاحبمنصب روس یا تبعهٔ یکی از دول صغار که خود دولت روس او را معرفی نماید سپرده گردد. من اظهار داشتم این ارائهٔ طریق را بیش از ارائه طریق سابق او می‌پسندم ولی نمی‌توانم از طرف دولت اعلیحضرتی چیزی در این باب بگویم.

مسیو نراتف بعد اظهار داشت که در صورتی که (چنانچه انتظار می‌رود)۱ دولت ایران اصرار نمایند ماژور استوکس به فرماندهی ژاندارمری ملی برای تمام ایران منصوب شود امیدوار است شما وعده خواهید داد که هرگاه دولت روس تقاضا نمایند یك شغل شبیه به آن به یك نفر صاحبمنصب روسی داده شود با تقاضای دولت مشارالیها تقویت خواهید نمود. من از ایشان استفسار نمودم آیا شغل مخصوصی در مد نظر دارید که به صاحبمنصب روسی واگذار شود؟ در جواب گفتند که تعیین یك صاحبمنصب روسی به مقام ریاست ارکان حرب شاید این مقصود را حاصل نماید. من اشاره نمودم گمان می‌کنم خیلی کم احتمال دارد دولت ایران با این اوضاع به این تقاضا تن در دهند. مسیو نراتف بنابراین توضیح نمود که دولت روس در این موقع قصد چنین استدعایی را از دولت ایران ندارند و او فعلا آنقدری که در باب دولت اعلیحضرتی در فکر است از بابت دولت ایران خیالی ندارد. آنچه او می‌خواهد این است که شما یا به واسطهٔ اظهاری در پارلمان یا اعلان رسمی در مطبوعات بنمایانید که دولت اعلیحضرتی حاضر هستند هرگونه تقاضایی را که دولت روس آخرالامر پیش نمایند که هم جبرانی شده باشد و هم معناً اسباب رضایت عقاید عامهٔ روس گردد تقویت خواهند نمود.

امضاء جارج بیوکانان

ملفوف یك نمرهٔ ۲۷۹

مراسله‌ای که پیشنهاد شده است از طرف سفیر روس برای دولت ایران فرستاده شود:

در خصوص اظهاری که در ۱۵ ژوئیت (۲۸)۱ همین سنه به وزیر امور خارجه نمودم بر حسب امر دولت متبوعهٔ خود افتخار دارم دولت ایران را مستحضر دارم که دولت امپراطوری روس به جهاتی که در همان وقت برای دولت ایران توضیح گردید تصور می‌نمایند که استخدام ماژور استوکس از طرف دولت ایران برای ایجاد یك قوهٔ مسلح موسوم به ژاندارمری برای وصول مالیاتهای دولتی و سایر اقدامات در شمال ایران با منافع دولت مشارالیها ناموافق بوده و من تعلیم دارم بر ضد تعیین تبعهٔ انگلیسی مذکور به مقام ریاست کل این قوه پروتست نمایم. هرگاه با وجود این اخطار تعیین وی به انجام رسید دولت امپراطوری آنرا یك قسم رفتار مخالف دوستی از طرف دولت ایران دانسته و حق این را که در موقع لزوم برای تأمین منافع خود در شمال ایران

---

۱) پرانتز از ویراستار است ـ م.

۱) منظور ۲۸ ژوئیه بحساب تقویم روسی است ـ م.

اقداماتی را که لازم می‌دانند بنمایند برای خود محفوظ خواهند داشت.

ملفوف دوم نمرهٔ ۲۷۹

افتخار دارم دولت ایران را بر حسب امر دولت متبوعهٔ خود مستحضر دارم که دولت اعلیحضرتی مراسله‌ای که سفیر دولت روس به دولت ایران نوشته و سواد آن در جوف است ملاحظه نموده و با مندرجات مراسلهٔ مذکور از هر حیث موافقت دارنـد. دولت اعلیحضرتی درحالی که تأسف دارند از اینکه قبل از آنکه با دولت اعلیحضرتی مشورت شود به ماژور استوکس پیشنهاد شده کـه داخل استخدام دولت ایـران شود اظهار می‌دارند که حق دولت روس را خواهند شناخت در اینکه اقداماتی را که برای تأمین منافع خود در شمال ایران لازم می‌دانند بعمل آرند.

نمره ـ ۲۸۰

مکتوب سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ اوت)

سنت پطرزبورغ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که روزنامهٔ **نوورمیا** و سایر روزنامجات با حرارت زیاد و بالسان طعنه‌آمیز در باب موقعی که‌بواسطهٔ پیشنهاد تعیین ماژور استوکس از طرف دولت ایران برای تشکیل ژاندارمری خزانه پیش آمده مذاکرات می‌نمایند.

روزنامهٔ نوورمیا شکایت دارد از اینکه معاهدهٔ انگلیس و روس مثمر ثمرات بسیار بشکل اظهارات و اطمینانات گردیده ولی در مواقعی که اقدامات جدی لازم است بعمل آید متأسفانه فایده‌ای از آن حاصل نمی‌گردد.

اگر دولت انگلیس نمی‌تواند یك نفر از اتباع خود را مانع آید که در مقام تحقیر دولت خود برآمده و به میل خود هر کاری بخواهد بکند که مخالف با میل و ارادهٔ بین آن دولت باشد پس معاهدهٔ ۱۹۰۷ چه قدر و قیمتی خواهد داشت و اگر این مسئله راست باشد که دولت انگلیس اظهار نموده است حاضر است پروتست روس را به دولت ایران تقویت نماید پس اهمیت مقام و نفوذ دولت انگلیس کجا رفته است؟ آیا حقیقتاً لازم است که دولت انگلیس در کشمکش که با یك‌نفر از اتباع نافرمانبردار خود دارد از حکم‌فرمایان یك دولت بی‌قدرت آسیائی استمداد نماید؟ هرگاه این طور است پس بایستی بعد از این هر زمان که ما با دولت انگلیس عقد معاهده می‌نماییم باید در ذهن خود داشته باشیم که رضایت و موافقت عدهٔ فلان ملك‌ها و دوله‌ها و سلطنه‌ها را تحصیل نماییم.

روزنامهٔ **نوورمیا** در تاریخ نهم اوت تلگراف روتر را بطور سخت انتقاد می‌کند که از طهران مخابره شده و مشعر است بر اینکه در حالتی‌که صاحبمنصبان روسی وآلمانی و ایطالیایی در استخدام دولت ایران هستند حتی یکنفر صاحبمنصب انگلیسی هم در استخدام دولت مشارالیها نیست و تعیین ماژور استوکس اعادهٔ موازنه‌ای را می‌کند که

برای دولت انگلیس صرفه دارد. او این تلگراف را توهین نسبت به سر آرتر نیکلسن که در ماه اوت ۱۹۰۷ معاهدهٔ انگلیس و روس را امضاء نمود می‌داند که به موجب مادهٔ سوم آن تمام امتیازات موجوده بایستی برقرار بوده و دولت روس متعهد می‌گردد که در منطقهٔ نفوذ انگلیس مداخله ننمایند و دولت انگلیس هم در خصوص منطقهٔ نفوذ روس همین‌طور تعهد می‌نماید.

مقالهٔ مزبور به اینطور ختم می‌شود: مذاکره در باب صاحبمنصبان روسی وآلمانی و ایطالیائی خارج از موضوع است. این صاحبمنصبان قبل از عقد معاهده به مقام خود منصوب بوده‌اند و هنوز هم نصب آنها به این مقامات به تقویت همان معاهده است و مخالف آن نمی‌باشد. ماژور استوکس قبول تعیین یك عهدهٔ پلتیکی نموده است که مستقیماً بدون گفتگو متباین با شرایطی است که در مادهٔ سوم معاهده مقرر گردیده است.

چنان بنظر ما می‌رسد که سر آرتر نیکلسن راست که مراکز دیپلوماسی انگلیس مقیم طهران را به مفاد مادهٔ سوم معاهدهٔ مذکوره متذکر سازد یعنی همان معاهده‌ای که او در مقام سفارت کبرای دولت انگلیس در سنت‌پطرزبورغ به معیت مسیو ایسولسکی به امضاء رسانید.

امضاء جارج بیوکانان

نمره ـ ۲۸۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۴ اوت ۱۹۱۱ [۲۲ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۹ شعبان ۱۳۲۹]

کفیل وزارت امور خارجه را از جوابیهٔ دولت ایران که سر جارج بارکلی در تلگراف ۱۲ اوت خود راپورت داده بود مستحضر داشته اظهار نمایید تا پیش‌آمد جدیدی بعرصهٔ ظهور نرسد استعفای ماژور استوکس را قبول نخواهیم نمود ولی هرگاه اوضاع شکل دیگر پیدا نماید گمان می‌کنم آنچه بتوانم بکنم این است که اخطار و انتباهی که در تاریخ ۷ اوت به سر جارج بارکلی تعلیم دادم بنماید تکرار کنم.

نمره ـ ۲۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ اوت)

طهران ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]

صاحبمنصبان سوئدی برای ژاندارمری وارد شده‌اند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ اوت)
طهران ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]

جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان راپورت می‌دهد که دو لنگه از محمولات کمپانی ذیگلر در سرقت دیگری که در راه بختیاری واقع شده از میان رفته‌است.

او بعلاوه راپورت می‌دهد که کاروانسرای سرخون که در راه بختیاری است بکلی غارت شده و تمام مال‌التجاره‌ای که در آنجا انبار شده بود به انضمام مقداری متعلق به کمپانی لنج به سرقت رفته است.

نمره ـ ۲۸٤

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ اوت)
سنت پطرزبورغ ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]

حاوی مضمون ملخص مکتوب ۲۲ اوت است که ذیلا نگاشته می‌شود:

در موقعی که روز ۱۵ اوت از مسیو نراتف ملاقات نمودم که جوابیهٔ دولت ایران را در باب تعیین ماژور استوکس به اطلاع او برسانم آن جناب را برخلاف معمول مشوش یافتم. راپورتی از مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] در باب این مسئله برای او رسیده بود. پس از آنکه با کمال تاکید در خصوص اهمیت این قضیه که بدبختانه بظهور رسیده شرحی مذکور داشت جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] بیان نمود به چه‌طریق تعیین ماژور استوکس با پیشرفت مؤثر معاهدهٔ انگلیس و روس متضاد خواهد بود؟ و استفسار نمود هرگاه یك نفر صاحبمنصب روسی به این عهده منصوب و به او حق تشکیل و کنترل قوهٔ ژاندارمری در جنوب ایران داده می‌شد در انگلستان چه می‌گفتند؟

من در جواب اظهار داشتم که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] گویا فراموش کرده‌اند اظهارات مختلفه را که شما در پارلمان نموده بودید و در ضمن یکی از آنها در باب همین مسئلهٔ مخصوص و وعدهٔ تقویت به روس در موضوع ژاندارمری شمال و اظهارات سختی که به دولت ایران نموده‌اید متذکر شده‌اید و بعلاوه استعفای ماژور استوکس هنوز مورد قبول واقع نگردیده [و] قبول نخواهد گردید و منتظر پیش‌آمد کار خواهیم بود. بنابراین نمی‌دانستم شما دیگر چه می‌توانستید بکنید و نیز نمی‌توانستم باور کنم که پس از آنچه شما گفته و به انجام رسانیده‌اید بهیچوجه لطمه به معاهدهٔ انگلیس و روس وارد آمده باشد.

مسیو نراتف اظهار داشت که مسئلهٔ تعیین ماژور استوکس آن‌قدر مهم است که او نمی‌تواند شخصاً مسئولیت تصفیهٔ آن را به عهده گیرد و بایستی در این باب به شورای وزراء رجوع نماید. قبل از آنکه این کار را صورت بدهد از شما استدعای آخری خود را خواهد نمود که حالا من به او اظهار داشته‌ام که‌استعفای ماژور استوکس قبول نگردیده است. بنظر او می‌رسد برای دولت اعلیحضرتی امکان خواهد داشت که

یا او را موقتاً به لندن احضار نمایند و یا آنکه یك شغلی در هندوستان به وی بدهند.
امضاء جارج بیوکانان

نمره ـ ۲۸۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ اوت)
طهران ۱۶ اوت ۱۹۱۱ [۲۴ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۹]
در تعقیب تلگراف ۱۲ اوت خود افتخار دارم راپورت دهم که عساکر سالارالدوله همدان را بدون اینکه کسی با آنها مخالفت کند قبضه نموده‌اند.
شاهزاده معظم‌الیه [= معظم‌له] خود در کرمانشاه توقف خواهد نمود.

نمره ـ ۲۸۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان
وزارت خارجه ۱۶ اوت ۱۹۱۱ [۲۴ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۹]
تعیین ماژور استوکس ـ راجع به تلگراف پانزدهم اوت شما مسیو نراتف طوری صحبت می‌کند مثل اینکه تعیین او به انجام رسیده و مثل اینکه ما نه فقط در مورد آن ساکت بوده بلکه خودمان اسباب تعیین او شده باشیم. این‌طور نیست من به دولت ایران اظهار داشته‌ام نبایستی در تعیین استوکس اصرار نمایند استوکس بکلی مستقلا و بدون مشورت با کسی عمل نموده و تعیین او بدون رجوع با ما شده.
مسیو نراتوف بایستی این مسئله را خوب درك بنماید من حاضرم اظهار خود را تکرار نموده دولت ایران را متنبه سازم که نظر به حقانیت اعتراض دولت روس استعفای استوکس را نمی‌توان قبول کرد و اصرار بنمایم که شخص بیطرفی بجای او تعیین شود.
من هیچوقت شرط نکرده‌ام که قزاقان ایرانی که در تحت صاحبمنصبان روسی در طهران تعلیم یافته‌اند به جنوب ایران اعزام نشوند و گمان می‌کنم عقاید دولت روس و کفیل وزارت امور خارجهٔ آن دولت زیاده از اندازه از بابت تعیین استوکس بهیجان آمده‌اند.
افسوس می‌خورم که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] ظاهراً آنقدر کم ملتفت شده‌اند که من اعتراض دولت روس را قبول کرده و هرقدر توانسته‌ام برای منع تعیین وی سعی کرده‌ام چرا که به بودن توافق آراء و اتفاق در عمل مابین دولتین اهمیت وافر می‌دهم.
مسیو نراتوف بایستی به عموم ملت روس توضیح نمایند که فقط به واسطهٔ اقدامات ما است که تعیین وی انجام نپذیرفته و در این موقع همان کاری را که من اینجانموده و عقاید عامه در مقابل حضور قشون روس در شمال ایران و اقدامات کلنل لیاخف

در سالهای گذشته نگذاشته‌ام بهیجان آید ایشان هم در آن مملکت بنمایند.
من تاکنون چندین دفعه با این اوضاع مصادف شده و در مقام مدافعهٔ آن برآمده‌ام و هرگاه دولت روس بطوری که در این‌گونه موارد سختی می‌کنند من هم می‌کردم مناسبات حسنهٔ مابین بریطانیای عظمی و دولت روس مدتی قبل به انتهاء رسیده‌بود.

نمره ـ ۲۸۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اوت)
طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۱ [۲۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ شعبان ۱۳۲۹]
اوضاع شیراز

راجع به تلگراف ۱۲ مه من:
تلگرافی از کفیل قنسول انگلیس مقیم شیراز رسیده پیشنهاد می‌کند که به همین زودیها لازم می‌شود که بر عدهٔ مستحفظین قنسولگری اضافه شود که‌او بتواند خانه‌های اروپاییان مقیم شیراز را محافظت نماید بدون آن که از عدهٔ مستحفظین حالیه کسر شود. مستر ناکس بدلایل ذیل عقیدهٔ خود را تقویت می‌نماید:
عدهٔ ایلیاتیها که روز بروز درشهر زیاد می‌شوند و نزدیک‌بودن ورود صولت‌الدوله و عدم احتمال اینکه نظام‌السلطنه مایل یا قادر بر جلوگیری از این عناصر آشوب و اغتشاش باشد تزیید مستحفظین را لازم می‌دارد. بعلاوه خانه‌هایی که در حدود قنسولخانه واقع می‌باشند دو خانهٔ دیگر هم در بیرون شهر و چهار ادارهٔ تجارتی هم در خود شیراز می‌باشد. از قراری که فهمیده‌ام این جا یکنفر هم تبعهٔ آلمان هست که یحتمل از قنسولخانهٔ اعلیحضرتی درخواست محافظت می‌نماید.
برای محافظت و قراولی این خانه‌ها یك دسته قشون امدادی زیاد یحتمل قریب‌یکصد و پنجاه نفر لازم خواهد بود و جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر اشعار می‌دارد اعزام چنین قوه‌ای مثل این است که اقدامی بر ضد فرمانفرما و صولت‌الدوله به عمل آمده باشد.
محتمل نمی‌نماید که اقدام یا حملهٔ عمدی بر ضد اروپاییان بشود ولی البته در هر ساعت ممکن است غارت و چپاول واقع شود و فرقی مابین اتباع خارجه و دیگران گذارده نشود. با وجود این گمان می‌کنم احتمال وقوع این‌قبیل اتفاقات هم چنین اقدام مهمی مثل اعزام یك قوه به این بزرگی را که لازم شمرده می‌شود تضمین‌نماید.
از طرف دیگر از زمان ورود قوام‌الملك به قنسولخانه لازم بوده است که مستحفظین زیاده بر آنچه وظیفهٔ آنها است مشغول قراولی و حفاظت باشند و از قراری که فهمیده‌ام و نسبت به قلت عده‌ای که فعلا در شیراز می‌باشند کار زیادتر به آنها رجوع شده و از آنجایی که هیچ احتمال نمی‌رود قوام‌الملك از قنسولخانه خارج شود تصور می‌کنم اعزام یك دسته قشون امدادی به شیراز مطلوب می‌باشد.
با این اوضاع توصیه می‌نمایم که برای رفع این اشکال خوب است از حکومت

هندوستان درخواست شود بیست و دو نفر قشون امدادی که کاری به آنها رجوع نباشد به شیراز اعزام نمایند. عده‌ای که حالیه اینجا هستند چهل و دو نفراند و شانزده نفر آنها شب و روز بایستی کشیك بکشند.

نمره ـ ۲۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اوت)
طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۱ [۲۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس و ژاندارمری خزانه ـ لطف نموده رجوع به قسمت آخر تلگراف ۱۲ اوت من فرمایید.

وزیر امور خارجه که دیروز از ایشان ملاقات نمودم مجدداً اشاره به ارائهٔ طریق خود برای فیصلهٔ امر استوکس نمود. من جواباً جناب معظم‌الیه [= معظم‌لـه] را مستحضر داشتم که تصور نمی‌کنم پیشنهاد ایشان حل این مسئله را بنماید و علاوه نمودم که بهتر این است که دولت ایران یا تعیین استوکس را بکلی موقوف بدارند و یا آنکه آنرا به نقاط جنوبی محدود سازند.

نمره‌ـ۲۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اوت)
طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۱ [۲۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ شعبان ۱۳۲۹]

سه نفر صاحبمنصب سوئدی برای ژاندارمری امروز صبح آمده از من و سفیر روس ملاقات نموده و بما اثرات خوب کردند.

نمره ـ ۲۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ اوت)
طهران ۱۸ اوت ۱۹۱۱ [۲۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۹]

حرکات شاه مخلوع

راپورت داده شده است که محمدعلی‌میرزا از بارفروش حرکت نموده و حالا در ناحیهٔ سوادکوه قریب سی‌میلی شرقی فیروزکوه متوقف است.

اخبار ورود شعاع‌السلطنه هم در میان طوایف شاهسون داده شده‌است.

عساکر شاه مخلوع سمنان را می‌چاپند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۲۹۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۸ اوت ۱۹۱۱ [۲۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۹]
دولت روس پیشنهاد وزیر امور خارجه‌را درباب‌استخدام ماژور استوکس نمی‌توانند قبول کنند.

دولت روس پروتست جدید به دولت ایـران خواهند کـرد و پس از آن شما هم اظهارات سابق خود را به دولت ایران تکرار نموده و اظهارداریدکه دولت اعلیحضرتی اعتراضات دولت روس را برعلیه [= علیه] تعیین ماژور استوکس مستحکم و متقن دانسته و بنابراین استعفای وی را نمی‌توانند قبول کنند و به دولت ایران اصرار می‌نمایند که یکی از اتباع دولت بیطرفی را استخدام نمایند.

نمره ـ ۲۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان
وزارت خارجه ۱۸ اوت ۱۹۱۱ [۲۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۷ اوت سر جارج بارکلی
اوضاع شیراز ـ دولت روس را از بابت تزیید عدهٔ مستحفظین قنسولخانهٔ شیراز که پیشنهاد شده است مستحضر داشته و جهت این اقدام را برای آن دولت توضیح نمائید.

نمره ـ ۲۹۳

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ اوت)
سنت پطرزبورغ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۹]
تزیید مستحفظین قنسولخانهٔ شیراز که پیشنهاد شده:
راجع به تلگراف ۱۸ اوت شما مسیو نراتوف اعتراضی ندارد.

نمره ـ ۲۹٤

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ اوت)
سنت پطرزبورغ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۹]
تعیین ماژور استوکس ـ حاوی مضمون ملخص مکتوب مورخهٔ ۲۲ اوت می‌باشد:
چون هنگـام وصول تلگـراف ۱۶ شهر جـاری شما مسیو نراتف مشغول بـود و نمی‌توانست مرا ملاقات نماید مطالب مهمهٔ آن تلگراف را در جزو کاغذ شخصی در روز ۱۷ شهر جاری برای جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] نوشتم. در ضمن صحبتی که

دو روز بعد از آن با ایشان داشتم من بعلاوهٔ مطالبی که در طی آن مراسله به ایشان رسانیدم به ایشان فهمانیدم که دولت اعلیحضرتی ابداً با مسئلهٔ تعیین ماژوراستوکس مربوط نبوده و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را متذکر ساختم از وضع سلوك و رفتاری که شما اتخاذ نموده بودید در موقعی که در پارلمان در خصوص اقدامات کلنل لیاخوف و ابقای عساکر روس در ایران مذاکرات نامساعد در میان بود و اظهار داشتم اطمینان دارم که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] هم در هر موقعی مثل حالیه که رفتار دولت اعلیحضرتی مورد انتقادات نامناسب واقع شود عقاید عامهٔ روس را تسکین خواهند داد.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] در جواب اظهار داشت دولت روس همینطور خواهد کرد چرا که او چیز دیگری را خواهان نیست مگر آنکه دولتین همیشه متفقاً در هرکاری عمل نمایند مخصوصاً در این موقعی که امور ایران به چنین نقطهٔ باریکی رسیده است و ایشان به مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم داده‌اند که مکتوبی بمضمون مراسله‌ای‌که کنت بنکندرف بشما ارائه نموده است برای‌دولت ایران‌فرستاده و به‌اتفاق سر جارج بارکلی به دولت ایران اصرار نمایند تشکیل ژاندارمری مالیه را به یکی از صاحبمنصبان سوئدی واگذار نمایند.

ایشان از من خواهش می‌نمایند از شما اظهار تشکر قلبی بنمایم برای اینکه به سر جارج بارکلی دستورالعمل داده‌اید اظهار نماید که دولت اعلیحضرتی استعفای ماژور استوکس را نمی‌توانند قبول نمایند.

امضاء جارج بیوکانان

نمره ـ ۲۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ اوت)

طهران ۲۰ اوت ۱۹۱۱ [۲۸ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۵ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۸ اوت شما:

ماژور استوکس ـ سفیر روس و من دیروز علیحده مکتوب خود را برای دولت‌ایران فرستادیم.

نمره ـ ۲۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

استوکس از من استفسار نموده است که نظر به اظهاراتی که به‌دولت ایران کرده‌ام و به او اطلاع داده‌ام اینطور مفهوم می‌گردد که استعفایش قطعاً رد شده است و هرگاه اینطور است به‌چه‌سبب‌و جهت‌اینکاررا کرده‌اند. او اشعارمی‌دارد اززمانی که استعفاء

کرده است سه هفته می‌گذرد و تاکنون جوابی به او داده نشده و اظهار می‌دارد که شوستر بسیار مایل است او شروع بکار کند.

نمره ـ ۲۹۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)
طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

کفیل قنسولگری تبریز راپورت می‌دهد که شجاع‌الدوله در تبریز اعلام نموده‌است که از طرف محمدعلی‌میرزا به ایالت آذربایجان منصوب گردیده. شجاع‌الدوله حاکم مراغه قبل از رولوسیون در محاصرهٔ تبریز شرکت مهمی نمود و فعلا در سراب است و از قرار مذکور عدهٔ زیادی همراه خود دارد.

نمره ـ ۲۹۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)
طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

همکار روسی و من روز ۲۰ اوت به دولت ایران نصیحت نمودیم که به جای ماژور استوکس صاحبمنصبان سوئدی برای تشکیل ژاندارمری خزانه تعیین نمایند. بنظر ما باین‌طریق ممکن است حل مشکل حالیه را نمود.

چیزی که لازم است این است که‌تشکیل ژاندارمری بهر قسمی که باشد شروع شود بعلاوه عقیدهٔ من بر این است که ژاندارمری خزانه که مستر شوستر در مد نظر دارد بیشتر احتمال ترقی دارد تا آنکه قوهٔ دیگری در همان وقت تشکیل‌شود حتی‌درصورتی‌که برای هر دو قسم قوه وجوهات برسد.

گمان من این است همین که تشکیل ژاندارمری شروع گردید ما در هر موقعی که لازم شود می‌توانیم تقاضا نماییم یك قسمتی از ژاندارمری از وظایف راجع به خزانه منفصل و برای کارهای عمومی دیگری در مملکت بکار برده شود.

چنانچه راپورت داده شده صاحبمنصب ارشد سوئدی اظهار داشته است که دوازده ماه برای او لازم است تا آنکه بتواند کار مؤثری از پیش ببرد. هرگاه این مطلب صحت داشته باشد او بکار خزانه‌دار کل که تصور می‌کند تشکیل ژاندارمری او بفوریت لازم است نخواهد خورد.

نمره ـ ۲۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)
طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز ـ دولت ایران اخیراً سعی داشتند که نظام‌السلطنه را ترغیب نمایند

با قوامیان اصلاح نماید ولی مساعی دولت مشارالیها منتج نتیجه نگردیده است.
مستر ناکس راپورت می‌دهد که اوضاع سخت‌تر می‌شود. در عرض دو سه روز آخر اتصالا جنگ در کار بوده و بلامنازعت غارت اموال می‌شود و تجارت موقوف و نواحی دوردست به یك حال مغشوش‌تری از سابق می‌باشند. مستحفظین قشقایی در جلو معابر به قنسولخانه چاتمه زده‌اند. مستر ناکس بعلاوه بطریق ذیل اظهار می‌دارد:
«راه اصفهان ناامن است و اگرچه اوضاع راه بوشهر فعلا خوب است تجار اطمینان ندارند و تمام حل و نقل اجناس خود را موقوف داشته‌اند».
من مفاد تلگراف کفیل قنسولگری را به دولت ایران نوشته و تقاضا نموده‌ام که قشقاییها که دور قنسولخانه مواظب هستند از آنجاها بروند و آن دولت را از مسئول بودن برای جان و مال اتباع انگلیس متذکر ساخته‌ام.

نمره ـ ۳۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ اوت)
طهران ۲۲ اوت ۱۹۱۱ [۳۰ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ شعبان ۱۳۲۹]

شیراز

کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد که با محلهٔ یاغیان باب مذاکرات مفتوح گردیده و به متارکهٔ موقتی منتهی گردیده است

نمره ـ ۳۰۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۳ اوت ۱۹۱۱ [۳۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۹]
تازگی سفیر ایران به ما شکایت می‌کنند که روسها ازمراجعت شاه‌مخلوع پرده‌پوشی می‌کنند و شش نفر از صاحبمنصبان بحری روس او را در یکی از کشتیهای روسی از بادکوبه به سرحد وارد نموده‌اند و چنانچه قنسول دولت مشارالیها مقیم عشق‌آباد خبر داده است خان بنادر سرحد که در جزو هیئت ارکان حرب روس درجهٔ کلنل را داراست از آنجا حرکت کرده ظاهراً به قصد آنکه آن اعلیحضرت را کمك نماید و در بانك روسی-پول برای او جمع‌آوری شده است و یکی از اجزاء جنرال قنسولگری روس در طهران خیلی با مقاصد او عملا طرفداری‌می‌نماید و بریگاد[1] قزاق به معاذیر متعذر می‌شوند که به ایالات و ولایات اعزام نشوند و از اطاعت و امر وزیرجنگ دولت‌ایران امتناع می‌نمایند.
آیا بنظر شما این نسبتهای غیرمعلوم که داده شده است اساسی دارد؟

---

۱) اصل: بریکارد.

نمره ـ ۳۰۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۳ اوت ۱۹۱۱ [۳۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۳۱ اوت شما:

صاحبمنصبان سوئدی ـ واضح است که باید فوراً اقدامی نمود که ادارات معتبر انگلیسی تجارت خود را در خلیج فارس مقطوع و متروك ندارند و اگر این کار را بکنند برای ایران خیلی خسارت وارد خواهد آمد و خطر حقیقی چنین اقدامی مشهود است.

اگر دولت ایران بخواهد تمام صاحبمنصبان سوئدی را برای ژاندارمری خزانه بکار وادارد راههای جنوبی چطور محافظت خواهند شد؟ اگر کسی بجای ماژور استوکس استخدام شود ممکن است دیگران را دستورالعمل داد که اگر بتوانند فوراً بطرف بوشهر حرکت کرده و مستحفظین موقتی تشکیل دهند تا آنکه قوهٔ منظمی تنظیم شود و تشکیل قوهٔ منظم در وقتی که مالیه مرتب و منظم شود ممکن است آیا این کار مفید واقع خواهد شد و آیا اگر صاحبمنصبان سوئدی با تجار ترتیبی بدهند ممکن است راه بین بوشهر و شیراز را امن نمایند؟ مثلا محمول خود را همراه قاطرداران مسلح بفرستند چنانچه کمپانی لینچ همین کار را در راه بختیاری می‌کند و اجناس خود را حمل و نقل می‌نماید.

نمره ـ ۳۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اوت)
طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۱ [۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ شعبان ۱۳۲۹]

در تعقیب تلگراف ۱۶ اوت خود افتخار دارم راپورت دهم که سالارالدوله در ۲۳ اوت از کرمانشاهان بطرف همدان حرکت نمود.

نمره ـ ۳۰۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اوت)
طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۱ [۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ شعبان ۱۳۲۹]

تلگراف ذیل را جنرالقنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر فرستاده است تاریخ آن ۲۱ اوت است:

قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز مرا اطلاع داده است که راه لرستان برای ایاب و ذهاب قوافل کاملا امن است و تجار خرم‌آباد مایل‌اند قاطرداران را ترغیب به ایاب و ذهاب در این راه نمایند.

از زمانی که کمپانی لینچ امتیاز این راه را گرفته‌اند اول دفعه‌ایست که اوضاع به

اینطور مناسبی پیش آمده و عرض می‌کنم خوب است به لینچ اصرار شود هرقدر زودتر که امکان دارد کسی را از طرف خود در راه بفرستند که اقدامات لازمه برای اتمام راه بنماید قبل از آنکه مدت مهلتی که داده شده است منقضی گردد.

من وکیل لینچ را که در طهران است به این مسئله متذکر نموده‌ام و او به مهندس کمپانی دستورالعمل داده است بطرف سلطان‌آبادحرکت‌نماید. هرگاه‌اوضاع به‌همین‌طور مساعد باقی باشد مهندس مزبور راه را بازدید خواهد نمود.

ولی دوام امنیت راه لرستان درست معلوم نیست چرا که دولت ایران به امیر مفخم بختیاری که بهبودی اوضاع به واسطهٔ حکومت او است فشار می‌آورندکه‌با سالارالدوله در ناحیهٔ کرمانشاه جنگ نماید.

نمره ـ ۳۰۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اوت)

طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹]

افتخار دارم راپورت دهم که دولت ایران شکایاتی را که شما در تلگراف ۲۳ اوت خود اشعار نموده بودید به اطلاع من رسانیده‌اند بانضمام شکایات دیگر که از زمینهٔ آنها معلوم می‌شود قنسولهای دولت روس مقیم ایران طرفدار محمدعلی‌میرزا بوده و ارتجاعیون بسیاری که در زرگنده سکونت اختیار نموده‌اند مشغول انتریگ می‌باشند.

در باب انتریگهایی که به جنرال قنسول روس نسبت داده شده و جمع‌آوری پول برای محمدعلی‌میرزا، نمی‌توانم باور کنم بتوان این نسبتها را مدلل ساخت چرا که دولت ایران خود این شکایات را به سفیر روس ننموده‌اند.

در خصوص نسبت بی‌اطاعتی که بر بریگاد قزاق داده‌اند من غالباً شنیده‌ام شکایت کرده‌اند که کلنل وادبولسکی توپ و مهمات جنگی نمی‌دهد و قزاقهای تحت امر خود را به ایالات و ولایات نمی‌فرستد ولی من تصور می‌کنم این شکایات مقرون بصحت نیست و کلنل مذکور قبل از مراجعت شاه مخلوع هرقدر قزاق و توپ و مهمات جنگی که می‌توانست بدهد بطوری که بشکل قوهٔ بریگاد صدمه وارد نیاورد برای دولت ایران حاضر می‌نمود که به خارج طهران بفرستند. فعلا علاوه بر مستحفظین مختلفهٔ سفارتخانه‌ها زیادتر از چهارصد نفر در طهران نیستند.

وقتی که مسئلهٔ همراه‌بودن صاحبمنصبان بحری روسی را با شاه مخلوع و مدد رسانیدن یکی از صاحبمنصبان ارکان حرب را به همکار روسی خود ذکر نمودم خیلی بنظرش مضحک آمد. مسئلهٔ عبور او را از بحر خزر در یك کشتی مجهول از پطروسك عموم تصدیق دارند و نیز در روزنامهٔ موسوم به بحر خزر که در بادکوبه طبع میشود راپورت ملاقاتی با کاپیتان یك کشتی شراعی که از کار افتاده و کشتی مجهول آنرا نجات داده است داده شده. کاپیتان کشتی شراعی مذکور اظهار می‌دارد که چند نفر مسافر از اعیان ایرانی و اروپاییان ملبس به لباسهای خوب در آن کشتی دیده شد ـ

ویس‌قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت اظهار می‌دارد که از قراری که راپورت داده شده هفتاد صندوق که اکثر آنها محتوی اسلحه و مهمات جنگی بود با محمدعلی‌میرزا از کشتی مذکور پیاده شد.

نمره ـ ۳۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اوت)
طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹]
ایلات ترکمن تا مسافت ۲۵ میلی ارادان در راه مشهد پیش‌آمده‌اند.

نمره ـ ۳۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اوت)
طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹]
نایب‌حسین اردستان را قبضه نموده و بطرف کاشان در حرکت است که آنجا را هم قبضه نماید.

نمره ـ ۳۰۸

مکتوب وزارت خارجهٔ انگلیس به کمپانی لاید
وزارت خارجه ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹]
آقا
برحسب تعلیم سر ادوارد گری وزیر امور خارجه وصول مراسلهٔ ۱۰ شهر جاری شما را در باب عدم امنیت راه‌های تجارتی جنوب ایران اطلاع می‌دهم.
من بایستی شما را مستحضر بدارم که سر ادوارد گری بخوبی از اوضاع سخت امورات در نواحی مزبوره و خسارات به تجارت انگلیس که بدان‌واسطه وارد می‌گردد واقف می‌باشند.
دولت ایران قرار داده‌اند هیئت ژاندارمری در تحت صاحبمنصبان اروپائی که به طهران آمده‌اند مشاغل خود را بعهده گیرند تشکیل دهند و سر ادوارد گری لـزوم تسریع تشکیل این قوه را به دولت ایران اصرار می‌نمایند.
در صورتی که در تشکیل ژاندارمری زیاده از اندازه تعویق روی دهد و یا آنکه مقاصد منظوره از آن بعمل نیاید دولت اعلیحضرتی بـرای حفظ تجـارت انگلیس اقدامات دیگر خواهند نمود و دولت ایران مسئول خساراتی هستند که بعلت سرقت اجناس به اتباع انگلیس وارد می‌آید.

امضاء لویس مالت

نمره ـ ۳۰۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ اوت)
طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۱ [۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱ رمضان ۱۳۲۹]
ماژور استوکس و ژاندارمری خزانه

افتخار دارم راپورت دهم که خزانه‌دار کل خیال می‌کند که تشکیل یك قوهٔ ژاندارمری برای هر مقصودی مکفی خواهد بود و من هم با عقیدهٔ او موافقت دارم. او تصور می‌کند که ژاندارمری خزانه برای هرگونه احتیاجات مناسب و مکفی خواهد بود.

نمره ـ ۳۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ اوت)
طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۱ [۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۲ ژوییت من مجلل بدون اینکه کسی او را ممانعت کند به اردبیل وارد شده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ اوت)
طهران ۲۷ اوت ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۲ اوت من ـ از قراری‌که راپورت داده شده قشون ارشدالدوله استعداد کمی از دولت را در نزدیکی ارادان شکست داده و وارد ارادان شده‌است.

نمره ـ ۳۱۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ اوت)
طهران ۲۸ ژوییت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که مطالب دو قسمت آخری تلگراف ماه مه گذشتهٔ خود را که به شما مخابره نمودم مکرراً برای جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر مخابره نمودم. مطالب مذکوره در باب اوضاع طرق جنوبی و وضعیت احصائیهٔ گمرکات جنوب نسبت به آن اوضاع می‌باشد.

الحال مکتوبی از کلنل کاکس برای من رسیده محتوی یادداشتی است که از روی آن معلوم می‌گردد عایدات گمرکی (چنانچه من مذکور داشتم در تلگراف فوق‌الذکر خود) در حقیقت دلیل بر بهبودی تجارت انگلیس می‌باشد.

ولی حتی اگر مبلغ عایدات گمرکی که من به شما راپورت دادم از آنچه مستر چیك

ارائه می‌دهد کمتر اسباب سوءتفاهم در باب تجارت انگلیس باشد آنچه من ذکر نمودم که ازدیاد واردات از راه محمره جبران کمی واردات بوشهر را نموده است الحال که اغتشاشات جدیدالوقوع راه اهواز الی اصفهان (رجوع به تلگراف ۱۳ و ۱۹ شهر جاری من کنید)[۱] مانع است که در عوض راه شیراز از اینطرف اجناس به اصفهان حمل شود از قوت بحث من کاسته می‌شود و با تجدید وقوع سرقتهایی که در قسمت راه شیراز الی اصفهان به وقوع می‌رسد اوضاع را نمی‌توان امیدبخش دانست.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۳۱۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ اوت)

طهران ۲۸ ژوییت ۱۹۱۱ [۵ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

در مکتوب ۱۲ شهر جاری خود راپورت دادم که‌در این تازگی صحبت بسیار در میان و شواهدی هم در خصوص بکار بودن طرفداران محمدعلی‌میرزا موجود بوده است.

هنوز سواد آن مکتوب را ننوشته بودم که معین‌الوزاره رئیس کابینهٔ وزیر امور خارجه از من ملاقاتی نموده از طرف وزیر امور خارجه پیغامی آورد مشعر بر اینکه یکی از محبوبان شاه مخلوع مجلل‌السلطان که با آن اعلیحضرت در سفارت روس تحصن اختیار نموده بود و همراه آن اعلیحضرت تبعید گردیده بود از طرف محمدعلی‌میرزا مشغول ملاقات طوایف شاهسون بوده و سردار ارشد محبوب دیگر آن اعلیحضرت با دو نفر از همراهان خود به بادکوبه وارد شده و شهرت داده‌اند که محمدعلی‌میرزا تا دو هفتهٔ دیگر به ایران مراجعت خواهد کرد. همین‌که پیغام دیگری شبیه به این به همکار روسی من داده شد ما هر دو تصمیم نمودیم به دولتین متبوعتین خود تلگرافاً [= تلگرافی] توصیه نماییم شاه مخلوع را که از قرار اطلاعات دولت ایران در وینه توقف داشت متنبه سازند در ایران آنتریك [= انتریگ] ننماید. بدبختانه اطلاعی که دولت ایران به ما داد خیلی دیر رسید و چندان مفید فایده نبود زیرا در همان روزی که این اطلاع داده شد شاه مخلوع بایستی از وینه حرکت کرده‌باشد.

در ۱۷ شهر جاری شاه مخلوع در کمش‌تپه وارد شد با چند نفر از همراهان خود و شعاع‌السلطنه برادر او با امیربهادر و سعدالدوله همراه او بودند.

از زمان ورودش به خاك ایران اطلاع کمی در خصوص اقدامات او دارم ولی سفیر روس به من می‌گوید که قنسول روس راپورت داده است که اعلیحضرت روز ۲۰ شهر جاری وارد استراباد گردیده و اهالی او را با شوق و ذوق تمام پذیرائی نمودند.

در موقع نوشتن این مکتوب از طرف دولت ایران خبر به من رسید که یك دسته از

---

۱) پرانتز از ویراستار است ـ م

پیروان ترکمن او شاهرود را قبضه و غارت نموده بودند.

از قرار راپورت‌هایی‌که از ایالات و ولایات رسیده واضح می‌گردد که مراجعت شاه مخلوع بهیچ‌وجه مورد عدم قبول عامه واقع نشده.

در شمال ایران طوایف ترکمن و شاهسون را می‌توان همراه و مقوی محمدعلی دانست. اهالی مازندران که از زمان شورش مذکوره در راپورت آخری سالیانه تقریباً بکلی از تحت انقیاد دولت مرکزی خود را خارج نموده بودند از قراری که راپورت داده شده بکلی طرفدار آن اعلیحضرت می‌باشند و از قرار مذکور امیر مکرم و همدستان یاغی او مثل رشیدالسلطان و اسمعیل‌خان با او مشغول مراوده و مکاتبه می‌باشند.

از طرف مغرب هم به دولت ایران خبر رسیده که ایلات کلهر و طوایف دیگر و به همین‌طور والی پشتکوه خود را طرفدار سالارالدوله اعلان نموده‌اند.

طوایف قشقایی هنوز اعلان طرفداری نداده‌اند ولی تلگرافی که از نظام‌السلطنه به دولت مرکزی مخابره شده و شاید می‌توان تصور کرد حاکی عقاید صولت‌الدوله باشد بکلی رفع اضطراب وضع رفتار این طایفه را نمی‌کند و به‌همچنین وضع رفتار رقبای بختیاری آنها هم مایهٔ تشویش است اگرچه خانوادهٔ سردار اسعد طرفدار دولت است و وعدهٔ اعزام قشون برای مقابله با شاه مخلوع داده‌اند و آیا می‌توان یقین حاصل‌نمود که شعبهٔ دیگر طایفهٔ بختیاری که در موقع رولوسیون از جانب محمدعلی جنگ کردند با آنها خواهند بود؟

در شهرهای معظمه مردم متمایل به تغییر اوضاع‌می‌باشند و اغتشاشاتی که‌مخصوص به سلطنت سابق بود دیگر در اذهان مردم تازگی ندارد و اوضاع ایالات و ولایات امروزه به‌هیچ‌وجه بهتر از زمانی که محمدعلی بر تخت سلطنت جالس بود نمی‌باشد حتی در تبریز که مولد رولوسیون ۱۹۰۹ می‌باشد چنانکه کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد هنگامی که خبر ورود آن اعلیحضرت که هنوز در شهر منتشر نشده به طبقهٔ عالی شهر رسید اسباب تسکین خاطر آنها گردید. در پایتخت تا اندازه‌ای که من می‌توانم تشخیص بدهم احساسات طور دیگری است.

عقیدهٔ من بر این است که محمدعلی علاوه بر چند نفری‌که از میان‌آنها اجزاءدولتی طبقهٔ عالی سلطنت فاسدهٔ قدیم در کار بودند کسی دیگر با او همراه نیست. اوضاع نظم و امنیت پایتخت از زمان مشروطیت بهتر از زمان شاه مخلوع بوده و نمی‌توان آنها را با هم تطبیق نمود و می‌توان باور نمود که غیر از آنهایی که از فساد عمومی و کلی سلطنت محمدعلی استفاده می‌نمودند و عناصر بدنام و نشانی که در تحت مراحم و مهربانی آن اعلیحضرت به عیش و عشرت می‌گذرانیدند همه مراجعت او را به نظر یأس و نومیدی می‌نگرند. در هر صورت احساسات اعضاء مجلس برضد او است و به خوبی می‌توان تصور نمود که اگر سپهدار دست جلو را نگرفته و روز ۲۳شهرجاری استعفاء ننموده بود مجلس در همان روز رأی عدم اعتماد در حق او می‌داد.

در عرض مدت کمی که بر سر کار بود او در منزل خارج شهر خود در حدود زرگنده که در تحت حکمفرمایی دولت روس است متوقف بوده و مراکز پلتیکی از بی‌اعتنایی

و مشکل‌تراشی او نسبت به تمهیاتی که برای مقابله با محمدعلی دیده می‌شد متغیر و خشمگین بودند.

امروز در میان اعتدالیون و دموکراتهای مجلس اختلافی نیست همه آنها ظاهراً طرفدار کابینهٔ دموکرات جدیدالتشکیل می‌باشند.

گفتگوی اعزام قشون برای دفع[1] سالارالدوله خیلی در میان است که در تحت امر سردار ظفر و سردار جنگ بختیاری و دسته‌ای هم در تحت امر یفرم برای‌دفع محمدعلی فرستاده شود ولی نمی‌توانم زیادتر از این چیزی در این باب بنویسم تا آنکه آثار و علائم فعلیت‌دادن به این امر معلوم و مشهود گردد.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۳۱٤

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)

طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که از کفیل قنسولگری شیراز برای من مکتوبی رسیده از آن مشهود می‌گردد که تاکنون در تشکیل ژاندارمری تحت جنرال مالتا پیشرفتی حاصل نشده. جنرال مالتا ناخوش بود و گذشته از این بهم‌خوردگی کلی امورات در این سه‌ماههٔ اخیر برای هرگونه اصلاحات از قبیل تشکیل ژاندارمری کارآمدی نامساعد بوده است.

ملاحظهٔ این مسئله مرا مانع آمده است به دولت ایران فشار وارد آورم که به‌واسطهٔ پرداخت هشتاد هزار تومانی که برای ژاندارمری فارس تخصیص شده کار جنرال مالتا را تسریع نمایند و بلاشك هرگاه این پول فرستاده می‌شد در این موقع باریك تماماً تلف می‌شد.

به‌واسطهٔ نامعلومی و ابهام موقع امروزه فهم میزان قوه و استعداد ژاندارمری که دولت ایران تشکیل بدهند مشکل است ولی هرگاه سلطنت حالیه دوام کند من ناامید نیستم از اینکه دولت بتواند یك قوهٔ مؤثری برقرار نماید.

صاحبمنصبان سوئدی نزدیك است به ایران وارد شوند و هرگاه وجه کافی به آنها برسد بایستی بتوانند خدمات خوب بکنند.

امضاء جارج بارکلی

www.adabestanekave.com

---

۱) اصل: رفع ـ م.

نمره ـ ۳۱۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)
[طهران ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

در باب مراسلهٔ ۱۲ ماه گذشته من افتخار دارم راپورت دهم که بـه مجرد وصول تلگراف ۲۱ ماه گذشتهٔ شما خزانه‌داری کل را اطلاع دادم که ماژور استوکس قبل‌از اینکه قبول فرماندهی ژاندارمری خزانه را بنماید باید از شغل خود در قشون هندی استعفاء نماید. وقتی بطوری‌که شما دستورالعمل داده بودید به او اطلاع دادم با کمال شدت استعفای وی را از شغل خود تقبیح نموده به او اشعار داشتم که تعیین او به این مقام که می‌خواهند بوی تفویض نمایند و مشاغل آن به نقاط جنوبـی محصور نخواهد بود یقیناً باعث اعتراضات دولت روس خواهد شد و اعتراضات آن دولت که ما ممکن است نتوانیم با آن مخالفت نماییم یحتمل باعث نسخ کنترات او گردد و اگر این‌طور شود برای او خیلی ناگوار خواهد بود ولی چنانچه بر من معلوم گردیـد او مصمم استعفاء می‌باشد در صورتی‌که شرط موافق دلخواه وی در کنترات بشود که پس از انقضاء مدت کنترات یا نسخ استخدام او حقوق تقاعدی در حقش برقرارگردد.

در موقعی که مستر شوستر مختار گردید که از طرف مجلس مـاژور استوکس را استخدام نماید شرطی برای برقراری حقوق تقاعدی در حق وی بعمل نیامد و بنابراین لازم بود که در این باب با مجلس مذاکرهٔ ثانوی شود. کابینه قدری مردد بود که چنین کاری بکند. سفیر روس به وزیر امور خارجه رسانیده بود که دولت روس از تعیین او که پیشنهاد شده بسیار بی‌میل می‌باشند و وزیر امور خارجه البته از این مسئله آگاه می‌باشند و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] لازم دانسته بود که مسئولیت تعیین وی را از خود رفع نماید و اظهار داشت که تعیین وی بدون اطلاع کابینه پیشنهاد گردیده بود.

مستر شوستر به کابینه فشار وارد آورد که ترتیبات تعیین حقوق تقاعدی او را از مجلس بگذرانند ولی اصرارهای او تا زمان برسر کار آمدن کابینهٔ دموکرات حالیه مثمرثمری نگردید. کابینهٔ مزبور در ۲۵ ماه گذشته مشغول بکار شد و روز ۲۹ ماه گذشته شرایط حقوق تقاعدی ماژور استوکس رأی گرفته شد ماژور استوکس روز بعد همان روز استعفای خود را عرضه داشت.

برحسب تعلیمات شما من به وزیر امور خارجه در ۲۹ ماه گذشته اظهار داشتم که شنیده‌ام هرگاه ماژور استوکس قبول مقامی که به‌او اعطاء شده بنماید ممکن‌است‌وی‌را بر اقدامات نظامی بر علیه [= علیه] شاه مخلوع بکار وادارند و به جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اشعارنمودم‌که هرگاه اورا به‌این‌طور بکاروادارند ممکن‌است‌بهانه‌بدست صاحبمنصبان روسی داده شود که با طرف مخالف همراهی جدی نمایند. در دوم شهر جاری به وصول تلگراف روز قبل شما من او را بطور رسمی از این مسئله متنبه نمودم من جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را اطلاع دادم و یادداشتی بایشان دادم کـه ماژور

استوکس لازم است قبل از آنکه در استخدام دولت ایران داخل شود از شغل خود استعفاء نماید و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را متذکر ساختم که تعیین وی بدون مراجعه به دولت اعلیحضرتی صورت انجام گرفته و دولت مشارالیها صلاح می‌دانستند که با ایشان قبلا در این باب مشورت شود و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را متذکر ساختم که تعیین ماژور استوکس برای هرگونه اقدامات نظامی شمال ایران ممکن است متضمن ملاحظات پلتیکی باشد و دولت اعلیحضرتی اعتراضاتی را که بر علیه [= علیه] آن ممکن است بشود نمی‌توانند رد نمایند.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۳۱۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)
طهران ۸ اوت ۱۹۱۱ [۱۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم ملخص مکتوبی که ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت برای‌من‌فرستاده و بعضی اطلاعات در باب پیاده شدن معمدعلی‌شاه و مخصوصاً در باب طوایف ترکمن داده است لفاً ایفاد دارم، از این اطلاعات می‌توان فهمید که تا چه اندازه محتمل است طوایف مذکوره به شاه مخلوع تقویت نمایند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۳۱۶

از طرف ویس قنسول رابینو به سر جارج بارکلی
رشت غرهٔ اوت ۱۹۱۱ [۹ امرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]

افتخار دارم آنچه اطلاعات توانسته‌ام بدست آورم در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران و طوایف ترکمن و رؤسای آنها و کوهستانیهایی که‌محمدعلی‌بلاشك‌برای‌تصرف تاج و تخت سلطنت بر آنها متکی است نوشته به‌عرض شما برسانم.

۱ـ حرکت شاه مخلوع به طرف کمش‌تپه

محمدعلی‌میرزا روز ۱۷ ماه ژویت به کمش‌تپه پیاده شد. از قرار مذکور غفلتاً از وینه برای بتروسك [= پطروسك] با اسم جعلی حرکت کرده و یك جهازی مخصوص خود کرایه نمود که خود و دوازده نفر از همراهانش را مستقیماً به کمش‌تپه که بندر استراباد است ببرد.

از قرار مذکور او ۷۰ لنگه بار که اکثر آنها محتوی اسلحه و مهمات جنگی بوده‌اند در این کشتی حمل نموده است.

۲ـ ترکمنها

طوایف ترکمن همیشه طرفدار سلطنت استبدادی بوده‌اند. حاکمی که طرف میل آنها

است علاءالدوله است که هنگامی که در میان آنها بودند دو نفر از آنها را دم توپ گذارد با وجود آنکه می‌گفتند تبعهٔ روس می‌باشند.

وقتی که در ماه دسامبر ۱۹۰۹ طوایف ترکمن را ملاقات نمودم آنها به من اظهار تعجب می‌نمودند از اینکه محمدعلی‌میرزا پس از واقعات ۱۳ ژویت در میان آنها پناهنده نشد.

بعضی از جوانان آنها فریاد می‌زدند ما تمام مملکت را از اینجا تا پایتخت منهدم و ویران نمودیم.

واضح بود که چون این طوایف سنی بودند به این زودیها مطیع و منقاد پارلمان نمی‌شدند و بعقیدهٔ آنهـا مجلس در تحت نفوذ و اوامـر چند نفر از مجتهدین شیعه می‌باشد.

محمدعلی‌میرزا بزودی از احساسات و خیالات آنها باخبر شده و باب مراسلات را با رؤسای آنها مفتوح و عکس خود را با انعامات مختلفه برای آنها فرستاد.

انجمن استراباد و حکومتهای مختلفه که از زمان سلطان‌احمدشاه بدانجا فرستاده شده کاری نکرده‌اند که یا با ترکمنها اصلاح نمایند و یا آنکه به غارتهای آنها خاتمه دهند.

ترکمنها علی‌هذا آنقدر جسور گردیدند که شبانه داخل شهر شده و اسبهای حاکم را از طویلهٔ خودش می‌دزدیدند و بطور آشکار شهرت یافت که آنها بنا بر دعوت انجمن اینکار را می‌کردند.

ایلات جعفربای و آقابای یموت از سایر ایلات یموت با مکنت‌تـر و سواره ایشان بهتر است و اگرچه طایفهٔ خان یخماز از همه وحشی‌تر می‌باشند ولی‌سارقین و راه‌زنان جسورتر از همه در میان دو طایفه که قبلا مذکور گردید یافت می‌شوند که چون از خود وسیلهٔ معیشت ندارند مجبوراند برای فراهم آوردن اسباب تعیشات خود از قبیل تعمیر آلاچیق (چادر) و خرید زن برای خود بواسطهٔ حمله و هجوم بر محلات حدود خود تحصیل وجه نمایند.

طوایف جعفربای و آقابای آن‌طور آزادی که سابق داشتند ندارند که از دادن جبران مصون باشند. از سی سال قبل تاکنون محلاتی که در آنجاها بطور ثابت سکونت اختیار نموده‌اند هم در عده و هم در وسعت زیاد شده است. کمش‌تپه و خواجه نفس و اومکالی و پاش‌پورخه تمام محلات عمده‌ایست که در آنجاها عمارات چوبی در خارج و انبارهای مال‌التجاره دیده می‌شود.

حال هرگاه طوایفی که مکنتشان زیادتر است بخواهند دسته‌ای از خودشان برای جنگ بفرستند برایشان ممکن نیست چادرهای خود را از سواحل جنوبی رودخانهٔ اترك بجای دیگر نقل نمایند.

بنابراین تصور می‌کنم عدهٔ زیادی از آنها امتناع خواهند ورزید از اینکه از دشت گرگان حرکت کنند و هزار و پانصد نفر زیادترین عده‌ایست که ممکن است انتظار داشت محمدعلی بتواند از ترکمنها بدست آرد و اگرچه در بدو کار این قشون امدادی

ممکن است برای شاه ممدی برای تخویف و تهدید مردم به اطاعت باشد ولی آخرالامر غارتها و چپاول آنها حتماً اسباب شورش رعایای بیچاره پایمال شده خواهد گردید. هرگاه این‌طور بشود برای محمدعلی میرزا تحصیل آذوقه اشکال خواهد داشت و همین مسئله ابتدای تفرقهٔ قشون او خواهد بود.

یك نقص دیگر ترکمنها در موقع جنگ تنظیمات طایفگی آنها است و هنوز رسم داشتن بزرگتر و سرکرده در میان آنها بطور بسیار قدیم مجری و معمول است و ما می‌توانیم آن را به شسیالیزم [سوسیالیزم؟] جدید تشبیه نماییم. هیچیك از آنها بر دیگری تفوق و برتری ندارد.

این اصول تنظیمات تا اندازه‌ای در میان آنها رسوخ دارد که برای هرگونه تقصیری مجازات حقیقی در کار نیست (مگر آنکه طرفی که مظلوم واقع شده قوی‌تر باشد) چرا که ریش‌سفیدان ایل قدرت اینکه به تصمیم خود فعلیت دهند ندارند مگر آنکه دو فرقهٔ متخاصمه آن تصمیم را تصویب نمایند.

نمره ـ ۳۱۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

از وقتی که مکتوب ۲۸ ماه گذشتهٔ خود را ارسال داشتم شاه مخلوع تا ساری که پایتخت مازندران باشد پیش آمده و در آنجا شعاع‌السلطنه برادر وی که در استراباد مانده بود که پول و اسلحه و مهماتی که در شهر بدست می‌آمد جمع‌آوری نماید به او ملحق شده است. از قرار مذکور شاه مخلوع هزار نفر که اکثرشان ترکمن هستند با سه عراده توپ کوهستانی همراه دارد. عدهٔ قشون دیگری قریب ششصد نفر و سه عراده توپ در تحت سردار ارشد از راه مشهد به طرف طهران در حرکت و حالا شهر دامغان را پس از قدری جنگ قبضه نموده‌اند.

یك دسته قشون دولتی قریب هزار و چهارصد نفر در تحت امر سردار محیی که در زمان رولوسیون یکی از سرکردگان سپهدار بود از طهران اعزام شده که گردنه‌های کوههای مازندران را در حدود فیروزکوه قریب هفتادمیلی مشرق طهران تصرف نماید و او آنجاها را قبل از آنکه رشیدالسلطان که شاه مخلوع او را از طرف شمال فرستاده بود به تصرف خود درآورد قبضه نمود. از قراری‌که فهمیده‌ام دولت چندان به این قشون اعتماد ندارند که با محمدعلی طرف شود و منتظر قشونی هستند که یفرم رئیس نظمیه فعلا در طهران تشکیل می‌دهد که در تحت امر خود و سردار بهادر حرکت‌کنند.

با کمال اطمینان امید است که وقتی که این قشون حاضر می‌شود سرکردگان آن به همان مظفریتی که در جنگ رحیم‌خان در آذربایجان زمستان سال گذشته تحصیل نمودند نائل گردند.

سالارالدوله الحال کرمانشاه را در تصرف دارد و شش‌هزار نفر همراه خود دارد.

امیرمفخم حاکم بختیاری بروجرد را تعلیم داده شده است که به جنگ او برود. او قشون معتبری همراه دارد چرا که همین تازگی مشغول آرام نمودن الوار بـود و از قراری که راپورت داده شده به آن کار فایق آمده ولی آثار و علائم حرکت او بطرف کرمانشاه معلوم نیست. او یکی از اعضاء خانوادهٔ حاجی ایلخانی است کـه در زمان رولوسیون از جانب محمدعلی‌میرزا جنگ می‌کرد و هرگاه از جنگ با سالارالدوله امتناع ورزد اسباب تعجب نخواهد بود.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۳۱۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

در باب مکتوب ۱۱ ژویت من در خصوص اوضاع امنیت طرق جنوبی افتخار دارم راپورت دهم که نه فقط راه شیراز الی اصفهان هنوز امن نیست بلکه آنقدر سرقت در راه بختیاری واقع‌شده که کمپانی لنج [= لینج] حمل و نقل مال‌التجاره را موقوف داشته‌اند. قاطرداران که عدهٔ قاطر آنها برای حمل و نقل مال‌التجاره که جمع شده کافی نمی‌باشد و وکیل اداره به من اظهار می‌دارد که حمل‌آنها دوسال وقت می‌خواهد، امتناع دارند از اینکه خود و قاطرهای خود را در معرض حملات طـوایف کهکلوئیه [= کهگیلویه] و بهمه‌ای قرار دهند.

برای مأمورین ادارهٔ تلگراف هند و اروپـا مقیم شیراز همه اشکال داشته است قاطرداران را ترغیب بنمایند که برای تفتیش راه حرکت کرده و خود را در خطر بگذارند مگر آنکه برای هرگونه خساراتی که ممکن است بدانها وارد شود قبل از وقت ضمانتی داده شود.

جنرال‌قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان در ۸ ژویت راپورت داد که بهبودی موقتی این اوضاع چنانچه در مکتوب فوق‌الذکر من اشاره بدان شده چندان دوامی ننموده. در عرض هفتهٔ قبل راپورت سرقتهای تقریباً تمام راههای در خاك اصفهان رسیده. در ۱۵ ژویت مستر گریهم جنرال‌قنسول راپورت‌داد که راه پستهٔ شیراز بکلی متروك مانده و هر قافله که وارد می‌شود از راههای بیراهه و دور مسافرت نموده است. این، تأمین امنیت را نمی‌نماید چرا که به موجب تلگرافی که در ۲۹ ژویت از شیراز رسیده آن قافله که محمول نقدینهٔ بانك بوده و از راه سرحد از اصفهان می‌آمده چند صندوق محتوی هزار و پانصد تومان در خسرو شیرین که مقر تابستانی صولت‌الدوله است سرقت شده است.

مستر گریهم در مکتوب ۲۹ ژویت خود اظهار می‌دارد که به استثنای راه یزد راه دیگری که برای حمل و نقل مال‌التجاره امنیت داشته باشد نیست.

خساراتی را که به کمپانی ذیگلر وارد آمده و اقداماتی که من در آن باب نموده‌ام تلگرافاً [= تلگرافی] به شما مخابره نمودم ولی الحال افتخار دارم سواد مراسلات جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان را که حاکی تفصیلات دیگر راجع به سرقتهای اخیره در راه بختیاری و طرق جنوبی می‌باشد و اشعارات وکیل کمپانی ذیگلر مقیم آن شهر در باب نکث تجارت انگلیس که بعلت عدم امنیت راهها واقع شده که در صورت مأمون بودن راهها از طرف جنوب مال‌التجاره برای اصفهان حمل می‌شود لفاً ایفاد می‌دارم.

در خاتمهٔ مراسلهٔ خود اظهار می‌نمایم که به واسطهٔ حضور آدمهای نایب‌حسین امنیت راه اصفهان الی طهران تهدید شده و کمپانی لینچ حمل و نقل مال‌التجاره را در آن راه موقوف داشته‌اند و مال التجارهٔ خود را همراه قوافل مخصوص که سعی خواهند کرد از بیراهه به طهران برسند حمل نموده‌اند.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۳۱۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع ایران را برای چهار هفتهٔ گذشته بطریق معمول ماهیانه ایفاد دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۳۱۹

خلاصهٔ وقایع ایران برای چهار هفته

از ۱۳ ژویت الی ۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر تا ۱۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب تا ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

طهران

کابینه

در ۱۹ ژویت [۲۷ تیر، ۲۲ رجب] سپهدار کابینه را تشکیل داد. اعضاء آن بقرار ذیل است:

صدراعظم	سپهدار
وزیر داخله	وثوق‌الدوله
وزیر جنگ	صمصام‌السلطنه
وزیر امور خارجه	محتشم‌السلطنه

وزیر عدلیه	قوام‌السلطنه
وزیر مالیه	معاون‌الدوله
وزیر پست و غیره	مشیرالدوله
وزیر معارف	حکیم‌الملك

این کابینه زیادتر از پنج روز دوام ننمود و در ۲۴ ژویت سپهدار استعفاء نمود و نایب‌السلطنه استعفایش را قبول کرده در ۲۶ ژویت صمصام‌السلطنه بلختیاری به صدارت منصوب و کابینهٔ ذیل را تشکیل و به مجلس معرفی نمود:

صدراعظم و رئیس‌الوزراء	صمصام‌السلطنه
وزیر امور خارجه	وثوق‌الدوله
وزیر داخله	قوام‌السلطنه
وزیر مالیه	حکیم‌الملك
وزیر عدلیه	مشیرالدوله
وزیر پست و غیره	دبیرالملك
وزیر معارف	علاءالسلطنه

در غرهٔ همین ماه دبیرالملك استعفاء نموده و بطرف اروپا رهسپار گردید. یکی از وکلاء موسوم به معاضدالسلطنه که تاکنون برای وزارت انتخاب نگردیده بود در سوم شهر جاری بجای وی منصوب گردید.

دستگیریهای پلتیکی ـ کمی پس از آنکه مجلس قانون نظامی را تصویب نماید چندین دستگیری پلتیکی بعمل آمد. از آن جمله حاجی مجدالدوله که دارای نشان ك. سی. ام. جی. انگلیس است و امین‌الدوله و ظهیرالاسلام دستگیر گردیدند. در موقع دستگیری مجدالدوله قدری خونریزی به وقوع پیوست.

مجلس ـ کابینهٔ وزراء در جلسهٔ فوق‌العادهٔ ۱۹ ژویت مجلس از آن هیئت درخواست نمودند که قانون نظامی را تصویب نمایند تا آنکه در طهران و ایالات و ولایات در صورت لزوم اعلان شود. مجلس به اتفاق آراء این قانون را تصویب نمود.

ورود شاه مخلوع در ۱۷ ژویت [۲۵ تیر ؛ ۲۰ رجب] به ایران که باعث اعلان قانون نظامی در طهران گردید منتج به اتحاد موقتی دو پارتی عمدهٔ مجلس که اعتدال و دموکرات باشد گردید.

مجلس در جلسهٔ ۲۹ ژویت [۶ امرداد؛ ۳ شعبان] باتفاق آراء تصویب نمود که به قاتل یا شخص دستگیر محمدعلی‌میرزا یکصد هزار تومان و به قاتل یا شخص دستگیر سالارالدوله و شماع‌السلطنه دو برادران شاه مخلوع هر یك بیست و پنجهزار تومان داده شود. در همان جلسه مجلس به اتفاق آراء تصویب نمود که حقوق تقاعدی سالیانه ۲۵۰ لیرا در حق ماژور استوکس مقرر گردد در صورتیکه پس از انقضای سه سالی که کنترات شده است کنترات او تجدید نگردد.

مجلس در این اواخر بیشتر مشغول مذاکرات راجع به قانون انتخاب بوده است که در عوض اینکه انتخابات دو درجه بعمل آید چنانچه در انتخاب عمومی دو سال قبل بعمل

آمد بطور مستقیم انتخاب بشود.

مطبوعات ـ ایران نو یکی از روزنامجات یومیهٔ تهران ده روز بود توقیف شده بود بواسطهٔ حملهٔ شدیدی که به سپهدار و کابینهٔ وی نموده بود ولی روز هشتم شهر جاری دوباره طبع گردید و مقاله‌ای در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران مندرج داشت و انگلستان و روسیه را متهم به همراهی با محمدعلی نموده بود.

تبریز

ایالت تبریز موقتاً با شاهزاده امان‌الله میرزا است و تاکنون کسی برای این عهده از طهران حرکت ننموده اگرچه شاهزاده عین‌الدوله برای این مقام نامزد گردیده است.

رشت

شهر آرام است اگرچه بواسطهٔ ورود شاه مخلوع به ایران در میان مردم قدری هیجان تولید گردیده است.

عین‌الممالك حاکم گیلان ازقرار مذکور استعفاء نموده است.

مشهد

صاحب‌اختیار ایالت خراسان در اواخر ژون از مشهد بـه سمت طهران رهسپار گردید. تاکنون کسی بجای وی انتخاب نشده.

رشیدالسلطان از سبزوار حرکت کرده و حالا در مازندران است و ظاهراً به منافع دولت کار می‌کند.

اصفهان

جنرال قنسول اعلیحضرتی در موقعی‌که راپورت هفتگی خود را در ۸ ژویت ارسال داشت جلب توجه به تجدید وقوع سرقتها در تقریباً تمام راهها که در جزو قلمرو حکومت اصفهان است نموده و از وضع بد اداره شدن امور آن ولایت شرحی نوشته است.

در ۲۳ ژویت [۳۱ تیر؛ ۲۶ رجب] معین‌همایون برادر سردار محتشم بختیاری از اصفهان به سمت طهران با ۱۳۵ نفر بختیاری و چند نفر سوار دیگر حرکت نمود. سردار محتشم و سردار بهادر از قرار مذکور در شرف حرکت به طهران بـا تمـام بختیاریهایی که حاضر هستند می‌باشند. حاکم اصفهان تخمین عده‌ای که در تحت امر دو نفر از خوانین می‌باشد به دو هزار نفر می‌زند ولی چنانچه تصور می‌شود ایـن اغراق باشد.

کمپانی لینچ راپورت سرقتهای واقعه در راه از اهواز الی اصفهان را داده‌اند و بعلت آن ایاب و ذهاب قوافل موقتاً به تعویق افتاده است.

یزد

فخرالملك حاکم جدید پس از ورود خود فوراً بطرف کوهستان حـرکت نموده و حاجی قوام‌دیوان را بجای خود گذاشت و او به طهران فرار نموده و ظاهراً یزد دوباره بدون حکومت است.

نایب‌حسین یاغی معروف از قراری‌که راپورت داده شده با دویست و پنجاه سوار به‌طرف اردستان در حرکت است.

شیراز

اوضاع غیرمطلوب امور شهر شیراز که در خلاصهٔ آخری خود شرح آنرا مفصلا نگاشتم تاکنون به همان طور باقی است. نظام‌السلطنه به فرمانفرمائی باقی است اگرچه هنگامی‌که صمصام‌السلطنه صدراعظم شد عموم اینطور تصور می‌نمودند که قصد وی این بود نظام‌السلطنه‌را فوراً ازکار معزول‌نماید. بلوردیها [= بوالوردی‌ها] هنوز می‌خواهند با حکومت از در مجادله داخل شوند و او هم سعی دارد آنها را از محله‌ای که در تصرفشان است خارج نماید ولی تاکنون باین‌امر فایق نگردیده است. از ۸ ژویت تاکنون شلیك گاهگاهی به وقوع می‌رسید و در دوموقع نظام‌السلطنه تهدید نمود که محلات یاغیان را بمباردہ نماید. در ۳۰ ژویت بهادرالملك یکی از اشخاص عمده‌ای که قوام‌الملك را نگاهداشته بود از طرف همراهان عطاءالدوله مقتول گردید. قشقاییها دسته دسته به شیراز وارد می‌شوند و دهات و خانه‌ها را غارت نموده‌اند بدون آنکه مجازاتی در کار باشد. قوام‌الملك در قنسولخانه متوقف است.

سیستان

ماژور اکنور [اوکانر؟] از بیرجند می‌نویسدکه طوایف‌بلوچ‌به تحریك‌حشمت‌الملك به قائنات هجوم آورده‌اند. عربهای آن ناحیه به بیرجند ورود نموده و در چادرهای سیاه خود سکونت اختیار نموده‌اند تجار معتبر برای استعانت آنها وجـوهـات جمع‌آوری می‌نمایند.

دسته‌ای کوچك مرکب از سه چهار نفر قزاق روسی که از حدود قائنات بطرف تربت بهمراهی یك خانم روسی مراجعت می‌نمودند سارقین بلوچ آنها را حمله نموده و آنچه داشتند از قبیل اسب و تفنگ بردند.

راههای تمام این ایالت ناامن‌می‌باشند.

کرمان

سردار محیی که در خلاصهٔ آخری راپورت داده شد به ایالت کرمان منصوب گردیده الحال به سرکردگی عساکر بر ضد شاه مخلوع فرستاده شده و شاهزاده امیراعظم به ایالت کرمان منصوب گردیده است.

در ۱۲ ژویت بعلت اذیت و آزاری که به گبرها می‌شد قریب یکصد نفر آنها در

قنسولخانهٔ اعلیحضرتی پناهنده گـردیـدنـد. در ۱۵ ژویت ازدهـام [= ازدحـام] کارخانه‌های نساجی را تهدید نموده و نساجان هم در قنسولخانهٔ اعلیحضرتی بست اختیار نمودند. در ۱۷ ژویت یکی از پناهندگان گبر که برای خرید آذوقه به شهر رفت به ضرب گلوله مقتول گردید و قاتل او هنوز معلوم نشده است.

کرمانشاه

سالارالدوله در ۲۴ ژویت از کردستان برای کرمانشاه حرکت نموده روز ۳۰ ژویت بدانجا وارد گردید. در این وقت تمام مأمورین طهران از شهر اخراج گردیدند و کسی با شاهزاده مقاومت ننمود.

همدان

قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه روز غرهٔ شهر جاری تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داد که آژانس مقیم همدان راپورت اغتشاشات بزرگ در شهر را داده است و اظهار داشت که قتل اشخاص و غارت اموال در کار بوده و همکاران وی اتباع خارجه و بیرقهای آنها را محافظت می‌نماید. به آژانس مذکور قنسول‌اعلیحضرتی تعلیم‌داده‌است که هر اندازه که بتواند اتباع انگلیس را محافظت نماید و با پسته بیرقی برای وی فرستاده شد.

بوشهر

اوضاع این ناحیه ظاهراً بطریق معمول است و خبری که قابل ذکر باشد نیست.

نمره ـ ۳۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ اوت)

قلهك ۳۰ اوت ۱۹۱۱ [۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۵ رمضان ۱۳۲۹]

حرکات شاه مخلوع ـ از قراری که فهمیده‌ام یکدسته از عساکر شاه مخلوع در فیروزکوه از طرف عساکر دولتی شکست خورده است. از قراری که راپورت داده شده یکصد نفر از قشون شاه مخلوع مقتول گردیده‌اند.

راپورت غلبهٔ دیگر عساکر دولتی در نزدیکی بلده در پنجاه میلی شمال شرقی‌طهران (در مازندران) داده شده است. از قراری که مذکور گردیده خصم بکلی منهزم گردیده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۲۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اوت)
طهران ۳۱ اوت ۱۹۱۱ [۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۶ رمضان ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل از کرمان واصل گردیده است:

طرق مابین کرمان و بندر عباس بکلی ناامن می‌باشد و مقداری زیاد قالی در کرمان موجود و حاضر برای حمل می‌باشد کفیل حکومت مستحفظ همراه می‌فرستد ولی مسئولیت بعهده نمی‌گیرد. قریب دوازده نفر اروپائیان قصد دارند از کرمان به طرف بندرعباس در این پائیز حرکت کنند، حرکت بسیاری از آنها لازم است ولی نمی‌توانم به آنها اطمینان احتمال تغییر اوضاع بدهم و هم نمی‌توانم از حاکم تحصیل اطمینان بنمایم که بطور مکفی از آنها محافظت شود. انتظار خطر نه فقط از فارس می‌رود بلکه از قرار مذکور بلوچها هم در تهیه می‌باشند که به نرمه‌شیر [= نرماشیر] و جیرفت هجوم آورند و ایالت کرمان‌هم محتمل‌است ازموقعی‌که‌بواسطهٔ‌اغتشاشات عمومی مملکت حادث گردیده استفاده نمایند.

نمره ـ ۳۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اوت)
طهران ۳۱ اوت ۱۹۱۱ [۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۶ رمضان ۱۳۲۹]
به تلگراف ۲۴ اوت من رجوع فرمایید:

از ویس قنسول مقیم سلطان‌آباد برای من اطلاع رسیده که قریب ده هزار نفر همراه سالارالدوله می‌باشند و اینها مرکب هستند از ایلات مختلفه ازقبیل ایل کلهر و غیره.

عقیدهٔ عموم بر این است که قصد او این است پس از قبضهٔ همدان بطرف قزوین حرکت کند.

بعلاوه راپورت داده شده است که امیر مفخم حاکم بختیاری و لرستان الحال از بروجرد بطرف همدان حرکت نموده است. دولت ایران مکرراً ایشان را امر داده‌اند که به جنگ سالارالدوله برود.

نمره ـ ۳۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اوت)
طهران ۳۱ اوت ۱۹۱۱ [۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۶ رمضان ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل از جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر رسیده است:

یك‌دسته از ایلات غارتگر بهارلو از قرار مذکور دو عراده توپ کوهستانی دارند (و آنها را خودشان قبضه نموده‌اند) و فعلا بندرعباس را تهدید نموده‌اند.

کشتی اعلیحضرتی موسوم به پرسیس امروز به بندرعباس وارد می‌شود و سی نفر

برای محافظت قنسولخانه در آن هستند که در صورت لزوم آنها را به‌کار وادارند و چنانچه در موارد سابق اقدامات نموده‌اند هرگونه اقدامی را که برای حفظ اجانب لازم بدانند بعمل خواهند آورد. تعلیمات داده شده است که به سرکردگان آنها انتباهات[1] لازمه داده شود. من این مسئله را تصویب نموده‌ام.

نمره ـ ۳۲٤

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد [گری] (واصله ۲ سپتامبر)
طهران ۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۸ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۳۱ اوت ـ راه بندرعباس الی کرمان دو فقره سرقت دیگر راپورت داده شده: در یکی از آنها خساراتی که به تجار انگلیسی و هندی وارد آمده به هفت هزار تومان می‌رسد. در دیگر ۱۹۷ لنگه قالی و غیره متعلق به ادارهٔ کاستلی[2] و دیگران به سرقت برده شده. یکی از رؤسای محلی تمام آنها را به استثنای ۳۳ لنگه مسترد داشته و قبل‌از آنکه اجناس‌مسترده‌را تحویل‌بدهد یك‌ثلث قیمت‌آنها را مطالبه می‌نماید.

نمره ـ ۳۲۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۴ سپتامبر)
طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]

سالارالدوله ـ رجوع بقسمت آخری مکتوب نهم اوت من نمایید:

از قراری که مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] از قنسول روس مقیم کرمانشاه اطلاع یافته است الوار با سالارالدوله متحد شده و شاهزادهٔ مذکور حکومت بروجرد را به نظرعلی (سردار اکرم) که یکی از رؤسای ایل است و پدر زن او می‌باشد واگذار نموده است.

قنسول روس بعلاوه راپورت می‌دهد که امیر مفخم از بروجرد حرکت کرده ولی معلوم نیست که آیا قصد دارد با سالارالدوله جنگ کند یا آنکه به‌وی ملحق گردد. او حالا در ناحیهٔ ملایر می‌باشد و فعلا تا محل سالارالدوله فاصلهٔ بسیارکمی دارد.

نمره ـ ۳۲٦

(تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی)
وزارت خارجه ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۳۱ اوت شما ـ تا زمان تشکیل ژاندارمری چه اقدامات موقتی

---

۱) انتباهات = هشدارها (انتباه = هشدار) ـ م.
۲) اصل: کاسنلی ـ م.

می‌توانید برای حفظ طرق‌جنوبی ارائه‌طریق نمایید؟

نمره ـ ۳۲۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ سپتامبر)
طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۹]

حرکات شاه مخلوع ـ راجع به تلگراف ۲۷ اوت من ـ از قراری که به من اطلاع رسیده دیروز در خوار که در مغرب اراداان[1] واقع است جنگی واقع‌گردیدو بختیاریها که از قرار راپورت واصله تلفاتی نداشتند ارشدالدوله را شکست داده عدهٔ زیادی از عساکر وی را به قتل رسانیدند.

نمره ـ ۳۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ سپتامبر)
طهران ۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۳ رمضان ۱۳۲۹]

طرق جنوبی ـ در جواب تلگراف ۴ سپتامبر شما افتخار دارم راپورت دهم که الحال با صاحبمنصبان قنسولخانهٔ اعلیحضرتی مشغول مذاکره هستم. تلگراف ذیل همین حالا از کرمان رسیده است:

متأسفانه راپورت می‌دهم که اوضاع ایالت کرمان حالیه بسیار مهم است. از اطراف راپورت سرقتهای متوالیه داده می‌شود و حمل و نقل مال‌التجاره در راههای تجارتی کرمان الی بندرعباس بکلی موقوف گردیده است. در خود شهر مقدار زیادی قالی جمع گردیده و یکی از دو ادارات بزرگ قالی‌بافی اروپایی دیگر قالی‌بافان را بکار واندانشته اجرت به آنها نمی‌دهند. چهار روز دیگر قریب پنج یا شش هزار نفر آنها بیکار خواهند بود. با این وضع ادارهٔ دیگر هم نمی‌تواند دستورالعمل بافتن قالی بدهد در صورتی که حمل آن میسر نشود و چهار هزار نفر بافندهٔ دیگر بیکار خواهند شد. قیمت نان و گوشت گران است و بعلاوه کمیاب می‌باشند. اهالی را بیم فرا گرفته، مأمورین محلی ایرانی بکلی از رفع این اشکال عاجزند و از وضع رفتار و گفتار آنها عقیدهٔ آنها بر این است که علاج کار امکان ندارد و بهترین رویه که بنظر آنها صلاح می‌آید تعقیب نمایند این است که قبل از آنکه کار بجای سخت‌تری منجر شود آنچه می‌توانند بعمل آورند.

به وصول این تلگراف من بحکومت مرکزی اصرار نمودم که به مأمورین محلی‌کرمان تعلیم دهند برای حمل قالی‌ها مستحفظ تعیین نمایند که کمپانی مسرزکاستلی بتوانند دنبالهٔ کار خود را گرفته و برای بافندگان کار تهیه نمایند.

---

۱) اصل: آرادان ـ م.

نمره ـ ۳۲۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ سپتامبر)
طهران ۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۶ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۲۱ اوت من‌ـ شجاع‌الدوله فعلا از باسمنج [= باسمنج] تبریز را تهدید می‌نماید.

نمره ـ ۳۳۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ سپتامبر)
طهران ۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۶ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۹]
عده‌ای از رؤسای ایل عرب و بهارلو پس از قدری جنگ در حدود شیراز داخل شهر شده‌اند. همراهان زیادی دارند و قسمت معظم آنها در خارج شهر مشغول‌جنگ‌غیرمنظم با قشقاییها می‌باشند. چنانچه اظهار می‌دارند آمده‌اند که انتقام قتل نصرالدوله را نموده و خانوادهٔ او را حفظ نمایند و قصد دارند در صورتی که فرمانفرما بآنها تسلیم نشود او را دستگیر نمایند ولی می‌گویند انتظامات ایالت را بهم نخواهند زد.

نمره ـ ۳۳۱

تلگراف استونز قنسول به سر ادوارد گری (واصله ۹ سپتامبر)
باطوم ۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۵ رمضان ۱۳۲۹]
کفیل ویس قنسولگری مقیم بادکوبه اطلاع می‌دهد که از قراری که شهرت دارد شاه مخلوع ایران روز ۷ سپتامبر به آنجا وارد شده و رفت ولی نفهمیده است به کجا رفته.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۳۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ سپتامبر)
طهران ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۶ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من‌ـ وزیر امور خارجه مرا اطلاع می‌دهد که جنرال قنسول روس به مأمورین محلی تبریز اعلام نموده است که از آنجایی که قشون نظامی روس حفظ اتباع خارجه را بعهده گرفته است و استقرار نظم به عهدهٔ آنها است مأمورین محلی ایرانی و اهالی شهر نباید سنگر درست نموده و یا داخل شهر جنگ نمایند. اگر می‌خواهند بجنگند باید بیرون شهر جنگ کنند.

سفیر روس مرا اطلاع می‌دهد که اوامر کنونی مأمورین نظامی روس در ایران این است که از غارت اموال ممانعت نموده و در جاهایی کـه عساکر مجتمعند از جنگ

جلوگیری نمایند.

نمره ـ ۳۳۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ سپتامبر)
طهران ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۰ سپتامبر من ـ جنرال قنسول روس مقیم تبریز راپورت می‌دهد که اخطاری مشابه آنکه به مأمورین محلی تبریز نموده برای شجاع‌الدوله فرستاده‌است.

نمره ـ ۳۳٤

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ سپتامبر)
طهران ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۴ سپتامبر من ـ ویس‌قنسول مقیم سلطان‌آباد راپورت می‌دهد که عساکر سالارالدوله امیر مفخم را شکست داده و او بطرف سلطان‌آباد حرکت نموده است و سردار ظفر پسرعموی وی پانصد نفر بختیاری آنجا دارد.

نمره ـ ۳۳۵

مکتوب ادارهٔ امور خارجهٔ هند به وزارت خارجه (واصله ۱۴ سپتامبر)
معاون وزیر هند [به] معاون وزیر امور خارجه سلام رسانیده و برای استحضار خاطر وزیر امور خارجه سواد تلگراف ۹ سپتامبر فرمانفرمای هند را در باب اوضاع امور بندرعباس لفاً ایفاد می‌دارد.
ادارهٔ امور خارجهٔ هند ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹]

ملفوف نمرهٔ ۳۳۵

تلگراف حکومت هندوستان به مارکس اف کرو
۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۵ رمضان ۱۳۲۹]
قریب چهارصد نفر از ایلات بهارلو تازگی غفلتاً به ناحیهٔ بندرعباس ورود نموده و دهات را غارت نمودند.
هفده نفر از تجار هندوی بندرعباس بعنوان پروتست برعلیه [= علیه] اغتشاش مزمن طرق تجارتی و به واسطهٔ عدم حصول جبران سرقتهای متوالیه مال‌التجارهٔ خود حجرات خود را بسته و به قنسولخانه آمدند. عدهٔ مستحفظین قنسولخانهٔ بندرعباس زیاد شده و با آنهایی‌که در تحت یکنفر صاحبمنصب از جاشك رسیده‌اند عمدهٔ آنها به پنجاه نفر می‌رسد.

دویست نفر از عساکر ایرانی بـه همین زودیها از بوشهر به طـرف بندرعباس خواهند رفت و فعلا در حوالی آن نقطه از غارتگران کسی یافت نمی‌شود. تا زمانی که عساکر نرسیده‌اند کشتی اعلیحضرتی موسوم به اسپیکل در بندرعباس توقف خواهد نمود و پس از ورود آنها کشتی مزبور با مستحفظین اضافی به جاشك خواهد رفت.

نمره ـ ۳۳۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ سپتامبر)
طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۸ رمضان ۱۳۲۹]
حرکات شاه مخلوع ـ از قرار معلوم شورش مازندران به یك حال بدی است.
قنسول روس مقیم استراباد راپورت می‌دهد که محمدعلی‌میرزا مجدداً با هفت نفر از همراهان خود به کمش‌تپه وارد شده است.
امیر مکرم در بارفروش در ویس قنسولگری روس بست اختیار کرده است.

نمره ـ ۳۳۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ سپتامبر)
طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۸ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من ـ تلگراف ذیل از کفیل قنسولگری تبریز رسیده است:
در عرض دو هفتهٔ گذشته تجار دو دفعه شجاع‌الدوله را ملاقات نموده‌اند که او را از حمله به شهر ممانعت نمایند. او اجازه می‌خواهد وارد تبریز شود و اظهار می‌کند هرگاه نتواند اینکار را بکند راه ورود آذوقه را بشهر مسدود خواهد نمود.
تمام خطوط به‌استثنای راه جلفا مسدود می‌باشند ـ قیمت ارزاق بسرعت گران می‌شود.
ملتیان در تهیهٔ اقدام مهمی برای جلوگیری شجاع‌الدوله می‌باشند و در خارج شهر سنگرها تعمیر نموده و چهار هزار تفنگ در میان قشون خود تقسیم نموده‌اند.

نمره ـ ۳۳۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ سپتامبر)
طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من ـ تلگراف ذیل از جنران قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر رسیده است:
بواسطهٔ طول توقف قوام در قنسولخانه منافع ما بی‌اندازه تضییق شده و دعوت‌نمودن

اهل خانهٔ او این دسیسه‌کاران را و منزل دادن به ایشان در خانهٔ خویش (از قراری که راپورت داده شده رؤسای ایلات عرب و بهارلو در خانـهٔ قوام می‌بـاشند) بنظر من می‌رسد دلیل خوبی است برای آنکه اگر بتوانیم بطوری که خطر مهم جانی برای او متصور نشود او را از قنسولخانه خارج نماییم. آیا نمی‌توانیم به فرمانفرما بگوییم اگر شما و صولت‌الدوله به دولت ایران تلگرافاً [= تلگرافی] بطور صحیح تعهد نمایید که آرام بوده و حفظ جان او را منظور بدارید ما قوام را به همراهی مستحفظین قنسولخانه تا هر محلی که مقرر شود فرستاده و او را در آنجا به رؤسای ایلات خمسه خواهیم سپرد، در صورتی که قوام همان وقت به دولت ایران تلگراف کند که به مسافت زیادی از شیراز خود و ایلاتش بطور آرامی توقف خواهند نمود تا آنکه از دولت مرکزی برای بعد اوامر برسد.

من با این پیشنهاد موافقت دارم و سعی می‌کنم که به این شرایط امر را فیصله دهم ولی برای فرستادن قسمتی از مستحفظین قنسولخانه بهمراهی وی لازم است شما تصویب نمایید.

نمره ـ ۳۳۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ سپتامبر)

طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۹]

شیراز

فرمانفرما مشغول بمباردهٔ قسمت شرقی شهر که خانهٔ قوام‌الملك در آنجا است می‌باشد.

نمره ـ ۳۴۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ سپتامبر)

طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۹]

مطالب مشروحهٔ ذیل مفاد پیغامی است که از وزیر امور خارجه رسیده:

قشون دولتی که در فیروزکوه بودند تمام عساکر شاه مخلوع را که درسوادکوه‌بودند متفرق ساختند. شاه مخلوع از قره‌تپه نزدیك اشرف بـواسطهٔ کشتی به کمش‌تپـه وارد شد. فقط راهی که برای استخلاص خود از دستگیری دارد این است که در خاك روسیه یا کشتی روس پناهنده گردد. هرگاه در هر یك از این دو محل پناه به او داده شود مادهٔ دهم پروتکل نقض خواهد شد و نیز مخالف اعلان عدم مداخله خواهد بود. به موجب مادهٔ دهم حق پناه دادن به بستیهای سابق مسلوب و در مورد شاه مخلوع این شرط به طریق اولی معمول می‌باشد. هرگاه در صورتی‌که شاه مخلوع دچار اشکالات

شود در خاك روسیه به او پناه داده شود و موقعی بدست آرد که آنجا را مرکز قرار داده شروع به تحریك و اغتشاش و خونریزی نماید که برای دولت ایران باعث مخارج و مصارف خانه‌خراب‌کن شده و برای اینکار او را دو دفعه از خاك ایران قهراً خارج نموده‌اند اصول عدم مداخله بطور واضح نقض گردیده است.

دولت ایران بعلایل [به دلایل] مذکوره با کمال اعتماد از دولت روس استدعا می‌نماید که نگذارند شاه مخلوع خود را به خاك روسیه رساند و اگر اتفاقاً از تحت نظر مأمورین محلی روس خود را بگریزاند او و همراهانش را دستگیر نموده و به دولت ایران تسلیم نمایند.

نمره ـ ۳۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ سپتامبر)
طهران ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز

راجع به تلگراف ۱۳ سپتامبر من ـ نظام‌السلطنه به کفیل قنسولگری اطلاع داده است که بیشتر مایل است قوام‌الملك در قنسولخانه بماند عوض آنکه به ایلات خود تسلیم گردد. چرا که او نمی‌تواند به اطمینانات قوام‌الملك اعتماد کند.

بنابراین حالا چارهٔ دیگر بنظر نمی‌رسد مگر آنکه او در قنسولخانه توقف نماید.

نمره ـ ۳۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ سپتامبر)
طهران ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۹]

راههای جنوبی ـ در جواب تلگراف ۴ سپتامبر شما افتخار دارم راپورت دهم که کلنل کاکس بطوری که ذیلا نگاشته می‌شود برای اقدامات ارائه طریق می‌کند و بنظر من اوضاع هرج و مرج حالیه مستوجب چنین اقداماتی است که باعث بهبودی فوری امور خواهد گردید بدون آنکه مداخله لازم گردد.

نقشه‌ای که پیشنهاد شده بعلاوه رفع می‌کند احتمال وقوع نتایج و عواقب وخیمه را که مستلزم اشغال طرق جنوبی توسط عساکر انگلیسی خواهد بود.

آنچه ذیلا مذکور می‌گردد خلاصهٔ پیشنهادات کلنل کاکس است:

یك‌صد نفر به عدهٔ مستحفظین سوارهٔ اصفهان و بوشهر و کرمان و بندرعباس اضافه شود ـ دویست نفر به عدهٔ مستحفظین شیراز اضافه گردد ـ در بم ویس قنسولگری تأسیس شود، با دویست نفر مستحفظ ـ کلنل کاکس بعلاوه ارائهٔ طریق می‌نماید که صاحبمنصبان لایق باید برای این مستحفظین معین گردیده و آنها را

به دستجات پنجاه‌نفری تقسیم کرده و همراه قوافلی که گاه به‌گاه مال‌التجارهٔ تجار انگلیس را حمل می‌نمایند فرستاد و بایستی خوانین و ایلاتی را که در عرض راه سکونت دارند خبر داد که‌طول ناامنی راههای‌تجارتی ما را مجبور به‌این‌احتیاط‌کاریها نموده و ما امیدوار به همراهی آنها هستیم و هرگاه آنها ابراز خصومت نموده و یا دست از همراهی بکشند ترتیبات ما مفصل‌تر خواهد شد و همین که قوهٔ ژاندارمری یك استعداد مؤثر کافی شد از عدهٔ مستحفظین کاسته خواهد شد.

نمره ـ ۳۴۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۹]

از قراری که راپورت داده شده شاه مخلوع در بحر خزر می‌باشد و اگر موقعی بدست آورد مهیای پیاده شدن در هر یك از مراکز اغتشاش است. اگر این راپورت صحت داشته باشد تصور می‌کنیم دولت روس اقدامات لازمه نموده او را از سوء استعمال پناه گرفتن در تحت حمایت آن دولت منع خواهند نمود. شما باید از آن دولت تحقیق‌نمایید که آیا از محل اقامت حالیهٔ محمدعلی خبری دارند؟

نمره ـ ۳۴۴

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصلهٔ ۱۵ سپتامبر)

سنت‌پطرزبورغ ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۹]

من امروز مسیو نراتوف را ملاقات نمودم و به موجب تعلیمات تلگرافی ۱۴ سپتامبر شما از وی تحقیقات نمودم.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اظهار داشت که محمدعلی در هیچیك از کشتی‌هایی که با بیرق روس منظماً در بحر خزر کار می‌کنند پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه به آنها دستورالعمل داده شود او را بپذیرند و یا آنکه بتواند با لباس مبدل خود را داخل آن کشتیها بنماید ولی برای دولت روس ممکن نخواهد بود شاه مخلوع را مانع شوند از اینکه در کشتی شخص دیگری سوار شده وارد خاك ایران گردد.

از تقریر مسیو نراتوف من دریافتم که اگر محمدعلی بتواند خود را به بادکوبه برساند دولت روس یقیناً وی را به دولت ایران تسلیم نخواهند کرد و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اظهار داشت که در چنین موردی نمی‌توان از بست اختیار نمودن او جلوگیری کرد.

من مسیو نراتوف را به اظهاریهٔ خودمان در باب عدم مداخله و شرایط مادهٔ دهم پروتکل متذکر ساختم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اظهار داشت که دولت متبوعهٔ او مایل ایفاء به تعهدات خود بوده و وعده داد که به آن مادهٔ پروتکل که من به آن‌اشاره

نموده بودم رجوع نماید.

نمره ـ ۳٤٥

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانان

وزارت خارجه ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۹]

دولت ایران به ما اطلاع داده‌اند که شاه مخلوع در کمش‌تپه است و می‌ترسند در کشتی روسی پناهنده شود و اظهار امیدواری می‌کنند که پناه به او داده نشود. تحقیق نمایید که آیا چنین اظهاری هم به دولت روس شده است و چه اقداماتی در مد نظر دارند؟

نمره ـ ۳٤٦

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ سپتامبر)

طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۲ سپتامبر من ـ کفیل قنسولگری تبریز راپورت می‌دهد که شجاع‌الدوله به اردوی دولتی شبیخون زده یك توپ از آنها گرفته چند نفر را به اسیری برد. جنگ هنوز دوام داشت.

نمره ـ ۳٤۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ سپتامبر)

طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۳ سپتامبر من ـ کفیل قنسولگری شیراز راپورت می‌دهد که در ۱۳ سپتامبر بمباردہ ظاهراً بعلت عدم مهمات جنگی موقوف شد و در نقاط نزدیك در تمام شب جنگ در کار بوده و ظاهراً نتیجهٔ قطعی از آن حاصل نگردید.

نمره ـ ۳٤۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ سپتامبر)

طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۱ سپتامبر ـ ویس قنسول انگلیس راپورت می‌دهد که عساکر سالارالدوله در ۱۴سپتامبر سلطان‌آباد را قبضه‌نمودند بختیاریها بطرف‌قم بازگشته‌اند. سالارالدوله به کرمانشاه تلگراف نموده که از راه سلطان‌آباد بطرف طهران حرکت خواهد کرد.

نمره ـ ۳۴۹

مکتوب میرزا مهدیخان به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ سپتامبر)

سفیر ایران به وزیر امور خارجه سلام رسانیده و افتخار دارد ترجمهٔ تلگرافی که از دولت متبوعه‌اش در باب اقدامات آژانس قنسول روس در بندرجز رسیده لفاً ایفاد دارد. سفیر ایران تعلیم دارد که جلب توجه سر ادوارد گری را به نقض شدن استقلال و تمامیت ایران بنماید. میرزا مهدی‌خان از صمیم قلب امیدوار است که وزیر امور خارجه اقداماتی که اصلح می‌دانند برای جلوگیری از اینگونه اعمال که توضیح‌نشدنی است و نتیجهٔ آنها فقط مغشوش نمودن مملکت است بنمایند. بندرجز تا کمش‌تپه که شاه مخلوع به‌آنجا فرار نموده فاصلهٔ بسیار کمی دارد.

خیلی اسباب تأسف است که در موقعی که خیلی لازم بود سرحددار در بندر جز بوده و مواظب آنجاها باشد او را به اینطور جبراً از آنجا خارج نمایند.

نمی‌توان این مسئله را انکار نمود که بایستی جبران این اعمال شده و توضیح کاملی به دولت ایران داده شود.

سفارت ایران لندن ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۹]

ملفوف نمرهٔ ۳۴۹

تلگراف وزیر امور خارجهٔ ایران به میرزا مهدیخان

آژانس قنسولگری روس مقیم بندرجز به معاونت بعضی از قزاقان، سرحددار بندرجز را دستگیر نموده و او را به استراباد فرستاده است. بعلاوه شانزده سرباز را به بندرجز فرستاده‌اند و بعضی از تجار معتبر را که رئیس ادارهٔ تومانیانس هم جزو آنها بوده دستگیر کرده آنها را به کشتی جنگی روس برده‌اند. من برای این اقدام از سفیر روس استیضاح خواسته‌ام. آژانس قنسولگری فوق‌الذکر بایستی از مقامش معزول گردد.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۵۰

مکتوب میرزا مهدیخان به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ سپتامبر)

سفیر ایران به وزیر امور خارجه سلام رسانیده و افتخار دارد توجه جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را به مذاکرات روز ۱۳ و ۱۵ شهر جاری که در باب فرار شاه مخلوع به کمش‌تپه با آن جناب نموده و صحبتی که با سر ارتر نیکلسن داشته است جلب نماید.

میرزا مهدی‌خان نمی‌خواهد برای آن جناب در خصوص اهمیت زیادی که دولت متبوعهٔ او به این مسئله می‌دهند شکی باقی گذارد. در موقع ملاقاتهای خود در وزارت خارجه او عقاید دولت متبوعهٔ خود را مفصلا بیان نموده است و الحال می‌خواهد در خصوص بعضی نکات تأکید نماید.

دولت ایران بهیچ‌وجه من‌الوجوه تصور نمی‌نمایند که در این موقع دولت روس بگذارند شاه مخلوع در خاك آنها داخل شود. اگر بگذارند داخل شود یا آنکه او را در کشتی روسی پناه دهند این اقدام اولا پروتکل ۱۹۰۹ را نقض خواهد نمود و ثانیاً برخلاف اطمیناناتی خواهد بود که دولتین بریطانیای عظمی و روس داده‌اند (در جواب پروتستهای دولت ایران زمانی که محمدعلی‌میرزا به ایران مراجعت نمود) که چون شاه مخلوع برخلاف شرایط پروتکل ۱۹۰۹ وارد ایران شده دولتین از او محافظت نخواهند نمود.

پس از این وقایع که تاکنون رخ داده است اگر به شاه مخلوع در خاك روسیه یا کشتی روسی پناه داده شود باعث تولید اثرات بسیار بد در ایران خواهد بود، بعلاوه این کار اسباب تشویق یاغیان دولت شده و موجب تضعیف حکومت مرکزی خواهدگردید و شاه مخلوع را قادر می‌سازد که انتریگهای خود را از سر گرفته به اطمینان اینکه هرگاه کار بر او سخت شود در روسیه می‌تواند ملجای حاصل نماید همه‌گونه اقدامی بر ضد دولت ایران خواهد کرد.

سفارت ایران لندن ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۹]

نمره ـ ۳۵۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ سپتامبر)

طهران ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۶ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۹]

دولت ایران دوباره نظام‌السلطنه را احضار نموده‌اند. ظاهراً اکنون کسی از طرف دولت در شیراز نیست زیرا که کارگذار [= کارگزار] در جواب[1] [خواهش] کفیل قنسولگری برای محافظت‌خانه‌های اروپاییان جواب‌داده‌است که نظام‌السلطنه از دخالت در امور شیراز امتناع نموده و کسی‌که به‌نیابت ایالت تعیین‌شده‌است که تا زمان ورود فرمانفرمای‌جدید امورات به‌عهدهٔ وی باشد ظاهراً از شهر خارج‌شده و خود کارگذار [= کارگزار] هم نمی‌تواند با ایلات مراوده و مکاتبه‌نماید. من‌از دولت‌ایران‌درخواست نموده‌ام که به‌فوریت اعلام نمایند مأمور دولتی که مسئول انتظامات محلی آنجا باشد کی است که کفیل قنسولگری بتواند با او در این باب مذاکره نماید.

کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد که اوضاع بسیار اسباب اضطراب است و اخراج فوری صولت‌الدوله رئیس ایل قشقایی را توصیه می‌نماید.

من حاضر نیستم این طریقه را توصیه نمایم چرا که دولت ایران با صدراعظم بختیاری حالیه هرگاه خود را مقتدر می‌دانستند به میل خود این کار را می‌کردند.

در این موقع باریك من اصلح چنان می‌دانم که از هرگونه نصیحتی به دولت ایران در باب منازعات فارس احتراز نمایم.

---

۱) از این‌جا کلمهٔ «کنید» که بی‌معنی می‌نمود حذف شد ـ م.

نمره ـ ۳۵۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ سپتامبر)
طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۹]

چنانُ ظاهر می‌گردد که سالارالدوله حالیه‌خودرا پادشاه‌قلمداد می‌نماید و تلگرافاتی به کابینه و مجلس مخابره نموده خود را اعلیحضرت ما خطاب نموده است و خبر داده است که تا سه روز دیگر به قم وارد خواهد شد.

نمره ـ ۳۵۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ سپتامبر)
طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۹]

کفیل قنسولگری شیراز امروز راپورت می‌دهد که صولت‌الدوله با قریب هزار نفر به باغی که یك میل از قنسولخانه فاصله دارد وارد شده است. همراهان او به یکی از نوکران قنسولخانه حمله نموده و او را زده‌اند. یکی‌از بستگان‌صولت‌الدوله‌نایب‌الایاله را جبراً برده است. کفیل قنسولگری اظهار می‌دارد که هر گاه دولت ایران یا خود ما صولت‌الدوله را ترغیب به ترك این حدود ننماییم اوضاع که حالا آنقدر اسباب اضطراب‌می‌باشد بزودی بدتر خواهدشد. درخاتمهٔ‌تلگراف او مطلب ذیل مندرج است:

حالیه دو ماه و نیم است بواسطهٔ هرج‌ومرج کلی بر منافع ما خسارات بسیار زیاد وارد آمده و کار حالا به‌یك نقطه‌ای رسیده است که از آنجایی که نمایندهٔ دولت متبوعهٔ خود می‌باشم باید اعتراف نمایم که فعلا مأمور دولتی در شیراز نیست که بتواند برای حفظ جان و مال اتباع انگلیس اقداماتی بنماید. با این وضع امور غیرقابل‌تحمل من راه چارهٔ دیگری بنظرم نمی‌رسد مگر آنکه به صولت‌الدوله بنویسم که هرگاه خود و همراهانش از حدود شهر خارج نمی‌شوند و دولت ایران را نمی‌گذارند برای اعادهٔ انتظاماتی که مناسب می‌دانند آزاد باشد دولت اعلیحضرتی فوراً اقدامات برای حفظ منافع ما خواهند کرد.

من به طریق ذیل به او جواب داده‌ام:

شما باید به صولت‌الدوله اطلاع دهید که حضور او با ایلاتش در شیراز فقط‌اسباب اغتشاش می‌شود و هرگاه هرگونه صدمه به جان و مال اتباع انگلیس مداخله را لازم بدارد عواقب آن برای خود او وخیم خواهد بود.

نمره ـ ۳۵٤

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ سپتامتر)
طهران ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۶ رمضان ۱۳۲۹]

سالارالدوله با استعدادی که به چهار هزار نفر تقریباً تخمین شده حالا در نوبران است. ظاهراً قصدش این است که از راه ساوه بسمت طهران برود.

نمره ـ ۳۵۵

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ سپتامبر)

سنت پطرزبورغ ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۶ رمضان ۱۳۲۹]

من بر وفق تعلیمات تلگرافی ۱۶ سپتامبر شما از مسیو نراتف تحقیق مطالب را نمودم و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] به من اظهار می‌دارند که دولت ایران در باب مسئلهٔ پناه دادن به محمدعلی با دولت روس مذاکره نموده‌اند و دولت مشارالیها جواب داده‌اند که محتمل نیست شاه مخلوع نزد روسها پناهنده شود چرا که در کمش‌تپه یا نزدیك آن قنسولخانهٔ روس نیست ولی هرگاه او بست اختیار کند آنها نمی‌توانند از او ممانعت نمایند. مسیو نراتف بعلاوه اظهار داشت که فقط قنسولخانهٔ روس که محمدعلی بتواند بطور امکان در آنجا پناهنده شود قنسولخانهٔ استراباد می‌باشد.

من اشعار نمودم که هرگاه شاه مخلوع بتواند خود را به‌خاك روسیه برساند یحتمل آنجا که می‌رسد به‌هیچ‌وجه دیگر پول نداشته باشد و سؤال نمودم آیا دولت روس در آن صورت چه خواهند کرد؟ مسیو نراتف در جواب گفت هر وقتی که این طوریکه تصور می‌کنید واقع شود مسئلهٔ مزبور در تحت ملاحظه خواهد آمد.

نمره ـ ۳۵۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ سپتامبر)

طهران ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۹]

مجلس استخدام هفت نفر صاحبمنصبان سوئدی را برای ژاندارمری و نظمیه تصویب نموده است.

نمره ـ ۳۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارتخارجه ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۹]

رویهٔ عملی را که نسبت به امور فارس اتخاذ نموده‌اید چنانچه در تلگراف ۱۹ سپتامبر خود اطلاع داده‌اید تصویب می‌کنم.

نمره ـ ۳۵۸

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوبرن

وزارت خارجه ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۹]

در باب مسئلهٔ شاه مخلوع که موضوع تلگراف دیروز سر جارج بیوکانان و تلگراف ۱۸ سپتامبر سر جارج بارکلی می‌باشد شما باید تحقیق نمایید که آیا در صورتی‌که

آن اعلیحضرت در صدد تحصیل پناهگاه در روسیه شود دولت روس حاضر خواهند بود که به دولت ایران اطمینان دهند که محض جلوگیری از چنین اقدام جدیدی بطور دقت مواظب او خواهند بود یا آنکه او را در خاك بیطرفی که تا سرحد خاك ایران مسافتی داشته باشد محبوس خواهند نمود؟

نمره ـ ۳۵۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر شما ـ شیراز

پیغامی را که شما توسط کفیل قنسولگری برای صولت‌الدوله فرستاده‌اید ظاهراً برای حالیه کافی است.

نمره ـ ۳۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصلهٔ ۲۲ سپتامبر)

طهران ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹]

تلگراف ذیل از کفیل قنسولگری شیراز رسیده است:

صولت‌الدوله اعلانی منتشر نموده مشعر بر اینکه برای تقویت نظام‌السلطنه و اعادهٔ انتظامات و تنبیه اعراب به شیراز آمده و بزودی بر آنها حمله خواهد نمود و هرگاه هریك از صاحبان خانه‌ها که قشقاییها بخواهند از خانه‌اش عبور نمایند در برای آنها باز نکنند قشقاییها جبراً داخل آنجا شده و صاحب‌خانه خود مسئول اغتشاشی که بعلت آن بوقوع برسد خواهد بود.

گمان نمی‌کنم برای علاج اوضاع معلومهٔ حاضره چاره‌ای جز برطرف نمودن صولت‌الدوله بنظر برسد و اگر این کار فوراً به انجام نرسد بحران شدیدتر خواهد شد.

تخمین خسارات عظیمه که بواسطهٔ غارت عمومی بازارها وارد خواهد آمد اشکال دارد چرا که گذشته از آنکه مقداری زیاد مال‌التجارهٔ انگلیسی در اینجا جمع شده است ما نمی‌توانیم این مسئله را از مد نظر خارج نماییم که هر خسارتی که به تجار محلی وارد آید صدمهٔ آن مستقیماً به تجار خودمان که مال‌التجاره به تجار محلی می‌فروشند خواهد خورد و هر روزی که قشقاییها اینجا بمانند وقوع چنین اتفاقی هایل‌تر خواهد بود.

کارگذار [= کارگزار] قشون محلی برای حفظ اتباع انگلیس تعیین نموده‌است و چون غیر از اینها مستحفظی بدست نمی‌آید باید قبولشان نمود.

این دوره‌گردهای گرسنه بکلی بی‌فایده می‌باشند و بهیچ‌وجه با ایلیاتیها مقابله نتوانند نمود حتی اگر خودشان سرمشق غارتگری برای دیگران نشوند.

بنابراین بعقیدهٔ من اگر نمی‌شود قشقاییها را به این زودی از اینجا خارج نمود بر ما است که مستقیماً اقدام برای حفظ منافع خود بنماییم چرا که تا زمانی که این‌جا توقف دارند امکان ندارد هیچیك از مأمورین ایرانی بتوانند اقدام مؤثری بنمایند.

اگر فهمیدم که هرگاه دولت ایران به صولت‌الدوله امر بدهند از شیراز خارج شود او اطاعت می‌نماید من حتماً دولت ایران را به این کار نصیحت خواهم نمود ولی یقیناً او اوامر دولت را نخواهد شناخت و بنابراین عقیدهٔ من هنوز این است که بگذاریم امورات در مجرای خود جریان نمایند مگر آنکه چنانچه در آخر تلگراف ۱۹ سپتامبر خود ارائهٔ طریق نمودم به من اجازه داده شود که او را تهدید بنمایم و تقاضای اخراج او ما را با مسئولیتهای غیرمطلوبه تحمیل خواهد نمود اگر دولت ایران به این مطلب رضا دهند و شك دارد از اینکه چنین اقدامی باعث رفع بحران حالیه گردد.

بایستی مذکور دارم که کمپانی ذیگلر چهار ماه قبل از این به من اطلاع داد (اگر درست به‌خاطرم بیاید) که معادل ۴۰،۰۰۰ لیرا مال‌التجارهٔ آن در شیراز جمع شده و منتظر حمل به اصفهان می‌باشد.

نمره ـ ۳٦۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ سپتامبر)

سنت پطرزبورغ ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹]

شاه مخلوع ـ راجع به تلگراف ۲۱ سپتامبر شما ـ مسیو نراتف امروز به من گفت که نمی‌گذارند محمدعلی در یکی از ایالات و ولایات سرحد توقف نماید در صورتی‌که به خاك روسیه فرار کند. او در ادسا خانه‌ای دارد و مسیو نراتف تصور می‌کند او یحتمل به آن شهر مراجعت نماید. اگر این کار را بکند احتیاطهای لازمه بعمل آمده و او بکلی در تحت مواظبت و مراقبت خواهد بود و برای دولت روس امکان ندارد ضمانت نمایند که اقدام حالیهٔ او تجدید و تکرار نخواهد شد.

اگر از آنجایی که شاه مخلوع در مراجعت به ایران یقین کامل داشت که اهالی هر نقطه او را با کمال ذوق و شوق خواهند پذیرفت و عکس آن برای او واقع شده است فریبی که خورده است برای او واضح و آشکار گردیده و اقدام آن اعلیحضرت برای او سرمشقی بوده. مسیو نراتف اظهار داشت یقین است او اقدام خود را تجدید نخواهد نمود.

در جواب سؤال من از مسیو نراتوف که آیا حاضر است به همان قسمی‌که با من صحبت داشته است به دولت ایران اطمینان دهد جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] جواب داد با نهایت میل حاضر است این کار را بکند.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ سپتامبر)
طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۲۵ اوت من:
حرکات شاه مخلوع ـ نایب حسین در کار حمله به کاشان است.

نمره ـ ۳۶۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ سپتامبر)
طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۹]
از قرار راپورتی که داده شده قسمتی از قشون سالارالدوله ساوه‌را اشغال نموده‌اند و قسمت معظم قشون وی در نزدیکی زرند که قریب پنجاه میل تا طهران مسافت دارد می‌باشند.

نمره ـ ۳۶۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ سپتامبر)
طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱ مهر ۱۲۹۰؛ ۳۰ رمضان ۱۳۲۹]
راههای جنوبی ـ راجع به تلگراف ۱۴ سپتامبر من:
در صورتی‌که دولت اعلیحضرتی تصمیم قبول نقشهٔ پیشنهادی را بنمایند من ارائهٔ طریق می‌نمایم که وقت را نباید از دست داد که یك اظهاری در خصوص مقاصد ما در فارس بشود.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۶۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
آقا
در تعقیب مراسلهٔ پنجم ماه گذشتهٔ من در باب مستر شوستر برای تعیین ماژور استوکس برای تشکیل ژاندارمری خزانه افتخار دارم لفاً نوشتجات ذیل را ایفاد دارم:
۱) سواد جوابیهٔ دولت ایران را به مکتوبی که بر وفق تعلیمات تلگرافی غرهٔ اوت شما به آنها نوشتم.
۲) سواد یادداشتی که روز ۸ ماه گذشته بر وفق تعلیمات تلگرافی ۷ اوت شما به وزیر امور خارجه دادم.

۳) سواد جوابیهٔ دولت‌ایران.
۴) سواد مراسلهٔ سفیر روس را که در تاریخ ۱۹ ماه گذشته فرستاده است.
۵) سواد مراسله‌ای که من در همان روز برحسب دستورالعمل تلگرافی ۱۸ اوت شما فرستادم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف ۱ نمرهٔ ۳۶۵

ترجمهٔ مراسلهٔ دولت ایران

لازم است که مالیات هم در شمال و هم در جنوب ایران وصول شود و در نظر دولت ایران فرقی مابین این دو قسمت مملکت نیست.

اما در باب خدماتی‌که دولت ایران از ماژور استوکس انتظار دارند این‌صاحبمنصب که از اشتغال[1] در قشون انگلیس کناره‌گرفته و برای تشکیل ژاندارمری خزانه استخدام شده است دولت علیه قصد ندارند او را در اقدامات نظامی بکار وادارند.

۶ اوت ۱۹۱۱ [۱۴ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۹]

ملفوف ۲ نمرهٔ ۳۶۵

یادداشت سر جارج بارکلی به دولت ایران

به سر جارج بارکلی از طرف وزیر امور خارجه تعلیمات داده شده که دولت ایران را متنبه سازد که نباید در مسئلهٔ تعیین ماژور استوکس اصرار نمایند مگر آنکه نخواهند او را در شمال ایران بفرستند ــ اگر دولت ایران اصرار بنماید دولت اعلیحضرتی حق روس را خواهند شناخت که هرگونه اقداماتی‌که‌برای حفظ منافع خود در شمال ایران لازم بدانند بنمایند.

ملفوف ۳ نمرهٔ ۳۶۵

پیغام شفاهی دولت ایران

از یادداشتی که دولت اعلیحضرتی در تاریخ هشتم شهر جاری برای دولت ایران فرستاده‌اند معلوم می‌شود که در صورتی‌که دولت ایران اصرار به تعیین ماژوراستوکس بنمایند و او را در تمام نقاط ایران‌بلااستثناء بکار وادارند با بعضی‌عواقب‌غیرمطلوبه مقابل خواهند شد.

دولت علیه از آنجایی که نمی‌دانند نقطهٔ نظر دولت انگلیس مبنی بر چیست و چنین قرار و مداری فیمابین داده نشده ــ نمی‌توانند از وصول این یادداشت تعجب خود را اظهار ننمایند.

حتی در صورتی که فرض شود دولت اعلیحضرتی بخواهند اعتراضات خود را مبنی بر شرایط معاهدهٔ ۳۱ اوت ۱۹۰۷ انگلیس و روس بدانند (که در موضوع آن دولت ایران بموجب مراسلهٔ ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ مشیرالدوله شرحی به جنابعالی نوشته و

---

۱) اصل: اشغال م.

وضعیت دولت ایـران را نسبت به آن تشریـح نمود) ممکـن نیست در آن معاهـده حتی یك‌کلمه هم پیدا کرد که مقوی مطالبی‌باشد که در یادداشت‌فوق‌الذکر مرقوم‌گشته.

برعکس قسمت اول این معاهده که با عبارات صریحه مراعات استقلال و تمامیت ایران را مشهود می‌دارد به نظر می‌آید دلیل محکم دیگری است که نقطهٔ نظر دولت علیه را تقویت می‌نماید.

در قسمت اول معاهده بعلاوه مذکور است که دولتین انگلیس و روس بی‌اندازه مایل حفظ انتظامات و ترقی یا مسالمت ایران می‌باشند. این جمله را اگر تعبیر کنیم حامی مقاصد دولت علیه می‌باشد که می‌خواهند اقدامات برای وصول مالیات بنمایند چرا که بدون مالیات استقرار نظم در هر مملکتی کار بسیار مشکلی می‌باشد.

وثوق‌الدوله بنابراین اطمینان دارد که دولت اعلیحضرتی صحت مطالب مذکـوره فوق را خواهند شناخت و طوری وساطت خواهند نمود که این مسئله بـه مقتضای شئونات دولت ایران و به مصالح منافع حیاتیهٔ آن دولت حل شود.

ملفوف چهار نمرهٔ ۳۶۵

مراسلهٔ سفیر روس به وزیر امور خارجه

در باب اظهاری که در روز ۱۶ ژویت امسال به وزیر امور خارجه نمودم، برحسب امر دولت متبوعهٔ خود افتخار دارم کـه دولت ایـران را مستحضر دارم کـه دولت امپراطوری روس نظر به جهاتی که برای دولت ایران توضیح نموده‌اند تصور می‌کنند که استخدام ماژور استوکس توسط دولت مشارالیها برای سرکردگی استعداد مسلح موسوم به ژاندارمری برای وصول مالیات با منافع دولت روس مناسب نیست و من دستورالعمل دارم که بر ضد تعیین وی پروتست نمایم. اگر لازم شود دولت امپراطوری حق اعمال هرگونه اقداماتی که برای حفظ منافع خود در شمال ایران لازم دانندبرای خود محفوظ خواهند داشت.

ملفوف پنج نمرهٔ ۳۶۵

مراسلهٔ سر جارج بارکلی به دولت ایران

سفارت اعلیحضرتی بریطانیای عظمی از طرف دولت متبوعهٔ خود دستورالعمل دارد که اخطار ۸ شهر جاری خود را مشعر بر اینکه دولت ایران نبایستی در مسئلهٔ تعیین ماژور استوکس اصرار نمایند مگر آنکه او را در نقاط شمالی ایران بکار واندارند تکرار نماید که اگر دولت مشارالیها اصرار نمایند دولت اعلیحضرتی حق دولت روس را خواهند شناخت که هرگونه اقداماتی را که لازم بدانند برای حفظ منافع خویش در شمال ایران بنمایند.

در ضمن تذکر خاطر دولت ایران به مراسلهٔ مذکوره سفارت انگلیس بایستی به دولت ایران اصرار نماید که بجای ماژور استوکس تبعهٔ یکی از دول صغار را تعیین نماید و اظهار نماید که دولت اعلیحضرتی نظر به اعتراضات بااساس دولت روس

بر ضد تعیین وی نمی‌توانند استعفای ماژور استوکس را قبول نمایند.
۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۹]

نمره ـ ۳۶۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
آقا
افتخار دارم خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ ایران را برای چهار هفتهٔ اخیر بطریق معمول ایفاد دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۳۶۶

خلاصهٔ وقایع ماهیانهٔ ایران از ۱۰ اوت لغایت ۴ سپتامبر [۱۸ امرداد تا ۱۲ شهریور: ۱۵ شعبان تا ۱۰ رمضان]

طهران

مأمورین اروپایی ـ در عرض چهار هفتهٔ اخیر مأمورین ذیل به طهران وارد شده‌اند:

کلنل یالمارسن	
ماژر جلدبراند [= گلدبراند؟]	
ماژر پیطرسن	صاحبمنصبان سوئدی
مسیو دمرنی	مستخدم وزارت داخله
مسیو پرنی	مستخدم وزارت عدلیه
مستر مزیل (امریکایی)	اجزاء مستر شوستر
مسیو بریوت (فرانسوی)	منشی شخصی مستر شوستر

اقدامات نظامی ـ قشون دولتی که در ابتدای اوت در تحت سردار محیی از طهران حرکت نموده و معین‌همایون بختیاری با ۳۰۰ نفر به وی ملحق گردید رشیدالسلطان را قریب ۹ اوت [۱۷ امرداد؛ ۱۴ شعبان] شکست‌داد. سردار ارشد که یکی‌از سرکردگان محمدعلی می‌باشد با استعدادی که تخمیناً به دو هزار یا سه هزار نفر می‌رسید از راه مشهد از شاهرود بطرف دامغان و سمنان و آرادان پیشقدمی نمود.

قشون بختیاری در تحت امر ضیغم‌السلطنه در آرادان از او جلوگیری نموده قریب ۲۵ اوت [۲ شهریور؛ ۳۰ شعبان] شکست خورد. پس از آن امیر مجاهد بختیاری با قشون امدادی فوری فرستاده شد. سردار محتشم و سردار بهادر روز ۳۱ اوت [۸ شهریور؛ ۶ رمضان] با هزار و دویست نفر از خاك بختیاری وارد طهران‌شدند.

سردار بهادر با یفرم و قشون معظمی در ۳ شهر جاری حرکت نمود که با سردار ارشد مقابله نماید. در ۲۶ ماه گذشته عساکر دولتی یك دسته از عساکر طرفدار محمدعلی را در فیروزکوه شکست داده و عده‌ای به اسیری گرفتند و پنجاه و چهار نفر از آنها را تاکنون به طهران فرستاده‌اند. بعضی از اسبها و تفنگهایشان را هم قبضه نمودند.

مجلس

پروگرام کابینه متضمن تجدید نظر در قوانین اساسی و بهبودی مناسبات خارجی بود، در جزو دستور یومیه در جلسهٔ ۲۶ اوت به مجلس عرضه گردید. همین که بواسطهٔ اختلاف آراء رأی گرفته شد پروگرام مزبور تصویب نگردید ولی تصمیم شد که آن را به یك کمیتهٔ مخصوص رجوع نمایند. این اقدام از طرف مجلس تقریباً اسباب بر هم خوردن کابینهٔ صمصام‌السلطنه گردید. وزیر امور خارجه و وزیر داخله استعفای خود را تقدیم نمودند. نایب‌السلطنه واسطه شد و نتیجه این شد کـه روز ۲ شهر جاری اکثریت اعضاء مجلس با جرح و تعدیل غیرقابل اهمیت، چند پروگـرام مزبور را تصویب نمودند.

مطبوعات ـ روزنامهٔ **ایران نو** دوباره توقیف شده است و استقلال ایران هم بواسطهٔ عدم وجه دیگر به طبع نمی‌رسد. فقط روزنامهٔ مهمی که فعلا منتشرمی‌شود مجلس‌است.

تبریز

صمدخان شجاع‌الدوله حاکم مراغه که در خلاصهٔ وقایع ژون اشاره به وی نمودم اعلام نموده است که شاه مخلوع او را به ایالت آذربایجان منصوب نموده است.

عین‌الدوله ایالت جدید را که دولت ایـران تعیین نموده هنوز در طهران است و تهیهٔ حرکت می‌بیند.

اوضاع ایالت از قرار معلوم بحال معمولی است.

رشت

سردار معتمد که یکی از ملاکین رشت است بجای یمین‌الممالك به حکومت گیلان در اوایل اوت تعیین گردید ولی مدت کمی بعد از آن عدم‌توانایی خود را در ادامهٔ حکومت آنجا اظهار داشت.

اگرچه ورود شجاع‌السلطنه و دیگران به منافع شاه مخلوع اشتهار دارد تاکنون حرکتی از جایی بروز نکرده و ولایت نسبتاً بحال آرامی و سکون باقی است.

قزوین

سردار همایون یکی دیگر از ملاکین شهر از حکومت قزوین استعفاء و بـه رشت مراجعت نموده است.

مشهد

اغتشاشاتی که در اواخر ژوئیت در مشهد واقع شده و در خلاصهٔ ماهیانه راپورت آن را دادم باعث آن ادارهٔ نظمیه بوده است که می‌خواسته است یکی از متولیان را که متهم به مغلطه‌کاری بوده است دستگیر نماید. ماژور سایکس می‌نویسد کـه هرگاه شورشیان دست بالا را بگیرند شکی نیست که خود را طرفدار شاه مخلوع اعلان خواهند نمود. او گمان می‌کند که اکثریت اهالی آنقدر از ظلم و تعدی ایرانیان جوان خسته شده‌اند که در صورتی که شاه مخلوع تخت سلطنت را دوباره تصرف نماید او را با کمال میل خواهند پذیرفت.

در ۲۵ ژوئیت تلگرافات از طرف شاه مخلوع برای مأمورین مختلفهٔ مشهد رسید ــ این تلگرافات مشعر بر اظهار تأسف از اغتشاشات و اشکالات ایـران و وعدهٔ عفو خطاهای گذشته و اظهار این مطلب بود که در آتیه هر کسی از در مخاصمت داخل شود تنبیه سخت خواهد شد و نیز وعدهٔ استقرار مشروطیت و ایجاد مجلس سنا را هم داده بـود.

از قراری‌که راپورت داده شده راههای معظم خراسان را سارقین اشغال نموده‌اند.

اصفهان

اوضاع اصفهان که حکومت آن با سردار اشجع بختیاری است تغییر نکرده است. شهر و ولایت بخوبی آرام بوده اگرچه از زیاده‌رویهای بختیاریها اهالی قدری شکایت داشتند. در ۱۶ اوت سردار محتشم و سردار بهادر با متجاوز از یکهزار نفر به شهر وارد شدند که بسمت طهران بروند و با جنرال قنسول اعلیحضرتی دید و بازدیـد نمودند. در راه طهران شنیدند که نایب‌حسین بطرف کاشان در حرکت است و سردارین مذکور از قم ۲۵۰ نفر از بختیاریها را در تحت امر ضیاءالسلطان و شهاب‌السلطنه فرستادند. در ۲۲ اوت نایب‌حسین اردستان را قبضه نموده و بطرف کاشان پیشقدمی نمود. در غره و دوم سپتامبر یك دسته از قشون بختیاری نایب‌حسین را اول درخالدآباد و سپس در خفر حمله نموده (در راه کالسکه‌رو نطنز مابین کاشان و اصفهان) و او را شکست داده چهل نفر از همراهانش را مقتول نمودند.

بختیاریها خصم را که در حال فرار بودند تعاقب نکردند چرا که خیلی مشغول بردن غارتی‌هایی بودند که او باقی گذارده بود.

یزد

در این ولایت تازگی چند فقره سرقت به وقوع رسید. در ۲۳ اوت سارقین به هفتاد نفر از زوار زده تمام متعلقات آنها را بردند. این سرقت در گدار جگند واقع گردید و عدهٔ سارقین ۱۸ نفر بودند.

قلیل‌مدتی بعد از مستر فن از اجزاء ادارهٔ تلگرافخانه را سارقین از راه بدر کرده و در خط اردکان اموال او را سرقت نمودند. سارقین مستر فن را تفتیش نموده و حتی

یا ته تفنگهای خود او را مضروب نمودند. سفیر اعلیحضرتی مکتوبی در این باب به دولت ایران نوشته است.

سیصد و پنجاه نفر از ایلات بهارلو و اینالو [= اینانلو] به دهات رفسنجان در اواخر اوت هجوم آورده و آنجا را غارت نموده معادل پنجاه هزار تومان اموال اهالی را بردند.

شیراز

اوضاع شیراز در ۲۱ اوت خیلی بدتر شد اگرچه اتصالا مذاکرات صلح در میان بود. قشقاییها که عدهٔ زیادی از ایشان در شهر بودند خانه‌های مردم را غارت نموده و آشکارا غارتیهای خود را به عمارت دولتی می‌بردند. عدهٔ زیادی از آنها دور قنسولخانهٔ اعلیحضرتی به کشیك مشغول گردیده و تیراندازی هم شبانه در کار بود. نواحی اطراف از همیشه مغشوش‌تر بود و رعایا را با کمال بیرحمی می‌چاپیدند. راه اصفهان مسدود و اگرچه راه شیراز مفتوح بود تجار اطمینان حمل مال‌التجارهٔ خود را از آن راه نداشتند و تجارت بحالت سکون کامل باقی بود. در اواخر ماه اقدامات دیگر برای اصلاح مابین صولت‌الدوله و قوام که هنوز در قنسولخانهٔ اعلیحضرتی توقف داشت بعمل آمد.

سیستان

قائنات بکلی آرام است ولی درسیستان حشمت‌الملك ایالت آنجا در اوایل اوت ظاهر می‌داشت که بسیار مشغول تهیات نظامی می‌باشند ولی مقصود او معلوم نبود. قنسول اعلیحضرتی راپورت می‌دهد که تمام راههای دور سیستان در اوایل اوت ناامن بودند.

کرمان

شاهزاده امیراعظم ایالت جدیدالتعیین آنجا در ۱۲ اوت از طهران برای کرمان حرکت نمود. ایالت و شهر از قرار راپورت واصله‌آرام‌است‌اگرچه راههاکمافی‌السابق ناامن می‌باشد.

کرمانشاه

شاهزاده سالارالدوله در ۲۳ اوت از کرمانشاه حرکت کرده بطرف همدان به‌همراهی داودخان و سردار مظفر رئیس ایل کلهر رفت. عدهٔ قشون مخلوط از طوایف کلهر و سایر اکراد که همراه شاهزاده می‌باشند از قرار مذکور به ده هزار نفر می‌رسد. شاهزاده برادر کهتر خود عضدالسلطان را به حکومت کرمانشاه و محتشم‌الدوله را به نیابت وی معین نموده و فریدالملك را برای کارگذاری [= کارگزاری] آنجا قبول نمود.

www.adabestanekave.com

لرستان و عراق

به امیر مفخم که از چند ماه به این طرف در لرستان بود به اعادهٔ انتظامات آنجا موفق گردید، امر داده شد که با قشون بختیاری تحت امر خود با سالارالدوله مقابله نماید. از قرار مذکور او دو هزار نفر با خود دارد و از خاك بختیاری هم قشون‌امدادی در تحت مرتضی‌قلی‌خان پسر صمصام‌السلطنه فرستاده شد و با سردار ظفر در اوایل اوت برای سلطان‌آباد که حکومت‌نشین‌عراق باشد حرکت کردند ــ مطیع‌بودن امیر مفخم و سرداد ظفر قدری مشکوك است. از قراری که مذکور است مرتضی‌قلی‌خان به ملایر رسیده ولی اطلاعات صحیحه از بابت حرکات وی فعلا در دست نیست.

بوشهر

موقرالدوله حاکم بوشهر مقام کلانتری را که سالیانه مبلغ پانزده هزار تومان به حکام بوشهر عاید می‌داشت موقوف داشته اظهار داشته است که چون این مبلغ در دفتر مالیاتی‌دولت ثبت‌نیست او صلاح‌نمی‌داند بدون اجازهٔ دولت این‌طور اجحاف‌غیرمشروع را به مردم بنماید.

بندرعباس

یك دسته از بزرگ ایلات غارت‌گر بهارلو از قرار مذکور دو عراده توپ که قبضه نموده‌اند با خود دارند و در اواخر اوت به بندرعباس وارد شدند و از قراری که راپورت داده شده قصد هجوم به شهر را دارند. به کشتی اعلیحضرتی موسوم به پرسیس امر داده شده که به آنجا برود و بنا بود در ۳۱ اوت بدانجا رسیده و سی نفر به عدهٔ مستحفظین قنسولخانهٔ آنجا اضافه نماید که در موقع لزوم جان و مال اتباع انگلیس و سایر دول خارجه را حفظ نماید.

نمره ــ ۳۶۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
آقا

از زمان ارسال مکتوب ۹ ماه گذشتهٔ خود پیشرفتی در کشمکش حالیه که نتیجهٔ قطعی از آن حاصل شود پیدا نشده. از جمله جنگهایی که مابین قشون دولتی و یاغیان واقع شده و راپورتهای آنها داده شده است من فقط بعضی از آنهایی را که صحت آنها به تصدیق رسیده مخابره نموده‌ام و الحال ذیلا شرح آنها را تکرار می‌کنم:

قریب نهم ماه گذشته قشون دولتی در فیروزکوه مظفریت حاصل نموده و یکی از حامیان عمدهٔ شاه، رشیدالسلطان که چنانچه بخاطر داریم سال گذشته به امیر مکرم در طغیان وی در مازندران همراهی نمود در این جنگ مقتول گردید.

چند روز بعد از آن در ده نامه جنب راه مشهد مابین قشون‌ارشدالدوله و بختیاریها

در تحت امر ضیغم‌السلطنه جنگی واقع شده و ضیغم‌السلطنه مغلوب و ارشدالدوله وارد آرادان شد.

در ۲۲ ماه گذشته قشون سردار محیی به انضمام قشون بختیاری در تحت‌معین‌همایون از جمله ترکمنها و دیگران جلوگیری نموده تلفات زیادی به آنها وارد کرده ۵۴ نفر را اسیر و ۳۰۰ قبضه تفنگ و صد اسب از آنها گرفتند.

هفتهٔ گذشته هم ۳۰۰ نفر قشونی که یفرم تجهیز نموده و بیشتر آنها ارمنی بودند در بلدهٔ مازندران به یك دسته از قشون شاه که از قرار مذکور عدهٔ آنها هزار نفر بود شکست دادند.

اوضاع حالیه ظاهراً بقراری است که ذیلا مذکور می‌گردد:

شاه مخلوع در ناحیهٔ سوادکوه است ولی راه پیشقدمی وی را بطرف پایتخت سردار محیی و معین‌همایون بختیاری در فیروزکوه مسدود نموده‌اند. از قرار مذکور خود اعلیحضرت در قلعه‌ای که بر روی کوه بنا شده و موسوم به قلعهٔ دیو سفید می‌باشد توقف نموده است.

قشون ارشدالدوله که از راه مشهد به جلو می‌آمد از قرار راپورت واصله به‌مسافتی از جاده بطرف مغرب آرادان می‌باشد و مسافت از آنجا تا طهران زیاده بر ۴۵ میل نیست. پس از شکست خوردن ضیغم‌السلطنه امیر مجاهد برادر سردار اسعد به سرکردگی عده‌ای از بختیاریها فرستاده شد که ارشدالدوله را حمله نماید ولی او حالا تلگراف کرده است که قوه‌اش کافی نیست و عدهٔ قشون ارشدالدوله سه هزار نفراست و قشون او بالغ بر هزار نفر نمی‌باشد. سردار بهادر پسر سردار اسعد که مشروطیین به او و یفرم امیدواری کامل دارند و با کمال بی‌صبری منتظر ورود او از خاك بختیاری می‌باشند الحال با ۱۲۰۰ نفر بختیاری به طهران ورود نموده و قرار شده که فوراً باتفاق یفرم برای الحاق به قشون ضیغم‌السلطنه و جنگ با ارشدالدوله حرکت نمایند.

قشون ارمنی در مازندران پس از مظفریت هفتهٔ گذشته در بلده به آمل ورود نموده‌اند و امیدواری چنان است که بتوانند به میسرهٔ شاه مخلوع در سوادکوه حمله نمایند.

از آذربایجان اخبار کمی در دست است. از قراری که راپورت داده شده شجاع‌الدوله حاکم مراغه قشون زیادی از شاهسونها و قراداغیها جمع‌آوری نموده است که برای محمدعلی جنگ کنند و محمدعلی او را به حکومت آذربایجان تعیین نموده است.

در طرف غرب سالارالدوله در ۲۳ ماه گذشته با نه عراده توپ و ده‌هزار نفر که‌اکثر آنها از اکراد جف [=جاف] و کلهر و سنجابی بودند از کرمانشاه حرکت نمود. قبل از حرکت برادر خود عضدالسلطان را به حکومت کرمانشاه منصوب کرد و تلگرافی به مجلس مخابره نمود و چون قابل ملاحظه است سواد آنرا جوفاً ایفاد می‌دارم.

از قراری که راپورت داده شده او فعلا در حوالی دولت‌آباد است و بایستی تا محل امیر مفخم که بالاخره به بروجرد رفته است مسافت کمی داشته باشد ولی مسئلهٔ اینکه

آیا امیرمفخم قصد مخالفت با سالارالدوله را دارد یا نه مشکوک است.

وقتی که سالارالدوله از کرمانشاه حرکت نمود تصور می‌شد به همدان که همدستان وی آنجا را قبضه نموده بودند خواهد رفت ولی فعلا بطرف جنوب حرکت نموده و دولت ایران ظاهراً مترصد این هستند که امیر مفخم به وی حمله نماید. اگر امیر مفخم او را مغلوب ننماید فعلا فقط ۵۰۰ نفر بختیاری در تحت سردار ظفر در سلطان‌آباد مابین سالارالدوله و پایتخت می‌باشد ولی نمی‌توان باور نمود که قشون ایلیاتی او در صورتی که بخواهد به طرف طهران حرکت نماید از هم متفرق نخواهند شد.

در حالتی که این را می‌نویسم دریافته‌ام که راپورتی از قنسول روس مقیم کرمانشاه برای همکار روسی من رسیده مشعر بر اینکه از زمان حرکت امیر مفخم از بروجرد الوار خود را حامی سالارالدوله اعلان نموده و او هم سردار اکرم پدر زن خود را که رئیس الوار است به حکومت لرستان منصوب نموده است.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمرهٔ ۱۳۶۷

ترجمهٔ تلگراف سالارالدوله به مجلس

مجلس محترم ــ من از کردستان به شما تلگراف نمودم جوابی نفرستادید. عوض اینکه تلگراف مزبور را درك نموده و اوضاع مملکت را در تحت ملاحظه آورید و به علاج امراض آن بپردازید نقشهٔ قتل مرا کشیده و برای قتل من انعام می‌دهید. من برای کشته‌شدن در این مملکت آمده‌ام و شما نمی‌فهمید که ایرانیان خداترس متدین محبت و مهربانی ۱۵۰ سالهٔ قاجاریه را مخصوصاً پسران مظفرالدین‌شاه مرحوم را فراموش نخواهند نمود و بنابراین هیچ‌نوع مقاصد شریرانه در دل نخواهند پرورانید. ایرانیان برادران و پسران شاه هستند و او ظل‌الله و از طرف حق‌تعالی بر آنها تعیین شده و گمان نمی‌کنم برخلاف همدیگر اقدامی بنمایند.

بله اجازه به هم‌جنسان خود برای قتل من داده‌اید مطلبی نیست دعاهای سی کرور ایرانی حافظ ما است. آیا از قتل من امراض مملکت معالجه می‌شود؟ وظیفهٔ خداترسی شما این است که منازعات و جلب منافع شخصی خود را کنار گذارده و نقشه برای نفع مملکت و رعایای بیچارهٔ آن بریزید. چنانچه در مجلس اول گوش به نصایح و ارادهٔ محمدعلی‌شاه نداده و وکلای آن زمان به منافع خود عمل نموده و دچار اشکالات گردیده تا دو سال تمام ایران منقلب و بسیاری مقتول و بی‌خانه شدند تا آنکه محمدعلی را معزول نمودند. پس از خلع وی تصور می‌شد که تمام نقایص مرفوع خواهد گردید ولی امروزه نه فقط اروپا و آسیا و امریکا شهادت می‌دهند بلکه شاید حتی وحشیهای افریقا هم انکار ننمایند که امورات صد مرتبه بدتر از سابق است. الحال مستقیماً می‌نویسم چند نفر سوار بختیاری و مقداری ارازل [= اراذل] و اوباش طهران اعادهٔ نظم در ایران نتوانند.

---

۱) اصل: ۳۶۹ که گویا غلط چاپی است ــ م.

در این سه ماههٔ اخیر دو هزار نفر سوار بختیاری نتوانسته‌اند یك دسته از ایل پرانه‌وند [= پیران‌وند] را در تحت انتظام آورند و بالاخره به بروجرد فرار نموده‌اند. بعلاوه خود بختیاریها می‌دانند که گرفتن طهران آنها بواسطهٔ آن بود که ما همه از دست محمدعلی شاه ناراضی بودیم وگرنه ایران چنین چیزی را قبول‌نمی‌نمود.

ای وکلای محترم قسم بخدا شما مسئول خونریزی بوده و خواهید بود آیا آخرالامر نتیجه چه خواهد بود؟ محمدعلی شاه همین روزها به طهران خواهد رسید من هم خواه باور کنید یا نکنید با سی هزار نفر از دروازه‌های کرمانشاه گرفته تا نوبران با قشون بر حرکت می‌باشیم ـ در آذربایجان شاهسونها و در گروس شجاع‌الدوله با سه هزار سوار و همانقدر پیاده حرکت کرده‌اند و به آنها امـر داده شده است از راه زنجان بطرف طهران حرکت نمایند. ملاحظه نمایید این جمعیت و سوارها تا طهران چقدر خرابیها خواهند رسانید و بر اهالی چه‌ها واقع خواهد شد. قدری برای حال مردمی که در راه منافع شما تفدیهٔ[1] جان می‌نمایند غصه بخورید.

قسم بخدا نفعی از اینکار نخواهید برد به حرفهای مزخرف شرارت‌کاران گوش ندهید. تدبیری بنمایید که ایران را از این اوضاع خرابی و ویرانی رهایی دهید. بگذارید مملکت یك شاه و یك مجلس و یك طرز حکومت صحیحی داشته باشد. از رفتار شما فایده‌ای حاصل نخواهد شد، امورات تا ده روز دیگر بدتر خواهد شد. اگر اینطور بماند کار به انتهاء خواهد کشید. خداوند مملکت تاج و تخت را تصرف نموده و حال ملك و مجلس را اصلاح خواهد نمود. خوب است توسط شما اینکار به انجام رسد و این قشون که ده روز است مشغول حرکت می‌باشد به خانه‌های خود معاودت نمایند.

تمام ایران مال من نیست. از خود گمرکات یا بانك ندارم که اتصالا وجه مخارج این قشون را تحصیل نمایم. مخارج این قشون بر اهالی تحمیل خواهد شد چرا می‌خواهید این فقراء در صدمه و اذیت باشند؟ اگر می‌خواهید به‌تلگراف‌خانه‌آمده و من با شما مذاکره خواهم نمود و با یك هزار یا دو هزار سوار نزد محمدعلی‌شاه رفته و امور را به طریق دلخواه ترتیب خواهم داد. شاه قسم خورده است که نسبت به ایران اظهار مهربانی پدرانه بنماید و پس از آنکه به پایتخت رسید اینطور عمل خواهدکرد.

اگر جوابی از شما نرسد معلوم می‌شود که حرف مرا قبول ندارید شمادرخیال‌هستید کسی را به قصد کشتن من بفرستید یا آنکه شجاع‌السلطنه یا سردار محیی را تعیین نمایید با من بجنگند. خدا می‌داند اینکار حقه‌بازی شما است و باعث اضمحلال ایران خواهد گشت. چرا شما بر ضد اراده و نقشهٔ خدا کار می‌کنید؟ آنچه می‌نویسم ازصمیم قلب است اگر دشمنی را کنار بگذارید بر تمام شما حقانیت مطالب من مکشوف‌خواهد گشت.

بنابراین این تلگراف را برای تجربه مخابره نموده و سواد آن را برای قنسولهای کرمانشاه فرستاده‌ام. اگر امروز صبح از طرف شما جوابی نرسد فردا صبح حرکت

---

۱) تفدیه = چیزی برای رهائی خود دادن ـ فدیه دادن ـ م.

خواهم کرد. حال بسته به اختیار شما است.

میل من این است که مطبوعات‌دنیا این تلگراف را ملاحظه نموده و بدانند که من باعث خونریزی نشده‌ام و شما سبب آن بوده‌اید. سواد دیگری هم نزد علمای کربلاء فرستاده‌ام.

امضاء سالارالدولهٔ قاجار

نمره ـ ۳۶۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)

طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم ترجمهٔ اخطاریهٔ نایب‌السلطنه را به مجلس که در تلگراف ۱۳ ماه گذشتهٔ خود راپورت دادم که روز دوازدهم قرائت و باتفاق آراء تصویب گردید لفاً ایفاد دارم. من نیز ترجمهٔ پروگرام کابینه را که در اخطاریهٔ نایب‌السلطنه اشاره بدان شده بود لفاً ایفاد دارم.

این پروگرام بنا بود در ۲۶ اوت به مجلس عرضه گردد ولی همین‌که رئیس مجلس اعلام نمود می‌خواهد آن را جزو دستور آن روز قرار داده و طرفداران آن را خواهش به قیام نمود فقط دو نفر از وکلاء قیام نمودند. رئیس مجلس اهمیت تقویت کابینه را تأکید نموده و دوباره رأی گرفت و مثل سابق رد شد.

البته این مسئله خیلی اسباب رنجش کابینه شد و صدراعظم تهدید به استعفاء نمود و گمان می‌کنم وزیر امور خارجه و وزیر داخله استعفای خود را تقدیم نمودند ولی روز بعد عده‌ای از وکلاء صدراعظم را ملاقات نموده و به او اصرار نمودند به مقام خود باقی باشد و وعده دادند ترتیب کار را بدهند.

در ۲۸ ماه گذشته نایب‌السلطنه وکلای معتبر مجلس را به قصر سلطنتی احضار نموده و نطق سختی برای آنها ایراد نمود و نتیجه این شد که پروگرام مذکور مجدداً به مجلس عرضه گردیده در دوم ماه جاری به اکثریت آراء تصویب گردید.

در باب مادهٔ اول ممکن است مذکور دارم که مجلس قانون جدیدی برای انتخابات تدوین نموده به موجب آن انتخابات در عوض دو درجه بطور مستقیم بعمل‌خواهدآمد.

قبل از اینکه قانون جدید در مجلس تصویب شود به مجلس مشاوره‌ای که وزراء و سایر اعیان در آن عضویت خواهند داشت رجوع خواهد شد.

چنانچه ملاحظه می‌فرمایید به موجب مادهٔ دوم پروگرام مذکور به وکلای مجلس جدید از طرف ملت حق اصلاح قوانین اساسی داده خواهد شد.

تاکنون از این مسئله غالباً شکایت کرده‌اند که قوانین اساسی که در سال ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ تدوین شده و مخصوصاً در تدوین آن تضعیف شاه در مد نظر بوده از اقتدارات سلطان مملکت بسیار کاسته و اقتدار کامل به مجلس داده‌است و سلطان حتی‌حق‌انفصال

مجلس را نداشته است.

مواد سوم و چهارم و پنجم و نهم به طریق زیاده بر معمول مبنی بر تزیید اختیارات کابینه می‌باشد چنانچه به خاطر داریم اقتدارات کامله به کابینهٔ سپهدار داده شد و در همین اواخر مجلس اعلان اجرای قانون نظامی را در طهران تصویب نمود. تاکنون علائمی از اعمال اقتدارات مذکوره مشهود نگردیده و خیلی قابل ملاحظه است ببینیم کابینهٔ حاضره الحال که تقاضاهای دولت بیشتر از سابق بطور وضوح در پروگرام مذکور گردیده بیشتر از اسلاف خود اقتدارات مذکوره را اعمال خواهد نمود یا خیر.

مادهٔ هشتم در پروگرام‌های سابق هم قید شده بود ولی حالا که‌مسیو پرنی فرانسوی را که دولت ایران استخدام نموده‌اند وزارت عدلیه را معاونت نماید وارد شده است شاید اقدامی برای علاج نقایص حزن‌انگیز ادارهٔ عدلیه در ایران بشود که هم اسباب یأس و نومیدی خارجیهای مقیم این مملکت و هم ایرانیان شده است.

مادهٔ دهم مربوط به مناسبات خارجی است و مشعر بر میل کابینه است که‌طوری عمل نمایند که معاونت و اطمینان دول خارجه را جلب نمایند و بطور واضح تصریح نموده‌اند که همراهی و اطمینان بریطانیای عظمی و روس لازم می‌باشد تا اندازه‌ای که من می‌توانم تمیز بدهم وثوق‌الدوله ظاهراً از صمیم قلب مایل به انجام این پلتیك می‌باشد و شاید به همان اندازه که برای وزیر امور خارجه دیگری احتمال دارد برای او هم محتمل است تحصیل تقویت و حمایت مجلس را بنماید.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف ۱ نمرهٔ ۳۶۸

مرقومهٔ نایب‌السلطنه به مجلس

مجلس شورای ملی

مشروحه‌ای از هیئت وزراء عظام مبنی بر تصمیم خودشان در پلتیك خارجه و داخله به این‌جانب رسیده که دارای منتهادرجهٔ اهمیت است و چنانکه به تفاریق ایام مکرر خاطر نمایندگان محترم را متذکر مسائل اساسی داشته‌ام اینجانب را با عقیده‌ای که اظهار داشته‌اند کمال موافقت حاصل است. در این موقع‌هم باز ایفای‌وظیفهٔ‌خیرخواهی را واجب دیده مشروحهٔ مزبور را فوراً به مجلس شورای ملی ارسال و توجه کامل نمایندگان محترم را به مندرجات آن جلب می‌نمایم و مخصوصاً درخواست دارم نصایح خیرخواهانهٔ سابقهٔ اینجانب را بخاطر آورند که در این مدت چه در باب پلتیك داخله و چه در باب پلتیك خارجه اظهار داشته و همیشه آرزومند بوده‌ام که این مقاصد حسنهٔ اساسی بدست هیئت دولت جاری شده اهالی مملکت را از فواید مشروطیت‌کاملا بهره‌یاب کند و متأسفانه صورت‌پذیر نشده اینك نتایج وخیمه بواسطهٔ غفلت از مقتضیات حال مملکت به ظهور رسیده و مضرات و مخاطرات آن طوری محسوس است که حاجت به هیچگونه توضیح ندارد و البته تصدیق خواهند فرمود که در این حالت حالیه نه مجالی برای تسامح و غفلت باقی است و نه فرصت برای تحقیق علت غفلتهای سابق و فقط

آنچه در این موقع واجب است این است که هرچه زودتر نمایندگان محترم با موافقت وزرای عظام برای پلتیك داخله سبك و رویه‌ای اتخاذ نمایند که دوام حکومت مقتدرهٔ منصفه امکان‌پذیر بوده و بتواند مصالح حقیقی و فواید عموم را در نظرگرفته مقاصد ملت را به موقع اجراء بیاورد و البته فراموش نخواهند فرمود که در این مدت اختلافات و مداومت در نظریات و غفلت از عملیات قدرت دولت را طوری ضعیف نموده که غالب قوهٔ اجرائیه یا دچار بحران بوده یا در زمان قلیل بقای خود هم قوه نداشته و بکلی از وظایف خود بازمانده و امر منتهی به حالت حالیه گردیده و دوام آن منتج مضرات و مخاطرات است و اگر هرچه زودتر از تجربهٔ گذشته تنبه حاصل نگردد و موافق مقتضای حال مملکت تغییری در سبك و رویه داده نشود بلاشك موجب ندامت کلی خواهد شد. هکذا در باب پلتیك خارجه که نهایت ارتباط را با پلتیك داخله دارد و تفکیك آن بهیچ‌وجه ممکن نیست. همینقدر اجمالا خاطرنشان می‌کنم که باز برخلاف نصایح خیرخواهانهٔ متوالی اینجانب رویه و سبکی که مناسب حال مملکت و مقتضیات حالت حالیهٔ ما است اتخاذ نشده و در ازدیاد و تکمیل حسن مناسبات با دول متحابه اهتمامی که لازم بوده به ظهور نرسیده و بعد از ورود اینجانب از حسن مساعدتی که از طرف دول متحابه اظهار شد و اینجانب تشکر آن را نمودم بطوری که سزاوار بوده استفاده به عمل نیامده بنابراین اکیداً زحمت می‌دهم که تدارك این غفلت و مراقبت در تکمیل حسن روابط و استقرار اعتماد در مراودات با دول متحابه نهایت اهمیت را دارد و چون مندرجات این مشروحه مبنی بر کلیات مسائل است البته‌وزرای عظام طرحی را که برای حصول این هر دو مقصود مهم در نظر گرفته‌اند به تفصیله به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهند نمود.

امیدوارم که نمایندگان محترم اهمیت موقع را در نظر گرفته در تدارك مافات جد وافی نمایند زیرا که پیشرفت امور هیچ مملکتی خصوصاً این مملکت در حالت حالیه بدون حسن روابط خارجه امکان‌پذیر نیست و اگر خدای نکرده از اهمیت موقع و اهمیت این مسائل که تاکنون به‌کرات خاطرنشان شده صرف‌نظر شود صریحاً اظهار می‌دارم که موقع این جانب نیز دچار نهایت اشکال شده و دیگر وجهاً من‌الوجوه مقدور نخواهد بود که شاهد این حال ناگوار مملکت باشم.

ملفوف دو نمرهٔ ۳۶۸

پروگرام وزراء

نظر به لزوم شرکت دولت در مذاکرات راجع به قانون انتخابات‌که بایستی درمجلس تصویب شود وزراء در محاسن و معایب آن مداقهٔ تامه نموده و مجلس را از نظریات قطعی خود مستحضر خواهند داشت.

۲)۱ از آنجایی که در قوانین اساسی که حالیه مجری است فرازی مبنی بر جرح و

---

۱) بهمین‌گونه است در اصل و شمارهٔ ۱ ندارد ــ م.

تعدیل قوانین مذکوره شامل نیست و از آنجایی که از طرف دیگر دولت جرح و تعدیل آن را لازم می‌دانند قوهٔ مجریه در موقع انتخابات جدیده اعلانی صادر خواهد نمود که در صورتی که ملت با دولت در این موضوع توافق حاصل نمایند اختیارات اعضاء جدیدالانتخاب آنها را مجاز می‌دارد قوانین اساسی را جرح و تعدیل نمایند برای آنکه دولت بتواند میل ملت را از این بابت دانسته باشد همین که دو ثلث تمام اعضاء جمع شدند دولت این عده را کافی خواهد دانست که صلاحیت جرح و تعدیل را به آنها اظهار نماید و در موضوع لزوم یا عدم لزوم جرح و تعدیل رأی مثبت یا منفی آنها قطع عمل را خواهد نمود. در صورتی که اکثریت دو ثلث تمام اعضاء که جمع شده‌اند جرح و تعدیل را تصویب نمایند مثل این است که ملت آن را تصویب نموده باشند و شروع به مذاکره در آن خواهد شد.

۳) به ملاحظهٔ آنکه بایستی اختیارات کافیه به دولت داده شده و اقتداراتی که با مسئولیتهایی که بر خود گرفته مناسبت داشته باشد دارا باشد بطوری‌که بتواند منافع مملکت را در مد نظر داشته و در تزییه آنها بکوشد بهیچوجه من‌الوجوه نباید در معرض مداخلات اشخاص یا هیئت‌های غیرمسئول واقع شود.

در صورتی‌که این‌قبیل‌مداخلات بدون اطلاع اولیاء امور صورت فعلیت حاصل نموده یا به شکل اخبار جعلی جلوه‌گر شود یا آنکه بطریق اجتماعات سری بعمل آمده و باعث مشتبه نمودن امر بعامهٔ مردم یا بی‌اعتبارنمودن دولت شود دولت مختار خواهد بود که از اینگونه انتریگها جلوگیری نموده و مقصرین را تنبیه نماید.

۴) دولت اقدامات فوری برای تزییه قوای‌حکومت‌مرکزی و ممانعت‌از عدم‌مرکزیت و هرج و مرج خواهد نمود. برای حصول این مقصود لازم است قوانین انجمنهای ایالتی و ولایتی بنا به صوابدید مستشاران اروپائی که در استخدام دولت هستند جرح و تعدیل شود و تا زمانی که این جرح و تعدیل بعمل نیامده و صورت قانونیت پیدا نکرده نظر به اینکه قوانین راجعه بتشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار انفصال آنها را به دولت نمی‌دهد دولت مختار خواهد بود که در صورت لزوم اعمال این اقدام را بنماید.

۵) دولت مختار خواهد بود اشخاصی را که یا به واسطهٔ آنکه شرح قوانین اساسی تاکنون نوشته نشده و یا بواسطهٔ استخراج معانی متعدده از این قوانین استفاده نموده و انتظامات و امنیت عمومی را متزلزل نمایند و یا آنکه پای‌بند قوانین مبهم شده و باعث عدم پیشرفت اقدامات دولت شوند و یا آنکه در تعقیب منافع شخصی‌خود پای‌بندی به قوانین خارجه نمایند، در مورد مؤاخذه قرار دهد. دولت بایستی مختار باشد که از سوء استعمال قوانین که از سوء تعبیر آنها می‌شود جلوگیری نماید.

۶) برای استقرار نظم و امنیت مملکت که از مقاصد مهم هر دولتی است ایجاد یك قوهٔ کافی منظم و به همین‌طور تشکیل قوهٔ ژاندارمری در تحت صاحبمنصبان‌سوئدی لازم است. وظیفهٔ دولت است که برای انجام این مقصود هرگونه اقداماتی که لازم‌است نموده و هر نقشه‌ای را که برای تسریع و تکمیل این اقدامات مفید می‌دانند بایستی

به مجلس عرضه دارند تا تصویب گردد.

۷) دولت کم‌کردن و یا موقوف‌داشتن اداراتی را که من‌غیرلزوم از عدم تجربه ایجاد گردیده و برای احتیاجات حقیقی فایده ندارند پیشنهاد نموده و موقوف‌داشتن آنها را نظر به منافع اقتصادی و پیشرفت امور لازم می‌دانند.

۸) دولت مشغول تحقیق در مسئلهٔ اصلاح اساسی وزارت عدلیه می‌باشند و لایحهٔ قانونی در این موضوع به مجلس عرضه خواهند داشت. تا زمانی که این لایحه صورت قانونیت پیدا ننموده به دولت باید اختیار داده شود که هرگونه اقدامی که مناسب‌دانند در مورد ادارهٔ عدلیه بنمایند.

۹) تا زمانی که قانون جزائی از مجرای قانونی نگذشته دولت باید اختیار کامل داشته باشد که برحسب مواد قانون موقتی که شورای وزراء آنرا تصویب نمایند از جنایات جلوگیری نماید.

۱۰) این مسئله واضح است که پلتیك داخلی هر مملکتی تااندازه‌ای بسته ومربوط به پلتیك خارجی و مناسبات بین‌المللی آن می‌باشد و هرگاه یك طریقه و روش ساده و دوراندیشی اتخاذ نشود دولت حتی در پلتیك داخلی خود هم دچار اشکالات خواهد شد بنابراین دولت باید در مناسبات خود با دول متحابه و مخصوصاً با آنهایی‌که مناسباتش مهم‌تر می‌باشد پلتیکی اتخاذ نماید که همراهی و اطمینان آنها را جلب نماید. شرط اول پیشرفت این اقدامات دولت تقویت و قبولی عقاید عامه است.

نمره ـ ۳٦۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)

طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۹]

آقا

در باب مراسلهٔ ۹ اوت من در خصوص اوضاع طرق جنوبی افتخار دارم راپورت‌دهم که جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان در ۵ اوت راپورت داد که اوضاع راه شیراز الی اصفهان به همانطور خوب نیست و پستی که به شیراز می‌رفته در معیار سارقین آنرا زده و چند روز قبل از این واقعه هم در همین‌جا سرقتی به وقوع رسید و پستی که از شیراز به اصفهان می‌آمده در محل دیگر سارقین به آن حمله نموده‌اند. مستر گریهم اظهار داشت که اگرچه دزدیهای اخیر جزئی بوده‌اند ولی اثری که بر قاطرداران باقی گذارده‌اند آنقدر اسباب بیم و وحشت آنها شده که گویی سرقتهای مهم واقع گردیده است.

یك قافله مرکب از ۱۵۰ حیوان که مدتی از حرکت آن به تأخیر افتاده و محمول مال‌التجاره برای کمپانی ذیقلر [= زیگلر] بودند در ۵ اوت از شیراز به اصفهان ورود نمود. اگرچه سارقین در راه متعرض آنها نشده بودند ولی قاطرداران از وجوهاتی که مستحفظین راه از آنها گرفته بودند شکایت داشتند.

اخبار ثانوی از مستر گریهم مورخهٔ ۱۲ و ۱۹ ماه مشعر است بر اینکه سارقین راه شیراز را مابین اصفهان و قمشه اشغال نموده‌اند و قوافل محمول مال‌التجارهٔ انگلیسی به واسطهٔ عدم مستحفظین (که بنا بر خواهش جنرال‌قنسول یك دسته از آنها فرستاده شدند) معطل مانده بودند. سایر قوافل از بیراههٔ راه سرحد به اصفهان وارد شدند.

اما در باب راه بوشهر الی شیراز عبور و مرور قوافل مابین کمارج و کازرون بعلت جنگ مابین کمارجی‌ها و قشقاییها در واقع موقوف شده است.

اوضاع راه اصفهان الی طهران بدتر از همیشه بنظر می‌آید. علت عمدهٔ اغتشاش این راه حضور نایب‌حسین راهزن مشهور در حدود کاشان است که بختیاریهایی که از اصفهان حرکت کرده‌اند با او طرف می‌باشند.

عبور و مرور قوافل در راه اهواز هم موقوف می‌باشد و غارت کاروانسراها را تلگرافاً [= تلگرافی] بشما راپورت دادم. امیدواری هست که ترتیباتی که فعلا برای حفظ قوافل داده شده که یا بواسطهٔ مستحفظین اضافی از طرف خوانین بختیاری و یا بواسطهٔ مسلح نمودن خود قاطرداران حفظ شوند اسباب بهبودی اوضاع این راه خواهد شد.

راپورتهای اخیره از طرف قنسول اعلیحضرتی مقیم کرمان در خصوص اوضاع وحشت‌انگیز راه کرمان الی بندرعباس و سرقت‌هایی که در آنجا به وقوع رسیده است تلگرافاً [= تلگرافی] بشما اطلاع دادم.

مکتوبی از جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر رسیده راپورت می‌دهد که در عرض راههای تجارتی جنوب به انواع و اقسام راهها و اسمها از قبیل راهداری و غیره از مردم پول گرفته می‌شود. من مطالب را شفاهاً به اطلاع دولت ایران رسانیده‌ام و وعدهٔ اقدامات لازمه داده‌اند.

نباید این مطلب را در پرده بداریم که هم دولت مرکزی و هم مأمورین محلی فعلا قدرتی ندارند که اینکار را اصلاح نمایند.

من از ارسال پروتست رسمی برای دولت ایران استنکاف نموده‌ام مبادا این‌طور تصور کنند که بغیر از مسئلهٔ راهداری ما از بابت اوضاع راههای تجارتی شکایت دیگری نداریم.

امضاء جارج بارکلی

نمره ـ ۳۷۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)

طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۳ سپتامبر من ـ نایب‌حسین کاشان را قبضه نموده است.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۳۷۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]

وزیر امور خارجه مرا اطلاع می‌دهد که فرمانفرما به ایالت فارس تعیین شده و تا زمان ورود ایالت حکومت سپرده به یك کمیتهٔ محلی خواهد بود.

الحال کسی که صاحب قدرت باشد در شیراز نیست وعلائمی ازموافقت‌صولت‌الدوله و نظام‌السلطنه با تصمیم دولت مشهود نمی‌باشد.

مابین ایلیات هر روز مجادله واقع می‌شود و قشقاییها مرتکب هرگونه افعال تجاوزکارانه در شهر و حدود آن می‌شوند.

عدهٔ ایلیاتیهای قوام‌الملك و سایر همراهان مسلح او در شهر به دو هزار نفر می‌رسد. عدهٔ همراهان طرف مخالف هزار و سیصد نفر است.

نمره ـ ۳۷۲

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوبرن
وزارت خارجه ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]

جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر ارائهٔ طریق نموده است که در ضمن اقدامات دیگر، ما در بم ویس‌قنسولگری تأسیس و عدهٔ کافی مستحفظین در آنجا نگاه خواهیم داشت و مستحفظین سایر نقاط که اصفهان هم که جزو منطقهٔ نفوذ روس است جزو آن باشد زیاد خواهد شد.

هر قدر زودتر ممکن است به دولت‌روس اطلاع دهید که این اقدامات ممکن است لازم باشد و امیدواریم دولت مشارالیها اعتراضی بر افزایش مستحفظین اصفهان که برای پیشرفت نقشه لازم است نخواهند داشت.

روی‌هم‌رفته دویست نفر مستحفظین اضافی برای بم و شیراز و یکصد نفر برای سایر نقاط خواهد بود.

دولت اعلیحضرتی مایل می‌باشند از هرگونه تصرفات نظامی در ایالات و ولایات جنوبی که متضمن اعمال قشون زیاد باشد احتراز نمایند و اقدام فوق‌الذکر کمترین اقدامی است که بنمایند. فقط مقصود ما این است تجارت انگلیس را که خسارت زیاد بدان وارد آمده حفظ نماییم.

نمره ـ ۳۷۳

مکتوب سر ادوارد گری به مستر اوبرن
وزارت خارجه ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]
آقا

در باب تلگراف امروز خود بایستی به شما اطلاع دهم که امروز به کنت بنکندرف

اظهار نمودم تاکنون از بابت توقیف مال‌التجارهٔ انگلیس در جنوب ایران شکایات بسیار رسیده دولت روس در نقاط شمالی ایران قشون فرستاده و راه‌های آنجا را مفتوح داشته‌اند و یحتمل تجارت روس منافعی حاصل نمود که ما به واسطهٔ مسدود بودن راه‌های تجارتی جنوب از دست دادیم.

من با وجود این مایل به‌اعزام‌قوهٔ نظامی به ایران نبودم. ما مثل دولت روس این کار را بآسانی نمی‌توانستیم بکنیم قشون ما بایستی از راه دریا برود ولی من در خیال بودم بر عدهٔ مستحفظین قنسولخانه‌های جنوب بیفزاییم و این کار را هم در اصفهان که در منطقهٔ نفوذ روس است به انجام رسانیم. من مشغول‌تلگراف‌نمودن به‌سنت‌پطرزبورغ و توضیح موقع می‌باشم.

کنت بنکندرف اظهار داشت تصور می‌کند ما در خیال هستیم بر عدهٔ مستحفظین موجوده در اصفهان اضافه نماییم و من اظهار داشتم بله همینطور است.

امضاء گری

نمره ـ ۳۷٤

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)

طهران ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۲ شوال ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۵ سپتامبر من:

نایب‌حسین ده نفر از قزاقان روسی را اسیر نموده و آنها را در کاشان توقیف‌نموده است و آنها را بطور گروی نگاه داشته است تا آنکه دولت ایران بعضی از تقاضاهای او را قبول نماید.

نمره ـ ۳۷۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)

طهران ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۲ شوال ۱۳۲۹]

از چند روز به این‌طرف شهر یزد در تصرف شورشیان بوده چندین نفر از مأمورین در ویس قنسولگری بست اختیار نموده‌اند.

دولت ایران منتظر اقدامات ایالت جدید برای اعادهٔ نظم در حین عبور خود از یزد می‌باشند.

نمره ـ ۳۷۶

تلگراف مستر اوبرن به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)

سنت پطرزبورغ ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۲ شوال ۱۳۲۹]

ایران ـ مسیو نراتوف امروز در ضمن صحبت اشاره به مسئلهٔ تعیین ماژور

استوکس نمود.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اشعار داشت که اعتراضات دولت متبوعهٔ وی برعلیه [= علیه] تعیین استوکس برای تشکیل هر قسم قوهٔ ژاندارمری در طهران طوری است که رفعش ممکن نمی‌باشد حتی اگر مدت تعیین وی هم قلیل باشد تعیین استوکس لزوماً فرماندهی موقتی عدهٔ زیادی را در خود مرکز به او خواهد داد.

در این ضمن من دریافتم که در صورتی که نقشهٔ استخدام صاحبمنصبان سوئدی برای تشکیل ژاندارمری به انجام رسد ممکن است دولت روس اعتراضی نخواهندداشت که استوکس یك قوهٔ ژاندارمری در اصفهان یا در حوالی آنجا تشکیل دهد البته به‌شرط آنکه فرماندهی هر قسمتی از آن قوه که بایستی بسمت شمال ایران اعزام شود به صاحبمنصبان ایرانی یا یك دولت بیطرفی واگذار شود. من حالا نمی‌توانم عقیدهٔ خود را در باب پیشرفت عملی چنین نقشه‌ای اظهار نمایم.

نمره ـ ۳۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ سپتامبر)

طهران ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]

شیراز ـ بانك محلی بنا به اجازهٔ من از صولت‌الدوله درخواست نمود مستحفظ همراه نقدینه‌ای که در اصفهان جداً لازم داشتند بفرستد. صولت‌الدوله در جواب‌گفت که قبل از قبول اینکار بایستی صبر کرده ببیند اوضاع حاضره بر کیفیت راه چه اثری خواهد بخشید و علاوه بر این اظهار داشت که او کلیهٔ مسئولیت راه بوشهر را از دوش خود برداشته.

کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد یکی از رؤسای قشقایی که تازه طغیان نموده راه مذکور را اشغال نموده است.

نمره ـ ۳۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ سپتامبر)

طهران ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]

لفتنان ویلسن پس از انجام مشاغل خود به شیراز رسیده. سارقین قشقایی در پل فسا آنچه داشته برده و با او بطور بد سلوك نموده‌اند. او یك شب آنجا توقیف‌بود و پس از رجوع به صولت‌الدوله او امر داد تمام متعلقات او را که برده شده بود مسترد گردد و تقریباً تمام آن مسترد شد و قشقاییها تا قنسولخانه همراه او آمدند. از قراری‌که مذکور می‌دارد در منزل آخری راه قشقاییها دهاتیان را باکمال بیرحمی‌غارت کرده و هرگونه زیاده‌رویها در حق آنها معمول می‌داشتند. من در باب جبران اینها با کفیل قنسولگری اعلیحضرتی مشغول مشورت می‌باشم.

نمره ـ ۳۷۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ سپتامبر)
طهران ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]
کفیل قنسولگری شیراز راپورت می‌دهد که صولت‌الدوله فعلا با فرمانفرمای جدید در عمارت حکومتی هم‌منزل می‌باشند.

نمره ـ ۳۸۰

مکتوب سر ادوارد گری به میرزامهدی‌خان
وزارت خارجه ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]
آقا
در جواب مکتوب ۱۶ شهر جاری شما در خصوص دستگیری سرحددار در بندرجز، افتخار دارم شما را مستحضر بدارم که مأمور مذکور و همراهان او از قراری که سفیر روس مقیم طهران اطلاع داده به بعضی از اتباع روس حمله نموده و آنها را غارت نموده‌اند و مأمورین محلی استراباد کـه آنها را بـرای تحقیق مطلب احضار نموده‌اند از حضور بهم‌رسانیدن در آنجا سر باز زده‌اند. آژانس قنسولگری روس برحسب امر قنسول روس مقیم استراباد شخص مقصر را دستگیر و به مأمورین محلی استراباد سپرده است. سفیر روس علاوه بر این اظهار می‌دارد که دستهٔ سرحددار که از تجار معتبر نمی‌باشند به آشورادہ فرستاده شده‌اند که در آنجا توقیف باشند تا تحقیق بعمل آید.

امضاء گری

نمره ـ ۳۸۱

مکتوب ادارهٔ خارجهٔ هند به‌وزارت خارجه (واصله ۲۹ سپتامبر)
معاون وزیر هند به معاون وزیر امور خارجه سلام رسانیده و برای استحضار خاطر جناب وزیر امور خارجه سواد تلگراف مورخهٔ ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۱ فرمانفرمای هند را راجع به تزیید مستحفظین قنسولخانهٔ شیراز ایفاد می‌دارد.
ادارهٔ هند ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۵ شوال ۱۳۲۹]

ملفوف نمرهٔ ۳۸۱

تلگراف حکومت هند به مارکس اف کرو
۲۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۵ مهر ۱۲۹۰؛ ۴ شوال ۱۳۲۹]
تزیید مستحفظین قنسولخانهٔ شیراز
تلگراف ۲۵ ماه گذشتهٔ خود را ملاحظه نمایید.
به قنسول مقیم بوشهر بر وفق تعلیمات شما دستورالعمل داده شد که در صورتیکه

یك دستهٔ کوچکی بتوانند به امنیت حرکت کنند ترتیباتی داده شود که ۲۲ نفر دیگر همراه کلنل نوئل معاون دوم قنسولخانه به شیراز اعزام شوند. قونسول آنجا هنوز صلاح ندانسته است این‌دسته حرکت نمایند بعلت ناامنی‌راه و اوضاع شیراز با این اوضاع ما بنا بر موافقت قنسول تصمیم نموده‌ایم که نصفهٔ دستهٔ هفتم را چپوتها در تحت صاحبمنصب انگلیسی به بوشهر بفرستیم که در حدوث موقع حاضر برای برقراری بجای مستحفظین شیراز باشند چرا که تمام مستحفظین شیراز در آخر ماه دیگر مدت خدمتشان سپری شده و بایستی آنها را از خدمت معاف نمود.

نمره ـ ۳۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ سپتامبر)
طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۵ شوال ۱۳۲۹]
شیراز

صولت‌الدوله محل قوامیها را در ۲۷ سپتامبر بمباردہ نمود ـ جنگ سختی درگرفت و از قرار معلوم صدمات زیادی به قشقاییها وارد آمد.

نمره ـ ۳۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ سپتامبر)
طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۵ شوال ۱۳۲۹]
اوضاع شیراز ـ راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر من:

مستر ناکس راپورت می‌دهد که صولت‌الدوله در جواب انتباه‌نامهٔ من اظهار مقاصد مسالمت‌آمیز و بستگی خود را به دولت اعلیحضرتی نمود و خواهش کرد که فیمابعد توسط کارگذار [= کارگزار] با او مراسله و مکاتبه شود.

به مستر ناکس اطلاع موثق رسیده است که صولت‌الدوله مراسلهٔ مرا بطور تحقیر پذیرفته است.

نمره ـ ۳۸۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ سپتامبر)
طهران ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۷ مهر ۱۲۹۰؛ ۶ شوال ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۲۹ سپتامبر من:

کفیل قنسولگری راپورت می‌دهد که هزار و پانصد نفر بکمك دستهٔ قوامیان آمده‌اند و تمام قشقاییها را از سنگرهای خود در خارج شیراز بیرون کرده و بعضی از محلات مستحکمهٔ شهر آنها را هم قبضه نموده‌اند. صولت‌الدوله نزد قوام فرستاده است که قرار و مدارى برای صلح بدهد.

خاتمة

چون در دیباچهٔ کتاب سهواً نگارش رفته که جناب آقای تمدن‌الملك به ترجمهٔ تمام این کتاب پرداخته‌اند لهذا محض استحضار خاطر محترم قارئین عظام عرض می‌شود که از صفحهٔ یك الی صد و پنجاه و پنج ترجمهٔ جناب مشارالیه و از آنجا تا آخر ترجمهٔ اینجانب میرزا حسن‌خان اصفهانی است.

نظر بمعارف‌پروری و میل مخصوص حضرت مستطاب اشرف امجد آقای سردار اسعد دام اقباله‌العالی و مقصود عمده‌ای که برای بیداری حس ایرانیان و ابنای وطن همیشه منظور نظر مقدس ایشان بوده و هست به طبع کتب آبی انگلیسی که اصح تواریخ دورهٔ مشروطهٔ آن مملکت است مجدانه اقدام و چند کتاب آنرا از طبع خارج فرموده اینك کتاب سیم را نیز به دستیاری جناب آقای حاجی‌میرزا علی صراف‌اصفهانی به حلیهٔ طبع آراسته قیمت شش‌قران است طالبین به کتابخانهٔ ألفا در خیابان لاله‌زار و تجارتخانهٔ شخص حاج‌میرزا علی‌آقا و کتابخانهٔ تربیت مراجعه فرمایند.

www.adabestanekave.com

فهرستها*

۱) در این فهرستها اعلام مربوط به مجلدات اول تا چهارم یکجا تنظیم شده است و برای سهولت مراجعه شمارهٔ هر جلد را قبل از ذکر شمارهٔ صفحات مربوط در [ ] قرار داده‌ایم.

۲) در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه‌ها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

نامهای کسان

یادآوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده می‌شود که بنظر می‌رسد باید مربوط به یك شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در یك ردیف فهرست‌بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانهٔ آشکاری در دست نبود که بی‌گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به یك نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین‌رو آنها را به همان‌گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

آجودانباشی [ج ۴] ۷۰۰
آصف‌الدوله [ج ۱] ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۴۳۱، ۵۲۳، [ج ۳] ۵۹۶، ۶۰۳، ۶۱۴، ۶۲۹، ۶۳۰، ۷۱۳، ۷۱۴، [ج ۴] ۸۳۳
آقا احمد یزدی [ج ۳] ۷۱۲
آقا باقر [ج ۳] ۷۳۱
آقاخان (سلطان محمدشاه) [ج ۴] ۷۹۳ـ ۷۹۵
آقازاده (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶
آقا سید جمال‌الدین واعظ [ج ۱] ۴۰، ۴۱، ۲۱۶
آقا سید عبدالله [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۳۰
آقا سید عبدالله مجتهد [ج ۱] ۸، ۹، ۱۱، ۲۲، ۷۷، ۷۸، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۳۷، ۲۳۸، [ج ۴] ۹۰۶، ۹۲۸
آقا سید محمد (طباطبائی) [ج ۱] ۱۵۴
آقا سید محمد مجتهد [ج ۱] ۱۱، ۲۴،

۲۷، ۴۰، ۴۲، ۱۳۰، ۱۵۶
آقا شیخ نورالله [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۸۲، ۸۲
آقا صدر [ج ۴] ۷۹۸
آقا محمدمهدی [ج ۱] ۴۶
آقانجفی [ج ۱] ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۵۴، ۷۳، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۹، ۵۲۳، [ج ۴] ۸۲۲
آقا نورالله [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۳] ۷۱۰، [ج ۴] ۸۹۲، ۹۵۶
آکانر نك: اوکانر

ابراهیم (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴
اتابك [ج ۱] ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۶۰، ۷۶، ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۰، ۱۴۱، [ج ۴] ۹۰۶
اتابك اعظم [ج ۱] ۴۱، ۴۳، ۴۸، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۹۴
اجلال‌الملك [ج ۲] ۳۸۷، [ج ۳] ۵۴۶، ۵۶۶، ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۰۱
احتشام‌السلطنه [ج۱] ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۶ ـ ۱۷۸، ۲۶۴، [ج ۳] ۷۲۷
احمد (سلطان احمد) [ج ۳] ۶۸۵، [ج ۵] ۱۲۰۱
احمدخان [ج ۳] ۷۱۶
احمدخان میرشکار [ج ۴] ۸۶۴
احمدشاه (سلطان احمدشاه) [ج ۳] ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۸۴، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۳۴، ۷۴۳ (نك: ولیعهد)
احمدمیرزا (سلطان احمدمیرزا) [ج ۱] ۲۰، [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۸۹
ادواردز (ژنرال) [ج ۵] ۱۱۱۲
ادوارد هفتم (پادشاه‌انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴، ۸۵۵
ادیب‌التجار [ج ۱] ۳۵
ارباب رستم [ج ۳] ۷۸۷
ارباب فریدون [ج ۱] ۱۷۸
ارشدالدوله [ج ۳] ۷۵۶، [ج ۵] ۱۱۹۵، ۱۲۱۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳
اسپرینگ‌رایس (سر) [ج۵] ۹۷۶، ۹۸۷
استد [ج ۱] ۱۸۸
استراگراوسکی ـ استروگراتسکی [ج ۱] ۳۰۰، [ج ۲] ۴۰۶، ۴۱۹
استروس [ج ۳] ۷۶۲
استوارت (استووارت) [ج ۱] ۷۰
استوپولو (سر ـ مسیو) [ج ۵] ۱۱۶۳
استوکس(ماژور) [ج ۱] ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۲۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۲۳، [ج ۲] ۴۷۲، [ج ۳] ۵۸۹، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۵۱، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۰، ۷۰۵، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۴، ۷۴۷، ۷۶۵، [ج ۴] ۹۱۷، ۹۱۹، ۹۴۲، [ج ۵] ۹۷۷، ۱۱۰۳، ۱۱۰۵، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶، ۱۱۴۲ ـ ۱۱۴۶، ۱۱۴۹، ۱۱۵۵، ۱۱۵۹، ۱۱۶۴ ـ ۱۱۶۶، ۱۱۶۸ ـ ۱۱۷۱، ۱۱۷۳ـ ۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۲۵ ـ ۱۲۲۸، ۱۲۴۴
استیونس ـ استه‌ون ـ استونز ـ استونس [ج ۱] ۵۳، ۱۱۰، ۲۳۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۸، [ج ۴] ۹۰۷، [ج ۵] ۱۰۹۹

اسدالله [ج ۳] ۶۰۰، ۷۰۴، ۷۲۹، ۷۴۵
اسدالله‌میرزا ـ شاهزاده اسدالله‌میرزا
[ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۳، ۷۷۸، ۸۶۸، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۶
اسدالله (یاور) [ج ۲] ۵۳۱
اسکات (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۷۱۹، [ج ۵] ۱۰۱۱
اسکلی (دکتر) [ج ۱] ۱۴۱
اسکندرخان (پسرسردارظفر) [ج ۴] ۹۳۰
اسمارت [ج ۱] ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲، [ج ۳] ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵، ۸۳۶، ۸۶۵، ۹۴۶، ۹۶۰، [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۲۹، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲
اسماعیل‌خان (دکتر) [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۱۹۷
اسمیت (سی. اس) [ج ۴] ۸۰۶، [ج ۵] ۱۰۸۵
اسمیرنوف [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۸۹۹
اسنارسکی (ژنرال) [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۸، ۷۶۱
اسیکك (مسیو) [ج ۵] ۱۰۳۰
اصغرخان [ج ۱] ۲۴۹
اعتمادالذاکرین [ج ۲] ۵۲۹
اعدل‌الدوله [ج ۲] ۵۳۱
اعزازالممالك [ج ۲] ۴۲۶
افتخارالتجار [ج ۱] ۱۴۰
اقبال‌الدوله [ج ۱] ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۸
اقبال‌السلطنه [ج ۲] ۳۸۹
اقتدارنظام [ج ۱] ۲۸۲
اکبرمیرزا [ج ۱] ۲۴۹
اکبرخان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
اکرم‌السلطان [ج ۱] ۵۲
اکتور (دکتر) [ج ۱] ۲۸۲
اکزامپلاروف [ج ۳] ۶۰۶
الکسیس (گراندوك) [ج ۲] ۳۳۸، ۳۶۱
ام‌الخاقان [ج ۳] ۷۸۶
امام‌جمعه [ج ۲] ۳۴۶، [ج ۳] ۶۹۰، ۷۴۴
امام‌جمعهٔ خوی [ج ۱] ۹۹
امام‌زاده [ج ۳] ۶۹۰
امامقلی‌خان [ج ۳] ۷۳۰
امامقلی‌میرزا [ج ۱] ۲۲، ۲۳، [ج ۲] ۴۸۲
امان‌الله‌خان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۵
امان‌الله‌میرزا [ج ۵] ۱۰۹۶؛ شاهزاده امان‌الله‌میرزا [ج ۵] ۱۲۰۶
امیراسعد (پسر سپهدار) [ج ۵] ۱۰۳۷
امیراعظم [ج ۱] ۹۰، ۹۲، ۱۲۶، [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱
امیر افخم [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲
امیرالممالك [ج ۵] ۱۱۲۹، ۱۱۳۹
امیربهادر ـ امیربهادرجنگ [ج ۱] ۴، ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۲۱، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۶، ۳۸۰، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۶۹، ۴۷۵، ۵۰۲، ۵۳۸، [ج ۳] ۵۵۱ ـ ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۲۲، ۶۲۹، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۳ ـ ۶۴۵، ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۵۶، [ج۵] ۱۱۰۶، ۱۱۹۶
امیرتومان ـ امیرتومان سوادکوهی (اسماعیل‌خان) [ج ۵] ۱۰۱۲
امیرجنگ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۲۱
امیرحشمت [ج ۵] ۱۰۱۱

امیرخان سردار [ج ۵] ۱۰۵۶
امیر سیف‌الدین‌میرزا [ج ۴] ۸۱۲
امیر عشایر [ج ۴] ۸۹۱
امیرمجاهد بختیاری [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳
امیر مفخم ـ امیر مفخم بختیاری [ج ۳] ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۹۰۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷، ۹۵۸، [ج۵] ۱۰۵۷، ۱۱۹۳، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳، ۱۲۳۲ـ۱۲۳۴
امیرمکرم [ج ۲] ۴۶۹، [ج۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۷۴، ۱۰۹۷، ۱۲۱۴، ۱۲۳۲
امیرنظام [ج ۳] ۵۶۱، ۷۰۷
امین‌الدوله [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۲۰۵
امین‌السلطان [ج ۱] ۳۲، ۳۶
امین‌الممالک [ج ۴] ۷۶۸
امین‌دربار [ج ۳] ۶۷۴
انتظام‌الملک [ج ۱] ۱۸۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۴] ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۷
اوبرن (اوبرون ـ ابیرن ـ اپرون) [ج ۳] ۵۸۴ ـ ۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱ ـ ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۶۴ـ۶۶۶، [ج ۴] ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰ ـ ۸۶۳، ۸۹۶، ۸۹۸ـ۹۰۱، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج ۵] ۱۲۲۲، ۱۲۴۳
اورنو [ج ۳] ۶۸۱، ۶۸۲
اوکانر ـ اوکونر ـ اوکونار (ماژور) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۲۱، [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷
ایزولسکی ـ ایس‌ولسکی ـ ایزوالسکی ـ ایسوولسکی [ج ۱] ۱۴، ۱۸، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، [ج ۲] ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۷، ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۷۴، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۳، [ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۷، ۶۰۹، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۹۲، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۲، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۳، ۸۸۲، ۸۹۶، [ج ۵] ۱۱۸۳
ایل‌بیگی [ج ۳] ۶۳۱

بارکر [ج ۱] ۱۴۲
بارکلی (سر جرج) [ج ۲] ۳۳۶، ۳۵۰، ۳۹۱، ۴۱۶، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲، ۴۷۳، ۴۹۸، ۵۱۲، [ج ۳] ۵۵۴، ۶۵۳، ۶۶۴، ۶۹۴، ۶۹۷، ۷۱۷ ـ ۷۱۹، ۷۲۶، ۷۳۵، [ج ۴] ۸۲۹، ۸۳۷، ۸۵۹، ۹۰۱، [ج ۵] ۹۷۵، ۹۸۷، ۱۰۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۴۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۱، ۱۱۷۳، ۱۱۷۸، ۱۱۸۰، ۱۱۸۳، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷

بارانوسکی ← بارناوسکی ← بارن‌اوسکی ← بارانوفسکی [ج ۱] ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۸۳، [ج ۲] ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۵۲۶، ۵۲۹، [ج ۳] ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۹، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۸۲ـ۶۸۴، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۲۲، [ج ۴] ۹۲۳
بارون استواك (مصباح‌السلطان) [ج ۳] ۷۵۶
باسکرویل [ج ۳] ۵۹۳
باقر (دررودی) [ج ۴] ۷۹۴
باقرخان [ج ۲] ۳۸۷، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳، [ج ۳] ۵۵۶ـ۵۵۸، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۱۸، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲، ۷۰۱، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۸۱۴، ۸۱۶ـ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴ـ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶ـ۹۱۹، ۹۲۸، [ج ۵] ۱۱۵۲
باکالی [ج ۳] ۶۸۸
باکر [ج ۳] ۶۸۷، ۷۱۹
بانوی عظمی [ج ۱] ۲۳۷
بخشو (حسن) [ج ۳] ۷۱۶
برایس (جیمز) [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷
برتی (سر فرانسیس) [ج ۵] ۹۸۵
برن‌هم ← بارنهام [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۶۹، ۷۰
برون [ج ۱] ۷۰
بریوت (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
بشیر خاقان [ج ۳] ۶۴۹
بلارانوف [ج ۱] ۶۴
بلك (لفتننت) [ج ۱] ۱۲۷
بلك‌من [ج ۱] ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۲] ۳۸۴، [ج ۴] ۸۷۱
بنکن‌دورف (کنت) [ج ۱] ۲۹۷، ۳۰۸، [ج ۲] ۳۹۳، ۵۰۹، [ج ۳] ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۲۸، ۷۳۴، ۷۳۵، [ج ۴] ۸۴۰، [ج ۵] ۱۱۲۶، ۱۱۴۳ ـ ۱۱۴۵، ۱۱۸۹، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳
بومن [ج ۱] ۸۲
بهاءالسلطنه [ج ۴] ۹۶۰، ۹۶۱
بهاءالواعظین [ج ۱] ۲۶۲
بهادرالسلطنه [ج ۲] ۳۸۸
بهادرالملك [ج ۵] ۱۲۰۷
بهبهانی [ج ۳] ۶۹۰
بهرام‌خان [ج ۴] ۸۱۲، [ج ۵] ۱۰۱۴، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۴؛ برادر بهرام‌خان [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۰۹۹
بهرام‌میرزا [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸، [ج ۳] ۷۱۳
بیزو ← بیزوت [ج ۱] ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۸۱ ـ ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹ـ۲۶۱، ۲۶۶، ۲۶۸ـ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، [ج ۲] ۳۵۸، ۳۷۶، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۱۹، ۴۵۷، ۴۵۸، [ج ۴] ۷۷۵، ۸۲۵، ۸۴۹، [ج ۵] ۱۱۲۰
بیگلربیگی (نصرالدوله) [ج ۲] ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۶۸، [ج ۳] ۶۰۰، ۶۴۷
بیل [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۹، ۶۰۲ـ۶۰۴، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۵۰، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰، ۸۰۳، ۸۰۷، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۶، ۹۵۷
بیوکانان (سر) [ج ۵] ۹۹۰، ۱۰۰۰، ۱۰۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۴۱، ۱۱۰۵، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۲۲ـ۱۱۲۷، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷، ۱۱۳۹ـ

۱۱۴۱، ۱۱۴۴، ۱۱۶۴، ۱۱۶۶،
۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳،
۱۱۷۶، ۱۱۸۱ ـ ۱۱۸۵، ۱۱۸۸،
۱۱۸۹، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲
بیوك‌خان (پسر رحیم‌خان) [ج ۱] ۵۱،
۵۳

پاری [ج ۱] ۲۸
پاسك [ج ۳] ۷۶۵، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۸۷،
۷۹۰، [ج ۵] ۹۹۷
پاسکوویل (پاسکرویل؟) [ج ۳] ۵۹۳
پاکلوسکی ـ پاکـلاوسکی [ج ۳] ۶۹۲،
۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۵۳، ۷۵۶،
۷۵۷، ۷۶۶، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۵،
۸۰۷، ۸۳۹، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۲،
۸۶۱، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۸۱ ـ ۸۸۳،
۸۸۶، ۸۹۹، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۲۲،
۹۲۷، ۹۳۵، [ج ۵] ۹۸۰، ۹۸۸،
۹۹۰، ۹۹۳، ۱۰۰۶، ۱۱۰۲،
۱۱۱۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۳۰،
۱۱۳۸، ۱۱۸۴، ۱۱۸۹، ۱۲۱۰
پالکونیك ـ پالکونیك‌وادبولسکی (پرنس)
[ج ۴] ۸۹۵، ۹۱۵
پتروف [ج ۴] ۹۷۰
پرنی (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۷
پرویز [ج ۱] (نك: شاه جهان)
پری‌بینی‌زوف (کـاپیتان) [ج ۳] ۶۴۳،
۶۸۷، ۷۰۶
پریم [ج ۱] ۲۵، ۴۲
پسر داودخان کلهر [ج ۳] ۷۱۱
پسر رحیم‌خان [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۰،
۹۳۸، ۹۴۳، ۹۵۵، ۹۵۶ (نـك:
بیوك‌خان)
پسر سردار اسعد [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷
پسر ظل‌السلطان [ج ۳] ۶۶۴، ۶۶۵
پسر نایب‌حسین [ج ۴] ۹۵۷، ۹۵۸
پطروف [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۵، ۹۹۹
پوتك (ادوارد) [ج ۵] ۱۱۷۲
پیترز (سیرجنت) [ج ۵] ۱۰۹۸
پیترسن (لفتنان) [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸

تاجرباشی ـ تاجـرباشی روس [ج ۳]
۵۹۳، [ج ۴] ۹۳۸، [ج ۵] ۱۱۶۳
ترور (کاپیتان ـ میجر ـ مسیجر؟) [ج
۲] ۴۶۶، [ج ۴] ۸۲۰
تزار [ج ۳] ۶۲۱، ۶۲۷
تقی‌زاده [ج ۱] ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸،
۱۵۴، ۱۶۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۸،
۲۳۹، ۲۴۵، ۲۶۲، ۲۶۳، [ج۳]
۵۵۰، ۵۷۱، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹،
۷۰۸، ۷۰۹، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸،
۸۴۵، ۸۹۰، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۵،
۹۰۶، ۹۱۴، ۹۳۰، [ج ۵] ۱۰۳۶
تمدن‌الملك [ج ۵] ۹۷۳، ۱۲۴۷
تومانیانس [ج ۵] ۱۲۱۹
تیمورخان [ج ۱] ۱۵۷

ثقة‌الاسلام [ج ۲] ۴۸۸، [ج ۳] ۵۹۱
ثقة‌الملك [ج ۴] ۸۱۸، ۸۲۱

جلال‌الدوله [ج ۱] ۹۰، ۲۱۴، ۲۱۵،
۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۴] ۶۹۱،
۹۶۶، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵،
۹۹۹، ۱۰۵۷
جنتلمن [ج ۴] ۸۰۶

جواد خان [ج ۴] ۸۳۶
جوجو (ججو) [ج ۵] ۱۰۳۸
جولد (گولد) برانـد (لفتنان) [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸
جهانگیرخان (صوراسرافیل) [ج۱] ۲۳۹، ۲۴۶
جیمز ــ جیمس [ج ۳] ۷۳۱، [ج ۴] ۸۰۶
جیهند ــ جهیند [ج ۴] ۸۱۲، ۹۶۰

چرچیل [ج ۲] ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۵۴، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۴۵۹، ۵۲۶، [ج ۳] ۵۵۱ـ۵۵۴، ۵۹۹، ۶۰۸، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۸۱، ۶۸۳، ۶۸۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۲۲، ۷۲۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۸۲۶، ۹۲۳، [ج ۵] ۱۰۲۰، ۱۰۳۳، ۱۰۹۱
چریکوف (چاریکوف) [ج ۱] ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴ـ۲۹۹، ۳۰۷، ۳۰۸، [ج ۲] ۵۱۵، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۷۵
چیك [ج ۳] ۶۶۰، ۶۶۳، [ج ۵] ۱۱۹۵

حاج سید نصراله [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳
حاج شیخ‌الرئیس [ج ۴] ۹۲۹
حاج‌میرزا رضاخان [ج ۴] ۷۷۸
حاجی آخوند (مجتهد) [ج۴] ۷۹۵
حاجی‌آقا [ج ۴] ۹۳۷
حاجی‌آقا محسن (اراکی) [ج ۱] ۵۵
حاجی ابراهیم [ج ۳] ۶۰۲
حاجی ایلخانی [ج ۵] ۱۰۲۳
حاجی خسروخان [ج ۳] ۷۶۲
حاجی رستم‌بیگ [ج ۵] ۱۰۳۹
حاجی رحیم‌خان [ج ۲] ۵۳۰
حاجی سیف‌الدوله [ج ۳] ۷۶۵
حاجی شیخ محمد واعظ [ج ۱] ۹، ۱۱
حاجی علی‌آقا [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۳] ۵۶۹، ۶۰۳
حاجی علی لاری [ج ۳] ۶۵۱
حاجی قوام [ج ۵] ۱۲۰۷
حاجی مجدالدوله [ج ۳] ۷۰۷، [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۲۰۵
حاجی‌محمد (درورودی) [ج ۴] ۷۹۵
حاجی محمدباقر (درورودی) [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۳۰
حاجی محمدحسین کازرونی [ج ۱] ۳۵
حاجی محمدکریم‌خان (قشقائی) [ج ۵] ۱۰۵۸
حاجی میرزا آقاسی [ج ۱] ۹
حاجی میرزارضاخان [ج ۵] ۱۰۵۵
حاجی میرزا علی صراف اصفهانی [ج۵] ۱۲۴۷
حاجی‌نایب [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸، [ج ۲] ۵۳۱
حبیب‌الله‌خان [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۴] ۹۶۰
حسام‌الدوله [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۸، ۷۲۹
حسن بخشو (نك: بخشو)
حسن (وثوق‌الدوله) نك: وثوق‌الدوله
حسین (پسر نایب‌الصدر) [ج ۱] ۲۸۶
حسین‌خان کسمائی [ج ۳] ۷۴۴
حسینقلی [ج ۳] ۷۰۴
حسینقلی‌خان [ج ۳] ۷۴۱، [ج ۴] ۸۴۵، ۹۰۶، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۴۴، ۹۵۰، ۹۵۳، ۹۵۶، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۷، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶
حسینقلی‌خان نـواب [ج ۱] ۹۲، ۲۴۶،

[ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷،
[ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰
حسینقلی شاهسون [ج ۵] ۱۰۳۷
حشمت‌الدوله [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۳
حشمت‌الملك [ج ۱] ۳۵، [ج ۵] ۱۰۳۸،
۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱۵۳،
۱۲۰۷، ۱۲۳۱
حشمت‌الممالك [ج ۴] ۸۳۴
حکیم‌الملك (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷،
[ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰، ۹۰۶، [ج ۵]
۱۲۰۵
حمیدی [ج ۱] ۱۶۷
حیدرخان کمارجی [ج ۳] ۷۶۴

خازن‌الملك [ج ۴] ۷۹۵
خاص‌آقا [ج ۲] ۴۲۶
خان انگالی [ج ۳] ۶۵۷، [ج ۵] ۱۰۴۰
خا بنادر سرحد (روس) [ج ۵] ۱۱۹۱
خان بندر (بوشهر) [ج ۴] ۸۷۳
خان بندر ریگ [ج ۳] ۷۱۶
خان کمارج [ج ۵] ۱۰۵۴، ۱۰۷۲،
۱۰۸۰
خان ماکو [ج ۳] ۶۶۳
خبیرالدوله [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۹
خسروخان [ج ۱] ۸۳، [ج ۲] ۴۷۱،
[ج ۳] ۶۴۹
خوانین شهرابی [ج ۵] ۱۰۷۷
خوبیوف (کاپیتان) [ج ۳] ۷۵۵

دابیژا ـ دابیجا ـ دابیجی ـ داپی‌چا
(پرنس) [ج ۱] ۹۳، [ج ۳]
۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۷
داراب‌میرزا [ج ۴] ۸۵۲، ۸۶۳، [ج ۵]
۱۱۶۹، ۱۱۷۸
دارسی [ج ۴] ۸۱۵، ۸۳۱
دالتون [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۳۰
داودخان [ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۰،
۵۳۳، [ج ۴] ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۳۵،
۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۵، ۸۸۶،
۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۶۰
داودخان کلهر (نك: داودخان) [ج ۳]
۷۱۱، ۸۱۲، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۶،
۹۱۰، [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹،
۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۴، ۱۲۳۱
داودساسون وکمپانی [ج ۳] ۶۵۶
دبیرالملك [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶، [ج ۵]
۱۲۰۵
دریابیگی [ج ۱] ۹۵، ۱۱۲، [ج ۲]
۴۷۲، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۷۲، ۵۷۳،
۵۹۶، ۶۰۵، ۶۱۲، ۷۱۶، ۷۳۳،
۷۴۷، [ج ۴] ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴
۹۴۱، ۹۷۱، [ج ۵] ۱۰۰۰
دمرنی (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
دوداین [ج ۳] ۶۹۸
دوکارت (ماژور) [ج ۱] ۱۳۸
دوگلاس (کلنل) [ج ۱] ۱۰، ۶۲، ۶۴
دولت‌آبادی (محمدخان) [ج ۳] ۶۰۰
ده‌بزرگی (علی‌اکبر) [ج ۵] ۱۱۱۸
دیکی (بروس) [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳،
۱۱۴۶

ذکاءالملك [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۴] ۷۷۸،
۸۹۱، [ج ۵] ۱۰۲۱

رئیس روحانی کربلاء [ج ۳] ۷۱۲
رئیس‌علی [ج ۳] ۷۱۶، ۷۳۳

رئیس‌علی تنگستانی [ج ۴] ۹۴۱ (نک: رئیس‌علی)
رابینو [ج ۱] ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۸۴، ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰، ۲۱۳، [ج ۲] ۳۵۲، ۴۲۵، [ج ۵] ۱۲۰۰
راتیسلا ـ راتیس‌لو ـ رتیس‌لو [ج ۱] ۲۳، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۲۶۶، ۲۹۲، ۳۱۰، ۳۱۱، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۸ ـ ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۲۲ـ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۲، ۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۸۱، ۴۸۸، ۵۰۴، ۵۲۵، ۵۲۶، [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۸۳، ۵۹۰، ۵۹۴، ۵۹۹
رانژل (کنت) [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷
رتیسلا [ج ۴] ۸۱۱
رجب‌افندی [ج ۱] ۵۲
رحیم‌خان [ج۱] ۵۱، ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۱، ۲۷۲، [ج ۲] ۳۷۱، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۶۲، ۴۸۲، ۴۹۹، [ج ۳] ۵۶۵، ۶۴۶، ۶۹۴، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۴۸ـ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۶ـ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۷۹ـ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۹، ۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۲۰۲
رستم‌بیگ [ج ۵] ۱۰۹۹
رشیدالسلطان [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۵۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۲
رشیدالملک [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۳] ۷۰۱
رفعت‌الدوله [ج ۳] ۶۴۹، ۷۲۹
رفعت‌نظام [ج ۳] ۷۶۳
رکن‌الدوله [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۲] ۴۶۷، [ج ۳] ۵۶۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۶۰۰، ۶۴۷، ۷۲۹، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۱۱، ۸۳۳، ۹۰۷، ۹۳۰، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹
رنکینگ (لفتننت) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۴] ۸۱۱
روتر [ج ۴] ۹۴۲
رومانوسکی [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۷۰۵
ری (کاپیتان) [ج ۳] ۷۶۴، [ج ۴] ۸۰۶

زاپولسکی ـ زپولسکی (کاپیتان) [ج ۳] ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۵، ۷۰۶
زایر خزر ـ زایر خدر (زایر خضر) [ج ۴] ۸۹۴، ۹۴۱
زایر قادر (زایر خدر؟) [ج ۳] ۷۱۶
زلیونیکستن (مستر) [ج ۵] ۱۱۵۰
زمان‌خان [ج ۵] ۱۰۹۸
زیقلر ـ زیگلر [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۷، ۲۷۲

ژرژ (پادشاه انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴

سابسلین ـ سبلین [ج ۱] ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۶، ۴۰۳، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۵،

۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۷۳،
۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۲۹،
[ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸،
۵۵۴، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸۴،
۵۸۵، ۵۸۹، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰،
۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۱،
۶۲۴، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲،
۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۲،
۶۶۳، ۶۶۵، ۶۸۱، ۶۸۳ـ۶۸۵،
۶۹۳، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۲۱، ۷۲۶،
۷۳۵
سازانوف [ج ۳] ۵۸۴، ۵۸۵، ۶۵۲،
۶۵۵، ۶۹۷، ۷۳۸، ۷۴۸، [ج ۴]
۸۳۹، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج۵] ۱۰۰۰،
۱۰۱۴، ۱۱۰۵
ساعدالدوله [ج ۱] ۴۳
سالار ارفع [ج۲] ۳۸۳ (نك: سردارظفر)
سالار اشرف [ج ۲] ۲۳۰
سالارالدوله [ج۱] ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶،
۱۷۵، [ج ۴] ۹۳۲، [ج ۵]
۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹،
۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۹،
۱۱۴۴، ۱۱۵۶، ۱۱۵۹، ۱۱۷۳،
۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۷،
۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۵،
۱۲۰۸ ـ ۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳،
۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۲۵، ۱۲۳۱ ـ
۱۲۳۴؛ سالارالدولهٔ قاجار ۱۲۳۶
سالارالسلطان [ج ۱] ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶،
[ج ۲] ۳۸۵
سالارخان [ج ۲] ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷،
۶۰۰، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۲۲
سالار مسعود [ج ۴] ۸۲۳
سالار معزز [ج ۳] ۵۶۷، ۷۲۹
سالار مکرم [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۳] ۷۲۹
سالار مؤید [ج ۴] ۹۳۹، [ج ۵] ۹۸۱
سامانی (جواد) [ج ۲] ۵۴۰
ساکس ـ سایکس (ماژور) [ج ۱] ۳۴، [ج
۲]، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۶۷، ۴۶۸،
[ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴]
۷۹۶، ۸۳۰، [ج۵] ۹۸۰، ۱۰۳۸،
۱۲۲۹
سپهدار ـ سپهدار اعظم [ج ۱] ۲۴،
۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸، [ج ۲]
۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۹،
۴۶۰، ۴۶۱، ۵۲۱، ۵۲۹، [ج ۳]
۵۴۱ـ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۳،
۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۸۹،
۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷ـ۶۰۹، ۶۱۱ـ
۶۱۴، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۳۷، ۶۳۹،
۶۴۱ـ۶۴۵. ۶۸۱ـ۶۸۴، ۶۸۶،
۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۱، ۷۰۴ـ۷۰۷،
۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶،
۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۱ـ۷۳۳، ۷۴۱،
۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸، [ج ۴] ۷۷۸،
۷۸۳، ۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۹۵،
۸۵۴، ۸۵۵، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹،
۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۱۳، ۹۳۰،
[ج ۵] ۱۰۰۳، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷،
۱۰۱۱، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳،
۱۰۳۵ ـ ۱۰۳۷، ۱۰۴۱، ۱۰۶۷،
۱۰۷۳، ۱۰۷۷، ۱۰۸۴، ۱۰۹۰،
۱۱۰۱، ۱۱۰۸، ۱۱۲۱، ۱۱۲۵،
۱۱۳۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶،
۱۱۶۳، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴،
۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۳۷
سپهسالار [ج ۱] ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵،
۲۸۴، [ج ۲] ۴۲۸، ۴۶۹، ۵۰۹
ستارخان [ج ۱] ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۲۶،
۳۲۸، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۸۷، ۳۹۱،

۴۰۹، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۸۹،
۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۱۵، ۵۱۶،
[ج ۳] ۵۵۶ـ۵۵۸، ۵۷۱، ۵۷۶،
۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۸،
۶۲۷، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۲،
۷۰۱، ۷۱۹، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳،
۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۸،
۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۴، ۸۱۴،
۸۱۶ـ۸۱۹، ۸۲۴ـ ۸۲۷، ۸۳۳،
۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶ـ۹۱۹، ۹۲۸،
[ج ۵] ۱۱۵۲

سردار ارشد [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۳۵،
۱۱۷۰، ۱۱۷۳، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲،
۱۲۲۸، ۱۲۲۹

سردار ارفع [ج ۱] ۲۸۲، [ج ۳] ۵۶۸،
۷۶۵

سردار اسعد [ج۱] ۲، [ج۲] ۴۳۳، ۴۵۱،
۵۱۸، ۵۲۳، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۷۲،
۵۷۹ـ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۸۹،
۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۳،
۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴،
۶۲۷، ۶۳۶ ـ ۶۴۵، ۶۸۱ـ۶۸۴،
۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۴ـ۷۰۷، ۷۱۰،
۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۰،
۷۳۳، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۷۳،
[ج ۴] ۷۸۳، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۹،
۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۴،
۸۵۵، ۸۶۸، ۸۷۳، ۸۸۳، ۸۸۴،
۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۲،
۹۱۶، ۹۲۲، ۹۳۷ـ۹۳۹، ۹۵۴،
۹۶۷، [ج ۵] ، ۱۰۳۶،
۱۰۴۳، ۱۰۴۷ ـ ۱۰۴۹، ۱۰۵۵،
۱۰۵۸، ۱۰۶۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸،
۱۰۹۶، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۲۱،
۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۴۷

سردار اشجع ـ سردار اشجع بختیاری
[ج ۴] ۸۱۱، ۸۲۴، ۸۴۵، ۸۴۶،
۹۰۸، ۹۳۰، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵]
۱۰۷۶، ۱۰۹۷، ۱۲۳۰

سردار افخم [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶، [ج ۵]
۱۱۵۲

سردار اکرم [ج ۴] ۸۸۵، ۹۴۰، [ج ۵]
۱۲۱۰، ۱۲۳۴

سردار امجد [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳

سردار بهادر (پسر سردار اسعد) [ج ۴]
۷۸۵، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۲۱، ۸۳۳،
۸۴۵، ۸۵۵، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶،
۹۱۸، [ج ۵] ۹۷۹،۹۹۹، ۱۲۰۲،
۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳

سردارجنگ ـ سردار جنگ بختیاری [ج
۳] ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۶،
۷۶۲، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۴۶،
۸۵۶، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۴۱، ۹۳۹،
۹۷۰، [ج ۵] ۱۱۹۸

سردار سعیدخان [ج ۴] ۸۱۲، ۸۲۴

سردار سعیدخان (کپی) [ج ۱] ۱۵۹

سردار ظفر [ج ۲] ۳۶۵، ۴۱۳، [ج ۴]
۸۳۴، ۹۱۳، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷
(نك: سالار ارفع)

سردار ظفر بختیاری [ج ۴] ۸۷۲، ۹۲۹،
[ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۹۸، ۱۲۱۳،
۱۲۳۲، ۱۲۳۴

سردار فیروز [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶،
۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۶، ۴۳۱

سردار محتشم [ج ۳] ۵۸۳، ۶۰۱، [ج۴]
۹۳۱، [ج ۵] ۹۷۹،۹۹۹، ۱۲۰۶،
۱۲۲۸، ۱۲۳۰

سردار مسعود [ج ۳] ۶۱۵

سردار مظفر [ج ۳] ۵۶۶، [ج ۵] ۱۲۳۱

سردار معتضد (بهجت‌الملك) [ج ۱]

۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰، [ج ۲] ۴۱۳، ۴۲۹، [ج ۵] ۱۰۹۹
سردار معتمد [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰، [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۵] ۱۰۳۷، ۱۲۲۹
سردارمنصور [ج ۱] ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸. [ج۲] ۳۸۰، ۴۲۶، ۴۶۰، [ج ۳] ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۷۸۴، ۸۶۵، ۸۶۷
سردار محیی (معزالسلطان) [ج ۴] ۹۰۷، ۹۱۶ـ۹۱۸، [ج ۵] ۱۱۵۴، ۱۲۰۲، ۱۲۰۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵
سردار ناصر [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲
سردار نصرت [ج ۲] ۵۲۸. [ج ۴] ۹۷۰، ۹۷۱، [ج۵] ۹۹۵، ۱۰۳۹، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸
سردار همایون [ج ۱] ۱۷۴، [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰، [ج ۵] ۱۲۲۹
سعدالدوله [ج ۱] ۱۶، ۲۵، ۷۸، ۸۱، ۸۶ـ۸۸، ۹۳، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵، [ج ۲] ۳۴۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۷۳، ۴۸۲، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰ـ۵۵۳، ۵۵۹ـ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۲، ۶۳۷ـ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۰۴، ۷۱۷، ۷۴۴، [ج ۵] ۱۱۹۶
سعدالسلطنه [ج ۱] ۳۲۲
سعدالملك [ج ۳] ۷۴۳
سعیدالسلطنه [ج ۱] ۹۵
سعیدالممالك [ج ۲] ۵۹۹
سعیدخان [ج ۵] ۱۱۵۴
سلطانعلی‌خان وزیر دربار [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸
سلیمان‌میرزا [ج۱] ۲۱۷
سلیم‌خان بهادرالسلطنه [ج ۲] ۳۸۸
سهام‌الدوله [ج ۳] ۶۶۵، ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۶ـ۷۴۸، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۸۲، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۶۷، ۸۶۸
سهام‌السلطنه [ج ۲] ۵۲۳
سید [ج ۲] ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۷۹، [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۲۹
سید ابوالحسن [ج ۳] ۵۶۹
سید احمد (دستگی) [ج ۱] ۱۷۵
سیداسدالله [ج ۳] ۷۱۴، ۷۳۳، ۷۴۷
سید اسدالله نجفی [ج ۳] ۶۱۲
سیداکبر [ج ۱] ۱۷۴
سید اکبرشاه [ج ۵] ۱۱۵۴
سیدالمحققین [ج ۵] ۱۰۱۱
سیدجعفر [ج ۳] ۵۶۹
سیدجمال‌الدین (واعظ؟) [ج ۱] ۴۱، ۲۱۶
سیدحسن [ج ۱] ۲۶۲
سید حسین لاری [ج ۲] ۴۱۰
سید شبر [ج ۳] ۷۳۳ (نك: شیخ‌شبر)
سید شهاب [ج ۱] ۱۳۸
سید عبدالله ـ سید عبدالله مجتهد [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۷۴، ۸۷۹، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۱۲، ۹۱۴، ۹۲۵ (نك: آقا سید عبدالله مجتهد)
سید عبدالحسین [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۳] ۶۰۳، ۷۱۴

سید عبدالحسین‌لاری [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۷۵، [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۱، [ج ۳] ۶۰۵، ۶۱۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۹
سید عبدالصاحب [ج ۳] ۷۱۶
سیدعلی یزدی [ج ۱] ۱۴۵
سید کمال‌الدین [ج ۳] ۷۱۱
سیـد لاری [ج ۲] ۳۸۵، ۴۳۱، ۴۶۵، ۴۷۱، [ج ۳] ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹، ۷۱۳، ۷۳۳، ۷۴۱
سید محمد [ج ۱] ۲۰۰، ۲۸۳، [ج ۳] ۷۱۳
سیدمرتضی [ج ۲] ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۷، ۴۷۸، [ج ۳] ۶۰۵، ۷۱۶، [ج ۴] ۹۶۴
سیدمرتضی احرمی [ج ۳] ۷۴۷ (نک: سید مرتضی)

شاپشال [ج ۱] ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴
شاه‌جهان (شاه جهانیان) ـ پرویز [ج ۱] ۲۷، ۳۵، ۱۶۲
شاهزاده فرمانفرما [ج ۲] ۳۶۹، ۳۷۰، ۴۳۲، ۴۵۳ (نک: فرمانفرما)
شاهزاده نایب‌السلطنه [ج ۲] ۳۴۶ (نک: نایب‌السلطنه)
شاه‌مخلوع [ج۵] ۱۰۰۰، ۱۰۷۴، ۱۰۸۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۲، ۱۱۲۴ ـ ۱۱۲۷، ۱۱۳۴ ـ ۱۱۴۳، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶ ـ ۱۱۵۸، ۱۱۶۰ ـ ۱۱۶۴، ۱۱۶۷، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶ ـ ۱۱۷۹، ۱۱۸۷، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵ـ ۱۲۰۸، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۴ ـ ۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳، (نیز، نک: محمدعلی‌شاه، محمدعلی شاه قاجار، محمدعلی‌میرزا)
شجاع‌التولیه [ج ۳] ۶۴۷
شجاع‌الدوله نک: صمدخان
شجاع‌السلطنه [ج ۵] ۱۲۳۵
شجاع‌الملك [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، [ج ۳] ۷۲۹، ۷۴۵
شجاع‌نظام [ج ۱] ۳۰۹، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۸۹
شجیع‌الملك [ج ۳] ۷۲۹
شعاع‌السلطنه [ج ۱] ۱۴، ۱۵، ۱۵۲، ۱۵۶، [ج۲] ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۶۰، [ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹
شکرالله [ج ۳] ۸۰۸
شکسپیر (کاپیتان) [ج ۲] ۴۶۵
شوستر، مورگان [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۱، ۱۰۹۴، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۹ ـ ۱۱۱۱، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۹، ۱۱۳۶، ۱۱۴۶ ـ ۱۱۴۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۶۴، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۹، ۱۲۲۵، ۱۲۲۸
شوکت‌الملـك [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷
شهاب‌الدوله(اسدالله‌میرزا) [ج ۴] ۷۷۳ (نک: اسدالله‌میرزا)
شهاب‌السلطنه [ج ۴] ۹۶۹، [ج۵] ۱۲۳۰
شوکت‌الدوله [ج ۱] ۱۲۴
شوکت‌الملك [ج ۳] ۷۲۹

شیپلی [ج ۴] ۸۲۷، ۸۳۳
شیخ‌آقا (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵
شیخ‌اسماعیل هشترودی [ج ۴] ۸۹۰
شیخ‌الرئیس [ج ۱] ۹، ۲۳، ۱۹۵، ۲۳۸
شیخ حسین چاه‌کوتائی [ج ۳] ۷۱۶
شیخ خزعل [ج ۴] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹۴۲
شیخ زکریا [ج ۲] ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۷۱۳، ۹۴۱
شیخ‌شبر [ج ۳] ۵۶۸ (نک: سید شبر)
شیخ‌عبدالله زنجانی (ج ۳) ۷۳۲
شیخ‌علی [ج ۳] ۷۳۴
شیخ‌علی دشتی [ج ۳] ۷۳۳
شیخ فضل‌الله [ج ۱] ۵۱، ۵۸، ۷۳، ۱۴۵ [ج ۲] ۳۴۶، ۴۱۲، ۴۲۹، [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۷
شیخ محمدحسین یزدی [ج ۳] ۷۲۸
شیخ محمود [ج ۱] ۲۹
شیخ نزقور [ج ۴] ۹۶۲
شیرخان [ج ۲] ۵۴۳

صاحب‌اختیار [ج ۱] ۱۳۹، ۱۶۹ـ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۴۷۰، [ج ۳] ۶۰۲، [ج ۵] ۹۹۸، ۱۱۵۲، ۱۲۰۶
صارم‌الدوله [ج ۳] ۷۳۰
صارم‌الملك [پسر ارشد سردار ظفر] [ج ۴] ۹۴۰، ۹۷۰
صارم‌الممالك [ج ۴] ۹۰۹
صدراعظم [ج ۳] ۵۵۱
صدرالدین‌بیگ [ج ۲] ۳۷۸، ۴۴۲
صدرالعلماء [ج ۲] ۳۸۴
صدیق‌الحرم [ج ۱] ۲۶۲
صدیق‌حضرت [ج ۳] ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸
صدیق‌السلطنه [ج ۳] ۷۲۸
صمدخان [ج ۲] ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۱۴، [ج ۳] ۵۴۷، ۵۹۱، ۵۹۳، ۵۹۴، ۷۰۸، ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۸۲۱، [ج۵] ۱۰۱۰، ۱۰۹۶، ۱۱۹۰، ۱۲۱۲ ـ ۱۲۱۴، ۱۲۱۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳
صمصام [ج ۲] ۴۳۲
صمصام‌خان [ج ۲] ۳۵۱
صمصام‌السلطنه [ج ۱] ۵۴، ۸۱، [ج ۲] ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶ـ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۲۱، ۴۱۳، ۴۳۲، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۳۱، [ج ۳] ۵۷۲، ۵۸۳، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۳۱، ۶۳۸، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۳۰، [ج ۴] ۷۶۲، ۷۸۵، ۷۹۷، ۷۹۸، [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۲۲، ۱۱۴۰، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۷، ۱۲۲۹، ۱۲۳۲
صمصام‌الملك [ج ۲] ۳۸۴
صمصام‌الممالك [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۴] ۹۰۲، ۹۶۰
صمصام‌الممالك سنجابی [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
صمصام‌نظام [ج ۵] ۹۸۲
صنیع‌الدوله [ج ۱] ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸ـ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸، [ج ۲] ۳۸۰، ۵۲۹، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷، ۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۸۷ـ ۹۸۹، ۹۹۳، ۹۹۸، ۱۰۰۳، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۸،

۱۰۳۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰
صنیع‌حضرت [ج ۳] ۶۳۶، ۶۴۳، ۷۰۰، ۷۰۷
صولت‌الدوله [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۲ـ۶۰۴، ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۳، ۷۱۳ـ۷۱۵، ۷۲۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۶، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۸ـ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲ـ۸۹۴، ۹۰۸ـ۹۱۰، ۹۱۳، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۷، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷ ـ ۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۴۰، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵، ۱۱۱۸، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷، ۱۱۸۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۳، ۱۲۱۵، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۳۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴ـ۱۲۴۶
صولت‌السلطنه [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۱۴
صولت‌الملک [ج ۴] ۷۸۹

ضرغام [ج ۳] ۷۳۶
ضرغام‌الدوله [ج ۵] ۱۰۹۸
ضرغام بختیاری (حسین‌خان) [ج ۳] ۷۶۲
ضرغام‌السلطنه [ج ۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۷
ضرغام‌السلطنه بختیاری [ج ۴] ۹۱۶
ضرغام‌نظام [ج ۵] ۱۱۰۰
ضیاءالسلطان [ج ۵] ۱۲۳۰
ضیغم‌الدوله [ج ۴] ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۸۸، ۸۹۴، ۹۰۸، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۱، ۹۹۹، ۱۰۵۷، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۹
ضیغم‌السلطنه [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳

ظفرالسلطنه [ج ۱] ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۶، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۳، ۹۳۲، ۹۳۳، [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۱۵۲
ظل‌السلطان [ج ۱] ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶ـ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰ـ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۲، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۷۹، ۵۸۱، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۴، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۶۹، ۸۹۱، ۹۳۱، ۹۶۶، [ج ۵] ۹۸۵، ۱۰۱۱
ظهیرالاسلام [ج ۵] ۱۲۰۵
ظهیرالدوله [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۲۸، ۱۷۳، ۲۳۹، [ج ۳] ۶۵۰، ۷۳۱،

[ج ۴] ۷۹۸، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۵۶
ظهیرالسلطان [ج۴] ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵] ۹۸۰
ظهیرالملك [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۶

عباس‌آقا (قاتل اتابك) [ج ۱] ۹۴
عباس‌خان افشار [ج ۱] ۱۵۸
عباس‌خان چناری [ج ۴] ۹۴۰، [ج ۵] ۱۰۷۷
عباسقلی [ج ۴] ۸۸۹
عباسقلی‌خان [ج ۱] ۵۶، ۱۶۸، ۲۵۲، [ج ۲] ۳۴۶، [ج ۴] ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۸۷
عباسقلی‌خان نواب [ج۱] ۲۶۴، [ج ۴] ۸۸۶
عبدالرحیم (حاجی) [ج ۱] ۳۸، [ج ۲] ۳۸۳
عدل‌الدوله [ج ۲] ۴۳۰، [ج ۳] ۷۱۰
عدیل‌الملك [ج ۱] ۱۷۴
عسکر سلیم [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۵۴
عضدالسلطان [ج ۵] ۱۲۳۱، ۱۲۳۳
عضدالملك [ج ۱] ۱۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۸۵، ۲۱۲ـ۲۱۵، [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۶، ۶۸۴، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۸۳، ۹۳۷
عطاءالدوله [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵، ۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۵۰، ۷۱۳، ۷۱۴، [ج ۵] ۱۲۰۷
عطاءالسلطنه [ج ۵] ۱۱۱۵
عطاءنظام [ج ۵] ۱۱۱۵
علاءالدوله [ج ۱] ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۴ـ۲۱۷، ۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۵۵، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۹۰، ۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۴، ۷۱۵، [ج ۵] ۱۱۵۲، ۱۲۰۱
علاءالسلطنه (محمدعلی) [ج ۱] ۳۲، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱ـ۳۰۳، ۳۳۰، [ج ۲] ۳۳۸، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۴۱۲، [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۸۴، ۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵
علاءالملك (محمودخان) [ج ۱] ۸۱، ۱۷۳، ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۲، [ج ۳] ۵۵۹، ۶۹۰، [ج ۵] ۱۰۷۴
علم‌الهدی [ج ۲] ۵۳۳
علی‌جان (چلپیانلو) [ج ۱] ۲۲، ۲۸
علی‌خان [ج ۴] ۷۹۸
علی‌خان (سرتیپ) [ج ۴] ۸۶۴
علیقلی [ج ۳] ۶۸۹، [ج ۵] ۱۱۵۴ (نك: سرداراسعد)
علیقلی‌خان (حاج) [ج ۲] ۵۴۰، [ج ۳] ۵۶۹ (نك: سردار اسعد)
عمیدالحکماء [ج ۴] ۷۷۸
عمیدالسلطان [ج ۲] ۴۶۰، [ج ۴] ۷۸۵
عین‌الدوله [ج۱] ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰، ۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۹، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۴۳،

۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۰، ۹۲۰، ۹۲۲،
۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۴۱
۹۴۴، ۹۵۶، [ج۵] ۹۹۷، ۱۰۳۶،
۱۲۰۶، ۱۲۲۹

غریب‌خان [ج ۱] ۸۱، [ج ۳] ۷۰۹،
[ج ۴] ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۴۵
غفارخان [ج ۴] ۷۷۹
غفاری (محمدابراهیم) [ج ۴] ۸۳۲
غلامحسین‌خان وراوی [ج۴] ۷۸۹، ۹۶۲
غلامعلی [ج ۳] ۶۰۰

فاتح‌السلطنه [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۳] ۷۰۹
فاضل [ج ۳] ۷۴۴
فتح‌الملك [ج ۴] ۸۰۸
فخرالملك [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۵] ۱۰۹۸،
۱۱۵۳، ۱۲۰۷
فرانکلین (کاپیتان) [ج ۲] ۳۸۱، ۳۸۲
فرخ (قاتل پرویزشاه‌جهانیان) [ج ۱] ۳۵
فردوسی [ج ۳] ۶۴۱
فرمانفرما [ج ۱] ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱،
۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶،
۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴،
۳۲۴، [ج ۲] ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸،
۳۶۹، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۲۹،
[ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۵۹۷،
۶۳۱، ۶۷۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶،
[ج ۴] ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۴، ۸۸۰،
۸۸۱، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷،
۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۳۶
(نك: شاهزاده فرمانفرما)
فریدالملك [ج ۵] ۱۲۳۱

فن (مستر) [ج ۵] ۱۲۳۰
فریدون (زرتشتی کشته شده) [ج۱]
۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵
فریزر [ج ۳] ۶۸۸
فضلعلی [ج ۴] ۸۲۳
فکس (ماژور) [ج ۱] ۸۳
فهیم‌الملك [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۵۵

قائم‌مقام [ج ۱] ۱۳۶، ۱۶۹
قاسم‌آقا (سرتیپ) [ج ۳] ۵۶۶
قلی‌خان [ج ۳] ۷۰۱
قوام [ج ۱] ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹،
۲۸۶، [ج ۲] ۴۳۱، ۴۷۱، [ج۳]
۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۳، ۶۵۰، ۷۱۴،
۷۱۵، [ج۵] ۹۹۹، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴،
۱۱۰۳ ـ ۱۱۰۵، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵،
۱۱۱۷، ۱۱۱۹، ۱۱۲۵، ۱۲۱۴،
۱۲۱۵، ۱۲۳۰
قوام‌الدوله [ج ۱] ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰،
[ج ۲] ۴۲۸، [ج ۴] ۸۶۹
قوام‌السلطنه [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶، [ج۵]
۱۲۰۵
قوام‌الملك [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۵،
۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۸،
۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸،
[ج ۲] ۴۳۱، ۵۳۴، [ج ۳] ۷۱۳،
۷۳۰ـ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶،
[ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۵، ۸۷۲، ۸۹۳،
۹۳۲، ۹۴۱، ۹۶۰، [ج ۵] ۱۰۳۲،
۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۴۵، ۱۰۴۸،
۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۷ ـ
۱۰۶۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۹،
۱۱۱۳ ـ ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸،
۱۱۸۶، ۱۲۰۷، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶،

۱۲۴۲

کادلوبیکی (؟) [ج ۴] ۷۸۷
کارترایت (سر) [ج ۳] ۶۱۹، ۶۲۳، ۶۳۳، ۶۳۵، ۷۳۱، [ج۵] ۱۱۱۲
کاره [ج ۱] ۱۵
کاستلی (مستر) [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱
کاشف‌السلطنه [ج ۳] ۶۷۴
کاظفر [ج ۴] ۸۰۸
کاکس (ماژور) [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۲] ۴۵۱، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۸، ۵۳۶، [ج ۳] ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۵۶ کلنل کاکس [ج ۴] ۹۶۱، ۹۶۲ لیوتنان کلنل کاکس [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۳۰، ۱۰۷۲، ۱۱۹۵، ۱۲۱۶
کاکلس (ماژور) [ج ۳] ۷۴۰ (کاکس؟)
کامران‌میرزا [ج ۱] ۱۴۰
کاولوبوسکی [ج ۳] ۷۶۵
کراسل (کاپیتان) [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲
کراسویت (لیوتنان) ۷۳۲
کرنت‌دوف (کرنت‌دوف) [ج ۱] ۹، ۱۱
کرنز، فرانک [ج ۵] ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴
کرستمس [ج۳] ۷۱۵
کری‌پول (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶
کریم‌خان (برادرزادهٔ رحیم‌خان) [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۸، ۸۲۱
کسوبایف (کاپیتان) [ج ۱] ۶۴
کلبی [ج ۵] ۱۰۷۷
کلی [ج ۴] ۸۹۴
کوان، پاتریک [ج ۵] ۱۰۷۰
کورتین [ج ۵] ۹۹۳
کولن‌گامبل [ج ۳] ۷۱۹
کون [ج۳] ۷۵۵، ۷۵۶
کی (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۰، ۱۰۳۹
کیخا حاصل [ج ۴] ۸۰۸
کیخا محمدعلی [ج ۴] ۸۰۸
کیلمرناک ـ کیلمارناک (لرد) [ج ۵] ۱۰۴۴، ۱۰۸۵
کینگ‌استون‌ـکینگستون [ج ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۶۴، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱، ۱۰۸۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸

گاردنر [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶
گامبل [ج ۳] ۷۲۱ (نک: کولن گامبل)
گای (ارنست) [ج ۱] ۲۱۹، ۲۵۲
گراهام ـ گراهم، گریهم، گرهم [ج ۱] ۳۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۷، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۹۲، ۴۰۶ـ۴۰۸، ۴۳۲، ۵۲۴ [ج ۳] ۵۸۱، ۵۸۴، ۶۳۷، ۶۴۱، ۷۱۰، [ج ۴] ۸۱۱، ۷۲۷، ۸۳۴، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۴، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۲، ۹۰۸، [ج۵] ۱۲۰۳، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱
گری (سر ادوارد) [ج ۳] ۷۲۱، ۷۳۵، [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۶۰ـ۸۶۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۰۷، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۹۴، ۱۲۱۸، ۱۲۴۵
گریگوریف [ج ۵] ۹۸۰
گنجعلی [ج ۴] ۸۲۳
گندل‌خان [ج ۴] ۹۱۲

لابینسکی [ج ۳] ۷۵۳
لانگت‌ـلنگت (لیوتنان) [ج۵] ۱۰۴۰
لتیلتن [ج ۴] ۸۰۶
لشکرنویس‌باشی [ج ۱] ۱۲۴
لمسن [ج ۲] ۳۸۴
لوتار (لوتر ـ سر) [ج ۳] ۵۵۵، ۵۵۶
لوریم (کاپیتان) [ج ۱] ۷۹
لیاخف (کلنل) [ج ۱] ۶۳، ۶۴، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۴۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۲۱، [ج ۳] ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، [ج ۴] ۷۸۳، [ج ۵] ۱۱۸۵، ۱۱۸۹
لیس‌آوسکی ـ لیسوسکی [ج ۱] ۸۲، [ج ۴] ۹۰۱ـ۹۰۳
لی‌گس [ج ۱] ۱۲۸
لمیتین [ج ۴] ۸۰۶
لینتن [ج ۲] ۵۳۵
لینچ ـ لنچ [ج ۱] ۸۱، ۸۲، ۲۸۳
لیندلی (دکتر) [ج ۱] ۱۶۸
لیوینگستون زیتون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶

مؤتمن‌الملك [ج ۱] ۳۱، ۱۱۰، ۱۷۳، ۲۲۰، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۸، [ج۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۶، ۱۰۵۵
مؤیدالدوله [ج ۱] ۳۵، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۴۵، ۳۲۱
مؤیدالسلطنه [ج ۱] ۱۷۳، [ج ۲] ۶۰۱
مارابل (خانم) [ج ۴] ۸۵۶
مارکس اف‌کرو [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۴۵
مارلینگ [ج ۲] ۳۹۶، [ج ۴] ۸۳۷، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۵۹، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۸۸، ۹۲۱، ۹۲۶، ۹۳۵
مالت، دیویس [ج ۵] ۱۱۹۴
مالتا (جنرال) [ج ۵] ۹۹۶، ۱۰۱۰، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۵، ۱۰۵۳، ۱۱۹۸
متین‌السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵
مجدالملك [ج ۱] ۸۱
مجلل‌السلطان [ج۱] ۱۵۴، [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۱۰، ۱۱۳۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶
مجلل‌السلطنه [ج ۳] ۶۸۳، ۷۵۶
محتشم‌الدوله [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۱
محتشم‌السلطنه [ج ۱] ۱۳، ۱۳۲، ۱۹۰، [ج ۲] ۳۹۰، [ج ۳] ۵۷۷، [ج۴] ۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۸۸، ۹۹۷، ۱۰۰۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۵، ۱۱۳۱ ـ ۱۱۳۳، ۱۱۵۸، ۱۲۰۴
محتشم‌الملك [ج ۱] ۱۷۴۰
محمدآقا [ج ۱] ۱۵۷
محمدباقر [ج ۳] ۷۱۶
محمدبن عبدالله [ج ۳] ۶۶۸
محمدحسن‌خان (حاکم دررود) [ج ۴] ۷۹۵
محمدحسن‌میرزا [ج ۳] ۶۹۶، ۷۲۵، ۷۲۸، [ج ۵] ۱۰۷۴
محمدخان [ج ۱] ۱۴۳
محمدخان (منشی قنسولگری انگلیس) [ج ۴] ۷۹۴
محمدخان دولت‌آبادی [ج ۳] ۶۰۰
محمدرضاخان [ج ۱] ۳۵، [ج ۴] ۹۶۰

محمدعلی (معاون نایب‌حسین کاشی) [ج ۵] ۱۰۷۵
محمدعلی‌خان کشکولی [ج۵] ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۸۴
محمدعلی [ج ۲] ۴۱۰، ۴۱۱، ۵۳۰، [ج ۳] ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۵۵، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۴۱ (نک: محمدعلی‌شاه، محمدعلی‌میرزا)
محمدعلی‌بیگ [ج ۳] ۷۰۱
محمدعلی‌شاه [ج ۲] ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۹، ۴۷۶، [ج۳] ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۰، ۷۲۹، ۷۳۷، ۷۵۴، [ج ۴] ۸۵۲، [ج ۵] ۹۸۵، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۱، ۱۱۲۷، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷ ـ ۱۱۴۰، ۱۱۴۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۹، ۱۱۷۳، ۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵ (نک: محمد علی‌میرزا، محمدعلی‌شاه‌قاجار، شاه مخلوع)
محمدعلی‌شاه قاجار [ج ۳] ۵۶۲، ۵۹۰، ۶۸۰
محمدعلی‌میرزا [ج۱] ۳، ۲۰، ۱۰۳، ۲۴۳، ۳۰۷، [ج ۳] ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۲ـ۶۳۴، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۰ـ۷۰۳، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۷، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۸، [ج ۴] ۸۶۴، [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۱۲۳، ۱۱۳۶، ۱۱۳۹، ۱۱۴۲، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰، ۱۱۶۲ ـ ۱۱۶۴، ۱۱۶۸، ۱۱۷۱، ۱۱۷۶، ۱۱۸۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰ ـ ۱۲۰۳، ۱۲۰۵، ۱۲۱۴، ۱۲۲۰ (نک: محمدعلی‌شاه، محمدعلی‌شاه قاجار، محمدعلی، شاه مخلوع)
محمدعلی نیشابوری [ج۴] ۹۳۸، ۹۶۸، [ج۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۹۷، ۱۱۵۲
محمدقلی‌خان [ج ۳] ۷۰۱
محمدکریم‌خان قشقائی [ج ۵] ۱۱۱۴
مخبرالدوله [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۲۲، ۶۳۷ ـ ۶۴۰، ۶۴۳ ۷۰۷
مخبرالسلطنه [ج۱] ۳۲، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۷۳، ۱۷۸، ۲۳۶، [ج ۲] ۴۸۲، [ج ۳] ۵۵۵، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۵۲، ۶۹۴، ۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۸، ۸۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۵۸، [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶
مخبرالملك [ج ۳] ۶۷۴
مختارالسلطنه [ج ۳] ۷۳۲
مدبرالدوله [ج ۴] ۹۳۱، ۹۴۰
مدبرالملك (میرزا علی‌خان) [ج۲] ۳۳۴
مرتضی‌قلی‌خان [ج ۱] ۲۴۶، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۶، ۱۰۵۵، ۱۰۹۵، ۱۲۳۲
مرنارد [ج ۱] ۳۰، ۵۹، ۶۱، ۱۶۰، ۱۶۱، [ج ۴] ۸۹۰، [ج ۵] ۱۱۰۲، ۱۱۱۱، ۱۱۲۰، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۱۷
مزیل (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸
مساوات [ج ۱] ۲۳۹، ۲۴۵
مستشارالدوله [ج ۱] ۱۵۴، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۳۸، ۳۸۱، [ج ۳] ۵۵۹، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۷، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۸،

۷۸۳، ۸۴۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۱،
۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۷۳
مستشارالسلطان [ج ۳] ۶۷۴
مستشارالسطنه [ج ۳] ۵۵۹، ۷۰۴،
۷۰۷، ۷۲۶
مستشاردفتر [ج ۲] ۴۲۶
مستوفی‌الممالك [ج۱] ۸۱، ۱۱۰، ۱۸۶،
۲۲۰، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۶۳۱،
۶۴۰، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴]
۸۸۰، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۳۷، ۹۵۶،
[ج ۵] ۹۹۷، ۹۹۸، ۱۰۱۱،
۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷
مسعودخان [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۱۲
مشیرالدوله [ج ۱] ۱۳، ۲۵، ۳۰، ۳۱،
۷۹، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۳، ۱۱۰،
۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۲،
۱۶۰ـ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۲،
۱۸۵، ۱۸۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰،
۲۶۵، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۶۱،
۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، [ج ۴] ۷۷۸،
۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶،
[ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵، ۱۲۲۶
مشیرالسلطنه [ج ۱] ۸۱، ۲۲۰، ۲۴۰،
۲۶۸، ۳۰۰، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸،
۵۳۸، [ج ۲] ۵۵۳، ۵۶۳، [ج ۴]
۷۸۳
مشیرالملك [ج ۱] ۳۱، [ج ۳] ۷۱۳،
[ج ۵] ۱۰۹۸
مشیرالممالك [ج ۱] ۳۵، [ج ۲] ۳۸۴
مصباح‌السلطان [ج ۳] ۷۵۶
مصطفی‌میرزا [ج ۳] ۷۴۵
مظفرالدوله [ج ۲] ۳۸۹
مظفرالدینشاه [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۵]
۱۲۳۴
مظفرنظام [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴
معاضدالسلطنه [ج ۱] ۲۶۲، ۳۲۲، [ج
۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۲۰۵
معاضدالملك [ج ۵] ۱۰۵۵
معاون‌الدوله [ج ۱] ۳۲، [ج ۴] ۸۲۷،
۸۴۴، ۸۵۴، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۷،
[ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۹۵، ۱۲۰۵
معاون‌الممالك [ج۴] ۹۰۸
معتمدخاقان [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۸۵۵،
۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶، [ج۵] ۱۰۱۳،
۱۰۱۸، ۱۱۰۰
معتمددیوان [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۳،
۱۷۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۶
معتمدهمایون [ج ۲] ۵۴۰
معدل‌الممالك [ج ۲] ۴۰۶
معزالسلطان [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰
معززالملك [ج ۴] ۹۵۶
معیرالممالك [ج۴] ۸۳۳، [ج ۵]۱۰۳۷
معین‌الاسلام [ج۲] ۵۳۴
معین‌الدوله [ج ۱] ۱۴۰، [ج ۳] ۶۷۴،
۷۴۴
معین‌الرعایا [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۴۶،
[ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹،
۱۱۵۴
معین‌السلطان [ج ۳] ۷۴۳
معین‌الغرباء [ج ۴] ۷۹۴ـ۷۹۶، ۸۳۰
معین‌الوزاره [ج ۱] ۲۳۹، [ج۵] ۱۱۹۶
معین‌همایون ـ معین‌همایون بختیاری [ج۵]
۱۲۲۸، ۱۲۳۳
مغیث‌الدوله [ج ۵] ۱۱۱۸
مفاخرالملك [ج ۲] ۴۲۸، ۴۷۳، [ج۳]
۵۷۳، ۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۲، ۶۸۳،
۷۰۰، ۷۰۷
مفتاح‌السلطنه [ج۱] ۲۲۷، ۲۴۶، ۲۶۲،

۲۶۳
مقتدرنظام [ج ۱] ۱۵۴، [ج ۳] ۶۴۲
ملک‌دول [ج ۵] ۱۰۱۸، ۱۰۵۹، ۱۰۷۷
ملک‌کاسکی [ج۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۱۴۶
ملک‌موری [ج ۴] ۹۱۱
ملاحسینعلی [ج ۴] ۷۹۵
ملا خورشید [ج ۴] ۸۰۸، [ج۵] ۱۰۸۹، ۱۱۵۰
ملا سلیمان [ج ۴] ۷۹۵
ملا عبدالکریم [ج۴] ۷۹۵
ملا علی‌پناه [ج۴] ۸۰۸
ملا قباد [ج ۴] ۸۰۸
ملا قربانعلی [ج ۳] ۷۴۴، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۸۵
ملا محمد آملی [ج ۳] ۶۴۳
ملا محمد کاظم خراسانی [ج ۳] ۷۳۲
ملا مهدی [ج ۱] ۴۶، ۴۷، [ج ۳] ۵۶۷
ملت (مستر) [ج ۲] ۴۸۰، [ج ۵] ۱۰۰۵
ملک‌المتکلمین [ج ۱] ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۳۹، ۲۴۶
ملینکان (دکتر) [ج ۱] ۲۳۸
ممتازالدوله [ج ۱] ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۴۶، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰، ۱۰۹۵
منتصرالدوله [ج ۴] ۹۵۹
منتظم‌الدوله [ج ۲] ۴۰۷، [ج۴] ۷۹۸، ۷۶۹
منصورالسلطنه [ج ۳] ۶۰۲
منصورالسلطنهٔ عرب [ج ۴] ۷۸۷
منصورالملک [ج۱] ۱۷۵
موار (مستر) [ج ۳] ۵۹۳
موثق‌الدوله [ج ۳] ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۰۷
مورلی (لرد ویکنت) [ج۳] ۷۱۹، ۷۲۱
مورلی بلک‌برن (ویکنت) [ج ۳] ۶۹۵ (نک: مورلی)
موسوی شوشتری (ابوالحسن) [ج ۵] ۱۰۰۵
موقرالدوله [ج ۵] ۱۲۳۲
موقرالسلطنه [ج ۳] ۷۵۶
مهدی‌خان [ج ۱] ۹۶
مهدی‌خان قفقازی [ج ۴] ۷۹۸
مهندس‌الممالک [ج ۱] ۳۲، ۸۱، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۷۴
میدلتن [ج ۳] ۷۳۲
میربرکت ــ میربرکت‌خان [ج ۳] ۶۰۵، [ج ۴] ۹۴۵
میربیابان [ج ۴] ۹۴۵
میرپنج [ج ۲] ۴۶۶، ۴۶۷
میرپنجه [ج ۳] ۷۱۶
میرزاابراهیم [ج ۲] ۵۳۴
میرزاابراهیم‌خان [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۵۵
میرزابابا [ج ۳] ۷۴۴
میرزاحسن‌خان (اصفهانی) [ج ۱] ۲، [ج ۵] ۱۲۴۷
میرزا سیدابوالقاسم‌خان [ج ۱] ۲
میرزا عباس‌خان [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۰۰
میرزا عبدالرحیم‌خان [ج ۵] ۱۰۱۳
میرزا علی‌اکبرخان [ج ۱] ۲۶۲
میرزا علی‌محمدخان [ج ۴] ۹۰۶، ۹۱۴
میرزا کاریزخان [ج ۱] ۲۶۸
میرزا کاظم‌خان [ج ۱] ۲۸۶
میرزا محمودخان [ج ۱] ۲
میرزا مهدی‌خان [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، [ج ۵] ۱۲۴۵
میرهاشم [ج ۳] ۷۰۰، ۷۲۸

میلر [ج ۲] ۵۲۷

ناتاف [ج ۴] ۸۳۵
ناصرالدینشاه [ج ۱] ۶۵، ۸۹، [ج ۳] ۶۹۸، [ج ۵] ۱۰۶۸
ناصرالسلطنه [ج ۱] ۲۸۷
ناصرالملك [ج ۱] ۲۵، ۳۲، ۸۱، ۸۴، ۸۶، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۹ـ۱۴۳، ۱۸۱، ۱۸۶، ۲۱۴، [ج ۲] ۳۹۷، ۴۳۹، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۹ ـ ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۶۳۱، ۷۰۷، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۸۱، ۹۰۷، ۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۷ (نایب‌السلطنه) [ج ۵] ۹۹۰، ۹۹۶، ۹۹۷، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰، ۱۰۳۵، ۱۱۰۱، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲ (نیز نك: نایب‌السلطنه)
ناظم [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸، [ج ۲] ۴۷۰
ناظم‌التجار [ج ۱] ۱۱۲، ۳۲۲
ناکس (مستر) [ج ۴] ۸۸۱، ۹۰۱، ۹۰۴ [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۲۹، ۱۰۴۲ ـ ۱۰۴۶، ۱۰۴۸، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۸، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۳، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸، ۱۱۱۳، ۱۱۱۹، ۱۱۲۹، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱، ۱۲۴۶
نایب [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۰، ۹۵۸، ۹۶۹
نایب‌السلطنه [ج ۲] ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱، [ج ۳] ۵۵۱ ـ ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۶۲۲، ۶۳۵، ۶۸۳، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۷۷، ۸۰۲، ۸۳۳، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۶۳، [ج ۵] ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۶ـ ۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۰۰۴، ۱۰۰۶، ۱۰۰۸، ۱۰۱۱، ۱۰۱۹، ۱۰۲۶ ـ ۱۰۲۸، ۱۰۳۴، ۱۰۳۶، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۶، ۱۰۹۵، ۱۱۱۸، ۱۱۲۰، ۱۱۳۲، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۵۶، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷ (نیز نك: ناصر ـ الملك)
نایب‌السلطنه (عموی شاه) [ج ۳] ۷۰۸، ۷۱۲
نایب‌الصدر [ج ۱] ۲۸۶
نایب‌حسین [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۳] ۵۷۶، ۷۴۵، ۷۶۲ [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱، ۹۳۵، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷ـ ۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹، [ج۵] ۱۰۱۳، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۱۹۴، ۱۲۰۴، ۱۲۰۷، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۳ (نیز نك: نایب حسین کاشی)
نایب‌حسین کاشی [ج ۴] ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۹، [ج۵] ۹۹۸ (نیز نك: نایب حسین)
نایب یوسف [ج ۳] ۵۷۶
نراتوف [ج ۳] ۷۴۷، [ج۵] ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۷۳، ۱۱۷۷ ـ ۱۱۸۱، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۸، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳
نصرالدوله [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۲] ۴۶۸، ۴۷۱، ۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹، ۶۰۳ـ۶۰۵، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴] ۸۶۶، ۹۶۱

نصرت‌السلطان [ج ۴] ۹۱۲
نصرت‌الممالک [ج ۳] ۷۳۱
نصیرالملک [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۴] ۸۳۵، ۹۶۰، ۹۶۱
نظام‌السلطنه [ج ۱] ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲ـ ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، [ج ۳] ۶۰۲، ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۳۱، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴، ۸۸۱، ۸۸۵، ۸۸۶، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷، ۹۸۱، ۹۹۶، ۱۰۰۷، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰، ۱۰۴۲ ـ ۱۰۴۹، ۱۰۵۱ ـ ۱۰۵۴، ۱۰۵۷، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۰، ۱۱۰۴، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵ ـ ۱۱۱۹، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۹، ۱۱۷۱، ۱۱۸۶، ۱۱۹۰، ۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰، ۱۲۲۳، ۱۲۴۲
نظام‌الملک [ج ۱] ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۶۹۰
نظربیک‌اوف [ج ۳] ۵۹۳
نظرعلی‌خان [ج ۳] ۷۱۱
نظرعمرائی [ج ۴] ۹۳۲
نظم‌الدوله [ج ۳] ۶۷۴
نعمت‌الله (قاتل قوام‌الملک) [ج ۱] ۱۷۵
نقیب‌السادات [ج ۱] ۵۱
نلسون [ج ۳] ۶۴۱
نوئل (کلنل) [ج ۵] ۱۲۴۶
نواب (حسینقلی‌خان) [ج ۳] ۵۹۶، [ج ۴] ۹۱۵
نورمحمدخان [ج ۵] ۱۱۱۳
نوز [ج ۱] ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۵۲، ۱۸۳، [ج ۲] ۳۹۶
نیرالدوله [ج ۱] ۵۴، ۱۳۲، [ج ۲] ۴۶۷، [ج ۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۷۹۶، [ج ۵] ۱۱۵۲
نیکراسو [ج ۳] ۷۵۵
نیکلسون [ج۲] ۳۹۵، ۴۰۱،۴۴۸، ۴۹۵، ۴۹۸، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴ـ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵،۵۷۹،۷۳۷،۷۳۸،۷۴۷،۷۵۰ـ ۷۵۳، ۷۵۵ـ۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۳ـ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۹۸، [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷، ۱۱۳۴، ۱۱۴۵، ۱۱۶۰، ۱۱۸۳، ۱۲۱۹
نیلکان (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵

وادبسولسکی ـ واوپولسکی (پرنس ـ کلنل‌پرنس) [ج ۴] ۸۷۳، ۹۱۵، [ج ۵] ۱۱۹۳ (نک: پالکونیک)
وارد (لیوتننت) [ج ۵] ۱۰۴۰
والی پشتکوه [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۱۶، ۱۱۵۵، ۱۱۹۷
وثوق‌الدوله [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷، ۷۵۹، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷، ۹۳۶، [ج ۵] ۱۱۴۸، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۲۷، ۱۲۳۷
وحناندخان [ج ۵] ۱۱۰۰
وحیدالملک [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۴۵، [ج ۵] ۱۰۶۷
وزیر افخم (سلطانعلی‌خان) [ج ۱] ۱۹، ۳۲، ۲۵۴
وزیر اکرم [ج ۱] ۲۴، ۴۴، ۱۱۰، [ج ۳] ۷۲۸

وزیرزاده [ج ۵] ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۸
وزیر مخصوص [ج ۱] ۸۱
وزیر همایون [ج ۱] ۳۲، ۸۱
وکیل‌الرعایا [ج ۴] ۸۶۸، ۸۹۰، ۸۹۱، ۹۲۸
ولات (دکتر) [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۷۸۸
ولیعهد [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۲۵، ۷۲۸
وود (ا. او.) [ج۵] ۱۰۷۰، ۱۱۲۰
وولات (دکتر) ۱۱۱۴ـ۱۱۱۶
ویکتوریا (ملکهٔ انگلیس) [ج ۳] ۶۹۸
ویلسن (لیوتنان) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۵] ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۲۴۴
ویکسون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶

هارت‌ویگ (هارت‌ویك) [ج ۱]۴۷، ۷۷، ۸۶، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۱ـ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲ـ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۶۰، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۱۴ ـ ۳۱۷، ۳۲۵ ـ ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۶
هاردیك (سر چارلز) [ج ۴] ۸۴۷
هاردینگ (سر ـ هاردیك؟) [ج ۲] ۳۹۳. ۵۱۹، ۵۲۲
هاکینز [ج ۱] ۲۵۲
هاورت، هاوارت، هاورس (کاپیتان) [ج ۱] ۴۷، ۴۸، ۹۷، ۱۲۸، ۱۹۰، [ج ۲] ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۷۰، ۵۳۲، ۵۳۳
های‌نیك (کاپیتان) [ج ۱] ۱۲۷، ۱۲۸
هرمزمیرزا [ج ۱] ۲۱۴
هموسن (مسیو) [ج ۵] ۱۰۳۸
هوسن (مستر) [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۷۵
هونر (کاپیتان) [ج ۳] ۵۶۷
هیکاك (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۹
هیگ (کلنل) [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۹۹
هیلز (آر. دبلیو.) [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴، ۱۱۴۶

یارمحمدخان ـ یارمحمد [ج ۵] ۱۰۵۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹
یالمارسن (کاپیتان) [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۲۲۸
یاور اسدالله ۵۶۷ (نك: اسدالله)
یپرم ـ یپرم‌خان ـ یفرم ـ یفرم‌خان [ج ۳] ۷۰۷، ۷۴۳، ۷۵۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۶، ۸۲۱، ۸۲۷، ۸۳۲، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۷۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۱۶ ـ ۹۱۸
یحیی‌میرزا [ج ۳] ۷۲۸
یعقوبعلی بربری [ج ۵] ۱۰۹۷
یفرم [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳ (نیز، نك: یپرم)
یوزباشی قربان [ج ۵] ۱۰۱۲
یوسف [ج ۳] ۵۵۸، ۵۷۶
یوسف‌خان [ج ۳] ۶۸۴

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

نام جایها

آبـاده [ج۲] ۴۷۱، ۴۷۲، [ج۳] ۶۳۴، ۶۷۶، ۷۲۱، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۶، [ج۴] ۸۳۶، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۵۷، ۹۶۹، ۹۷۱، [ج۵] ۹۸۱
آب گنده (آب گندو) [ج۳] ۶۶۱
آجی (رودخانه) [ج ۳] ۶۴۶
آذربایجان [ج ۱] ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۵۳، ۶۶، ۷۲، ۸۱، ۹۴، ۱۴۸، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۳، ۳۰۹، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۶_۳۲۹، ۳۳۱، [ج ۲] ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۴۹، ۴۸۶، [ج ۳] ۵۴۳، ۵۵۰، ۵۶۶، ۵۹۲، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۲۶، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۵۱، ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۷۵، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۵، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۷۸_۷۸۰، ۸۱۰، ۸۱۷، ۸۱۹، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۶۹، ۸۷۸، ۸۸۹، ۹۰۷، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۷، ۱۰۶۶، ۱۰۹۶، ۱۱۴۰، ۱۱۵۲، ۱۱۶۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵

آزادان نك: ارادان
آستارا [ج ۱] ۵۴، ۱۳۷، ۲۶۹، [ج ۲] ۴۸۷، [ج ۳] ۶۷۵، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۸۵، [ج۵] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۳۷، ۱۱۵۲
آسیا [ج ۵] ۱۲۳۴
آشتیان [ج ۳] ۶۷۸
آشوراده [۴] ۸۷۵، [ج ۵] ۱۲۴۵
آق‌چشمه [ج ۵] ۹۷۷
آلمان [ج ۳] ۶۹۷، [ج۵] ۱۱۷۷، ۱۱۸۶
آمریك‌ـآمریکا (نك: امریکا)
آمل [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۲۳۳

ابرقو [ج ۲] ۴۷۱
ابهر [ج ۳] ۶۷۸
اترك [ج ۱] ۱۲۶، [ج ۵] ۱۲۰۱
اتریش [ج ۲] ۳۵۸، ۳۵۹، [ج ۴] ۷۷۹
احمدآباد [ج ۳] ۶۸۶
احمدی [ج ۳] ۶۶۱، [ج ۴] ۸۰۷، [ج ۵] ۱۰۴۰
ادسا [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۱۴۱، ۱۲۲۴
ارادان [ج ۵] ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۲۱۱، ۱۲۲۸، ۱۲۳۳
ارجین [ج ۴] ۷۸۶ (نك ارچین)
ارچین [ج ۴] ۸۰۴
اردبیل [ج ۱] ۶۶، ۷۲، ۱۷۸، [ج ۳] ۵۷۹، ۵۹۶، ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۷۵، ۷۰۱، ۷۰۸، ۷۱۹، ۷۳۶ـ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۷، ۷۴۹ـ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶ـ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۵، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۹ـ۷۸۲، ۷۸۴، ۸۱۴، ۸۱۹، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۹۱، ۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۸، ۹۵۰، [ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۶۶، ۱۰۷۰، ۱۰۹۶، ۱۱۰۴، ۱۱۲۶، ۱۱۵۲، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۹۵
اردستان [ج ۱] ۳۰۵، [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۳۹، ۹۶۹، [ج ۵] ۱۱۵۴، ۱۱۹۴، ۱۲۰۷، ۱۲۳۰
اردکان [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۴] ۸۰۸، ۸۷۱، ۹۶۹، [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۲۳۰
ارزروم (ارض‌روم) [ج ۱] ۳۲۴
ارس [ج ۲] ۴۲۲
ارگ ـ ارك [ج۲] ۳۸۲، ۳۸۷، ۵۳۰، [ج ۳] ۵۹۱، ۶۴۷، ۷۵۵، ۷۵۷
اروپا [ج ۲] ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۰، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۸، ۴۰۵، ۴۱۷، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۴۲، ۴۵۹، ۵۳۱، [ج ۳] ۶۴۶، ۶۵۰، ۷۰۷، ۷۱۷، ۷۲۸، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۶۴، ۸۶۹، ۸۷۶، ۸۹۰، ۹۰۷، ۹۵۸، ۹۶۶، [ج۵] ۱۰۲۶، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۴۳، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۵، ۱۰۷۸، ۱۰۸۴، ۱۰۹۶، ۱۱۲۴، ۱۲۰۵، ۱۲۳۴
ارومیه (اورمیه) [ج ۱] ۱۳۲، ۱۳۷، ۲۶۶، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۳۳، ۴۴۸، ۵۲۸، [ج ۳] ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۹۹، ۶۷۵، ۷۲۱، ۷۶۱، [ج ۴] ۸۱۹ (دریاچه) ـ ارومی [ج ۳] ۷۲۱
استراباد [ج ۱] ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۹، [ج ۲] ۳۴۲، ۳۵۲، ۳۸۳، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۶۹، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۲۹، ۵۳۰، [ج ۳]

۵۶۷، ۶۰۰، ۶۷۷، ۷۰۹، ۷۲۹،
[ج ۴] ۷۷۸، ۸۷۵، [ج ۵] ۱۰۱۵،
۱۰۷۰، ۱۰۷۴، ۱۱۲۲، ۱۱۲۴،
۱۱۴۱، ۱۱۵۲، ۱۱۷۰، ۱۱۹۶،
۱۲۰۰ ـ ۱۲۰۲، ۱۲۱۴، ۱۲۱۹،
۱۲۲۲، ۱۲۴۵
استکهلم [ج ۵] ۹۶۷، ۱۰۴۴، ۱۰۸۵
اسدآباد [ج ۳] ۶۸۰
اسرائیل [ج ۲] ۵۳۲
اسفندقه [ج ۴] ۹۱۲
اسکانو [ج ۴] ۹۶۲
اسلامبول [ج ۲] ۴۸۷، [ج ۳] ۵۵۵،
۵۵۶، ۶۲۱، [ج ۴] ۹۶۵
اشرف [ج۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۱۶۷،۱۲۱۵
اصفهان [ج ۱] ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۵۴، ۶۶،
۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۲،
۹۳، ۹۴، ۱۰۸، ۱۱۳،۱۲۶، ۱۲۷،
۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۵۸،
۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴،
۱۷۷ـ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۱۸،
۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۴۹، ۲۶۶،
۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۹، ۳۲۲،
۳۲۳، [ج۲] ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰،
۳۶۳ـ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۱ـ
۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۶ـ
۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۵،
۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۵۱،
۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۱۴،
۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۳۴،
۵۳۵، [ج ۳] ۵۴۶ـ۵۴۹، ۵۵۹،
۵۶۶، ۵۷۲، ۵۷۹ـ۵۸۱، ۵۸۳،
۶۰۱، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۳۶ـ ۶۳۸،
۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۵۶، ۶۷۷،
۷۰۴، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۵،
۷۲۱، ۷۳۰ـ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۵ـ
۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲، ۷۶۷، [ج ۴]
۷۷۶، ۷۷۸، ۷۸۱، ۷۸۵، ۷۸۶،
۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۷، ۷۹۸،
۸۰۴، ۸۱۱، ۸۲۲، ۸۲۴، ۸۲۷،
۸۳۲، ۸۳۴ ـ ۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶،
۸۵۶ ـ ۸۵۸، ۸۶۵ـ۸۶۷، ۸۷۰،
۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۸۶ـ
۸۸۸، ۸۹۲ـ۸۹۴، ۹۰۴، ۹۰۸،
۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۳، ۹۲۲، ۹۲۵،
۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳ـ۹۳۶، ۹۳۹،
۹۴۱، ۹۴۶ـ۹۴۸، ۹۵۵ ـ ۹۵۸،
۹۶۱، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۸، ۹۷۰ـ
۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۷، ۹۷۹، ۹۸۱،
۹۸۳، ۹۸۶، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۵،
۹۹۶، ۹۹۸ ـ ۱۰۰۰، ۱۰۰۷ ـ
۱۰۱۰، ۱۰۱۲، ۱۰۱۴، ۱۰۱۸،
۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۵، ۱۰۸۹،
۱۰۹۰، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۱۰۰،
۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۲۸، ۱۱۵۰،
۱۱۵۱، ۱۱۵۳، ۱۱۶۶، ۱۱۸۴،
۱۱۹۱، ۱۱۹۶، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴،
۱۲۰۶، ۱۲۱۶، ۱۲۲۴، ۱۲۳۰،
۱۲۳۱، ۱۲۴۰ـ۱۲۴۴.
افریقا [ج ۵] ۱۲۳۴
افشا [ج ۳] ۶۷۷
افغان [ج ۱] ۷۵، [ج ۳] ۷۴۶، [ج ۴]
۸۸۱، ۸۹۲، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۸،
۹۶۸
افغانستان [ج ۴] ۹۳۸
اقطاع [ج۳] ۶۷۷
اکونوری تودر [ج ۴] ۸۱۳
البلوك [ج ۳] ۶۷۹
الوار [ج ۲] ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۳
الیغ [ج ۴] ۸۲۲
امستردام [ج ۴] ۷۷۹، ۹۲۹، [ج ۵]

۹۸۶، ۱۰۱۷، ۱۰۲۰، ۱۰۷۳،
۱۰۸۷، ۱۰۹۲، ۱۰۹۴، ۱۱۱۲،
۱۱۲۰، ۱۱۴۶، ۱۱۷۴، ۱۲۲۸،
۱۲۳۴ (نیز نك: ممالك متحده)
املموند؟ (رودخانه) [ج ۵] ۱۰۷۵
امیرآباد [ج ۴] ۴۷۱، ۹۶۹
امیران [ج ۵] ۱۰۷۵
امین‌آباد [ج ۴] ۹۷۱
انار [ج ۱] ۱۸۷، [ج ۲] ۷۴۱، [ج ۳]
۸۲۳، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۷۱، [ج ۵]
۹۸۱، ۹۹۵، ۹۹۹
انارك [ج ۳] ۷۴۱، [ج ۴] ۹۱۰، ۹۳۱،
۹۳۹، ۹۶۹
انبارك [ج ۳] ۷۱۶
انزلی [ج ۱] ۳۷، ۴۴، ۵۲، ۵۴، ۷۰،
۷۲، ۲۶۳، [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳،
۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۴۹، ۴۶۱،
۴۸۰، [ج ۳] ۵۸۷، ۵۸۸، ۶۰۷،
۶۱۲، ۶۱۳، ۶۲۵، ۶۷۹، ۷۰۹،
۷۱۸، ۷۳۴، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۵۳،
۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۹، [ج ۴] ۸۱۴،
۸۶۹، [ج ۵] ۹۹۷، ۱۰۹۶
انگالی [ج ۳] ۶۵۷، [ج ۵] ۱۰۰۰،
۱۰۴۰
انگلیس [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۱۱۲، ۱۴۱،
۱۸۸، ۱۹۶، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸،
۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۱،
۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸، [ج ۲]
۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۸، ۳۵۳ ـ ۳۵۶،
۳۵۸، ۳۶۰ـ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۷،
۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۸۱ ـ ۳۸۴،
۳۸۶، ۳۹۱ـ۳۹۳، ۳۹۵ ـ ۴۰۳،
۴۰۵ ـ ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۴،
۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۰ ـ ۴۲۳، ۴۲۹ـ
۴۳۳، ۴۳۵ ـ ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۵،
۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱ ـ ۴۷۳،
۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸ ـ ۴۸۱، ۴۸۳،
۴۸۵، ۴۸۷ ـ ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳،
۴۹۵ـ۵۰۰، ۵۰۳ ـ ۵۰۷، ۵۱۰،
۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۸،
۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۸،
۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۴ ـ ۵۳۷،
۵۳۹، [ج ۳] ۵۴۴، ۵۴۹، ۵۵۰،
۵۵۲، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۶۳ ـ ۵۶۵،
۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۸۱،
۵۸۸، ۵۹۲، ۶۰۱، ۶۰۴ ـ ۶۰۷،
۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۹، ۶۲۲،
۶۲۳، ۶۳۵، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴،
۶۴۷، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۵ ـ ۶۵۸،
۶۶۰، ۶۶۳، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹،
۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۸، ۷۰۳ـ۷۰۷،
۷۰۹، ۷۱۱ـ۷۱۳، ۷۱۹، ۷۲۰،
۷۲۳، ۷۲۴، ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۷،
۷۵۵، ۷۶۲، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۷۵،
۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۷ ـ ۷۹۱،
۷۹۴، ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۳،
۸۰۵ ـ ۸۰۷، ۸۱۱، ۸۱۵، ۸۱۷ ـ
۸۲۰، ۸۲۵، ۸۲۹، ۸۳۱، ۸۳۲،
۸۳۸، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۷ـ۸۵۱،
۸۵۴ ـ ۸۵۶، ۸۵۸ ـ ۸۶۰، ۸۶۲،
۸۶۵، ۸۷۱، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۶ـ
۸۷۸، ۸۸۲، ۸۸۴ ـ ۸۸۶، ۸۸۸،
۸۹۲ ـ ۸۹۴، ۸۹۶، ۸۹۸، ۹۰۳،
۹۰۶، ۹۰۹، ۹۲۱، ۹۲۳، ۹۲۶،
۹۲۷، ۹۲۹، ۹۳۲، ۹۳۸، ۹۴۰،
۹۴۳، ۹۴۵ ـ ۹۴۸، ۹۵۱، ۹۵۲،
۹۵۴، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۱،
۹۶۲، ۹۶۶، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۵ ـ
۹۸۲، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۷ـ۹۸۹،
۹۹۵، ۱۰۰۱، ۱۰۰۴، ۱۰۰۹،

۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۸، ۱۰۴۸،
۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۴، ۱۰۵۶،
۱۰۵۹، ۱۰۶۳ ـ ۱۰۶۶، ۱۰۷۸،
۱۰۷۹، ۱۰۸۱، ۱۰۹۰، ۱۰۹۵،
۱۰۹۷، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۱۷،
۱۱۱۸، ۱۱۲۲ ـ ۱۱۲۴، ۱۱۲۷،
۱۱۲۸، ۱۱۳۰ ـ ۱۱۳۴، ۱۱۳۷،
۱۱۳۸، ۱۱۴۱، ۱۱۴۳، ۱۱۵۷،
۱۱۵۸، ۱۱۶۰ ـ ۱۱۶۶، ۱۱۶۹،
۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۴، ۱۱۷۶،
۱۱۷۷، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۲ ـ
۱۱۸۴، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱، ۱۱۹۴ ـ
۱۱۹۶، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۸،
۱۲۱۰، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰،
۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷،
۱۲۳۲، ۱۲۳۷، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳
(نیز نك: انگلستان)
انگلستان [ج ۳] ۶۶۰، ۶۹۸، [ج ۴]
۷۸۲، ۷۸۳، ۸۰۰، ۸۰۳، ۸۰۶،
۸۲۸، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۸، ۸۴۱،
۸۴۲، ۸۴۷، ۸۶۲، ۸۶۴، ۸۷۳،
۸۸۷، ۸۸۸، ۸۹۶، ۹۰۸، ۹۱۰،
۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۷، ۹۳۵، ۹۴۲،
۹۴۸، ۹۵۲ ـ ۹۵۴، ۹۵۹، ۹۶۴،
۹۶۵، [ج۵] ۹۶۷،۱۰۱۶، ۱۰۵۴،
۱۰۷۰، ۱۱۴۴، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸،
۱۱۸۴، ۱۰۲۶ (نیز نك: انگلیس)
اورامان [ج ۳] ۶۷۹
اورمیه (نك: ارومیه)
اومکالی (محله) [ج ۵] ۱۲۰۱
اوین [ج ۴] ۹۶۲
اهر [ج ۳] ۶۷۵، ۷۶۰، [ج ۴] ۸۱۰،
۹۴۳، ۹۵۶، [ج۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶
اهرم [ج ۳] ۷۱۶، [ج ۴] ۹۴۱
اهواز [ج ۱] ۹۶، ۱۱۳، ۱۲۹، ۲۸۳
[ج ۳] ۶۰۱، ۷۱۰، [ج ۴] ۷۹۸،
۸۵۶، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۸۶، ۸۹۲،
۹۰۴، ۹۳۳، ۹۴۲، ۹۴۵، ۹۵۵،
۹۵۷، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۹، [ج ۵]
۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۴۷، ۱۰۶۵،
۱۰۶۹، ۱۰۷۹، ۱۰۸۱، ۱۰۹۸،
۱۱۵۰، ۱۱۵۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۶،
۱۲۰۶، ۱۲۴۱
اهونی [ج ۲] ۴۶۲
ایتالیا [ج ۵] ۹۹۷، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳
ایران [ج ۳] ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۶،
۵۵۷، ۵۷۱، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۶،
۵۸۸، ۵۹۸، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۰۹،
۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۲۰، ۶۲۲ـ
۶۲۵، ۶۲۷ ـ ۶۳۳، ۶۳۶ ـ ۶۳۸،
۶۴۳، ۶۴۵، ۶۴۹، ۶۵۱ ـ ۶۵۴،
۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۳ ـ ۶۶۶، ۶۶۹،
۶۸۵، ۶۸۹ـ۶۹۳، ۶۹۵ ـ ۶۹۹،
۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۵،
۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۲ ـ ۷۲۸،
۷۳۰، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۷ـ۷۴۱،
۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۰،
۷۵۲ ـ ۷۵۴، ۷۵۷، ۷۵۹، ۷۶۶،
۷۶۷، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۷،
۷۸۰، ۷۹۱، ۷۹۶، ۸۰۱ ـ ۸۰۳،
۸۰۵ ـ ۸۰۷، ۸۱۰، ۸۱۳ ـ ۸۱۵،
۸۱۷ ـ ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۸ ـ
۸۳۳، ۸۳۸ ـ ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۷ ـ
۸۵۱، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۸ ـ ۸۶۰،
۸۶۲ ـ ۸۶۴، ۸۶۷، ۸۷۳، ۸۷۶ ـ
۸۸۰، ۸۸۲، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۷ ـ
۸۸۹، ۸۹۲، ۸۹۶، ۸۹۹، ۹۰۰،
۹۰۴، ۹۱۵، ۹۱۷، ۹۲۰، ۹۲۱ ـ
۹۲۳، ۹۲۶ ـ ۹۲۸، ۹۳۴، ۹۳۵،
۹۳۷، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۶ ـ ۹۴۸،

۹۵۰ ـ ۹۵۵، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۶، ۹۷۹، ۹۸۲ـ۹۹۳، ۹۹۶ ـ ۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰ـ ۱۰۱۲، ۱۰۱۴ ـ ۱۰۱۷، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۶، ۱۰۲۹ ـ ۱۰۳۲، ۱۰۳۵ ـ ۱۰۳۸، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۴ ـ ۱۰۴۶، ۱۰۴۸ ـ ۱۰۵۱، ۱۰۵۴، ۱۰۵۹، ۱۰۶۱، ۱۰۶۴، ۱۰۶۶ ـ ۱۰۷۴، ۱۰۷۸، ۱۰۸۰، ۱۰۸۵ ـ ۱۰۸۸، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۹۰۴، ۱۰۹۷، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۳ ـ ۱۱۱۳، ۱۱۱۶، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۴ ـ ۱۱۲۸، ۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۴۰ ـ ۱۱۴۴، ۱۱۵۱، ۱۱۵۶ ـ ۱۱۶۶، ۱۱۶۸ـ ۱۱۸۵، ۱۱۸۷ ـ ۱۱۹۴، ۱۱۹۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰، ۱۲۰۴ ـ ۱۲۰۶، ۱۲۱۲، ۱۲۱۵ ـ ۱۲۲۹، ۱۲۳۱، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۷، ۱۲۴۱، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴

ایزدخواست [ج ۳] ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۲

ایلوآلوا (بندر) [ج ۵] ۱۰۰۴، ۱۰۱۷

بابعالی [ج ۲] ۴۷۰

باجگیران [ج ۵] ۹۸۰

باخرز [ج ۳] ۶۷۶

بادامك [ج ۳] ۶۸۶

بادکوبه [ج ۲] ۴۶۱، [ج ۳] ۵۴۵، ۵۸۴، ۵۸۷، ۶۰۷، ۷۴۴، [ج ۵] ۹۹۶، ۱۱۰۶، ۱۱۱۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۴، ۱۱۲۷، ۱۱۳۵، ۱۱۴۳، ۱۱۶۴، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۲۱۲

بارفروش [ج ۱] ۲۴۸، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۷۳، ۱۱۸۷، ۱۲۱۴

بارنگت ـ بارنج [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۳] ۵۹۱

بازار (محلهٔ) [ج ۳] ۶۷۵

باسمنج ـ باسمج [ج ۲] ۳۵۱، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۴، ۴۵۳، ۴۶۱ ـ ۴۶۴، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۷، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۳، ۵۲۵، ۵۲۶، [ج ۳] ۵۹۲ ـ ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۴۹، [ج ۴] ۸۲۷، [ج ۵] ۱۲۱۲

باطوم [ج ۱] ۳۱۸، [ج ۳] ۶۰۸

باغ اتابك [ج ۴] ۸۹۷

باغشاه [ج ۱] ۳۱۸، ۳۲۱، [ج ۲] ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۸۰، ۳۸۱، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۶۱، ۵۰۲، [ج ۳] ۵۵۱، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۲، ۵۶۵، ۶۴۶، ۷۰۷

باغ شمال [ج ۳] ۵۷۸

باغ مدیریه [ج ۲] ۴۲۴ـمدیریه [ج ۲] ۴۶۰

باغو [ج ۱] ۱۸۰

بافت ـ بفت [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۲] ۴۷۰

بافق [ج ۲] ۳۵۲، [ج ۴] ۸۵۶

باقرآباد [ج ۵] ۱۰۳۹

باکو [ج ۱] ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۱۴۱، [ج ۲] ۴۲۱، ۴۲۳، (نك: بادکوبه)

بالکان [ج ۵] ۱۰۳۵

بام‌پور (نك: بمپور)

باند [ج ۱] ۲۳، ۲۸

بانه [ج ۳] ۶۷۹

بایزیه [ج ۳] ۶۶۳
بجنورد [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۶۷۶، [ج۴] ۹۰۸، [ج ۵] ۱۱۴۲
بحر خزر [ج ۱] ۵۴، [ج ۲] ۴۱۰، [ج ۳] ۵۴۵، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۷۴، [ج ۵] ۱۰۶۰، ۱۱۳۸، ۱۱۹۳، ۱۲۱۷
بختیاری [ج ۱] ۵۴، ۲۸۳
برازجان [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۸، [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۷۷، [ج۴] ۷۸۷، ۷۸۹، ۸۰۰، ۸۰۷، ۸۳۵، [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵
برج نمازگاه [ج ۳] ۶۶۱
بردسیر [ج ۱] ۱۶۷
برلن [ج ۱] ۲۰۶، [ج ۳] ۷۰۱ [ج ۵] ۹۸۵
بروجرد [ج ۲] ۴۶۸، [ج۳] ۶۷۸، ۷۳۰، [ج ۴] ۸۱۲، ۸۹۵، ۹۱۱، ۹۳۲، ۹۳۶، ۹۴۰، ۹۵۹، [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۳۳ ـ ۱۲۳۵
بروکسل [ج ۵] ۹۸۵
بریتانیای‌عظمی(نک: انگلستان‌وانگلیس)
بزچلو [ج ۲] ۳۵۳
بستك [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۹، ۹۶۲
بسطام [ج ۳] ۶۷۸
بصره [ج ۳] ۶۵۶، ۷۱۶
بطوند (بت‌وند) [ج ۱] ۱۱۳، ۱۳۹
بغداد [ج ۱] ۱۵۸، ۳۲۲، [ج ۳] ۵۴۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۷۳۲، [ج ۴] ۷۹۸، ۹۴۵، ۹۶۱، ۹۷۱
بلده [ج ۵] ۱۲۰۸
بلدهٔ نور [ج ۳] ۶۸۰
بلژیك [ج ۲] ۴۶۵، ۴۷۷، ۵۳۶، [ج ۴] ۷۷۹، [ج ۵] ۱۰۶۳، ۱۱۱۱، ۱۱۲۰، ۱۱۳۰، ۱۱۴۰، ۱۱۴۷
بلوچستان [ج ۱] ۲۶۹، [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲، ۹۳۲، ۹۴۱، ۹۴۵، [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۳۹، ۱۰۹۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
بم [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۸۹، [ج ۳] ۶۴۹، ۶۷۷، ۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۵، ۹۳۲، ۹۶۰، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۲۱۶، ۱۲۴۲
بمبئی [ج ۴] ۷۸۹
بمپور ـ بامپور [ج ۴] ۷۸۷، ۸۹۲، [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۰۷۶
بناب [ج ۲] ۳۵۱، ۳۹۰، [ج ۳] ۶۷۵
بنادر و جزایر [ج ۳] ۶۷۷
بنادر خلیج [ج ۴] ۹۰۸، [ج ۵] ۹۹۲، ۱۰۷۰، ۱۱۷۲
بنادر فارس [ج ۳] ۶۵۰، ۶۵۵، [ج ۵] ۱۰۰۰
بندان [ج ۵] ۹۸۱
بندرجز (بندرگز) [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۵۳۰، [ج ۵] ۱۲۱۸، ۱۲۴۵
بندر خمیر [ج ۳] ۶۷۷
بندر دیلم [ج ۱] ۳۸
بندر ریگ [ج ۱] ۳۸، [ج ۳] ۷۱۶
بندرعباس [ج ۱] ۴۵، ۷۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۲۸۲، [ج ۲] ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۳۶ـ ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۶۴ ـ ۴۶۶، ۴۶۹، [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۹۶، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۱۱، ۶۲۱، ۶۵۱، ۶۵۷، ۶۷۷، ۷۱۳، ۷۱۷، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۹،

۸۳۵، ۸۹۴، ۹۳۳، ۹۴۵، ۹۵۵،
۹۶۱، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۲، ۹۹۵،
۱۰۱۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۹،
۱۰۷۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰،
۱۱۵۵، ۱۲۰۹ ـ ۱۲۱۱، ۱۲۱۳،
۱۲۱۴، ۱۲۱۶، ۱۲۳۲، ۱۲۴۱
بندرلنگه [ج ۳] ۵۶۸، ۶۱۱، ۶۲۱، [ج ۴] ۷۹۹ (نك: لنگه)
بنه‌گز [ج ۳] ۷۱۶
بوالورد [ج ۵] ۱۲۰۷
بوشهر [ج ۱] ۳۸، ۴۵، ۷۳، ۸۳، ۸۴،
۹۵، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۸،
۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۰،
۲۰۵، ۲۰۸، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۸۹،
۳۲۳، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۶، ۴۰۰،
۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶ ـ ۴۳۹، ۴۴۱،
۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۱ـ۴۵۴،
۴۶۴ ـ ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۶،
۴۷۸، ۴۷۹، ۵۰۵، ۵۳۴ ـ ۵۳۶،
[ج ۳] ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۸،
۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۸،
۵۷۹، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۱۱ ـ
۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹ ـ ۶۲۱، ۶۲۶،
۶۳۰، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۳،
۶۵۵ ـ ۶۶۱، ۶۷۷، ۶۹۳، ۷۱۴ـ
۷۱۶، ۷۲۱، ۷۳۲ ـ ۷۳۴، ۷۴۰،
۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۴، ۷۶۵،
[ج ۴] ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۸۱، ۷۸۸ ـ
۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۹ ـ ۸۰۱، ۸۰۴،
۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۲۰،
۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳۷، ۸۶۶،
۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۹۴،
۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۵، ۹۴۱،
۹۴۲، ۹۴۴ ـ ۹۴۸، ۹۵۵، ۹۶۱،
۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۷۱،
۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷، ۹۷۸،
۹۸۳ـ۹۸۵، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۵،
۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۹،
۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰،
۱۰۴۲، ۱۰۵۲، ۱۰۵۴، ۱۰۶۵،
۱۰۶۶، ۱۰۶۹، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸ـ
۱۰۸۱، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۱۰۰،
۱۱۱۷، ۱۱۵۰، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱،
۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۲۰۸،
۱۲۰۹، ۱۲۱۴، ۱۲۱۶، ۱۲۳۲،
۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴ ـ ۱۲۴۶
بویراحمدی [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۷۷۵،
۷۸۷ ـ ۷۹۰، ۷۹۲، ۸۰۳، ۸۰۴.
۸۰۷، ۸۰۸، ۹۶۱، ۹۷۱، [ج ۵]
۹۷۷، ۹۷۸، ۱۰۰۷، ۱۰۴۲،
۱۰۵۴، ۱۰۷۲، ۱۰۹۸
بوینك [ج ۴] ۸۷۶
بهارستان [ج ۳] ۶۱۵، ۶۲۱ ـ ۶۲۴،
۶۲۶، ۶۸۲ـ۶۸۴، ۶۸۶ ـ ۶۹۰،
۷۰۵، ۷۰۶
بهبهان [ج۳] ۶۷۶، [ج۴] ۷۸۸، ۸۰۷،
۸۰۸، ۹۱۳، [ج ۵] ۱۰۴۷،
۱۰۶۵، ۱۱۰۷، ۱۱۲۹
بهرام‌آباد [ج ۵] ۹۹۵
بیاض [ج ۵] ۹۹۵
بیت‌المقدس [ج ۱] ۳۸
بیجار [ج ۳] ۶۷۹
بیرجند [ج ۱] ۷۵، ۱۷۰، [ج ۳] ۶۰۱،
۶۴۸، ۶۷۶، ۷۲۹، [ج ۴] ۸۹۲،
۹۰۸، [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۳۸،
۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷
بیضاء [ج ۳] ۷۱۴

پارك ـ پارك اتابك [ج۴] ۸۹۹، ۹۰۶،

۹۱۶ ـ ۹۱۹
پاریس [ج ۲] ۳۵۲، ۳۹۹، ۴۳۹، ۵۴۱، [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۹۶۳، [ج۵] ۹۷۶، ۹۸۵، ۹۹۸، ۱۰۰۰، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۴۴
پاش‌پورخه (محله) [ج ۵] ۱۲۰۱
پرتغال [ج ۱] ۱۶۵
پروسك [ج ۱] ۱۷۷
پشت‌کوه [ج ۲] ۳۸۴، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۹۹، ۱۱۱۶، ۱۱۵۵
پشت‌مشهد [ج ۴] ۹۵۸
پطرزبورغ ـ سنت پطرزبورغ [ج ۱] ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۸۳، ۱۹۱ ـ ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۷۳ ـ ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷ـ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰ ـ ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۴ ـ ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱، [ج ۳] ۶۴۱، ۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۴۷، ۷۵۰ ـ ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۱۴، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۱ ـ ۸۶۳، ۸۸۰ ـ ۸۸۲، ۸۹۶، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۲۰ ـ ۹۲۲، ۹۳۴ (نك: سنت پطرزبورغ)
پطروس [ج ۱] ۱۴۱
پطروسك [ج ۳] ۶۶۵، ۷۴۴، [ج ۵] ۱۱۹۳، ۱۲۰۰
پل‌آجی [ج ۱] ۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۹۰، ۵۱۶، [ج ۳] ۵۹۱
پل دالکی [ج ۳] ۶۶۱
پل زمانخان [ج ۵] ۱۰۹۸
پل زنیان [ج ۴] ۸۰۸
پل سیوند [ج ۵] ۱۰۸۳، ۱۱۵۰
پل فسا [ج ۵] ۱۲۴۴
پیرانوند ـ پیرانه‌وند [ج ۵] ۱۲۳۴

تالش ـ تالش‌دولاب [ج ۱] ۵۴، ۶۶، ۳۰۵
تبریز [ج ۱] ۳۳، ۳۷، ۴۲، ۵۱ـ۵۴، ۶۶، ۷۲، ۸۱، ۹۴، ۱۰۸ ـ ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۹۶، ۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۶۶، ۲۷۱ ـ ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸ ـ ۳۰۰، ۳۰۷ ـ ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷ ـ ۳۲۹، ۳۳۱، [ج ۲] ۳۳۷، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۹ ـ ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹ـ۴۱۱، ۴۱۳ ـ ۴۱۵، ۴۱۷ ـ ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۶ ـ ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۷، ۴۶۱ ـ ۴۶۴، ۴۶۹، ۴۷۹ـ۴۸۵، ۴۸۷ ـ ۵۰۲، ۵۰۴ـ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲۴ ـ ۵۲۸، ۵۳۴، [ج ۳] ۵۴۲ ـ ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۴ ـ ۵۵۹، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۹ ـ ۵۷۱، ۵۷۳ ـ ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۸، ۵۹۰ـ۵۹۲، ۵۹۴ـ۵۹۹، ۶۰۸، ۶۱۲، ۶۲۱، ۶۲۷ـ

۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۴۱، ۶۴۶،
۶۴۷، ۶۵۰ ـ ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۶۳،
۶۶۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۸۲، ۶۹۴ـ
۶۹۷، ۶۹۹ ـ ۷۰۱، ۷۰۷ ـ ۷۰۹،
۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۸، ۷۳۵ ـ ۷۳۹،
۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰،
۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۸، ۷۶۰،
۷۶۱، ۷۶۵، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۷۶،
۷۷۷، ۷۷۹ ـ ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵،
۷۹۷، ۸۰۲، ۸۱۰، ۸۱۴، ۸۱۶،
۸۱۷، ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴ ـ ۸۲۷،
۸۳۳، ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۶۸، ۸۶۹،
۸۸۳، ۸۸۴، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۱۶،
۹۳۰، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۸، ۹۴۳
۹۵۶،[ج۵] ۹۹۸،۱۰۱۱، ۱۰۳۷،
۱۰۶۶، ۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۰۴،
۱۱۰۶، ۱۱۲۱، ۱۱۵۲، ۱۱۶۱،
۱۱۶۲، ۱۱۹۰، ۱۱۹۷، ۱۲۰۶،
۱۲۱۲ ـ ۱۲۱۴، ۱۲۱۸، ۱۲۲۹

محت کی [ج ۳] ۶۶۲
ترافلگار [ج ۳] ۶۴۱
تراکمه [ج ۳] ۶۰۰، ۷۲۹
تربت [ج ۲] ۴۶۹، ۵۳۱ [ج ۳] ۵۶۷،
۶۰۱، ۶۲۹، ۷۴۵، [ج ۴] ۹۰۷،
۹۳۰، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵] ۹۸۰،
۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷
تربت‌حیدری، تربت حیدریه [ج ۱] ۱۲۴،
۱۵۷، ۱۸۷، ۲۶۶، [ج ۲] ۴۶۸،
۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰، ۶۷۶،
۷۲۹، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۲۲
ترشیز [ج ۳] ۶۷۶، ۷۲۹
تفت [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۰، ۴۳۱، [ج ۳]
۶۴۹، [ج ۴] ۸۷۱
تفرش [ج ۳] ۶۷۸
تفلیس [ج ۱] ۶۳، [ج ۳] ۵۷۴

تکیهٔ دولت [ج ۲] ۴۲۹
تنکابن [ج ۳] ۶۸۰
تنگ‌ترکان [ج ۳] ۶۶۲، [ج ۵] ۱۱۱۳
تل برازجان [ج ۳] ۶۶۱
تنگستان [ج ۱] ۲۵۵، [ج ۲] ۴۴۱،
۴۷۸، [ج ۳] ۶۵۸، ۷۱۶، ۷۳۳،
[ج ۴] ۸۰۰، ۸۳۵، ۸۹۴
تنگهٔ انجیره [ج ۴] ۹۳۸
توپخانه [ج ۳] ۶۱۶ (نك:میدان‌توپخانه)
توتاکی [ج ۵] ۱۰۷۶
تون [ج ۳] ۶۷۶
تویسرکان [ج ۳] ۶۸۰
تهران [ج ۲] ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۵۳،
۳۵۸، ۳۶۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳،
۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۸،
۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴،
۴۱۷، ۴۲۵ ـ ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۵،
۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۵۱، ۴۵۶،
۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۳ ـ
۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰،
۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۸، ۵۰۹،
۵۱۹ ۵۲۱ـ۵۲۴، ۵۲۹، [ج ۳]
۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۵۰،
۵۵۴، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۳، ۵۶۵،
۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۲ ـ ۵۷۴، ۵۷۸ـ
۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴ ـ ۵۸۹، ۵۹۴،
۵۹۷ ـ ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۶، ۶۰۷،
۶۰۸ ـ ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵،
۶۱۷ ـ ۶۲۳، ۶۲۵ ـ ۶۲۷، ۶۳۱،
۶۳۳، ۶۳۵، ۶۳۶ ـ ۶۳۸، ۶۴۱ـ
۶۴۶، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۴،
۶۵۵، ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۵،
۶۸۱ ـ ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸،
۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۸، ۷۰۱،
۷۰۳، ۷۰۹ ـ ۷۱۲،۷۱۷ ـ ۷۱۹،

۷۲۱، ۷۲۶ ـ ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۵،
۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵،
۷۴۷، ۷۴۹، ۷۵۴ـ۷۶۴، [ج۴] ۷۷۸،
۷۸۰ ـ ۷۸۳، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸،
۷۹۲، ۷۹۶، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۳،
۸۰۹، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۲، ۹۲۴
۸۲۷، ۸۲۹، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۵،
۸۳۹، ۸۴۱، ۸۵۱، ۸۵۴، ۸۶۱،
۸۶۷، ۸۶۹، ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۸۰ ـ
۸۸۲ ۸۸۹، ۸۹۱، ۸۹۳ ـ ۸۹۵،
۸۹۷، ۸۹۸، ۹۰۳، ۹۰۵ ـ ۹۰۹،
۹۱۱، ۹۱۳ ـ ۹۱۷، ۹۲۰ ـ ۹۲۲،
۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۸ ـ ۹۳۴، ۹۳۶ـ
۹۴۲، ۹۴۵، ۹۴۹، ۹۵۵، ۹۵۷ ـ
۹۵۹، ۹۶۵ـ۹۶۷، ۹۶۹، [ج ۵]
۹۷۵، ۹۷۸ ـ ۹۸۱، ۹۸۳، ۹۸۵،
۹۸۹، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۸، ۹۹۹،
۱۰۰۴، ۱۰۰۶، ۱۰۱۰، ۱۰۱۲،
۱۰۱۳، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۲۷،
۱۰۳۰، ۱۰۳۴، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹،
۱۰۴۵، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۳،
۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۶۲، ۱۰۷۲ ـ
۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱،
۱۰۸۵، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۴،
۱۰۹۷ ـ ۱۰۹۹، ۱۱۰۱، ۱۱۰۴،
۱۱۰۸، ۱۱۱۶، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳،
۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۲، ۱۱۳۸،
۱۱۳۹، ۱۱۴۲، ۱۱۴۹، ۱۱۵۱ ـ
۱۱۵۶، ۱۱۶۳ ـ ۱۱۶۶، ۱۱۶۸ـ
۱۱۷۰، ۱۱۷۳ـ۱۱۷۵، ۱۱۷۸ ـ
۱۱۸۰، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۵،
۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴ ـ
۱۲۰۶، ۱۲۰۸، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰،
۱۲۲۱، ۱۲۲۵، ۱۲۲۸ ـ ۱۲۳۱،
۱۲۳۳ ـ ۱۲۳۵، ۱۲۳۷، ۱۲۴۱،
۱۲۴۴، ۱۲۴۵

تهرود [ج ۵] ۱۰۱۴

جاتا (جطوط؟) [ج ۳] ۶۶۱
جاجرم [ج ۱] ۲۸۹
جاسك [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۱۴
جاف [ج ۳] ۷۸۶
جام [ج ۳] ۶۷۶
جبل‌ترنجه [ج ۴] ۹۶۲
جـره [ج ۴] ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۹، ۸۱۳،
۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۶۶،
۸۹۵، [ج ۵] ۹۷۷، ۹۷۸
جعفرچن [ج ۳] ۶۶۲
جگند [ج ۵] ۱۲۳۰
جلفا [ج ۱] ۸۳ ۱۵۰، ۲۹۴، ۲۹۵،
۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۷ـ۳۱۰، ۳۱۸،
۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۱، [ج ۲] ۳۳۷،
۳۷۰، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۰۴،
۴۰۹، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱ ـ ۴۲۴،
۴۳۳ ـ ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۶۲ ـ ۴۶۴،
۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۸ ـ
۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۲،
[ج ۳] ۵۷۱، ۶۰۸، ۷۰۱، ۷۱۰،
۷۲۸، [ج۴] ۸۱۹، [ج۵] ۱۰۷۶،
۱۲۱۴
جوشقان [ج ۳] ۶۷۹
جوین [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۶
جهرم [ج ۳] ۶۷۶، ۷۱۴
جیرفت [ج ۱] ۱۶۷، ۲۸۲، [ج ۵]۹۹۴،
۱۰۱۴، ۱۱۰۰، ۱۲۰۹
جیزغه [ج ۴] ۹۶۲
جیل [ج ۳] ۷۳۰

چالمیدان (محلهٔ) [ج ۳] ۶۷۵
چاه‌بهار [ج ۱] ۱۵۹، [ج ۴] ۹۴۵
چاه‌خانی [ج ۳] ۶۶۱
چاه کوتاه [ج ۴] ۸۳۵
چاه‌داشتی (چاه‌دشتی؟) [ج ۵] ۱۰۹۶
چرون (چروم) [ج ۳] ۶۶۲
چرکر [ج ۴] ۸۸۳
چشمه مروارید [ج ۴] ۸۰۸
چغادك [ج ۳] ۶۶۱
چلپیانلو [ج ۱] ۲۲
چهاررامی [ج ۵] ۱۰۷۶
چهارمحل (چهارمحال)[ج۱] ۱۸۱، ۲۶۸، ۲۶۸، ۳۲۳، [ج ۳] ۶۰۴، [ج ۴] ۹۰۸

حاجی‌آقا [ج ۳] ۷۰۱
حاجی‌طرخان (بندر) [ج ۳] ۷۵۴
حبیب‌آباد [ج ۵] ۱۰۳۹
حسن‌آباد [ج ۳] ۶۴۴
حضرت عبدالعظیم [ج ۲] ۲۷ (نیز نك: شاهزاده عبدالعظیم)
حکم‌آباد [ج ۲] ۴۶۲، [ج۳] ۵۵۶، ۵۷۶
حلوان [ج ۵] ۱۰۷۵

خالدآباد [ج ۳] ۵۷۲، [ج ۴] ۹۶۹، [ج ۵] ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۲۳۰
خان‌زنیان [ج ۲] ۵۳۵، [ج ۳] ۷۶۵، [ج۴] ۷۸۸، [ج۵] ۱۱۱۴، ۱۱۱۵
خان کرکن ــ خوان گرگان [ج ۱] ۱۵۸، [ج ۴] ۷۸۷
خانه [ج ۵] ۱۰۹۷
خانه گرگان [ج ۵] ۱۰۰۰
خبیص ــ خوان خبیص [ج۳] ۶۷۷، [ج۴] ۸۶۶، ۹۷۱
خجند [ج ۱] ۳۲۸
خراسان [ج ۱] ۶۶، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۷، [ج ۲] ۳۵۲، ۳۶۷، [ج ۳] ۶۷۶، ۷۴۴، [ج ۴] ۷۹۶، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۷۰، ۹۰۷، ۹۳۰، [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۵۲، ۱۲۰۶، ۱۲۳۰
خرقان [ج ۳] ۶۷۸
خرم‌آباد [ج ۱] ۱۷۰، ۱۷۵، [ج ۳] ۶۸۰، [ج۵] ۱۱۹۲
خزر (دریا) [ج ۳] ۷۴۴ (نك: بحرخزر)
خسروشیرین [ج ۵] ۱۲۰۳
خضر [ج ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۲۳۰
خطیب [ج ۱] ۲۹۲، [ج ۲] ۴۶۲ـ۴۶۴، ۵۰۰، ۵۰۲، [ج ۳] ۵۹۴
خفر [ج ۴] ۸۹۳
خلج [ج ۱] ۲۴۴، [ج ۴] ۸۲۱
خلخال [ج ۳] ۶۷۵، [ج ۴] ۷۷۹
خلیج [ج ۲] ۴۳۸، ۴۷۲
خلیج فارس [ج ۱] ۹۶، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۵۰، ۲۸۲، [ج ۲] ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۶۴، ۴۷۲، [ج ۳] ۵۵۵، ۶۵۶، ۷۱۶، ۷۴۷، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۶۱، ۹۷۱، [ج ۵] ۱۰۶۹، ۱۰۷۹، ۱۱۰۰، ۱۱۵۵، ۱۱۹۲
خمام [ج ۵] ۱۰۹۶
خواجه‌نفس [ج ۵] ۱۲۰۱
خوار [ج ۵] ۱۱۲۳، ۱۲۱۱
خواف [ج ۳] ۶۷۶

خور [ج ۵] ۱۰۳۸
خوشاب (خوش‌آب) [ج ۳] ۶۶۱
خوشکوه (خوش‌کوه) [ج ۳] ۵۶۷
خون خوزه (خان خوزه) [ج۵] ۱۰۳۹
خوی [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵، [ج ۲] ۳۷۰، ۳۸۸، [ج ۳] ۶۷۵
خیابان [ج ۲] ۴۶۲، ۴۶۳
خیابان علاءالدوله [ج ۳] ۷۰۶
خیوه [ج ۱] ۳۲۸

داراب [ج ۳] ۷۱۳، [ج ۴] ۹۴۱
دارابگرد [ج ۳] ۶۷۶
دالکی [ج ۱] ۱۵۸، ۱۶۷، ۲۶۸، [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۱، [ج ۴] ۷۸۹، ۸۰۷، ۸۳۵، [ج ۵] ۱۰۰۰
دامغان [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۱۵۲، ۱۱۷۰، ۱۲۰۲، ۱۲۲۸
دخمهٔ کیخسرو [ج ۱] ۱۵۹
درود [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۳۰
درجز ــ درگز [ج۱] ۱۲۳، [ج۳]۶۷۶، ۷۴۴، [ج ۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۱۲، ۱۰۳۸
دریاقلی [ج ۳] ۶۶۱
درخلیل ــ دزخلیل [ج ۱] ۲۶۳، [ج ۲] ۴۴۹
دزفول [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵، [ج ۴] ۹۳۳، ۹۶۲
دشت‌ارجن ــ دشت ارژن [ج ۳] ۷۳۲، ۷۶۵، [ج۴] ۷۷۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۰۴، ۸۰۸، ۸۶۶، ۹۴۴، ۹۶۱، [ج ۵] ۱۰۵۴، ۱۰۷۲، ۱۱۱۳
دشتستان [ج ۳] ۶۵۸، ۶۷۷، [ج ۴] ۷۸۷
دشت گرگان [ج ۵] ۱۲۰۱
دشتی [ج ۲] ۴۷۸، [ج ۳] ۷۸۷
دلوار ــ دیلوار [ج ۳] ۷۱۶، [ج ۴] ۸۹۴، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۶۱
دماوند [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷
دوج [ج ۱] ۱۶۶
دوشان‌تپه [ج ۱] ۱۶۸، [ج ۳] ۶۸۷، ۷۰۶
دلت (محلهٔ) [ج ۳] ۶۷۵
دولت‌آباد [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۲] ۴۱۳، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۴] ۸۵۹، [ج۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۳
دوه‌چی (محلهٔ) [ج۱] ۳۲۴
دهانه [ج ۴] ۸۹۲
ده‌بید [ج ۱] ۱۵۸، ۱۸۸، [ج ۲] ۵۲۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۷۱۴، [ج ۴] ۷۸۸، ۸۶۶،[ج۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۶، ۱۰۲۹
دهج [ج ۴] ۹۷۰
دهخوارقان [ج ۳] ۶۷۵
ده رستم‌بیک [ج ۵] ۱۰۹۹
ده سلام [ج ۵] ۱۰۳۸
ده‌کرد [ج ۵] ۱۰۸۳، ۱۰۹۸
ده‌کو [ج ۵] ۹۹۹
ده‌نامه [ج ۵] ۱۲۳۲
دیر (بندر) [ج ۵] ۱۰۰۷
دیزآباد [ج ۴] ۷۹۵، [ج ۵] ۱۰۷۶
دیلمان [ج ۳] ۶۷۹
دیلمقان [ج ۳] ۶۷۵
دیو سفید (قلعه) [ج ۵] ۱۲۳۳

رام‌هرمز [ج ۱] ۲۸۳، [ج ۲] ۴۷۲
رانکی [ج ۵] ۱۰۳۷
راور [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۹۷۱

راونج [ج ۴] ۷۹۸
رباط [ج ۴] ۸۷۶، ۸۸۲، [ج ۵] ۱۰۹۶
رباط‌کریم [ج ۳] ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵
رحمت‌آباد [ج ۳] ۷۴۴
رشت [ج ۱] ۳۷، ۴۳، ۴۴، ۵۳، ۶۶، ۷۳، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۱۸، ۲۴۸، ۲۴۹، ۳۰۵، [ج ۲] ۳۵۲، ۳۸۱، ۴۰۳، ۴۱۳، ۴۱۵ ـ ۴۱۷، ۴۲۱ ـ ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۴۰، ۴۴۸، ۴۵۹ ـ ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۲۰ ـ ۵۲۲، ۵۲۹، [ج ۳] ۵۴۳، ۵۴۵ ـ ۵۴۸، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۷، ۶۳۶، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۵۵، ۶۵۸، ۶۶۴، ۶۷۹، ۶۹۲، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۷، ۷۲۸، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۵۳، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۵، ۸۲۱، ۸۳۳، ۸۵۵، ۸۶۴، ۸۶۹، ۸۷۶، ۹۳۱، ۹۶۷، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۷۴، ۱۰۸۴، ۱۰۸۶، ۱۰۹۶، ۱۱۰۱، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۹۴، ۱۲۰۰، ۱۲۰۶، ۱۲۲۹
رفسنجان [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۴، [ج ۲] ۴۱۳، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۴۹، ۶۷۷، ۷۳۱، ۷۳۲، [ج ۴] ۸۷۵، ۸۹۳، ۸۹۴، ۹۴۹، [ج ۵] ۱۲۳۰
رنه (رینه) [ج ۴] ۹۳۷
روبار [ج ۱] ۲۸۲
رودبار [ج ۱] ۲۸۲، [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۵] ۹۹۴
رود هله [ج ۴] ۸۷۳
روسیه [ج ۱] ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۳۱، [ج ۲] ۳۸۹، ۴۳۵، [ج ۳] ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۷ ـ ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۳ ـ ۵۸۷، ۵۸۹، ۶۰۷ ـ ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۳، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۴۶، ۶۵۱ ـ ۶۵۴، ۶۶۲ ـ ۶۶۵، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۶، ۷۳۴ ـ ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۱، ۷۶۶، ۷۶۷، [ج ۴] ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۲۱، ۸۲۸، ۸۴۲، ۸۷۵، [ج ۵] ۹۸۵ ـ ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۱، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۸، ۱۰۱۳ ـ ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۶، ۱۱۰۰، ۱۱۰۶، ۱۱۲۳، ۱۱۲۷، ۱۱۴۱، ۱۱۴۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۹، ۱۲۰۶، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰، ۱۲۲۲ ـ ۱۲۲۴
رینان [ج ۱] ۲۲۰
ریوال [ج ۱] ۱۹۱

زاوه [ج ۳] ۷۲۹، ۷۴۵
زرقون ـ زرکان (زرقان) [ج ۱] ۱۸۰، [ج ۲] ۴۷۲
زرگنده [ج ۱] ۲۳۷، ۲۴۶، [ج ۲] ۶۲۲، ۶۸۳، ۷۰۴، ۷۲۶، ۷۵۵، [ج ۴] ۹۱۶، ۹۱۷، [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۱۳۹، ۱۱۹۳، ۱۱۹۷
زرند [ج ۱] ۲۴۴، [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۵]

۱۲۲۵
زنجان [ج ۱] ۶۶، [ج ۲] ۴۶۶، [ج ۳] ۵۶۶، ۶۷۸، ۷۰۳۷، ۷۳۹، ۷۴۴، ۷۴۹، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۵، ۸۵۲، ۹۵۰، [ج ۵] ۱۲۳۵
زواره [ج ۴] ۹۱۰، ۹۳۹، ۹۶۹

سابوخ [ج۳] ۵۶۷
ساری [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۱۶۷، ۱۱۷۰، ۱۲۰۲
ساوجبلاغ [ج ۱] ۳۳، ۱۲۵، [ج ۳] ۵۴۷، ۶۷۵
ساوه [ج ۱] ۶۳، [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۵] ۱۲۲۱، ۱۲۲۵
سبزآباد [ج ۳] ۷۳۳
سبزوار [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۷، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۷۶، [ج۵] ۱۱۵۲، ۱۲۰۶
سراب [ج ۳] ۶۴۷، ۶۷۵، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۲۹، ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۷۶، ۸۹۲، ۸۹۵، ۹۰۸، ۹۳۱، [ج ۵] ۱۱۹۰
سربند [ج۳] ۷۳۰، [ج۴] ۹۵۹
سرپل [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۴] ۹۷۰، [ج۵] ۱۱۹۰
سرخابه [ج ۴] ۸۹۵
سرخس [ج ۴] ۹۰۸
سرخون [ج ۵] ۱۱۸۴
سردرود [ج ۲] ۳۶۸، ۴۳۴، ۴۶۲، [ج ۴] ۹۳۲
سرسنگ [ج ۲] ۳۸۲، ۳۸۳
سعیدآباد [ج ۳] ۶۷۷
سقز [ج ۳] ۶۷۹
سلطان‌آباد [ج ۱] ۳۹، ۵۵، ۸۲، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲۶۷، [ج ۳] ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۷۸، ۷۲۱، ۷۳۰، ۷۴۱، ۷۶۲، [ج ۴] ۷۸۵، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۷۶، ۸۹۲، ۸۹۵، ۹۰۸، ۹۳۱، ۹۵۹، ۹۶۹، [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۸۵، ۱۱۵۳، ۱۱۵۵، ۱۱۹۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴
سلطان سری‌راك [ج ۴] ۹۶۹
سلطنت‌آباد [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۳، ۵۹۸، ۶۱۷، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۳۸، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۱، ۷۰۵، ۷۰۶
سلماس [ج ۱] ۱۲۵، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۷۰، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۵، ۵۲۸، [ج ۳] ۵۹۹
سمنان [ج ۱] ۱۶۵، [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۵] ۱۱۷۳، ۱۱۸۷، ۱۲۲۸
سنت‌پطرزبورغ [ج ۲] ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۲، ۳۷۹، ۴۰۱، ۵۳۸، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۷۹، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۷ ـ ۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۶۵، [ج ۴] ۷۹۰، [ج۵] ۹۸۷، ۹۹۰، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱، ۱۱۰۵، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۳۷، ۱۱۴۰، ۱۱۶۹، ۱۱۷۲، ۱۱۷۶، ۱۱۸۲ ـ ۱۱۸۴، ۱۱۸۸، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳
سنقر [ج ۳] ۶۷۹
سنگلج (محلهٔ) [ج ۳] ۶۷۵
سنندج [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۴] ۹۱۱، [ج ۵]

۱۱۲۱
سوه [ج ۱] ۷۴
سوند [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۹۸، ۱۰۱۰، ۱۰۴۲، ۱۰۴۴، ۱۰۶۳، ۱۰۸۰، ۱۰۸۵، ۱۰۹۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۷ ـ ۱۱۱۰، ۱۱۷۷، ۱۱۸۳، ۱۱۸۷ ـ ۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۸، ۱۲۲۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۹
سوادکوه [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۲۱۵، ۱۲۳۳
سویس [ج ۴] ۹۲۹، [ج ۵] ۱۱۴۰
سیدان [ج ۱] ۲۴۹
سیرجان [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۸۹۴
سیستان [ج ۱] ۳۵، ۷۳، ۱۱۲، ۱۶۷، ۲۶۹، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۱، ۶۴۸، ۶۷۶، ۶۸۵، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۴۵، [ج ۴] ۷۸۷، ۸۳۴، ۸۷۰، ۸۸۲، ۸۹۲، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۱۵۲، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱
سینه‌سفید (گدار ـ برج) [ج ۴] ۷۸۷، ۸۰۸، [ج ۵] ۹۹۹
سیوند [ج ۱] ۱۸۸، ۳۰۵، [ج ۲] ۳۵۳، ۴۷۲، ۵۲۴، [ج ۴] ۸۳۵، ۸۷۳، [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۹، ۱۰۸۳، ۱۱۵۰

شاه‌آباد [ج ۳] ۵۸۹، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۸۶، ۷۰۵
شاه‌چراغ [ج ۳] ۷۱۳، ۷۱۴
شاهرود [ج ۳] ۶۰۰، ۶۷۸، [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۵۸، ۱۱۷۰، ۱۱۹۷، ۱۲۲۸، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲
شاهزاده عبدالعظیم [ج ۳] ۵۷۳، ۶۳۶، [ج۴] ۹۱۷ (نک: حضرت‌عبدالعظیم)
شاه‌نو [ج ۱] ۱۶۶
شبلی [ج ۴] ۹۳۸
شفیع‌آباد [ج ۱] ۱۲۳
شلا (؟) [ج ۵] ۱۰۹۶
شمس [ج ۱] ۱۶۷
شمشیری [ج ۳] ۷۱۶
شمیرانسات ـ شمیران [ج ۳] ۵۹۸، [ج ۴] ۹۰۷
شوشتر [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹۴۲، ۹۶۲
شهراب [ج ۴] ۹۶۹
شهربابک [ج ۳] ۶۸۰
شهریار [ج ۳] ۶۳۹
شیراز [ج۱] ۳۶، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۵۵، ۶۷، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۷ـ ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵ـ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۱۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۲۴، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۸، ۵۹۶، ۶۰۲ـ۶۰۴، ۶۱۰، ۶۱۳ ـ ۶۱۹، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹ ـ ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۵۵ ـ ۶۵۹، ۷۱۳ ـ ۷۱۵، ۷۲۸، ۷۳۰ ـ ۷۳۴، ۷۴۰، ۷۴۶ ـ ۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲ ـ ۷۶۵، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۶ـ ۷۹۰،

۷۹۲، ۷۹۹ ـ ۸۰۱، ۸۰۳ ـ ۸۰۵،
۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۲۰،
۸۲۲، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۳۵،
۸۳۷، ۸۴۶، ۸۵۶ ـ ۸۵۸، ۸۶۵ـ
۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۶، ۸۸۶،
۸۹۴، ۹۰۴، ۹۱۲، ۹۲۵، ۹۳۲ ـ
۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۴ ـ
۹۴۶، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۵، ۹۵۷،
۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷،
۹۶۹، ۹۷۱، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۷ـ
۹۷۹، ۹۸۱ ـ ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۵،
۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۲،
۱۰۰۵ ـ ۱۰۰۷، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰،
۱۰۱۴، ۱۰۱۶، ۱۰۱۹، ۱۰۲۹ ـ
۱۰۳۲، ۱۰۴۰ ـ ۱۰۴۳، ۱۰۴۵،
۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۱ ـ ۱۰۵۴،
۱۰۵۶ ـ ۱۰۶۳، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲،
۱۰۷۶ ـ ۱۰۷۸، ۱۰۸۱ ـ ۱۰۸۴،
۱۰۸۶، ۱۰۸۹، ۱۰۹۷، ۱۰۹۹،
۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶، ۱۱۱۲،
۱۱۱۴ ـ ۱۱۱۶، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹،
۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۲۸، ۱۱۳۷،
۱۱۴۴، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵،
۱۱۵۹، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۷۱،
۱۱۸۶ ـ ۱۱۸۸، ۱۱۹۰ـ۱۱۹۲،
۱۱۹۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۳، ۱۲۰۷،
۱۲۱۲، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۸،
۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴،
۱۲۳۱، ۱۲۴۰ ـ ۱۲۴۲، ۱۲۴۴ـ
۱۲۴۶
شیفت [ج ۳] ۶۵۷
شیورع (شیوع؟) [ج ۴] ۹۶۲

صاحب‌الامر [ج ۳] ۵۹۳
صائین‌قلعه [ج ۳] ۶۷۵
صحنه [ج ۵] ۱۱۴۴

طارم [ج ۳] ۶۷۸
طارم سفلی [ج ۳] ۶۷۸
طالش ـ طالش‌دولاب ـ طوالش [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳، [ج ۳] ۶۷۹، ۷۲۸، [ج۴] ۸۳۳، [ج۵] ۱۰۷۴، ۱۱۵۲
(نیز نك: تالش)
طالقان [ج ۳] ۶۷۸
طاهرون [ج ۳] ۷۱۳
طبس [ج ۱] ۱۵۷، ۱۸۷، [ج ۲] ۴۳۰، [ج ۳] ۶۷۶، ۷۴۴، ۷۴۵، [ج۴] ۸۷۱، ۸۷۶، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵] ۹۸۸، ۱۰۳۸، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵
طرابوزان [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵
طرق [ج ۱] ۸۱، [ج ۲] ۴۷۱، ۴۹۵، [ج ۵] ۱۱۵۳

عباس‌آباد [ج ۱] ۱۲۳
عثمانی [ج ۳] ۵۴۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۶۰۸، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲، ۷۰۱، ۷۱۸، ۷۴۶، [ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱، ۹۰۷، ۹۱۷، ۹۴۲
عراق (اراك) [ج ۳] ۶۴۸، ۷۳۰، ۸۶۲، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۶، [ج ۵] ۱۲۳۲
عراق (عرب) [ج ۳] ۶۷۸
عربستان (خوزستان) [ج۳] ۶۷۸، ۷۶۵، [ج۴] ۹۵۳، [ج۵] ۱۰۷۰، ۱۰۹۸
عشق‌آباد [ج ۵] ۱۱۴۳، ۱۱۹۱
عقدا [ج ۳] ۶۸۰

علی‌آباد [ج ۵] ۹۸۱
عودلاجان (محلهٔ) [ج ۳] ۶۷۵
عیساوندی (عیسوندی) [ج ۳] ۶۶۱

غازیك [ج ۱] ۷۵
غدان [ج ۵] ۹۸۰

فارس [ج ۱] ۳۵، ۴۴، ۶۷، ۹۵، ۹۶، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵ ـ ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۲۲ [ج ۲] ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۵۳۴، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۶۸، ۵۸۱، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۴، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۳، ۶۴۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۹۹، ۷۰۷، ۷۱۲، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۷۸، ۷۸۲، ۷۸۸، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۳ ـ ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۶، ۸۴۶، ۸۵۰، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۴، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۲ ـ ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۴، ۹۶۶، [ج ۵] ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۵ ـ ۹۸۷، ۹۹۲، ۹۹۴ ـ ۹۹۹، ۱۰۰۷، ۱۰۱۴، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰ ـ ۱۰۳۲، ۱۰۳۸، ۱۰۴۰ ـ ۱۰۴۵، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۱ ـ ۱۰۵۳، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۳، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۹۰، ۱۱۱۳، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۲۸، ۱۱۵۴، ۱۱۹۸، ۱۲۰۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۵، ۱۲۴۲
فارسستان [ج ۵] ۱۰۷۰
فراقه [ج ۲] ۴۷۱
فرامین [ج ۱] ۱۲۳
فرانسه [ج ۱] ۴۴، ۱۸۸، [ج ۲] ۳۹۹، ۴۵۵، [ج ۴] ۷۷۹، ۸۱۹، ۸۲۵، ۹۰۶، ۹۴۹ [ج ۵] ۹۹۳، ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۶۳، ۱۰۹۴، ۱۱۰۹
فراهان [ج ۳] ۷۳۰
فسا [ج ۲] ۴۷۲، [ج ۳] ۶۷۶، [ج ۵] ۱۲۴۴
فومن [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۳] ۶۷۹
فهرج [ج ۱] ۲۸۹، [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۴، ۹۶۰، [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
فیروزآباد [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۳] ۶۰۴، ۶۵۸، ۷۳۴، ۷۴۷، [ج ۴] ۷۸۸، ۷۸۹، ۸۶۶، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۴۱، [ج ۵] ۹۷۷
فیروزکوه [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۵] ۱۱۷۳، ۱۱۷۶، ۱۱۸۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۸، ۱۲۱۵، ۱۲۲۹، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳
فیلیپین [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۱۷
فین [ج ۴] ۸۷۰

قاسم‌آباد [ج ۳] ۷۶۲
قاینات [ج ۳] ۶۷۶، [ج ۴] ۷۹۴، [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶،

۱۱۰۶، ۱۱۵۲، ۱۲۳۳
قراجه‌داغ ـ قرجه‌داغ ـ قراچه‌داغ ـ قراداغ ـ قره‌داغ [ج ۱] ۵۱، ۵۲، ۱۲۵، ۲۲۷، ۲۳۵ [ج ۳] ۶۴۶، ۶۹۴، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۶۷، [ج۴] ۷۷۹ ـ ۷۸۱، ۷۸۵، ۸۱۰، ۸۱۴، ۸۲۱، ۸۳۳، ۹۳۸، ۹۴۳، ۹۵۰، ۹۵۵، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۷۰
قراملك ـ قره‌ملك [ج ۲] ۴۶۱، ۴۶۲ [ج ۳] ۵۹۳
قراولخانه [ج ۳] ۶۶۱
قرنتین [ج ۴] ۹۴۵، ۹۷۱
قره‌آقاج [ج ۵] ۹۷۸
قره تپه [ج ۵] ۱۲۱۵
قره‌گچ [ج ۴] ۷۸۸
قزوین [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸، [ج ۲] ۴۰۴، ۴۱۰، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۳، ۴۵۰، ۴۷۴، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴ ـ ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۲۰، ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۳۶ ـ ۶۳۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۷۸، ۶۹۲، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۹، ۸۱۲، ۷۱۸، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۳، ۷۵۵ ـ ۷۵۹، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۵۲، ۸۷۶، ۸۸۰، ۸۸۱، ۹۱۵، ۹۳۲، ۹۳۶، [ج ۵] ۹۹۰، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۱۵، ۱۰۳۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۸، ۱۲۰۹، ۱۲۲۹
قصرشیرین [ج ۱] ۷۵، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۴، ۵۳۳، [ج ۳] ۷۰۲، ۷۳۲، [ج ۴] ۷۸۶، ۸۳۲، ۹۶۰، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۱۵۴
قصر قجر [ج ۳] ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۰۶
قفقاز (قفقازیه) [ج ۱] ۴۱، ۳۲۶، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۱، ۳۶۱، ۴۶۰، ۵۰۷، ۵۰۸، [ج ۳] ۵۷۴، ۵۸۷، ۶۵۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۵۴، ۷۵۵، [ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۲، [ج ۵] ۱۰۰۳، ۱۰۷۱
قلادر (قلاور؟) [ج ۴] ۹۶۲
قلعهٔ افلاك [ج ۱] ۱۷۰
قلهك [ج ۵] ۱۱۳۱
قم [ج ۱] ۷۹، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۶، [ج ۲] ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۲، ۵۲۳، [ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۲ ـ ۵۸۴، ۵۸۶، ۶۳۱، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۸، ۶۷۸، ۷۰۴، ۷۰۵، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۳۲، ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۵۸، ۹۵۹، [ج ۵] ۹۸۳، ۱۰۳۹، ۱۰۶۵، ۱۱۵۳، ۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۳۰
قمپایه [ج ۳] ۶۷۷
قمشه [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۷۹۷، ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۷۴، ۸۹۲، ۸۹۴، ۹۰۸، ۹۳۱، [ج ۵] ۱۰۰۹، ۱۰۱۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۱۵۱، ۱۲۴۱
قوچان [ج ۱] ۱۲۹، ۱۳۷، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۷۶، [ج ۴] ۹۰۸، [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۱۲
قهرود [ج ۵] ۱۱۵۳
قهوه‌خانه [ج ۳] ۶۶۲
قیر (بندر) [ج ۴] ۴۹۲

گارلس‌باد [ج ۵] ۱۱۱۰، ۱۱۴۱
کاروانسرا [ج ۳] ۶۶۲
کاریز [ج ۳] ۷۴۵
کازرون [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵، [ج ۲] ۴۱۴، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۱ ـ ۶۶۳، ۶۷۶، ۷۴۰، ۷۵۸، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۱، ۷۸۷، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۸، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۵، ۸۷۲، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۶۱، ۹۶۷، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۷۷ـ۹۷۹، ۹۸۳، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰، ۱۰۸۳، ۱۱۱۳، ۱۱۵۰، ۱۲۴۱
کاشان [ج ۱] ۳۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۷۰، [ج ۲] ۴۵۱، ۴۵۳، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۳، [ج ۳] ۵۷۲، ۵۸۰ـ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۴۰، ۶۷۹، ۷۴۵، ۷۶۲، [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۲، ۹۳۵، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷ ـ ۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹، [ج۵] ۱۰۱۰، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۵۶، ۱۰۶۵، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۱۹۴، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۳
کاظم‌آباد [ج ۴] ۷۹۵
کافشگر [ج ۲] ۴۶۹
کاما [ج ۱] ۱۲۶
کاوان [ج ۱] ۲۹
کبوترخان [ج ۱] ۱۷۴، [ج ۴] ۹۴۹، ۹۷۰
کتل کمارج [ج ۳] ۶۶۲
کتل‌ملو [ج ۳] ۶۶۱
کتول [ج ۳] ۷۲۹
کربلاء ـ کربلای معلی [ج ۱] ۴۰، ۴۲، ۵۸، ۱۷۵، ۲۶۷، ۲۸۲، [ج ۲] ۳۵۲، ۳۸۱، ۴۰۳، ۴۲۱، ۴۶۸، [ج ۳] ۵۴۹، ۵۷۴، ۶۲۱، ۷۱۲، ۷۱۵، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۹۴، ۸۲۲، ۸۳۰، ۹۵۷، [ج۵] ۱۲۳۵
کرج [ج ۳] ۵۶۴، ۵۸۹، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۸۶، ۷۰۵
کردستان [ج ۱] ۱۳۳، [ج ۳] ۶۷۹، [ج۴] ۷۸۶، ۸۷۲، [ج۵] ۱۱۵۶، ۱۲۰۸، ۱۲۳۴
کرمان [ج ۱] ۴۴، ۶۷، ۷۵، ۸۳، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۸، ۵۳۱، ۵۳۲، [ج ۳] ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۴۹، ۶۵۷، ۶۷۷، ۷۱۰، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۸، ۷۶۳، [ج۴] ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۱۲، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۹، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۲، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۹، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۳۹، ۱۰۵۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۹، ۱۰۹۵، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۷، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۲۰۷، ۱۲۰۹ ـ ۱۲۱۱، ۱۲۱۶، ۱۲۳۱، ۱۲۴۱

کرمانشاه ـ کرمانشاهان [ج ۱] ۳۶، ۳۹، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۶۷، ۷۳، ۷۹، ۸۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۸، ۱۲۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۸، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۶۹، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۴، ۴۰۰، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۵۳۳، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۲، ۶۵۰، ۶۵۸، ۶۷۹، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۶، ۷۹۲، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۱ ـ ۸۸۳، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۹، ۸۹۵، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۴۰، ۹۵۷، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۱، ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۳۹، ۱۰۵۷، ۱۰۵۹، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۵۴، ۱۱۵۹، ۱۱۷۳، ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۸، ۱۲۱۰، ۱۲۱۸، ۱۲۳۱، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴
کرند ـ کرنده [ج ۲] ۵۲۲، [ج ۴] ۹۰۱ ـ ۹۰۴، ۹۶۰
کرم‌آباد [ج ۴] ۹۳۲
کریمه [ج ۳] ۶۷۲
کزاز [ج ۳] ۷۳۰، ۷۶۲
کسماء [ج ۱] ۱۶۵
کشید (کشیت) [ج ۴] ۹۷۱، [ج ۵] ۹۹۵
کل انجیره [ج ۵] ۱۰۱۴
کلات [ج ۴] ۹۷۱
کلانترمحله [ج ۳] ۶۰۰
کمارج [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۲، [ج ۳] ۶۵۷، [ج ۴] ۸۰۸، [ج ۵] ۹۷۸، ۱۰۱۹، ۱۰۴۲، ۱۰۵۴، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۱۱۳، ۱۱۱۷، ۱۱۵۰، ۱۲۴۱
کمال‌آباد [ج ۳] ۷۳۱، [ج ۵] ۹۸۲
کمره [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۳] ۶۷۹
کنارتخت، کنارتخته [ج ۱] ۱۶۷، ۲۸۲، [ج ۳] ۶۰۴، ۶۵۷، ۶۶۲، ۷۳۴، ۷۶۴، [ج ۴] ۸۰۸، ۸۲۴
کنگاور [ج ۳] ۶۷۹، ۸۲۳، [ج ۴] ۹۴۰
کوبا [ج ۵] ۱۰۰۲
کولی‌کش [ج ۵] ۱۰۳۹
کوند [ج ۳] ۵۵۹
کهگیلویه [ج ۲] ۴۸۰
کی‌یف [ج ۳] ۶۶۵

گالش [ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۰۶
گدار جگند [ج ۵] ۱۲۳۰
گدار سرخ [ج ۵] ۱۰۷۹
گرده‌چاه ـ گرده‌ی‌چاه [ج ۴] ۸۹۲، ۹۳۸
گرگان [ج ۵] ۱۲۰۱
گرگانرود [ج ۲] ۳۵۲، [ج ۳] ۶۷۹
گروس [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۵] ۱۲۳۵
گلپایگان [ج ۳] ۶۷۹
گله‌دار [ج ۳] ۶۷۶، ۶۷۹
گمش‌تپه ـ گموش‌تپه ـ گومیش‌تپه ـ کومش‌تپه ـ کمش تپه [ج ۳] ۷۲۹، [ج ۴] ۸۷۵، [ج ۵] ۱۱۲۲، ۱۱۲۴، ۱۱۵۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۹، ۱۲۲۲
گناباد (گون‌آباد) [ج ۴] ۹۶۸، [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۹۷
گنبد قابوس [ج ۲] ۳۸۴

گندم‌کار [ج ۴] ۹۶۹
گواتر [ج ۱] ۱۵۹
گوران [ج ۱] ۱۷۵
گوشه [ج ۵] ۱۰۱۳
گیلان ـ گیلانات [ج ۱] ۳۷، ۴۳، ۱۱۰، ۱۵۷، ۳۰۵، [ج ۲] ۳۹۵، ۴۲۱، ۴۵۹، [ج ۳] ۵۷۷، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷، ۶۷۹، ۷۲۸، ۷۲۹، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۳۳، ۸۵۵، [ج۵] ۱۰۳۷، ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۹

لار ـ لارستان [ج۱] ۱۶۷، [ج۲] ۳۵۳، ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۷۱، ۵۴۳، [ج ۳] ۵۶۸، ۶۰۳ ـ ۶۰۵، ۶۵۱، ۶۷۶، ۷۳۳، [ج ۴] ۹۴۵، ۹۶۱، [ج ۵] ۱۱۵۵
لاریجان ۹۳۷
لاله‌زار (خیابان) [ج ۵] ۱۲۴۷
لامیجان [ج ۳] ۶۷۹
لرستان [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۴] ۸۱۲، ۸۸۵، ۹۳۶، [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۰۷۰، ۱۱۵۴، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۲۰۹، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴
لنج (راه) [ج ۵] ۱۰۷۹
لندن [ج ۲] ۳۵۲، ۳۶۴، ۴۰۹، ۴۷۶، ۵۳۸، [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۶، ۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۶، ۶۲۳، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۴۱، ۶۶۴، ۶۹۲، ۶۹۴، ۷۱۷، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۴۴، ۷۴۸، [ج ۴] ۸۴۸، ۹۰۰، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۶۷ ـ ۱۰۷۰، ۱۰۷۹، ۱۱۶۱، ۱۱۷۷، ۱۱۷۹، ۱۱۸۵، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰
لنگرود [ج ۲] ۴۱۳
لنگه [ج ۱] ۱۱۲، ۱۶۷، [ج ۳] ۶۰۵، ۶۵۱، ۶۷۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۹، ۹۳۳، ۹۵۵، ۹۶۲، [ج ۵] ۱۰۶۹ (نیز نك: بندر لنگه)

مادرشاه [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۹۸
مارسن‌باد [ج ۵] ۱۰۸۵
مازندران [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۵۷۷، ۵۹۵، ۶۳۶، ۶۸۰، [ج۴] ۹۳۶، ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۱۴۲، ۱۱۵۳، ۱۱۶۷، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۰۸، ۱۲۱۴، ۱۲۳۳
ماشك [ج۱] ۱۶۷
ماکو [ج ۱] ۵۳، ۱۲۵، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۰۳، ۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۸۹، [ج۳] ۶۶۳، ۶۷۵
مالامین (مال‌امین) [ج ۱] ۲۹
مالوم [ج ۱] ۱۷۴
ماماتن [ج۱] ۱۳۹
ماهی‌دشت [ج ۴] ۸۸۵، ۹۱۰، [ج ۵] ۱۱۵۵
مجامبار [ج ۲] ۳۵۱
محنی (محسنی) [ج۴] ۹۱۲
محلات [ج۳] ۶۷۹
محمدآباد [ج ۵] ۱۰۹۷
محمره [ج ۱] ۱۶۹، ۲۸۲، [ج ۲] ۴۷۲، [ج ۳] ۵۶۸، ۶۷۸، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۹۹، ۹۴۲، [ج۵] ۹۷۵، ۱۰۶۶،

۱۰۶۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۶
مراغه [ج ۲] ۳۵۱، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۳، ۴۶۱، ۴۶۲، [ج ۳] ۶۷۵، ۷۰۸، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۹۰۷، [ج ۵] ۱۰۹۶، ۱۱۹۰، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳
مرغاب [ج ۵] ۱۰۱۴، ۱۰۱۶
مرنج [ج ۴] ۹۶۲
مرند [ج ۱] ۳۲۴، [ج ۲] ۳۸۸ ـ ۳۹۰، ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۶۲، ۴۶۴، [ج ۳] ۶۷۵، ۷۲۱
مرواری [ج ۴] ۹۶۹
مرودشت [ج ۵] ۱۰۰۰
مریوان [ج ۳] ۶۷۹.
مزینان [ج ۱] ۱۲۳
مسجدشاه [ج ۲] ۴۰۶
مسکون [ج ۵] ۱۰۱۴
مشکین [ج ۳] ۶۷۵
مشهد [ج ۱] ۳۳، ۳۴، ۶۶، ۸۳، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۶، ۲۴۸، ۲۶۶، ۲۸۹، ۳۲۲، [ج ۲] ۳۴۲، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۸۱، ۳۹۵، ۴۱۳، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۶۷ ـ ۴۶۹، ۴۷۸، ۵۱۳، ۵۳۰، ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۶ ـ ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۷۶، ۷۲۶، ۷۴۴، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۴ ـ ۷۹۶، ۸۱۱، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۵۶، ۸۷۰، ۸۷۶، ۸۸۱، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۳۰، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۵۹، ۹۶۸، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۳۸، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۵۴، ۱۱۵۸، ۱۱۶۷، ۱۱۷۶، ۱۱۹۴، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳
مشهدسر [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۰۱۲
ملک‌سیاه (کوه) [ج۴] ۸۷۶، ۸۹۲، ۹۳۸
مصر [ج ۲] ۳۶۲
معیار (مهیار؟) [ج ۵] ۱۲۴۰
مغان [ج ۳] ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۵
مکران [ج ۵] ۱۱۵۴
موگام (مقام) [ج ۳] ۷۱۶
ملایر [ج ۲] ۴۰۷، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۲۱۰
ملک‌سیاه (کوه) [ج ۵] ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۱۵۳
ممالک متحده [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۹ (نیز نک: امریکا)
ممسنی [ج ۵] ۹۷۸، ۹۹۹
منجیل [ج ۲] ۴۲۱، ۴۶۱، ۴۷۴، [ج ۳] ۶۶۴، ۷۲۸
منچستر[ج۳] ۶۵۷، ۶۶۰، [ج ۵]۱۰۱۶، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۱۷۲
مورچه‌خوار ـ مورچه‌خورد [ج ۲] ۳۹۲، ۴۵۱، [ج ۳] ۷۳۰
موصل [ج ۱] ۸۰
میامی [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۶۰۰
میانج ـ میانه [ج ۳] ۶۷۵، ۷۰۱، [ج ۴] ۹۳۸، [ج ۵] ۱۱۰۴، ۱۱۵۲
میان‌دشت [ج ۱] ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۲۸۹، [ج ۳] ۵۶۷

میاندوآب [ج ۳] ۶۷۵، [ج ۵] ۱۰۹۶
میان‌کانجی (میان‌کنگی؟) [ج ۵] ۱۰۹۶
میان‌کتل [ج ۴] ۹۱۳
میدان توپخانه [ج ۳] ۶۱۶، ۶۷۸، ۷۰۶، ۷۲۰ (نك: توپخانه)
میدان‌شاه (اصفهان) [ج ۵] ۱۰۷۶
میرآباد [ج ۴] ۹۳۸
میربند [ج ۳] ۶۴۹
میزهیدان [ج۱] ۱۲۳
میسیکین (مشکین؟) [ج ۵] ۱۰۹۶
میناب [ج ۳] ۶۰۵، [ج ۴] ۹۷۱، [ج۵] ۱۱۰۰

نائین [ج ۱] ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۸۳، ۴۷۱، ۵۳۱، [ج۳] ۶۴۹، ۶۸۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۷۱، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۹، ۹۶۹، [ج۵] ۹۸۰، ۱۰۱۳، ۱۰۳۹، ۱۱۵۴
نار [ج ۵] ۱۱۵۳
ناردین [ج ۱] ۱۲۳
نارنج‌باغ [ج ۵] ۱۰۷۴
ناصری (بندر) [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۴] ۹۴۲، ۹۵۷
ناصریه [ج ۳] ۷۳۱
نجف ـ نجف اشرف [ج ۱] ۱۸۸، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۲۱، [ج ۲] ۳۷۷، ۳۹۵، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۶۵، ۴۷۸، ۵۳۴، [ج ۳] ۵۴۴، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۷۴، ۶۱۱، ۶۵۰، ۷۱۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۷، [ج ۴] ۷۹۴، ۸۳۰، ۸۹۰، ۹۲۵، ۹۶۶، [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۵۵
نجف‌آباد [ج ۳] ۶۷۷
نخیله [ج ۴] ۹۶۲
نران (ناران) [ج ۵] ۱۰۸۵
نرمشیر ـ نرماشی (نرماشیر) [ج ۳] ۶۴۹، ۶۷۷، ۷۴۶، [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۹، ۹۳۲، ۹۴۵، ۹۵۵، ۹۶۰، ۹۶۸، [ج ۵] ۱۲۰۹
نزقور [ج ۴] ۹۶۲
نصرت‌آباد [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۰، [ج ۳] ۶۷۶
نطنز [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۴] ۹۱۰، [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۱۵۳، ۱۲۳۰
نظام‌آباد [ج۱] ۷۴، ۸۱
نعیم‌آباد [ج ۴] ۹۱۲
نوبران [ج ۵] ۱۲۲۱، ۱۲۳۵
نوگنبد ـ نه‌گنبد [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۴] ۷۸۶، ۹۶۹
نور [ج ۳] ۶۸۰
نه [ج ۵] ۱۰۳۸
نهاوند [ج ۳] ۶۸۰
نیاوران [ج ۱] ۲۵۳
نیریز [ج ۳] ۵۶۸
نیس [ج ۵] ۹۸۵
نیشابور [ج ۳] ۵۳۰، ۵۶۷، ۶۰۰، ۶۷۶، [ج ۴] ۷۹۳ـ۷۹۶، ۸۰۳، ۸۳۰، ۸۵۵، [ج ۵] ۱۰۳۸
نیومارك [ج ۵] ۱۰۰۵
نیویورك [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۱۷

واشینگتن [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۱۷، ۱۱۱۲
ورامین [ج۱] ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۹، [ج

۴] ۹۵۰
وراوی [ج۴] ۹۶۲
ورنگان [ج ۴] ۹۳۲
وست‌منسترابی [ج ۳] ۶۴۱
وینه [ج ۱] ۱۴۱، [ج ۳] ۶۱۹، ۶۳۳، ۶۳۵، [ج ۵] ۹۸۵، ۹۹۶، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۴۱، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰

هارون‌آباد [ج ۴] ۹۱۰
هامون [ج ۵] ۱۰۹۶
هرسین [ج ۴] ۹۴۰
هفت‌برمخودیان [ج ۳] ۸۰۸
هفت‌لنگ [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۵۳
هلند [ج ۱] ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵
همدان [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۵۸، ۲۴۹، [ج۲] ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۸ ـ ۴۷۰، ۵۳۳، [ج ۳] ۵۶۸، ۶۰۲، ۶۸۰، ۷۱۲، ۷۱۳، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۹۲، ۷۹۸، ۸۲۳، ۸۵۷، ۸۷۲، ۸۷۹، ۸۸۵، ۸۹۵، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۴۰، [ج ۵] ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۹۹، ۱۰۳۷، ۱۰۷۷، ۱۰۸۵، ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۳۱، ۱۲۳۴
هنجام (هنگام) [ج ۲] ۴۴۷
هند ـ هندوستان [ج ۲] ۳۶۱، [ج ۳] ۶۹۵، ۶۹۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۴۶، [ج ۴] ۷۷۶، ۸۱۵، ۸۶۲، ۸۹۶، ۸۹۸، ۹۰۹، ۹۲۴، ۹۳۵، ۹۴۸، ۹۵۲، ۹۵۴، ۹۶۴، [ج ۵] ۱۱۸۵، ۱۱۸۷، ۱۲۱۳
هویزه [ج ۱] ۲۸۲
هیرمند [ج ۵] ۱۰۷۵

یافت‌آباد [ج ۳] ۶۸۶
یزد [ج ۱] ۳۵، ۶۶، ۷۵، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۴ ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۴۹، ۲۶۷، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۸۹، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۳، ۴۲۰، ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷، ۵۹۶، ۶۰۱، ۶۴۹، ۶۵۸، ۶۸۰، ۷۱۰، ۷۲۱، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۸، ۷۶۲، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۹۸، ۸۰۷، ۸۱۱، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۱، ۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۵۷، ۹۵۹، ۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۱۳، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۵۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۶، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۲۰۳، ۱۲۰۷، ۱۲۳۰، ۱۲۴۳
یزدخواست [ج ۲] ۳۵۳، ۴۷۲، ۴۸۰، ۵۲۴، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۲، ۹۶۹، [ج ۵] ۱۰۷۲
یم [ج ۲] ۳۹۰
یموت [ج ۱] ۱۲۶، [ج ۵] ۱۲۰۱
یوزباشی‌چای [ج ۲] ۴۶۱
یوسف‌آباد [ج ۳] ۶۸۶، ۷۰۵
ینگی‌امام [ج ۳] ۷۰۴
یونان [ج۲] ۴۶۴

www.adabestanekave.com

فهرست نامهای گوناگون پراکنده

آقابای (ایل) [ج ۵] ۱۲۰۱
آلفا (کتابخانه) [ج ۵] ۱۲۴۷
آلمان ـ آلمانی (مردم) [ج ۱] ۱۱۲، [ج ۲] ۴۵۲، [ج ۵] ۱۱۸۲، ۱۱۸۳
آلیانس (مدرسه) [ج ۴] ۸۳۵

اتاماژور [ج۳] ۶۹۴
اتریشی (مردم) [ج۳] ۶۸۱
اجمدوند چلیبی (ایل) [ج۴] ۷۸۶
ارچینی (مردم) [ج ۴] ۷۹۷، ۸۲۲
ارمنی ـ ارامنه (مردم) [ج ۱] ۴۲، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۳، ۳۸۴، ۵۰۷، [ج ۳] ۵۶۸، ۵۹۷،۶۱۹، ۶۸۰،۶۸۸،
۷۱۰، ۷۵۷، [ج۴] ۷۸۰، ۷۸۵،
۹۱۲، ۹۱۷، [ج ۵] ۱۰۹۶،۱۲۳۳
اروپائی (مردم) [ج۲] ۴۰۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۴۵، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۹، ۴۸۵، ۵۱۲، ۵۳۰، [ج ۳] ۵۷۶، ۵۹۱، ۶۱۰، ۶۱۶، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۰۰، ۸۱۹، ۸۳۸، ۸۴۱، ۸۵۳، ۸۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۶۳، [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۷۱، ۱۱۱۴، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۲، ۱۱۶۸، ۱۱۸۶، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۲۰۹، ۱۲۱۱، ۱۲۲۰، ۱۲۲۸، ۱۲۳۹
اسپیکل (کشتی) [ج ۵] ۱۲۱۴

استاکو [ج ۵] ۱۱۳۰
استقلال ایران (روزنامه) [ج ۵] ۱۲۲۹
اسفینکس (کشتی) [ج ۳] ۶۱۶
اسلام (دین) [ج ۳] ۶۶۷، ۶۶۸، [ج ۵] ۱۰۲۶
اسماعیلی (گروه مذهبی) [ج ۴] ۷۹۳ـ ۸۰۳، ۸۳۰، [ج ۵] ۱۰۳۸
اسویت (روزنامه) ۱۱۲۷
اعتدالی‌ها (گروه مجلس) [ج ۴] ۸۴۴، ۸۴۵، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۱۵۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۵
افشار (ایل) [ج۲] ۴۷۰، [ج۳] ۶۴۹
افشار (گروه‌سوار) [ج۴] ۹۱۲
انسانی (مردم) [ج۴] ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۹۲، ۹۰۷
انفیشیال مسنجر (روزنامه) [ج ۳] ۵۰۷
امریکائی (مردم) [ج ۳] ۵۹۳، [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۴، ۱۰۰۹، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷، ۱۰۹۲، ۱۰۹۴، ۱۱۱۲، ۱۱۲۰، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۷۴، ۱۲۲۸
امیرال [ج ۳] ۶۱۶
انجمن [ج۲] ۴۰۳
انجمن اتحاد اسلامی [ج ۵] ۱۱۵۶
انجمن استراباد [ج ۵] ۱۲۰۱
انجمن ایالتی [ج ۲] ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۶، ۵۲۵، ۵۳۰، ۵۳۴
انجمن ایالتی آذربایجان [ج ۲] ۴۳۱
انجمن اصفهان [ج ۳] ۷۱۰، [ج ۴] ۸۲۲
انجمن محلی اصفهان [ج ۲] ۴۰۴
انجمن ولایتی‌اصفهان [ج۴] ۸۹۲، ۹۲۵، [ج ۵] ۹۸۱
انجمن بوشهر [ج ۳] ۶۲۰، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۶، ۷۳۳، ۷۴۷، ۷۶۴
انجمن محلی بوشهر [ج ۳] ۶۱۱
انجمن ولایتی بوشهر [ج ۴] ۸۹۴
انجمن ایالتی تبریز [ج ۲] ۴۳۳، [ج ۵] ۱۰۱۱
انجمن تبریز [ج ۳] ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۹۱ـ ۵۹۴، ۶۱۲، ۶۴۸، ۷۰۱، ۷۰۸
انجمن محلی تبریز [ج ۲] ۳۹۵
انجمن سری رشت [ج ۳] ۷۴۴
انجمن ولایتی رشت [ج ۴] ۸۶۹
انجمن محلی سلطان‌آباد [ج ۳] ۶۴۸
انجمن ایالتی شیراز [ج ۳] ۵۶۸
انجمن محلی شیراز [ج ۳] ۶۰۲
انجمن محلی رشت [ج ۵] ۱۰۸۶
انجمن محلی یزد [ج ۵] ۱۰۷۶
انجمن عباسی [ج۱] ۱۲۶
انجمن ایالتی فارس [ج ۲] ۵۳۴
انجمن شیراز [ج ۵] ۱۰۶۰، ۱۰۶۲
انجمن محلی کرمانشاه [ج ۵] ۱۰۷۷
انجمن ایالتی کرمان [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲
انجمن ولایتی کرمان [ج ۴] ۹۱۲
انجمن ولایتی کرمانشاه [ج ۴] ۸۳۵
انجمن مشهد [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴
انجمن ایالتی مشهد [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰، [ج ۴] ۸۹۱، [ج ۵] ۹۸۰
انجمن ایالتی یزد [ج ۳] ۷۴۵، [ج ۵] ۱۰۳۹
انجمن ایالتی یزد [ج ۳] ۷۴۵
انجمن ولایتی یزد [ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۴، ۹۵۹
انگلیسی (مردم) [ج ۱] ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، [ج۳] ۶۱۸، ۶۴۱، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۸۱

ایتالیائی (مـردم) [ج ۴] ۹۲۸، [ج ۵] ۱۱۸۲، ۱۱۸۳
ایران (روزنامه) [ج ۲] ۳۸۰
ایران نو (روزنامه) [ج ۳] ۷۲۸، [ج۵] ۱۲۰۶، ۱۲۲۹
ایرانی (مردم) [ج ۳] ۵۶۶، ۵۶۷، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۴، ۷۲۰، ۷۶۵، ۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۴
اینانلو (ایل) [ج ۳] ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۸۰، [ج ۵] ۱۲۳۱

باب [ج ۳] ۵۳۳
بابی (مردم) [ج۲] ۴۶۴، ۵۳۳
باروغ وولکم کمپانی (بوروز ولکم) [ج ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱
بـانك استقراضی [ج ۵] ۹۹۱ـ۹۹۳، ۱۱۴۸ (نیز، نك: بانك روس)
بانك استقراضی ایران [ج ۳] ۷۲۵
بانك روس ـ بانك روسی [ج۳] ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۰۳، ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۹ [ج ۴] ۸۷۷، ۸۹۵، [ج۵] ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۷، ۱۱۲۰، ۱۱۴۷ (نیز نك: بـانك استقراضی)
بانك شاهی ـ بانك شاهنشاهی [ج ۳] ۶۵۰، ۶۶۰، ۶۸۴، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۴۳، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۵۳، ۸۶۴، ۸۶۸، ۸۹۱، ۸۹۳، ۸۹۶، ۹۰۹، ۹۱۱، ۹۵۲، ۹۶۳، ۹۶۶، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۱، ۹۹۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۷، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳، ۱۰۳۹، ۱۰۴۱، ۱۰۴۷، ۱۰۵۰، ۱۰۵۶ ـ ۱۰۵۸، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۳، ۱۰۸۰، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۱۰۰ ـ ۱۱۰۲، ۱۱۲۰، ۱۱۴۷
بحر خزر (روزنامه) [ج ۵] ۱۱۹۳
بختیاری (ایل) [ج۲] ۳۵۳، ۳۶۱، ۳۶۳ـ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۶ ـ ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۲۳، ۵۳۱، [ج ۳] ۵۴۹، ۵۵۹، ۵۷۲، ۵۸۰ـ۵۸۷، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۱۴، ۶۱۹، ۶۳۶ ـ ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۷۰، ۶۷۷، ۶۸۴، ۶۸۶ـ۶۸۸، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۸ـ۷۱۰، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸، ۷۶۲، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۹، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۰، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۷، ۸۹۹، ۹۰۶، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۱۶، ۹۱۸، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۵ـ۹۳۷، ۹۳۹، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷ـ۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۸۱، ۹۹۹، ۱۰۱۲، ۱۰۳۹، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۶، ۱۰۶۵، ۱۰۸۳، ۱۰۹۰، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۱۰۷، ۱۱۱۳، ۱۱۲۱ ـ ۱۱۲۳، ۱۱۲۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۸، ۱۱۸۴، ۱۱۹۲، ۱۱۹۷، ۱۲۰۳ ـ ۱۲۰۶، ۱۲۰۹، ۱۲۱۱، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، ۱۲۳۲ ـ ۱۲۳۵،

۱۲۴۱
بربری (مردم) [ج ۵] ۱۹۰۷
بریگاد قزاق [ج ۳] ۶۸۳، ۶۸۴، ۷۵۴، [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۰، ۹۱۵، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج ۵] ۹۹۱، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳
بلوچ ـ بلوچی (مردم) [ج ۲] ۵۳۱، [ج ۳] ۶۰۵، ۶۴۹، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۹، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۹۲، ۹۱۲، ۹۳۰، ۹۳۲، ۹۳۸، ۹۴۵، ۹۶۰، ۹۶۸، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۲، ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۱۴، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۱۵۳، ۱۲۰۷، ۱۲۰۹
بوالوردی (بولوردی؟) (مردم) [ج ۵] ۱۲۰۷
بورس گازت (مجله) [ج ۱] ۳۲۸
بهار (ایل) [ج ۱] ۱۳۹
بهارلو (ایل) [ج ۱] ۱۳۳، [ج ۲] ۷۳۱، [ج ۴] ۹۴۱، ۹۷۰، [ج ۵] ۱۰۱۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۵، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲
بهبهانی (ایل) [ج ۵] ۱۰۰۷
بهمه (طایفه) [ج ۵] ۱۲۰۳

پارسی ـ پارسیان (مردم) [ج ۱] ۴۰، ۴۲، [ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۱، [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۶۲، [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۱۰۷
پاقلعه (گروه) [ج ۴] ۸۲۳
پرسپولیس (کشتی) [ج ۳] ۷۱۶، ۷۴۷، ۷۶۴
پرسیس (کشتی) [ج ۵] ۱۲۰۹، ۱۲۳۲
پرسی‌یوس (کشتی) [ج ۱] ۱۵۹، [ج ۲] ۴۶۵

تاتار (مردم) [ج ۱] ۳۲۸
تایمز (روزنامه) [ج ۳] ۷۲۲، [ج ۵] ۱۱۳۸
تخت‌طاووس [ج ۱] ۲۰
تراکمه ـ ترکمان ـ ترکمانیه ـ ترکمن (مردم) [ج ۱] ۳۲۸، [ج ۲] ۳۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۱۳، ۵۲۹، ۵۳۰، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۷۰، ۶۷۷، ۷۲۹، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۸، ۱۱۹۴، ۱۱۹۷، ۱۲۰۰ ـ ۱۲۰۲، ۱۲۳۳
تربیت (کتابخانه) [ج ۵] ۱۲۴۷
تفتی (مردم) [ج ۳] ۷۴۶، ۷۶۲، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۶
تمدن (روزنامه) [ج ۱] ۹۳
تنگستانی (مردم) [ج ۲] ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۶۶، ۴۷۸، [ج ۳] ۶۰۵، [ج ۴] ۹۴۲، ۹۴۵، ۹۶۱، ۹۶۴، [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۰۷
تولکی (گروه) [ج ۴] ۸۲۳
تهران (قایق) [ج ۴] ۹۷۱

جاف ـ جف (ایل) [ج ۵] ۱۲۳۳
جعفربای (ایل) [ج ۲] ۵۴۹، ۵۳۰، [ج ۳] ۷۲۹، [ج ۵] ۱۲۰۱
جلالی (فوج نظامی) [ج ۵] ۹۸۳، ۹۹۹
جمشیدی (گروه) [ج ۴] ۹۰۷

چغائی (طایفه) [ج ۵] ۹۸۱
چلبی (مردم) ۷۸۶ (نک، احمدوند چلبی)
چهاردوالی (ایل) [ج ۲] ۳۵۱، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۶۳
چهارراهی (گروه) [ج ۴] ۸۲۳
چهارلنگ(طایفه) [ج۵] ۱۰۹۸، ۱۱۵۳

حبل‌المتین (روزنامه) [ج ۱] ۲۹، ۹۳، [ج ۳] ۷۲۸
حزب اکثریت [ج ۵] ۱۱۵۶
حزب دموکرات [ج۵] ۱۰۶۷، ۱۰۷۴، ۱۰۸۰، ۱۱۴۰(نیز، نک، دموکرات)

خان یخماز (طایفه) [ج ۵] ۱۲۰۱
خدابنده‌لو (ایل) [ج ۲] ۴۷۰
خزل (خزعل؟ ـ ایل) [ج ۴] ۹۴۰
خسفی (گروه) [ج ۵] ۱۰۷۵
خلج (فوج نظامی) [ج ۴] ۸۲۱
خمسه (ایل [ج۲] ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸، ۵۹۷، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۷۸، [ج ۴] ۷۷۶، ۸۰۴، ۸۳۶، [ج ۵] ۱۲۱۵
خواجوئی (طایفه) [ج ۵] ۱۰۹۸

دراشولی (دره‌شوری؟) (طایفه) [ج ۵] ۱۱۱۶
دره‌شوری (طایفه) [ج۴] ۸۶۶
دشتیاری (ایل) [ج ۴] ۹۴۵
دموکرات ـ دموکراتها [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۶، ۱۰۵۰، ۱۱۵۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۵ (نیز، نک: حزب دموکرات)
دی (طایفه) [ج ۳] ۷۲۹
دقوز (طایفه) [ج ۳] ۷۲۹
دیکسن(کمپانی) [ج۱] ۱۲۶، [ج۴]۸۲۴، [ج ۵] ۱۱۵۰
دیلی‌نیوز (روزنامه) [ج۳] ۵۹۳

راجپوت (نفرات هندی) [ج ۵] ۱۲۴۶
ردبرست (کشتی) [ج ۲] ۴۴۵
روزنامهٔ رسمی ایران [ج ۲] ۳۴۲، [ج ۵] ۱۱۰۰
روس (مردم) [ج۱] ۲۸۹، ۲۹۳ ـ ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۸ ـ ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۹، [ج۲] ۳۳۷ ـ ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۵۲، ۳۵۴ ـ ۳۵۶، ۳۶۰ ـ ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۹۱ ـ ۳۹۳، ۳۹۵ ـ ۳۹۸، ۴۰۰ ـ ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱ ـ ۴۲۵، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۷ ـ ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۸ ـ ۴۶۰، ۶۶۲، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۷۵ ـ ۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳ ـ ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰ ـ ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۳ ـ ۵۰۵، ۵۰۷ ـ ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰ ـ ۵۳۲، ۵۳۷، ۵۳۹، [ج ۳] ۵۴۴، ۵۴۵ ـ ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸ ـ ۵۶۰، ۵۶۳ ـ ۵۷۱، ۵۷۳ ـ ۵۷۸، ۵۸۱ ـ ۵۸۵، ۵۸۷ ـ ۵۸۹، ۵۹۲ ـ ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۴، ۶۰۶ ـ ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۹ ـ ۶۲۷، ۶۲۹ ـ ۶۳۵،

۶۳۷ ـ ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۶ـ ۶۴۸، ۶۵۰ ـ ۶۵۴، ۶۵۷، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۸۲ ـ ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۹ ـ ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۱ ـ ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۳ ـ ۷۲۷، ۷۲۹ـ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۳۶ ـ ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۶ ـ ۷۶۱، [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۴، ۷۸۷، ۷۹۰ ـ ۷۹۲، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۰۲ ـ ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۴ ـ ۸۲۱، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۱ ـ ۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۶ ـ ۸۵۲، ۸۵۴، ۸۵۸ ـ ۸۶۰، ۸۶۲ ـ ۸۶۵، ۸۷۳ ـ ۸۷۶، ۸۷۸ ـ ۸۸۵، ۸۸۸، ۸۹۰، ۸۹۸ ـ ۹۰۴، ۹۰۷، ۹۱۱، ۹۱۴ ـ ۹۱۶، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۶، ۹۳۴، ۹۳۸، ۹۴۲، ۹۴۹، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۷۰، [ج۵] ۹۸۰، ۹۸۶ ـ ۹۸۸، ۹۹۰،۹۹۳، ۹۹۷،۱۰۰۱، ۱۰۰۳ـ ۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۴۱، ۱۰۵۶، ۱۰۵۹، ۱۰۶۶، ۱۰۸۰، ۱۱۰۴ ـ ۱۱۰۸، ۱۱۱۰، ۱۱۱۵، ۱۱۲۲ ـ ۱۱۲۵، ۱۱۲۷، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۴ ـ ۱۱۳۹، ۱۱۴۲ ـ ۱۱۴۵، ۱۱۴۹، ۱۱۵۲، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰ ـ ۱۱۶۶، ۱۱۶۸ ـ ۱۱۷۱، ۱۱۷۳ـ۱۱۸۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۹، ۱۲۰۱، ۱۲۱۰، ۱۲۱۲ـ ۱۲۲۰، ۱۲۲۲ ـ ۱۲۲۴، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۳۴، ۱۲۳۷، ۱۲۴۲ ـ ۱۲۴۵ (نیز، نك: روسی)

روسی (مردم) [ج ۳] ۶۲۱، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۵۴، ۷۰۱، ۷۰۹، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۰۴، ۸۶۰، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۹۵، ۹۱۰، ۹۱۱ (نیز نك: روس)

روسیه (روزنامه) [ج ۵] ۱۱۴۰

روتر ـ رویتر (روزنامه) [ج ۳] ۶۲۲، ۶۸۸، [ج ۵] ۱۱۸۲

زردشتی (مـردم) [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۱، ۶۴۹، ۶۶۸، ۶۸۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۳۴، ۸۷۱، ۸۹۳

زیقلر ـ زیگلر (کمپانی) [ج ۱] ۱۲۶، ۲۱۸، [ج ۲] ۴۷۲، ۵۲۴، ۵۳۵، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۰۵، [ج ۵] ۱۰۰۷، ۱۰۰۹، ۱۰۱۴، ۱۰۲۹، ۱۰۸۹، ۱۱۲۵، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷، ۱۱۸۴، ۱۲۰۴، ۱۲۲۴، ۱۲۴۰

زینگر [ج ۴] ۸۰۰

سگوند (سگشوند ـ ایل) [ج۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۹۶۲

سنجابی (ایل) [ج۲] ۳۵۳، ۵۳۳، [ج۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۸۵، ۹۶۰، [ج ۵] ۱۲۳۳

سندیکای بین‌المللی [ج ۴] ۸۳۰، ۸۳۱، ۹۵۲

سنی (مردم گروه دینی) [ج ۳] ۵۶۸، [ج ۵] ۷ ۱۰۹، ۱۰۲۱

سوئدی (مردم) [ج ۴] ۹۲۸، ۹۵۴، [ج ۵] ۱۲۴۴

سوسیالیزم (سسیالیزم) [ج ۵] ۱۲۰۲
سویسی (مردم) [ج ۲] ۴۶۴
سیلاخوری(فوج نظامی) [ج۳]۵۶۴، ۵۹۸، ۶۴۵، ۷۰۸، [ج۴] ۹۴۰

شاهسون (ایل) [ج ۲] ۴۸۶، ۴۸۷، [ج ۳] ۵۶۶، ۵۷۹، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۲۸، ۶۴۲، ۶۴۶، ۶۵۲، ۶۷۰، ۶۷۵، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۷ـ ۷۴۹، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۴ـ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۹ ـ ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۸، ۸۰۱، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵، ۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۸، ۹۵۵، [ج۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶، ۱۱۱۰، ۱۱۱۴، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۸۷، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵
شرکت راه تبریز و جلفا [ج ۴] ۸۱۹
شه‌بندری [ج ۲] ۵۳۳
شیعه (مردم ـ گروه مذهبی) [ج ۳] ۵۶۸ [ج ۵] ۱۲۰۱

صور اسرافیل (روزنامه) [ج ۱] ۲۴۵

طاهری (ایل) [ج ۵] ۱۰۹۷
طهمورثی (گروه) [ج ۴] ۸۰۸

عثمانی (مردم ـ دولت) [ج۲] ۳۵۷ ـ ۳۵۹، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱، ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۹، ۴۷۰، ۵۲۵، ۵۳۳، [ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱، ۹۰۷، ۹۱۷، ۹۴۲، [ج۵] ۹۷۶، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۷۴، ۱۰۷۹
عرب (ایل) [ج ۳] ۶۵۶، ۷۱۳، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۶، ۷۴۷، [ج ۴] ۹۴۱، ۹۶۱، [ج ۵] ۱۰۴۰، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۲۰۷، ۱۲۱۲، ۱۲۱۵، ۱۲۳۰
عشایر [ج ۳] ۶۱۸
علماء کربلاء [ج ۳] ۷۱۵، ۷۴۷
علماء نجف [ج ۳] ۷۱۶
عیسوی (مردم) [ج ۲] ۵۳۲، ۵۳۳

فارسی‌مدان (طایفه) [ج ۵] ۹۷۸، ۹۹۹
فاکس ـ فکس (کشتی جنگی) [ج ۲] ۴۴۷، ۴۵۲، ۵۳۶، [ج۴] ۹۶۲
فدائی (گروه) [ج ۳] ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۷، ۶۳۶ ـ ۶۴۰، ۶۸۴، ۶۸۶ـ ۶۸۸، ۷۰۱، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۲۱، ۷۲۸، ۷۵۸، [ج ۴] ۷۸۰، ۸۱۶، ۸۴۵، ۹۱۴، ۹۱۶
فرانسوی (مردم) [ج ۲] ۳۹۸ ـ ۴۰۰، [ج ۴] ۹۲۸، ۹۲۹، [ج ۵] ۱۰۶۳، ۱۲۲۸، ۱۲۳۷
فرقهٔ احرار ملیون [ج ۴] ۸۸۰، ۸۸۱
فرقهٔ ملیون [ج۴] ۸۷۴، ۹۶۵
فرقهٔ ملیون تهران [ج۲] ۴۲۷، ۴۳۷
فوج کرند (گروه نظامی) [ج ۴] ۹۰۱ـ ۹۰۳

قاجار (ایل) [ج ۳] ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۷
قاجاریه (پادشاهی) [ج ۲] ۳۹۵، [ج۳]

۶۲۴، ۶۸۵، ۷۳۱، [ج ۵] ۱۲۳۴
قراجه‌داغی (مردم) [ج ۴] ۷۷۶، ۸۱۰، ۸۱۴
قره (قرائی؟) (فوج) [ج ۱] ۱۲۴
قره‌باغی (مردم) [ج ۲] ۳۸۸
قره‌داغی (مردم) [ج ۲] ۴۰۴، ۴۱۷ ـ ۴۱۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۴، [ج ۳] ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۱، ۷۵۴ـ ۷۵۶، [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶، ۱۱۰۶، ۱۱۵۲، ۱۲۳۳
قره‌سوران (مأمور انتظامات جاده‌ها) [ج۲] ۵۳۵، [ج۳] ۶۰۱، ۷۳۲، [ج ۴] ۹۰۹، [ج ۵] ۷۰۸۰
قزاق [ج ۳] ۶۳۸ ـ ۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۵۷، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۶ ـ ۶۸۸، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۵ ـ ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۸ـ۷۵۵، ۷۵۸، ۷۶۰ ـ ۷۶۲، ۷۶۵، [ج۴] ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۰، ۷۸۳ ـ ۷۸۵، ۷۸۷، ۸۰۴، ۸۱۴، ۸۲۷، ۸۶۴، ۸۷۲، ۸۷۵، ۸۸۱، ۸۸۳، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۰، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۱۱، ۹۴۹، ۹۵۴، ۹۶۰، ۹۶۱، [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۱۳، ۱۰۳۱، ۱۰۳۸، ۱۰۷۷، ۱۱۱۴، ۱۱۲۶، ۱۱۶۲، ۱۱۶۹، ۱۱۷۸، ۱۱۸۵، ۱۱۹۳، ۱۲۰۷، ۱۲۱۹، ۱۲۴۳
قشقائی (ایل) [ج۲] ۳۶۷، ۳۸۵، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، [ج۳] ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۱۵، ۶۵۰، ۶۵۶ ـ ۶۵۸، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۹۹، ۷۱۳ ـ۷۱۵، ۷۳۲، ۷۵۸، ۷۶۴، [ج۴] ۷۸۷ـ ۷۹۰، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۲۰، ۸۳۶، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۷۲ ـ ۸۷۴، ۸۸۶ ـ ۸۸۸، ۸۹۲، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۰، ۹۳۳، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۴ ـ ۹۴۶، ۹۶۰، ۹۷۰، [ج۵] ۹۷۵، ۹۷۸، ۹۸۱، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۴۵، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۳ ـ ۱۱۱۵، ۱۱۲۸، ۱۱۳۷، ۱۱۴۴، ۱۱۵۰، ۱۱۵۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۲، ۱۲۲۰، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۳۱، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴، ۱۲۴۶
قشون ملتیان ـ قشون ملی [ج۳] ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۹
قفقازی (مردم) [ج۲] ۳۸۷، ۴۴۹، ۴۵۹ـ ۴۶۱، ۴۷۴، ۴۸۷، ۵۲۲، [ج۳] ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۷۵، ۵۸۲، ۵۹۱، ۶۰۷، ۶۸۶، ۷۵۴، ۷۶۱، [ج ۴] ۸۱۶، [ج۵] ۹۸۷، ۱۰۰۳
قلمك [ج ۳] ۷۲۰
قوامی (گروه) [ج ۳] ۶۰۲، ۶۱۵، ۶۵۰، [ج ۴] ۸۰۴، ۸۳۶، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۶۱، [ج ۵] ۹۹۹
قوجبگلو (قوجه‌بگلو ـ طایفه) [ج ۴] ۷۸۰

کاکاری (گروه) [ج۴] ۹۰۷
کاکاوند (ایل) [ج۱] ۱۹۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۹۴۰
کردی‌لیونه (بانك) [ج۳] ۷۲۸
کرشوئی (گروه) [ج ۵] ۱۰۰۰
کروز (مسلسل) [ج ۴] ۹۱۹

کشکولی (طایفه) [ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۶، [ج ۵] ۱۱۱۴، ۱۱۱۵
کلدانی (مردم) [ج۳] ۵۹۷، ۶۸۰
کلهر (ایل) [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۵۳۳، [ج ۳] ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۲، ۸۲۳، ۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۸۵، ۹۱۰، ۹۶۰، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۱۳۹، ۱۱۹۷، ۱۲۰۹، ۱۲۳۱، ۱۲۳۳
کلیائی (ایل) [ج ۵] ۹۸۲
کلیمی (مردم) [ج ۳] ۶۸۰
کمارجی (مردم) [ج ۵] ۱۲۴۱
کمپانی، راه شوسه [ج ۳] ۵۷۶
کمیتهٔ اتحاد اسرائیلی [ج ۴] ۸۳۵ کمیته [ج ۴] ۹۴۵ مجمع [ج ۴] ۹۴۹
کمیتهٔ ایالتی گیلان [ج ۵] ۱۱۶۲
کمیتهٔ ملی [ج ۳] ۵۹۶، ۷۲۷، ۷۲۸
کمیتهٔ ملتیان [ج ۳] ۶۴۲، ۶۵۳، ۷۰۸
کهگیلویه (ایل) [ج ۳] ۵۷۲، ۶۰۱، ۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲، ۷۶۵
کهگیلویه‌ای (مردم) [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۷، ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۶، ۸۴۶، ۸۶۶، ۹۵۵، ۹۶۱، [ج ۵]۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۰۹۸، ۱۱۲۹، ۱۲۰۳

گارد افتخار [ج ۳] ۷۲۹
گبر(مردم) [ج۵] ۱۰۷۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸
گوران (ایل) [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۴، [ج۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۸۲۳

لاپینگ (کشتی) [ج ۱] ۱۲۹، ۱۵۹
لاری (مردم) [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۳] ۵۶۹
لاید (کمپانی) [ج ۵] ۱۱۷۲
لر (مردم) [ج ۳] ۶۵۶، ۷۶۲، [ج ۵] ۹۷۸
لزگی (مردم) [ج ۳] ۷۴۴
لشنی (ایل) [ج ۲] ۳۸۳، ۴۷۲، ۵۲۴، [ج ۳] ۷۴۴، [ج ۴] ۸۲۳، ۹۶۱
لنج [ج ۵] ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۱۸۴، ۱۲۰۳
لینج ـ لینچ (کمپانی) [ج ۱] ۱۷۹، [ج۴] ۸۵۶، [ج۵] ۹۹۹، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۶

مارتین (تفنگ) [ج ۴] ۸۰۸
ماکزیم ـ ماکسیم (توپ) [ج۳] ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۴۷، [ج۴] ۸۰۵، ۹۱۹
ماکوئی(مردم) [ج۲] ۳۸۸ـ۳۹۰، ۴۰۹، ۴۶۲
مال سبزعلی (طایفه) [ج ۴] ۹۴۰
مجاهد ـ مجاهدین [ج ۳] ۶۴۳، ۶۴۷، ۷۰۶، ۷۰۹، ۷۲۸، ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۱، [ج ۴] ۸۹۵ ـ ۸۹۸، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۱۴ ـ ۹۱۶، ۹۱۸، ۹۱۹
مجلس (روزنامه) [ج ۱] ۲۹، [ج ۵] ۱۲۲۹
مجلس تجارت بوشهر [ج ۳] ۵۷۹
مجلس شورای ملی [ج ۳] ۶۶۶، [ج ۵] ۱۰۲۰ ـ ۱۰۲۳، ۱۰۲۵، ۱۰۷۷، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸
مجلس عالی فوق‌العاده ـ مجلس فوق‌العاده

عالی [ج۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹ ـ ۶۹۱، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۴
مجلس ملی [ج ۴] ۷۸۳
محاکمات (روزنامه) [ج۱] ۱۷۸
مدرسهٔ امریکائی [ج ۳] ۶۱۷
مسلمان (گروه دینی) [ج ۳] ۷۱۰
مسیحی ـ مسیحیان (مردم) [ج ۲] ۳۸۷، [ج ۳] ۶۶۸
مشروطه [ج ۲] ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۸ ـ ۳۴۲، ۳۴۴ ـ ۳۴۸، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹ـ ۳۷۱، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹ ـ ۳۸۳، ۳۸۹ ـ ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۷۲، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۸، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳ـ ۵۳۵، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۵۲، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۲۱، ۶۳۷ ـ ۶۳۹، ۶۴۱ ـ ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۹، ۶۹۰، ۷۱۲، ۷۲۹، ۷۵۴، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۹۵، ۹۰۸، ۹۳۹، [ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۲۰، ۱۰۲۲، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۷، ۱۰۳۵، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۷، ۱۲۴۷ (نیز، نك: مشروطیت)
مشروطیت [ج ۲] ۳۸۰، ۳۹۱، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۸۲، ۴۸۶، ۵۳۳، [ج ۳] ۵۵۲، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۰۶، ۶۱۲ ـ ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۹ـ۶۴۲، ۶۴۵، ۶۵۰، ۶۵۷، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۱۰، ۷۳۲، [ج ۴] ۸۶۸، [ج ۵] ۱۰۲۲، ۱۰۲۴، ۱۰۲۶، ۱۰۳۴، ۱۰۹۷، ۱۱۳۶، ۱۱۹۷، ۱۲۳۷ (نیز، نك: مشروطه)
مصری (مردم) [ج ۴] ۹۲۸
مضغل [ج۴] ۹۱۹
مظفر (روزنامه) [ج ۱] ۲۹
مظفری (کشتی) [ج ۳] ۵۶۹
مکنز (تفنگ) [ج ۴] ۸۰۸
موزر (سلاح) [ج۳] ۶۸۷، ۷۰۶، [ج ۴] ۸۹۰، ۹۱۴، ۹۱۸

نانکلی ـ نانه‌کلی (ایل) [ج ۴] ۸۲۳
ندای وطن (روزنامه) [ج ۱] ۲۹
نویه‌ورمیا ـ نوورمیا (روزنامه) [ج ۱] ۳۲۸، [ج ۵] ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۹، ۱۱۷۶ـ ۱۱۷۸، ۱۱۸۲

ویکسن (تجارتخانه) [ج۵] ۱۰۱۹، ۱۰۳۰

هند (دولت) [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۴۵
هندو (مردم) [ج ۴] ۹۰۹
هندو اروپ ـ هندو اروپا (کمپانی) [ج ۲] ۵۲۳، ۵۲۴، [ج۳] ۶۰۴، ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۳۱، [ج ۴] ۸۰۶، ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۸۱، ۸۸۲، ۹۴۴،

۹۴۵، ۹۵۸، [ج۵] ۱۰۹۸، ۱۲۰۳
هند و انگلیس (کمپانی) [ج ۵] ۱۱۱۵
هندی (مردم) [ج ۳] ۶۰۵، ۶۳۵، ۶۴۴، ۶۹۰، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۵۵، ۷۶۵، [ج ۴] ۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۷۶، ۸۸۱، ۹۰۰، ۹۰۹، ۹۲۰، ۹۳۵، ۹۴۰، [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۱۴، ۱۰۱۸، ۱۰۳۸، ۱۰۴۰، ۱۰۵۷، ۱۰۷۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶، ۱۱۴۳، ۱۱۴۵، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳
هندی(قشون)[ج۵] ۱۱۴۶، ۱۱۶۹، ۱۱۹۹
هوترز (توپ) [ج ۳] ۵۷۸، ۵۸۱، ۶۴۶
هیأت‌مدیره [ج ۳] ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۷، ۷۴۱، ۷۴۳

یهود ــ یهودی (مردم) [ج ۱] ۳۸، ۴۲، [ج ۲] ۵۳۲، ۵۳۳، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۶۸، ۷۱۰، [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۲، ۹۴۶، ۹۶۰

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

فهرست نکته‌ها و رویدادهای مهم که در ضمن اسناد از آنها یاد شده است

جلد اول

، مظفرالدین‌شاه ۴
طرح قانون اساسی در مجلس ۱۷
زمزمهٔ مخالفت ایرانیان با دادن امتیاز به خارجی‌ها ۱۷
ترس دولت‌های انگلیس و روس ازمداخله در امور ایران ۱۸
پادشاهی محمدعلی‌شاه ـ باریافتن سفراء خارجی بنزد شاه ۱۹
احترام مردم به جنازهٔ مظفرالدین‌شاه و جلوگیری آنها از برده‌شدن جنازه به کربلاء ۱۹
تاج‌گذاری محمدعلی‌شاه ـ ولیعهدی احمد شاه ۲۰
نخستین سفر رسمی که در حضور محمد علی‌شاه برگزار شد ۲۱
تیرگی روابط مردم با محمدعلی‌شاه ۲۱
آشکارشدن احساسات ضداروپائی در مردم ایران ۲۲
پناهندگی مردم اورمیه بـه کنسولخانه و تلگرافخانهٔ انگلیس ۲۲ـ۲۸
مقاومت مردم تبریـز در برابر شرکت راهسازی روسی ۲۳
فدائیان‌رشت از قفقاز دستورمی‌گرفتند۲۳
مردم رشت از گـرفتن جشن پـادشاهی محمدعلی‌شاه خودداری‌کردند ۲۴
طرح مسئلهٔ نوز بلژیکی در مجلس ایران‌ـ مقاومت نوز در برابر مجلس ۲۵
تشکیل گروه فدائیان در ایران ۲۶

قتل پرویز شاه جهانیان در یزد ـ نگرانی زرتشتی‌ها بر جان خودشان ۲۷
تحصن وعاظ و مردم عادی در شاه ـ عبدالعظیم ۲۷
مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای بیگانه ۳۰
عزل مشیرالدوله از صدارت عظمی ۳۱
آدم‌کشی و آدم‌سوزی در سبزوار ۳۳
مردم برای اجراء قول شاه ایران از دولت‌های خارجی تضمین می‌خواستند! ۳۳
نامهٔ سرزنش‌بار زنان تبریز به مردان شیراز ۳۸
اغتشاش در کرمانشاه ـ تحصن همگانی مردم ـ برپا کردن چادر بر بام خانه‌ها ۳۹
آدم‌کشان مزدور شاه در اندیشهٔ شکار آزادیخواهان ۵۱
بازداشت رحیم‌خان قراجه‌داغی ضدمشروطهٔ معروف ۵۱ ـ ۵۳
تعطیل همگانی مردم تهران و جلوگیری از چراغانی برای تاج‌گذاری شاه ۵۱
جلوگیری مردم بندر انزلی از خارج‌شدن نوز بلژیکی ۵۲
قتل رجب‌افندی در تهران ۵۲
توطئهٔ اکرم‌السلطان برای کشتن اعضای انجمن ایالتی تبریز ۵۲
کمیابی نان و شورش مردم در تبریز ۵۳
کشته‌شدن یك محتکر در تبریز ۵۳
وضع بد مالی ایران و فرستادن هیأت‌های تبلیغاتی به خارج ۵۹
بریگاد قزاق زنجیری برای بردگی ایران ۶۳
گارد شاهی با فرماندهٔ روسی! ۶۴
شورش در زنجان و اردبیل ۶۶
شرایط برده‌وار و استعماری روس و انگلیس برای دریافت اقساط وام خود از ایران ۶۸
کشته‌شدن اتابك اعظم ۶۸
کاپیتولاسیون انگلیس در ایران ۶۹
اظهارنظر شگفتی‌انگیز سفیر انگلیس دربارهٔ شاه ایران ۷۱
دولت ایران فقط می‌تواند از روس و انگلیس وام بگیرد! ۷۶
احساسات میهن‌پرستانهٔ ایرانیان از نظر سفیر انگلیس ۷۹
رئیس دزدها محافظ راه‌کاروانی مشهد شد ۸۳
طرح قرارداد ۱۹۰۷ در مجلس ایران ۸۹
مرگ ناگهانی و مرموز مشیرالدوله ۸۹
اخطار درباریان به محمدعلی‌شاه و منزوی گردانیدن او ۹۰
مقالات روزنامهٔ حبل‌المتین دربارهٔ قرارداد ۱۹۰۷ ۹۳
قانون اساسی ایران ۹۹
فروش دختران و زنان ایرانی بوسیلهٔ صنیع‌الدوله ۱۱۰
زندانی‌شدن علاءالدوله ـ تبعید و زندانی شدن ناصرالملك و وزیران دولت او ۱۱۷
چاقوکشان مزدور محمدعلی‌شاه و پذیرائی شاهانه (!) از آنها ۱۱۹
سوءاستفاده آصف‌الدوله و مظفرنظام از انبار مهمات خراسان ۱۲۴
تبعید علاءالدوله ـ زندانی شدن ناصرالملك ۱۴۰
اتحاد ظل‌السلطان با مشروطه‌خواهان ۱۴۴
شاه ایران از سفراء انگلیس و روس

دستور کار می‌گرفت! ۱۴۶
از نظر سفیر انگلیس ملت ایران تا دو نسل دیگر هم شایستهٔ حکومت مشروطه نیست ۱۴۹
زرتشتیان ایرانی برای تأمین جان‌خودشان از سفارت‌انگلیس کمک‌می‌خواستند ۱۶۲
سوءقصد بجان محمدعلی‌شاه ۱۶۸
تدارک محمدعلی‌شاه برای سرکوبی مردم ۱۶۹
گزارش سفیر انگلیس دربارهٔ سوءقصد به محمدعلی‌شاه ۱۷۰
غارت مردم بوسیلهٔ گارد امیربهادر ۱۷۱
تحصن امیربهادر در سفارت روس ۱۸۴
فرار نظام‌السلطنه به قم ۱۸۶
روس و انگلیس در فکر تغییر سلطنت در ایران ۱۹۱
تحصن تقی‌زاده و روزنامه‌نگاران در سفارت انگلیس ۱۹۶
دستگیری روزنامه‌نویسان و آزادیخواهان دیگر بدستور محمدعلی‌شاه ۱۹۶
پناهندگی رئیس مجلس به سفارت‌فرانسه ۲۰۰
پناهندگی وزیر مالیه و خانواده‌اش به سفارت ایتالیا ۲۰۰
شورش در تبریز ۲۰۰
انحلال مجلس بدستور محمدعلی‌شاه ۲۰۰
حمایت سفارت انگلیس از ظل‌السلطان ۲۰۲
تلگراف شاه ایران به پادشاه انگلیس ۲۰۴
جواب دادن پادشاه انگلیس به شاه ایران ۲۰۵
پناهندگی ایرانیان به سفارت روس ۲۳۵
کودتا در تهران و غارت خانه‌های مردم بدست قوای دولتی ۲۳۶
دستگیری ملک‌المتکلمین و جهانگیرخان صوراصرافیل ۲۳۹
حکومت نظامی به فرمان لیاخوف ۲۴۳
ایرانیان مصمم شدند سلطان عثمانی را به پادشاهی خود برگزینند ۲۷۲
فرمانفرمای آذربایجان از ورود آذوقه به شهر تبریز جلوگیری کرد ۲۹۱
قزاقان روسی در تبریز و ادعای بیطرفی دولت روسیه ۲۹۵
روزهای تلخ تبریز ۲۹۷
دستخط محمدعلی‌شاه دربارهٔ انتخابات مجلس ۳۰۶
انتخابات مجلس و بدقولی‌های محمدعلی شاه ۳۰۹
تظاهرات مزدوران‌شاه علیه‌مشروطه ۳۱۳
تلگراف شدیداللحن علماء نجف به محمد علی‌شاه ۳۲۱

جلد دوم

به عقیدهٔ سفیر انگلیس، اعضای مجلس ایران عاری از کار و نادان و ارتجاعی هستند! ۳۳۷
دستخط‌ساختگی‌محمدعلی‌شاه بر دیوارهای
تظاهرات طرفداری محمدعلی شاه علیه برقراری مشروطه در ایران ۳۳۹
بی‌تکلیفی زندانیان سیاسی؛ مشروطهٔ نوع محمدعلی‌شاهی! ۳۴۰

لیره وام تاخت می‌زند ۳۴۴
به عقیدهٔ محمدعلی‌شاه مشروطه و تشکیل مجلس مخالف با اسلام است ۳۴۶ـ۳۴۸
به عقیدهٔ علاءالسلطنه ایران برای تشکیل مجلس مستعد نیست ۳۴۷
شورش در مشهد؛ نامهٔ علماء کربلاء به مردم خراسان و تحریک آنان به شورش ۳۵۲
حکومت نظامی در اصفهان ۳۵۲
انگلیس و روس با شاه ایران وحدت‌نظر دارند ۳۵۵
عقب‌نشینی محمدعلی‌شاه در برابر تهدیدهای انگلیس و روس ۳۵۵
تحصن محمدعلی‌شاه در باغشاه ۳۵۶
سفرای انگلیس و روس می‌خواستند محمدعلی‌شاه را با دادن رشوه مشروطه‌خواه کنند! ۳۵۶
هرج و مرج و شورش در اصفهان؛ غارت بازار بوسیلهٔ سربازان‌دولتی ۳۶۰
یك داوری عجیب دربارهٔ ستارخان و هم‌رزمان او ۳۶۱
غارت دیوانخانهٔ حکومت اصفهان بوسیلهٔ مردم ۳۶۳
اصفهان در تصرف انقلابیون ۳۶۴
انتصاب سعدالدوله به وزارت خارجه ۳۶۵
مقاومت محمدعلی‌شاه در برابر فشارهای انگلیس و روس ۳۶۶
ترس انگلیس از تجزیهٔ ایران! ترس روسها از استقلال شهرهای تبریز و اصفهان ۳۶۷
انفصال صمصام‌السلطنه از ایلخانی بختیاری ۳۶۸
به عقیدهٔ صدراعظم ایران هیچگونه حکومت شورائی با شریعت اسلام موافق نیست ۳۷۹
پناهندگی ملیون به کنسولگری عثمانی در رشت ۳۸۱
رفتار ستمگرانه با پارسیان و ارامنهٔ ایرانی ۳۸۴
برقراری نظم در تبریز بوسیلهٔ ستارخان و باقرخان ۳۸۷
نامهٔ انجمن تبریز دربارهٔ رفتار ناروای دولت با مردم آن شهر ۳۸۹
اعتراض انجمن ملی تبریز به استقراض دولت ایران از خارج ۳۹۹
شورش در رشت و کشته‌شدن حاکم آن شهر ۴۰۳، ۴۲۶
تشکیل حکومت موقت در رشت بوسیلهٔ شورشیان ۴۰۳ـ۴۲۶
پیشنهاد صلح عین‌الدوله به مردم تبریز ۴۰۳، ۴۰۴
مخالفت ملیون تهران با استقراض دولت ایران از دولتهای خارجی ۴۰۴
به عقیدهٔ مستشار مالیهٔ ایران شرط استقلال مالیه ایران استخدام کارمندان خارجی است ۴۰۵
آشوب و غارت‌در اصفهان، پناهندگی‌مردم به سفارتخانه‌های انگلیس و روس ۴۰۶ـ۴۰۷
زمزمهٔ تشکیل یك کشور مستقل در شمال ایران ۴۱۰
یاغیگری سیدحسین لاری در لار ۴۱۰
انگلیس از مساعدت مالی به محمدعلی‌شاه برای حفظ موقعیت او ناامید است ۴۱۱
تغییرات در کابینهٔ دولت ۴۱۲
تیراندازی به شیخ فضل‌الله نوری ۴۱۲ـ۴۱۳

علمای کربلاء مردم ایران را از پرداخت مالیات به دولت منع کردند ۴۱۳
تشکیل دیوان عدالت در بوشهر ۴۱۴
شورشیان رشت شعاع‌السلطنه برادر شاه را گروگان گرفتند ۴۱۷
محاکمهٔ متهمان به بمب‌اندازی بسوی‌شاه ۴۱۸، ۴۲۹
کشف و توقیف مهمات انقلابیون ایرانی در باکو ۴۲۳
بروز آثار انقلاب در مشهد ۴۲۴
متن بیان‌نامهٔ جماعت ملیون تهران به سفیر انگلیس ۴۲۷
تشکیل کابینهٔ مشیرالسلطنه ۴۲۸
تعطیل بازار تهران و چوبخوردن تجار بازار ۴۲۹
آزاد شدن ضاربین شیخ فضل‌الله نوری ۴۲۹
مخالفت علماء نجف و همدان با استقراض محمدعلی‌شاه از خارجه ۴۳۱
انجمن ایالتی آذربایجان جانشین مجلس ملی ایران ۴۳۱
جنگ ملیون و شاه‌پرستان در تبریز ۴۳۳
سادات لارستان به توصیهٔ علماء نجف گمرک بوشهر را متصرف شدند ۴۳۶
تصرف بوشهر بوسیلهٔ سید مرتضی اهرمی ۴۴۱
کشته‌شدن چهار نفر بدست اوباش در شاه‌عبدالعظیم ۴۴۱
غارتگری‌های رحیم‌خان ۴۴۲
آشوب در کرمانشاه؛ کشتار یهودیان آن شهر بدست آشوبگران ۴۴۶
قحطی و گرسنگی و مرگ در تبریز ۴۴۶
جنبش ملیون در اورمیه ۴۴۸
شورش در استرآباد ۴۴۸
بمباران تبریز بوسیلهٔ شاه‌پرستان ۴۴۹
هرج و مرج در بوشهر ۴۵۲
زمینه‌سازی قفقازیها در شورش رشت ۴۶۰
پرچم روس و انگلیس و عثمانی بر فراز خانه‌های مردم رشت ۴۶۰
یورش قوای دولتی به تبریز ۴۶۱
یورش جنایتکارانهٔ رحیم‌خان به جلفا ۴۶۲
نظر کنسول انگلیس دربارهٔ رشادت و جنگاوری ستارخان و جنگیدن روحانیان ۴۶۳
کشته‌شدن یك نانوای گرانفروش‌درتبریز ۴۶۴
بنادر خلیج فارس زیر فرمان ملیون ۴۶۴
در بوشهر به‌جای پرچم سلطنتی پرچم ملی برافراشته شد ۴۶۷
شروع انقلاب در مشهد ۴۶۷
شیراز و همدان در مسیر انقلاب ۴۶۸
شورش افشاریها و غارت اموال حاکم کرمان ۴۷۰
رفتار ضدانسانی با پارسیان در شیراز ۴۷۲
کشتار پناهندگان شاه‌عبدالعظیم‌به دستور مفاخرالملك حاکم تهران ۴۷۳
اعتراض آمرانهٔ انگلیس و روس به کشتار شاه‌عبدالعظیم ۴۷۴
مداخلهٔ انگلیس و روس در ترکیب کابینهٔ ایران ۴۷۵
تهدید انگلیس و روس به تنبیه اقتصادی ایران ۴۷۵
قحطی و غارت نانواییها درکرمان ۴۷۸
سیدمرتضی در لباس ملی‌گری و با قصد غارتگری ۴۷۸
تغییرات سیاسی در اسلامبول و تأثیر آن

در اوضاع سیاسی ایران ۴۸۷
قحطی نان در تبریز؛ فراهم‌شدن‌زمینه‌های شورش مردم ۴۸۸
متارکهٔ جنگ تبریز از طرف ملیون ۴۹۶
مخالفت شاه و عین‌الدوله با متارکهٔ جنگ ۴۹۷ـ۴۹۹
نیروهای روسی آمادهٔ اشغال تبریز ۵۰۱
دستور شاه برای متارکهٔ جنگ و ورود آذوقه به تبریز ۵۰۷
ورود نیروهای روسی به خاک‌ایران ۵۱۳
عفو عمومی شاه ۵۱۳
الگوی محمدعلی‌شاه برای اعطای مشروطه و قانون انتخابات ۵۱۳
نایب‌السلطنهٔ‌مرتجع برمسند ریاست‌وزراء ۵۱۵
ورود نیروهای روسی به تبریز ۵۱۵
نجات نسبی تبریز از قحطی ومرگ ۵۱۶
سپاسگزاری ستارخان از کمکهای انگلیس و روس به‌مردم تبریز ۵۱۵ـ۵۱۶
لجاج و خودسری محمدعلی‌شاه ۵۱۷
پافشاری انگلیس و روس برای نشاندن سعدالدوله به جای نایب‌السلطنه ۵۱۷
شکایت وزیر ایرانی به سفراء انگلیس و روس ۵۱۹
تعیین وزیر خارجهٔ ایران با تصویب‌وزیر خارجهٔ انگلیس! ۵۱۹
نظروزارت‌خارجهٔ‌انگلیس‌دربارهٔ‌کابینه‌های ایران ۵۱۹
تحصن صنیع‌الدوله و اعتمادالذاکرین در سفارت انگلیس ۵۲۹
کشته‌شدن فرستادهٔ ملیون بدست ترکمانان ۵۳۰
تظاهرات مردم بندرگز به طرفداری از مشروطه ۵۳۰
کمیابی نان در کرمان ۵۳۱
آشوب در کرمان و غارت محلهٔ یهودیان آن شهر ۵۳۲
تشکیل انجمن ایالتی فارس ۵۳۴
توصیه‌های تحقیرآمیز دولتین انگلیس و روس به شاه ایران ۵۳۸

جلد سوم

سعدالدوله مهرهٔ سیاسی مورد حمایت استعمارگران ۵۵۱
اخطار اهانت‌آمیز انگلیس و روس به شاه ایران در پوشش نصیحت دوستانه! ۵۵۲
آبروی سیاسی ایران در گرو دریافت وام از بیگانگان ۵۵۳
پناهندگی ستارخان و باقرخان به سفارت عثمانی ۵۵۶
دستخط محمدعلی شاه دربارهٔ برقراری مشروطه ۵۶۲
فرمان عفو عمومی از طرف محمدعلی‌شاه ۵۶۳
دستگیر شدن انقلابیون قزوین و رشت
انتشار دستخط مجعول محمدعلی‌شاه دربارهٔ‌مشروطه و عفوعمومی ۵۶۵
تیرباران شدن قاسم‌آقا (سرتیپ) بدست ملیون ۵۶۶
ورود ارتش روس به مشهد ۵۶۶
خودداری مردم مشهد از دادن مالیات به حکومت ایران ۵۶۷
ناآرامی و کشتار در لار ۵۶۹

تبریز در اشغال قشون روس ۵۶۹ـ۵۷۰
محاصرهٔ تبریز بوسیلهٔ قوای محمدعلی‌شاه ۵۷۰
قطعنامهٔ انقلابیون و فهرست درخواست‌های آنان از شاه ۵۷۳
تلاش انگلیس برای جلوگیری از رسیدن انقلابیون به تهران ۵۸۲، ۵۸۵، ۵۸۷
امضاء قانون انتخابات مجلس شورای ملی بدست محمدعلی‌شاه ۵۸۲
چاره‌جوئی محمدعلی‌شاه از سفراء روس و انگلیس برای آرام‌گردانیدن مردم انقلابی ۵۸۸
دستخط محمدعلی‌شاه دربارهٔ تفسیر فرمان مشروطه ۵۹۰
گمیابی نان در تبریز ۵۹۲
متن قرارداد استقراض ایران از روسیه ۶۰۶
اعتراض سفیر روس به خاموش نشدن فریاد انقلابیون ۶۰۷
لحن اهانت‌بار سفیر روسیه نسبت به انقلابیون ایران ۶۰۷
اخطارنامهٔ سپهدار به سفراء انگلیس و روس و تعیین شرایط ترك مخاصمه ۶۰۹
تلاش سفیران انگلیس و روس برای متارکهٔ جنگ بین شاه و مردم ایران ۶۱۷
متارکهٔ جنگ قزاقها با مردم به دستور لیاخف ۶۱۹
همدستی انگلیس و روس در مورد حوادث ایران ۶۲۰
پناهندگی محمدعلی‌شاه در سفارت روس ۶۲۳، ۶۳۴، ۶۸۳
خودداری محمدعلی‌شاه از پذیرفتن هیأت برگزیدهٔ مجلس شورایملی ۶۲۴
سلطان احمدمیرزا سلطان احمدشاه شد ۶۲۶
صلاح‌اندیشی برای اخراج ستارخان و باقرخان از ایران! ۶۲۸
درخواست سفراء انگلیس و روس از سردار اسعد و دعوت او به آرامش ۶۴۰
فهرست درخواست‌های انقلابیون از دولت ایران بوسیلهٔ سفارتین انگلیس و روس ۶۴۳
خودداری سردار اسعد از قبول ضمانت سفارتین انگلیس و روس برای اجراء قول شاه ۶۴۴
ناآرامی و شورش در سلطان‌آباد (اراك) ۶۴۸
اظهارنظر سفیر انگلیس درباره مردم دشتستان و تنگستان ۶۵۸
توصیف بی‌نظمی راه بوشهر و شیراز از نظر سفیر انگلیس ۶۶۰
انتشار قانون انتخابات مجلس شورایملی ۶۶۶
اشغال تهران بوسیلهٔ نیروهای انقلابی ۶۸۱
چاره‌اندیشی شاه و سفارتین برای جلوگیری از پیشرفت انقلابیون ۶۸۲
تسلیم کلنل لیاخف به نیروهای انقلابی ۶۸۴
خلع محمدعلی‌شاه از سلطنت و پادشاهی احمدشاه قاجار ۶۸۴
تلاش برای جلوگیری از سلطنت احمدشاه ۶۸۴
گزارش تفصیلی پیروزی انقلابیون به نوشتهٔ مأمور سفارت انگلیس ۶۸۶
اعلامیهٔ شورای انقلاب دربارهٔ تغییر

پادشاه ایران ۶۸۹
پذیرائی احمدشاه قاجار از سران قاجاریه و درباریان ۶۹۰
رهائی ظل‌السلطان از بند انقلابیون رشت ۶۹۶
کشمکش روس و انگلیس با شورای انقلاب برای تعیین حقوق مستمری محمدعلی‌میرزا ۶۹۵ـ۶۹۷
پذیرائی احمدشاه از سفراء دولتهای بیگانه ۶۹۷
داوری سفیر انگلیس دربارهٔ آداب‌دانی عضدالملك ۶۹۸
نظر سفیر انگلیس دربارهٔ مدیریت دولت انقلابی ایران ۶۹۹
قرارنامهٔ خروج محمدعلی میرزا ازایران ۷۰۳
بهانه‌جوئی روسها برای اشغال خاك ایران ۷۰۵
تشکیل نخستین دولت در پادشاهی‌احمدشاه ۷۰۷
پناهندگی سعدالدوله و مخبرالدراه به سفارت انگلیس ۷۰۷
آغاز اعدام مخالفان در حکومت جدید ۷۰۷
دشواری‌های زندگی پارسیان و یهودیان یزد ۷۱۰
عفو عمومی زندانیان و پناهندگان‌سیاسی ۷۱۸
حرکت محمدعلی‌میرزا و همراهان بسوی بندر انزلی ۷۱۸
اعزام ستارخان از تبریز به اردبیل ۷۱۹
اغتشاشات مهم در کرمان ۷۲۱
حرکت محمدعلی‌میرزا از بندر انزلی بسوی روسیه ۷۳۴
بازگشت بخشی از قشون روسیه از تبریز ۷۳۸
اخطار سفارت انگلیس به دولت ایران دربارهٔ ناامنی راههای جنوب کشور ۷۴۰
آمار نیروهای نظامی روسیه در قزوین و تبریز ۷۴۹
ناآرامی در اردبیل ـ پناهندگی اعضاء حکومت و انجمن محلی و علماء به کنسولگری روس ۷۵۱
کار زشتی که از ستارخان سر زد ـ مطالب روزنامهٔ رسمی ایران دربارهٔ وقایع اردبیل ۷۵۴
افتتاح مجلس شورایملی بوسیلهٔ‌احمدشاه ۷۵۷
اظهار وابستگی رحیم‌خان به دولت روس ۷۵۷
پناهندگی مردم یزد به قنسولگری‌انگلیس ۷۶۲
اشغال شهر اردبیل بوسیلهٔ قشون روس ۷۶۵
کشتار کاروانیان در راه بوشهر ۷۶۵
تصویب نیابت سلطنت عضدالملك در مجلس شورای ملی ۷۶۶

جلد چهارم

رقابت انگلیس و روس برای دادن وام به ایران ۷۷۷
گزارش تفصیلی سفیر انگلیس دربارهٔ تلگرافات رحیم‌خان قراجه‌داغی و رؤسای ایل شاهسون به‌حمایت‌از محمدعلی شاه مخلوع ۷۸۰

افتتاح مجلس شورایملی بوسیلهٔ احمدشاه ۷۷۷
وکلائی که بهنگام افتتاح مجلس حضور داشتند ۷۷۸
ناآرامی در زنجان ـ جنگ بین قوای‌محلی و نیروهای دولتی ۷۸۲
ترکیب نخستین دولت به ریاست سپهدار ۷۸۳
درگذشت امم‌الخاقان مادر محمدعلی‌شاه مخلوع در راه سفر کربلاء ۷۸۶
شورش مردم بستك (لنگه) و اخراج حاکم از شهر ۷۸۹
قتل فجیع دو نفر اسماعیلی‌مذهب در نیشابور ۷۹۳
شکست‌یافتن نیروهای‌رحیم‌خان قراجه‌داغی از قوای دولتی و فرار رحیم‌خان به سرحد روسیه ۸۰۱
درخواست دولت ایران از دولت روس برای استرداد رحیم‌خان به ایران ۸۰۲
استعفاء و انصراف سپهدار از ریاست وزراء ۸۰۲
نظر سفیر انگلیس دربارهٔ دلاوری ایل بویر احمد ۸۰۴
زمینه‌های مخالفت مجلس با دریافت وام‌از انگلیس و روس ۸۱۴
شرایط استثماری برای دادن وام به ایران ۸۱۵، ۸۱۸
حرکت ستارخان و باقرخان‌از تبریز بسوی تهران ۸۲۷
مکاتبات بین دولتهای ایران و انگلیس دربارهٔ وام پیشنهادی انگلیس به ایران ۸۳۱
چاره‌اندیشی مزورانهٔ سفیر انگلیس برای تحمیل وام به ایران ۷۳۷
مقاومت دولت ایران در برابر امتیازات و وثیقه‌های درخواستی انگلیس و روس برای دادن وام ۸۴۱
محدودیت و ممنوعیت‌ایران‌برای‌درخواست وام از دولتهای دیگر بجز انگلیس و روس ۸۴۲
دسته‌بندی وکلاء و پدید آمدن گروههای سیاسی در مجلس ۸۴۴
پاسخ دولت ایران به تحمیلات انگلیس و روس برای دادن وام ۸۴۷
موضوع استخدام مشاوران مالیه از کشورهای خارجی ۸۴۹
قیام داراب‌میرزا صاحب‌منصب ایرانی‌ـ الاصل قشون روس به هواخواهی محمدعلی‌شاه مخلوع ۸۵۲
شرایط انگلیس برای هزینهٔ وام بوسیلهٔ دولت ایران ۸۵۳
تغییر کابینهٔ دولت سپهدار ۸۵۴
کمیابی نان در پایتخت ۸۵۵
سنگسارکردن یك زن‌قاتل در تهران ۸۵۶
ناآرامی در کرمانشاه ۸۶۳
قتل سید عبدالله مجتهد (بهبهانی) ۸۷۵
قتل مستحفظ کشتی روسی در استرآباد (گرگان) ۸۷۵
شیوع و سرایت ناامنی و گردن‌کشی تا دروازه‌های پایتخت ۸۷۶
بروز اغتشاش در همدان ۸۷۹
دامهای استعمارگران برای تحمیل وام به ایران ۸۷۹
تشکیل کابینهٔ مستوفی‌الممالك ۸۸۰
تیراندازی سربازان ایرانی به خانهٔ نایب قنسول روس ۸۸۱
بروز ناآرامی‌درنقاط‌مختلف‌کشور ۸۸۱
تیراندازی قزاق روسی به سرباز ایرانی ۸۸۳

ناخشنودی سفیر انگلیس از بی‌اعتنائی دولت ایران به سفیر روس! ۸۸۴
استعفاء کابینهٔ مستوفی‌الممالك ۸۸۷
اعتراض سفیر انگلیس به ناامنی‌های ایران و تعطیل تجارت انگلیس ۸۸۸
طرح وام یك میلیون لیره‌ئی انگلیس در مجلس ایران ۸۸۹
درخواست علماء نجف برای اخراج تقی‌زاده از ایران ۸۹۰
استعفاء مستشارالدوله از ریاست مجلس و ریاست ذکاءالملك ۸۹۱
اعتراض مردم یزد به مالیات تریاك و هیزم ۸۹۳
رفتار ناشایستهٔ مردم یزد با زرتشتی‌ها ۸۹۳
اعتراض بازاریان همدان به مالیاتها و عوارض جدید دولتی ۸۹۵، ۹۱۱
پیشنهاد موذیانه برای پرداخت وام به ایران ۸۹۶
تصمیم دولت برای خلع‌سلاح عمومی ۸۹۷
سنگرگیری ستارخان و مجاهدین او در پارك اتابك ۸۹۷
حملهٔ قوای دولتی به‌پارك اتابك ـ تسلیم مجاهدین و زخمی‌شدن ستارخان ۸۹۸، ۹۱۹
علاقمندی انگلیس برای برقراری نظم در ایران ۸۹۸، ۸۹۹
آمار تلفات پارك اتابك ۸۹۹
کشته‌شدن سرباز ایرانی بدست نگهبانان کنسولگری کرمانشاه ۹۰۱
هجوم سربازان ایرانی به‌کنسولگری روس و ناسزاگوئی به کنسول آن دولت ۹۰۲
نمایش خشم‌آلود سفراء دولتین استعماری در برابر اشارهٔ کتبی دولت ایران به استقلال ملی خود ۹۲۲
درگذشت عضدالملك نایب‌السلطنهٔ ایران و تعیین ناصرالملك بجای او ۹۲۴
گزارش وقیحانهٔ سفیر انگلیس در برخورد با پاسخ دولت ایران برای اعلام حفظ استقلال ملی خود ۹۲۵
بازگشت محمدعلی‌میرزا و ظل‌السلطان و ورود آندو به شهر رشت ۹۳۱
محاصرهٔ شهر کاشان بوسیلهٔ نایب‌حسین کاشی ۹۳۵
ناآرامی و زدوخورد در اردبیل ۹۳۸
گم‌شدن تاجرباشی روس ۹۳۸
ناآرامی در بوشهر و شیراز ۹۴۵، ۹۴۶
اخطار شدید سفیر انگلیس به دولت ایران دربارهٔ ناامنی‌های جنوب کشور ۹۴۸
پاسخ دولت ایران به اخطاریهٔ سفیر انگلیس ۹۵۰
درگیری و زدوخورد بختیاریها و قوای نایب‌حسین کاشی ۹۵۸
تحصن رئیس نظمیهٔ یزد از ستم حاکم شهر به تلگرافخانهٔ انگلیس ۹۵۹
شیوع بیماری وبا در کرمانشاه ۹۵۹
غارت و کشتار در محلهٔ یهودیان شیراز ۹۶۰
تظاهرات مردم ایران در اعتراض‌به‌حضور قوای روس و مداخلهٔ انگلیس در ایران ۹۶۵
استعفاء حسینقلی‌خان نواب از وزارت امور خارجه ۹۷۲

www.adabestanekave.com

جلد پنجم

مقدمات استخدام سوئدی‌ها برای ژاندارمری ایران ۹۷۵
تصویب استخدام مستشاران امریکایی برای مالیهٔ ایران در مجلس ۹۸۷
کشته‌شدن صنیع‌الدوله وزیر مالیه بدست تروریست‌های روسی ۹۸۸/۱۰۱۱
ناآرامی در بلوچستان و کرمان و زمزمهٔ استقلال بلوچستان ۹۹۴
تحریکات محمدعلی‌شاه مخلوع در داخل کشور ۱۰۰۰
یمباران روستای ایرانی با دست قزاقان روسی ۱۰۰۳
تشکیل دولت سپهدار ۱۰۰۳
اسامی مستشاران مالیاتی امریکائی در ایران ۱۰۰۴
سوگند خوردن ناصرالملک نایب‌السلطنه در مجلس شورایملی ۱۰۰۶
تصویب حقوق مستشاران امریکائی در مجلس شورایملی ۱۰۰۹
سپاسگزاری وزیر خارجهٔ انگلستان از برقراری امنیت در جنوب ایران ۱۰۱۶
ناآرامی درکرمانشاه و حمله‌به‌کنسولگری انگلیس ۱۰۱۸
محاکمهٔ قاتلان رجال‌ایرانی در دادگاههای روسیه! ۱۰۱۸/۱۱۰۰
کشتار شگفت در بوشهر ۱۰۱۹
سخنرانی ناصرالملک نایب‌السلطنه در مجلس شورایملی ۱۰۲۰
برنامهٔ دولت سپهدار برای ادارهٔ کشور ۱۰۳۳
ترکیب دولت سپهدار ۱۰۳۵
برکناری ممتازالدوله از ریاست مجلس شورایملی و ریاست مؤتمن‌الملک ۱۰۳۶
ناآرامی و زد و خورد و کشتار در راه تبریز–آستارا ۱۰۳۷
فرار ججو سردار، شورشی خراسانی به خاك روسیه ۱۰۳۸
بازداشت و محاکمهٔ پسران قوام‌الملک شیرازی ۱۰۴۳
استخدام صاحب‌منصبان سوئدی برای ژاندارمری ایران ۱۰۴۴
طرح لایحهٔ وام‌خواهی از بانك شاهی در مجلس شورایملی ۱۰۴۷
سرنوشت قوام‌الملک مسئلهٔ روز دولتین ایران و انگلیس! ۱۰۵۱
کشته شدن نصرالدوله برادر قوام‌الملک شیرازی در راه شیراز–بوشهر ۱۰۵۲
تلگراف علماء نجف به نایب‌السلطنه ـ انتخاب‌هیأت‌رئیسهٔ مجلس‌شورایملی ۱۰۵۵
ناآرامی در شیراز بعلت پناهنده شدن قوام‌الملک به سفارت انگلیس ۱۰۶۲
تصویب لایحهٔ دریافت وام از بانك‌شاهی در مجلس شورایملی ـ قرارداد اسارت‌بار وام ۱۰۶۷
برنامهٔ هزینه گردانیدن وام دریافتی ۱۰۷۰
ورود مستشاران امریکائی به تهران

۱۰۷۳
به‌رسمیت‌شناخته‌شدن‌ولیعهدی محمدحسن میرزا از طرف دولت انگلیس ۱۰۷۴
کمیابی نان در اصفهان و شورش بانوان و مردم آن شهر و کشته و دارآویز شدن رئیس بلدیه ۱۰۷۵
ناآرامی‌در بوشهر وکشته‌شدن نایب‌رئیس نظمیه بدست تفنگچیان ۱۰۷۹
تیراندازی سربازان ایرانی و نگهبانان کنسولگری انگلیس بسوی یکدیگر و کشته شدن چند تن ۱۰۸۱
تصویب لایحهٔ کنترل هزینهٔ وام دریافتی از بانك شاهی در مجلس‌شورایملی ۱۰۸۷
تصویب لایحهٔ تأسیس‌و اختیارات خزانه‌داری کل در مجلس شورایملی ۱۰۹۲
تصویب حقوق دربار سلطنتی در مجلس شورایملی ۱۰۹۵
طغیان رودخانهٔ هامون و کشته‌شدن ۴۶ نفر در اثر سیل ۱۰۹۶
قانون اجازهٔ دریافت وام از بانك شاهنشاهی ۱۱۰۱
نامهٔ مورگان شوستر به سفیر انگلیس در ایران ۱۱۰۹
گزارش تفصیلی توطئه علیه جان قوام‌الملك شیرازی و نصرالدوله برادر او ۱۱۱۴
سفیر انگلیس جوانمردی و بزرگ‌منشی یك ایرانی را «یك نوع حس مغرب‌زمینی» میدانست! ۱۱۱۶
برخورد دشمنانه میان شوستر خزانه‌دار کل و مرنارد مدیر کل گمرکات ایران ۱۱۱۹
ورود محمدعلی‌شاه مخلوع به- کمش‌تپه ۱۱۲۲
دودوزه‌بازی‌دولت‌روسیه برای‌بازگرداندن محمدعلی‌میرزا به سلطنت ایران ۱۱۲۴
تصویب قانون حکومت نظامی تهران در مجلس شورایملی ۱۱۲۸
آثار اجرائی قانون حکومت نظامی و پناهندگی گروهی به‌سفارتخانه‌های انگلیس و روس ۱۱۳۱
متن قانون حکومت نظامی ۱۱۳۲
بروز احساسات مردم شهرستانها به طرفداری از محمدعلی‌شاه مخلوع ۱۱۳۶
استعفاء صدراعظم (سپهدار) ۱۱۳۶
تشکیل دولت صمصام‌السلطنهٔ بختیاری ۱۱۴۰
ناآرامی و زمینه‌سازی شورش در مشهد به طرفداری از محمدعلی‌شاه مخلوع ۱۱۴۲
اشغال شهر نیشابور بوسیلهٔ محمدعلی‌شاه مخلوع و یاران او ۱۱۴۲
آشوبگری سالارالدوله در کرمانشاه ۱۱۴۴
شورش بسیار سخت در خراسان ۱۱۴۵
زمزمهٔ مخالفت انگلیس با مورگان‌شوستر ۱۱۴۹
شورش مردم تالش و کشته‌شدن حاکم آن شهر بدست مردم ۱۱۵۲
کشته‌شدن محمدعلی، شورشی نیشابوری ۱۱۵۲
ناآرامی و قتل و غارت در کرمانشاه ۱۱۵۴
کشف انجمن مخفی اتحاداسلامی درتهران ۱۱۵۶

پیشرفت محمدعلی‌شاه مخلوع در داخل خاك ایران و اعتراض دولت ایران به دولتین انگلیس و روس و قطع مقرری او ۱۱۵۸
رفع دخل دولت انگلیس از اقدامات محمدعلی‌شاه مخلوع ۱۱۵۸
اعتراض‌نامهٔ سفیر ایران در لندن به دولت انگلیس دربارهٔ مداخلات ناروای دولت روسیه در ایران ۱۱۶۰
هجوم سربازان و قزاقهای روسی به مقر ایالت آذربایجان و تهدید حاکم و رهانیدن رشیدالملك مهرهٔ سیاسی روس از زندان حکومتی ۱۱۶۲
مزاحمت نیروهای روسیه در تبریز و گیلان نسبت‌بمردم و معنی بیطرفی دولت روسیه در امور ایران! ۱۱۶۲
ورود محمدعلی‌شاه مخلوع به ساری ۱۱۶۷
قیام سالارالدوله از کرمانشاه ۱۱۷۳
آغاز شکست نیروهای محمدعلی شاه مخلوع در فیروزکوه و دستگیری رشیدالسلطان ۱۱۷۶
لحن بی‌ادبانهٔ یك روزنامه‌نگار روسی دربارهٔ گردانندگان کشور ایران ۱۱۸۲
تصرف شهر دامغان بوسیلهٔ نیروهای محمدعلی‌شاه مخلوع ۱۲۰۲
تشکیل دولت پنج‌روزهٔ سپهدار و اسامی وزیران او ۱۲۰۴
دولت صمصام‌السلطنهٔ بختیاری و نام وزیران او ۱۲۰۵
تصویب جایزه برای دستگیری یا کشتن محمدعلی‌شاه مخلوع و برادران او در مجلس شورایملی ۱۲۰۵
پناهنده‌شدن زرتشتیان کرمان به کنسولگری انگلیس و کشته‌شدن یکی از آنان ۱۲۰۷
ناآرامی و قتل‌و غارت درهمدان ۱۲۰۸
شکست سنگین نیروهای محمدعلی شاه مخلوع از نیروهای‌دولتی ۱۲۰۸
شکست نیروهای ارشدالدوله بدست بختیاریها ۱۲۱۱
بیکاری و گرانی و کمیابی در کرمان ۱۲۱۱
شکست کامل نیروهای محمد علی شاه مخلوع در فیروزکوه و سوادکوه و فرار خود او ۱۲۱۵
وعده‌دادنهای محمدعلی‌شاه مخلوع به‌مردم مشهد ۱۲۳۰
تلگراف سالارالدوله به مجلس شورایملی ۱۲۳۴
نامهٔ نایب‌السلطنه به مجلس شورایملی ۱۲۳۷
تنظیم برنامهٔ اساسی برای ادارهٔ کشور ۱۲۳۹

www.adabestanekave.com